[illegible]

بتاریخ شهر ربیع الاول سنه ۱۳۰۱ [illegible]

[illegible]

بجهت اطلاع عرض شد [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] شهر ربیع الاول سنه ۱۲۳۱ [illegible]

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

سپاس خدای را که واحد و صمد و قادرست مالک ذوالجلال حی فاطرست رازق خلق عالم ممارست خالق سپهر و نجوم زاهرست و عالم غیب داننده سرایرست ظاهرست و باطن است اول است و آخرست درود و تحیات بر مصطفی باد صلی الله علیه وآله وسلم که بر انبیا سید و سرور و فاخرست و بعد چنین گوید شیخ ابوالفضل حبیش بن ابراهیم بن محمد التفلیسی که چون از کتابت کتاب صحاح الابدان بر داشته نگاه کردم در کتاب اهل تعبیر که بپارسی ساخته بودند کتابی جامع و واضح نیافتم چنانکه ساخت و تاویل هر خوابی را از اقوال استادان این علم بجمله بیان در آن بیان کرده بود که استخراج هر خوابی ترتیب حروف مرتب مشروح باز نموده پس چون بر این ترتیب کتابی نیافتم که مفید باشد در این علم جهد کردم و رنج بر خود نهادم تا این کتاب را ساختم از بهر مطالعه نظر همایون سلطان معظم شاهنشاه اعظم سلطان سلاطین [illegible] مالک رقاب الامم عز الدنیا والدین غیاث المجاهدین قاتل المشرکین سلطان الروم والارمن والشام والافرنج ابوالفتح قلج ارسلان بن مسعود ناصر امیر المؤمنین اطال الله بقاءه و ابادا عداءه بر نسق حروف معجم تاویل پارسی واضح جمع آوردم از کتبی که در این علم نفیس مشهور و معروف است [illegible] اصول دانیال و کتاب تقسیم امام جعفر صادق علیه السلام و کتاب جوامع محمد بن سیرین و کتاب ارشاد جابر مغربی و کتاب تعبیر اسمعیل بن اشعث و کتاب الرؤیا مامون و کتاب بیان التعبیر عبدالله بن [illegible] و کتاب حل الاشکال المنامات و کتاب مبادی التعبیر قرقی و کتاب ایضاح التعبیر و کتاب تحقیق الرؤیا و کتاب کافی الرؤیا و کتاب تعبیر معروف بطالوسی و کتاب حفظ الرؤیا و کتاب تحفة الملوک و کتاب منهاج التعبیر [illegible] و کتاب [illegible] محمد بن شاهویه و کتب متفرقه از کلمات هر کس که در این علم تصنیف کرده بودند پس اختیار کلام ایشان یاد کردیم بر ترتیب اول هر خوابی بنسق حرف اول و دوم و سیوم در این کتاب یاد کردم و نامش **کامل التعبیر** نهادم زیرا که در این علم کتابی کامل تر از این نیافتم و آنچه هر کس را از این کتاب احتیاج باشد و هر که این تعبیر را نظر دارد از همه تعبیرها بی نیاز باشد و از قول استادان این صنعت اول

شش کس یاد کردم که هر یک در این فن یگانه وقت بوده اند اول قول دانیال پیغمبر علیه السلام که در بخت النصر بوده دوم امام جعفر صادق سیم محمد بن سیرین چهارم ابراهیم کرمانی پنجم جابر مغربی ششم اسمعیل بن اشعث رحمة الله علیهم و نخست پیغمبرانی که معبران بوده اند از ذکر ایشان [illegible] ذکر بیست در مقدمه و پانزده فصل بیاوردم و هر چیزی بموضع خویش ترتیب فرا نهادم تا بر خواننده و آموزنده آسان گردد و هیچ دقیقه از دقایق بر وی پوشیده نماند ان شاء الله تعالی **مقدمه** در فضیلت این علم **فصل اول** در شناختن حد و مراتب خواب **فصل دوم** اندر قسمهای خواب و عجایب آن **فصل سیم** اندر یاد کردن نفس و روح **فصل چهارم** اندر معرفت [illegible] خواب [illegible] **فصل پنجم** اندر معرفت خواب راست و دروغ **فصل ششم** اندر دانستن تفاوت میان خوابها و فصل خواب کسی بجواب کسی دیگر **فصل هفتم** در معرفت فرق میان خوابهای مردمان **فصل هشتم** اندر دانستن خوابی که بر معبر راست آید **فصل نهم** اندر دانستن خواب که فراموش کرده باشد **فصل دهم** در گذاردن خواب بقول [illegible] **فصل یازدهم** در معرفت از حال گشتن خواب با وقات و اختلاف ایشان **فصل دوازدهم** در معرفت شرایط و آداب علم با اهل خواب **فصل سیزدهم** در آداب نگاه داشتن معبر دلیل **فصل چهاردهم** اندر الحکم تعبیر اندر چند روی **فصل پانزدهم** اندر دانستن برخی از مسائل خواب که معبران بر این منسوب اند و بدانکه در فصل شانزدهم تاویل و معارف خدای تعالی و دیدن فرشتگان و پیغمبران ترتیب یاد خواهم کرد پس علم تاویل خوابها بنسق و نظام هر خوابی را در اول حرف او یاد و سیم را یعنی اگر اول آن خواب الف باشد نهاد در حرف الف و با بجوید این ترتیب از اول حروف تا آخر حرف اول و حرف دوم را نگاه دارد و استخراج این طریق سخت آسان آید و بر هیچ دانا این طریق پوشیده نماند چون در این کتاب بتامل نظر کند و از ایزد تعالی توفیق خواهم تمام کردن این کتاب و ثواب و [illegible] امید دارم از [illegible] والله اعلم بالصواب

مقدمه اندر فضیلت این علم بدانکه علم تعبیر علمی بزرگ [illegible] حق سبحانه و تعالی این علم را یوسف علیه السلام داد و بروی منت نهاد و چنانکه در کلام مجید خویش میفرماید و کذلک مکنا لیوسف فی الارض و لنعلمه من تاویل الاحادیث و چنانکه [illegible] اول چیزی از اثر نبوت که از [illegible] بر مصطفی علیه السلام نمود آن بود که فرشته [illegible] در خواب گفتی ای محمد بشارت ترا که حق تعالی ترا از جمله انبیا برگزیده و اختیار کرد تا آنجا که فرموده است فتحا قریبا و در قصه ابراهیم علیه السلام فرموده انی اری فی المنام انی اذبحک فانظر ماذا تری تا آنجا که فرموده قد صدقت الرؤیا انا کذلک نجزی المحسنین و در خبر چنین آمده است که این [illegible] یوسف علیه السلام بوده و علمی که معجزه باشد پیداست که علم شریف بزرگی بوده و بعضی از انبیا و رسل بوده اند ایشان را بتوفیق کرامت کشف [illegible] هشام بن عروه از پدر خویش روایت کند که او گفت در تفسیر این آیه که حق تعالی در قران مجید یاد کرده لهم البشری

فی الحیوة الدنیا از این بشری خواب صالحان را خواسته شد که مرد صالح خویشتن را خواب بیند یا کسی او را خواب بیند و در تحقیق
آیات و اخبار بسیار آمده که اگر جمله را یاد کنیم کتاب دراز گردد و در خبر است از انس که رسول صلعم گفت الرؤیا الصالحة جزء من ستة
واربعین جزءا من النبوة یعنی دیدن خواب مرد صالح جزئیست از چهل و شش جزو نبوت و این جزو از بهر آن گفت که چهل سال بود که
وحی بدو آمد و شصت سال بود که از دنیا رحلت نمود و در میان وحی آمدن بدو و بیرون شدن او بیست و سه سال بود و آنچه
خواسته بود در خواب ها می بود اندر مدت شش ماه از بیست و سه سال یک بهره بود از چهل و شش بهره پس رسول صلعم این حدیث را فرمود
و پیغمبران دیگر همچنان بودند آنچه خواستی ایزد تعالی پیشتر ایشان را بخواب نمودی و در خبر است از عبد الله عباس که خواب راست
وحی است از خدای تعالی به بنده مؤمن که وی را از خیر و بشری که بدو خواهد رسید آگاهی دهد پیش از آنکه آن چیز پیش آید و رسیده تا بنده
در دنیا مغرور نشود و از امر کردگار غافل نگردد و ابو هریره گفت که چون رسول الله بیمار شد یاران اندوهناک پیش وی آمدند گفتند
یا رسول الله بر تو هر ساعت وحی از آسمان آمدی ما را از کارها خبر دادی اکنون الیوم بالله اگر ترا اجل فرا رسد ما را که خبر دهد
و بجز کارهای دین چگونه دانیم حدیث فرمود بعد وفاتی ینقطع الوحی ولا ینقطع المبشرات یعنی بعد از وفات من وحی منقطع گردد
ولیکن بشارات منقطع نگردد ایشان گفتند یا رسول الله بشارات چیست فرمود الرؤیا الصالحة التی یراها الرجل الصالح او یری
له یعنی دیدن خوابهای صالح و پسندیده که مرد پسندیده بیند یا کسی دیگر برای او بیند و در خبر است از سعید خدری که رسول صلعم
یاران را همی گفت که چون کسی از شما خواب پسندیده و نیک بیند باید که خدای عز و جل را شکر و سپاس داری کند و آن خواب را با دوستان
و مؤمنان همی گوید و اگر خواب ناپسندیده بیند مرد صالح بود چند بار اعوذ بالله من الشیطان الرجیم گوید و از شر دیو پناه بخدا
برد و با هیچکس آن خواب را نگوید تا از آن هیچ گزند و مضرت بوی نرسد و در خبر است از امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام که او
گفت چون مؤمنی خوابی بر چیند باید برا خواب ببیند و چه بکند دانستن تعبیر آن تا آن خواب نیکو بهره شادی بر گیرد و از خواب بد حذر
کند یعنی بر طاعت و عبادت مشغول شود و ابن سیرین گوید که فریضت این علم بر دیگر علمها از آنست که هر علمی که طلب کنند اصلش مختلف نگردد
و قیاس نپذیرد و طریقها معلوم شود زیرا که یک طریق بود مگر این علم که از اصل نگردد و از احوال و هیئت مردم برآید و منفعت
و ضرر و دیانت و امانت و ارادت این نیز باختلاف و قت ها مختلف گردد زیرا که وقتی تعبیر اصل را باید کردن و وقتی بعکس
و وقتی از بهر مرد باشد و وقتی از بهر زن و وقتی اضغاث و احلام یعنی خوابهای شوریده و بدانکه هر علمی که علم دیگر مستغنی باشد
از علم دیگر و الا معبر باید که بغزارت علم تفسیر قرآن داند و اخبار مصطفی صلعم و امثال عرب و عجم و اشعار و نوادر و اشتقاق لغت
و الفاظ متداوله یعنی از یکدیگر فرا گرفتن و نیز باید که بزرگ و لطیف باشد و احوال مردمان نیک شناسد و قیاس ارشد

پیغمبران گرداند پس چون علم تعبیر چندان کمال و فضیلت دارد بر خردمند واجب است که این علم نفیس را نیک بیاموزد و بداند که
از دانستن این علم وی را بسیار رشادت و زینت و هنر و ثواب حاصل شود زیرا که عالم و جاهل و خاص و عام را بدین علم حاجت بود
مگر القوم را که ایزد تعالی در شان ایشان فرموده اولئک کالانعام بل هم اضل سبیلا **فصل اول** اندر شناختن حد خواب و مزاج
و در این فصل بیان کنیم که حد خواب و مزاج وی چیست این قدر بر خوانند و آموزنده کتاب را پوشیده نباشد انشاء الله تعالی بدانکه
قول حکما سبب وجود خواب بخارهای تر معتدل باشد که از تن بسوی دماغ بر شود بعد از خوردن طعام و آن بخارها و که بفتنت
اندر تن موجود شود یکی آنکه جمله اندامها و حواس ماندگی آمده دویم طعامها که خورده هضم شود و امیزشهای تن پخته کرده و این چنین خواب را
پزشکان خواب طبیعی گویند و بعضی از حکما گفته اند که خواب گذاشتن روح است استعمال حواس را و بعضی گفته اند که خواب فعل است
از افعال دماغ و از اندامهای دیگر نیست و از فعل طبیعت زیرا که او راحت قوتهای دماغ است یعنی قوت تخیل و قوت فکر و قوت
ذکر از او نیز در وی راحت است و این قوتها که یاد کرده شد حرکتهای روح نفسانی اند و موضع ایشان دماغ بود و آسایش ایشان
بخواب است تا روح نفسانی آرمیده گردد و دلیل بر این آنست که چون کسی بتعلیم علوم مشغول گردد و بپیچد گرمی و خشکی بر مزاج دماغی
وی غالب شود و پس روح نفسانی از بسیار حرکت کردن ضعیف گردد و از آن کس در مزاج بیماری حاصل آید و معالجه ایشان باید کردن
بچیزهای سرد و تر چون روغن بنفشه و روغن نیلوفر و آنچه بدین ماند و بدانکه از قول حکما خواب دو گونه بود یکی خواب طبیعی
و دویم خواب غیر طبیعی اما چون خواب طبیعی قوت طبیعی را بزور دهد زیرا که حرارت غریزی اندرین محبس گرداند یعنی گرمی
اصلی تن را از اندرون تن نگاه دارد و پس قوت طبیعی قوی گردد و چون بسیار خسبد قوت نفسانی را سست گرداند بسبب آنکه
تری بر وی چیره شود و سستی وی از جهت آن بود که گذرگاه روح نفسانی در اندامها بسته گردد و تیزی جوهر روح نفسانی از خیرگی
تیره شود و لیکن تن زایل کند و فضلها که اندر تن آمده باشد جمله را بعرق از اندامهای تن دفع کند و خوابی که از غیر طبع بود از کوته
باشد یکی از فساد مزاج و تن دویم از زیاده شدن بعضی از آمیزشهای تن یعنی خون و صفرا و بلغم و سودا سیم از خوردن
غذاهای غلیظ و زیان کار باشد و بدانکه مزاج خواب سرد و تر است زیرا که باران از سردی دماغ و از تری دماغ ظاهر شود
دلیل بر این آنست که چون بر دماغ کسی گرمی و خشکی غالب شود البته خوابش نیاید و اگر سردی و تری غالب آید بسیار خسپد
و از خواب سیر نگردد و پس اگر کسی اعتراض کند و گوید بچه دانستی که خواب فعل است از افعال مغز سر و در راحت قوت تخیل و قوت
فکر و عقل است و آسایش نیست که باز دانستم که از ناخفتن بهر سه قوت ضعیف و خلل یافتم پس از طریق عقل بدانستم که بجای که حقیقت
راحت و آسودن است و خفتن باعتدال راحت پیدا است و آسایش قوتهای دماغ است پس بدین سبب اداوت شد که خواب

فعلی است از افعال نفس و سر و شرح خواب طبیعی و غیر طبیعی و صفت قوت تخیل و قوت فکر و ذکر را بحجت و برهان از اقوال حکما
قدیم در کتابی که نامش کفایة الطب نهاده ایم جمله را بکمال در آنجا بیان کرده ایم چنانکه خواننده و آموزنده نیک فهم کند انشاء الله
اما اندرین کتاب بیشتر ازین بحث باز نمودن احتمال نگیرد تا خواننده را ملالت نیفزاید فصل دویم اندر قسمهای خواب و عجایب آن
و امثال آن گوید که خواب اندر اصل دو چیز است یکی آگاه کننده از حقیقت حالها و دویم پیدا کننده انجام کارها و این دو اصل که
بر چهار قسم است یکی خواب الهام یعنی فرماینده و دوم محذر یعنی باز دارنده سیوم منذر یعنی ترساننده و چهارم مبشر یعنی مژده دهنده
و عبدالله مسعود گوید که رسول صلعم گفت که الرؤیا ثلثة اقسام قسم من الله و بشری للمؤمنین فی حیاتهم و اما ذنی من الشیطان لیحزن الذین
امنوا و الثالث اضغاث احلام امام جعفر صادق ع گوید اصل خواب بر سه قسم است یک قسم را خواب محکم خوانند و دویم را متشابه
سیوم اضغاث احلام و خواب اضغاث احلام را چهار گروه بینند یک گروه کسانیکه طبعشان [illegible] باشد و دویم گروه
مستان سیوم کسانیکه غذاهای غلیظ و سودائی خورده باشند چون بادنجان و نمکسود و عدس و آنچه بدین ماند و چهارم گروه کودکان
نابالغ محمد بن سیرین گوید که خواب بر دو قسم است یکی را خواب محکم خوانند و آن راست و درست باشد و دویم را اضغاث احلام
خوانند یعنی خوابهای مختلف از هر نوعی و در هم آمیخته بتازی ضغث گویند زیرا که از هر نوعی گیاه اندران بود از تره و حشیش
و رنگ و سرخ و آنچه بدین ماند و این قسم که آنرا اضغاث احلام گویند از سه گونه بود برخی از غلبه طبع باشد و بعضی از غایت دیو
و برخی از حدیث نفس باشد و خواب این قسمت البته درست و راست نباشد کرمانی گوید خواب بر سه قسم است اول خواب
که بشارت باشد بنده را از خدای تعالی و قسم دویم آن بود که مردم را دیو وسوسه کند قسم سیوم آن باشد که با نفس خویش مردم سخنی گوید
و از هوس النفس در خواب بیند اما آن خواب که راست باشد فرشته نماید از فرشتگان مقرب و آن فرشته از لوح محفوظ بر مردم از بهر
بشارت یا بجزائی که مردم کرده باشند یا خواهند کرد یا دیو را برسانند بسبب گناهی که کرده باشد یا خواهد کرد تا بنده پناه گیرد بحق تعالی
و از وی بترسد و زنهار خواهد تا شر آن خواب را از وی دفع کند و غفران زده به بنده رساند و ازین سبب است که چون مردم خواب
بیند و فراموش کنند و یرا گویند توبه کن که فراموش کردن خواب از معصیت باشد زیرا که نماینده خواب فرشته ایست از لوح محفوظ
جابر مغربی گوید که خواب بر دو قسم است یک قسم از وی خواب راست است و یک قسم خواب دروغ اما خواب راست بر سه وجه است
خواب را مبشر خوانند و دویم را محذر و سیوم را الهام اما خواب مبشر آن است که ایزد عزوجل فرشته موکل کرده است بر لوح محفوظ
تا آنچه خواهد گذشت بر سر فرزندان آدم از نیک و بد آن فرشته از لوح محفوظ به وحی بنماید و آن فرشته را ملک الرؤیا گویند
پس چون کسی را بشارت خواهد رسیدن اندر کارهای دنیا و آخرت آن فرشته بتوفیق الله تعالی آن کس را در خواب بنماید از بهر دو چیز

یکی از بهر

یکی از بهر پند دادن مسلمانان دویم از بهر حجت گرفتن با کافران و خواب تحذیر آنست که ایزد تعالی همان فرشته را توفیق دهد
تا اندر خواب بنماید بنده را که چیزها که وی را از طاعت دور خواهد کرد و معصیت نزدیک تا بنده از آن حذر کند و خواب الهام آنست
که ایزد تعالی فرشته را توفیق دهد تا اندر خواب بنماید بنده را که طاعت و نیکوئی از حج و غزا و نماز شب و صدقه دادن و ستم و ظلم ناکردن
و داد باید دادن و بدانکه خواب دروغ بر سه وجه است یکی را خواب همت خوانند و یکی را خواب علت سیوم را خواب ابلیس یعنی آشفته و مختلف
اما خواب همت آن بود که مردم به بیداری چیزی همی اندیشد و چون بخسپد همان اندیشه را بخواب بیند و آن خواب را اصلی نباشد
و تاویل وی راست نیاید و خواب علت آنست که مردم از بیماری یا درد اندامی نالند و چون بخسپد آن خلط با آن درد بر وی غالب گردد
و چیزهای سهمگین و منکر را در خواب بیند و سبب آن خواب آن بیماری و درد باشد و چنین خوابی را اصلی نبود و خواب ابلیس آنست
که تن شستن واجب و یا چیزی ناممکن را بخواب بیند که از اضغاث احلام بود و آن را تعبیر نباشد چنانکه ایزد تعالی در کلام مجید
فرموده قالوا اضغاث احلام و ما نحن بتاویل الاحلام بعالمین و امیر المؤمنین ع فرمود از عجایب که خدای تعالی آفریده یکی خواب است و آنچه
در خواب بینیم از خیر و شر بعد از آن حکم ایزدی با آن همی رسد ابن سیرین گوید از عجایب خواب یکی آن است که مردی در خواب خیری
و راحتی بیند با شرف [illegible] در راحت شروع افتد به بیداری بدو رسد و نیز از عجایب خواب یکی آن است که بسیار
مردم باشد که او گنگ و احمق بود و چنانکه به بیداری نتواند تا درست گوید و بسیار مردم جاهل باشند که در خواب سخنهای حکمت
آمیز گویند چنانکه هیچ حکیم و عالم سخن نتواند گفت و چون بیدار شوند آن سخنها را باز گویند از قدرت الله تعالی پس معبر گوید از عجایب
خواب یکی این است که مرد در خواب لغتهای غریب گوید و تفسیر آن بکند و در بیداری هیچ از آن نداند کرمانی گوید از عجایب خواب
یکی آنست که مردم در خواب چیزی بیند که وی را باشد و تاویل چنان بود که آنچه که در خواب دید فرزند وی را باشد یا برادر وی را چنانکه
چنانکه مصطفی ص کرمی در خواب دید که اسید امیر مکه مسلمان گشته بود و آن خواب به پسر وی عتاب بن اسید رسید و نیز باشد که
چون کودکی خواب بیند تاویلش پدر و برادر را بود و نیز باشد که بنده خواب بیند تاویلش خواجه وی را باشد و از این عجایب
خواب بسیار است که اگر جمله را یاد کنیم کتاب دراز گردد و خواننده را ملال افزاید فصل سیم اندر یاد کردن نفس و روح
بدانکه خدای عزوجل در قرآن میفرماید الله یتوفی الانفس حین موتها والتی لم تمت فی منامها فیمسک التی قضی علیها الموت
و یرسل الاخری الی اجل مسمی ایزد تعالی خبر کرده ما را که نفس را با خویشتن گیرد و در بیداری باز که از دو گروه را باز دهد و بدانکه در میان
حکما و علما در میان نفس و روح اختلاف است بعضی از ایشان گویند که هر دو یکی است یعنی نفس و روح جان است و بر این دلیل
آورده اند و گویند که نفس در کلام عرب بر شش است یکی تن دویم جان سیم خون چهارم آب پنجم [illegible]

و همچنین گویند که روح در کلام عرب دوازده معنی دارد یکی جان دوم نسیم باد سیم کلام حق تعالی چهارم جبرئیل پنجم رحمت خدای تعالی ششم وحی
هفتم فراخی هشتم افسون که بر کسی خوانند نهم عیسی ع دهم زندگانی که در او مرگ نباشد یازدهم فرشته که او پیش خویش یک صفت
دارد و همه فرشتگان یک صفت دارند دوازدهم درد میدهد و گویند که چیزی که در خواب بیند آنست که از تن بیرون آید و با سمان رود
جز آن خدای تعالی هر چه دیده است یا شنیده یا دهی دارد باز در تن آید و بر تن قول حجت آرند در خبر است از پیغمبر ع که فرمود که
چون بنده بر طهارت بود و ذکر خدا بر زبان دارد و بر این صفت بخسپد جان وی را بر آسمان برند و بعضی از معبران گفته‌اند که این
معنی درست نباید از آن سبب که اگر جان از تن بیرون رفتی خفته را حرکت دم زدن نبودی پس چون این هر دو در خفته هست دلیل کند
که جان از تن بیرون نرود و بعضی از علما گفته‌اند که روح بپارسی جان بود و نفس روان جان از تن خفته باشد اما روان از تن بیرون
آید و گرد عالم بگردد و باز بتن آید و آنچه دیده جان را خبر کند و بر این قول دلیل آرند و گویند مثل جان چون آفتابست و مثل روان چون
روشنی اگر قرص آفتاب در فلک خویش است روشنی او در همه جهان گسترده است و بعضی از فلاسفه گفته‌اند که جان و روان در اصل
یکی است از راه خرد پس فرق نیست میان ایشان زیرا که صفتشان بقیاس عقلی چون یخ از آب است و آب از یخ و بدانکه
نفس در نزد ارسطاطالیس مبداء اول است و او شریف‌تر و بزرگتر است از روح و صفت نفس و روح از اقوال حکما و علما در
هر کتابی که دانش شان اثبات است مشروح تر ازین بیان کرده شده تا این قدر معلوم بود اما نزدیک اهل اسلام روح امر
... است چنانکه در کلام مجید فرموده یسئلونک عن الروح قل الروح من امر ربی و ما را بجهد ... که اعتقاد ...
هست و با خبار پیغمبر ... اما از گفته آنچه پیش ازین یاد کرده شد مقصود آن بود که کتاب از قول حکما قدیم خالی نباشد ...
... نگاه دارد و توفیق خیر و طاعت ارزانی داراد ... **فصل چهارم** اندر معرفت درستی خواب
بعلامتها گویند هر که خواهد درستی خواب خویش دلیل و علامت نیک باید که جهد کند که بر طهارت خسپد بر پهلوی راست و بهنگام خفتن
خدای تعالی را یاد کند و طعام بسیار نخورد زیرا که هر که طعام بسیار خورد معده اش پر گردد و بخار طعام بر مغز سر شود و دران ...
عقل ازان بخار ... یابد پس ازین سبب خوابهای آشفته و مختلف بسیار بیند و چون معده از طعام خالی بود و گرسنه خوابهای
آشفته بیند زیرا که چون طبیعت غذا نیابد سست و ضعیف شود پس باید که در هنگام خفتن نه سیر باشد و نه گرسنه تا خوابی که بیند
درست و راست آید و نیز خواب را فراموش نکند در خبر است از عبدالله مسعود که مردی اعرابی نزد رسول خدا ع آمد و گفت دوش چنین
دیدم و خواب ... آغاز کرد حضرت فرمود ای اعرابی دوش چه خورده گفت یا رسول الله ... بسیار خوردم و سیر مانده بودم
رسول ع فرمود این خواب را تاویل نیست پس دانستم که چون مرد سیر بود یا گرسنه مانده تاویل خواب وی درست نباشد و از بهر آنست

که معبران

که معبران بسیار خوابها را تعبیر نکنند و تاویل آن درست می نیاید پس معبر باید که از دانستن این چیزها غافل نباشد و چنین چیزها از
سایل بپرسد بعد از آن تاویل خواب کند تا آنچه گوید درست آید و علامتهای درستی خوابها چنین بود که یاد کرده شد ابن سیرین گوید
که بسیار خوابست که چون کسی بیند الحق سزاوار و اهل آن خواب نبود و تاویلش بکسی از خویشان وی باز گردد یا بفرزند یا برادر یا پدر
یا از کسی که تعلقش باشد و نیز باشد که این حال از پس سالی بود چنانکه پیش ازین در خواب ابو جهل بیان کردیم پس دلیل
راست شد که بسیار مردم باشند که خواب بینند و چون اهل آن نباشند تاویلش بمادر و پدر یا از کسی دیگر رسد که سزاوار
آن باشد چنانکه کودک بالغ و اگر زن بیند بر شوهر چون معبر اصل این چیزها دانسته بود بروی هیچ چیز مشکل نشود و امام جعفر
صادق ع گوید که بسیار خوابست که بینند در اصعب و سهمگین نماید و تاویلش بخلاف آن بود چنانکه غم و اندوه در خواب شادی
و ... از بیم پادشاهان و دشمن و آنچه بدین ماند دلیل آنکه خدای تعالی در خواب در امان و زینهار خدای تعالی باشد قوله تعالی
انی لکم نذیر مبین و امثال اینها را تاویل بسیار است ولیکن معتبر هر یک در موضع خویش بیان کرده شود ان شاء الله تعالی **فصل پنجم** اندر معرفت
خواب راست و دروغ دانیال گوید همچنانکه مردمان مختلف باشند در شکل و صورت و طبایع و باد و سخن گفتن مانند خواب ...
شهر هر یکی بیکدیگر نماند و چون بر طبع مردم خون غالب گردد از بسیاری گوشت خوردن و حلوا و شراب و چیزهای سرخ بسیار بیند
و در وی نشاط و شادی بیند نه بر وقت و هنگام باید دانستن که آن بعلت غالب شدن خون است و آن خواب را اصلی نیست و چون بر طبع
صفرا غالب شود در خوردن چیزهای صفراوی چون کبیر و پیاز و سیر و چیزهای گرم و خشک در خواب چون آتش و چراغ و شمع
... و چیزهای زرد بسیار بیند و چون معبر وی را از اندازه گونه ... بسیار گوید دانسته که صفرا
بروی غالب شده است و خواب وی را اصل نبود زیرا که از چیره صفرا بود و چون بر طبع مردم بلغم غالب بود از خوردن چیزهای
بلغمی چون دوغ و ماست و شیر و آنچه بدین ماند در خواب برف و باران و نم و آبها و ژاله و چیزهای سفید بسیار بیند چون معبر
نیک بنگرد و گونه وی را سفید و تنش را فربه داند و سخن وی گرانی بیند داند که بلغم بر وی غالب شده است و خواب وی را اصلی
نیست که بیشش از چیره بلغم است و چون بر طبع مردم سودا غالب شود از خوردن چیزهای سوداوی چون گوشت گاو و
... و بادنجان و آنچه بدین ماند در خواب ترس و بیم و دود و سیاهی و تاریکی و چیزهای سهمگین بسیار بیند چون معبر نیک
بنگرد و بیند که رنگ روی وی تیره است و با حیرت و اندیشه و سست و بی طبع روی در پیش دارد همی داند که سودا
غالب بوده و خواب وی را اصلی نیست پس از راه خرد واجب است بر معبر که این چیزها که گفتیم بداند و نگاه در خواب هر یک را
بپرسد و بران واقف گردد و بنگرد که ازین طبایع مذکوره کدام بروی غالب است تا این حالها بروی پوشیده نماند و چون

بر همه واقف گشت خواب را چنان تعبیر کند که واجب بود و ابن سیرین گوید کمتر کسی نیکا اصحاب است بیشتر چون عاشق که معشوق را
بخواب بیند یا کسی که پیشه داشته باشد و همان پیشه را بخواب بیند چون جولاهه که کرباس بافتن بیند بر معبر واجب است که چون خواب
جامی بیدار شود خواب را از هر گونه بود و از سبیل از بر پرسد که دوش چه خورده بود و چه اندیشه خفته بودی تا چنان تعبیر کند که خواب
کند یا کسی بخواب بیند که در زمستان برف و باران و سرما گرفتار است چون بیدار شود جامه از وی دور شده باشد اکثر اما بخواب دیدن
سبب برهنگی بجامه بود و این چنین خوابها را اصلی نباشد یا بخواب بیند که در گرمابه بودی یا اندر آفتاب چون بیدار شود جامه
بسیار پوشیده باشد اگر ما یافتن وی از سبب جامه بود و اگر کسی بیند که از عطش همی نالید و درد در اندام او افتاده بودی و بیخ
بجوز داشتی چون بیدار گشت آن درد و عذاب از علت وی باشد یا کسی بیند که در جائی بول کرد چون بیدار شود بول
بر وی چیره گشته این چنین خوابها را اصلی نباشد و خوابهای چنین اضغاث احلام باشد **فصل ششم** اندر دانستن تفاوت
بینا خوابها و فضل خوابها بر خواب کسی دیگر ابن سیرین گوید که خداوند خواب از دو حال بیرون نیست یا مؤمن است یا کافر
و اصل این بر چهارده نوع است **اول** خواب پادشاهان **دویم** خواب عاملان **سیم** خواب فقیهان **چهارم** خواب عالمان
پنجم خواب آزادان **ششم** خواب بندگان **هفتم** خواب مردان **هشتم** خواب زنان **نهم** خواب
ستوران **دهم** خواب طفلان **یازدهم** خواب توانگران **دوازدهم** خواب درویشان **سیزدهم** خواب
بالغان **چهاردهم** خواب نابالغان اما از این چهارده نوع که یاد کردیم درست‌تر و راست‌تر خواب پادشاهان است
و خواب پادشاهان را بر خواب رعیت چنان فرق است که فضل پادشاه بر رعیت که ایزد تعالی کرم و
پادشاه را برگزید و سروری داد و او را بر خلق که با انواع تمیز شجاعت و سخاوت و علم و رای و خلق نیکو را فرموده
و طاعت پادشاهان بجای آرند قوله تعالی اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم و پیغمبر فرموده من اطاع الامیر فقد اطاع الله
و رسوله و من عصی الامیر فقد عصی الله پس هر پادشاه که پادشاه مصلح عادل است و دستور بلند از امام درجت و جهانبود و از ایزد تعالی او را
خواب که دید و خواب وزیران پادشاه نزدیک بود بخواب پادشاه و چنان که هر که با پادشاه نزدیک‌تر بود خواب وی درست‌تر
بود خاصه چون پارسا و مصلح بود و خواب قاضی را فضیلت بر خواب دیگران است زیرا که عدل و انصاف و نظر کردن در کار خلق
و عام و گشادن کارها از قاضیان بود و خواب فقیهان با اصول فقه و حدود و مسلمانان از فرایض و سنن حلال و حرام از ایشان
بتوان دانست و خواب آزادان را فضیلت بر خواب بندگان است از بهر آنکه ایزد تعالی ایشان را شرف و نسب داده است و خواب
عالمان فضیلت بر خواب دیگران است برای آنکه خدای تعالی ایشان را از توفیق او خلق را ارشاد دهد و معجزات و حکایات ترغیب کنند

و خواب بنده خداوندش را صفت و بنده و از آن اندکی ضعیف‌تر بود و چون آزاد شود جوابش چون آزادگان و خواب مردان را
فضیلت بر خواب زنان از بهر آنکه ایزد تعالی مردان را برگزید و یکصد و بیست و چهار هزار پیغمبر فرستاد که همه مردان بودند و مردان را
بر زنان اختیار کرد و قوله تعالی الرجال قوامون علی النساء بما فضل الله بعضهم علی بعض و جای دیگر فرمود فللذکر مثل حظ الانثیین و جای دیگر
فرجال امرائهم مع برینون و چنان دان که ایزد تعالی صبر و خرد و رای امارت و بزرگی و شجاعت و قضا و پادشاهی و عدالت همه بدین
اندر جمله مردان نهاده و خواب زنان نزدیک است بخواب بندگان و خواب صالحان فضیلت بر خواب فاسقان از بهر آنکه صالحان
بنیکی و طاعت میل کنند و از معصیت دور باشند و خواب فاسقان روز قیامت سخت باشد چنانکه بر کافران زیرا که فاسق بر معصیت دلیری کند
و از روز قیامت نیندیشد و خواب توانگران را فضیلت بر خواب درویشان از بهر آنکه زکوة و صدقه دهند و خیر کنند چون حج و غزا
و رباط و مانند این و پیغمبر فرمود الید العلیا خیر من الید السفلی یعنی دست بخشنده بهتر است از دست ستاننده و خواب درویشان را
بنا شد از بهر آنکه درویشان همواره مشغول باشند بیم و اندیشه عیال و فرزندان چون درویش خواب نیکو بیند اثر آن دیر پدید آید
و چون خواب بد بیند در وقت پدید آید و خواب توانگران بر خلاف این باشد و خواب کودکان نابالغ ضعیف بود زیرا که شهوت
بر ایشان غالب نبود و او را عقل تمام نبود و بعضی از معبران گفته‌اند کودک نابالغ چون خواب نیک بیند نیکی آن پدر و مادر را
و بدی آن زیان ندارد و خواب کودکان نابالغ را دو قول است قولی آن است که خواب ایشان درست و راست‌تر بود و حکمش زودتر
پدید آید از بهر آنکه دل کودکان از زنگ گناه نگرفته باشد و از شغل دنیا فارغ باشند و قول دویم آن است که خواب کودک راست‌تر نبود از بهر آنکه
کودک را عقل و هوش بسیار نبود و بعضی ... که خواب ... یا دیگر او عبادت کنند و خواب ستوران ... مانند آن درست نباشد
و ایشان را ... ابن سیرین گوید که خواب ایشان درست بود از بهر آنکه بسیار کین پلید و جهودان و ترسایان باشند که خواب ایشان راست آید
چنانکه صفیه خیبری بخواب دید که ماه و آفتاب از آسمان فرود و در کنار وی افتاد چون از خواب بیدار شد امیر خیبر را از این خبر داد او کو
خبر را از این خبر داد کرد امیر مشتی بر روی صفیه زد و گفت اگر خواب راست گوی تا محمد خیبر را بستاند و ترا زن خود کند دیگر روز پیغمبر خیبر را
فتح کرد و لشکر اسلام صفیه را پیش وی آورد و مادر صفیه پرسید این چه کبودی است بر روی تو گفت یا رسول الله من چنین خوابی دیدم و قضیه
بگفت و همچنان خواب وی راست آمد پس از این سبب گفتم که خواب مشرک و جنب و حائض همه راست باشد **فصل هفتم**
در معرفت فرق میان خوابهای مردمان گرامی گوید خواب مسلمان بهتر از خواب کافران بود و خواب دانا بهتر از خواب نادان باشد
و خواب صالح بهتر و درست‌تر از خواب فاسق باشد و خواب نیکمرد بهتر و راست‌تر از خواب بدمرد باشد قوله تعالی ام حسب الذین اجترحوا
السیئات ان نجعلهم کالذین آمنوا و عملوا الصالحات سواء محیاهم و مماتهم ساء ما یحکمون و خواب پیر راست‌تر از خواب جوان است و خواب

و خواب جوان بهتر از خواب کودک باشد و خواب آزاد بهتر از خواب بنده و خواب زن آزاد بهتر از خواب کنیزک باشد پس معبر باید
که وقت گزاردن خواب این مراتب را نیکو نگاه دارد و چون خداوند خواب سؤال کند و الفاظ پراکنده و شوریده گوید را قیاس حقیقی است که نخست
لفظ اول را با آخر ببرد و در عکس و آن وقت تعبیر کند تا چون در آن کلام را نگاه داشته و پراکندگی نیفتد و آنچه گوید صواب گوید زیرا که حکمای
قدیم قیاس بر این کرده‌اند و آنچه گفته صواب و درست آمد **حکایت** چنین گویند که مردی از ابن سیرین سؤال کرد که به خواب
دیدم که بانگ نماز همی گفتم ابن سیرین گفت حج گزاری و دیگری سؤال کرد که در خواب دیدم که بانگ نماز همی گفتم ابن سیرین گفت
ترا به دزدی متهم کنند شاگردان گفتند یا استاد در یک ساعت یک خواب را [illegible] دو تعبیر کردی یکی را حج و دیگری را به دزدی متهم کردن و صورت خواب
هر دو یکی بود ابن سیرین گفت زیرا که اندر آن یکی سیمای خیر دیدم و [illegible] گفتم که حج گزاری قوله تعالی واذن فی الناس بالحج یاتوک
رجالا و در آن دیگر سیمای بد دیدم و [illegible] گفتم که ترا به دزدی متهم کنند قوله تعالی ثم اذن مؤذن ایتها العیر انکم لسارقون امام جعفر
صادق گوید که خوابی که بروز بینند حکم تأویل آن نزدیک‌تر باشد که در شب بینند تأویل آن تا بیش ماه بود و در روز تا یکسال تا
تا بیست سال چنانکه خواب یوسف بعد از بیست سال درست شد و شنیدم تا چهل سال کشید چنانکه خواب پیغمبر که در خواب دید که سگی
خون وی همی خورد و پس درستی آن بعد از چهل پدید آمد از کشتن امام حسین آنجا بر معبر بدو گوید که دلیل خواب شب اقوی از خواب روز باشد
و خوابی که در اول شب بینند درست نباشد زیرا که سبب تفکر و اندیشه و اشتغال و خوابی که نیم شب بینند هم درست نباشد زیرا
که امتلای طعام بود که دیو بر مردم [illegible] و بهتر و درست‌تر خوابها آنست که سحرگاه بینند بوقت صبح یا بعد از صبح زیرا که خواب
و فرشته مقرب از لوح محفوظ بر مردم نماید پس از آن سبب تأویلش راست و درست بود و ابن سیرین گوید که در اول شب بینند حکم تأویلش [illegible]
تمام بود و آنچه به نیم شب بینند حکم تأویلش بیست سال تمام شود و آنچه در وقت سحر بینند حکم تأویلش بیست سال تمام شود و اسمعیل اشعث
گوید بسیار خوابهاست که حکم تأویلش زود ظاهر شود و بسیار خوابهاست که حکم تأویلش دیر ظاهر شود چنانکه اگر در اول شب خواب
بینند حکم تأویلش به بیست سال ظاهر شود و اگر نیم شب خواب بینند حکم تأویلش به پنج سال ظاهر شود و اگر سحرگاه بینند حکم تأویلش
تا ده روز ظاهر شود علی الجمله هرچند خواب به روز نزدیک‌تر باشد حکم تأویلش زودتر باشد **فصل هشتم** اندر روایت فال و زجر
تا بر معبر [illegible] آنکه در دنیا [illegible] که هر که خواهد تعبیر کند چاره بود که علم زجر و فال که حکمای قدیم بیان کرده‌اند [illegible] بداند چنانکه اگر کسی
از وی تعبیر خواب پرسد معبر باید که نام وی بپرسد اگر نامش دلیل بر خیر کند چون احمد و محمد و حسن و حسین و سعید و فضل و سهل و بشیر و حبیب
و منصور و فتح و نجاح و فرخ و صالح و مانند آن بود اگر این جمله دلیل بود در نیکی و خیر و خوبی که بر آن کس رسد و اگر نامش بخلاف این باشد
دلیل بود بر غم و اندوه که بر وی رسد و چون کسی از وی تعبیر خواب می‌پرسد معبر در آن زمان در پیش خود آب و آتش یا [illegible] بیند و خوش

پسندیده

پسندیده و نیک باشد و نیز اگر کسی چیزی کند خاصه آب و آتش را با زین و لگام [illegible] قوله تعالی والخیل والبغال والحمیر لترکبوها و اگر سائل بپرسد
و اندر آن زمان کلاغ یکبار بانگ کند دلیل بر خیر و نیکی بود که به وی رسد و اگر کلاغ دو بار بانگ کند دلیل بر شر و بدی بود که به وی رسد [illegible]
معبر گوید که مردی خوابی دیده بود و از عبدالله عباس بپرسید در آن وقت کلاغی بیامد و بر دیوار خانه آمد و نشست و دو بار بانگ کرد
آنچه واجب آید [illegible] عبدالله [illegible] گفت که من شما را گفتم که چون کسی تعبیر خواب پرسد در آن وقت کلاغ دو بار بانگ کند دلیل
خواهش مضرت و شر بود و اگر چهار بار بانگ کند دلیل خواهش به خیر و نیکی بود و اگر پنج بار بانگ کند [illegible] کلاغ بر وی بانگ کند
هلاک شود و اگر شش بار آواز کند بجهت نیک بود زیرا که هر مقصود و امیدی که [illegible] برسد از آن سبب که چهار بار دلیل
بر خیر و خرمی است شش بار نیز بر چیزهای خوب [illegible] ابن سیرین گوید که [illegible] اگر کلاغ [illegible] یکبار [illegible]
یا هفت بار کند این جمله دلیل بر نیکویی بود و علامت آن باشد که بمقصود و مراد برسد چنانکه علم دلیل خوابها در این دو فصل صفت کرده
اندر آن باشد که در فصل بهار و تابستان [illegible] امام جعفر صادق گوید خواب [illegible] خوابها چنان بود که مردم
که احوال نیک و بد آن را بدانند بدین صفت اگر در خواب گوسفند یا بره بیند یا گاو یا اسب یا مانند این چیزها یا بیند که از گوشت
ایشان بخورد این جمله نیکو بود و علامت آن بود که مراد حاصل شود و اگر بخواب شتر و گرگ یا [illegible] کژدم و سگ [illegible] دلیل
بر بد باشد و علامت آن باشد که کارش بنیاید و باشد که سرانجام بدست پادشاه ظالم افتد و اگر بیند که [illegible] بخورد یا طعامی
شیرین یافت از آن بخورد دلیل کند که مراد وی حاصل شود و بکام دل برسد و اگر بخلاف این بیند بد باشد **فصل نهم** اندر روایت خواب
که فراموش کرده باشد امام جعفر صادق گوید که چون کسی خوابی دیده باشد و فراموش کرده باشد و معبر خواهد که خواب وی را باز داند طریقش آنست که
نام وی بپرسد و حروفهای نامش را بشمارد و در آورده و با هم جمع کند و از آن پس نه طرح کند و باقی را نگاه دارد که چند مانده است مثلا اگر
نه مانده باشد بخواب [illegible] دیده باشد و دلیل [illegible] کند قوله تعالی و کان فی المدینة تسعة رهط یفسدون فی الارض و اگر باقی هشت مانده
در خواب سفر یا تزویج دیده باشد قوله تعالی [illegible] ثمانی حجج فان اتممت عشرا و اگر هفت مانده باشد بخواب گاوان یا سگان دیده باشد و یقولون سبعة
و ثامنهم کلبهم قل ربی [illegible] و اگر [illegible] دیده باشد همین تأویل دارد و قوله تعالی سبع [illegible] و اگر شش مانده باشد [illegible]
صالح و مستور بود و دلیل کند که فرشتگان و مردمان صالح دیده باشد و تأویلش تمامی شغل وی باشد قوله تعالی خلق السموات والارض فی
ستة ایام و اگر پنج مانده باشد بخواب آسمان [illegible] دیده باشد و اگر چهار مانده باشد در خواب آسمان و ستاره را دیده باشد قوله تعالی فی اربعة
ایام و اگر سه مانده باشد دلیل بود که با کسی راز گوید یا کسی با وی رازی گفته ما یکون من نجوی ثلثة و اگر دو مانده باشد با کسی [illegible] کند که او را [illegible]
و دنیا منفعت دارد [illegible] ثانی اثنین اذ هما فی الغار و تأویلش آنست که از آنکه ترسد ایمن گردد و آنچه امید دارد برسد و اگر یکی مانده باشد

دلیل کند که در جواب پادشاه یا مردی بزرگوار و یگانه و بی شبه هو الله الواحد القهار تاویلش این است که جا جهای ... دارد
و بختا فرج یابد و بر او مقصود رسد ابن سیرین گوید چون کسی خوابی دیده باشد و فراموش کرده باشد و معبر خواهد که خواب وی را باز داند
طریق آن است که غذا و دفع او را گوید که دست بر اندام خویش نهد اگر دست بر سر نهد بداند که بخواب آتش و زمین دیده باشد و اگر دست
بر چشم نهد بداند که چشمه آب شور دیده است و اگر دست بر بینی نهد بداند که مرغزار دیده است و اگر دست بر دندان نهد بداند که چشمه
خوش گوار دیده است و اگر دست بر گوش نهد بداند که مغاک کوه دیده است و اگر دست بر ریش نهد بداند که گیازار و نبات دیده
و اگر دست بر گلو نهد بداند که کاریز یا نقب دیده است و اگر دست بر سینه و دل نهد بداند که مسجد یا صومعه یا نمازگاه دیده است
و اگر دست بر شکم نهد بداند که رودبار دیده است و اگر دست بر ناف نهد بداند که مغاک زمین دیده است و اگر دست بر عورت
نهد بداند که مطبخ دیده است و اگر دست بر دوش نهد بداند که کوشک یا منظره دیده است و اگر دست بر زبان نهد بداند که درخت میوه
دار دیده است و اگر دست بر ساعد نهد بداند که هم درختها دیده است لیکن باریکتر از آن درختها که در تاویل یاد کردیم و اگر دست بر
انگشتان نهد بداند که درختهای خورد دیده است و اگر دست بر پشت نهد بداند که جای با بها دیده است و اگر دست بر پهلو نهد بداند که جای
خوابگاه دیده است و اگر دست بر مرفق نهد بداند که مرغزار دیده است و اگر دست بر سرین نهد بداند که کشتزار سبز و درختی بلند دیده است
و اگر دست بر ران نهد بداند که درختی بلند دیده است مانند درخت سبز یا خرما و مانند آن و اگر دست بر زانو نهد بداند که کوه دیده است
و اگر دست بر ساق نهد دلیل کند که درختی بریده یا ستون مناره و آنچه بدین ماند و اگر دست بر کعب نهد بداند که تن خورد
دیده است و اگر دست بر انگشتان پای نهد پشته خورد دیده است پس ابن سیرین گوید که یاد کرده شد بهتر خواب سائل را که فراموش کرده باشد
چون و تاویل آن گران ... ع گوید چون کسی خوابی دیده باشد و فراموش کند از چهار چیز بود یکی از بسیاری گناه و معصیت دوم از کردار ناحق
سیم از ضعف نیت اعتقاد و چهارم از اختلاف طبع باشد که طبیعت از حال اعتدال گشته بود لاجرم خواب از دل فراموش شود

فصل دهم در گزاردن خواب بقول ... گوید بنزدیک ... عامه چنین است که هرکه خواب کسی را تعبیر کند بنادانی یا عمی
بزعم آن باشد که وی گفته باشد و این فال است و غلط و هیچ اصل ندارد و لیکن حکما از طریق فال روا نداشته اند که کسی خواب پیش نادان گوید
و خواب چنان حق باشد و نماید و فرشته باشد بقول نادان حق باطل کرده باشد و حرمت ... فرق بسیار است میان عالم و جاهل چنانچه
در کلام مجید فرموده است قل هل یستوی الذین یعلمون والذین لا یعلمون و نیز پیغمبر فرموده است لا یستوی العالم و الجاهل پس حقیقت
بباید دانست که خواب را فرشته نمود از لوح محفوظ ... از این خواب خبر خواهد رسید و همه عالم جمع شوند
عالم و جاهل تا خواب حق را باطل کنند یا از اصل بگردانند هرچه رسیدنی بود بجان بنده برسد و در باز نتوانند داشت که قضای حق

که به عادت ... بکرده و از قول پیغمبر چنانکه پیش از این یاد کرده شد و دلیل بر این آن است که چون ملک مصر این خواب را دید چنانکه
در قرآن مجید است انی اری سبع بقرات تا آخر آیه که ملک قوم خویش را بخواند و پرسید از آن خواب یا ایها الملأ افتونی
یعنی ای بزرگواران فتوی کنید مرا در این خواب اگر هستید از معبران قوی قالوا اضغاث احلام گفتند آشفته و مختلف خوابهاست و ما نیستیم
بتاویل الخواب بعالمین چون این خواب با یوسف گفته شد جواب داد موافق آنچه در قرآن مجید یاد فرموده است از حدیث هفت سال
بدین جهت می‌دانستیم که هر چند جاهلان عبارت کنند خواب حق باطل نگردد و عبارت خواب بدان که عالم یاد کند و جاهل همچنانکه
تعبیر آن بود که یوسف یاد کرده و آنکه معبران خواب را اضغاث احلام گفتند اینقدر معلوم باشد **فصل یازدهم** در معرفت از حال
گشتن خواب به اوقات و اختلاف میان آن حقیقت آن است که تعبیر او خواب بر وقتها نیز بگردد چنانکه اگر کسی شب در خواب بیند
که بر پیل نشسته است دلیل کند که شغل بزرگ بیابد که وی را اندر آن منفعت کم باشد و اگر این خواب روز بیند دلیل کند که زن را طلاق
دهد و بدان سبب اندهگین شود و اگر بیند که مرغ سنگ‌خوار گرفت دلیل کند که گر روز با مردی ابله و بی کاری افتد و اگر به روز افتد دلیل
کند که بیمار شود و امام جعفر صادق ع گوید که خواب نیز از اصل بگردد و بعقد دین و صناعت و ... مردمان و کسب کردن ایشان
چنانکه خواب بر وی صحت باشد و دیگر را همان خواب عذاب بود و سختی و رنج نه بینی که ... خواب ... چنانکه در قرآن مذکور است
... چون این خواب را مرد صلح بیند دلیل کند که دست اندر کار رشد و ناسزا باز دارد و چنانکه محمد بن العربی روایت کرده
باسناد از ابو عبد الرحمن سلمی که مصطفی ع میان ابو بکر و سلمان فارسی ... برادری داد و سلمان خوابی دید ابو بکر را ...
و وی را بگذاشت ابو بکر ... گفت ای برادر ... سلمان گفت بخواب دیدم که دستهای تو بر گردن تو بسته بود ابو بکر
گفت الله اکبر دست من بسته شود ... تا روز قیامت سلمان حضرت رسول را از این خواب خبر کرد تاویل آن کرد که ابو بکر گفته بود ...
روایت کرد از عطاء بن ... که او گفت محمد بن سیرین گفت تاویل آن کس که خویشتن را ... دیدی اگر اهل صلاح بود بی گمان بزرگی
یابی و اگر از اهل فساد بود ... بر دار کشند و احمد بن سعید روایت کرده از ابو عبیده در غریب الحدیث که زنی از رسول خدا صلعم
پرسید که بخواب دیدم که ستون سقف خانه شکسته بودی گفت شوهرت از سفر باز آید با دیگر همان خواب را دید بیامد نزد مصطفی و او را
ندید ابو بکر گفت ابو بکر جواب داد شوهرت بمیرد خواب یکی بود تاویلش بگشت بسبب اختلاف وقت و در گشتن ... زنان
و ابو حاتم روایت کرد از اصمعی گفت از شعبی پرسیدم که بخواب دیدم که گندم بجو همی فروختم شعبی گفت ... و گندم ...
اصل ... گشتن حال ... و اگر کسی این خواب بیند این خواب را چند امیدوار نیکو باشد ... تاویلش ... بود و خواب ...
چند علم تاویلش ... قوی تر باشد و هر خوابی که در فصل خزان بیند علم تاویلش درست باید و ضعیف بود ... دلیل ...

گویند مردی آمد از ابوبکر پرسید که بخواب دیدم که هشتاد برگ از درختی بریدی ابوبکر گفت هشتاد چوب بر تو زنند پس وی را در همان
هشتاد هشتاد چوب بزدند سال دیگر همان مرد این خواب را دید که هشتاد برگ شده از بالای مه وسید پیش ابوبکر آمد و این خواب را باز گفت ابوبکر
گفت در این سال هشتاد هزار درم بتو رسد مرد گفت یا ابابکر پارسال همین خواب دیدم همانطریق تاویل نمودی و امسال بخیر تعبیر کردی ابوبکر
گفت ای فلان پارسال که از من پرسیدی وقت خزان بود که درختها خشک شده بودند و برگها فرو ریخته و اکنون هنگام بهار است
و درختان روی با اقبال دارند حکم تاویلش این است پس بعد از آن سال هشتاد هزار درم وی را حاصل شد و اینان گویند چون از معبر در فصل
زمستان تعبیر خواب پرسند یعنی از بامداد تا هنگام نیم روز حکم تاویلش را اقبال و خیر کنند و اگر بعد از زوال پرسد تا شبانگاه حکم تاویلش
براد بار و شر کنند و تعبیر خواب شب پرسند بود زیر ف باران وقت برآمدن آفتاب فرو نشاید و جابر مغربی گوید که راست ترین
خوابها که کسی بیند بر شب آنست که بوقت سحر باشد آن هنگام که آفتاب برآید و اگر خواب بروز بیند آن وقت راست تر بود که آفتاب
راست بایستد یعنی نزد زوال آفتاب نزدیک بود و بدانکه راست ترین خوابها وقت شکفتن درختان بود و وقت رسیدن میوه ها و خوابها
که زمستان بینند ضعیف تر باشد زیرا که زمستان جهان روی سوی ادبار دارد و برگ میوه ها در باغ و بوستان از درختان جمله
فرو ریزد و وقت بهار جهان روی در اقبال دارد زیرا که در آن وقت برگها از درختان بیرون آید و صحرا از سبزه و نبات خرم شود پس در این
ایام خواب درست و قوی تر باشد **فصل دوازدهم** در معرفت شرایط و آداب علم با اهل خواب بدانکه معبر باید که مردی صالح و پارسا و مسلمان
و دانا و حلیم باشد و از راه معصیت دور باشد و وقت آنکه از وی تعبیر پرسند عقل و هوش کار آورد و خواب را بجای از سایل بشنود
و نیک بداند که خداوند خواب پادشاه است یا رعیت و مهتر است یا کهتر عالم است یا جاهل آزاد است یا بنده یا غریب است یا شهری
توانگر است یا درویش مرد است یا زن پیر است یا جوان و بداند که خواب بروز دیده یا بشب بتابستان دیده یا بزمستان و فارغ
دل بوده یا درویش هوس اندیشه چون این جمله را نیک بداند آنگه هر یک را بقیاس عقلی تاویل کند و اگر نه بر وی مشکل بود و دانا
سایل را گوید که تاویل این خواب را بدانم ابن سیرین در این علم امام و یگانه بود با این فضل بیشتر خوابها آن بود که تعبیر نکردی و از ابوحاتم روایت
کنند از اصمعی از ابی المقدام که او گفت من پیوسته نزد ابن سیرین حاضر بودمی خوابها پرسیدی از سی چهل خواب یکی تعبیر کردی
و معبر باید که اول سخن بیننده خواب نیک بداند و در آن تامل کند اگر سخن درست بود و نشان آن صحیح نباشد که احتمال تاویل کند
بعد از آن تعبیر کنند و اگر کوشش دیدی در میان آن سخن بود و آن خوشنودی را از وی بپرسند و بر اصل تاویل کند و اگر مختلف باشد
و هیچ یکدیگر را نماند اضغاث احلام است و اگر تاویل آن بر وی پوشیده بر آن سخن خداوند خواب را پرسد که مشکل است یا خوش دل گردد
از وی بشنود بنای تعبیر بر آن نهد و اگر آن نتواند گفتن و معبر نتواند نشستن بنام تعبیر کند با طبع و عادت گفتار درست و نیکو نهد و در فی

داری

وی بداند و اگر خواهش بر چیزی به بود و بر وی پوشیده گرداند بوجهی نیکو پوشیده وی را بگوید چنانکه ابن سیرین است از آنکه کی گفت
گوید که اصول خواب سه چیز است یکی جنس دوم طبع سیم صفت جنس چون درختان و دکان و مرجان بود و این همه دلیل مردان
و صفت آنست و باید که معبر بداند که این درخت و درخ از چه چیز است و از چه صفت است اگر جوز بود معبر بداند که مردی عجمی است
زیرا که در عرب درخت جوز نباشد و اگر خرما بود بداند که مردی عرب باشد زیرا که درخت خرما در عجم کمتر باشد و اگر مرغ طاوس بود
مردی عجمی باشد و اگر شتر مرغ باشد مرد عرب باشد و طبع آن است که بداند طبع آن درخت از چه نوع است و منفعتش بچه اندر است بلند
و اگر درخت جوز باشد مرد تواناگر بود و لیکن بد معاملت باشد و بخیل و ممنع زیرا که چون جوز را بجنبانی بانگ دارد و تا او را بشکنی
مغزش بیرون نیاید و اگر درخت خرما باشد کاری نیک باشد و آسان بشمار چنانکه حق تعالی در قرآن مجید میفرماید کشجرة طیبة و از آنجا که را
درخت خرما است و اگر مرغی باشد که همی پر و همی سفر کننده بود پس طبع مرغ نیز بباید داشت چنانکه اگر کلاغ باشد مرد بد عهد فاسق
باشد و اگر عقاب باشد پادشاه ظالم و بکار بود و بیننده خواب باید مرد راست گوی و با دیانت باشد و هیچ سخن و مانده نقصان در آنچه
دیده نیفزاید و زیرا که هم جواب خوابش را بزبان آورده و هم برضای خدای عز و جل عاصی شود و اگر کسی خوابی بیند و از آن خواب بترسد باید
سه مرتبه آیة الکرسی بخواند و باد بر خود دمد و بگوید اعوذ برب موسی و عیسی و ابراهیم الذی را بتعالی من شر ما رایت فی منامی
و ذلک دینی و مسیحی و تجارتی و جمیع اهلی و ولدی و اگر بعد از آن نماز کند و صدقه بدهد و دعا کند خدای عز و جل شر آن خواب را
از وی بگرداند جابر مغربی گوید ابلیس در همه خوابها اعتراض کند و خویشتن را بهمه چیزها مانند کند مگر بخدای عز و جل و فرشتگان و
پیغمبران و آسمان و ماه و آفتاب و ستارگان و آفریدهای عظیم که خدای تعالی از بهر صلاح خلق آفریده است و بر قول پیغمبر علیه السلام این
چیزها که یاد کردیم خویشتن را نتواند نمود و اگر دیو را قدرت بودی که خود را بمانند این چیزها بنمودی بسیار فتنه افکندی میان
بندگان خدا اگر کاه جبرئیل بصورت پیغمبر بنمودی گفتی من از تو خوشنودم تو هر چه خواهی بکن و یا دیگری گفتی من فرید الرواهم
کنا تو را عفو کردم و دل فارغ دار و چیزها گفتی که این بنده گمراه گشتی و در دل وی شک افکندی تا ایمان از وی جدا کردی پس ایزد تعالی
دیو را آن قدرت نداد که این چیزها را بخود را بچیزی تواند نمودن امام جعفر صادق گفته است که هر گاه ابلیس قصد کند که خود را بصورت پیغمبر
نماید اندر استغاثه آتش فرو آید و وی را بسوزاند و صعب ترین کارها را ابلیس بر این است لاجرم دل مؤمن روشن بود و از آسمان
بود ایمان بعنایت ایزد تعالی بداند و بعضی گفته اند که خوابی که مرد مؤمن بیند و تعبیرش درست دلیل آن است که الهام و عنایت ایزد تعالی
با وی بود **فصل سیزدهم** در ادب نگاه داشتن معبر سایل گرمانی گوید ادب نگاه داشتن معبر آنست که معبر خود و برنا باشد
و الهی و هوشیاری کار بندد بر وفق کار کردن که تا خواب را تمامی بشنود و آنگاه در باید و بداند که پادشاه است یا رعیت چنانکه

چنان باید که نخستین نام و مقدار و مرتبت و مذهب و سیرت و عقل و فهم و علم او بسائل بداند و وقت خواب دیدن که در روز دیده
باشد یا در شب و وقت سؤال نگاه کند که سائل چگوید و بهنگام سؤال و فصل سال فارسی و روز ماه تازی بداند که بر چه نیکوتر و بصواب
نزدیکتر باشد تعبیر کند و دانیال گوید چون کسی از معبر خواب پرسد معبر باید که نام وی و نام پدرش بپرسد اگر نامش از جملهٔ نامهای پیغمبران باشد
دلیل کند از طریق زجر و فال بر خیر و بشارت و خرمی و اگر بر خلاف این باشد چون بوجهل و بولهب و بوالحکم و مانند این دلیل بر شر و غم
و اندوه باشد و هم او گوید که بیشتر خواب که در اول روز شنبه پرسند دلیل کند بر شر زیرا که اول ساعت از روز شنبه زحل را باشد و اگر
روز یکشنبه پرسند دلیل بر خیر کند بدان سبب که اول روز یکشنبه آفتاب را بود و اگر در اول روز دوشنبه پرسند دلیل بر خیر و خرمی و بی
مراد حاصل شود که اول روز دوشنبه ماه را بود و اگر در اول روز سه شنبه پرسند دلیل کند بر فتنه و غم و اندوه و از آن سبب که اول
ساعت سه شنبه از مریخ باشد و اگر در اول روز چهارشنبه باشد و پس هم بد بود بسبب آنکه ایزد تعالی قوم عاد و ثمود و اصحاب الرس را
در اول روز چهارشنبه هلاک کرده و حکما این روز را بفال نگیرند و اول ساعت از روز چهارشنبه عطارد را بود و اگر در اول روز
پنجشنبه پرسند دلیل بر سعادت و نیکوئی و خرمی کند زیرا که اول ساعت از روز پنجشنبه مشتری را بود و اگر در اول روز جمعه پرسند
دلیل هم بر سعادت و عز و شرف کند از آن سبب که روز آدینه زهره را بود و جابر مغربی گوید که معبر را باید که بتجربه نیک حاذق
چنانکه طبیب حاذق در معالجهٔ بیماران تا خوابها را بهتر تعبیر کند آورده اند که مهدی بن جعفر منصور در خواب دید که روی او سیاه شده بود چون
بیدار شد از آن خواب بترسید معبران را جمع کرده خواب خویشتن را از ایشان بپرسید معبران اندر او فرو ماندند و تعبیر آن
ندانستند وی را گفتند ابراهیم بن عبدالله کرمانی استاد تر است وی را حاضر فرما تا این خواب را تعبیر کند ابراهیم را حاضر کردند
مهدی این خواب را سؤال نمود ابراهیم گفت ترا دختری آید معبران گفتند بچه دلیل گفت بدلیل قول خدای عز و جل که فرموده و اذا بشر
احدهم بالانثی ظل وجهه مسودا و هو کظیم پس مهدی ده هزار درم با ابراهیم بخشید و هم در آن روز مهدی را دختری آمد و جلال معبر گوید
مردی بخواب دید که ذکر و خایه وی را بریده و نزدیک معبران شد و خواب خویش را بپرسید گروهی گفتند زن و فرزندان گروهی گفتند از
وی هیچ جدا کرده و گروهی گفتند عز و جاه و منزلت از آن نقصان یابد و گروهی گفتند نسل وی بریده گردد و گروهی گفتند زن را طلاق
دهد و گروهی گفتند مال وی سپری گردد پس روزی کاری بر سر آمد که زن را طلاق داد و فرزندان را برگرفت و سفر دریا
کرد و چون بکشتی بر نشست بادی سخت برخاست و موج کشتی را غرق کرد و فرزندانش هلاک شدند و خود و مال او غرق شده و
ماهی کوچک ذکر و خایه او را خورد و تعبیر خوابش چنان آمد که همه معبران گفته بودند گویند که معبر باید بوقت زوال و هنگام آفتاب
بر آمدن و فرو شدن آن تعبیر نکند و نیز در پیش زنان و کودکان و دشمنان هم تعبیر و سائل را باید اندر وقت سؤال راست گوید اندر آن سبب که

چنانکه گفته شد و بر دین و مذهب عقل و هوش وی واقف کرده و بداند که سخن وی راست است و بداند که بر چه اندیشه خفته بوده و چه خورده
و دلش فارغ بوده یا بچیزی مشغول او بسائل آن بود که خدای عز و جل را یاد کند بوقت سؤال و از وی استعانت خواهد و خواب راست
گوید چنانکه دیده باشد که دانایان گفته اند که اصدقکم رؤیا اصدقکم حدیثا امام جعفر صادق ع گوید که بر مردم عاقل واجب بود که بر طهارت
خسبد و بهنگام خفتن ایزد تعالی را یاد کنند و این دعا وقت بخواند اللهم انی اسلمت الیک نفسی و وجهت الیک وجهی و فوضت الیک
امری و الجأت ظهری الیک لا ملجأ و لا منجا منک الا الیک تبارکت و تعالیت انت الذی و کن الغفرا الیک استغفرک و اتوب
الیک یا رب یا رب حسبک اللهم ارنی رؤیا صادقة غیر کاذبة نافعة غیر ضارة ساره غیر محزنة نافعة غیر ضارة و بر پشت راست
خوابد و هیچ حال اندر روی نخوابد و چون بیدار شود ایزد تعالی را یاد کند و اگر خواب نیکو دیده باشد خدای را شکر کند و صدقه دهد و اگر خواب
شوریده دیده باشد بگوید اعوذ بالله من الشیطان الرجیم و قل هو الله احد بخواند آنگاه باد در جیب خود دمد و بگوید یا رب تو دانائی در این
ام تو خیر این خواب بمن و بمسلمانان برسان و اگر بد است بدی او از من و همه مسلمانان دور کن یا ارحم الراحمین و یا مجیب دعوة
المضطرین و باید که بوقت خفتن و برخاستن و بوقت ابتدای بکاری کردن این دعا بخواند بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء فی الارض
و لا فی السماء و هو السمیع العلیم و بامداد چون از نماز فارغ شود و وردی که خواند از قرآن و دعا بگذارد برخیزد و نزد معبر رود و شاید
و خندان و غمناک نشسته و باید که بوقت نیک و خواب خویش را سؤال کند چنانکه زیاده و نقصان نگوید و معبر از خدای تعالی بهتری
خواهد و قول سائل را تمام بشنود آنگه تمام بشنود چنانکه واجب کند جواب دهد ابن سیرین گوید که بر معبر واجب است که پاکدین و پرهیز
کار باشد و تن خود را از فساد و حرام نگاه دارد و خوش طبع و لطیف باشد و در عیب مردم نظر نکند و در خواندن قرآن تقصیر نکند
و در مطالعه کردن کتابهای تعبیر جهد کند و پیوسته با طهارت باشد و از بهر دشمن خلاف نگوید و از بهر دوست دروغ خلاف نگوید
باشد پرهیز کند و اسرار مردمان نگاه دارد و دانستن این صنعت بود در جهان نیکبخت و محمود باشد و جابر مغربی گوید چون کسی خواب
دیده باشد که بوقت تنگ باز گوید و هیچ زیاده و نقصان نگوید زیرا که خواب راست جزوی است از چهل و شش جزو پیغمبری چنانکه در اول
کتاب یاد کرده ایم و در خبر است از رسول خدا که خواب راست وحی باشد چنانکه راز خدای عز و جل پس هر که وحی را کاهش گوید کاهش
بگویند باشد و نیز گفت خواب امانتی است میان خدا و بنده پس هر که خواب دروغ در سازد در امانت خیانت کرده باشد و رسول ع
فرموده که هر که بر نسب پیغمبر دروغ گوید همچنان است که بر نسب خود فساد کند و گواهی تباهی بر خود میدهد پس هر که خواب دروغ
گوید از بهر منفعت جاه خود از قول پیغمبر بوی بهشت نیابد پس این دلیل است بر آنکه خواب که بر او دروغ نشاید گفتن این آداب
شرط ادب نگاه داشتن معبر و سائل که بر طریق اختصار بیان کرده شد **فصل چهارم** اندر تعبیر از چند روایت ابن سیرین گوید هم

بحش

که معبر خواب را چنان تعبیر کند که گشته و زیرا که یاران یوسف در زندان از خواب پرسیدند چون یوسف ع تعبیر کرد یکی با او خوش
آمد گفت من دروغ پرسیدم یوسف ع گفت قضی الامر الذی فیه تستفتیان هر دو خواب که پرسیده بودند راست آمد امام جعفر
صادق ع فرماید هر چند خواب تعبیر آن جاهلان و نادانان از اصل بگردد و خداوند خواب را از چهار گروه مردم از خواب پرسیدن روا
نباشد یکی از بدبختان دوم از زنان سیم از جاهلان چهارم از دشمنان که در گذاردن خواب ایشان پس حیرتی نباشد **فصل**
پانزدهم اندر دانستن برخی از انواع خواب که تعبیر آن مقلوب بود بدانکه بسیار رسیده بود که بسیار از معبر پرسد که تعبیر آن بتحقیق
مقلوب باشد یعنی واژگونه چنانکه بعضی از آنجمله را در این فصل بیان کنیم تا بر معلم پوشیده نباشد ابن سیرین گوید طاعون در خواب کارزار
باشد به بیداری و کارزار اندر خواب طاعون باشد به بیداری و مصحف در خواب حکمت بود به بیداری و حکمت در خواب مصحف بود
به بیداری و گریستن در خواب خندیدن بود و خندیدن در خواب گریستن بود و مرغ در خواب شکر و دعا بود و شکر بخواب مرغ
بود و پیک در خواب زمین پیما بود و زمین پیما در خواب پیک بود و حجامت کردن در خواب قباله بر خود نوشتن بود و قباله
نوشتن بر خود حجامت کردن باشد و در زندان محبوس خود را دیدن در خواب دلیل کند که در گور نکشند و در گور دیدن خود را در خواب
دلیل کند بر زندان خداوند خانه است اما مرگ در خواب دیدن خواب شدن خانه بود و گشت کردن در خواب زن خواستن باشد
و زن خواستن در خواب گشت کردن باشد به بیداری و گرفتن شکم و بیگلی کردن در خواب کرباس تنیدن باشد و
کرباس تنیدن در خواب بیگلی کردن بود و بچه خوردن در خواب پشیمانی بود در کار خویش و پشیمانی در کار خود در خواب بچه
خوردن بود به بیداری و آمدن سیل بر زمین در خواب دشمن در آمدن بود و آمدن دشمن در خواب سیل بود در بیداری
و هر چیز که تاویل آن در خواب بد باشد کهن آن نیک باشد و هر چیز کهن که تاویل آن در خواب بد باشد در خواب نیک باشد چنانکه نو
نو کسی پیراهن سلاح پوشد در خواب غم و اندوه باشد در بیداری و اگر کسی بیند که کهن پوشیده باشد بی سلاح در خواب عزیزی و شادی بود و اگر
غلام بیند در خواب دلیل غم باشد وی را و اگر غلام فروخته دلیل نیک باشد و اگر کنیزک بیند در خواب دلیل نیک باشد و از این معنی بسیار است
که اگر جمله را یاد کنیم کتاب دراز گردد و ملال افزاید و لیکن شرح هر یک در موضع گفته شود **فصل شانزدهم** در دانستن روئیت خدای
عز و جل و فرشتگان و پیغمبران و چنین گوید مصنف کتاب که استادان این صناعت تاویل دیدن خدا و دیدن فرشتگان و پیغمبران
این هر سه را در اول کتاب خود بیان کرده اند پس صواب در آن دیدیم که این هر سه را در این فصل بیان کنیم بترتیب از آنکه باب
تاویل خوابهای گذشته را بر نسق حروف معجم بترتیب نظام هر خوابی در اول حرف خویش باز نماییم تا استخراج آن بر خواننده و آموزنده آسان
باشد تاویل دیدن خدای تعالی دانیال گوید هر بنده که خدای عز و جل را در خواب بیند چنانکه با جبار آمده است دلیل کند که از دو حال

بیرون

دیدار خویش وی را ارزانی دارد و حاجتهای وی را روا کند و اگر خدای را چنان بیند که این بنده ایستاده است و ایزد تعالی در وی نگاه
کند دلیل کند که این بنده در کار خویش بصلاحیت و صلاح و در رحمت خدای تعالی بود پس اگر گناهکار بود توبه نصیب باید کرد و ابن سیرین
گوید که اگر بیند خدای تعالی با وی سخن گفت دلیل کند که اینکس نزد خدای تعالی عزیز و گرامی بود و قربناه نجیا و اگر بیند که وی را پس پرده با وی سخن
بگفت دلیل کند که مال و نعمت وی زیاده شود و دین و امانت او قوی باشد و اگر بیند که از پس پرده با وی سخن بگفت دلیل کند
که وی را از بهر دین خطا افتد و مانا که بیشتر آن بجمله الا وحیا او من وراء حجاب و اگر بیند که ایزد تعالی وی را عزیز و مقرب گردانید
وی را پیام رسید دلیل کند که در قیامت وی را پیام رسد و یاد دهد جایها و کار روا و اگر بیند که خدای تعالی وی را پند داد دلیل کند که
وی کاری کند که رضای حق در او باشد یعظکم لعلکم تذکرون و اگر بیند که خدای تعالی وی را مژده داد به چیزی دلیل کند بر خشنودی
خدای تعالی و اگر بیند که پیش ایزد تعالی ایستاده بود و سر فرو افکنده دلیل کند که وی را غم و اندوه رسد قوله تعالی و لو تری اذ المجرمون
ناکسوا رؤسهم عند ربهم گرامی گوید که اگر بیند که ایزد تعالی وی را چیزی داد دلیل کند که در دنیا محنت و بلا بر او گمارد و از آن
محنت اجر و ثواب بهشت باشد و او را برحمت خود پیام رسد و بعضی از معبران گفته اند که مستوجب عقوبت شود و اگر خدای را
چنان بیند که کسی او را گوید خدایست دلیل کند که او را حاجت به پادشاهی افتد و اگر چنان بیند که خدای تعالی بر روی زمین آمد
یا در شهری یا در کوچه دلیل کند که اهل شهر یا کوچه مظلوم باشند و حق تعالی ایشان را از ظالمان نصرت دهد و اگر در شهر قحطی و تنگی بود
آن قحط و تنگی به فراخی نعمت بدل شود و اگر اهل آن موضع خطاکار و عاصی باشند ایشان را توبه ارزانی دارد و اگر بیند که حق تعالی در خانه وی
فرود آمد و دست بر سر وی همی مالید یا وی را خلعتی پوشانید یا در بر گرفت این جمله دلیل بر کرم و لطف ایزد تعالی بود و لیکن وی را
وی از محنت و بلا و بیماری شفا بود تا اگر نزدیک بار رحلت کند و اگر خدای تعالی را بر مثال نوری بیند دلیل کند که وی را غم و اندوه عظیم
رسد و اگر بیند که خدای تعالی وی را نامی دیگر نهاد و نام او را بدل کرد دلیل کند که شرف و بزرگی یابد و دشمنان را قهر کند و اگر بیند
که با وی جمله بر وی خشم گرفت دلیل کند که زهد و پارسائی و تقوی یابد و اگر بیند که خدای عز و جل وی را بخواند که پیش من آی
دلیل کند که از دنیا رحلت کند و اگر بیند که ایزد تعالی وی را گفت که فلان کس را بگو که پیش من آید دلیل کند که آنکس را اجل فرا رسیده
معزیه اگر کسی خدای عز و جل را در شهری یا در دهی بیند اگر مصلح بود عزت و مرتبت یابد و اگر مفسد بود مقهور شود و دست ظلم
او از اینجا کوتاه شود قوله تعالی الله یحکم بینکم یوم القیمة فیما کنتم فیه تختلفون و اگر بیند ایزد تعالی بر اهل آن شهر خشم گرفت دلیل کند که
قاضی آن شهر در قضا میل همی کند یا امیر شهر بر رعیت ظلم کند یا عالم آن شهر بددین بود و اگر او را بخواب در دیده بیند دلیل کند که دیده
وی ادبیر شده و دلیل دیگر آنست که خداوند خواب گنهکار بود و سزای عقوبت بود قوله تعالی و هو القاهر فوق عباده و یرسل علیکم

حفظ حق تعالی اجابت الله کم الوت عبدالله عباس گوید اگر کسی خدای تعالی را بی چون و چگونه در خواب بیند از همه ترس و بیم و رنجها ایمن گردد و از
غمها فرج یابد و اگر کافر بود مسلمان شود و اگر مسلمان بود دیدار حق تعالی یابد و قوله تعالی للذین احسنوا الحسنی و زیادة و اگر در صورتی بیند
کرمش الصورت دیده باشد دلیل کند که از حق تعالی فایده و نعمت یابد و اگر خدای تعالی را در بازار بیند دلیل کند که رحمت و آمرزش خدای تعالی از موضع
برکت اهل آن بقعه متوجه گردد و اگر خدای تعالی را بر قاضیان در غزا بیند دلیل کند که در آن غزا قاضیان بسیار شوند و در آخرت حق تعالی
ایشان را بیامرزد و از دوزخ آزاد کند و اگر وی را بر تربت مردگان بیند دلیل کند که ایزد تعالی بر مردگان رحمت کند و بهشت
با نعمت ایشان را عطا دهد و اگر وی را بر مثال صورتی بیند چنانکه آن صورت را سجده همی کرد دلیل کند که آنکس بر خدای عزوجل دروغ
گوید و اگر بیند که ایزد تعالی دشنام همی دهد دلیل کند که آنکس بر خدای عزوجل دروغ گوید و اگر بیند که ایزد تعالی وی را همه را دشنام همی داد
دلیل کند که آنکس کافر شود و بهشت خدای تعالی و اگر بیند که خدای تعالی بر تختی نشسته باشد این همه صفت و ثنا سزاست دلیل کند که
بیننده خواب به دین و دعای بود امام جعفر صادق ع فرماید که دیدن خدای عزوجل مؤمنان را تاویل بر رحمت و بهشت باشد یکی آنکه بیننده
در دنیا و آخرت مغفور و رحمت بود دوم ایمنی از محنت و بلاها سیم آنکه نور هدایت یابد و قوت یابد اندر دین چهارم آنکه ظفر
بر اهل ظلم و قهر ظالمان پنجم آنکه وی را بهشت ثانی کرامت کند ششم آنکه در اندیشه با رعیل [illegible] و ظالمان مقهور گردند
هشتم عز و شرف و بلندی بود بیننده خواب را از دیدار حق تعالی چون بنظر رحمت در وی نظاره کند و اگر بیند که در کسی بخشم نظر کند
و اگر بیننده خواب قاضی باشد دلیل کند که در حکم داد و انصاف دهد و اگر پادشاه بود دلیل که عدل با مردمان کند و داد
دهد و اگر عالم بود دلیل کند که در دین و اعتقاد وی خلل بود و صاحب بدعت بود و علی الجمله آنکس که خدای تعالی بخشم در وی نظر کند
عاصی و مدبر بود و حفظ کارش [illegible] اگر کسی [illegible] خدای در کاری بکرا باشد حجت ابروی آن است که [illegible] خدای عزوجل بیکانه
موجود است گوید که [illegible] گویم هرچه موجود بود و دیدن وی از راه عقل و دانش جایز باشد چون دیدن سایر موجودات و اگر عقل
و فهم دارد و برآن منکر نشود ابو عاصم گوید از محمد بن سیرین پرسیدند که [illegible] گفت خدای تعالی را خوش
بیند بی چون و چگونه چنانکه در اخبار آمده است تاویل [illegible] فرشته نزد [illegible]
پادشاهی بود کامکار [illegible] کسی پرهیزکار و لطیف و زاهد و خوش طبع و مطیع بود و فرمان بردار
خدای تعالی چنانکه در کلام مجید یاد کرده لا یعصون الله ما امرهم و یفعلون ما یؤمرون **دیدن فرشتگان در خواب** از جمله فرشتگان چهار
فرشته اند بهتر و خوبتر یکی جبرئیل دوم میکائیل سیم اسرافیل چهارم عزرائیل پس تاویل هر یکی را بترتیب بیان کنیم والله اعلم ابن سیرین
گوید اگر کسی جبرئیل را بخواب بیند که خوش و خرم و گشاده روی بود چنانکه صورت او است دلیل کند که بر دشمن ظفر یابد و بمراد

برسد و از غم فرج یابد و اگر وی را بخلاف این بیند دلیل کند بر غم و اندوه و اگر بیند که جبرئیل گفت وی را وعده نیکو داد یا مژده داد
یا از کاری باز داشت تاویل خواب وی همان بود که جبرئیل گفت و اگر بیند چیزی بوی عطا کرد دلیل کند که از پادشاه جاه و قدر
و منزلت یابد و بعضی از معبران گفته اند که اگر بیند که جبرئیل یا میکائیل چیزی بوی داد دلیل کند که ترس و بیم عظیم بوی رسد و اگر بیند که او
جبرئیل شده و مردم وی را همی گفتند که تو جبرئیلی گمان کنند که امانت گذارد و سخندان گردد و مراد وی حاصل شود والله اعلم ابن سیرین
گوید اگر کسی میکائیل را بخواب بیند چنانکه صورت او است دلیل کند که بر دشمن ظفر یابد و بمرادات برسد و اگر وی را بخلاف این بیند
دلیل کند که غم و اندوه بوی رسد و اگر بیند که میکائیل وی را چیزی عطا داد از کسی بزرگواری عزت و منزلت یابد ۲

زیرا که نقصان اندام پیغمبر نقصان راه دین و شریعت باشد و اگر بیند که پیغمبر چیزی از میوه های تر یا خشک بوی داد دلیل کند
که بقدر آن وی را حکمت و علم حاصل شود و اگر بیند که چیزی از جامه وی داد دلیل کند که بقدر آن وی را در دین ورع و پارسائی
و در اسلام توفیر و زیادتی بود خاصه که بیند وی را جامه سبز یا سپید داد ابن سیرین گوید اگر کسی رسول را ناقص در خواب بیند
نقصان به بیننده خواب باز گردد زیرا که رسول ع هم مردم خوب بخواب بیند و هم مردم بد اما مردم نیک را مژده دهنده باشد
بچیزهائی که بدو خواهد رسیدن و مردم بد را حذر فرماید از معصیت و گناه کردن تا از عقوبت خدای تعالی رسته گردد زیرا که رسول ع
هم بشیر بود و هم نذیر بشیر مؤمنان را و نذیر کافران را و اگر رسول را با سیماء خشمگین بیند دلیل کند که اهل آن دیار بحکم شریعت کار نکنند
و اگر تازه روی بیند دلیل کند که اهل آن دیار باحکام شریعت و سنتهای پیغمبر عمل نمایند و خیرات کنند و روان رسول از ایشان
راضی بود و اگر بیند که رسول با بعضی از پیغمبران وی را زنده دلیل کند که مراد و خواهش بیابد در دنیا یابد و اگر بخلاف این بیند دلیل کند
که مراد و مقصود نیابد و اگر بیند که او پیغمبر شد دلیل کند که وی را رنج و سختی رسد بقدر مرتبت پیغمبری و از پس آن کارش نیکو گردد
و عبدالله عباس گوید اگر کسی جنازه مصطفی ع در خواب بیند دلیل کند که در آن دیار رنج و مصیبتی عظیم پدید آید و اگر دید که از پس جنازه
او همی رفت دلیل کند که او بدعت و میل سنت دارد باشد و اگر دید که مصطفی را زیارت همی کرد دلیل کند که مال و نعمت و ولایت
یابد و چون بیند که رسول ع او را دید و بروی افسوس کرد دلیل کند که کافر شود قل ابالله و آیاته و رسوله کنتم تستهزؤن [illegible]

ایمانکم امام جعفر صادق ع فرماید که دیدن رسول خدا ع در خواب بر یازده وجه بود یکی رحمت دوم نعمت سیم عز و جاه چهارم
بزرگی پنجم دولت ششم ظفر هفتم سعادت هشتم ریاست نهم قوت اهل سنت و جماعت دهم خیر و جنایا یازدهم نیکوئی
مردمان الشرع و مقامی که وی را بخواب دیده باشد ابوبکر صدیق گوید هر که پیغمبر را بخواب بیند دلیل کند که شرم و زهد و پرهیزگاری
یابد و خوش طبع و گشاده روی باشد و مردمان الشهر بر قرآن و علم آموختن و خیرات کردن رغبت نماید **علی بن ابیطالب را**
در خواب دیدن ابن سیرین گوید که هر که علی بن ابیطالب را در خواب بیند خوش طبع و گشاده روی دلیل کند که علم و کرامت و شجاعت
و سخاوت و دولت یابد و اگر وی را زنده در شهری بیند دلیل کند که عدل و انصاف و علم و تقوی اشکار شود و ملک آن شهر بعدل
و انصاف و تقوی موصوف گردد و جور و ظلم برطرف شود و اهل بدعت را بآنجا خوار و ذلیل گردند لیکن در میان ایشان کارزار و
خصومت بود **حمزه سید الشهدا را در خواب دیدن** دلیل کند که وی را با کسی از بزرگان و مهتران پیوستگی افتد و الحق و منفعت
بیند و سرانجام درجه شهیدان یابد و اگر جعفر طیار را در خواب بیند دلیل کند که حج و غزا کند و اگر عبد الله انس را در خواب بیند
دلیل کند که بسنتهای پیغمبر رغبت بود و علم و شریعت را دوست دارد و عمرش دراز بود و اگر سعد وقاص را بخواب بیند دلیل کند
که بی تقاضای علم قرآن آموختن رغبت دارد و اگر سلمان فارسی را در خواب بیند دلیل کند که غزا را دوست دارد و عاقبتش
محمود باشد و اگر عبد الله عباس یا عبد الله مسعود را بخواب بیند دلیل کند که کار دین مجتهد باشد و اگر بلال را بیند دلیل کند که امر معروف
بجای آورد و علی الجمله هر کسی از یاران رسول را بخواب بیند خیر و منفعت دنیا و آخرت وی را حاصل شود زیرا که جملات پیغمبر اند
و اگر کسی را از علما و فقها یا حکما یا زهاد بخواب بیند دلیل کند که بکار خیر و طاعت توفیق یابد و علم حاصل کند بر قدر درجه آن کس که
وی را دیده باشد زیرا که علما و حکما و اولیا میراث داران پیغمبر اند و رهنمای مسلمانان و اگر بشهری یا بمجلسی گروهی از علما و حکما جمع
آمده بیند دلیل کند که مردم آن دیار را عزت بود و بر جاهلان بگشا رحق و کردار صدق و امر معروف و نهی منکر و اتباع علم تمام شد
سخن گفتن در باب تاویل رؤیت الله تعالی و فرشتگان و پیغمبران و تاویل دیدن صحابه و تابعین و علما و بعد از این شرح تعبیر
چیزها که در خواب دیده شود بترتیب حروف معجم بیان کنیم چنانکه استخراج آنچه طلب کنند بر خواننده و آموزنده سهل و آسان
بود و بالله التوفیق و علیه التکلان **در تعبیر چیزها که اول اسمها الف است از حروف معجم آبادان** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند
که جایگاه خراب آبادان همی کرد چون مسجد و مدرسه و خانقاه و آنچه بدین ماند دلیل کند بر صلاح دین و ثواب آخرت که وی را
حاصل شود و اگر بیند که زمین خراب را از خود آبادان همی کرد چون سرا و دکان و مانند آن این دلیل کند که خیر و فایده این جهان
یابد و اگر بیند که جایگاه آبادان بجای آورد خراب شد دلیل کند که اهل آنجایگاه را بلا و مصیبت رسد جابر مغربی گوید اگر کسی خویشتن را

بخراب

بخراب در جایگاه آبادان مقیم بیند دلیل کند که خیر و منفعت یابد بقدر آبادانی که دیده بود و اگر بخلاف این بیند دلیل بر شر
و فساد و مضرت وی کند و امام جعفر صادق ع گوید که دیدن آبادانی بخواب بر چهار وجه بود یکی بر صلاح کارهای این جهان دوم
بر خیر و منفعت سیم بر مراد و کام رانی چهارم بر گشایش کارهای بسته **آب** بدانکه زندگانی همه چیزهای دنیا بآب است قوله تعالی
و من الماء کل شیء حی ابن سیرین گوید اگر بیند که بر قرار آب همی خورد چون آب دریا و آب رود و خانه و آنچه بدین ماند دلیل کند که عمر
دراز بود و بر قوت ایمان و اعتقاد و پاکی وی و اگر بیند که از آب صافی خوشگوار بسیار بخورد دلیل کند که عمرش دراز بود و معیشت وی
خوش باشد و اگر بیند که آب تیره یا شور خورد بخلاف این باشد و اگر بیند که اندر دریا آب صافی خوش همی خورد دلیل کند که بقدر آن
از پادشاه مال و نعمت یابد و اگر بیند که جمله آب دریا را بخورد دلیل کند که پادشاهی همه جهان بگیرد و بعضی گویند که بقدر آن که
از آب دریا خورده باشد وی را بزرگی و نعمت و مال حاصل شود چون آن آب خوش و صاف باشد اما اگر آب تیره بود آنچه بدو رسد رنج
و سختی و ترس و بیم بود کرمانی گوید اگر بیند که آب گرم همی خورد دلیل بود که بیماری و رنج همی کشد و اگر بیند که بروی آب گرم
همی ریخت چنانکه وی را جز بناشد دلیل کند که بیمار شود یا غمی سخت بدو رسد و اگر بیند که در آب بجوشد دلیل کند که در رنج و غم گرفتار
شود و اگر بیند که جامه کاغذ در بر داشت دلیل کند که بر اهل زندگانی دنیا فریفته شود و اگر بیند که در کاسه آبگینه آب همی خورد دلیل کند که
بخواهر زنان کرده باشد و اما آنکه در کاسه آبگینه بود طفل باشد که در شکم مادر باشد و اگر بیند که کاسه بشکست و آب بر ریخت دلیل کند که
جفت وی بمیرد و فرزندش بماند و اگر بیند که آب بر ریخت و کاسه هنوز بماند دلیل کند که فرزندش بمیرد و زن وی بماند و اگر بیند که آب
بر مردمان میداد دلیل کند که در حق خیر و احسان کند و جایگاه خراب بر دست وی آبادان شود و اگر بیند که در خانه که اندر او
آب بجریان بود و در او شد دلیل کند که غمگین و متفکر شود و اگر بیند که آب صافی را پیاله یا مانند آن همی خورد دلیل کند که زندگانی
بعیش و عشرت گذارد و اما کاری کند که جاه و حشمت بدو رسد که مال جمع را اندک اندک بر دیگران بخشد و خیرات کند جابر مغربی
گوید که آب را که بر وقت نیاز داشته بود دلیل کند که در آن زمان فراخی و نعمت بود و اگر آب را بسیار دید که بر زمین همی رود دلیل کند
که مردم را عامه سال نیک عاقبت باشد قوله تعالی و قیل یا ارض ابلعی ماءک و یا سماء اقلعی و غیض الماء و قضی الامر و اگر بیند که آب از هوا
برسر مردم فرود همی آمد دلیل کند که در آن سال نعمت فراخی پیدا آید یا شد قوله تعالی صبا الماء صبا و اگر بیند که در خانه وی آب نیز
ایستاده بود دلیلش بخلاف این باشد دانیال گوید که آب باران باغ و کشت از جوی ها و رودها دلیل کند بر مال و رستگاری از غم
و اندوه و آب باران بر درختها دلیل کند بشغل صعب و اگر بیند که در آب بشنا رفت تن وی پوشیده بود دلیل بر دولت بود و توکل
بر خدای تعالی و استقامت کار وی و اگر بیند که آب بباغ همی برد دلیل کند که زن خواهد کرد یا کنیزک و اگر کسی بیند که آب پاک بروی بریخت

چیند که

دلیل کند که از آن کس خیر و منفعت یابد و اگر بیند که آب تیره بر روی ریخت آن دلیل بر خلاف این باشد امام جعفر صادق ع فرماید که آب تاختن
بخواب دیدن بر پنج وجه تفسیر کنند یکی نعمت دوم کوشت سیوم کار دشوار چهارم زندگانی پنجم عمل از جمله رئیس شهر و اگر تاویل را نیز [illegible]
و تاویل آب چاه و آب چشمه و آب جوی را بحرف جیم و آب دریا را بحرف دال و آب رود را بحرف را و هم برین قیاس حرفهای دیگر را
در موضعش بیان کنیم **آب منی** دانیال گوید آب منی در خواب دیدن بر فرزند کند و اگر بیند که آب منی از وی فرود آمد دلیل
که دلش کشاده شود و از رنج و سختی برهد و اگر بیمار شود شفا یابد ابن سیرین گوید که آب منی در خواب فرزند بود لیکن اگر بیند که آب منی بر
اندام وی افتاد دلیل کند که ویرا پسر آید و اگر بیند بر زمین افتاد دلیل کند که ویرا دختری آید و اگر بیند که آب منی بر زن خویش افتاد دلیل
کند که زن وی آبستن شود لیکن فرزند را بیفکند و اگر بیند که زن بروی آب منی افکند دلیل کند که ویرا پسر آید و اگر بیند که آب منی در [illegible]
همسایه افکند دلیل کند که با زنان همسایه خیانت کند و اگر بیند که آب منی خویش را در بستر وی افکند همین دلیل کند امام جعفر صادق ع
فرماید اگر بیند که آب منی خویش را همی خورد دلیل کند که مال خویش را بر عیال خود هزینه کند و اگر بیند که آب منی زن خویش را همی خورد دلیل کند که قدر
آن مال زن خویش را بخورد و اگر بیند که آب منی وی سیاه و تیره بود دلیل کند که فرزندش بیمار شود **آب تاختن** ابن سیرین گوید اگر کسی
بیند که آب تاختن کند بجایگاهی که موضع آن باشد و مکین شود دلیل کند که از غم فرج یابد و دلش کشاده شود و اگر بیند که [illegible]
در مالش نقصان آید بر قدر آب تاختن دانیال گوید اگر بیند که در جایگاهی مجهول آب تاختن کند دلیل کند که از مال حرام زن خواهد
یا کنیزک و اگر بیند که بجای آب تاختن خون برفت دلیل کند که ویرا فرزندی ناقص آید و اگر بیند که بجای آب تاختن ریم برود دلیل کند که
ویرا فرزندی آید معلول و بعضی از معبران گفته اند که آب تاختن مال حرام بود و اگر بیند که آب تاختن همی خورد دلیل کند که مال حرام
خورد کرمانی گوید اگر بیند که اندر جای آب تاختن میکند دلیل کند که از کسی مال حلال حاصل کند اگر بیند بر مصحف آب تاختن کرد دلیل
کند که ویرا فرزندی آید که قرآن ظاهر خواند و عالم بود و دانا شود و اگر بیند که برخی از آب تاختن ریخت و برخی با خویشتن داشت دلیل
کند که برخی از مال خویشتن ببرد و برخی بماند و هم از وی جدا شود و اگر بیند که مردمان با آب تاختن وی مسح همی کردند دلیل کند که ویرا
فرزندی آید عالم و دانا شود و مردمان [illegible] مغربی گوید اگر بیند که در مسجد آب تاختن همی کرد دلیل کند که مال خویش هزینه
کند بر وجه خویش اگر بیند که جامه وی با آب تاختن آلوده گشت دلیل کند که مال [illegible] بر فرزند خویش هزینه کند برود جهت [illegible]
و تجارت زنان کند امام جعفر صادق ع گوید که آب تاختن در خواب بر منفعت خویش [illegible] و بیند [illegible]
و بیمار را شفا یابد و مجهول را فرج بود و مسافر را بازآمدن باشد و عامل را معزول [illegible]
زنان بود و در تجارت اسمعیل گوید اگر بیند که در خانه خویش بموضعی [illegible] آب تاختن همی کند دلیل کند که مال خود بر عیال هزینه کند لیکن [illegible]

آن

آن [illegible] فرماید و هو خیر الرازقین **آب خانه** ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که آب خانه
می ساخت دلیل کند که بجمع کردن مال دنیا حریص و راغب بود و خواهد که از مال خود چیزی خرج کند و بعضی از معبران گفته اند دلیل کند
کردن [illegible] ویرا خلاص آید و آن زن خوار و بی دیانت بود و اگر بیند که در آب خانه بول و غایط همی کرد دلیل کند که مال خویش نزینه
کند بموضع خود و اگر بیند که در آنجا افتاد و یا در چاه آب خانه افتاد دلیل کند که در جمع مال [illegible] بود و اگر بیند که کسی او را در چاه آب خانه
افکند دلیل کند که مال کسی بحیف غصب کند و اگر بیند که چون بیفتاد دست و پای وی بشکست دلیل کند که بلای سخت بدو رسد امام
جعفر صادق ع فرماید دیدن آب خانه در خواب بر پنج وجه بود یکی مال حرام دوم عیش و بنا سیوم خزینه چهارم شروع در حرام پنجم
زدن خادمه و حرام خوار ابن سیرین گوید آبدستان در خواب دیدن خزینه دار بود و صاحب تدبیر باشد اگر خرج و دخل درست
او بود اگر بیند که پادشاهی آبدستان بدو داد دلیل کند که خزینه داری در آن پادشاه شود و اگر او بکسی دهد هم بر این قیاس بود
کرمانی گوید که آبدستان در خواب خادم باشد بقول [illegible] علیهم و لدان مخلدون باکواب و اباریق و کاس من معین اگر
بیند که آبدستان وی بشکست یا ضایع شد دلیل کند که از وی جدا شود یا بمیرد و اگر بیند که از آبدستان آب همی خورد دلیل کند
که ویرا فرزندی حاصل شود خاصه که آب صافی بیند و خوش طعم امام جعفر صادق ع فرماید دیدن آبدستان در خواب بر پنج وجه بود
یکی خادم دوم خزینه سیوم مرد بر کار چهارم فرزند پنجم روزی اندک از جایگه امید ندارد **آبستن** ابن سیرین گوید که شکم او
او بزرگ شده است چون زن آبستن دلیل کند که مال و نعمت دنیا حاصل کند خواه مرد و خواه زن و هر چند شکم بزرگتر بیند مال
و دینار بیشتر یابد و اگر فرزند با زن خویشتن را آبستن بیند دلیل کند که مال و نعمت او بسیار شود **اسرافیل** ابن سیرین گوید
اگر اسرافیل را بخواب بیند چنانکه صورت اوست دلیل کند که قوت و بزرگی یابد و عالم و دانا شود و در دنیا ایمنی بود و اگر بیند
که اسرافیل صور را در دست و میدمید دلیل کند بر محنت و بلا و فتنه بود زیرا که او را امر است از خدای تعالی بدمیدن صور و هر کجا که دمیدن
صور پدید آید شود در آنجا فتنه ترس و مرگ باشد چنانکه در کلام مجید فرموده و نفخ فی الصور فصعق من فی السموات و من فی الارض
و اگر بیند که اسرافیل صور را بر دست گرفته بود و در شهری بود و میدمید دلیل کند که مردم آن شهر هم و ترس افتد و اگر بیند که اسرافیل در
خانه وی درآمد و او خفته بود و در دمید [illegible] دلیل کند که اجل وی نزدیک باشد و اگر بیند که اسرافیل بخشم بروی نگاه کرد دلیل کند
که عالم را ناید بروی خشم کرد کرمانی گوید اگر اسرافیل را صور دمید دلیل کند که اندر آن دیار عدل و داد و ایمنی باشد و ظالمان
هلاک شوند و اگر بیند که اسرافیل [illegible] شادمان بود و در روی نگاه کرد دلیل کند که ویرا از پادشاه خیر و ایمنی باشد و اگر
بیند که اسرافیل ویرا نامه مهر کرده داد دلیل کند که اجل وی نزدیک باشد و اگر بیند که اسرافیل ویرا بانگ کرد و ناپدید شد دلیل کند

گرازپادشاه و برادریان و حضرت رسد **ملک الموت** ابن سیرین گوید اگر کسی ملک الموت را در خواب بیند چنانکه در او در آسمان
بیند و خود را بر زمین دلیل کند که هر کاری که دارد از آن معزول شود و اگر ملک الموت را شادمان بیند دلیل کند که شهید گردد و اگر
بیند که با ملک الموت کشتی همی گرفت و ملک الموت را انداخت دلیل کند که توبه بایدش کرد تا از دنیا رحلت کند و بیمار شود و بحال
مرگ رسد و بعد از آن شفا یابد جابر مغربی گوید که هر که ملک الموت را بخواب بیند خرم و شادمان دلیل کند که زندگی وی دراز بود و اگر بیند
که ملک الموت بروی سلام کرد دلیل کند که اجلش نزدیک شده باشد و عاقبت وی بر شهادت بود و اگر بیند که ملک الموت وی را
در خود بکشید دلیل کند که تا ویش همان بود و اگر بیند که وی را ملک الموت بکشت دلیل کند که دشمن حق گردد **حملهٔ عرش** بدانکه
حملهٔ عرش آن فرشتگانند که عرش را بامر ایزد تعالی برداشته اند اگر کسی ایشان را بخواب بیند دلیل کند که پادشاهی بیوفند و از او منفعت
یابد کرمانی گوید دلیل کند که با یکی از اهل دین باشند و وی را پرهیزگاری بود و طاعت و خیرات بسیار کند قوله تعالی و تری الملائکة حافین من
حول العرش یسبحون بحمد ربهم و اگر بیند که فرشتگان وی را بنواختند دلیل کند که اجل وی نزدیک رسیده باشد کرام الکاتبین
فرشتگانند که بر مردم موکلند و کردارهای نیک و بد مردمان را می نویسند ابن سیرین گوید اگر کسی کرام الکاتبین را بخواب بیند دلیل
کند که اگر اهل صلاح باشد خیر و صلاح دو جهانی یابد و اگر اهل فساد بود و رنج و محنت و غم بدو رسد قوله تعالی کراما کاتبین یعلمون ما تفعلون
ابن سیرین گوید اگر بیند که با فرشتگان جنگ و بزد همی کرد دلیل کند که گناه و عاصی بود و مستوجب عذاب خدای تعالی گردد و توبه
بایدش کرد و اگر بیند که فرشتگان منکر و نکیر بودند دلیل کند که رنج و محنت بدو رسد و اگر بیند که فرشتگان مظفر وی
و طعام بر وی ست کردند دلیل کند که از این جهان شهید بیرون شود و اگر بیند که فرشته چیزی از وی بستد دلیل کند که مال وی زایل
شود و اگر بیند که فرشتگان بحرب مشغول اند دلیل کند که بر دشمن مظفر شود و اگر بیند که فرشتگان در دروازه وی بجو مشغول اند دلیل کند که
احوال وی مستقیم شود و اگر بیند که فرشتگان بصورت زنانند دلیل کند که بیننده خواب دروغ گوید بر خدای عز و جل چنانکه در کلام مجید
فرمود افاصفکم ربکم بالبنین واتخذ من الملائکة اناثا انکم لتقولون قولا عظیما و اگر بیند که او پر داشت و با فرشتگان همی پرید دلیل کند
اجلش نزدیک شده و از دنیا با ثواب بیرون شود و اگر بیند که از دور فرشتگان همی گریند و نزد ایشان رفتن نتوان دلیل کند
که وی را مصیبت رسد قوله تعالی یوم یرون الملائکة لا بشری یومئذ للمجرمین و اگر بیند که فرشتگان در مقامی بهم فرود آمدند دلیل کند
که اهل آن جای بر دشمنان ظفر یابند و از غم فرج یابند و دشمنان را قهر کنند زیرا که فرشتگان نصرت پیغمبران آمدند بزمین کرمانی
گوید که دیدن فرشتگان مقرب در خواب بشارت باشد و یاری از حق تعالی و اگر بیند که فرشته وی را وصیت کرد یا پند داد دلیل کند
که از دنیا شهید بیرون رود و اگر فرشتگان معتبر از جایگاهی بیند که در آنجا اهل اسلام را با کافران جنگ و محاربه باشد دلیل کند که فتح

اهل اسلام را بر ایشان ظفر بود و نصرت باشد و اگر در آنجا رنج و سختی را از اهل آن موضع زایل کردند و اگر بیند که خود فرشته گشته و با ایشان
بآسمان رفت دلیل کند که در دنیا زاهد و ورع اختیار کرده و دست از این جهان بدارد و در راه آخرت پیش گیرد و اگر بیند که با ایشان باسمان
رفت و از آنجا بزمین آمد دلیل کند که زود از دنیا رحلت کند و نامش در جهان بخیر و نیکی منتشر گردد جابر مغربی گوید اگر بیند که فرشته
مقرب بروی بچشم حرمت شوی نگاه کرد دلیل کند که حال وا و بیند و از بیماری شفا یابد و از ترس و بیم ایمن بود و اگر فرشتگان را
بصورت فرشته بیند دلیل کند که اگر غمناک بود از غم فرج یابد و اگر وام دارد وامش گزارده شود و اگر در بیم و ترس بود ایمن گردد
و اگر توانگر بود مالش و نعمتش بیفزاید امام جعفر صادق ع فرماید اگر بیند که فرشته وی را بکار بزرگ وعده داد یا وی را پند داد دلیل کند که
کسی بزرگ وی را از شغلی بازدارد و اگر بیند که فرشته وی را چیزی عطا داد دلیل کند که وی را از بزرگی بقدر آن عطا رسد و اگر بیند که گروهی
فرشتگان باستقبال وی آمدند دلیل کند که اقبال و دولت و جاه بیابد و اگر بیند که جمله فرشتگان آسمان بنها بدیدن وی آمدند دلیل
کند که اجل وی نزدیک شده باشد و اگر بیند که وی را باسمان بردند همین دلیل کند و اگر بیند که از آسمان فرود آمدند و در دست چراغ و شمع
دارند دلیل کند که وی را از زنی عالم و دانا آید و اگر بیند که فرشتگان وی را جامه سپید یا سبز دادند دلیل کند که کسی از خویشان او
بمیرد یا وی را اجل فرا رسد و اگر بیند که فرشتگان وی را جامه سیاه دادند دلیل کند که کافر شود و اگر بیند که جامه زرد دادند دلیل کند که بیمار
شود و اگر بیند که فرشتگان در روی وی بشاش دادند و بشادی و خوشی در روی نگاه کردند دلیل کند که عاقبت کارش سعادت بود و اگر
بیند که فرشتگان روی بگردانیدند باید که توبه کند و بصلاح ایستاد باز گردد و اگر بیند که فرشتگان وی را جامع قرآن یا خطی نوشته دادند
دلیل کند که وی را با کسی علم و دانا وری افتد و خصم را غلبه کند و امثال گوید که دیدن فرشتگان در خواب اگر در صورت پیر بیند دلیل
بر روزگار گذشته کند و اگر بصورت جوان بیند دلیل بر استقبال الوقت که اندر پیش است و اگر بصورت کودک بیند دلیل بر وقت
آینده کند **انبیا و پیغمبران را در خواب دیدن** ابن سیرین گوید که مراتب پیغمبران بسه وجه است اول اولوالعزم دوم
رسل سیوم نبی و اولوالعزم ابراهیم و موسی و عیسی و محمد علیهم السلام و رسل پیغمبرانند که بر ایشان جبرئیل آمده و بر ایشان صحیفه و کتب فرو
پیغمبرند و نبی پیغمبرانند که با ایشان جبرئیل نیز آمده پس هر که اولوالعزم را بخواب بیند دلیل کند که عز و جاه و بزرگی یابد و هر که رسل را
بخواب بیند دلیل کند که بر دشمن ظفر و نصرت یابد و هر که نبی او را بخواب بیند دلیل کند بر صلاح دین و دیانت وی در میان خلق جابر
مغربی گوید که هر که اولوالعزم را بخواب بیند در جایگاهی اگر اهل آن موضع را با دشمنان جنگ و کارزار بود دلیل کند که حق تعالی ایشان را
بر دشمنان ظفر دهد و اگر اهل آن موضع بر سختی و غم گرفتار باشند ایزد تعالی ایشان را از آن غم و سختی فرج دهد و اگر در آن موضع
که گنیتم بود دیدن آن پیغمبران ایشان را بشارت بود و هم صلاح دین و اگر بیند که پیغمبری از جمله پیغمبران از جایگاهی بجای دیگر

و برا اهل المومنین دعای بهی کرده دلیل کند که خدای تعالی محنت و بلای عظیم بر ایشان فرستد همچنانکه از ان بلاها رهائی نیابند مگر که تو
کنند و بجهد ایشان باز کردند کرمانی گوید هر بنده مومن که پیغمبری بر جای خود تازه روی شادمان بیند دلیل کند که بیننده جواب
عز و جاه و بزرگی یابد و بر دشمن مظفر شود و اگر پیغمبر را خشمناک بیند دلیل کند بر بدی و بر رنج و سختی که بدو رسد و اگر بیند که از
پیغمبری چیزی شنید یا چیزی پرسید دلیل کند که از علم آن پیغمبر بهره یابد و شادمان شود و اگر بیند که پیغمبر را بکشت دلیل کند که او
خیانت کار باشد در عهد و امانت قوله تعالی فبما نقضهم میثاقهم وکفرهم بآیات الله وقتلهم الانبیاء بغیر حق امام جعفر صادق فرماید
اگر کسی آدم ع را بخواب بیند دلیل کند که اگر اهل صلاح باشد بزرگی و ولایت عظیم یابد قوله تعالی انی جاعل فی الارض خلیفة و اگر اهل
صلاح نبود از گناه توبه کند تا حق تعالی ویرا عفو کند و بیامرزد قوله تعالی وعصی آدم ربه فغوی ثم اجتباه ربه فتاب علیه وهدی و اگر بیند
که با آدم ع سخن میگفت دلیل کند که علم و دانش بیاموزد قوله تعالی وعلم آدم الاسماء کلها و اگر بیند که آدم دست ویرا میگرفت دلیل کند که
بزرگی و مملکت یابد و اگر بیند که آدم را اطاعت نداشت دلیل کند که بدبخت و عاصی بود و اگر اسحق ع را بخواب بیند دلیل کند که
اقبال و دولت اینجهانی و ال نعمت یابد و فرزندانش زیاد شوند و کام دل یابد و اگر حوا را بخواب بیند دلیل کند که عیش خوش
یابد و مال و فرزندانش افزون شود اگر کسی یعقوب ع بخواب بیند دلیل کند که کارش نیکو و عاقبتش محمود باشد و اگر کسی یوسف ع را
بخواب بیند دلیل کند که کارش دراز شود ولیکن از دشمنان رنج و سختی بیند و سرانجام مراد یابد و اگر کسی شیث ع را بخواب بیند
دلیل کند که دشمنان بر وی افسوس کنند و عاقبت بر ایشان ظفر و نصرت یابد و اگر ادریس ع بخواب بیند دلیل کند که کارهای وی
بصلاح آید و اگر نوح ع را کسی بخواب بیند دلیل کند که از جائی بجائی تحویل کند و سرانجام کارش نیک شود و در خیرات بر وی گشاده
گردد و اگر هود ع را کسی بخواب بیند دلیل کند که ایزد تعالی ویرا روزی کند و بعضی از معبران گفته اند که از سلطان ظالم ویرا ستم رسد
و برخی گفته اند که بد خو نام کنند با او رود و اگر صالح ع را بخواب بیند دلیل کند که بشارت فتح و غنیمت یابد و اگر ابراهیم ع را بخواب بیند
دلیل کند که خویشان بر وی تهمت نهند و عاقبت پادشاهی و بزرگی یابد و اگر کسی شعیب ع را بخواب بیند دلیل کند که جنگ کرده
با اهل و عیال و بعد از ان حال حالش نیکو شود و بر دشمن ظفر یابد قوله تعالی ووهبنا له من رحمتنا اخاه هرون نبیا و بعضی از معبران گفته اند
که اگر کسی موسی ع را بخواب بیند دلیل کند که پادشاه ظالم در ان دیار هلاک شود و اگر یوشع ع را بخواب بیند دلیل کند که کار
بسته بر وی گشاده گردد و اگر داود ع را بخواب بیند دلیل کند که رنج و محنت عیال کشد و آشفته شود و اگر کسی سلیمان ع را بخواب بیند
دلیل کند که بزرگی و پادشاهی یابد و نعمت و مال و زیاده شود و کارش بنظام گردد و اگر زکریا را بخواب بیند دلیل کند که ایزد تعالی
ویرا فرزندی دهد بر خیرات عبادات و طاعات و اگر کسی یحیی را بخواب بیند دلیل کند که دست از کار دنیا کشیده و بکار آخرت

مشغول

مشغول شود و اگر خضر را بخواب بیند دلیل کند که سفر دراز کند و فرح و ایمنی و عمر دراز بیند و اگر الیاس را بخواب بیند دلیل کند
که کارهای دشوار بر وی آسان گردد و اگر ایوب ع را بخواب بیند دلیل کند که از رنج و بیماری و سختی برهد و کار وی نیکو گردد
و اگر کسی یونس را بخواب بیند دلیل کند که از غمها فرج یابد و از تاریکی بروشنی افتد و اگر عیسی ع را بخواب بیند دلیل کند که کار مرده وی زنده
گردد و بر خیر و عبادت کردن توفیق یابد و اگر کسی محمد مصطفی ص را بخواب بیند دلیل کند که کار دو جهان وی نیکو شود و اگر غمگین بود
از غم فرج یابد و اگر وام دار بود وامش گزارده شود و اگر محبوس بود خلاصی یابد و اگر در ترس بود ایمن گردد و اگر در تنگی و قحط بود
نعمت و فراخی یابد و اگر توانگر بود درویش گردد و ابو هریره گفت که از حضرت رسول شنیدم که گفت هر که مرا بخواب بیند
حق را دیده باشد من رآنی فقد رای الحق فان الشیطان لا یتمثل بی بدرستیکه شیطان بصورت من متمثل نشود و اگر اندوهی از رنج
بوی رسد عجب مدار که تاویل دیدار من دین برسعادت و عقبی قشیر کند که برسعادت عقبی و دنیا و اگر مصطفی ع را خشمناک بیند دلیل کند
بر سستی دین و گنهکار شدن و بدعت اندران دیار و اگر رسول ع را بیند که در انجا بانگ میکرد دلیل کند بر سستی دین و کا
که هر چه در اند یا در خواب بود آبادان گردد و اگر ویرا دید که چیزی همی خورد دلیل کند که فراخی بود اندر آن برزگرد و ادب
و اگر رسول ع را در جائی بیند که در انجا هیچ رنج و آفت نباشد دلیل کند بر خیر و صلاح و دین اهل آن موضع خاصه که مصطفی ع را در آن موضع
یا در مسجد بیند و اگر ویرا بیمار یا ضعیف یا غمگین بیند دلیل کند که در انجا دین اسلام ضعیف و خوار گردد کرمانی گوید اگر کسی رسول ع را
در شهری یا کوچه بیند دلیل کند که در انجا نعمت فراخ شود و اهل آن موضع بر دشمن ظفر یابند و اگر بیند که اندامی از اندامهای پیغمبر ع
کم بود دلیل کند که مردم انجا در دین ضعیف و خوار شوند و بحکم شریعت کار نکنند باز آمدیم بحرف الف **آبگامه** ابن سیرین گوید
که خوردن ابگامه در خواب دلیل کند بر رنج و بیماری اگر بیند که ابگامه همی خورد دلیل کند که ویرا بعد از آن بیماری بود کرمانی گوید
اگر کسی بیند ابگامه با نان بخورد دلیل کند که غمگین و متفکر شود از سبب کاری که با عیال خصومت کند اگر بیند که ابگامه
ریخته از وی چیزی بخورد دلیل کند که از غم و اندوه فرج یابد امام جعفر صادق ع گوید خوردن ابگامه در خواب بر پنج وجه بود
یکی بیماری دوم غم سیم خصومت چهارم حاجت پنجم ناسازکاری با اهل و عیال **آبگینه** دانیال ع گوید ابگینه در خواب زنان باشند
و اگر بیند که در ابگینه شراب همی خورد دلیل کند که زن خواهد و مال یابد و اگر بیند که در ابگینه شراب کمی داد دلیل کند که از بهر کسی زن
خواهد ابن سیرین گوید که اگر بیند که کسی ابگینه بوی داد و نامش در انجا نوشته بود دلیل کند که دولت دنیا و دین یابد حاجت وی
روا شود و اگر بیند که بر ان ابگینه نام پادشاه بود و اگر بیند که خواب پادشاه بود دلیل کند که اجلش نزدیک رسید و اگر پادشاه
نبود دلیل کند که بر قدر و اندازه آن چیز و حرمی یابد جابر مغربی گوید که اگر بیند که ابگینه داشت بشکست دلیل کند که اگر زن

وارد طلاق دهد و اگر زن ندارد زنی از خویشان وی از دنیا رحلت کند و یا اکنه البته بجای منزلت عذاب و مذکره کار رود و بعضی
از معبران گویند که کسی کارهای زنان کند و در دو بار زنان مخالطت نماید **آبله** ابن سیرین گوید که آبله در خواب نشان مالی باشد اگر بیند که
چند که آبله بر تن وی بود دلیل کند که بقدر آن مال وی را حاصل شود کرمانی گوید که اگر بیند که بر تن وی آبله برآمده دلیل کند که بقدر آن
مال حرام وی را حاصل شود و امام جعفر صادق ع گوید که آبله در تن بخواب دیدن بر پنج وجه بود یکی زیادتی مال دوم زن سوم
پسر شایسته چهارم حاجت روا شدن پنجم از ترس ایمن شدن باشد چون آبله را سپید بیند **آبنوس** ابن سیرین گوید
که آبنوس دیدن در خواب مردی باشد در کار خویش سخت و محکم و اما توانگر و بخیل بود و از وی چیزی بکسی نرسد کرمانی گوید که
آبنوس در خواب نیکو بود هم بدین صفت که یاد کرده شد امام جعفر صادق ع فرماید که آبنوس در خواب کسی باشد هندی و بی منفعت
که گذشته **آتش** دانیال گوید اگر کسی آتش بخواب بیند دلیل کند که با پادشاهی نزدیک گردد و کار بسته وی گشاده
کرده و اگر بیند که کسی را در آتش افکنده و آتش وی را بسوخت دلیل کند که پادشاهی بر وی ستم کند لیکن زود خلاصی یابد و بدین
و نیکو نامی یابد چنانکه ایزد تعالی در کلام مجید میفرماید قوله تعالی یا نار کونی بردا و سلاما علی ابرهیم و اگر بیند که آتش وی را نسوخت دلیل
کند که وی کرامات سفری کند و اگر آتش را با تف و سوز بیند دلیل کند که از علت تب بیمار گردد و اگر بیند که آتش بعضی
از اندام او را بسوخت دلیل کند که بقدر آن سوختگی وی را رنج و مضرت رسد و اگر بیند که آتش در جامه افتاده و همه اندام وی بسوخت
در زبان او رود دلیل کند که در محنت و مصیبت عظیم گرفتار شود از سبب پادشاه و اگر بیند که آتش در خانه بمیرد و از او هم و ترس حال او
بیامد دلیل کند که او را محنت و مصیبت که بوی رسد به سبب بیماری و ضعف باشد چون برسام و طاعون و آبله و بچه بدین مانند و اگر بیند که
آتش بعضی را فرو گرفت دلیل کند که بقدر آن از پادشاه مال حرام بوی رسد و اگر بیند که آتش را دود بود دلیل کند که بقدر آن وی را مال حرام
لیکن رنج و بیماری و اگر بیند که از آن آتش جسته شراره همی بجست دلیل کند که وی را مالی حاصل شود با جنگ و خصومت و اگر بیند که از آتش گرمی
و طپش بوی رسید کسی او را بد و ریا غیبت کند کرمانی گوید اگر بیند شعله آتش مردمان انداخت دلیل کند که در میان مردم عداوت و دشمنی
افکند و اگر بازرگانی بیند که آتش در دکان و کالای وی افتاد دلیل کند که کالا که دارد بها و بهره و اگر بیند که در میان کسی آتشی افتاد
دلیل کند که در آن جنگ و فتنه و جور سلطان افتد و اگر بیند که آتش جامه وی را بسوخت دلیل کند که با خویشان جنگ و خصومت کند یا از زنان بلا
افتد و بوی رسد و اگر کسی آتشی عظیم در زمینی بیند دلیل کند که در آن موضع فتنه و جنگ و بلا افتد و اگر چیزی سوخته بیند دلیل کند که از بهر
وی را با کسی خصومت افتد و اگر بیند که در شهری یا در محلی یا در سرائی آتش افتاد چنانکه هر چه بود همه را بسوخت و آن آتش زبانه میزد و دود نمیکرد
بیدا و دلیل کند که در آن موضع جنگ و کارزار بود یا بیماری وبا افتد چنانکه بعضی گوید که دیدن آتش در خواب اگر زبانه و فروغ نداشت دلیل کند

ابلا

بر جنگ و کارزار در آن موضع و اگر زبانه و فروغ داشت دلیل کند بر بیماری صعب اگر آتش بیند یا دود دلیل کند بر ترس و بیم و بلا
و اگر بیند که آتش از آسمان به پادشاه شهر یا محلی یا سرائی را بسوخت دلیل بود که آن بلا و فتنها که گفته شد بر اهل آن موضع سخت تر بود و اگر بیند
که او را مسکین و آتش در وی زبانه همی زند و در جا افتاد و لیکن گزندی بر آن نرساند دلیل کند که اهل آن موضع را ملک و حضرت افتد بزبان و اگر
بیند که آتشی از زیر زمین مسکین برآمد و سوی آسمان شد دلیل کند که اهل آن موضع با حق تعالی عاصی شوند به دروغ و بهتان گفتن و اگر بیند
که آتشی از جایی بجای همی رفت و آن آتش هیچ گزند بکس نکرد دلیل کند که او را کاری پدید آید که در آن منفعت یابد و اگر درویش بود توانگر شود
اسمعیل اشعث گوید که اگر کسی بیند که از آسمان مانند باران آتش میبارید دلیل بر فتنه و بلا و خون ریختن بود و از جهت پادشاهان
در آن موضع و اگر بیند که آتشی از آسمان بیامد و چیزهای خورد نه بسوخت دلیل کند که علماهای دینی از دین حق بپرهیز کرده و اگر بیند که از
آسمان آتش بیامد و کسی را بسوخت هم عذاب حق تعالی باشد قوله تعالی عذاب النار التی کنتم بها تکذبون و باشد که از پادشاه و رایم بود
و اگر بیند که چیزی بر آتش میسوخت دلیل کند که بشغل و بیماری و بیمی آن تمام شود و اگر بیند که آتش از آسمان فرود آمد و جانات زمین را
بسوخت دلیل کند که در آن دیار ملخ و بسیار حاجات بود و اگر بیند که آتشی از زمین برآمد دلیل کند که در آن موضع در زمان ظلم کنند
و اگر بیند که آتش قبر یا مناره بسوخت دلیل کند که در آن موضع گنج باشد امام جعفر صادق ع گوید اگر کسی بیند که پارهای آتش میخورد دلیل کند
که مال یتیمان بخورد قوله تعالی الذین یاکلون اموال الیتمی ظلما انما یاکلون فی بطونهم نارا و سیصلون سعیرا و اگر بیند که از دهان وی
آتش بیرون می آمد دلیل کند که سخن دروغ و بهتان گوید و اگر بیند که از هر جانب میانجی کند میان مردمان و پادشاه و غیرت
و اگر بیند که در پهلوی او آتشی افروخته بود و او را از بون عدو دلیل کند که چیزی نیکی بوی رسد قوله تعالی افرایتم النار التی تورون و اگر بیند
که هیزم آتشی عظیم میسوخت دلیل بر جنگ و فتنه کند در آن دیار قوله تعالی کلما اوقدوا نارا للحرب و اگر بیند که آتش وی را بسوخت و آن آتش
نور نداشت دلیل بود که از علت برسام بیمار گشت و اگر آن آتش نور داشت دلیل کند که کسی از خویشان وی فرزندی آید که مردمان
بر وی ثنا گویند و مال و بزرگی یابد و اگر در زمستان آتش بیند دلیل کند بر بیماری صعب چون آبله و طاعون و برسام و مرگ مفاجات
و نزه بانان آتش را یاده بیند دلیل کند که از پادشاه او را ترس و بیم بود و اگر آتشی در بازار بیند دلیل کند بر آنکه اهل بازار کار
به انصاف کنند و اگر در ره وادی آتش افتاده بیند دلیل کند که مردم آنجا مصادرت کنند از پادشاه و از او بر رعیت ظلم رسد و اگر
در راه آتشی بیند هم دلیل بر ایمنی بود و اگر آتش بر جامه کسی افتاده بیند دلیل کند که آن کس مصیبت و ترس و بیم بود و اگر خویشتن را بر
آتش ایستاده بیند دلیل کند که او را سختی و رنج برسد **آتش افروختن** ابن سیرین گوید آتش افروختن در خواب با پادشاه بود و قوت
وی و آتش بیدود و فروغ قوت باشد و خاصه که آتش با دود و پادشاه سر کرد و غم و اندوه و زیان بود و اگر بیند که بیفروخت آتشی بر فروخت

دلیل کند که بی سبب جنگ و خصومت کند و اگر بیند که آتشی افروخته تا بریان کند دلیل کند که کاری پیش گیرد و بسبب غیبت مردمان مال
ال کسی کند و اگر بیند که از آن بریان بخورد دلیل کند که بقدر آن روزی بوی رسد یا علم داند و اگر بیند که بزیر دیگ آتش می افروخت
و در دیگ گوشت بود یا چیزی دیگر دلیل کند که کاری بسازد که از آن کار فرزندان خانه او منفعت بینند و اگر بیند که در دیگ
هیچ طعام نبود دلیل کند که از آن کار او را غم و اندوه بود و اگر بیند که آتشی برافروخت و اعلام داد دلیل کند که او را سخن نیکو
گویند و اگر بیند که آتشی برافروخت از برای روشنائی دلیل کند که کار بر راه حجت و برهان روشن کند کرمانی گوید اگر بیند که در جایگاهی آتشی بر
افروخت اهل آنجایگاه را بسوزانند دلیل کند که اهل آن موضع را غیبت کند و جابر گوید اگر بیند که آتش در تنور یا آتشدان می افروخت
دلیل کند که با بهره ای از خویشان و اهل بیت در جنگ و خصومت افتد و اگر بیند که آتش خواست برافروزد از بهر منفعت خویش و آن آتش
روشن نشد و روشنائی ندید دلیل کند که از علم خویش برخورداری نیابد و اگر او را گرد و حشمت بود جاهش افزون بود و اگر بیند
آن آتش که افروخت بمرد دلیل کند که هلاک شود جابر مغربی گوید اگر بیند که [illegible] آتش بود و آتش برافروخت که مردمان از نور
آن آتش راه می یافتند و هر کسی بموضع و مقام خویش می رفتند دلیل کند که مردمان از علم و حکمت وی بهره گیرند و او راست یابند و اگر
بیند که آتش فرو مرده و نور وی زایل شد دلیل کند که احوالش متغیر گردد و باشد که از دنیا رحلت کند و اگر بیند که آن آتش در بیابان
افروخت و هیچ نور نداشت دلیل کند که علم داند و کسی بیاموزد و اگر بیند که آتشی در موضعی برافروخت و آن موضع را بسوزاند و آتش
او را فسوخت و از بزرگان بود دلیل کند که حریص و فروخت بنفاق کند و مالش حرام بود و اگر بیند که از خانه همسایه آتش می برد
دلیل کند که مال حرام بوی رسد **روشنائی آتش** ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب روشنائی آتش بیند چنانچه بدو روشنائی او پیدا
شود دلیل کند که زاهدی یابد و اگر روشنائی آتش را ایستاده بیند دلیل کند که سبب [illegible] ایمان بود و اگر اخگر افروخته بیند
دلیل کند که در راه دین بر رؤیت سلطان پدید آید و اگر در خانه خود اخگر دید چنانچه از نورش آن خانه روشن بود دلیل کند که کار
بالا گیرد و دولتش زیاده شود و اگر بیند که آن اخگر افروخته را بکشت دلیل کند که در خاندان او خصومت پدید آید **آتش پرستیدن**
دانیال گوید که اگر کسی در خواب بیند که آتش می پرستید و سجده میکرد دلیل کند که پادشاه ستمکار را سجده کند و بخدمت او مشغول شود
چنانکه از نور [illegible] و اگر بیند که تنور با آتش یا چراغ را سجده کند دلیل کند که بخدمت زنان محتشم مشغول گردد و اگر بیند که آتش را
بوسه میداد و میپرستید دلیل کند که صاحب [illegible] باشد و اگر بیند که در میان آتش مرغ میکرد دلیل کند که پادشاه بطوع و رغبت
با [illegible] کند ولیکن عاقبت کارش خطر باشد خاصه که از آتش بر تن وی گزندی رسد و اگر از آتش تن وی را هیچ گزندی نرسید
دلیل کند که از پادشاه جمعیت یابد و از سلامت نفس ایمن باشد و اگر بیند که در میان آتش رفت دلیل کند که بر قدر آن از پادشاه

لغزد

منفعت یابد و اگر بیند که آتش از روی یا پا یا از دست یا از جامه روشنائی میداد چنانکه خلق از نور او متحیر بودند دلیل کند که بروشنی ظفر
یابد و مراد و حاجت حاصل گردد و قوله تعالی و ادخل یدک فی جیبک تخرج بیضاء من غیر سوء و این معجزه موسی بود با فرعون اسمعیل اشعث گوید
که اگر کسی در خواب بیند که آتش بپرستید دلیل کند که بدنیا رغبت تمام کند و اگر بیند که وی بپرستید بر شکل اخگری بود دلیل کند که جمع
کردن مال و مال حرام بسیار جمع کند و حاصل کند **شراره آتش** ابن سیرین گوید شراره آتش در خواب دیدن سخن بد باشد که بوی
رسد و اگر بقیاس شراره آتش بروی می افتاد دلیل کند که در محنت و بلا سخت گرفتار شود کرمانی گوید اگر بیند که در شهری یا بازار
شراره آتش می افتاد دلیل کند که جنگ و فتنه در آن موضع پدید آید و اگر بیند که شراره آتش سخت بزرگ بود دلیل کند که عذاب خدای عز و جل
بدان موضع رسد و قوله تعالی انها ترمی بشرر کالقصر کانه جمالة صفر و اگر بیند که شرارهای آتش در [illegible] او افتاد دلیل کند که مردم از [illegible]
با یکدیگر خصومت افتد و آتش انداختن و سوختن آتش سخن زشت بود جابر مغربی گوید که هر که بیند که آتش درخشنده و درست داشت
دلیل کند که بکار پادشاه مشغول شود و اگر بیند که با آن آتش دود بود دلیل کند که در آن کار او را بیم و ترس بود و اگر بیند که آن آتش
بر دست وی فرو مرد دلیل کند که از خدمت پادشاه مال حرام بدست وی افتد و اگر بیند که آن آتش پاره مردم را همی سوخت دلیل
کند که از کردار وی مردمان را رنج و مضرت رسد و مردمان دشمن او شوند و اگر بیند که چیزی از نور و شعله آتش همی پخت دلیل کند که
سخنهای خوش بشنود و امام جعفر صادق ع فرماید دیدن آتش بر بیست و هشت وجه بود یکم فتنه باشد دوم کارزار سیم [illegible] چهارم
شفقت پنجم خصومت ششم سخنهای زشت هفتم خشم پادشاه هشتم تقویت نهم منع الکلام دهم نفاق یازدهم [illegible]
دوازدهم علم و حکمت سیزدهم راه هدی چهاردهم [illegible] پانزدهم ترس و بیم شانزدهم سوختن هفدهم [illegible] پادشاه
هجدهم طاعون نوزدهم [illegible] بیستم آبله بیست و یکم [illegible] کارها بیست و سیم [illegible] بیست و چهارم [illegible] بیست و پنجم مال
حرام بیست و ششم روزی بیست و هفتم منفعت **آتشدان** ابن سیرین گوید که آتشدان [illegible] باشد که خدمت خانه کند
و اگر آتشدان آهن بود دلیل کند که آن زن از اهل نفاق بود و اگر آتشدان چوبی بود دلیل کند که آن زن از اهل [illegible] باشد
و مشرک بود امام جعفر صادق ع فرماید که دیدن آتشدان در خواب بر سه وجه بود یکی زن خادمه خانه دوم [illegible] **آتش زنه**
ابن سیرین گوید که آتش زنه و سنگ آتش [illegible] باشد که [illegible] مردی قوی و دلیر بود و سیم [illegible] و این مرد و فرزند
بر شرف کارهای بزرگ دارند کرمانی گوید اگر بیند که [illegible] آتش بیرون می آورد و از آن شمع یا چراغ برافروخت اگر
بیننده پادشاه بود دلیل کند که رعیت از عدل و انصاف او آسایش بیابند و اگر بیننده خواب عالم باشد دلیل کند که مردمان از علم
او بهره یابند و اگر از بزرگان بود دلیل کند که با ملک با مردمان [illegible] بود و احسان کند و مردمان [illegible] امام جعفر صادق [illegible]

چند آتش از آتش زنه بیرون آمد دلیل کند که مال حرام از جهت پادشاه حاصل کند و بشغل او مشغول شود و از رشوه مال بدست آرد
و اگر چند آتش از آتش زنه نتوانست افروختن دلیل کند که مال طلب کند و نیابد **آتشکده** ابن سیرین گوید آتشکده در خواب
جایگاه مکر بود و بیم و خطر حضرت و جنگ از جهت پادشاه کرمانی گوید آتشکده جایگاه مردم احمق بود و اگر بیند که در آتشکده رفت
دلیل کند که بدان قدر مذلت و خواری بوی رسد لیکن از بدی بر جهد و سرانجام پشیمانی خورد **آذرگان** جابلگرد از کان سکو فر ابیت
ویدنش در خواب دلیل بر رنج و بیماری بود **آرد** در خواب دلیل بود بر مال و منفعت حلال که برنج بدست آورد و دانیال گوید اگر
بیند که آرد چون برف از هوا می آمد دلیل کند که بقدر آن منفعت و مال او را حاصل شود از آنجا که امید ندارد و ابن سیرین گوید آرد
جو نیاز دل مردمان بود و دیگر بیند و آرد گندم مال بود از تجارت که فایدهٔ آن بسیار باشد و آرد عدس مال اندک باشد که حاصل شود
از آنجا که امید ندارد و جابر مغربی گوید آرد فروختن در خواب مردی بود که دین خویش بدنیا داده باشد **آردپز** کرمانی گوید آرد
پز بخواب مردی باشد که در میان دوستان و خویشان بهی کرد و ابن سیرین گوید آردپز در خواب زنی بود فضول و خاین
اگر بیند که آردپز بزرگ و فراخ گرفت با کسی بوی داد دلیل کند که زنی با خادمی بود چنانکه گفتیم و نظاره دوستانی کرد و بعضی
معبران گویند مردی مصلح بود که در خدمت یتیم بود و امام جعفر صادق ع فرماید آردپز در خواب بر چهار وجه بود یکی مرد مصلح دوم
زن فضول سیم خادم چهارم منفعت اندک **آروغ** کرمانی گوید اگر بیند که آروغ برمی آورد دلیل کند که از آن سخن او را کم خرج
بود و اگر بیند که با آروغ طعامی از گلویش برآمد دلیل کند که اجلش نزدیک رسیده باشد ابن سیرین گوید اگر بیند که آروغ ترش
و ناخوش بود دلیل کند که سخنی گوید که از آن مضرت و خطر بیند و اگر بیند که آروغ همچون دود برآورد دلیل کند که اسلام سخنی گوید
که از آن او را غیبت کنند و ملامت گویند و سرانجام پشیمانی خورد از آن گفت **آزاد شدن** اگر کسی بیند که آزاد شد یا کسی او را آزاد
کرد دلیل کند اگر بیمار باشد شفا یابد و اگر وام داشته باشد وامش گزارده شود و اگر حج نکرده حج گزارد و اگر بنده باشد آزاد
شود و اگر گناهکار باشد توبه کند و اگر غمگین بود شادمان شود و از غم فرج یابد و اگر محبوس باشد خلاص شود و علی الجمله آزادی
در خواب بغایت نیکو باشد و پسندیده **آستانه** کرمانی گوید آستانه بالا در خواب کدخدای خانه بود و آستانه زیرین کدبانو
و اگر بیند که آستانه بالای در خراب شد دلیل کند که کدخدای خانه بمیرد و خراب شدن آستانه زیرین دلیل بر مرگ کدبانو بود
ابن سیرین گوید اگر بیند که خداوند آستانه زیرین یا آستانه نو بدل کرد دلیل کند که زن را طلاق گوید و دیگر زن بخواهد و اگر بیند
که آستانه بالا را بکند دلیل کند که خود را هلاک کند و اگر بیند که هر دو آستانه خویش را بکند دلیل کند که کدخدای خانه و کدبانو هر دو
بمیرند دانیال گوید اگر کسی در خواب خویشتن را در آسمان اول بیند دلیل کند که اجل وی نزدیک رسیده باشد و اگر

در آسمان دوم بیند دلیل کند که علم و دانش حاصل کند و اگر خود را در آسمان سیم بیند دلیل کند که عز و اقبال بیند و اگر در آسمان چهارم بیند
دلیل کند که با پادشاه دوست و مقرب گردد و اگر در آسمان پنجم بیند دلیل کند که هیبت و ترس یابد و اگر در آسمان ششم بیند دلیل
کند که دولت و نیکوئی یابد و اگر در آسمان هفتم بیند دلیل کند که مال و نعمت یابد و اگر بیند که با آسمان نخستین برشد و لیکن در راه بسته دید
دلیل کند که کارهای وی بسبب مردی بزرگ بسته گردد و اگر بیند که در آسمان گردن برافکنده بود دلیل کند که از مهتر بزرگی
جدا ماند و اگر بیند که فرشتگان از آسمان بزیر آمدند و بر وی پدید شدند دلیل کند که درهای علم و حکمت بروی گشاده شود ابن
سیرین گوید اگر کسی خود را در آسمان بیند دلیل کند که سفری او را پیدا شود و در آن سفر عز و رفعت و جاه و حرمت حاصل کند و اگر بیند
که بهنای آسمان می پرید هم سفری بود با نعمت و منفعت و اگر بیند که همچنان راست می رفت تا با ستاره رسید دلیل کند که بمعرفت بوی
رسد و اگر بیند که به آسمان رفت دلیل کند که بزرگی و پادشاهی یابد و کاری بزرگ طلب کند و بیابد و اگر بیند که از آسمان بانگ
و ندای شنید دلیل بر خیر و سلامت بود و اگر بیند که مرغی از آسمان با وی سخن بگفت دلیل کند که شادمان شود کرمانی گوید اگر
بیند که او را در آسمان بنیاد و بیت چنانکه مردمان در زمین بنیاد بود دلیل کند که اجلش نزدیک رسیده باشد و اگر بیند که بنیاد وی چون
بنیادهای دنیا از خشت و گل و گچ و آجر دلیل کند که خداوند خواب معزز شود و اگر بیند که از آسمان انگبین میبارید دلیل کند
مردمان را خیر و منفعت بود و اگر بیند که از آسمان ریگ یا خاک میبارید اگر اندک بارید دلیل کند که نیک باشد و اگر
بسیار بیند دلیل آن بد بود و اگر بیند که از آسمان آتش میبارید یا کژدم یا مار یا سنگ دلیل کند بر عذاب خدای تعالی در آن دیار
و اگر بیند که خود را از آسمان فرود آویخت دلیل کند که کار وی تیره شود جابر مغربی گوید اگر بیند که بر بالای سقف آسمان رفت بجائی که
و هم آنجا کمند و فرو نیامد دلیل کند که اجل وی نزدیک باشد و خاتمه کارش پسندیده بود و اگر خداوند خواب مستور باشد دلیل کند
در راه دین زاهد شود و اگر خداوند خواب مصلح باشد و مستور نباشد دلیل کند که توبه کند یا هلاک شود و اگر بیند که از آسمان بر زمین
آمد بعد از آنکه آنجا مقیم شود دلیل کند که از رنج و بیماری بشرف هلاک رسد و بعد از آن شفا یابد و اگر بیند که از آسمان بر زمین آمد
یا در میان آسمان و زمین بنیاد وی بود یا قبه یا کوشکی از سنگ و آجر باشد دلیل کند که خداوند خواب با اهل و عیال و عمل و چیستی
معزور باشد و اگر بیند که درهای آسمان گشاده شد دلیل کند که در آن سال دعاها مستجاب شود و باران بسیار بارد و آب فراوان
شود و قوله تعالی ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر و فجرنا الارض عیونا فالتقی الماء علی امر قد قدر و اگر بیند که در آسمان دری از جهت وی یا مردم
گشاده شد دلیل بر نعمت و خیر مردمان آن دیار کند خلاصه که با گشادن آن در از خیر ظاهر بیند و اگر بیند که آسمان بشکافت
دلیل کند که ابر نعمت با وی بخشم باشد امام جعفر صادق ع فرماید اگر کسی بیند که آسمان بگونه سبز بود دلیل کند که در آن دیار خیر و صلاح باشد

بدان بینت که بر زمین نیاید تم

واگر بیند که کوه سفید بود دلیل کند که در آن موضع رنج و بیماری باشد و اگر بیند که آسمان سرخ بود دلیل بود که در آن دیار جنگ و فتنه
و ریختن خون بسیار بود و اگر بیند که آسمان سیاه بود دلیل کند که در آن دیار بلا و فتنهٔ عظیم باشد و اگر بیند که آسمان روشن و
درخشان بود دلیل کند که او را از حق تعالی روشنائی تمام در دین و دیانت و یقین حاصل باشد و اگر بیند که برابر در آسمان گشاده
شد دلیل کند بر عز و روزی که بر وی گشاده شود و عالم و علیم گردد و از وی روزی بمردم بسیار رسد و اگر بیند که در آسمان علامتهای
سرخ بود یا گرد و غبار بود دلیل کند که پادشاهان آن موضع را قوت و نصرت باشد و اگر بیند که آسمان را همی پرستید دلیل کند که بنده
دیگران باشد اسمعیل اشعث گوید اگر کسی بیند که از آسمان چون باران سنگ همی بارید دلیل کند که با وی خشم و عذاب باشد لقوله تعالی
ترمیهم بحجارة من سجیل و اگر بیند که از آسمان گندم و آرد همی بارید دلیل کند که اندران دیار نعمتهای الوان پیدا آید
و خلق را ایمنی در کسب و معیشت **آستانه** ابن سیرین گوید اگر بخواب بیند که آستان خانهٔ وی ابنه شد دلیل کند که بمقدار آن دل
و نعمت یابد و شرف و منزلت یابد و اگر بیند که آستان خانهٔ وی پهنا دلیل کند که از شرف و منزلت بچند و نزد مردمان خار شود
و اگر بیند که از آستان خانهٔ وی آب روان بارید دلیل کند که مال و نعمت یابد و اگر بیند که از آستان خانهٔ وی بار کژدم می افتاد
دلیل کند که از پادشاه یا از بزرگی او را غم و اندوه رسد کرمانی گوید اگر کسی بیند که آستانهٔ خانهٔ وی بر روی وی بیفتاد و در
زیر آن گرفتار شد دلیل کند که وی را بیم هلاک باشد و اگر بیند که آستانهٔ خانهٔ وی برنگهای الوان آراسته و منقش بود دلیل کند که
بزینت و آرایش دنیا مشغول شود **آسیا** دانیال گوید اگر بیند که در آسیا غله برد و آرد همی کرد دلیل کند که از خداوند آسیا
بوی خیر و منفعت رسد و اگر بیند که سنگ آسیا بشکست و از کار بیفتاد دلیل کند که خداوند آسیا هلاک شود و اگر بیند که
آسیا بشکافت یا خللی در وی پدید آمد دلیل کند که در معیشت خداوند آسیا سستی و خلل پدید آید و اگر بیند که سنگ آسیا
کسی بدزدید دلیل کند که خداوند آسیا بیمار شود و منفعت وی مضرت گردد و اگر بیند که آسیا بیفتاد دلیل کند که خداوند وی هلاک شود
و احوال وی دیگرگون شود ابن سیرین گوید دیدن آسیا در خواب جنگ و خصومت باشد و اگر کسی خود را در آسیا بیند دلیل کند که او را
با کسی جنگ و خصومت افتد و اگر بیند که آسیا ملک وی بود و اگر بیند که در آسیا غله نداشت لیکن نظاره میکرد و آسیا همی گردید
دلیل کند که بسفر برود و اگر بیند که سنگ آسیا از سیم یا از برنج بود یا از آهن بود این جمله دلیل بر جنگ و کارزار کند و اگر بیند که سنگ
آسیا از آبگینه بود دلیل کند که خصومت او از زنان بود و اگر بیند که آسیا بجای غله سنگ یا آهن آرد همی کرد دلیل کند که او را با کسی
خصومت و جنگ سخت افتد و اگر بیند که آسیا را بدست میگردانید دلیل کند که او را هم با زنی جنگ افتد یا شد که به سبب او کارش را
نظام نباشد امام جعفر صادق ع فرماید آسیا در خواب دیدن [illegible] دلیل بود بر پنج وجه یکی پادشاه دویم بزرگ سیم توانگری

چهارم مرد دلیر پنجم خوانسالار پادشاه و دیدن جایگاه آسیا جای زمین بزرگ باشد و اگر بیند که آسیا در خواب میکرد دلیل کند که
آنچیز که منسوب است بآسیاب خراب کرده و بدانکه آسیابان در خواب کسی باشد که روزی اهل خانه بسبب او باشد که میکرد و چیزی بدست
می آورد و ابن سیرین گوید دیدن آسیابان در خواب بتاویل مردی باشد که مردم را از دست او روزی بود چون آسیابان جوان بود دلیل
نیکو باشد و اگر بیند که آسیاب با الاغی همی گردید یا با شتری همی گردید و آرد نیک فرود می آید دلیل کند که آسیابان را دولت و اقبال
باشد و اگر پیر بود و اگر جوان حکمش برابر باشد و اگر بوقت گردیدن آسیاب بانگ سنگ آسیاب بشنید دلیل کند که کار وی قوی شود
آشتی ابن سیرین گوید اگر بیند که در خواب آشتی کرد دلیل کند که عزش و رازش گردد و اگر بیند که در آشتی کسی را لب و دین خواند
دلیل کند که بعباد راه شر خواند امام جعفر صادق ع آشتی کردن در خواب دلیل کند بر سه وجه یکی برادری دویم بر قوت دین
سیم بر بصیرت و احتیاط و پسندیده و اگر کسی بیند مرده نیز مادر را آغوش گرفت دلیل کند که اگر آن کس [illegible] صلح بود از وی خیر
دنیا بیند و اگر بیند که کودکی را و را آغوش گرفت دلیل کند که با دشمن صلح کند **آفتاب** دانیال گوید آفتاب در خواب
پادشاه بود یا خلیفه بزرگوار اگر بیند که آفتاب را از آسمان فرا گرفت یا در ایام ملک خویش گرفت دلیل کند که پادشاهی
بزرگ یابد یا دوست و مقرب پادشاه شود و اگر بیند که خود آفتاب شد دلیل کند که پادشاه شود و بر قدر روشنائی آفتاب
اگر اهل آن باشد و اگر اهل آن نباشد بر قدر رحمت و اصل خویش بزرگی و حشمت یابد و اگر بیند که با آفتاب جنگ بود دلیل
کند که با پادشاه او را جنگ و خصومت کند و اگر بیند که بجای آفتاب یا جایگاه ماه مقیم شد دلیل کند که پادشاه گردد و مملکت
بر وی مقیم شود و قرار گیرد و اگر بیند که نور آفتاب بسته دلیل کند که ملک از پادشاهی بستاند و اگر بیند که آفتاب را فرا گرفت
ولیکن نه از آسمان و نور و شعاع نداشت و تیز تاریک و تیره هم نبود دلیل کند که از مهمات فتح یابد و اگر بیند که آفتاب تیره
و تاریک بود و بجایگاه خویش نبود دلیل کند که پادشاه محتاج کارهای وی شود ابن سیرین گوید آفتاب در خواب پادشاه
بزرگ باشد و ماه وزیر او باشد و زهره زن باشد و عطارد دبیر پادشاه و مریخ پهلوان پادشاه بود و ستارگان دیگر لشکر
او باشند جابر مغربی گوید که آفتاب و ماه در خواب پدر و مادر است و ستارگان دیگر لشکر پادشاه بود چنانکه خدای تعالی فرموده در قصه
یوسف ع انی رایت احد عشر کوکبا والشمس والقمر رایتهم لی ساجدین هر زیادت و نقصان که در ماه و آفتاب بیند دلیل کند
بر پدر و مادر و برادران و اگر بیند که آفتاب روشن و پاکیزه بر آمد در خانهٔ وی افتاد دلیل کند که او از خویشان خود مال
بخواهد و اگر بیند که ابر یا چیزی دیگر نور آفتاب را بپوشانید دلیل کند که حال پادشاه متغیر گردد و احوالش شوریده شود خاصه که بیند که
آفتاب بکسوف شد و اگر بیند که آفتاب بی تیرگی روشن شد دلیل کند که پادشاه بیمار شود و لیکن بهتر شود و اگر بیند که جرم آفتاب

رسنی یا رشته فرو داشته بود و او دست بر آن رسن زد دلیل کند که از پادشاه او را قوت و یاری بود و اگر بیند که آن رسن بگسست
وا او پیوند دلیل کند که از بزرگی و منزلت بیفتد و اگر بیند که آفتاب یا ماه را سجده کرد دلیل کند که گناهی عظیم از وی ظاهر شود
و اگر بیند که آفتاب یا ماه و جمله ستارگان در یکجا جمع شدند و او جمله را بگرفت و از ایشان را بسته دلیل کند که پادشاهی چنین بگیرد
و پادشاهان جهان جمله مطیع فرمان وی گردند و اگر بیند که آفتاب یا ماه و ستارگان را بگرفت و تیره بود دلیل کند که پادشاه از جهت ملک [illegible]
مشغول شود و اگر بیند که دو آفتاب با یکدیگر جنگ و خصومت کردند دلیل کند که دو پادشاه با هم خصومت کنند و اگر بیند که آفتاب
بر زمین بود و هیچ نور نداشت دلیل کند که پادشاه آن دیار از ملک معزول گردد و اگر آفتاب را بدست خویش دید که سیاه گشته بود
دلیل کند که پادشاه را غمی بزرگ رسد و از این کار بهره باشد و اگر بیند که آفتاب را سوراخی فرو شده و ناپدید شد دلیل کند که پادشاه
از وی بیمار علت کند و مردم خاص را غم و اندوه رسد و اگر بیند که ابر آفتاب و ستارگان را بپوشانید دلیل کند که پادشاه لشکر
از پیش دشمن هزیمت رود و اگر بیند که آفتاب را همی پرستید دلیل کند که در نزد پادشاه مقرب شود و اصل شغل کرده و اگر کسی
بیند که بر فلک نشست و روی آفتاب کرد پس برگرداند و روی آفتاب بگردانید دلیل کند که اگر کسی بحث کافر بود بی‌سلسلان شود و اگر بحث
هم کافر شود و اگر بیند که آفتاب بر زمین دید دلیل کند که پادشاه آن دیار را بلا رسد از جانب که [illegible] ندارد و اگر بیند که آفتاب [illegible]
کفت دلیل کند که از پادشاه جاه و حشمت و بزرگی یابد امام جعفر صادق ع فرماید تاویل دیدن آفتاب بر هشت وجه است یکی خلیفه دوم سلطان
سیم عالم بزرگ چهارم رئیس پنجم عامل پادشاه ششم منفعت هفتم پدر و مادر و زن را مرد هشتم کار روشن و نیکو
هموار گوید که این آفتاب را سجده کرد دلیل کند که سلطان او را بنوازد و موجب فخر گردد و کار وی بالا گیرد و عدل و انصاف
و نعمت و امیر جهان و دیار پدید آید و شعاع آفتاب بخواب دیدن نیکوتر باشد **آفتابه** ابن سیرین گوید آفتابه در خواب زن
خادم بود یا کنیزک که حوایج خانه بدو تسلیم کند و بعضی از معبران گفته‌اند آفتابه خادم قومی بود که القوم طهارت از آن کنند و از بد
معصیت پرهیز کنند و اگر بیند که آفتابه نو داشت یا کسی بدو داد دلیل کند که وی را خادم یا کنیزی حاصل شود بدین صفت که گفتیم
و اگر بیند که آفتابه بشکست دلیل کند که خادم یا کنیزک بیمار شود یا بمیرد و اگر بیند که آفتابه از وی ضایع شد دلیل کند که خادم یا کنیزک
بگریزد و یا از او جدا شود امام جعفر صادق ع فرماید که آفتابه در خواب بر نه وجه باشد یکی زن دوم خادم سیم کنیزک چهارم
دین پنجم تن ششم عمر و راز هفتم مال و منفعت هشتم چیز و برکت نهم راحت زنان [illegible] انج به پارسی و به تازی [illegible] گویند
اگر کسی بخواب بیند که انج همی خورد دلیل کند که بقدر آن وی را رنج و بیماری رسد کرمانی گوید که اگر کسی بیند که انج داشت و کسی
و یا آن از خانه بیرون ریخت و از او نخورد دلیل کند که از رنج و بیماری ایمن گردد [illegible] بخواب [illegible]

بخانه

نباشد **آماس** ابن سیرین گوید دیدن آماس در خواب مال بود اگر بیند که بر تن وی آماس پدید آمده بود دلیل کند که بقدر آن مال حاصل
کند خاصه که بیند در آن آماس ریم بسیار بود کرمانی گوید اگر کسی بیند که بر تن او آماس بود چنانکه او را رنج نمودی دلیل کند که بقدر آن
مال حلال یابد و اگر آماس چنان نباشد که بدو رنج رساند دلیل کند بر مال حرام که بیابد امام جعفر صادق ع فرماید که دیدن آماس بر پنج
وجه بود یکی آنکه مالش زیاده شود دوم زنی با منفعت سیم پسری آید چهارم حاجتش روا گردد پنجم ایمن گردد از غم و اگر بیند که
خود را آماس بیند دلیل کند که این هر پنج که یاد کردیم او را حاصل گردد **آبک** دانیال گوید که اگر کسی بیند که با آبک موی از تن
خود بسترد دلیل کند که بقدر آن موی که بسترده او را مال حاصل شود و اگر غمگین بود از غم فرج یابد و اگر شرف بزرگ دارد و در
از وی زایل گردد و اگر وام دارد و وامش گزارده شود ابن سیرین گوید آبک دیدن در خواب تاویلش زیادتی مال بود و در
گزاردن وام و کار فراخ شدن [illegible] امام جعفر صادق ع فرماید که آبک در خواب به سه وجه است یکی چیز یافتن دوم سخنهای زشت
و ناخوش سیم کارهای دشوار و عمارت کردن با آبک تاویل هم بود **آهن** ابن سیرین گوید آهن معمول بخواب دیدن خادم و
و اگر غیر معمول باشد چیزی از متاع دنیا باشد که بوی رسد بقدر آهن اگر بیند که خانه وی آهن بود یا در موضع خود آهن بسیار بر هم نهاده
بود دلیل کند که زندگانی و عمرش درازتر گردد و اگر بیند که کسی آهن بوی داد دلیل کند که از متاع دنیا بقدر آن آهن کسی چیزی بدو بخشد
کرمانی گوید هر آهن که کسی بخواب بیند که سبب سلاح آن دارنده او منسوب به پادشاه بود چنانچه خدای تعالی میفرماید و انزلنا الحدید فیه
باس شدید و منافع للناس و اگر بیند که آهن را از سنگ بیرون آورد دلیل کند که او را سختی پیش آید و از قتل او ترسی بکار [illegible]
او خلق جای گیرد [illegible] کم جابر معبر گوید اگر کسی بیند که آهنگری میکرد و اهل آن کار نبود دلیل کند که با کسی به خصومت و گفتگو
و اگر آهنگر بود دلیل کند بر خیر و منفعت و بعضی از معبران گفته‌اند که آهنگر بتاویل پادشاه بزرگ باشد ابن سیرین گوید دیدن آهن در
خواب چون معروف نبود پادشاه بود اگر معروف بود تاویل نیک و بد آنچه دیده باشد با آهنگر باز گردد و اگر بیند که آهن همی گداخت
دلیل کند که آن کس بر مردم اغلبیت کند و درشتی گوید امام جعفر صادق ع فرماید هر چیزی از آهن که کسی بخواب بیند که از سوزن باشد هم
منفعت و قوت و دلیل توانائی و ظفر یافتن بر دشمنان بود **آهو** کرمانی گوید اگر کسی بیند که آهوی فرا گرفت دلیل کند که
کنیزک خوبروی او را حاصل شود و اگر بیند که آهوی را بر دیده بود دلیل کند که دوشیزگان کنیزکی بر [illegible] و اگر بیند که آهو را از روی [illegible] دلیل
کند که با کنیزکی بخلاف شریعت مجامعت کند و اگر بیند که پوست آهو را بکند دلیل کند که با زنی ناخوب زنا کند و اگر بیند که پوست
آهو را همی بکند و خورد دلیل کند که از زن خوبروی او را مال حاصل شود و اگر بیند که پوست آهو را بکند یا گوشت آهو بیاید [illegible]
دلیل کند که از زن او را مال رسد و اگر بیند که آهو را بکشت دلیل کند که از قبل زن اندوهگین شود ابن سیرین گوید اگر بیند که [illegible]

کرد و آهو را بدوش افکند دلیل کند که از زن یا کنیزک دوشیزه‌ای ببرد و اگر بیند که آهو را بوقت شکار بیفکند دلیل کند که غنیمت یابد و اگر بیند که آهو در خانه او بر وید دلیل کند که از جهت زنان غم و اندوه بوی رسد و اگر بیند که آهو را بسنگ یا بتیر زد دلیل کند که زنی را سخن ناسزا گوید و اگر کسی بیند که بچه آهوی را فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل کند که وی را از کنیزک فرزند آید امام جعفر صادق ع فرماید دیدن آهو در خواب بر چهار وجه بود یکی زن با شهوت دوم کنیزک سیم فرزند چهارم منفعت

آواز ابن سیرین گوید آواز در خواب اگر بیند بشنید دلیل کند که در میان مردمان بزرگی یابد و اگر بیند که آواز وی بلند گشته بود دلیل کند که بر قدر بلندی آواز نام و بانگش بلند گردد و اگر بیند که آواز وی ضعیف گشته بود دلیل کند که نام و بانگش ضعیف گردد چنانکه کسی یاد او نکند کرمانی گوید بلندی آواز مردان را دلیل بر شرف و بلندی نام کند اما بلندی آواز زنان در خواب نیکو نباشد و بخلاف آواز مردان باشد

آویختن دانیال گوید اگر کسی بیند که پادشاه فرمود که او را بدار زنند دلیل کند که از پادشاه حشمت و جاه یابد لیکن در دینش خلل و نقصان افتد و اگر بیند که بهنگام آویختن مردمان در وی نظر میکردند دلیل کند که بر عدد آن قوم مهتری و فرمان روائی یابد و اگر بیند که گروهی جمع شدند و وی را بیاویختند دلیل کند که بر آن قوم مهتر و فرمانروا گردد و اگر بیند که پری مجهول او را بیاویخت و مردمان نظاره وی همی بودند دلیل کند که بر خلق جهان مهتر گردد و فرمان روا شود زیرا که کننده پری مجهول بنا باشد ابن سیرین گوید اگر کسی که خویشتن را بیاویخت دلیل کند که بر اهل بیت قوم خویش خود فرمانروا گردد و همچنین چنانکه خویشان بنظاره او بودند و اگر بیند که خویشتن را بیاویخت و هیچکس در وی نظاره نکرد بلکه خود را آویخته دید دلیل کند که خواهد بر خویشان خود مهتری کند لیکن کسی بر او نشود جابر مغربی گوید که چون خود را آویخته دید و ریسمان بریده و بیفتاد دلیل کند که از بزرگی و دولت و جاه بیفتد

آیینه ابن سیرین گوید آیینه در خواب جاه و دولت پادشاه است اگر بیند که کسی آیینه بوی داد دلیل کند که بقدر بزرگی آیینه جاه و ولایت یابد و اگر بیند که آیینه بکسی داد دلیل کند که مال و متاع خود پیش کسی برد و اگر بیند که در آیینه سیمین نگاه میکرد دلیل کند که از مردمان حرمت و جاه یابد زیرا که معبران آیینه سیمین مکروه داشته اند کرمانی گوید اگر مردی بیند که در آیینه آهنین نگاه میکرد دلیل کند که اگر زن وی حامله بود پسری آورد که بهمه چیز با مانند پدر باشد و اگر زن بیند که در آیینه میکرد آهنین بود دلیل کند که دختری آورد که بهمه چیز با مانند مادر باشد و اگر زن آبستن نبود دلیل کند که شوهرش او را طلاق دهد و زنی دیگر بخواهد و آن زن شوهر دیگر کند و اگر پادشاه بیند که در آیینه نگاه میکرد دلیل کند که وی را برادری باید و اگر دختری نگاه کند وی را خواهری باید و اگر پادشاه عالی نگاه کند معزول گردد و ولایت از وی بستانند و کسی دیگر بر جای او بنشیند جابر مغربی گوید روی نیکو در خواب آیینه دیدن بشارت و شادی بود و روی زشت دیدن غم و مصیبت و اندوه باشد و بدانکه آیینه از زر در خواب چون معروف نبود پادشاه باشد و اگر معروف باشد تعبیر نیک و بد آنچه دیده باشد

با آیینه از روی باز گردد و امام جعفر صادق ع فرماید دیدن آیینه در خواب بر شش وجه بود یکی زن دوم پسر سیم جاه و فرمان چهارم یار و دوست پنجم انباز ششم کار روشن و سیم او گوید اگر مرد آیینه بخواب بیند دلیل کند که زن خواهد و بزرگی یابد و اگر زن بیند دلیل کند که شوهر خواهد و بر شوهر عزیز و گرامی باشد و اگر بیند که مردی مجهول آیینه بوی داد و در وی بنگریست دلیل کند که همین دو [illegible] غایب باشد از او شود

ابر دانیال گوید که ابر در خواب دیدن بر شش وجه باشد ابر سیاه و سفید و زرد و سرخ و بارنده و نابارنده هر یکی را تعبیری دیگرگون باشد اگر کسی خود را در زیر ابر سپید بارنده دید دلیل کند که خدای تعالی وی را علم و حکمت ارزانی دارد و منفعت و خیر از وی بمردمان رسد و اگر بیند که در زیر ابر زرد بود دلیل کند که بیمار شود و بعضی از معبران گفته اند که زنی خواهد که از وی رنج و غم و اندوه کشد و در زیر ابر سرخ بود دلیل کند که در معصیت و بلا گرفتار شود زیرا که هر قومی که خدای تعالی عذاب فرستاد نخست ابر سرخ بر فراز آن قوم ظاهر شدی و اگر بیند که بر فراز سر وی آمد و ایستاد دلیل کند که بقدر آن فراز ده یابد و اگر بیند ابر بر سر وی بگذشت دلیل کند که او را با کسی نیکو خوی و نیکو عهد صحبت افتد و مرادش از وی حاصل گردد ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که ابر را در هوا میراند دلیل کند که وی را با علما و فضلا صحبت و اگر این خواب را پادشاه بیند دلیل کند که در ولایت خویش رسولان و صاحب خبران فرستد و اگر بیند که ابر را از هوا گرفت و بزمین آورد دلیل کند که کارش نیکو گردد و بزرگی یابد و علم حاصل کند و اگر بیند که ابر بر سر وی سایه می کرد دلیل کند که از [illegible] خیر و نعمت یابد بسیار و ظللنا علیکم الغمام و انزلنا علیکم المن و السلوی و اگر بیند که از ابر جامه پوشید دلیل کند که چندان علم حاصل کند که کس را نبوده باشد و اگر بیند که ابر همه جهان را پوشیده و هیچ باران نبود دلیل کند که بد باشد کرمانی گوید اگر بیند که ابر را جمع کرد یا پاره‌ای ابر بخورد دلیل کند که در میان علما شود و در دانش کامل و یگانه شود جابر مغربی گوید اگر بیند کسی در خواب که ابر را بخورد دلیل کند که بهشتی از حکمت شد و اگر بیند که ابر سیاه بر فراز سر وی گسترده شد دلیل بر خشم و عذاب خدای تعالی باشد ... پس هر که ما اندرین ابر نزدیک بیند در عذاب خدای تعالی گرفتار باشد و اگر ابر با باران بیند دلیل کند بر رحمت ایزد تعالی و اگر بیند که از ابر باران همی خورد دلیل کند که بقدر آن وی را بجهت نیکوئی رسد و اگر ابر با باران بیند و با آن رعد سخت بود دلیل کند که ترس و بیم آنکه از ... پادشاه ... اگر با رعد و برق بیند این عذابها سخت تر و قوی تر باشد و اگر ابر با صاعقه بیند عذاب صعب تر بیند و اگر بیند که بر ابر گوشه بنا کرد دلیل کند که از حکمت علما نیک او را حاصل شود و مردمان از او برخورند و فایده بینند و اگر بیند که در خانه و جایگاه نشستن ابر گسترده شد دلیل کند که فرزندان و اهل بیتش را حکمت و دانش حاصل شود و بر قدر رسید یکی ابر امام جعفر صادق ع فرماید که دیدن ابر در خواب بر ده وجه بود یکی حکمت دوم ریاست سیم پادشاهی چهارم رحمت پنجم پرهیزگاری ششم عذاب هفتم قحط هشتم بلا نهم فتنه دهم ... اسمعیل اشعث گوید ابر سیاه بخواب دیدن بر ترس و بیم بود و ابر با باران برکت و خیر و فراخی بود و ابر تیره غم و اندوه باشد و اما آن ابر که از کنار ... آید بتازی ...

خوانند و دیدن وی در خواب غنیمت بر قدر آنچه دیده باشد **ابروها** ابن سیرین گوید که دیدن ابروها بخواب زین باشد و اگر بیند که ابروهاش
تمام بود و هیچ نقصان در او نبود دلیل کند که زینت دین وی تمام و کمال باشد و اگر بیند که ابروهاش فرو ریخت تاویلش بخلاف این باشد
کرمانی گوید اگر کسی بیند که ابرو نداشت یا موی ابروی وی فرو ریخت دلیل کند که از ملک چیزی کم کند و در آن چیز زیان وی حاصل
شود و اگر خلاف این بود دلیل کند که صدقه چیزی کند که وی را نیک نامی و صلاح دین حاصل آید و اگر بیند که ابروها پیوسته بود دلیل کند که
علم و دانش وی زیاده شود لیکن مالش نقصان پذیرد جابر مغربی گوید اگر کسی ابروی خویشتن را از بیخ بیند ابروی خویشتن
کنده بیند دلیل کند که در مال و جاه وی نقصان افتد و بعضی گفته اند که دلیل بر نقصان دین وی کند **ابریشم** بدانکه تاویل ابریشم همچون
تاویل قباست که شرح وی در حرف قاف بیان خواهیم کرد ان شاء الله تعالی **ابلیس** دانیال گوید دیدن ابلیس در خواب دشمنی باشد
بد دین دروغگوی و فریبنده بی شرم و بی حفاظ و ستیزه کش و نومید از نیکی و مردم را همه بدی آموزد و شرف وی دلیل کند اگر بیند که
با ابلیس در جنگ و نبرد بود او را قهر کرد دلیل کند که او را ایمان و صلاح بسیار بود و اگر بیند که ابلیس غلبه کرد دلیل کند که در راه شرف زایل
باشد و اگر بیند که ابلیس با وی سخن ملامت میگفت دلیل کند که او را از راه بگرداند و در ضلالت باز دارد و اگر بیند که او را نصیحت میکرد و در زاویه خویش
می آید دلیل کند که او را از راه بگرداند و در ضلالت باز دارد و اگر بیند که ابلیس دست وی بگرفت و او را بجایی برد و میگفت لا حول
ولا قوة الا بالله العلی العظیم دلیل کند که گناه بزرگ مبتلا گردد و بعد از آن به نصیحت کسی از آن توبه کند و اگر بیند که ابلیس را برگردن غل نهاده بود
دلیل کند که اهل دین و صلاح را شادی رسد و اگر بیند که ابلیس درمانده بود دلیل کند که علما و مردمان مصلح را قوت بود کرمانی گوید اگر بیند
که ابلیس را مطیع شد دلیل کند که بهوای نفس مطیع و مبتلا گردد و اگر بیند که ابلیس وی را چیزی داد اگر آن چیز نیک بود دلیل کند که مالی
حرام بیابد و اگر آن چیز بد بود دلیل کند که فساد دین بود و اگر بیند که ابلیس خرم و شادمان بود دلیل کند که کار مردمان بفساد قوی گردد
و اگر بیند که ابلیس را خواست که بشمشیر بزند و هلاک کند و او بگریخت دلیل کند که ولایتی بدست آورد و عدل و انصاف کند و اگر بیند
که ابلیس را بکشت دلیل کند که نفس خود را قهر کند و راه صلاح ورزد **ارزیز** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که ارزیز بسیار داشت دلیل کند که
بر قدر آن وی را از متاع دنیا حاصل شود و اگر آوند ارزیز داشت چون کاسه و طبق مانند این و مانند که ملک اوست دلیل کند که بر قدر آن
وی را منفعت بود کرمانی گوید اگر کسی بیند که ارزیز میگداخت دلیل کند که بزبان مردم افتد بدی امام جعفر صادق ع فرماید که دیدن ارزیز
در خواب بر سه وجه بود اول منفعت دویم خدمتکار سیم متاع خانه **ارش** ابن سیرین گوید اگر بیند که جامه بارش می پیمود دلیل کند
که بسفر رود و بقدر آنچه می پیمود او را سود و منفعت باشد جابر مغربی گوید اگر بیند که ارش یا جامه پشمین بود که بارش می پیمود دلیل کند
بقدر آن در سفر مال حلال بدست آورد — ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که با ره ورحت [illegible] دلیل کند که از صحبت مردی

حقوق آن درخت دارد و عاقبت چوبه دار پا [illegible] دلیل بر درختی که در حرف دال بیان کرده و اگر بیند که فرزندش را برادر یا خواهر خویش
با ره و پاره ببرید دلیل کند که مانند آن فرزندی دیگر یا برادر یا خواهر گرمانی گوید اگر بیند که اره را افزار گرفت یا بخرید یا کسی بوی داد دلیل
کند که اگر پسر دارد وی را پسری دیگر آید و اگر دختر دارد وی را دختری دیگر آید و اگر فرزند ندارد و چارپای دارد دلیل کند که چارپای
دیگر مثل آن وی را حاصل شود و اگر چارپای نیز ندارد هر چیز که دارد مثل آن دیگر حاصل شود امام جعفر صادق ع فرماید که اره دیدن در
خواب سه وجه بود اول فرزند دویم خواهر سیم انباز **ازار** ابن سیرین گوید که ازار در خواب زن باشد اگر کسی بیند که ازار در میان
بست دلیل کند که زن خواهد یا کنیزک بخرد و اگر بیند که ازار او ضایع شد دلیل کند که از زن جدا شود و اگر بیند که ازارش دریده بود
دلیل کند که نقصان و عیب زن باشد و اگر بیند که ازارش بسوخت دلیل کند که آفتی به زن رسد جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که ازار
پشمینه یا پنبه بود دلیل کند که مستوره و دیندار بود و اگر بیند که ازار کهنه و چرکین داشت دلیل کند که بخلاف این باشد و اگر بیند که ازار
قزی یا ابریشمین داشت دلیل کند که زنی معاشر یا مستکبر باشد **اسم یافتن** دانیال فرماید اگر بیند که او پیغمبر باشد و خلق را بخدا
همی خواند و راه توحید همی نمود دلیل کند که سختی و بلا و محنت بیند و گرفتار شود و بعد از آن بر دشمنان ظفر یابد و اگر بیند که زاهد
و مصلح شد همین تاویلش باشد و اگر محتشم و توانگر شد عزت و دنیا بروی فراخ گردد و اما دین وی تباه شود کرمانی گوید که نام وی متغیر
شود چنانکه نام او را بنام نیک خوانند چون محمد و محمود و سعد و سعید و صالح و علی مثل این دلیل کند که او را به چیز نیکی یاد کنند و اگر
بخلاف این باشد مردمان او را به شر و بدی یاد کنند و اگر بیند که او پادشاه یا قاضی یا امیر شد و در شغل خویش عدل و انصاف نگاه
داشت دلیل کند بر چیز نیکی و اگر بخلاف این بیند دلیل کند بر شر و بدی جابر مغربی گوید که اگر بیند که حال صلاح نبود و مبدل شد دلیل کند بر کمی
دین و بلای وی و اگر بخلاف این بیند دلیل بر سعد و اقبال دین و دنیای وی **اژدها** ابن سیرین گوید اژدها را بخواب دیدن
دشمن بزرگ بود و اندر دشمنی قوی بود و اگر بیند که اژدها داشت دلیل کند که با کسی از بزرگان پیوندد و اگر بیند که با اژدها جنگ
میکرد و بد و چیره شد دلیل کند که با دشمن وی را جنگ و خصومت افتد و سرانجام دشمن را قهر کند و اگر بیند که اژدها را بکشت و از گوشت
وی بخورد دلیل کند که بر دشمن ظفر یابد و مال بستاند و خزینه کند جابر مغربی گوید اگر بیند که اژدها وی را فرو خورد دلیل کند که دشمن وی را
هلاک کند و اگر بیند که بر پشت اژدها نشسته بود و اژدها مطیع وی بود دلیل کند که دشمنی بزرگ را مطیع و فرمان بردار شود و کار وی
وی نظام گیرد **اسپندان** کرمانی گوید که اسپندان در خواب غم و اندوه باشد اگر بیند که اسپندان میخورد دلیل کند که بقدر آن غم و اندوه
بوی رسد و اگر کسی بیند که در خواب اسپندان کسی بدو داد دلیل کند که غمی از آن کس بدل وی حاصل شود و اگر بیند که او اسپندان بکسی داد
غمی از او بدل آن کس حاصل شود اسمعیل اشعث گوید اگر کسی بیند که اسپندان داشت لیکن از وی نخورد یا وی بکسی داد یا از خانه بیرون

اگنده دلیل کند که ویرا غم و اندوه کمتر بود **اسب** و اینال گوید اسب تازی بخواب دیدن بزرگی و عز و جاه بود و اگر بیند که
بر اسب تازی نشسته بود و آن اسب مطیع و فرمان بردار وی بود دلیل کند که عز و بزرگی و دولت یابد بر قدر نیکوئی و قیمت اسب
و اگر بیند که اسبی فرا گرفت تازی نبود یا کسی بوی داده بر وی نشست دلیل کند که شرف و بزرگی یابد لیکن کمتر از آنکه بتاویل اسب تازی گفتیم
و اگر بیند که چیزی از آلات اسب کم بود چون زین و نمدزین یا لگام یا رکاب بر اندازه آن دلیل کند که بر قدر آن از بزرگی و شرف وی نقصان
شود و اگر بیند که اسب او دم ابتر بود و دراز بود دلیل کند که بر قدر آن ویرا فرزندان و چاکران باشد و اگر بیند که دم اسب وی بریده بود دلیل کند
که ویرا فرزندان و چاکران نباشد و اگر بیند که چیزی از اندام اسب وی ناقص بود دلیل کند که بقدر آن از عز و شرف وی نقصان باشد و اگر بیند که
با اسب جنگ و نبرد میکرد و اسب غالب بود دلیل کند که معصیت و گناه کند ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که بر اسب برهنه نشسته بود دلیل کند
که معصیت و گناه بیشتر کند و اگر اسب از آن کسی دیگر باشد آنچه گفتیم خداوند اسب را باشد و اگر بیند که اسب برهنه بود و لیکن مطیع وی شد
دلیل کند که بزرگی و شرف باشد که بیابد و اگر بیند که بر اسبی نشسته بود و آن اسب بر هوا میپرید یا بیند که آن اسب پر و بال بود چون پر مرغ
پسر بیند دلیل کند که شرف و بزرگی یابد در دین و دنیا و باشد که خداوندش سفر کند کرمانی گوید اگر کسی بیند که بر اسب ابلق نشسته بود دلیل کند که
کاری کند و بر او گواهی دهند و اگر بیند که بر اسب سیاه نشسته بود دلیل کند که از کاری که کند وی را مال و خیری حاصل شود و اگر بیند که بر اسب
کمیت سوار بود دلیل کند که از پادشاه فتح و بزرگی یابد و اگر بیند که بر اسب اشقر سوار بود دلیل کند که بر صلاح و دین و [illegible]
بیفزاید و اگر بیند که بر اسب زرد سوار بود دلیل کند که اندک بیماری بود و بر اسب سمند همان تاویل دارد و بر اسب [illegible] دلیل کند بر خیر و صلاح
کارها و اگر بیند که بر اسب [illegible] سوار بود دلیل کند که زن خواهد و اگر بیند که از اسب فرود آمد دلیل کند که از شرف و بزرگی بیفتد و اگر
بیند که از اسب بجبر فرود آمد دلیل کند که از معصیت و گناه باز گردد و اگر بیند که بر اسب نشسته بود و سلاح تمام پوشیده بود دلیل کند
که شرف و بزرگی یابد چنانکه کسی ویرا منع از آن نتواند و دشمن بروی ظفر نیابد و اگر بیند که اسب او همی تاخت تا جائی که [illegible] دلیل کند که [illegible]
از وی در وجود آید و ترس [illegible] بر قدر تاختن اسب و اگر بیند که بر اسب نشسته بود و اسب ویرا در مسجد یا موضعی برد دلیل کند که هیچ خیر از این
بیند که اسب ویرا [illegible] بیرون برد و اگر بیند که اسبی [illegible] دلیل کند که کاری کند که مردم از آن شگفت آید و اگر بیند که اسب
بیگانه در سرا آورد [illegible] دلیل کند که مردی شریف یا نامدار در سرای وی آید [illegible] و اگر
بیند که اسبی از سرای او [illegible] بیرون رفت دلیل کند که مردی شریف [illegible] غایب گردد یا بمیرد [illegible]
اگر بیند که اسبی [illegible] فرا گرفت [illegible] دلیل کند که زن کند [illegible] مبارک باشد و اگر بیند که [illegible]
بود دلیل کند که از زنی [illegible] و اگر بیند که [illegible] دلیل کند که زن را مادر و پدر [illegible]

و تیره بود دلیل کند که از زن زشت روی بود و اگر بیند که آن مادیان بچه سیه بود دلیل کند که از زن [illegible] با جمال باشد و اگر مادیان
سبز رنگ بود دلیل کند که از زن دین دار و پرهیزکار بود و اگر اشقر باشد دلیل کند که زن عزیز و خداوند جاه باشد و اگر کمیت بود دلیل کند
که از زن معاشرت و طرب و دوستی بیشتر باشد و اگر بیند که مادیان کره زاد دلیل کند که از زن او فرزند باشد چنانکه اگر کره نره اسب زاد دلیل
کند که پسر باشد و اگر ماده زاید باشد دختر و اگر بیند که گوشت اسب میخورد دلیل کند که پادشاه ویرا نوازد و بخویشتن نزدیک گرداند
و اگر بیند که در پی کسی با اسب نشسته بود دلیل کند که آنکس را [illegible] که در پی او نشسته بود و اگر بیند که اسبان بسیار در سرای کسی
یا سرای وی فرستند دلیل کند که باران [illegible] یا سیلاب روان شود اسمعیل اشعث گوید که اگر کسی بیند که بر اسب بر هوا نشسته بود
دلیل کند که زن [illegible] خواهد و اگر [illegible] باشد ویرا چنین زن [illegible] از آن منفعت و نیکوئی یابد و اگر بیند که
کسی بر پشت او با اسب نشسته بود دلیل کند که آنکس در طلب علم و شغل وی باشد و اگر بیند که اسب وی سخن گفت دلیل کند که در علم خود
قرار گیرد و اگر بیند که گوش اسب بریده بود دلیل کند که پیغام مهتران از وی بریده شود و اگر بیند که اسب وی [illegible] دلیل
کند که کارش بلند گردد و نام و آوازه وی در [illegible] گسترده شود و اگر بیند که اسب [illegible] دلیل کند که [illegible]
از شغل وی خلل افتد و دیگر باره بصلاح آید و اگر بیند که اسبی [illegible] بر وی نشست دلیل کند که زن [illegible] خواهد و اگر بیند که
با اسب [illegible] شده و بعد از آن از هوا فرود آمد دلیل کند که [illegible] پادشاه هلاک شود و اگر بیند که از [illegible] دلیل کند
که بقدر آن از عیال خویش مال یابد و اگر بیند که اسب وی گم شد دلیل کند که زن را طلاق دهد و اگر بیند که اسبی بخرید دلیل کند که زن خواهد
بخود و اگر بیند که اسب [illegible] دلیل کند که عز و جاه از وی کم شود یا عیال از وی جدا شود و اگر بیند که بر اسب [illegible] نشسته بود
دلیل کند که از وی [illegible] کاری [illegible] آید که [illegible] ملامت شنود جاحظ گوید که اسب [illegible]
بود و اگر بیند که اسب [illegible] که مطیع و فرمان بردار وی بود دلیل کند که [illegible] باشد [illegible]
اسب [illegible] بود [illegible] پادشاه [illegible] بر اسب [illegible] دولت و مملکت [illegible] مردم [illegible]
بر اسب [illegible] بود و اگر بیند که اسبی مجهول از محله بیرون آمد دلیل کند که یکی از بزرگان آن محله از دنیا برود [illegible]
که اسب در خواب برده [illegible] بود و اگر بیند که اسب [illegible] در شهر [illegible] باشد دلیل کند که [illegible]
و اگر بیند که بر اسب [illegible] نشسته بود دلیل کند که ویرا [illegible] و اگر [illegible]
کند که حال بر وی [illegible] امام جعفر صادق فرماید دیدن اسب در خواب بر پنج وجه بود اول عز باشد دوم دولت
سیم [illegible] چهارم بزرگی پنجم [illegible] برکت [illegible] و اگر بیند که [illegible] بر اسب [illegible] نشسته بود دلیل کند که [illegible]

جوی با زن وی جفا کند و اگر بیند که یکی بر اسب وی نشسته بود دلیل کند که منی با زن وی فساد کند **استر** ابن سیرین گوید که
استر در خواب دیدن چون نا مطیع بود مردی باشد بدخوی و چون مطیع شود مردی نیک بود و اگر بیند که بر استری پالان نشسته بود
و ندانست که آن استر از آن کی بود دلیل بر سفر باشد و اگر بیند که بر استر خویش نشسته بود و چون بسفر رود با سود و منفعت باز آید
و اگر بیند که بر استر زین یا پالان بلغاری نهاده بود دلیل کند که زن وی بازا خواهد بود خاصه که بیند که استر ملک وی بود یا کسی بوی بخشیده
باشد کرمانی گوید اگر کسی بیند که بر استر ماده سیاه رنگ نشسته بود دلیل کند که زن خواهد که خداوند حرمت بود و اگر استر را بگونه ابلق بیند
چندانکه زن که خواهد با جمال و خوبروی بود و اگر بیند که استر بگونه سبز رنگ بود دلیل کند که از زن دین داره پرهیزکار بود و اگر استر
بگون سرخ بود دلیل کند که از زن کشاده روی بود و اگر استر را بگونه زرد یا اشقر بود دلیل کند که از زن بیمارگون و زرد روی و غمگین بود
باشد و اگر استر را برهنه و رام کرده بیند دلیل کند که از مرد ضعیف باشد و اگر بیند که استری ماده داشت دلیل کند که مال و نعمتش زیاده شود
و اگر بیند که استری نر داشت دلیل بر منفعت شغل و جز خواه وی باشد جابر مغربی گوید که استر ماده در خواب دلیل کند که بسفر رود و اگر بیند
که استر ماده خرید دلیل کند که کنیزک بخرد و اگر بیند که استر ماده بفروخت دلیل کند که کنیزک بفروشد و اگر بیند که بر استر ماده نشسته دلیل کند
که زن خواهد که هرگز وی را فرزند نیاید و اگر بیند که بر استر نر نشسته بود دلیل کند که عزش باز کرده و مراد وی حاصل شود و اگر بیند که استر
از پالان بیفتاد دلیل کند که وی را بلایی رسد اسمعیل اشعث گوید اگر کسی بیند که استر نر همی گیرد دلیل کند بزیادتی مال از جهت زن و اگر
بیند که استر با وی سخن گفت دلیل کند که کار عجبی وی را پیش آید که مردمان از آن کار شگفت آید و اگر بیند که استر را بکشت یا ماده شد
دلیل کند که زن یا کنیزک از او جدا شود و اگر استر نر بود دلیل کند که از بزرگی جدا ماند و اگر بیند که شیر استر یا گوشت استر بخورد دلیل
کند بر دشواری کار او و ترس و بیم چندانکه شیر یا گوشت که خورده باشد امام جعفر صادق ع فرماید دیدن استر در خواب بر پنج وجه بود یکم
سفر دوم زن کابین دار سیم ظفر بر دشمن چهارم جمال و آرایش پنجم مرد احمق و زن نازاینده بود و بچه استر منفعت اندک بود و باشد
استخوان ابن سیرین گوید استخوان در خواب مال بود که مردم بدان معیشت کنند اگر بیند که استخوان فراوان داشت بر آن گوشت
بود دلیل کند که بر قدر آن گوشت مال یابد و اگر بیند که بی گوشت بود و کسی بوی داد دلیل کند که از منفعت خیر بود که بدو رسد و اگر بیند او بکسی استخوان
داد دلیل کند که از او چیز با کسی رسد کرمانی گوید اگر بیند استخوان کسی را که شکسته بود می بست دلیل کند که بزرگی او را مستغنی بکار
باید و کار دار نیک کند و بعضی از معبران گفته اند که کار کسی از او باز گردد امام جعفر صادق ع فرماید که دیدن استخوان در خواب بر هشت
وجه بود یکم مال شده دوم معیشت سیم فرزندان چهارم قیم خانه پنجم مال ششم برادران هفتم یاری هشتم بنا بود **استغفار
کردن** بدانکه استغفار کردن استغفر الله باشد و معنی آن آمرزش خواستن بود از خدای عزوجل ابن سیرین گوید اگر بیند که در خواب استغفار کرد

نیکو

نیکو بود دلیل کند که خدای تعالی برا و مال و فرزندان ارزانی فرماید چنانکه در قرآن مجید وارد است استغفروا ربکم انه کان غفارا یرسل السماء
علیکم مدرارا و یمددکم باموال و بنین امام جعفر صادق ع میفرماید استغفار کردن در خواب بر چهار وجه بود یکم مال شده دوم فرزند سیم
آمرزش از حق تعالی چهارم توبه کردن از گناه **اصطرلاب** کرمانی گوید اصطرلاب بتاویل اصحاب سلطان باشد و منجم بزرگ اگر بیند که
اصطرلاب داشت یا بخرید یا کسی بوی داد دلیل کند که از اصحاب سلطان باشد و منزلت یابد و بر قومی مهتر گردد و اگر بیند که اصطرلاب
ضایع شد یا بشکست دلیل کند که بر جاه و منزلتش نقصان شود جابر مغربی گوید اگر بیند که در اصطرلاب بآفتاب یا ستاره نگاه میکرد دلیل کند
که بشغل سلطان یا امیران مشغول گردد و از ایشان خیر و منفعت یابد و بعضی از معبران گفته اند که اصطرلاب در خواب مردی بود که
وی را ثبات و عزم و حزم نباشد و ویرا کارها پاینده نبود **اسفناج** بدانکه اسفناج در خواب دیدن بر غم و اندوه باشد و خوردن وی
دلیل بر مضرت و نقصان مال بود و اگر بیند که اسفناج را با گوشت پخته بود و از او بخورد دلیل کند که خیر و منفعت یابد **اشتر** ابن
سیرین گوید اگر کسی خویشتن را بر اشتری بیند که بشتاب میرفت دلیل کند که زود بسفر برود و اگر بیند که بر اشتری جولان میکرد دلیل کند که
غمگین و مبتلا گردد و اگر بیند که از اشتر فرود آمد دلیل کند که بیمار شود و بعد از آن شفا یابد و اگر بیند که بر اشتری نشسته بود و راه گم کرد
و ویرا مرد و بیند انست که راه راست بکاست دلیل کند که در کار خویش فرو ماند و هیچ تدبیر نتواند ساخت و اگر بیند که ماده شتری یافت دلیل کند
که زن خواهد و اگر بیند که آن اشتر بختی بود دلیل کند که خواهد با فرزند بود و اگر بیند که اشتر از پی او میدوید دلیل کند که غمگین شود و اگر بیند که اشتر
از او بگریخت و مطیع وی نشد دلیل کند که اندوهگین نشود و دانیال ع فرماید اگر کسی بیند که بر اشتری مست خشم آلود نشسته بود دلیل کند
بر مردی بزرگ غلبه کند و اگر بیند که با اشتر بختی جنگ و جبر و کند دلیل کند که با مردی عجمی که دشمن وی بود خصومت کند و اگر بیند که با اشتر تازی
جنگ میکرد دلیل کند که با مردی عرب جنگ و خصومت کند و اگر بیند که رمه اشتران میچرانید و دانست که ملک وی بود دلیل کند که وی را
ولایتی بود و بر مردم آن ولایت فرمان روا شود و اگر بیند که اشتر میدوشید دلیل کند که از پادشاه مال یابد بقدر آن شیر که دوشیده
باشد و اگر بیند که بجای شیر از پستان اشتر خون می آمد دلیل کند که آن مال که بوی رسد حرام بود و اگر بیند که ماده شتری کسی بدو بخشید یا از
کسی خرید دلیل کند که زن خواهد یا کنیزک خرد و اگر بیند که ماده اشتر وی بمرد یا بگریخت دلیل کند که از زن جدا شود یا میان ایشان
خصومت و مفارقت افتد و اگر بیند که ماده اشتر بمرد دلیل کند که زنش بمیرد و اگر بیند که ماده شتری بچه آورد دلیل کند که زن وی فرزند
آورد و مالش زیاده شود یا بامیدی که دارد برسد و اگر بیند که گوشت اشتر میخورد دلیل کند که بیمار شود کرمانی گوید اگر کسی بیند که گوشت
بسیار به یغما داد و میخورد دلیل کند که مال یابد بقدر گوشت اشتر که میخورد و اگر بیند که اشتر را قربان میکرد دلیل کند که مردی بزرگ
در آن موضع بمیرد و اگر بیند که اشتران گندم و جو بسیار بار کرده دلیل کند که اندر شهر یا آن سیل در آن جای خیر و برکت و ارزانی بود

کوید که اگر کسی که شتر وی بختی بود دلیل کند که بسفر شود و اگر بیند که بر شتر یکساله نشسته بود دلیل کند که اندوهگین شود و اگر بیند که وی شتر
یافت دلیل کند که مال یابد و اگر بیند که شیر شتر کسی دیگر بدوشید دلیل کند که بقدر قیمت آن از کسی منفعت یابد و اگر بیند که قومی اشتران
گم شده و کوشت ایشان قسمت کردند دلیل کند که در آن موضع مردی بزرگ بمیرد و مال او را قسمت کنند اسمعیل اشعث گوید اگر کسی بیند که اشتران
بسیار بشهر درآمد دلیل کند که علتی بدان شهر آید و آن اشتران عرابی بودند دلیل کند که در دیار عرب پادشاه شود و اگر اشتران عجمی
بودند دلیل کند که پادشاه عجم گردد و اگر بیند که اشتران بختی بودند دلیل کند که بر دشمنان ظفر یابد و ایشان را قهر کند و اگر زنی بیند که
بر اشتری سوار شده و بهر جایگاه که خواست میرفت دلیل کند که آن زن شوهر کند و شوهر مطیع و فرمان بردار وی شود و اگر بیند که اشتر را
بخورد دلیل کند که از پادشاه یا بزرگی مال و نعمت یابد و بهر کم پوست اشتر همین دلیل کند و بعضی از معبران گفته‌اند که میراث یابد و اگر
بیند که اشتری با وی سخن گفت دلیل کند که خبر و نیکی بوی رسد امام جعفر صادق ع فرماید که دیدن اشتر در خواب بر ده وجه باشد
اول پادشاه عجم باشد دوم امیر سیم مرد مؤمن چهارم سیل پنجم فتنه و جنگ ششم اباذر هفتم زن هشتم حج نهم نعمت دهم مال و اشتر مرغ
دلیل بر مرد عجمی کند **اشترمرغ** ابن سیرین گوید که شترمرغ در خواب مرد بیابانی باشد و اگر اشترمرغ ماده بود زن بیابانی بود و اگر بیند که
اشترمرغ ماده گرفت یا کسی بوی داد دلیل کند که زنی بدین صفت بکابین بخواهد یا کنیزکی بخرد و اگر بیند که بر اشترمرغی نشسته بود دلیل
کند که بسفر بیابان شود و بعضی از معبران گفته‌اند که بر مرد بیابانی غالب شود و بکاری بزرگ رسد کرمانی گوید اگر بیند که اشترمرغ را
کشت دلیل کند که بر مرد بیابانی دست یابد و او را قهر کند و اگر بیند که بچه اشترمرغ یا تخم وی داشت دلیل کند که فرزند مرد بیابانی ویرا حاصل
شود جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که بر اشترمرغی نشست و آن اشترمرغ ویرا مطیع بود و او را در هوا برد و دیگر باره بزمین آمد دلیل کند
که با مرد بیابانی بسفر شود و دیگر باره باز آید با سود و منفعت و اگر بر خلاف این بیند دلیل بد باشد ابن سیرین گوید که اشترغاز در خواب
غم و اندوه باشد و اگر بیند که اشترغاز گرفت یا کسی بوی داد و از او میخورد دلیل کند که بقدر آن غم و اندوه خورد و اگر بیند که وی آن را بکسی
داد یا بزد رخت دلیل کند که از غم و اندوه رسته گردد و اگر بیند که اشترغاز و شاخ وی زرد اشتر میداد دلیل کند که از بهر اشتر خود اندوهگین شود
اشک کرمانی گوید اگر بیند که اشک سرد از چشم چکانید دلیل کند که شادی و عزم یابد و اگر بیند که اشک گرم چکانید دلیل کند
که غمگین و مستمند شود و اگر بیند که بی گریستن اشک بر روی وی بود دلیل کند که ویرا بسخن طعنه زنند و اگر بیند که چشم وی یا پای اشک
خاک جمع شده بود دلیل کند که بقدر آن مال حلال برنج بوی رسد و اگر بیند که اشک بر روی او فرو آمد دلیل کند که مال خویش تاراج
کند امام جعفر صادق ع فرماید که اشک چشم در خواب بر سه وجه بود یکی شادی دوم حزن و غم سیم اندوه و نعمت باشد **اشنان**
ابن سیرین گوید دیدن اشنان در خواب دلیل بر غم و اندوه کند و خوردن وی دلیل کند بر بیماری **اصلع** بدانکه اصلع بتازی کل سر بود

[illegible]

ابن سیرین گوید اگر کسی اصلع بخواب بیند که بر روی موی رسته بود دلیل کند که ویرا مال اندکی حاصل شود و اگر بیند که او اصلع شد دلیل کند که از جهت
مال اندیشه وی را نقصان شود کرمانی گوید که اصلع در خواب بزرگان را فایده بود و پیشه کاران را کسب کند و صناعت وی را باد و پادشاه را ظفر
بود و درویشان را نقصان زینت باشد **افسون** ابن سیرین گوید که افسون بردن در خواب بر ایمن مردم باشد کرمانی گوید افسون که با نام خدای
عزوجل و قرآن بود و چون افسون کرده بیند که زبان افسون ویرا بکسی شفا و راحت پدید آمد دلیل کند که از رنج و غم فرج یابد و بکام
دل برسد و اگر بخلاف این بیند دلیل بر غم و اندوه کند کرمانی گوید که افسون کردن بخواب کار باطل باشد و چون بوقت افسون ذکر خدای
عزوجل نکند و اگر افسون بنام خدای عزوجل و قرآن کند دلیل کند که کاری کند بحق و راستی و از آن ویرا اجر و صلاح دو جهان رسد **افیون**
ابن سیرین گوید که دیدن افیون در خواب دلیل بر غم و اندیشه کند و خوردن وی بر رنج و مصیبت و اندوه دلیل کند **اله** دانیال ع فرماید که
اله در خواب پادشاه قوی با هیبت بود و سنگ چنانکه همه کس از وی بترسند و اگر بیند که اله را فرا گرفت یا کسی بوی داد و آن اله مطیع وی بود
دلیل کند که نزد پادشاه خاص و مقرب شود و اگر بیند که اله ویرا فرا گرفت و در هوا برد دلیل کند که بفرمان پادشاه سفری کند و از او
بزرگی یابد و ابن سیرین گوید اگر بیند که اله بکوچه فرود آمد دلیل کند که بهمان کوچه پادشاه فرود آید و اگر بیند که مردم آن کوچه اله را بکشتند اهل کوچه
معزول شود یا هلاک گردد و اگر بیند که اله ویرا بگرفت دلیل کند که در پناه پادشاه شود و اگر بیند که اله از دوست وی پرید دلیل کند که
پادشاه بر وی خشم گیرد و او را از خود دور گرداند و چیزی از مال وی بستاند کرمانی گوید اگر کسی بیند که اله از بهر شکار وی پرید دلیل کند
که مال و خزانه وی در تصرف پادشاه آید و اگر بیند که ویرا بمنقار یا بچنگال بیازرد دلیل کند که ویرا از پادشاه بلا و محنت رسد و مالش
بستانند و اگر بیند که با او جنگ میکرد دلیل کند که پادشاه با وی جنگ و خصومت کند و اگر بیند که از گوشت اله میخورد دلیل کند که
بقدر آن مال و نعمت یابد و اگر بیند که اله در خواب بر سر وی نشسته بود دلیل کند که ویرا بسری آید که پادشاه شود امام جعفر صادق ع
فرماید که دیدن اله در خواب بر دو وجه بود یکی پادشاه ظالم و ستمگر دوم عالم با دیانت و بعضی از معبران گفته‌اند که اگر کسی بیند که
اله وحشت دلیل کند که عمرش دراز بود **آلو** ابن سیرین گوید که آلوی سرخ و سیاه چون بوقت خود بیند دلیل بر مال حلال کند و آلوی
زرد دلیل بر بیماری کند و اگر بیند که آلوی سبز و شیرین گرفت یا کسی بوی داد دلیل کند که بقدر آن مال و خواسته بیابد و اگر بیند که آلوی
زرد خورد او بوقت خود دلیل کند که غم و اندوه یابد **امامت** ابن سیرین گوید اگر بیند که در پیش قومی امامت کرد و امام بود دلیل کند
که بر آن قوم مهتر گردد و جمله تبع وی شوند چنانکه مأموم تبع امام باشد و اگر بیند که جماعتی بودند و در نماز بودند و ویرا نگذاشتند که امامت
کند پادشاه ویرا از مهم که ایشان را امامت کند و او در پیش رفت و امامت کرد دلیل کند که برانداز امیر و فرمان روا با [illegible]
عدل و راستی کند و اگر بیند که از نماز چیزی نقصان کرد دلیل کند که بر ایشان جور و ظلم کند بقدر آنچه در نماز نقصان کرد کرمانی گوید اگر کسی

چند کامامت کرد ولیکن نشسته بود دلیل کند که بیمار گردد و اگر بر پهلو خسپیده بود و در نماز چیزی بخواند دلیل کند که زنده [illegible] بمیرد و اگر قوم بر
وی نماز نکنند و اگر امامی را بخواب بیند دلیل کند که شرف و منزلت یابد بقدر آن شرف و منزلت امام و اگر بیند که امام را ولایتی همی داد
یا امام در خانهٔ وی آمد و یا امام وی را چیزی داد و بخشید یا با امام طعام بخورد بر قدر آن غم و اندوه بدو رسید جابر مغربی گوید اگر کسی بیند
که با امام بر چهارپای نشسته بود دلیل کند که با دولت و ولایت بود و بزرگ باشد یا در مسجدی یا در دهی یا در شهری دلیل کند که مصیبتی اهل
آن موضع رسد اسمعیل اشعث گوید هر چیز که امام بخویشتن زیادت بیند در ولایت بزرگی وی زیادت گردد و هر چه نقصان در او بیند
بخلاف بیند امام جعفر صادق ع فرماید امامت کردن در خواب بر شش وجه است اول فرمان روا دوم پادشاهی سیم زیادت شدن علم
چهارم قصد کردن بکار خیر پنجم منفعت ششم ایمنی از دشمن و اگر بیند که امامت زنان میکرد دلیل کند بر گروه ضعیفان والی گردد و اگر بیند که
امامی از آسمان فرود آمد و قومی را امامت کرد دلیل رحمت باشد بر اهل آن زمین و اگر بیند که مردم را امامت کرد دلیل کند که از پادشاهی
فرمان روا گردد بیند **امرود** ابن سیرین گوید خوردن امرود بوقت خود چون سبز و شیرین بود مال حلال بود و اگر کهنه و زرد بود بیماری
و اگر بیند که امرود میخورد و زرد بود دلیل کند که بیمار گردد و اگر امرود سبز یا سرخ و شیرین بود مالی باشد که بیابد و اگر ترش و ناخوش باشد غم
و اندوه باشد کرمانی گوید امرود سبز یا شیرین بوقت خود دیدن با منفعت مراد باشد و اگر بیند که امرود میخورد و گلوی وی میگرفت [illegible]
چیزی بود که در [illegible] باشد امام جعفر صادق ع فرماید که خوردن امرود در خواب بر پنج وجه بود یکی مال دوم [illegible] سیم زن چهارم
[illegible] مراد پنجم منفعت اگر بیند که پادشاه امرود میخورد دلیل کند که از مردی بزرگ او را منفعت رسد بقدر آنچه خورده باشد **انار** دانیال
[illegible] گوید اصل انار بخواب مال بود ولیکن بقدر همت مردم خاصه که بوقت خود باشد و اگر نه بوقت خود باشد بد بود و اگر بیند که انار
از درخت بچید و بخورد دلیل کند که از زنی مال [illegible] بیند ابن سیرین گوید انار شیرین [illegible] جمع کردن است و بعضی از معبران
گفته اند که یک انار شیرین خوردن در خواب هزار درم باشد که بیابد و انار ترش غم و اندوه است [illegible] ترش است [illegible] چون انار
شیرین بود جابر مغربی گوید که اگر کسی بیند که یک انار شیرین بوقت میخورد دلیل کند که هزار دینار بیابد و اگر ترش [illegible] دینار باشد که
بیابد و باشد که آنچه دینار گفتیم درم باید پس معبر باید که بقدر همت بزرگ مردم تاویل کند و اگر بیند که انار در بوستان میخورد دلیل کند که
[illegible] و در جمیع انار ترش خوردن در وقت [illegible] و علم انار شیرین [illegible] کرمانی گوید اگر کسی بیند
که انار شیرین بوقت خود میخورد و اگر بازرگان است قماش و متاع او رواج گردد و اگر مسافر بود دلیل کند که سفرش مبارک باشد و اگر
بیند که دانهای انار یافت یا کسی بدو داد دلیل کند که بقدر آن وی را [illegible] رسد اگر بوقت و اگر بی وقت و اگر بیند که انار شیرین با پوست
و پیه میخورد دلیل کند که از منفعت [illegible] امام جعفر صادق ع فرماید دیدن [illegible] انار شیرین در خواب بر سه وجه بود یکی

مال جمع کردن بود دوم زن پارسا سیم شهرستان و انار ترش غم بود اسمعیل اشعث گوید اگر پادشاه در خواب بیند که انار داشت
ولایتی یا شهری یابد و اگر رئیس بود [illegible] باشد و بازرگان را ده هزار درم باشد و مردم بازاری را هزار درم بود و مردم درویش را ده درم یا یک درم
انجیر ابن سیرین گوید خوردن انجیر بخواب اگر بوقتش بود و اگر بی وقت بد باشد و اگر بیند که انجیر جمع میکرد و یا کسی بدو بخشید دلیل کند که بقدر
آن غم و اندوه بدو رسد و باشد که کاری کند که پشیمان شود کرمانی گوید انجیر زرد خوردن در خواب دلیل بیماری بود و انجیر سیاه دلیل کند بر
غم و اندوه و انجیر سبز خوردن بوقت چون طعم شیرین بود زیانی ندارد **انجیل** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که انجیل میخواند دلیل
کند که از حق بباطل گرویده گردد و خوار شود و اگر بیند که انجیل از کتاب همی خواند دلیل کند که [illegible]
و اگر از حفظ میخواند دلیل کند که از حق بباطل گردد و از دوستان ترسا شود **اندام** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که اندامهای تن وی
افزون شد دلیل کند که خویشان وی زیاده شود و او در موضع خویش مقیم بود و اگر بیند که اندامهای وی بریده شد و از تن وی جدا دلیل کند
که سفر کند و خویشان وی پراکنده شوند و اگر بیند که اندامهای خویش بریده و جدا میکرد دلیل کند که خویشان و اهل بیت او در شهرها پراکنده
گردند کرمانی گوید اگر کسی بیند که سگی پاره گوشت اندامش ببرید دلیل کند که [illegible] از وی چیزی [illegible] رسد و اگر بیند که اندامی از تن وی جدا شد
دلیل کند که [illegible] چیزی [illegible] و اگر بیند که گوشت از اندام خویش ببرید و بخورد دلیل کند که از مال خویش چیزی
بکسی بخشد جابر مغربی گوید اگر بیند که اندامی از تن وی با او سخن گفت دلیل کند که در میان خلق رسوا گردد [illegible] قالوا انطقنا الله الذی انطق
کل شی و اگر بیند که اندامی از تن وی جدا است دلیل کند که کسی از خویشان وی [illegible] و اگر بیند که اندامهایش [illegible] دلیل کند که [illegible]
شود و اگر بیند که مرغی از اندام وی پاره گوشت ببرد دلیل کند که از مال خود چیزی بکسی بخشد جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که اندامی
از اندامهای وی تباه شد دلیل کند [illegible] ام الفضل گوید که رسول [illegible] گفتم یا رسول الله خوابی دیدم [illegible] فرمود چه دیده
گفتم بخواب دیدم که پاره از اندام تو ببریدند و در کنار من نهادند رسول فرمود که نیک دیدی فاطمه را پسری آید و در کنار تو بزرگ شود بعد
از فاطمه حسین ع در وجود آمد و در کنار او بزرگ شد و او را می پرورید **انگبین** کرمانی گوید انگبین در خواب منفعت باشد [illegible] نیکی بود
از کردار [illegible] زیرا که در وی شفای دردهاست [illegible] چنانکه خدای عزوجل فرموده فیه شفاء للناس امام جعفر صادق ع
دیدن خوردن انگبین در خواب دلیل بر سه وجه بود یکی روزی حلال دوم منفعت سیم کام [illegible] لقوله تعالی و انزلنا علیکم المن والسلوی
انگشت ابن سیرین گوید که انگشتان دست راست در تاویل پنج نماز بود و پنج انگشت دست چپ فرزندان برادر بود و بعضی از معبران
گفته اند انگشت مهین نماز بامداد بود و انگشت سبابه نماز پیشین و انگشت میان دلیل بر نماز عصر و انگشت بنصر دلیل بر نماز شام کند و انگشت
کوچک دلیل بر نماز خفتن و صلاح نمازهای پنجگانه تغییر کند [illegible] و اگر بیند که پنج انگشت دست چپ [illegible] دلیل کند که فرزندزاده [illegible]

بیرد و بعضی گویند فرزند برادرش را مصیبت رسد کرمانی گوید اگر کسی بیند که انگشتان را بهم کرده بسته بود دلیل کند که کمیت شود و اگر بیند که
انگشتان را بکرد درشت و بسم بسته بود دلیل کند که کار را بر وی بسته شود جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که انگشت مهین وی بریده است دلیل کند
که قوت و ایش برود و اگر بیند که انگشت سبابه او بریده است دلیل کند که بر نمازهای فریضه تقصیر کند و اگر بیند که انگشت میان او بریده شد
دلیل کند که ویرا در مال زیان آید و اگر بیند که انگشت کوچک او بریده است دلیل کند که فرزند زاده او بمیرد و ابن سیرین گوید که انگشتان
پای در خواب دیدن دلیل کند بر زینت و آرایش و اگر انگشتان پا یراق و درشت بیند دلیل کند که کار که خدای تعالی ساخته شود و اگر نکات
ایشان باشد کار وی ساخته نشود و اگر بیند که انگشتان پای وی را آفتی رسید دلیل کند که ویرا آفتی سخت رسد و اگر انگشتان دست و پای را چنین
دلیل کند که کار وی از او گوهر شود و امام جعفر صادق ع فرماید دیدن انگشتان در خواب بر شش وجه است یکی فرزندان دوم برادران سیم
خادمان چهارم یاران پنجم قوت ششم پنج نماز و اگر بیند که انگشتان وی بیفتاد دلیل کند که از کسان او کم شوند و معارف و اگر
بیند که انگشت وی بشکست دلیل کند که یکی از اهل وی بمیرد علت اصفهانی گوید که اگر بیند که از انگشت مهین وی شیر می آمد و از انگشت سبابه
او خون می آمد دلیل کند که آن کس با مادر زن خود خفته باشد و اگر بیند که از انگشتان وی آواز می آمد دلیل کند که در میان خویشان وی خصومت
رود و باشد **انگشتر** دانیال ع فرماید که چون بیند که نقش و صنعت انگشتری معروف بود دلیل کند که از جنگ او نه بجو چیز و نیکی رسد و اگر بیند
که انگشتری کسی بوی داد و آن چیزی بدان مهر کند دلیل کند که آنچه لایق او بود در خوابی بیابد اگر پادشاه بود پادشاهی بیابد و اگر درخور ولایت بود
بیابد بقدر رتبت وجهت انگشتری اگر بیند که در مسجد یا در عالم یا در غزا کسی انگشتری بوی داد اگر آن کس زاهد و عابد بود دلیل کند که نصیب
وی زهد و عبادت باشد و اگر پادشاه بود نصیب وی مملکت بود و اگر غازی باشد نصیب وی جهاد بود و اگر بازرگان بود نصیب وی نفع تجارت
بود و جمله همبرین قیاس بود و اگر بیند که انگشترین سلیمان بوی داد دلیل کند که از مملکت سلیمانی بهری بوی رسد ابن سیرین
گوید اگر کسی بیند که انگشترین وی ضایع شد یا دزد ببرد دلیل کند که در کارهای وی حیرت بود و دشواری پدید آید و اگر بیند که انگشترین وی
بشکست و نگین وی بماند دلیل کند که عزت و جاه وی برود و لیکن ابرو و حشمت بر جای بود و اگر بیند که نگین انگشترین بشکست دلیل کند که
ابروی وی برود و دولت جاه وی بماند و اگر بیند که انگشترین خود را کسی بخشید دلیل کند که آنچه دارد از ابتدا رها کند و اگر بیند که انگشتر
نوشتن بها بوده است دلیل کند که آنچه دارد جمله را بفروشد و اگر بیند که پادشاه انگشتری بمانع شد دلیل کند که مملکت از دست او برود کرمانی
گوید اگر بیند که صناعت انگشتری مال پسندیده است دلیل کند که از مالی که دارد چیزی برود و پادشاه بر وی خشم گیرد و اگر بیند که انگشترین وی
سیم بود دلیل کند که آنچه دارد پسندیده و حلال بود و اگر از زر بود دلیل کند که آنچه دارد از حلال گرد و حرام حاصل شده باشد و اگر انگشترین وی از
آهن بیند دلیل آنچه دارد اندک چیز بود و حال آن عرق آهن و اگر بیند که انگشترین آهن بود دلیل کند که قوت و توانائی یابد و اگر بیند

او برنج است دلیل کند که از مردمان با اصل منفعت بیند و اگر بیند که بلور است دلیل کند که از مردم عام چیزی به وی رسد و اگر بیند که انگشترین
از جای چیزی به وی رسد و اگر بیند که در انگشتان وی دو انگشترین است یا کسی انگشترین و نگین بوی داد و هر دو نگین موافق یکدیگر بود دلیل کند
که از جای بر قومی بزرگ فرمان روا گردد و مال و نعمت از آنجا حاصل کند و اگر بیند خلاف یکدیگر بوده دلیل کند که خداوند انگشترین منافق
شود و اگر بیند که از آن دو نگین یکی بیفتاد دلیل کند که از این دو کار یکی فوت کند و اگر بیند که نامه نوشته مهر کرد دلیل کند که چیزی از کارها
به وی رسد امام جعفر صادق ع فرماید که انگشترین سیمین در خواب بر چهار وجه بود اول دوم زن سیم فرزند چهارم مال **انگور**
دانیال ع فرماید خوردن انگور سیاه بوقت غم و اندوه بود و بی وقت ترس و بیم باشد و بهران گویند بعد دو هر دانه که خورد زر خریدی
بوی رسد و خوردن انگور سپید بوقت چیز و منفعت بیاید باشد پس از آنکه امید دارد و بی وقت دلیل کند که از وی مال عطا و خواب بیند
خیر بیرون آید و لیکن چیز و مال حلال باشد و انگور سرخ همین دلیل دارد و ابن سیرین گوید انگور سپید بوقت خود دلیل خیر اندیشه و غم
باشد و اگر سیاه بود بوقت خود دلیل بر اندیشه و غم کند و انگور طائفی خوردن بوقت خود دلیل بر مالی کند که به دشواری به دست آید و انگور
سرخ دلیل بر منفعت اندک کند و هر انگوری که پوست وی سخت بود دلیل کند که مال به دشواری بیابد و هر انگوری که پوست وی نازک
بود دلیل بر مال حلال بود و هر انگور که سپید از سرخ باشد دلیل بر عز و جاه کند و هر انگور که شیرین تر و پاکیزه تر باشد دلیل بر مال و نعمت
و عزت بود جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که انگور بر عصیر چوبین می افشرد دلیل کند که خدمت پادشاه بسیار کند و اگر بیند که آن عصیر
از خشت گل بود دلیل کند که خدمت پادشاه با سیاست و هیبت کند و اگر بیند که انگور بدست خود می افشرد دلیل کند
که خدمت زرگری کند و اگر بیند که انگور در کاسه می افشرد دلیل کند که خدمت شخصی خسیس کند و اگر بیند که انگور با اهل و عیال در معصر
می افشرد دلیل کند که او را با اهل او در خدمت پادشاه منفعت رسد و اگر بیند در خواب خود در حضرت پادشاه نشسته دلیل کند
که کار وی از سبب مردی بزرگ ساخته شود و امام جعفر صادق ع فرماید انگور سیاه و سپید بوقت و بی وقت بر شش وجه باشد یکی فرزند نیک
دوم علم و قرآن سیم مال حلال افشردن انگور هم در خواب بر سه وجه است یکی مال با عز و برکت دوم فراخی نعمت سیم از قحط
و بلا امان یافتن قوله تعالی ثم عام فیه یغاث الناس و فیه یعصرون **افتادن** ابن سیرین گوید که بر روی در افتادن دلیل کند که در یا
تشویشی پیش آید خاصه در جنگ خصومت اگر بیند که از جای بزیر افتاد دلیل کند که کاری که دارد تمام سر نشود و هر او بر نیاید
کرمانی گوید اگر بیند که از جای بلند بزیر افتاد دلیل کند که کار بزرگی که دارد بر نیاید و نومید شود و اگر بیند که از کوه بزیر افتاد دلیل
آن است که حالش به شود ابتدا افتادن بر تن وی رنج رسد و اگر بیند که زخمی سخت بوی رسید و خون از آن عضو روان شد
دلیل کند که بعد از آن زخم ویرا از خداوند نائی رسد و اگر بیند که پایش بلغزید و بیفتاد دلیل کند که بر نج و بلائی بوی رسد و اگر بیند که بیفتاد

و بجای بد و نرسید دلیل کند که سهل و آسان بود و اگر بیند که دیوار خانه بیفتاد دلیل کند که مال بسیار به وی رسد از آنجا که امید ندارد

در تعبیر چیزهایی که اول آنها بات است از حروف باء **بادام** ابن سیرین گوید که بادام در خواب دیدن منفعت و روزی بود ولیکن به رنج و مشقت به دست آید
اگر بیند که بادام فرا گرفت دلیل کند که وی را بقدر آن منفعت و روزی رسد و به دشواری به دست آید و بعضی از معبران گویند که تاویل بادام در خواب
علم بود و شفا از رنج چون مغز او بیند کرمانی گوید اگر بیند که بادام با پوست بشکست یا کسی بوی داد دلیل کند که از مردی بخیل چیزی یابد
به سختی و اگر بیند که بادام تلخ را از دهن بیرون آورد دلیل کند که از مردی بخیل بقدر آن از دهن وی را منفعت رسد جابر مغربی گوید دیدن
بادام در خواب مال و نعمت است اگر بادام با پوست بیند دلیل کند که از مال اقربا به دست آید ولیکن با رنج و سختی چون بادام بی پوست
بیند دلیل کند که مال بآسانی به دست آید و امام جعفر صادق فرماید دیدن بادام در خواب بر دو وجه است یکی مال پنهان که حاصل
شود دوم شفا بود از بیماری **پادشاهی** ابن سیرین گوید ده چیز است که دیدن آن چیزها بیند در خواب دلیل کند بر
پادشاهی یکی آنکه بیند پیغمبر او را امام کرد دوم آنکه علم شریعت بدو رسید سوم آنکه گوش پیغمبر بگرفت [illegible] اقامت باز باشد
چهارم آنکه بر منبر پیغمبر خطبه کند پنجم آنکه جامه رسول ص پوشیده باشد ششم آنکه انگشتری حضرت رسالت ص در انگشت بیند هفتم آنکه
چشم او آفتاب یا مهتاب گشت هشتم آنکه بیند او را رودخانه شده است نهم آنکه بیند که جسم او در محراب مسجد جامع باشد یازدهم
پادشاهی برده و او را انگشتری داده دوازدهم آنکه بیند جسم وی مانند [illegible] شده است یا اگر کسی [illegible] این ده
خواب دیدن دلیل کند بر یافتن سلطنت و پادشاهی دانیال فرماید اگر کسی بیند که پادشاه وی را امر و خلعت و کلاه و جامه داد
دلیل کند که بر مردمان خویش رئیس و والی گردد و اگر بیند که بر سر پادشاه کلاه کهنه و دریده دلیل کند بر بدی حال پادشاه و اگر بیند
که دستاری بر سر پادشاه بود چنانکه در روزگار رسول ص بر سر صحابه بود دلیل کند که پادشاهی با عدل و انصاف برسد
و اگر بیند که پادشاه باز گردید و بفرمان وی شد دلیل کند که مملکت جهان بگیرد و دیگر و بر وی قرار گیرد و اگر بیند که پادشاه شد
دلیل کند که بیننده خواب را اگر شود و اگر بیند که پادشاه در کوچه یا سرای او درآمد دلیل کند که اهل آن موضع را غم و اندوه رسد
از سبب پادشاه و قوله تعالی ان الملوک اذا دخلوا قریة افسدوها وجعلوا اعزة اهلها اذلة و اگر بیند که درآمدن او از آنجا چیزی
منکر بود دلیل کند که هیچ مضرت و زیان با اهل آن موضع نرسد و اگر کسی بیند که [illegible] مقام گاه او بود [illegible] خراب شد دلیل
که در پادشاهی خلل و نقصان افتد کرمانی گوید اگر کسی بیند که پادشاهی بمرد و او را دفن بکرد و بروی بگریستند و جنازه او را
برند نشسته دلیل کند که بعضی از سرای او خراب شود یا [illegible] از مردمان و اگر بیند که در جلست صورت پادشاه
غلبه کرد دلیل کند که [illegible] در روا شود و اگر پادشاه در خواب بیند که کعبه سرای وی بود دلیل کند که مرکز مملکت او از [illegible]

در ازدنی

و از دشمن ایمن بود و اگر کسی سلام کرد و یا کسی بوی سلام کرد دلیل ایمنی بود از غم و اندوه و خلود در مراد قوله تعالی سلام علیکم طبتم فادخلوها خالدین
و اگر پادشاه بیند که رسن درست و نشست یا دست در رسن زده بود دلیل کند که بر او رسد و در جاه و مصالح انصاف و اقامت نماید
قوله تعالی فاعتصموا بحبل الله جمیعا جابر مغربی گوید اگر بیند که در نزدیک پادشاه و عرب بزرگ بود دلیل کند که از پادشاه بهره و نصیب یابد
و اگر پادشاهی را در لباس نیکو بیند در سرای او که چه کرد جان منسوب بود دلیل کند بر زیادتی و بزرگی پادشاه و حرمت و جاه و حشم و مال
و خزاین و اگر بیند که پادشاه را نقصانی بود تا و خویش بخلاف این بود کرمانی گوید اگر بیند که پادشاه بر وی خشم بود دلیل کند که پادشاهی
بر وی بماند و اگر بیند که بر زمین افتاده شده دلیل کند که بر رنج و سختی گرفتار شود و بعضی گویند که پادشاهی بر وی قرار گیرد و اگر کسی بیند که
که در سرای او نیکو آمد دلیل کند که از مردم پادشاه وی را حرمت و منزلت پدید آید امام جعفر صادق فرماید اگر کسی بیند که پادشاه گشته
روی بود دلیل کند که کار بسته بر وی گشاده گردد و اگر کسی بیند پادشاه را بخواب بیند دلیل کند که از شغلها فرو مانده و عاقبت برآید
اگر ندیم پادشاه را بیند دلیل کند که او را از کسی حاجت برآید و اگر او را از ندیمان پادشاه را بیند دلیل کند که از جا عطا یابد و اگر اصحاب
پادشاه را بیند دلیل کند که شغل و عمل او باصلاح آید و اگر بیند که پادشاه به شهری درآمد و پادشاه آن شهر را غلبه کرد دلیل کند که کار اهل
آن شهر آفت و نقصان بیند و اگر بیند که پادشاه در خانه وی بخفت دلیل کند که پادشاه را بدان حاجت افتد و شغل و عملش فزاید
پاتیله ابن سیرین گوید که پاتیله در خواب دیدن کدبانوی خانه بود و اگر بیند که پاتیله او بشکست یا کسی ببرد دلیل کند که کدبانو
هلاک شود یا از خانه جدا شود کرمانی گوید اگر بیند که در پاتیله چیزی بود از خوردنی لطیف یا شیرین دلیل کند که از کدبانوی خانه خیر و منفعت بیند
و اگر بیند که در پاتیله چیزی ناخوش بود دلیل کند که از کدبانوی خانه او را زیان و مضرت رسد ابن سیرین گوید که دیدن پاتیله در خواب
زیاده از این چیزی نبود **باد** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که باد سخت همی آمد دلیل کند که مردم اندر آن جا و مصیبت و بیماری
طاعون و آبله و مانند این گرفتار گردند کرمانی گوید باد سموم بخواب دلیل بر بیماریهای گرم کند و باد سرد دیدن دلیل بر بیماریها سرد کند و شوریدگی
باشد در اندر یاره و باد معتدل دیدن دلیل بر تندرستی اندر یار کند و موجب بلیه نامعیشت و کسب اندر یار باشد و اگر بیند که باد او را از خانه
بجای دیگر برد دلیل کند که سفری دور کند و در آن سفر جاه و بزرگی یابد بقدر آنکه باد او را از زمین برداشته بود و اگر بیند که باد او را گرد و غبار در پیچید
بود دلیل کند بر ترس و بیم و اندیشه افتد جابر مغربی گوید اگر بیند که باد او را بادی سخت بسوخت دلیل کند که از اهل وی فرزند یا کسی هلاک شده باشد
و اگر بیند که باد او را از آسمان بر زمین آورد دلیل کند که بیمار شود و عاقبت شفا یابد امام جعفر صادق فرماید دیدن باد در خواب
بر نه وجه باشد یکم بشارت دوم فرمان سیم مال چهارم مرگ پنجم عذاب ششم کشتن هفتم بیماری هشتم شفا نهم رحمت و اگر بیند
که بر او نشسته بود دلیل کند که بزرگی و جاه یابد امیل شحتا اگر بیند که باد نرم بجست دلیل کند که مردم اندر یار را مال و نعمت زیاده شود

و اگر بیند که باد شمال نرم بجست دلیل کند بر شفا در حق اهل اندیار و اگر بخلاف این بیند دلیل چیز بیا شد و اگر بیند که او را باد شدید و گنگ
که چیز پادشاه بزرگ در اندیار گسترده شود و اگر بیند که باد مردم اندیار را برگرفت و به هوا برد دلیل کند که آن مردمان شرف و بزرگی یابند
بادنجان ابن سیرین گوید بادنجان خوردن بخواب اگر بوقت بود و اگر بی وقت و اگر خام بود یا پخته دلیل بر غم و اندوه باشد بقدر آنچه
خورده باشد کرمانی گوید اگر کسی بیند که بادنجان بسیار داشت لیکن جمله را بخشید یا بفروخت و از آن نخورد دلیل کند که از آن غم و اندوه رسته
گردد **بار** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که بر پشت بار سبک داشت دلیل کند که بقدر آن جنس که در بار او بوده خیر و منفعت بیند و اگر بیند
که بر پشت بار گران داشت دلیل کند که گناه و معصیت بسیار کند قوله تعالی و لیحملوا اوزارهم کاملة یوم القیمة کرمانی گوید اگر کسی بیند که بار بسیار
داشت و دانست که آن بار ملک اوست دلیل کند که بقدر آن جنس ویرا خیر و منفعت رسد و اگر بیند که آن بار ملک او نبوده خیر و شر آن
بخداوند ملک باز گردد **باران** دانیال ع فرماید که باران در خواب رحمت و دولت بود از خدای تعالی بر بندگان چنانکه میفرماید قوله تعالی
و هو الذی ینزل الغیث من بعد ما قنطوا و بخواب دیدن باران در وقت خویش نیکوتر باشد و بوقتی که مردمان باران خواهند نیکو باشد
اما اگر باران خاص باشد چنانکه بسرای او باران سخت بسیار بارید و جز آنجا جای دیگر نبارید چنین باران دلیل کند بر رنج و بیماری
بر اهل آن موضع و اگر بیند که اول سال یا اول ماه باران سخت بارید دلیل کند که در اول آن سال یا در آن ماه فراخی نعمت پیدا شود و اگر
بیند که بر سر مردمان باران همچون طوفان بسیار بارید دلیل کند که در اندیار مرگ مفاجات شود یا آفتی پدید آید و اگر بیند که از هر
قطره باران او را زری آمد دلیل کند که عزت او زیاده شود و اگر بیند که باران عظیم بسیار بارید چنانچه از جویها بگذشت دلیل کند که
لشکر پادشاه مر او را رنج کند و از آن [illegible] شود و اگر بیند که از هوا آب می آمد دلیل کند که عذاب خدای تعالی و بیماری بر اهل آن موضع
پدید آید کرمانی گوید اگر بیند که بجای باران انگبین بسیار بارید دلیل کند که نعمت و غنیمت در اندیار بسیار بود و هر چیزی که بیند از آسمان
تاویلش از جنس آن چیز و اگر بیند که آب باران تیره و ناخوش بود دلیل کند که بر قدر آن رنج و بیماری کشد امام جعفر صادق ع فرماید دیدن
باران در خواب بر دوازده وجه باشد یکی رحمت دوم برکت سیم فراخی چهارم رنج و بیماری پنجم بلا ششم کارزار هفتم
خون ریختن هشتم فتنه نهم قحط دهم امان یافتن یازدهم [illegible] دوازدهم دروغ **بارو و برج** ابن سیرین گوید برج و بارو
و شهر دلیل بر پادشاهی کند [illegible] اگر باروی شهر بلند و قوی بود دلیل کند بر قوت و نیکی حال پادشاه و اگر بیند که باروی شهر [illegible]
و خراب شد دلیل کند بر هلاک پادشاه و اگر بیند که برج باروی شهر [illegible] دلیل بر هلاک [illegible] کند و اگر بیند که بارو را فرو کرد دلیل کند که پادشاه
توانگر و بسیار ستم شود کرمانی گوید که باروی شهر و آنچه نزدیک باروی شهر بود تاویلش [illegible] و آنچه در پس شهر بود [illegible]
در زیاده و نقصان که در برج و بارو بود دلیل کند بر این پنج گانه که یاد کرده شد **باز** ابن سیرین گوید که اگر کسی بیند که بازی گرفت یکی

بوی داد دلیل کند بر بزرگی و قدر و افزونی جاه و حرمت وی و اگر بیند که بازش بپرید و از دست برفت دلیل کند که از پادشاه و وزیر رنجی
یابد و اگر بیند که باز از دست وی بپرید و برفت دلیل کند که از جاه و بزرگی به درویشی افتد کرمانی گوید اگر کسی بیند که بازی سپید یافت و اگر از مردمان
پادشاه بود دلیل کند که از پادشاه ولایت و بزرگی و حرمت یابد و اگر از رعیت بود مال بسیار حاصل کند و اگر بیند که کسی بازی بوی بخشید
دلیل کند که او را با پادشاه صحبت افتد و از او خیر و منفعت یابد و اگر بیند که بازی بگریخت و در خانه شد یا در زیر دامن [illegible] پنهان شد
دلیل کند که از زن او را پسری خوبروی آید و اگر بیند که بر پای آن باز زنگوله از سیم بسته بود دلیل کند که از آن زن دختری آید جابر مغربی گوید اگر
کسی بیند که بازی داشت و از او بگشت دلیل کند که اگر این کس از مردم پادشاه بود معزول گردد و از عمل خویش باز ماند و اگر از مردم [illegible]
جدا شد او را غم و رنجی رسد از جهت اهل بیت و اگر بیند که باز از دست او بپرید و باز بیامد دلیل کند که اگر این خواب را پادشاه بیند مملکت
از دست وی برود و باز پس آید تاویلش آن بود که مملکت و قدرت یابد امام جعفر صادق ع فرماید که اگر باز مطیع وی بود تاویلش
بر پنج وجه بود یکی پرورش دوم شادی سیم ثبات چهارم فرمان روائی پنجم یافتن مال بعدد قیمت باز از یکهزار درم تا دوهزار درم خاصه که تا هزار درم
باز سپید مطیع وی باشد و چون نشد تاویلش بر چهار وجه باشد یکی پادشاه ستمکار دوم حاکم سیم [illegible] خاین [illegible] چهارم فرزند [illegible]
[illegible] **بازو** ابن سیرین گوید بازو در خواب برادر بود یا فرزند یا دوست معتمد یا انباز و اگر بخلاف این بیند دلیل کند
که هیچ فایده و قوتی از ایشان نبود و اگر بیند که بازوی او بیفتاد دلیل کند که یا بعضی برادر یا فرزند یا دوست یا انباز وی را
رحلت کند یا مفارقت جوید امام جعفر صادق ع فرماید دیدن بازو در خواب بر شش وجه بود یکی برادر دوم فرزند سیم انباز
چهارم دوست پنجم پسر عم ششم حشم **بازوبند** کرمانی گوید بازوبند زرین اگر بیند که در بازو داشت دلیل کند از برادران [illegible]
کسی دیگر او را غم و اندوه رسد و اگر بازوبند سیمین داشت دلیل کند که دختر خود را یا زن خود را بشوهر دهد و اگر این خواب زنی بیند دلیل
کند که او را مال و زینت و آرایش بود و اگر بیند مسین یا آهنین بود دلیل کند که او را از برادر قوت و یاری باشد و اگر بیند که او
را بازوبند بشکست یا ضایع شد دلیل آن بخلاف این باشد **پاس داشتن** ابن سیرین گوید که پاس داشتن در خواب [illegible]
بود و اگر پاس اهل صلاح میدارد دلیل بر خیر و منفعت و جاه کند و اگر بیند که در سرای پادشاه پاسبانی میکرد دلیل کند که از پادشاه خیر
و منفعت بیند و اگر با بزرگان باشد که این خواب را دیده باشد در تجارت سود بسیار کند و اگر بیند که پاس قومی از اهل صلاح و ورع و علم
میداشت دلیل کند که از ایشان خیر و منفعت بسیار بیند و پاسبان در خواب خداوند ولایت و قدر و منزلت باشد و مردم را اهتمام او [illegible]
ابن سیرین گوید پاشنه پای در خواب دلیل بر نظم کار و کسب مردم کند و اگر بیند که پاشنه پای او بشکست دلیل کند که
بکاری مشغول شده او را از آن کار پشیمانی حاصل آید و اگر بیند که پاشنه پای او بشکافت یا مجروح شد همین تاویل دارد [illegible]

اروان کنز باشد جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که پاشنهای پای خود را بشکست و دید او دلیل کند که آنچه طلب حاصل شده باشد بر دشمنان و چیره اگر
کسی بیند که پاشنهای پای خود شکسته دلیل کند که او را کسب و کار بسته شود و درویش و بیچاره گردد **باغ** دانیال گوید دیدن باغ در خواب
زن بود و اگر بیند که باغ را آب میداد دلیل کند که با زن خود مجامعت کند و اگر بیند که باغ او خشک شده دلیل کند که زن او از مجامعت
معزول گردد و اگر باغ را آب میداد و ترشی شد دلیل کند که زن او از شوهر مجامعت میطلبد و اگر بیند که در باغ گل و ریحان میکشت دلیل
کند که فرزند صالح بیاورد و اگر بیند که در باغ شفتالو میکشت دلیل کند که او را فرزندی آید که فرزند علم و ادب بیاموزد و اگر بیند که
در باغ ریحان رسته بود و با کشیده و بوی او به باغ برسید دلیل کند که او را فرزندی آید دلیر و هنرمند و پرهیزکار و اگر باغ خود را
سبز و با درختان دید و در آن کوشک و آب روان بیند دلیل کند که ایشان از اهل بهشت باشند و اگر بیند که در باغی با درختان بود و از
میوه درختان میخورد دلیل [illegible] خواهد و از آن مال و نعمت یابد و اگر بیند که در فصل خزان در باغی شد دلیل کند که غم و رنج
بدو رسد و اگر بیند که در باغ کوشکها بود و سبزه و آب روان و درختان بود و زنی صاحب جمال او را بخواند دلیل کند که بهشت و حور العین
میراث بیابد و درجه شهیدان حاصل کند و اگر بیند که باغی داشت با کسی بود و او میوه آن باغ میخورد دلیل کند که زن او را از کسی
و از مال وی بخورد و اگر بیند که در باغ بود و میوها از درخت بروی افتاد دلیل کند که بر روی شر ریا و در خصومت افتد و بروی غالب شود
و اگر بیند که در باغ بر سر درخت خفته بود دلیل کند که نسل و فرزندان او بسیار شوند کرمانی گوید باغ در خواب مردی بود بزرگوار با مال
و جمال و اگر بیند که در وقت بهار یا تابستان باغی دید و میوهای او شیرین بود و بر پای درختان ریخته شود دلیل کند که او را
با پادشاهی صحبت افتد که آن پادشاه از خشم و غم خلاص شده باشد و اگر بیند که باغ تابستان سبز و پرمیوه بود و آب روان و چهار دیوار
از اصل کند و خراب کرد دلیل کند که پادشاه آنجا را در ایشان هلاک بود یا بسبب سلطانی بزرگ از پادشاهی معزول گردد و اگر بیند که آتش
چاه و درختان آن باغ را بسوخت دلیل کند که پادشاه را از کس صعب جاری رسد و اگر در خواب بیند که اشتران در باغ بودند دلیل کند
که در باغ پادشاه اهلک بر دشمنان ظفر یابد و اگر بیند که در باغ گوسفندان بودند دلیل کند که از پادشاه مال و نعمت او را حاصل شود
و پادشاه را قوت و هیبت عظیم باشد و اگر در آن باغ پرندگان بیند دلیل کند که لشکر پادشاه بر عهد و وفا باشند و ایشان را اعتماد
بود و اگر بیند که از آن باغ میوه جمع میکرد و بخانه میبرد دلیل کند که بقدر آن از پادشاه ویرا چیز و منفعت رسد و اگر بیند که از باغ
هیزم جمع میکرد دلیل زیان و منفعت بود از پادشاه و لیکن [illegible] که اصل باغ در خواب مثل مردم بود و اگر باغ
آراسته و سبز بیند دلیل کند که کارش نیکو شود و شغل وی آراسته گردد و اگر بیند که بدست خود باغی از نو ساخت و درخت می نشانید
و میوه برآمد دلیل کند که زن خواهد اگر بکر باشد و از او مال و نعمت و فرزندان حاصل شود و اگر در آن باغ بوقت خویش انگور دید دلیل کند که مال

ازو

و منزلت دیدند بعد رحمت خویش آورد و مانند که مردی بحضرت حضرت سلیمان آمد و گفت ای پیغمبر خدا خوابی آراسته دیدم و باغی که
در آن میوهای بسیار بود و در آن باغ دیدم که خوکی بزرگ نشسته بود و مرا گفت که این باغ ملک این خوک است و من از آنجا متحیر شدم و در آن
باغ خوکان بسیار دیدم که از آن میوها میخوردند حضرت فرمود که آن خوک بزرگ پادشاه ظالم ستمکار است و خوکان دیگر در آن نشسته
حرام خوار که مطیع آن پادشاه ظالم شده و این را به جابر مغربی شنید در زمان عذاب و عقوبت خشکسالی رسیدند امام جعفر صادق فرماید
دیدن باغ در خواب هفت وجه باشد اول زن خوب دوم فرزند نیک سیم عیش خوش چهارم مال پنجم غم بلندی ششم شادی هفتم [illegible]
و دیدن باغبان در خواب قیم زن باشد و اگر کسی بیند که باغبانی میکرد دلیل کند که زن خود را [illegible] کند و بشغل او مشغول گردد و با ایشان
سازکاری کند و بعضی از معبران گفته اند دیدن باغبان در خواب بر سه وجه بود یکی کدخدای خانه دوم قیم زن سیم قرة العین
بافتن جامه ابن سیرین گوید بافتن جامه در خواب سفر بود و با غنیمت مسافر و اگر بیند که جامه [illegible] دلیل کند که سفر
او در ماند که بافتن جامه در خواب دلیل از خصومت باشد و اگر بیند که جامه بافته برید دلیل کند که آن کار با خصومت بریده شود و اگر بیند
که رسن یا ریسمان تاب میداد دلیل کند که بسفر شود کرمانی گوید اگر کسی بیند که بجای ریسمان ابریشم یا کتان می بافت دلیل کند که [illegible]
زیرا که ایشان [illegible] و اگر بیند که جامه را تمام بافت دلیل کند که بسفر شود و اگر بیند که نابافته بود دلیل کند که کار وی تمام نشود
جابر مغربی گوید اگر بیند که بافته که میکرد دلیل کند که کار وی تمام نشود و او را با مردمان خصومت افتد و عاقبت حالش نیکو شود
اما از مردمان او را اهانت و سرزنش رسد **باقلا** ابن سیرین گوید که باقلا در خواب دلیل بر غم و اندوه باشد و تاویل خشک و تر آن
یکسان بود و اگر بیند که میخورد غم و اندوه مکرر شود کرمانی گوید اگر کسی بیند که در خواب کسی بدو باقلا داد و بخورد دلیل کند که اندوهگین
شود و با کسی خصومت افتد و معبران گویند اگر کسی بیند که باقلا داشت یا کسی بدو داد یا او بکسی داد و از او هیچ نخورد دلیل کند
که او را زیان رسد خاصه که بوقت خود دیده باشد **بالا رفتن** ابن سیرین گوید اگر بیند که بر بالای کوه نشسته بود یا بر بام یا بر [illegible]
بالا برفت دلیل کند که آنچه جوید بدشواری و رنج بیابد و اگر بیند که بر نردبان بالا شد دلیل کند که در دین شرف و منزلت یابد
خاصه که نردبان از گل باشد و اگر نردبان از آجر و سنگ بیند دلیل کند که در دین او خلل باشد کرمانی گوید بر نردبان بالا رفتن [illegible]
بود بالا رفتن دلیل کند که شرف بزرگ یابد در دین و دنیا و اگر بیند که باسمان رفت و باز نیامد دلیل بر اجل او کند و اگر باز آمد دلیل کند
که سخت بیمار شود و اما شفا یابد امام جعفر صادق فرماید بر بالا شدن دلیل بر پنج وجه کند یکی روا شدن حاجت دوم زن خواستن
سیم عزت و بزرگی چهارم مراد یافتن پنجم بالا گرفتن کار **پالان** ابن سیرین گوید که پالان در خواب دیدن زن بود اگر بیند که پالان [illegible]
داشت یا از کسی بخرید دلیل کند که زن خواهد یا کنیزک و اگر بیند که پالان بر پشت داشت دلیل کند که مطیع و فرمان بردار زن شود

و بروی بستر نماز کرده و اگر بیند که پالان پاکیزه و خوش داشت دلیل کند که زن مستوره و سازگار بخواهد و از او خیر و منفعت یابد و اگر بیند که پالان
کهنه و چرکین داشت دلیل کند که زنی خواهد ستیزه روی و ناسازگار و از وی مضرت بیند **بالش** ابن سیرین گوید بالش در خواب خادم
اگر کسی بیند که بالش نو فرا گرفت یا کسی بدو داد دلیل کند که او را بنده خدمتکاری یا خادم مصلح حاصل شود و اگر بیند که بالش وی بسوخت یا ضایع
شد دلیل کند که خدمتکاری از وی جدا شود یا بگریزد یا رنج و بلا بدو رسد و سبب این از وی جدا شود کرمانی گوید اگر کسی بیند که
بالش او را از خانه او دزدیدند دلیل کند که کسی از آن خانه بمیرد و اگر مردی بیند که بالش بسیار داشت دلیل کند که او را بقدر بالشها
کنیزان و خادمان حاصل شود و اگر بیند که آتش در افتاد و بالش وی بسوخت دلیل کند که خادمان وی بمیرند یا بگریزند امام جعفر صادق
فرماید دیدن بالش در خواب بر پنج وجه بود یکی خادم دوم کنیزک سیم ریاست چهارم دین نیکو پنجم پرهیزکاری و اصل **بام** جابر مغربی
گوید اگر کسی بیند که بر بام پادشاه بود دلیل کند که بزرگی و منزلت یابد و اگر بیند که آن بام بر هوا بر شد دلیل کند که بسفر شود و در آن
سفر جاه و بزرگی یابد و اگر بیند که بر بام بود و از بام بیفتاد دلیل کند که از جاه و منزلت بیفتد و او را اندوه رسد **بانگ کردن** ابن سیرین
گوید که بانگ کردن جانوران در خواب دلیل بر مصیبت و غم و اندوه کند و اگر بیند که کسی او را بانگ میکرد دلیل کند که زود [illegible]
و اگر بیند که آواز گریستن آمد دلیل کند که شادمان شود و اگر بیند که بانگ خندیدن می‌شنید جز مصیبت نشود و اگر بیند که بانگ ناله
و فریاد می‌شنید دلیل کند که خبر ناخوش شنود و اگر بیند که بانگ اناری می‌آمد دلیل کند که حاجت وی روا شود و بر دشمن ظفر یابد و اگر
بانگ دشمنان یا دشنام می‌شنید کراهتی بدو رسد و زور و زایل شود کرمانی گوید اگر بیند که اسپی بانگ میکرد دلیل کند که او را شرف
رسد و بعضی از معبران گفته‌اند البته مکروهی بوی رسد از بهر آنکه دروغ گوید اگر بیند که خری بانگ میکرد دلیل کند که از دشمنی و از جا[illegible]
فرو باشناعت شود و اگر بیند که شتری بانگ میکرد دلیل کند که حج رود یا عمل تجارت کند و سود بیند و اگر بیند که گوسفند بانگ
میکرد از بزرگی خیر و منفعت بیند اگر بیند که بز خانه بانگ میکرد دلیل کند بر شادی و خرمی و اگر بیند که آهو بانگ میکرد دلیل
کند او را کنیزکی نیک حاصل شود و اگر بیند که شیر بانگ میکرد دلیل کند که از جانب پادشاه بیم و ترس حاصل کند و اگر بیند که پلنگ بانگ
میکرد دلیل کند که با یکی خصومت افتد و اگر بیند که یوز بانگ میکرد دلیل کند که کسی بروی خشم گیرد و اگر بیند که گرگ بانگ میکرد
دلیل کند که او را دشمنی افتد و بوی رسد و اگر بیند که سگ بانگ میکرد دلیل کند که بر دشمنان ظفر یابد و اگر بیند که روباه بانگ میکرد بر
دشمنان ظفر یابد و اگر بیند که شغال بانگ میکرد دلیل بر مرد [illegible] و اگر بیند که روباهی بانگ میکرد دلیل کند که مردی مکار
با وی حیله کند و اگر بیند که گربه بانگ میکرد او را از دزدی ترس و بیم باشد و اگر بیند که [illegible] بانگ میکرد خبر [illegible] شنود
و اگر بیند که اسب تازی بانگ میکرد همین تاویل دارد و اگر بیند که [illegible] بانگ میکرد غم [illegible] رسد و اگر بیند که [illegible] بانگ میکرد خبر مصیبت کسی [illegible]

خوش شنود و اگر بیند که بانگ بچگان مرغ بشنید بماتم و مصیبت نشیند امام جعفر صادق فرماید که بانگ مرغان شنیدن
در خواب نیکو بود مگر مرغی که او را بفال بد دارند که بانگ او غم و مصیبت باشد و اگر بیند که از آسمان یا از زمین یا از هوا بانگ سهمگین آمد
دلیل بر جزع و اندوه کند و نقصان پادشاه بود و هر چند آن بانگ صعب‌تر باشد آن چیز سخت‌تر باشد چنین گویند که مردی پیش محمد بن سیرین آمد
و گفت بخواب دیدم که جنبنده با من سخن گفت ابن سیرین گفت اجل تو نزدیک رسیده باشد قوله تعالی و اذا وقع القول علیهم اخرجنا لهم دابة من الارض
تکلمهم چون بگفته بر آمد از در و او بیمار شد [illegible] **بانگ نماز** ابن سیرین گوید هر بنده که مستور و مؤمن بود چون بیند که بر جایگاهی بانگ نماز
شنید یا بانگ نماز میگفت دلیل کند که حج بیت الله الحرام بگذارد قوله تعالی و اذن فی الناس بالحج یاتوک رجالا و اگر این خواب را مردی فاسق
بیند دلیل کند که او را بدزدی بگیرند و اگر بیند که بانگ نماز بر منار یا بر مسجد می‌آمد دلیل کند که مردمان را بحق ایمان بخواند و اگر بیند که
بر بستری خوابیده بود و بانگ نماز میداد دلیل کند که با زن خود الفت دارد و اگر بیند که بانگ نماز در خانه خود میداد دلیل کند که اجل او
نزدیک باشد و اگر بیند که بانگ نماز بر در خانه پادشاه میداد دلیل کند که مردم را بر پادشاه [illegible] بگیرند و بعضی از معبران گفته‌اند که
پادشاه را سخن حق گوید و اگر بیند که بانگ نماز در چاه میداد دلیل کند که در طریق منافق بود و اگر بیند که بانگ نماز در کوچه میداد دلیل کند که
جاسوسی کند کرمانی گوید اگر مردی بیند که بر سر حوض بانگ نماز میگفت دلیل کند که از دنیا [illegible] و اگر کودکی بانگ نماز در خرابی [illegible] میداد
و اگر بانگ نماز در گرمابه میداد دلیل بد باشد در دین و دنیا و اگر بیند که بانگ نماز در قطار میگفت یا در لشکرگاه او ترس و بیم باشد و اگر بیند
که مجوسی بانگ نماز میداد [illegible] رها شد و اگر بیند که بانگ نماز [illegible] دلیل کند که هلاک شود و اگر بیند که بر کرسی
بانگ نماز میداد دلیل کند که با پادشاه سخن درشت گوید و او را بحق نماز خواند و اگر بیند که بر مستراح بانگ نماز میداد دلیل کند که بزرگی
و زیان رو بیند و اگر بیند که در سرداب بانگ نماز میداد دلیل کند که بسفری دور شود و در آن سفر رنج و بلا کشد و اگر بیند که در وادی
بانگ میداد دلیل کند که در میان قوم ستمکار هلاک یا گرفتار شود و با وی خیانت کنند و اگر بیند که بر کرسی یا بر تختی نشسته بانگ نماز
نماز میکرد دلیل کند که حق او زایل شود و اگر بیند که دیگری بانگ نماز گفت و او بشنید دلیل کند که بکار عبادت و طاعت کاهلی [illegible]
کند ایشان را خواندند و اگر بیند که بانگ نماز آرزو شد دلیل کند که بر کارهای خیر توفیق یابد امام جعفر صادق فرماید بانگ نماز در خواب [illegible] وجه
بود یکی حج دوم سخن سیم فرمان روائی چهارم بزرگی پنجم ریاست ششم سفر هفتم مرگ هشتم [illegible] نهم [illegible] دهم [illegible] یازدهم
منافقی **پا در خواب** دانیال ع گوید اگر کسی بیند که پای او بریده یا شکسته بود دلیل کند که نصف مال وی برود و اگر هر دو پای او را بریده
یا شکسته بیند همه مال او برود یا خود بمیرد و اگر بیند که پای وی آبگینه بود دلیل کند که عمرش کوتاه بود زیرا که آبگینه را قرار و ثبات نبود و اگر بیند که پایش
لنگ شده بود دلیل کند بر سستی و ضعف وی [illegible] ابن سیرین گوید اگر [illegible] بیند که پایش لنگ شده بود دلیل کند بر [illegible]

میداد

و حق تعالی قوله تعالی لیس علی الاعمی حرج ولا علی الاعرج حرج و اگر بیند که پای او بر رسن بسته بود دلیل کند که از کسی منفعتی بوی رسد و اگر بیند که پایش چوب شده باب
راه و بی حرفت دلیل کند که اعتماد بر کسی کند که از پیش آن دو خطا بیند و اگر پای عامل پادشاه را از چوب بیند دلیل کند که از عمل معزول گردد
و مالش تلف شود و اگر بیند که پایش سیمین یا زرین یا آهنین بود و نیز همین تاویل کند و اگر بیند که پای او مرده بند بود او را از پای بریده شد و اگر
بیند که پای او بستونی بود این تاویل بهتر باشد زیرا که درخت چون مرده بود و ستون چون مرده و اگر بیند که پای او و روی او و درد زده شد
شده بود یا ورم کرده و خسته دلیل کند که در مکر و حیله گرفتار شود و بعضی را گفته پای در آن سخت شده باشد و اگر بیند که پای او را جای کار آمد
بعضی معبر دلیل کند که از کار دین و دنیا باز ماند و اگر بیند که پای بر ستور نجیب باشد دلیل کند بر غایت کار که بیچیدگی نکوید که هر چه پای
بتاویل اسپ و چهارپا و صنعت نقشها که در پای بیند همین دلیل کند اگر بیند که پای بسیار داشت دلیل کند که بسفر شود و اگر درویش بود توانگر
گردد و اگر مردی بیند که پای بخضاب کرده بود دلیل کند که زن خواهد و اگر این خواب را زن بیند دلیل کند که زن او هلاک شود و دیدن
چشمهای زینت مرد بود و حصول آن اگر کرده باشد و بر سفر بدگوید و دیدن پای خود را پای شتر و دیدن پای گاو دلیل کند که توانگرش زیاد گردد
و مالش زیاده و اگر بیند که پای او چون پای اسب بود دلیل بر زیادتی عزت و جاه و افزونی مال او بود و اگر پای خود را چون پای
بیند و دیدن قوت کسب و معیشت مال وی باشد و بعد دشمن ظفر یابد امام جعفر صادق فرماید که دیدن پای در خواب بر هفت وجه بود اول
عیش دوم عمر سوم مال چهارم سعی کردن پنجم طلب ششم قوت هفتم سفر هشتم زن و پای کوفتن در خواب غم و مصیبت باشد **بند**
بر پا ابن سیرین گوید اگر بیند که بند بر پای نهاده بود و او را از پادشاه ترس و بیم بود و معبران گفته اند که در آن جا مدتی
مقیم گردد و اگر بیند که بر پای بند نهاده بود و او در مسجد بود دلیل کند که او را در دین پای ثابت باشد و در طاعت زیاده خواهد بود و کار دیگر
صلاح دین باشد که هر که پای خویش بند بیند او را عزم سفر باشد دلیل است که در آن سفر در بیابان شود و در آنجا مقیم شود و اگر بیند
که بر پای آدمی بند است همین دلیل کند و اگر بیند که در شهر یا در کوچه در بند است دلیل کند که در آن که چنان خواهد مقیم شود و هر بند
بند به پای قوی تر و محکم تر باشد اقامت در آنجا بیشتر باشد و اگر بند فراخ بود بهتر باشد و اگر بیند که بندش از زر بود دلیل مقیم شدن بود
از بهر مال و اگر بیند که بندش از سیم بود همین دلیل کند و اگر بیند که بند او از رسن بود دلیل کند که مقیم شود از بهر دین و اگر بیند که بند
او از چوب بود مقیم شدن او از بهر فساد دین باشد جابر مغربی گوید اگر کسی بیمار بیند که بند بر پای او نهاده بود دلیل کند که از آن بیماری شفا یابد و اگر
بیند که بر پا بند نهاده بود دلیل کند که بیشتر عمر وی بپای آید و امام جعفر صادق فرماید که دیدن بند بر پای در خواب بر سه وجه باشد اول بشارت
دوم دین سوم زن و شستن بسم از سفر باز آمدن و بعضی معبر هر که پای خود را در خواب بسته بیند دلیل کند که اگر درویش بود توانگر شود
و بیمار بود از بیماری بود همین **پای آبله** ابن سیرین گوید پای آبله در خواب دیدن مال باشد و چون بر پای بیند بسفر باشد و اگر بیند که

پای آبله بر پای پیچیده است چنانکه مسافران دلیل کند که رنج و از دنیا راحت کند و اگر بیند که پای تا به خویش را بوده خطا بکسی داد دلیل کند
که مال او ضایع شود امام جعفر صادق فرماید دیدن پای آبله در خواب بر سه وجه بود یکی مال دوم سفر سوم ترک اگر کسی پای آبله در خواب بیند
که پیچیده است رنج و از دنیا راحت کند **ببر** ابن سیرین گوید که ببر جانوری است درنده و از جمله سباع است و دشمن شریر است و دیدن
وی در خواب دشمن قوی و دلیر و ظالم و دارای لیکن کریم و مهربان باشد و اگر بیند که با ببر جنگ میکرد و او را قهر کرد دلیل کند که بر
دشمن چیره شود و اگر بیند که ببر او را قهر کرد دلیل کند که دشمن بر وی ظفر یابد و اگر بیند که ببر از وی ترسان بود و بگریخت از دشمن ایمن شود
گرفتار گشت و استخوان ببر در خواب مال منفعت باشد که از دشمن بدو رسد و اگر بیند که بر ببر سوار بود و او مطیع او بود دلیل کند که دشمن
مطیع وی شود **بت** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که بت بپرستید دلیل کند که بر خدای افترا و دروغ گوید و در راه باطل رود و اگر بیند
که آن بت از چوب بود و کار او را می پرستید دلیل کند که آن کس منافق بود در دین و اگر بیند که آن بت از سیم بود دلیل کند که از بهر دنیای
نفس تقرب کند بزنی که با وی میل دارد و اگر بیند که آن بت از زر بود دلیل کند که میلش بکار کرده و جمع مال او بود و اگر بیند که از آهن
یا از رسن بود دلیل کند که عرضش از دین صلاح و دنیا بود و کرمانی گوید اگر بیند که آن بت از جواهر بود دلیل کند که غرضش از دین پادشاهی
و مقام باشد و اگر بیند که از جواهر و در بود دلیل کند که غرضش مال حرام باشد و اگر بیند که در بتخانه بود در عقل و دانش خود فرو مانده و متحیر شود امام
جعفر صادق فرماید دیدن بت در خواب بر سه وجه بود یکی دروغ و باطل دوم مرد مکار منافق سوم زن نافرمان **بخشش کردن**
ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که مال خود را بکار خیر بخشید دلیل کند که فرزندان خود را زن و جهود مال خود را بر ایشان قسمت کند و اگر بیند
که مال خویش را بکار فساد بخشش میکرد دلیل کند که بسوی حرام و فساد گراید و اگر بیند که مال خویش بر بیگانه بخشش میکرد دلیل کند که حالش
بر شد که امر پریشان و پراکنده گردد و اگر کرمانی گوید اگر کسی بیند که مال کسی را بخشش میکرد دلیل کند که چیزی از بخشنده مال باز گردد **بخور کردن**
ابن سیرین گوید که بخور در خواب مال بود و از مرد بزرگوار و اگر بیند که از بوی های خوش چیزی بخور میکرد دلیل کند که بقدر آن او را ثنا بری
مال رسد جابر مغربی گوید که بخور هر چند خوشبوتر بود چیزی منفعت آن بیشتر باشد و اگر بخور ناخوشبو بود خداوند خواب را تاویل بکار این
امام جعفر صادق فرماید که بخور کردن در خواب بر سه وجه بود یکی مال بسیار دوم عیش سوم نام نیکو **بربط** ابن سیرین گوید
در خواب بربط باطل دنیا بود و سخن دروغ و اگر بیند که بربط میزد دلیل کند که سخن دروغ گوید و باطل شود و اگر بیند که او بربط چنگ
و چغانه و نای زد و این جمله دلیل غم و اندوه و مصیبت کند که بر اهل او فرو رسد و اگر بیند که بربط را شکست دلیل کند که از دروغ و باطل
توبه کند و اگر بیمار بود و بیند که بربط میزد دلیل کند که اجلش نزدیک رسیده باشد کرمانی گوید اگر کسی بیند که او را زن بربط شنید دلیل کند که خبر زن
بزرگ شنود و با آن زن و برادوستی والله اعلم **بر جستن** ابن سیرین گوید که اگر کسی بیند که بجای دور بر جست دلیل کند که بسفر

و در شب یکی روزی و دیگری رنگهای سیم مال بسیار چهارم لشکر بسیار پنجم چهارپای اگر بیند که تابستان برف جمع میکرد دلیل کند که
مال حلال جمع کند و اگر بزمستان بیند دلیل کند که عیش خوش بگذارد و مال بسیار جمع کند کرمانی گوید برف در خواب دلیل بر چیز نیک کند
و اگر بیند که بوقت خود برف بخورد بهتر از بیوقت باشد **برق** ابن سیرین گوید برق در خواب خزانه پادشاه بود و بعضی از
معبران گفته اند برق وعده کردن باشد بر بیم و طمع اگر بیند که برق از هوا گرفت دلیل کند که کاری طلب کند که نیکی چیز از آن باشد
و اگر بیند که برق در خورشید و در آن حال بخت فراخ بود خاصه که با برق باران آمیخته بیند امام جعفر صادق ع فرماید برق در خواب دیدن
بر پنج وجه باشد یکم خزانه دار دویم وعده سیم عتاب چهارم رحمت پنجم ساعت **برگستوان** ابن سیرین گوید برگستوان در
خواب استواری و محکمی کار بود و اگر بیند که بر اسبی با برگستوان نشسته دلیل کند که کاری کند و در محکم و استوار باشد که بر دشمن ظفر یابد
جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که اسب را با برگستوان در میان رزم دید دلیل که کار وی برآید باشد و دولت و ساعد شود و اگر
بیند که برگستوان از اسب وی بیفتاد و یا ضایع شد دلیل کند که مراد وی حاصل نشود و از دست خصمان مغلوب شود **برنج** ابن سیرین
گوید برنج در خواب دیدن مال باشد که برنج حاصل شود بقدر آنکه دیده باشد کرمانی گوید اگر بیند که برنج پخته میخورد دلیل کند که حاجت
وی روا شود و چیز نیکی بدو رسد و اگر بیند که برنج با گوشت میخورد دلیل بر غم و اندوه باشد امام جعفر صادق ع فرماید دیدن برنج
در خواب بر سه وجه بود یکی مال دویم حاجت سیم چیز و منفعت **پرزه** ابن سیرین گوید اگر بیند که پرزه داشت و از دست او
دیگری برجست و آمد دلیل کند که حاجتش روا گردد و اگر بیند که باز بیامد دلیل کند که بعضی از مال او تلف شود **پرنیان** دیدن پرنیان
در خواب چون دیبا و حریر بود و شرح آن در حرف دال بیان کرده خواهد شد **بره** ابن سیرین گوید بره در خواب اگر
نر بود فرزند پسر بود و اگر ماده دختر باشد و اگر بیند که بره فرا گرفت دلیل کند که او را فرزندی باید و آن فرزند بماند و اگر بیند که
بره را بکشت دلیل کند که فرزند او بمیرد و اگر بیند که گوشت بره را میخورد دلیل کند که او را بسبب فرزند غم و اندوه رسد
کرمانی گوید دیدن بره در خواب عزیز و نیکو مال حلال باشد بقدر بزرگی و کوچکی اگر بیند که بره داشت و برا مال غنیمت رسد
بقدر آن و اگر بیند که بره را بکشت و از گوشت وی بخورد دلیل کند که او را مصیبتی رسد بسبب فرزند امام جعفر صادق ع فرماید
دیدن بره در خواب بر چهار وجه باشد یکم فرزند دویم مال سیم معیشت چهارم غم و اندوه **برهنه** ابن سیرین گوید اگر کسی
خود را برهنه بیند چنانکه از مردم شرم داشت و پوشش طلب میکرد دلیل [illegible] و اگر بیند مردی مستور و صالح باشد دلیلش
باشد کرمانی گوید اگر کسی خود را برهنه بیند و در طلب دنیا بود دلیل کند که بر غم و اندوه [illegible] بسته بود و دلیل کند که در طاعت
و عبادت مجتهد شود جابر مغربی گوید برهنه در خواب دلیل بر محنت و درد و سوگ باشد اما اگر عورت را پوشیده بیند مرد صالح را نیک

نام شود و اگر بیند که در وقت جستن حصار در دست داشت دلیل کند که از حال فساد بحال صلاح آید و اگر بخلاف این
بیند از صلاح بفساد آید **برداشتن** ابن سیرین گوید روزی مردی نزد من پیش آمد و گفت بخواب دیدم که مرد مرا امرود و دست بریدند و مردی
دیگر را بردار کردند گفتم اگر این خواب راست میگوئی امیر شهر را معزول میکنند و امیری دیگر بجای او می نشانند پس چنان روز چنان شد
و دیگری بجای او نشست کرمانی گوید اگر کسی بیند که وی را بردار کردند و مردمان بروی نظاره میکردند دلیل کند که بر چندان مردمان مهتر
و بزرگ گردد و شرف یابد لیکن در راه دین مرد فاسق بود و اگر بیند کسی را بردار کردند و گوشت او را میخورد دلیل کند که او را از
حرام مال حاصل شود و اگر بیند که او را بردار کردند و خون از وی روان شد دلیل کند که غیبت مردم کند و گناه بسیار از او در وجود آید
امام جعفر صادق ع فرماید بردار کردن در خواب بر چهار وجه بود یکی مهتری دویم مال سیم بزرگواری چهارم غیبت مردمان
بردیمانی ابن سیرین گوید بهترین جامه بردیمانی باشد اگر بخواب بیند که برد از پشمینه بود و دیگر سبز و سفید بود و در او پوشیده بود
دلیل کند که فراخی نعمت یابد و بقدر جامه و بزرگی آن نیکی بیند و اگر بیند که جامه کهنه داشت و برنگ سیاه و کبود بود دلیلش بخلاف این
کرمانی گوید برد خز در خواب مردی بود که دین را بر دنیا اختیار کرده باشد خاصه که برد از پشمینه باشد و اگر بیند که برد از ابریشم بود
دلیل کند که او حال دین باشد و هم طالب دنیا **پرده** ابن سیرین گوید هر که پرده در خواب بیند که بر در او آویخته اگر تنگ بود دلیل غم و اندوه
سخت باشد و ترس و بیم لیکن در آخر کار ایمن شود و اگر پرده را بر در سرای بزرگ بیند پرده یا برد بعید یا در میان باز ایستد غم و اندوه و ترس کمتر
باشد اما زود کرمانی گوید پرده دیدن در خواب ترس و بیم کمتر باشد و اگر بیند که پرده ضایع شد دلیل کند که عداوت از غم و اندوه فرج
یابد و از ترس و بیم ایمن گردد جابر مغربی گوید پرده نزد پادشاه مانند بود و در رعیت راهب باشد **پرده دار** ابن سیرین گوید اگر
کسی بخواب بیند که پرده داری میکرد حاجت [illegible] روا شود و در جاه او زیاد گردد و جابر مغربی گوید اگر بیند که پرده داری میکرد
دلیل کند که بخیر و صلاح گراید و مال حلال یابد و اگر بیند که پرده داری پادشاه ظالم میکرد دلیل کند که بفساد مایل گردد و مال حرام
یابد و مال حرام یابد **پرستو** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که پرستو داشت یا کسی بدو داد دلیل کند که با کسی صحبت کند که مراد او
گیرد و در مقام او قرار گیرد و اگر بیند که پرستو را بکشت یا از دست بیفکند دلیل کند که از کسی که او را دوست داشت جدا افتد کرمانی گوید پرستو
در خواب مردی توانگر باتجربه باشد و اگر پرستو [illegible] اگر بیند که پرستو از دستهای پرید دلیل کند که از زن
و آنکس جدا شود و اگر بیند که پرستو در دستهای برد دلیل کند که [illegible] رنج و اندوه بیند جابر مغربی گوید اگر بیند که پرستو را گرفت
دلیل کند که از نعمت [illegible] یابد و از ترس و بیم ایمن گردد **برف** ابن سیرین گوید که برف در خواب دلیل غم و رنج و عذاب باشد اگر اندک بود
باشد و اگر بوقت خویش بیند که برف بسیار دلیل کند که از آن نعمت نیز بر عذاب و بلا حقیقت گردد جابر مغربی گوید دیدن برف در خواب بر شش

بود و فاسق را بد بود شد امام جعفر صادق ع فرماید برهنگی در خواب دیدن مردم صالح و نیکو را خیر باشد و مردم مفسد را بد بود و رسوا گردد
و بحرمتی پیش آید **پروانه** ابن سیرین گوید پروانه در خواب دیدن مردی ضعیف و نادان باشد که خود را از نادانی در هلاکت افکند کرمانی گوید
که اگر بیند که پروانه از پس و پیش وی می پرید دلیل کند که ضعیف و نادان باشد اما خورد او در فراغت افتاد و بکنیزک و دختر بسیار و از
کند و از او پسری آید و اگر بیند که آن پروانه را بکشت و یا در دست وی بمرد دلیل کند که فرزند او هلاک شود در خواب دیدن
دیدن بروت دلیل کند که مردی با هیبت شود اگر بخواب بیند که کسی بقراض بروت او را پاره است تأویل نیکو بود و او را حضرت رسید
اگر بیند که بروت می کند دلیل کند که با کسی خصومت کند و اگر بخواب بیند که بروتش سپید شده بود دلیل کند که از حال بد بار رسید
و اگر بیند که بروتهای دراز بود دلیل کند بر غم و اندوه و اگر کوتاه بود بزرگی و دولت و جاه بیند **بروج آسمان** دانیال ع فرماید دیدن
حمل و اسد و قوس در خواب لشکر پادشاه بود و دیدن ثور و سنبله و جدی پسر وزیر پادشاه و دیدن جوزا و میزان و دلو دیدار صاحب
شرابدار پادشاه بود ابن سیرین گوید حوت دیدار قاضی و صاحب تدبیر پادشاه باشد ابن سیرین گوید اگر کسی حمل را بخواب
بیند با مردی محتشم او را کاری افتد و حاجتش روا شود و اگر ثور را بیند با مردی جاهل نادان او را کاری افتد و حاجتش بر آید و اگر
جوزا را بیند او را با مردی فصیح زبان کاری افتد و حاجتش روا شود و بزرگی و جاه یابد و اگر سرطان را بیند دلیل کند که او را با مردی
بد اصل کاری افتد و حاجتش روا شود و بزرگی و جاه یابد و اگر سرطان را بیند دلیل کند که او را با مردی بد اصل کاری افتد و حاجتش
از وی روا شود و بزرگی و جاه یابد و اگر سنبله را بیند دلیل کند که او را با مردی بیوفا کاری افتد و مرادش بر آید و اگر میزان را
بیند او را با عالمی کار افتد و بوعده وفا کند و اگر عقرب را بیند او را با مردی بی نفع مفسد بدکار کاری افتد و او را زحمت رسد و غمگین
شود و اگر قوس را بیند او را با مردی جهود و بدکار کار افتد و حاجت وی روا شود و اگر جدی را بیند عز و دولت یابد و بمراد رسد
و اگر دلو را بیند دلیل کند که او را با مردی توانگر کاری افتد **پری** بدانکه میراث او را این خلاف است بعضی گفته اند که دشمن
باشد و بعضی گفته اند بخت است و کام روا که در آن کار باشد ابو هریره روایت کند از رسول خدا ص که فرمود دیدن پری در خواب
دولت و بزرگی باشد و دست در دست پری نهادن و با وی سخن گفتن دلیل خرمی باشد ابن سیرین گوید پری را در خواب دیدن که خوش
روی و خندان باشد دلیل کند که عزت و دولت یابد و اگر غمگین و زشت بیند دلیل کند بر غم و اندوه و اگر پری را مرده در خواب بیند کار
وی تباه و شوریده شود و اگر بیند که با پری جنگ میکرد دلیل کند که کار وی آشفته شود کرمانی گوید پریان مردمان منافق را مانند که دیدن ایشان
در خواب بخت و دولت باشد و اگر کار زیان باشد دیدن ایشان در خواب بد باشد و دانیال گوید اگر کسی بخواب بیند که در میان پریان
بود دلیل کند که بسفر شود و از سفر پریان مبارک باشد و اگر بیند که پری او را بار کرده یا گرفت دلیل بر عزت و جاه و دولت باشد و اگر بیند

که پری او را از گردن بینداخت از جاه و بزرگی بیفتد و اگر بیند که پریان با لطف با وی سخن میگفتند دلیل کند که کارش نیکو شود و اگر
بیند که پری در خانه نیکو بود دلیل کند که حالش نیکو شود و اگر در خانه بیند حالش بد باشد و اگر بیند که پری او را چیزی داد از زر یا جامه
یا سیم دلیل کند که دولت و اقبال یابد جابر مغربی گوید اگر پری را بچهار پا مرده بیند دلیل کند که حال وی بگردد و اگر بیند که پادشاه پریان
او را بنواخت دلیل دولت و اقبال باشد و مقرب پادشاه شود و اگر بیند که پری بجای خود با و بنمود خود را بدو عرضه کرد و کام خود از او
بیداشت دلیل کند که زن خواهد که بد و مکر و حیلت زند و اگر بیند که در خانه پری بود دلیل کند که حاجت وی روا شود امام جعفر صادق
فرماید دیدن پری در خواب بر چهار وجه باشد یکم دوستی دوم بخت سوم دولت سیم کامروا کردن در آن شغل که باشد چهارم بزرگی و حشمت
پنجم خبرهای دروغ و کارهای باطل بود **پرواز** دانیال گوید اگر کسی بیند در خواب که پرواز میکرد دلیل کند که بسفر رود و بعد از عشق بی
وی بر جین وی از زمین بلندی شرف یابد و اگر بیند که راست باسمان میرفت دلیل کند که او را مضرت رسد و اگر بیند که چندان پرواز
در هوا کرد که باسمان رسید دلیل بر مصیبت بیار بود که بوی رسد و اگر بیند که چون باسمان رسید در آسمان ناپدید شد و از آنجا
بزمین نیامد دلیل کند که زود از دنیا برود و رحلت کند ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که از جانب قبله بپرید و باز بجای خود آمد
دلیل کند که از سفر زود باز آید با منفعت بسیار خاصه چون بیند که پر داشت و اگر بیند که بی پر می پرید دلیل کند که از حال خود بگردد
و اگر بیند که پر داشت چنانکه مرغان را بود دلیل کند که عزت و جاه و دولت یابد و اگر بیند که از بام خویش ببامی دیگر پرید دلیل
کند که زن را طلاق بدهد و زنی دیگر بخواهد یا کنیزک بخرد کرمانی گوید اگر بیند که باسمان پرید دلیل کند که حج کند و اگر بیند که از سرای خویش
بسرای مجهول پرید دلیل کند که اجل وی نزدیک شده باشد باید توبه کند و اگر بیند که پر داشت لیکن بخلاف مرغان دلیل کند که بیمار
شود و زن دیگر بطلبد و حاجت شفا یابد و اگر بیند که از جای بجای پرواز میکرد دلیل کند که سفر نزدیک کند امام جعفر صادق
فرماید پریدن در خواب بر پنج وجه باشد یکم سفر دوم حج سیم بزرگی و شرف چهارم تغییر حال پنجم جدائی از اهل خود با شد
بریان ابن سیرین گوید بریان در خواب دیدن خداوند سخن بود و فراخی در طلب روزی و گوشت بخته تأویل بهتر است از گوشت
بریان کرمانی گوید اگر بیند که بریان از گوشت گوسفند میخورد دلیل کند که مال بقدر آن بر رنج و سختی بدست آورد و اگر بیند که بریان
از گوشت گاو میخورد دلیل کند که از ترس و بیم ایمن گردد و اگر بیند که مرغ بریان میخورد دلیل کند که از بچه زنی بکرد حیله بدست آورد
و اگر بیند که ماهی شور و بریان میخورد دلیل کند که بسفر شود بطلب علم یا بصحبت مهتری بپیوندد و اگر خداوند خواب مستور باشد
و اگر مفسد باشد دلیل بر غم و اندوه کند و ماهی بریان بهتر بود و ماهی بزرگ بهتر از ماهی خرد بود و دیدن بریان فروش مردی
بود که بسبب دیگران فراخ روزی کرده **بزغاله** [illegible] بود و دیدن آن در خواب مردی بود حلیم و خطرناک زیرا که

بهای جامه درم باشد و دینار که دهند و ستانند و تاویل درم و دینار کرده و اندیشه بود و در این هیچ چیز نباشد لیکن اگر بهای جامه
چیزی سوای درم و دینار که ستانند نیک باشد کرمانی گوید اگر کسی بخواب بیند که بزازی میکرد دلیل کند که با او اندوه و زیان رسد
و اگر بیند که کالای دیگر بعوض کالای خویش ستانید دلیل کند که مراد او حاصل شود امام جعفر صادق ع فرماید دیدن بزاز در خواب زن نیکبخت
و بینا باشد **بز** ابن سیرین گوید بز در خواب دیدن مردی بود بزرگ در طلب کار دنیا و ماده بز زن بود و هم دیدن ایشان و اگر بیند که
پوست بز را بکند دلیل کند که مال او را بستاند و بزمین کند و اگر بیند که از گوشت وی میخورد دلیل کند که مالی بخورد و اگر بیند که بر بزی نشست
و از هر جانبی میراند دلیل کند که با مردی بزرگ مکر و حیله کند و بهر جانب که خواهد او را میگرداند و اگر بیند که ماده بزی یافت دلیل کند
که زنی بخواهد کرمانی گوید اگر بیند که ماده بز را بدوشید دلیل کند که از زنی مال یابد و اگر بیند که بز را بکشت و گوشت او را بخورد دلیل
کند که از زنی حاجت او روا شود امام جعفر صادق ع فرماید بز در خواب مقدم لشکر بود و اگر بیند که بزی بیافت و بر وی نشست دلیل
کند که امیر و سپاه و مقدم لشکر شود و در خبر است از امیرالمومنین ع که گفت از پیغمبر ص شنیدم که فرمود هر که بز را در خواب بیند که بخورد
و بخانه برد دلیل کند که در دنیا چهل سال از وی جدا شود **بساط** بدانکه بساط در خواب دیدن درم و دینار باشد و هم گسترده اگر بیند که بساط
گسترد و بر وی نشست دلیل کند که روزی بر وی فراخ گردد و اگر بیند که پادشاهی بر وی بساط افکنده بود دلیل کند که کار دنیا بر وی
فراخ گردد و عیش در از شود جابر مغربی گوید اگر بیند که بساطی پاکیزه بود و بزرگ و فراخ بود دلیل کند که نعمت و مال وی
فراوان شود خاصه که گسترده بیند که بساط خویش بکسی بخشید دلیل کند که در مال او نقصان شود و اگر بیند که بساط
وی بسوخت دلیل کند که حالش بد شود امام جعفر صادق ع فرماید دیدن بساط در خواب بر شش وجه بود اول بخت دویم بزرگی دیگر عز و جاه
سیم مرتبت چهارم مال و نعمت پنجم عمر دراز ششم شمار بر مقدار بزرگی بساط و بدانکه هر چه بهای بساط بیشتر بود بهتر
بستر ابن سیرین گوید بستر در خواب زن بود اگر خداوند خواب بستر بیند نیک بود و بدان زن تعلق دارد و اگر بیند که بستری
بخرید و بستر را بدل کرد دلیل کند که زنی خواهد و زن نخستین را طلاق دهد و اگر بیند که بستر وی بجای دیگر شد دلیل کند که زن وی
از حالی بحال دیگر باز گردد و اگر بیند که بستر وی بر روی تختی مجهول گسترده بود و بر وی نشسته دلیل کند که بزرگی و منزلت یابد
و دشمنان را قهر کند جابر مغربی گوید بستر در خواب ولایت و تن آسانی بود و تخت نشستن بر فرش ...
و جمع ... و اگر بیند که بستر را از خانه بیرون انداخت و بجای دیگر آورد دلیل کند که در میان او و زن طلاق افتد
و اگر خویشتن را سه چهار بستر افکنده بیند دلیل کند که بشمار هر بستری زنی بخواهد یا کنیزکی بخرد و اگر بیند که بستر وی سوخته یا
دریده شد دلیل کند که اجل وی نزدیک شده باشد و اگر بیند که بستر وی ابریشمین بود دلیل کند که زنی خواهد که وی را دوست دارد

و اگر بیند

و اگر بیند که بستر خود را از جای بجای برد و بنهد دلیل کند که از زن جدا شود و اگر بیند که بستر از پشم بود دلیل کند که زن صالح گیرد و اگر
بیند که بستر وی سرخ و سفید بود یا زرد گشت دلیل کند که از گناه توبه کند و بیمار شود چنانکه بیم مرگ بود و اگر در بستر خواب خوش شد
دیده بود دلیل بر خاندان کند که حاصل کند ... و اگر بیند که بستری یافت دلیل کند که زنی بخواهد و بعضی گفته
اند که میراث بیابد و اگر بیند که بر بستر خوابیده بود دلیل کند که راحت تن آسانی بیند و اگر بیند که بستری داشت در هوا و بر روی
آب خفته بود دلیل کند که بسبب آن جاه و بزرگی یابد و اگر بیند که بستر وی دریده بود دلیل کند که زنش بیمار بود و بعضی گفته اند که زنش
بمیرد و اگر بیند که آتش در بستر وی بیفتاد دلیل کند که زن را طلاق دهد یا بمیرد امام جعفر صادق ع فرماید دیدن بستر در خواب بر هفت وجه
بود یکم زن دویم کنیزک سیم ولایت چهارم منفعت پنجم معیشت ششم تن آسانی **بستان افروز** ابن سیرین گوید بستان افروز
شادمانی بود و اگر بیند که بستان افروز برگرفت یا کسی بوی داد دلیل کند که خرم گردد و اگر بیند که خود بستان افروز میکاشت دلیل کند که
خرم گردد کرمانی گوید چون بستان افروز را بوقت خود بیند بهتری بود و بعضی معبران گفته اند که زر باشد از کان و جمال خوش ... و اگر بیند
که در جایگاه بستان افروز در خواب بود دلیل کند که وی را با بزرگی دوستی و مصاحبت افتد و اگر بیند که از زمین بر کند ...
خوب جدا شود **پشم** ابن سیرین گوید پشم در خواب دیدن از همه جهات مال حلال بود و اگر بیند که پشم داشت یا کسی بوی داد
بخرید دلیل کند که بمقدار آن مال حلال او را حاصل شود قوله تعالی و من اصوافها و اوبارها و اشعارها اثاثا و متاعا الی حین کرمانی گوید اگر
کسی بیند که پشم از خویشتن دور میکرد دلیل کند که مال خود را نفقه کند و اگر بیند که پشم را می سوخت دلیل کند که مال خود را ضایع کند و اگر
بیند که بر تن وی جامه پشمین بود دلیل کند که ... مال حاصل شود و اگر بیند که جامه ابریشمین بخرید یا بستری از پشم داشت
دلیل کند که زن ... جابر مغربی گوید اگر پشم شتر در خواب مال بود ... **پشه**
ابن سیرین گوید پشه در خواب مردی ضعیف ... و کاری ... اگر بیند که پشه ... دلیل کند که با مردی
جنگ و خصومت کند و اگر بیند که پشه بگلوی وی فرو شد دلیل کند که با مردی حقیر بکاری حقیر مشغول شود و از او اندک چیزی بدو رسد
و اگر بیند که پشه بسیار بر تن او جمع شدند و او را میگزیدند دلیل کند که در زبان عام افتد و او را از ایشان مضرت رسد و باشد که
او را زیان رسد زیرا که پشه خون مردم میمکد و اگر بیند که پشه در دماغ یا در دهان وی شد دلیل کند که از مردی ... رنج رسد
بط ابن سیرین گوید بط در خواب دیدن مال و نعمت باشد که بدان رسد بمقدار آنکه دیده باشد خاصه که در خانه یا ملک وی بود
باشد و اگر بیند که بط در سرای او گوشت ... دلیل کند که ... و اگر بیند که بط با وی سخن گفت دلیل کند که
... و اگر ... شود ... گوید بط در خواب ... بزرگ ... از اهل بیت ... و اگر بیند

که از اندام او چیزی یافت دلیل کند که بقدر آن از مردم که وی صفت گفته شد چیزی یابد امام جعفر صادق ع فرماید که بغل دیدن
در خواب مال بی‌رنج بود و بغل بسیار در خواب کنیزک باشد و اگر بیند که بغل را بکشت و از گوشت او بخورد دلیل کند که مال زن
بی‌رنج بستاند و هزینه کند **بغل** ابن سیرین گوید بغل در خواب دیدن دلیل کند بر حاجت و زشتی که بدو رسد و موی بغل دلیل کند
بر یافتن مراد و غالب و روشن شدن جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که از بغل وی بوی ناخوش می‌آمد دلیل کند که مال حلال یابد کرمانی
گوید اگر کسی بیند که دست در بغل داشت دلیل کند بر یافتن مراد و قهر کردن دشمن قوله تعالی و اضمم یدک الی جناحک تخرج بیضاء من غیر
سوء و بعضی از معبران گویند دلیل کند بر دوست داشتن مروت و جوانمردی و درویشی هر که بخواب بیند که در بغل وی نقصانی است
دلیل کند که نامرادی کشد و دشمن بر وی غالب شود و اگر بیند که از بغل وی بوی ناخوش می‌آمد دلیل کند که مال یابد اما بدشواری و اگر بیند
که از بغل وی عرق روان شد دلیل کند که بقدر آن عرق از مال وی چیزی نقصان شود **بقالی کردن** ابن سیرین گوید بقالی کردن در خواب
جهد کردن بود در کارها و چیزی حاصل کردن بجهت معیشت و اگر بیند که بقالی میکرد دلیل کند که بکار کسب دنیا مشغول شود و بیند چیزی
که از متاع دنیا حاصل کرده بود و منفعت یابد کرمانی گوید که اگر بیند که متاعهای بقالی را با زر و درم میفروخت دلیل بر غم و اندوه کند
امام جعفر صادق ع فرماید بقالی کردن در خواب بر سه وجه بود یکی کسب کردن دوم منفعت یافتن سیم غم و اندوه و چون بیند که
متاعهای بقالی را بسیم و زر میفروخت **پلاس** کرمانی گوید پلاس در خواب دیدن مردی درویش بود مصلح و دین دار و پارسا و اهل قول
با امانت اگر بیند که پلاسی پوشیده داشت دلیل کند که او را با چنین مردی صحبت افتد و از او خیر و منفعت آخرت بیند و اگر بیند که
پلاس بسیار داشت دلیل کند که مال و نعمت دنیا حاصل شود و بعضی از معبران گویند که پلاس مال حلال بود و اگر بخواب بیند که پلاس نو
داشت دلیل کند که زن نو یا کنیزک پارسا بخواهد و از او خیر و منفعت بیند **بلبل** کرمانی گوید بلبل در خواب فرزندی کوچک یا غلام و
کنیزک بود و آواز او در خواب کلام خوش و سخن لطیف باشد و اگر بیند که بلبل از دست وی بپرید دلیل کند که فرزند یا کنیزک ضایع شود
و اگر بیند که بلبل در دست وی بمرد دلیل کند که فرزند یا غلام وی بمیرد جابر مغربی گوید اگر بیند که بلبلان بسیار داشت دلیل کند که بقدر آن
غلامان بخرد و اگر بیند که بلبلی را بکشت و از گوشت وی بخورد دلیل که غلام وی بمیرد و مال وی میراث ببرد و حکایت کنند از ابو جعفر
که گفت روزی پیش محمد بن سیرین نشسته بودم مردی بیامد و گفت بخواب دیدم که از بلبلان دو بلبله آب بخوردم و آن دو بلبله را دو پر بود
آب شیرین خوش بخوردم و از یکی آب شور و تلخ ابن سیرین گفت ترا دو زن است و خواهر زن تو در نهان با تو بکار میداری بود و توبه کن از خدای
بترس آن شخص اقرار نمود و توبه نمود **بلغم** ابن سیرین گوید بلغم در خواب مالی باشد که وجه صلاح اعمال را نفقه کند اگر بخواب بیند
که بلغم بکار آورد چون انداخت دلیل بخلاف این باشد و اگر بیند که بلغم در دهان بجای ماند جنت دلیل کند که مال او بجهت نذر بجای آید

ابی این

برگ درخت ابن سیرین گوید که برگ درخت بخواب دیدن خلق و خوی بیننده باشد خاصه که به سلامت خود بیند اگر بیند که برگ
سبز از درخت فرا گرفت دلیل کند که بیننده خواب خوش خلق بود جابر مغربی گوید برگ درختان که میوه شیرین دارد در خواب خلق خوش بود
و برگ درختان که میوه ترش خوی بد باشد و برگ درختان که باد بچا دارد دلیل کند که درم و دینار بسیار یابد و بعضی معبران گویند
برگ درختی که میوه دارد دلیل کند بر درم و دینار **پلنگ** ابن سیرین گوید که پلنگ در خواب دشمنی قوی و توانا بود اگر بیند که با پلنگ
جنگ میکرد دلیل کند که با دشمن خود خصومت کند اگر بر پلنگ غلبه کرد خصم را غلبه کند و اگر خود غلبه شد بخلاف این باشد و اگر بیند
که شیر پلنگ میخورد دلیل کند که از دشمن ترسی بدو رسد و سرانجام از او ایمن شود و اگر بیند که پوست یا موی یا استخوان پلنگ فرا گرفت
یا کسی بوی داد دلیل کند که بقدر آن از مال دشمن چیزی یابد و اگر بیند که پلنگ در خواب بکشت دلیل کند که از اهل اسلام روی بگرداند و ویران
هیچ چیزی نباشد امام جعفر صادق ع فرماید که دیدن پلنگ در خواب بر سه وجه بود یکی دشمن قوی دوم مال یافتن از پادشاه سیم
بور هر آنکه بور در خواب بیند بی اصل بود و اگر بیند که بوری داشت یا کسی بوی داد دلیل کند که زنی بخواهد و اگر بیند که بور وی را بیع شد دلیل
کند که زن را طلاق دهد یا از وی غایب شود و اگر بیند که بور بسیار داشت دلیل کند که او را مال بسبب زنان حاصل شود جابر مغربی گوید اگر
کسی بیند که بور میفروخت دلیل کند که دلالی زنان کند که بی اصل باشد **پنبه** ابن سیرین گوید که پنبه در خواب مال حلال بود بقدر آنکه
دیده باشد امام جعفر صادق ع فرماید دیدن پنبه در خواب بر سه وجه بود یکی مال حلال دوم منفعت سیم ستر بود **پند دادن** ابن سیرین
گوید اگر بیند که مردی مصلح او را پند داد که در آن پند صلاح دین و رستگاری آخرت بود دلیل کند که بر بست تا که در آن چیز دین و دنیا
بود و اگر بخلاف این بود دلیل بر فساد و تباهی دین وی باشد جابر مغربی گوید پند دادن در خواب کسی را که مصلح او بود نیک باشد
و پند دهنده فرشته مقرب باشد که بشارت دهد صاحب خواب را و از عذاب حق تعالی رسته گرداند **بند آهنین** ابن سیرین گوید اگر
کسی بیند که بند آهنین در پای وی داشت دلیل کند که دین او محکم بود و او دعوی ستیزه کند بدروغ و مردی بخیل و افاده چیزی بکسی
و بعضی از معبران گویند چون مردی مصلح بر دست خود بند بیند دلیل کند که از کار دست بدارد و اگر بند دست از چوب بیند
از آنکه گفتیم کمتر و آسانتر بود کرمانی گوید اگر کسی بند در گردن خود بیند دلیل کند که او دست در گردن وی باشد و او امانت را
نیک دارد و اگر بند چوبین در پای خود بیند دلیل کند بر صلاح وی طاعت حق تعالی و اگر او در سفر بود بسلامت باز آید و اگر بیند که بند
گردنش از نسیم بود دلیل کند که رنج و محنتها بسبب زن باشد و اگر بیند که بندش از رسن بود دلیل کند که سبب رنج وی از جهت
کسب و معیشت دنیا باشد و اگر بیند که بند را بشکست چون حلق بود در دین خاصه که گوید بر راست باشد و اگر بیند که بند از
پای وی بشکست دلیل کند که از علاوه وی خلاص شود و اگر بر پای خود کند بیند دلیل کند که از کسی بوی منفعت رسد و بیا

با مردی منافق صحبت افتد و اگر کسی رسن بر پای خود بیند دلیل کند که از کسی او را منفعت رسد و دانیال ع فرماید اگر امیری بند بر
پای خویش بیند که از آهن بود دلیل کند که از ولایت خود معزول شود و اگر بیند که بر دو پا پیش بند نهاده بود دلیل کند که ولایت یابد
و اگر بیند که چهار بند بر پای وی بود دلیل کند که او را چهار پسر بود و اگر بیند که بند از پای او برداشته دلیل کند که از غم فرج یابد و اگر
امیری بیند که پای او در زنجیر دلیل کند که از ترس ایمن شود و در رستاق آن منفعت بیند و بعضی از معبران گویند که کار وی آسان شود
و اگر بیند که بند وی سیمین بود دلیل کند که زن به نکاح خود درآورد یا کار عاشق شود و اگر بیند که بند زرین بود دلیل کند که به سفر شود
یا بیمار گردد که عاقبت شفا یابد و اگر بیند که بند وی از رسن بود اگر مردی مصلح بود دلیل کند که زن خواهد و اگر مفسد باشد بجرم آن بیند
جابر مغربی گوید بند در خواب ثبات دین باشد بقول پیغمبر ع احب القید و اکره الغل القید ثبات فی الدین یعنی دوست دارم پای بند را
در خواب زیرا که پای بند پاینده کی باشد در دین امام جعفر صادق ع پای بند در خواب بر چهار وجه بود اول کفر دوم نفاق سیوم
بخل چهارم دست از معصیت داشتن و بعضی از معبران گفته اند غل در خواب دیدن بد است پادشاه ظالم را کوتاه کردن بود از
ظلم **بالغ شدن** ابن سیرین گوید که اگر بخواب بیند که بنده نابالغ بالغ شد دلیل کند که آزاد شود و اگر کسی بیند که بنده خود را آزاد   بنده در خواب
کرد دلیل کند که زن او از دنیا برود و اگر بنده بیند که خواجه او را فروخت دلیل کند که غلمان بستند کرد و اگر خواجه بیند که بنده او گریخت
دلیل کند که شاد شود **بنفشه** ابن سیرین گوید بنفشه در خواب دیدن بوقت خود بر درخت دلیل کند که از کنیزک یا از زن چیزی بوی رسد
یا او را فرزندی آید و اگر بنفشه را از درخت خویش جدا بیند دلیل کند که شوهر او را طلاق دهد و اگر بیند که کسی بنفشه بوی داد دلیل کند
که میان ایشان مفارقت افتد جابر مغربی گوید که درخت بنفشه در خواب کنیزک بدخوی و ناساز کار **بنیاد کردن** ابن سیرین گوید اگر
کسی در خواب بیند که بنیاد نو نهاد فایده دنیوی یابد و حرام و حلال را بقدر آنچه دیده باشد و اگر بیند که بنیاد وی در ملک خود نهاد دلیل
کند که فایده از حلال بیند اگر کسی بیند که بنیاد از گچ و آجر نهاد دلیل کند که مال او از حرام حاصل شده باشد و اگر بیند که بنیاد از خشت
خام و گل نهاد دلیل کند که او را مال حلال حاصل شود و اگر بیند که بنیاد وی از خشت خام در هوا نهاد و عمارت شد دلیل کند که [illegible]
در کار دین و اگر بیند که بنیاد از سنگ و آهک نهاد دلیل کند که در علم و کارهای دنیا مشغول گشته باشد و اگر بیند که خواب بنا شده و گرد
[illegible] دلیل کند که منفعت یابد و اگر بنیاد او بود از خشت پخته بر آورد دلیل کند که از پادشاه منفعت یابد و اگر بنیاد از خشت پخته
و گل بر آورد دلیل کند که منفعت او به مردم عام رسد امام جعفر صادق ع فرماید اگر کسی بیند که شهری بنا کرد دلیل کند که جماعت از مردمان در پناه
خود گیرد و اگر بیند که قلعه بنا کرد دلیل کند که از شر دشمنان ایمن گردد و اگر بیند که کوشکی بنا کرد دلیل کند که بکاری مشغول گردد و اگر
بیند که اساس بنیاد کرد دلیل کند که نعمت او [illegible] بیند که خانه کرد در آنجا بنشیند و اگر بیند که مسجدی بنا کرد دلیل کند که قومی را بکار خیر

اصلح

و سلاح جمع آورد و اگر بیند که مناره بنا کرد دلیل کند که نام وی بجزات منتشر گردد و اگر بیند که باغی بنا کرد دلیل کند که زنی از اقربا
بخواهد و اگر بیند که مزاری بنا کرد دلیل کند که بشغل آخرت مشغول گردد **پنیر** ابن سیرین گوید پنیر در خواب دیدن اگر خشک شده باشد
اندک بود که در سفر حاصل شود و پنیر تر مال بسیار بود که به رفاه خود بدست آورد و جابر مغربی گوید که پنیر تر مال بسیار باشد و خشک که با سختی
بدست آید و پنیر خشک سفری بود با اندک منفعت اگر کسی بخواب بیند که نان و پنیر بخورد دلیل کند که او را در سفر مالی حاصل شود
اندک با غم و اندوه و بعضی از معبران گویند که علتی به وی رسد لیکن از آن علت زود خلاص یابد **آدم** ع دیدن آدم ع را در وقت بیرون آمدن
از بهشت بیرون آمدن ابلیس ملعون سبب کرد با غم و اندوه و رنج زیرا که سفر آدم از بهشت به دنیا بود با چندین غم و اندوه که بوی رسید
و آنکه علم بوی به فرزند کرده اند بدان معنی گفته که چون آدم ع به دنیا آمد از آن بگریست و از خوردن آن منع کرده بود بسیار پشیمان شد
چندان فرزندان از وی در وجود آمدند و آنکه گفته اند مهتری بزرگ و خیر و منفعت بیند [illegible] گویند در خواب بهاری بود
خاصه که در وقت خود بیند هر چند که سبزتر و تر باشد بهاری بهتر باشد امام جعفر صادق ع فرماید دیدن بهار در خواب چون بوقت خود
باشد و دیگر سبز باشد بهتر دلیل فرزند بود و چون نه بوقت خود بیند دیگر زرد باشد بیماری باشد **بهار** ابن سیرین گوید بهار در وقت
خود پادشاه بود و اگر بخواب بیند که فصل بهار بود دلیل کند که اگر هوا سرد بود مردم مضرت یابند از پادشاه و اگر هوا معتدل
بود چنانکه خوش گشته باشد از گل و شکوفه مردم را هیچ رنج و مضرت نبود و اگر فصل بهار را بوقت خود با اعتدال بیند دلیل بر عدل
کند که پادشاه و مردم عامه را از پادشاه مضرت رسد و عدل او انصاف زیاده کند و تاویل فصلها نیز همین تعبیر دارد **بهشت**
ابن سیرین گوید بهشت در خواب دیدن دلیل بر خرمی و مژده باشد از علم و عطا و حج با سلام ایمن و اگر بیند که از میوهای بهشت فرا گرفت
با کسی داد و بخورد دلیل کند که علم و دانش حاصل کند و اگر بیند که با حوران بهشت بود دلیل کند که زن خیر بروی آسان شود و اگر بیند که در
بهشت مقیم شد دلیل کند که در دنیا با عفت و اقبال بود و بوقت بهشت و اگر بیند که فرشتگان دست بروی برگرفتند که در بهشت برد
و او برفت دلیل کند که کار دین درست دارد و اگر بیند که در بهشت از زیر درخت طوبی نشست دلیل کند که مراد دو جهانی یابد بقوله تعالی
طوبی لهم و حسن مآب و اگر بیند که او را از خوردن شراب و شیر در بهشت منع میکردند دلیل کند که در دین وی خللی باشد لقوله تعالی [illegible]
فقد حرم الله علیه الجنة و اگر بیند که از میوهای بهشت کسی میخورد دلیل کند که از علم بهره یابد و اگر بیند که در بهشت آتش افروخت
دلیل کند که از باغ کسی حرام خورد و اگر بیند که از حوض کوثر آب بخورد دلیل کند که بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که کوشکی از کوشکهای بهشت
بوی دادند دلیل کند که ولایتی یابد یا کنیزکی بزنی بخواهد جابر مغربی گوید که اگر کسی در خواب بیند که رضوان در بر روی خرم و شادان
بود دلیل کند که از کسی خرم و شادمان شود و نعمت یابد و اگر بیند که بسوی بهشت میرفت دلیل کند که در راه حق پیوسته باشد علم

باب در خواب [illegible]

صادق فرماید که دیدن بهشت در خواب بر ده وجه بود یکی علم دوم زهد سیم منت چهارم شادی پنجم بشارت ششم ایمنی هفتم
جزو برکت هشتم منفعت نهم سعادت و اگر بخواب بیند که در بهشت بود دلیل بر مراد و دولت باشد و بدست او خیرات رود و اما چون مستمع
بود دلیل بر بیماری بود و پادشاه که بخواب بیند چنانکه ثواب اهل بهشت بود عالم گردد و مردمان از علم او منفعت یابند **بوریا** ابن سیرین
گوید اگر کسی بخواب بیند که بوریا بیافت دلیل کند که مردی سفله و خسیس باشد و نیز دلیل کند که زن کند او بی اصل ضعیف حال و از مردم
یابد و اگر بیند که بوریا بافت دلیل کند که شغل خود را تمام کند و اگر بیند که بوریا در خانه بیافت دلیل کند بر آنکه خدای تعالی او را بکار مشغول
جابر مغربی گوید اگر بیند که بوریا داشت یا کسی بوی داد دلیل کند که از زن وی را منفعت رسد بعضی بزرگان گویند بوریا امام جعفر صادق
فرماید دیدن بوریا در خواب بر سه وجه باشد یکی منفعت بسیار دوم خواستن زن سیم کدخدای خانه که مشغول شود **بوزینه** ابن
سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند که بر بوزینه نشسته بود و آن دشمن بوزینه مطیع وی بود دلیل کند که بر دشمن غالب شود و اگر بیند که
با بوزینه جنگ و جدل میکرد و بروی ظفر شد دلیل کند که بیمار گردد و بعد از آن شفا یابد یا عیبی بر تن او فرود آید کرمانی گوید اگر بیند که
بوزینه را بکشت دلیل کند که دشمن را قهر کند و اگر بیند که از گوشت او بخورد دلیل کند که بر رنجی و حبسی گرفتار شود و اگر بیند که کسی
بوزینه بوی بخشید دلیل کند که آنکس دشمنی خود را بر این کس ظاهر کند جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که بوزینه را بکشت دلیل کند که بیمار شود
و اندک روز شفا یابد و اگر بیند که بوزینه بر بستر نشسته بود دلیل کند که جهودی با زن وی فساد کند و بوزینه بمردم معرفت فریبنده بود
و بوزینه ماده زنی معروف جادو گر بود و اگر بیند که بوزینه بخانه وی در آمد دلیل کند که در آن خانه زنی او را جادو کند و اگر بیند که بوزینه
گشت دلیل کند که از زن او وی زیان در درازی کند و اگر بیند که بوزینه برا بگزید دلیل کند که بیمار شود و یا در خیال او دشنام شنود
و اگر بیند که بوزینه او را چیزی داد و آنرا بخورد دلیل کند که مال خویش بر بهانه پیت خود در زینه کند **پوست** و امام جعفر صادق فرماید که پوست
تن مردم از ریش و کدخدای خانه باشد ابن سیرین گوید که پوست تن مردم خیر و برکت باشد و مال اگر کسی پوست تن خویش
کبود و سیاه دید دلیل کند که غم و اندوه و بدی بوی رسد و اگر بیند که پوست او پیش بود دلیل کند که کار او ساخته شود کرمانی گوید دیدن پوست
جلد چهارپایان بخواب مال و خواسته بود و پوست گوسفند میراث بود از مردی بزرگ که بوی رسد و پوست گوسفند روزی بود و اگر پوست
درخت سبز بیند دلیل کند که مردی برقوم ... بود و اگر بیند که پوست او سرخ بود دلیل کند که از آنکس که بدو منسوب بود تا بسته
و اگر بیند که سر او بشکافت و از پوست بیرون آمد دلیل کند که اگر آنکس حاجتی باشد در سرای وی بر آورده شود و اگر معلم بود برکار او
ستم کند جابر مغربی گوید اگر بخواب بیند که پوست حیوان کرد گرد دلیل کند که آنکس شغلهای نکو چیزهای تباه شده را
بصلاح آورد و از جهت پادشاهی میانجی کند چون ایران و بزرگان لشکر پادشاه کارهای بسیار **پوستین** ابن سیرین

گوید اگر کسی بیند که پوستین پوشیده باشد و در وقت زمستان بوده باشد دلیل کند که چیزی بوی رسد که وجه معیشت او باشد و اگر بوقت تابستان
بوده بود همین دلیل کند لیکن سرانجام رنج و غم شود کرمانی گوید اگر کسی بیند که پوستین برهنه داشت با پیرغاله دلیل کند که زن او را از او بگریزد
مال یابد و اگر بیند که پوستین سمور پوشیده است دلیل کند که زن او توانگر بود و اگر بیند که پوستین روباه و گرگ پوشیده است دلیل
کند که زن او توانگر و فریبنده و حیله گر باشد و اگر بیند که پوستین سنجاب پوشیده است دلیل کند که زن بی حرمتی ناسازگار
بخواهد و اگر بیند که پوستین کرته پوشیده است دلیل کند که زن بی حرمتی بخواهد که در ره و پیدا یافت و امانت باشد **بوسه**
ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند که کسی را بوسه میداد دلیل کند که آنکس را دوست دارد و خواستگار شود و اگر آنکس مجهول بود دلیل کند که از
جای که طمع ندارد چیز و نعمت بدو رسد و اگر معروف را بیند که وی را بوسه داد دلیل است که از آنکس منفعت بیند و اگر بیند که مرده را
بشهوت بوسه میداد دلیل کند که از نهبان مرده چیزی کند یا بدعای خیر یاد کند و اگر بیند که مردی را بوسه میداد و دلیل کند که از مال او
یا از علم او چیزی بوی رسد و اگر بیند که زن او را بوسه میداد دلیل کند که خواستگار وی باشد و اگر بیند مراد و مقصود یابد امام جعفر
صادق فرماید که بوسه دادن در خواب دیدن بر چهار وجه کند یکی خیر دوم حاجت روا کند سیم بر دشمن ظفر یافتن چهارم سخن
خوش شنیدن **بوق زدن** ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند که بوق میزد دلیل کند که مردم را از سر خود آگاه کند و اگر بیند که در میان
حصاران سوگند را بدروغ راست یاد کند و عاقبت ظاهر شود که آن دروغ بود امام جعفر صادق فرماید بوق زدن در خواب بر چهار وجه
بود یکی خبر کردن دوم سخن دروغ سیم ظاهر شدن راز چهارم معصیت **پل ساختن** ابن سیرین گوید پل ساختن در خواب
پادشاه بود یا مردی بزرگ که مردمان بسبب آن بمراد برسند کرمانی گوید پل در تاویل نیکونه بود و اگر بیند که معماری پل میساخت و عمارت
کرد دلیل کند که ولایت و پادشاهی یابد و مال بسیار و بر اجماع شود و قوله تعالی والقناطیر المقنطرة من الذهب امام جعفر صادق فرماید
پل ساختن در خواب بر چهار وجه بود یکی مردی که همه مردمان را بکار آید دوم حاجت هر کس را روا کند سیم پادشاه نیکو کار
چهارم یافتن مال بسیار حاصل کردن است و اگر بیند که پل بشکست و خراب شد دلیل کند بر تباهی حال پادشاه و نقصان مملکت
او **بوم** بخواب دیدن مال بسیار حاصل کردن است و مردی پاک و جاکند در مردم او نزدیک بهر چیزی خصومت کند
و اگر بیند که با بوم جنگ میکرد دلیل کند که با مردی او را جنگ و خصومت افتد و بهر حال دیدن بوم مبارک نباشد جابر مغربی گوید اگر
بخواب بیند که بوم داشت یا کسی بوی داد دلیل کند که دزد وی را قهر کند و اگر بیند که گوشت بوم بخورد دلیل کند که از مال مردم دزدیده
آن گوشت او را روزی شود و اگر بیند که بچه بوم داشت دلیل کند که او را غلام کوچک دزد و یا شاگردی دزد حاصل شود **بوی خوش**
و ناخوش ابن سیرین گوید که بوی های خوش و ناخوش در خواب ثنای نیک و مدح و سخن ناصواب بود و اگر بیند که در خواب بوی های

خوش بسیار شود دلیل کند که او را نکوهش کنند و اگر در خواب بوی خوش بسیار شنود دلیل کند بر کسی یا که مرده از بوی خوش بهبود

اگر بر بود کرمانی گوید اگر کسی در خواب بیند که وی را خوش بوی کردند دلیل کند که او را بستایند و ثنا گویند و اگر بخلاف این بیند دلیل کند

او را نکوهش کنند و عیب گویند **پل** ابن سیرین گوید پل در خواب جمع کردن کار دنیا بود اگر بیند که پل بر انجام وی خلل رسیده دلیل

کند که دوستی از وی غایب شود یا از دنیا رحلت کند کرمانی گوید که پهنای پل دلیل بر فراخی کند و اگر بیند که پهنای پل

قوی و درشت بود دلیل کند که خویشان و اهل بیت وی بد حال شوند **بیابان** دانیال ع فرماید بیابان در خواب تعبیرش [illegible]

بود چنانکه بیند کسی در فراخی بیابان و اگر بیند که در بیابان تنها بود دلیل کند که از کسب خویش مال حلال فراوان حاصل کند و اگر بیند که از کوهی

در بیابان بگذشت دلیل کند که مال و منفعت بسیار در سفر حاصل کند و روزی بر وی فراخ شود ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که از بیابان بیرون

آمد دلیل کند که از غم و اندوه رسته گردد و اگر بیند که در بیابان باشد که غمگین شود امام جعفر صادق ع فرماید دیدن بیابان در خواب بر چهار وجه

بود یکی روزی و قسمت دوم حیرت سیم عنا و رنج چهارم هم و فکر که از وی زود بیرون آید **پیاز** کرمانی گوید پیاز در خواب

مال حرام باشد و گفته‌اند خوش و زشت و اگر بیند که در خواب صلح و مستور بود و بجهد خورد از خوردن آن غم کند و اگر پخته بود دلیل کند که

مال حرام جمع کند و پیوسته در وی سخنان زشت گویند خاصه چون پیاز خام باشد و اگر پیاز خام و پخته بود دلیل کند که سرانجام از

خوردن حرام توبه کند امام جعفر صادق ع فرماید دیدن پیاز در خواب بر سه وجه بود یکی مال حرام دوم [illegible] سیم پشیمانی در کارها

پیاله ابن سیرین گوید پیاله در خواب کنیزک بود که با وی عشرت و طرب کند و اگر بیند که در پیاله آب یا جلاب بخورد دلیل کند

با کنیزک بحلال جمع شود و از وی فرزند صالح پیدا اگر بیند که آن جلاب یا آن آب از پیاله بریخت دلیل کند که فرزند وی بمیرد و اگر بیند

که از پیاله چیزی که مستی آرد خورد دلیل کند که فرزندان و عقبای او [illegible] **پیراهن** دانیال ع فرماید پیراهن دیدن در خواب [illegible]

و بعضی از معبران گویند که پیراهن زن باشد ابن سیرین گوید پیراهن مرد دلیل بر حال و کار او باشد و کسب و معیشت اگر بیند که پیراهن نو و فراخ

پوشیده بود دلیل کند که کار وی بصلاح و مدعا شود و اگر بیند که پاره از پیراهن وی دریده بود و یا سوخته [illegible]

و اگر بیند که پیراهن وی کهن بود دلیل کند بر درویشی و بیچارگی و غم و اندوه که بوی رسد و هر چند که پیراهن کهنه‌تر بیند رنج و اندوه بیشتر

بیند و کسی که عفت وی آشکار بود [illegible] و اگر بیند که پادشاه پیراهن خود بدو داد و در پوشید دلیل کند

که پادشاهی از وی بستانند کرمانی گوید اگر کسی بیند که پیراهن چرکین داشت دلیل کند که بلا [illegible] گوید اگر کسی بیند که پیراهن

نو و فراخ پوشیده است دلیل کند که عیش بر وی فراخ شود و اگر بیند که پیراهن تنگ بود دلیل کند که عیش بر وی تنگ شود و اگر بیند که

پیراهن وی دریده بود دلیل کند که راز وی فاش شود و اگر بیند که پیراهن وی یک آستین نداشت [illegible] دلیل کند که عیش نزدیک

رسیده باشد و اگر بیند که پیراهن دراز داشت دلیل کند که کارش [illegible] بر باید و اگر بیند که گریبان پیراهن از پس دریده دلیل بود که

او را بدروغ تهمت نهند و دلیل این کلام قصه یوسف ع بود و اگر بیند که پیراهن بکسی داد و آن کس پیراهن بدو داد دلیل کند که [illegible] شود و او را

جاه و ریاست رسد قوله تعالی اذهبوا بقمیصی هذا فالقوه علی وجه ابی یات بصیرا و اگر بیند که پیراهن خون آلود در دست داشت دلیل کند که در کار

غم و اندوه بر او بماند و اگر بیند که پیراهن دریده پوشیده است دلیل کند که کارش پراکنده شود و رازش آشکار شود امام جعفر صادق ع

فرماید دیدن پیراهن نو و فراخ در خواب بر شش وجه بود یکی دین مردم باشد دوم کسب سیم عیش خوش چهارم ریاست پنجم زن

و فرزند ششم بشارت **بیت المعمور** خانه ایست در آسمان چهارم برابر کعبه و آن حج گاه فرشتگان باشد ابن سیرین گوید اگر

کسی بیند که در بیت المعمور بود دلیل کند که در میان مردم با امانت و علم ظاهر گردد و حج کند و از شر دشمنان ایمن گردد و اگر بیت المعمور را

بر زمین بیند دلیل کند که پادشاهی عالم عادل پیوسته گردد و اگر بیند که در بیت المعمور خانه ساخت و در آنجا خوابید دلیل بود که اجل وی

نزدیک آمده باشد و اگر بیند که بر آسمان بیت المعمور طواف میکرد همین معنی دارد و بر رحلت او از دنیا و اگر بیت المعمور را برابر مسجد بیند

و در وی نماز کند دلیل کند که همه حاجات وی برآید کرمانی گوید اگر کسی بیند که از زمین تا بیت المعمور راه ساخته بود دلیل کند که مرد

[illegible] حج [illegible] و اگر بیت المعمور را آراسته بیند و بیند که فرشتگان برای طواف میکنند دلیل کند که کار دعا و اهل دین بنظام

شود و خود جاه بیند **پیرایه** ابن سیرین گوید پیرایه زنان دلیل بر مال و زینت کند کرمانی گوید اگر بیند که پیرایه‌ای آراسته بود و بجواهر

پوشیده دلیل کند که بقدر آن او را از مال حلال حاصل شود و اگر بیند که پیرایه ضایع شد دلیل کند که او را غم و اندوه رسد و اگر مردی [illegible]

که پیرایه زنان داشت دلیل کند که غمگین شود **پیروزه** ابن سیرین گوید پیروزه در خواب دیدن ظفر و روا شدن حاجت باشد و اگر بیند که [illegible]

بخود [illegible] داشت دلیل کند که بقدر آن مال یابد و بزرگی و نشان یابد امام جعفر صادق ع فرماید که دیدن پیروزه در خواب بر چهار وجه بود

یکی ظفر دوم نصرت دوم حاجت روا سیم قوت چهارم ولایت **پیر شدن** ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند که پیر شده و محاسن

وی سپید شده دلیل کند که عزت و بزرگی یابد و اگر پیری مجهول را که خرم و گشاده روی بود دلیل کند که از دوستی [illegible] بر آید و از غم

رسته گردد و اگر پیری امرد و بد را بیند که خرم و گشاده تا بود دلیل کند که از دشمن چیزی بوی رسد و اگر او را غمگین و ترش روی بیند [illegible]

این بود [illegible] گوید اگر پیری بیند که جوان شده دلیل کند که عز و جاه و بزرگی یابد و بکار آخرت مشغول شود **پیسی** در خواب مال

[illegible] بود ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که تن وی پیس شده دلیل کند که بقدر آن وی را مال حاصل شود و بعضی از معبران گویند پیسی در خواب

میراث بود امام جعفر صادق ع فرماید دیدن پیسی در خواب بر پنج وجه باشد یکی مال دوم میراث سیم نعمت چهارم [illegible] پنجم

کارهای مشغول [illegible] گوید اگر کسی بیند که با مردی پیس [illegible] دوستی و صحبت دارد [illegible] دلیل کند که او را منفعت [illegible]

واگر ان مرد مفسد بود دلیل کند که او را از حرام منفعت باشد **پشت** ابن سیرین گوید پشت در خواب قدر و جاه مردم باشد زیرا که
موضع سجده با رحمت است و بعضی گویند پشت دلیل بر فرزند باشد که از اهل پشت او قوت گیرد و اگر بیند که بر پشت وی شانه بود دلیل کند
که خداوندش پاکدینی و پرهیزکاری مشهور شود و اگر بیند که کسی زخم بر پشت او زد و خون از پشت وی روان شد دلیل کند که قرض او ادا
شود و اگر بیند که پشت وی کوچک شد دلیل کند بخلاف این و اگر بیند که پشت وی بگشت احوال خود دلیل کند که زنان با وی بد و اگر بیند
که بر پشت او موی رسته دلیل کند که قرض دار شود و اگر بیند که انوی کاسه سخت یا سفید بود دلیل کند که وامش در جهت عیال بود و اگر بیند که پشت وی
آماس گرفت دلیل کند که مال او زیادت شود و اگر بیند که پشت وی را مار یا کژدم گزید دلیل کند که بعضی اقربا از دشمنان الم بوی رسد
جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که بر پشت یا کجشم داشت دلیل کند که بکار که خدای خوشش بود ارکرد و اگر بیند که بر پشت چیزها بسیار داشت
همین دلیل کند که او را مصیح حرمت داری تمام بود و اگر بیند که بر پشت وی جغلی سبز کشیده دلیل کند که او را فرزندی آید عالم و اگر بیند
که بر پشت وی آیه رحمت نوشته دلیل کند که حاجت او محمود شود و مرگ او بر شهادت بود و اگر بیند که بر پشت وی آیه عذاب نوشته بود
بخلاف این بود امام جعفر صادق ع فرماید دیدن پشت در خواب بر شش وجه است اول یاری دوم قوت سیوم بزرگی چهارم پیری پنجم
ریاست ششم جاه و نیکونامی **پیش گرفتن** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که بر کاری پیش گرفت دلیل کند که در آخرت رستگار
شود و اگر کسی بیند که در کار دنیا پیش گرفت دلیل کند که مال و نعمت یابد امام جعفر صادق ع فرماید پیش گرفتن در کارها خیر و صلاح دین و
صلاح دو جهان کند و اگر بیند که پیش گرفت بر کارهای شر و فساد دو جهان **پشه** ابن سیرین گوید اگر بیند که او را پشه در جنان شد
و آن پشه سبز بود و در وی درختان میوه دار بود خاصه که از آن میوه بخورد دلیل کند که زن خواهد که اصل وی نیک باشد یا کنیزک که
بیابان پرورده شده باشد و از آن زن وی را خیر و منفعت رسد و اگر ان پشه از میوه خالی بود دلیل کند بر شر و مضرت و اگر در ان پشه خار بسیار
داور اگزند رسید دلیل کند که او را از جهت زنان غم و اندوه رسد امام جعفر صادق ع دیدن پشه در خواب بر چهار وجه بود یکی زن پارسا
دوم کنیزک سیم منفعت اندک چهارم غم و اندوه **بیع** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که قرآن بفروخت دلیل کند که دین را بدنیا فروخت
خوار و حقیر بود و اگر بیند که بنده خویش را بفروخت دلیل کند که کار بر وی تنگ آید و بسیار شود که از او گوید هر چیزی که در این اثر بود فروختن
بد باشد و خریدن نیکو **پیکان** پیکان در خواب دیدن مردی بزرگ بود ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که پیکان یافت یا کسی بوی
بخشید دلیل کند که وجه درستی کاری بود که بدو رسد خاصه که دیدن پیکان در خواب قوت بود و کسی که بیند در خواب با خصم گوید
خاصه که پیکان با او روشن بود و اگر شکسته یا زنگار گرفته بیند دلیلش بخلاف این باشد **پیکر** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که او را پیکری
دلیل کند که او زن خواهد و اگر بیند که پیکری بخرید دلیل کند که کنیزکی بخرد و اگر بیند که پیکر او ضایع شد یا از دست وی بشد او پلشت

دلیل

دلیل کند که زن را طلاق دهد یا بمیرد و اگر پیکر چهره خود را عیب ناک دید دلیل کند که احوالش بگردد و بر آن حالتی که دیده باشد گرفتار
گوید اگر پیکر خود را بصورت زشتی بیند دلیل کند که حال وی متغیر شود و اگر بیند که از حال و صورت خود بگشت دلیل کند که توبه کند و اگر پیکر
خویش را با شکوه بیند دلیل کند که همه کس روی از وی بگردانند و بر وی جفا کنند جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که پیکر آدمی یا پیکر حیوانات
بکرد دلیل کند که بد مذهب و دروغ گوی شود یا در صفات خدای تعالی چیزی گوید و اگر بیند که پیکر چیزی بگوید که از آن جنس بود بخت دلیل
کند که بیننده را کار صعب پیش آید و در آن متحیر باشد و صورت پیکر در خواب دیدن مردی بود که بر خدای تعالی دروغ گوید **پیل**
ابن سیرین گوید معبران گویند که فرق نیست هیچ روی در میان خواب روز و خواب شب الا در پیل اگر کسی شب بیند که بر پیلی نشسته است
دلیل کند که زن خواهد یا کاری بزرگ بر دست وی برآید و اگر این خواب را روز بیند دلیل کند که زن را طلاق دهد یا زنش از دنیا برود و اگر بیند
که پیلی را بکشت دلیل کند که پادشاهی بر دست او کشته شود و اگر بیند که پیل پای بر سر وی نهاد دلیل کند که هلاک نزدیک شود
و هلاکش بر گردد و اگر بیند که بر پیل نشسته بود و آن پیل او را مسخر داشت دلیل کند که از خدمت پادشاه خیر و نعمت یابد و اگر بیند
کرمانی گوید اگر کسی بیند که بر پیل نشسته بود دلیل کند که پادشاه عجم شود و اگر پیل سلاح داشت پادشاه را قهر کند و اگر بیند که از گوشت
پیل بخورد دلیل کند که بقدر آن گوشت از پادشاه عجم مال یابد و اگر بیند که از استخوان یا پوست وی چیزی یا خود داشت همین دلیل
کند و اگر بیند که بهنگام رزم بر پیل نشسته بود دلیل کند که دشمنی بزرگ را قهر کند و بر این قول قصه اصحاب پیل را دلیل آورده اند و اگر
بیند که از پشت پیل بیفتاد دلیل کند که در بلا و سختی افتد و اگر بیند که پیل در میان جنگ بیفتاد و بمرد دلیل کند که پادشاه آنجا
بمیرد جابر مغربی گوید اگر بیند که از بهر تماشا بر پیل نشسته بود دلیل کند که زن عجمی بنکاح خود در آورد و از آن بروی قادر شود و اگر
بخلاف این بیند بر زن قادر نشود و اگر بیند که پیلی سلاح پوشیده بود و در شهری یا لشکری در رفت دلیل کند که هلاکت آن دیار از
پادشاهی بدست پادشاهی دیگر افتد و اگر بیند که پیل برهنه بود دلیل کند که ان بزرگ عجمی را قهر کند و اگر بیند که پیل او را در زیر پای
افکند که او را هلاک کند دلیل کند که پادشاه آن شهر بروی ستم کند امام جعفر صادق ع فرماید دیدن پیل در خواب بر شش وجه است
یکی پادشاه عجمی دوم مرد معلم سیم مرد مکار چهارم مرد با قوت و هیبت پنجم مرد حسود ششم کاری خوب **پیل گوش** گیاهی است
که برگ بزرگ پهن دارد و آن را شکوفه زرد است دیدن او در خواب نیکو باشد خاصه در پای اصل اگر کسی بخواب بیند که
پیل گوش داشت یا کسی بوی داد دلیل کند که با چنین زن صحبت افتد **بیل** ابن سیرین گوید بیل در خواب کاری
بود که برنج و عنا حاصل شود و اگر کسی بیند که بیل داشت و با او کار میکند دلیل بود که کار تمام شود و اگر آن بیل کار نکند دلیل
کند که آن کار تمام نشود **بیماری** ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند که بیمار است دلیل کند که این مرد منافق بود و کشتار

بنفاق با مردم باشد و بعضی گویند که در آن سال بمیرد و اگر بیماری بخواب بیند که تن درست شده بود و در خانه خود بخود و با کسی سخن نگفت
دلیل کند که بیماری بر وی دراز گردد و باشد که بمیرد و اما اگر بیند که با مردمان مجالست میکرد و سخن میگفت دلیل کند که زود از بیماری شفا
یابد کرمانی گوید اگر بیند که بیمار و برهنه بود دلیل کند که زود بمیرد و معبران گویند بیماری در خواب دلیل بر فسق و فجور کند و غم و اندوه باشد
از قبل سلطان یا از قبل عیال جابر مغربی گوید بیماری بهای گوناگون در خواب دلیل بود بر گزارش دین و ضعیفی و سستی امام جعفر صادق ع فرماید
اگر کسی بخواب بیند که بیمار بود و از علت خویش بنالید دلیل کند که بقضای حق تعالی راضی نباشد و بقول دیگران آنست که اگر بخواب بیند که بیمار
بود و از علت خویش ننالید دلیل کند که از غم ایمن باشد و اگر از بیماری جان بدهد و راضی و شاکر بود تاویلش نیکو و صحت باشد و اگر بیند که بیمار
و برهنه بود دلیل کند که اجلش نزدیک آمده باشد و الله اعلم [illegible] کلام اول **پیمانه** ابن سیرین گوید که پیمانه در خواب نظام
کار و انصاف و راستی باشد با مردمان خاصه که چون پیمانه راست باشد و اگر بیند که پیمانه شکسته یا بسوخت دلیل کند که [illegible]
هم مرگ بود کرمانی گوید اگر بیند که به پیمانه چیزی می پیمود اگر اهل علم بود دلیل کند که قاضی گردد و اگر از اهل علم نباشد دلیل کند که [illegible]
بقاضی محتاج گردد و بقولی اگر پیمانه در خواب بدی بود و راست گوید سنت که او مردمان دهد **بینی** دانیال فرماید که بینی در خواب دلیل
بر جاه و منزلت بیننده بود و هر زیاده و نقصان که در وی بیند قدر و جاه و منزلت باشد و اگر بیند که بینی وی کوتاه شده بود دلیل کند بر نقصان
منزلت او و اگر بیند که بینی او فراخ بود دلیل کند که از جاه و منزلت بیفتد و اگر بیند که سوراخ بینی های فراخ شده بود دلیل کند که [illegible]
بروی تنگ شود و ابن سیرین گوید اگر بیند که مغز از بینی وی بیرون آمد دلیل کند که از مهتری منفعت یابد و اگر بیند که جانوری از بینی وی
بیرون آمد چون کرم و مگس و مانند این دلیل کند که او را فرزندی آید و اگر بیند که در بینی وی سوراخی است و [illegible] دلیل کند که
مردمان را تواضع کند یا بار نهد بزرگ جمع شود و [illegible] مال و نعمت یابد و اگر بیند که سر بینی وی بسته بود چنانکه دم نتوانست زد دلیل کند
که کار بروی بسته [illegible] و اگر بیند که سخن به بینی میگوید دلیل کند که [illegible] زایل گردد و اگر بیند که پوست سر بینی وی رفته بود دلیل کند که
او را رنجی افتد کرمانی گوید اگر کسی معبر را گوید که بخواب دیدم که از دو بینی من خون می آمد تاویلش آنست که مال بسیار یابد و اگر گوید که
که خون از بینی من چکید دلیل کند که مالش برود که سایل چون سخن گوید معبر بلفظ او تعبیر کند و حدیث [illegible] نگاه دارد و اگر کسی بیند
که هر دو سوراخ بینی او یکی شده بود دلیل کند که مالش برود که سایل چون سخن گوید [illegible] اگر بیند که سر بینی او بریده بود دلیل کند که [illegible]
خسته کند و بعضی گفته اند که [illegible] جاه و منزلت او نقصان افتد جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که چیزی [illegible] از بینی او [illegible] خشم [illegible]
و اگر بیند که از بینی او خون می آید چنانکه جامه تن وی خون آلود شده بود دلیل کند که مال حرام بوی رسد و اگر بیند که خون سیاه و اندک از بینی
وی بچکید دلیل که او را فرزند در شکم مادر بیفتد و بقول معبران [illegible] ریش شود و اگر بیند که خون از بینی وی آمد و جامه خون آلود گشت

دلیل

دلیل کند که او را فرزندی از شکم مادر بیفتد و بقول بعضی از معبران فرزندی از خانه بیرون کنند یا بایشان گزند رساند و اگر
بیند که بینی وی بر زمین افتاد دلیل کند که او را دختری آید و اگر بیند که بینی خود را می شست دلیل کند که مردی زن او را [illegible] و اگر بیند
که مرغی از بینی وی بیرون آمد دلیل کند که چارپای کره دارد و بچه آورد و بقول بعضی از معبران خون آمدن از بینی مال بود که از پادشاه بفرزند
رسد اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که بینی وی بر مثال خرطوم بزرگ شده دلیل کند که بقدر آن منزلت یابد و اگر بیند که از بینی وی بوی خوش
رفت دلیل کند که او را فرزندی صالح باشد و اگر بوی ناخوش بیند تاویلش بخلاف این باشد و اگر کسی بیند که بینی ندارد دلیل کند که کسی از
خویشان وی بمیرد و اگر بیند که دو بینی داشت دلیل کند که در میان او و عیال او خلاف افتد و اگر بیند که شخص بوی ناخوش در زیر
بینی او داشت دلیل کسی که از کسی خشم فرو خورد و امام جعفر صادق ع فرماید دیدن بینی در خواب بر پنج وجه باشد اول عزت دوم
مال سیم بزرگی چهارم فرزند پنجم عیش خوش **پیه** ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند که پیه بخورد دلیل کند که چیزی و نعمت
و فراخی یابد و اگر بیند که پیه گوسفند داشت و بخورد دلیل کند که بقدر آن مال حلال یابد و اگر بیند که پیه جانوری بخورد دلیل کند که
بقدر آن مال حرام یابد امام جعفر صادق ع فرماید که دیدن پیه در خواب [illegible] وجه باشد اول [illegible] فراخی دوم مال و نعمت سیم
گشایش کارهای بسته **بیهوشی** کرمانی گوید اگر کسی بیند که بیهوش گشت چنانکه عقل از او زایل شد دلیل کند که آنکس را کاری پیش
آید که در آن سرگشته و حیران بماند لیکن سرانجام کارش نیکو شود و امام جعفر صادق ع فرماید که بیهوشی در خواب بر دو وجه باشد اول دشواری
در کارها دوم بیچارگی و سرگشتگی و فرومانده که [illegible] والسلام علی من اتبع الهدی **در تعبیر چیزهایی که اول آن از حروف [illegible] است**
تاب دادن ریسمان ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که رسن یا ریسمان یا رشته تاب میداد دلیل کند که از بهر مصلحت کاری کند
یا از بهر رحمت [illegible] ریاضت کشد امام جعفر صادق ع فرماید که تاب دادن رسن یا ریسمان در خواب بر سه وجه باشد اول سفر دوم ریاضت
سیم گشایش کارهای بسته **تابستان** ابن سیرین گوید که تابستان در خواب پادشاه بود و اگر بخواب بیند که تابستان بود و هوا گرم
سخت چنانکه مردمان را زیان میرسید دلیل کند که اهل آن دیار را از پادشاه زیان رسد و اگر بیند که هوا معتدل و خوش بود و آفتاب بکس را
زیان داشت دلیل کند که اهل آن دیار را از پادشاه چیز و سلامت باشد و تابستان را بوقت خویش بخواب دیدن بهتر باشد کرمانی گوید اگر کسی
تابستان را بوقت خویش بخواب بیند چنانکه سبز و خرم بود [illegible] دلیل کند که عزت و دولتش زیاده شود و کارش بمراد ساخته گردد
و مردم عامه را تابستان بخواب دیدن از پادشاه قوت و نصرت باشد و اگر تابستان را نه بوقت خویش بیند تاویلش بخلاف این باشد
تابوت ابن سیرین گوید تابوت بخواب دیدن زن باشد و بقول بعضی از معبران تابوت نو و بزرگ عز و جاه بود و اگر بیند که تابوت
بشکست یا ضایع شد یا بسوخت دلیل کند که عزت و جاه او کم شود و اندوهگین گردد یا زنش بمیرد **تاج** ابن سیرین گوید که تاج

در خواب دیدن پادشاه را از ملک و ولایت بود و زنان را شوهر باشد و مردم عامه را نیکویی حال باشد و اگر بیند که بر سر تاج داشت از زر
و مرصع بجواهر دلیل کند که قدر بلند و مرتبه عظیم یابد لیکن دین او در شریعت ضعیف بود و اگر این خواب را زن بیند دلیل کند که شوهر کند
و صاحب حشمت و جاه شود در شغل دنیا کرمانی گوید اگر بیند که پادشاهی تاجی بر سر وی نهاد دلیل کند که از پادشاه یا از بزرگی کار خواهد و اگر
بیند که تاج از سر وی بیفتاد دلیل کند که زن را طلاق دهد و اگر بیند که کسی تاج از وی برگرفت دلیل کند که زن از وی جدا شود و اگر بیند
که تاج از سر وی بیفتاد و بشکست دلیل کند که زن وی بمیرد یا کسی از اهل بیت او بمیرد امام جعفر صادق ع فرماید اگر زن بیند که تاج
بر سر دارد دلیل کند که شوهری بخواهد و اگر شوهر دارد بر سر زنان مهتر گردد و اگر زن بیند که تاج از سر برگرفت دلیل کند که
شوهر او زن خواهد یا شوهر او را طلاق دهد و اگر بیند که تاج مرصع بر سر پادشاه نهاد دلیل کند که عزت یابد **تاراج** ابن سیرین
گوید اگر بیند که مال و متاع کسی بتاراج برد دلیل کند که از کسی غم و اندوه بیند امام جعفر صادق ع گفت تاراج کردن در خواب بر چهار وجه
بود یکی قتل دوم زیان سیم غم و اندوه چهارم ارزانی **تاریکی** ابن سیرین گوید تاریکی در خواب ضلالت [illegible] و اگر بیند
که تاریکی او را فرا گرفت دلیل کند که بقدر آن ضلالت گمراهی یابد و اگر بیند که در تاریکی بود و آن تاریکی بروشنایی مبدل شد دلیل است که
توبه کند کرمانی گوید اگر بیند که در تاریکی بود و بار بروشنایی شد [illegible] والله اعلم [illegible]
جابر مغربی گوید تاریکی بخواب دیدن غم و اندوه است و اگر بیند که هوا تاریک شد دلیل کند که مردم از پادشاه [illegible]
بسته گردد و اگر بیند که هوا روشن بود و ناگاه تاریک شد دلیل کند که در آن دیار مرگ مفاجات پدید آید امام جعفر صادق ع فرماید تاریکی
در خواب دیدن بر پنج وجه است یکی گمراهی دوم تحیر سیم فرو بستن کارها چهارم حبس پنجم در ضلالت افتادن اسمعیل اشعث گوید اگر کسی
بخواب بیند که از تاریکی بروشنایی آمد دلیل کند که از درویشی بتوانگری افتد و از راه ضلالت دور شود **تازیانه** دانیال ع فرماید اگر کسی
بخواب بیند که تازیانه داشت دلیل کند که کارش بر مراد و نظام باشد و اگر بیند که دوال تازیانه وی بگسست دلیل کند که مال بزرگ از وی
جدا شود ابن سیرین گوید اگر بیند که کسی را بتازیانه میزد دلیل کند که بکاری مشغول شود که از وی بآن کس فایده رسد و اگر بیند که تازیانه
از دست بینداخت دلیل کند که کاری که در دست داشت ترک کند و اگر بیند که چون تازیانه بروی زد خون روان شد دلیل کند که سخنهای
ناخوش شنود و اگر بیند که خون از وی برفت دلیل کند که بهر تازیانه درمی بیابد کرمانی گوید اگر بیند که کسی او را بتازیانه بزد دلیل کند که
از وی مال حلال بیابد و اگر بیند که بزخم تازیانه خون از تن وی روان شد دلیل کند که مالی بیابد که حرام باشد و اگر بیند که زخم تازیانه بر تن وی
بماند دلیل کند که سخنهای ناخوش شنود و اگر بیند که او را تازیانه بزدند و ندانست که چه کسی زد دلیل کند که مال یابد بجابر مغربی گوید اگر کسی
بیند که در دست تازیانه [illegible] داشت دلیل کند که او را فرزندی آید و اگر چوب بود دلیل کند که عمل ی قوت گیرد و اگر بیند که تازیانه

چرم یا دوال بود دلیل کند که چیز و منفعت بدو رسد و اگر بیند که تازیانه در دست وی بشکست دلیل کند که فرزندش هلاک شود یا از
کار خود معزول گردد و اگر بیند که بر اسب نشسته بود و بتازیانه میزد دلیل کند که بجای کسی کاری کند و بدان کار بر وی منت نهند و اگر بیند که
بر پشت کسی تازیانه میزد و از آنجا خون بر آمد دلیل کند که آنکس مال حرام یابد یا و بگناهی متهم گردد و اگر بر پشت خویش زخم تازیانه
بیند و ندانست که چه کس زد دلیل کند که شغل دنیای وی تمام گردد و اگر بیند که تازیانه بر کسی زد چنانکه پاره پاره شد دلیل کند که اهل وی
متفرق شوند و اگر بیند که تازیانه بی اندازه بکسی زد دلیل کند که ویرا غم و اندوه رسد اسمعیل اشعث گوید اگر کسی تازیانه خویش
درست و دراز و گوتاه دید [illegible] و پس از آن دراز گشت دلیل کند که زبان وی بر خصم دراز شود و اگر بیند که دراز بود و کوتاه گشت دلیل
کند که دشمن بروی غلبه کند امام جعفر صادق ع فرماید زدن تازیانه در خواب بر پنج وجه بود یکی شفقت دوم جدل سیم روشن شدن
کارهای مشکل چهارم سفر و مفارقت بزرگی مال **تابه** ابن سیرین گوید تابه در خواب دیدن خدمتگار خانه باشد و اگر بیند که تابه نو
داشت دلیل کند که خدمتگاری مصلح او را حاصل شود جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که در تابه چیزی می پخت دلیل کند که خدمتگار او نیکو گردد
و اگر بیند که از تابه چیزی بخورد دلیل کند که از آن خدمتگار بدو منفعت رسد و اگر بیند که آن خوردنی ترش و ناخوش بود دلیل کند که غم
و اندوه بوی رسد **تب** ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند که او را تب پیوسته بود چنانکه گویی آتش بود دلیل کند که [illegible]
بغار و گناه مشغول شود کرمانی گوید اگر کسی بیند که او را تب [illegible] بود دلیل کند که تنش درست باشد و عمرش دراز بود و اگر بیند که او را تب
اندک بود تاویلش بخلاف این باشد **تبر** ابن سیرین گوید تبر در خواب خدمتکاری بود که بخواهد کاری بکند و اگر او را کاری فرو ماند
خواهد که آن کار را گشاده گرداند تا هر کار بزرگ نماید جابر مغربی گوید که تبر در خواب مردی رسنده شجاع بود و اگر بیند که تبری داشت با کسی داد
دلیل کند که با مردی صنعتکار و پیراو دستی افتد و اگر بیند که تبر وی ضایع شد یا بشکست دلیل کند که اجلش فرا رسد **تتماج** ابن سیرین
گوید اگر کسی بیند که تتماج بگوشت بره یا گوشت گوسفند و ماست شیرین بخورد بقدر آن او را از مردم سپاهی منفعت و خیر رسد و اگر
بیند که تتماج بگوشت گاو یا گوشت مرغ یا کشک بخورد دلیل کند که از مردم سفله و دون منفعت اندک بدو رسد **تخت**
ابن سیرین گوید تخت در خواب دیدن دلیل کند که بسبز شود و اگر بیند که بر روی تخت خفته بود دلیل کند که بزرگی یابد بقدر و قیمت
تخت و دشمن را قهر کند از روی فاضل شود و اگر بیند که تخت بشکست او وی را [illegible] دلیل کند که از جاه و بزرگی بیفتد و حالش [illegible]
گردد امام جعفر صادق ع فرماید دیدن تخت در خواب بر هفت وجه بود یکی عز دوم بزرگی سیم سفر چهارم رفعت پنجم بلندی ششم نعمت
هفتم قدر و جاه هفتم عاشق شدن کار را **تخم کاشتن** ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند که تخم کاشت و باز جمع کرد دلیل کند
که شرف و بزرگی بیند و اگر بیند که تخم کاشت و چیزی حاصل نکرد یا نداند که اندک و بسیار آن چند است دلیل غم و اندوه کند [illegible]

گوید اگر کسی بیند که گندم میکاشت دلیل کند که از پادشاه و امیر نیکی رسد و اگر بیند که جو میکاشت دلیل کند که او را مال جمع شود و اگر بیند
که کاورس میکاشت دلیل بر مال اندک کند و اگر بیند که عدس و باقلا میکاشت دلیل بر غم و اندوه کند و اسماعیل ع فرماید اگر بیند که در زمین خویش
تخم میکاشت دلیل کند که زن خواهد و کار وی ساخته شود و اگر بیند زمین کشته خویش را بکشت دلیل کند که او را دیانی رسد یا کسی …
کند و اگر بیند که بجای مجهول تخم میکاشت بر آمد دلیل کند که غزا کند و غزا آوردن بر وی آسان گردد و اگر بیند که در ملک خویش میکاشت دلیل کند
که او را مال و نعمت فراخ شود و اگر بیند که جو یا گندم یا درخت در زمین خود میکاشت دلیل کند که عز و جاه وی زیاده شود بمقدار آنچه کاشته
بود امام جعفر صادق ع فرماید تخم کاشتن در خواب بر چهار وجه بود یکی جاه و بزرگی دوم چیز و منفعت سیم زن خواستن چهارم
نفع و سود بزرگ که از آن باشد **تذرو** ابن سیرین گوید تذرو در خواب مردی غدار بود و تذرو ماده زنی باشد فریبنده معبران گویند تذرو مال
حرام باشد که بحیلت بدست آورده و اگر بیند که با تذرو بزد و بگیرد دلیل کند که با کسی غدار او را خصومت افتد و اگر بیند که تذرو وی را … او را احاطت
دلیل کند که زن خواهد که در او هیچ خیر نباشد و اگر خانه تذرو را بیند دلیل است که زن ناخوبروی بنکاح درآورد و اگر بیند که تذرو وی در خانه داشت
یا برد دلیل کند که زن وی هلاک شود یا بجهت زنان او را مصیبت افتد و اگر بیند که تذرو وی از خانه وی بپرید دلیل کند که زن را طلاق دهد
جابر مغربی گوید تذرو در خواب زن پارسا و یا مال حلال بود و اگر بیند که تذروی گرفت دلیل کند که زن خواهد یا مال حاصل کند
و اگر بیند که تذروی در کنار وی افتاد و بگرفت دلیل کند که کسی از عیال وی سرکاری دارد و او را میسر شود امام جعفر صادق ع فرماید دیدن
تذرو در خواب بر چهار وجه بود یکی زن دوم مال حرام سیم معیشت چهارم کام و دل یافتن **ترازو** ابن سیرین گوید ترازو در خواب قاضی
بود اگر بیند که ترازوی نو در دست داشت یا کسی بوی داد دلیل کند که در آن موضع قاضی باشد راست گفتار و متقی پاک دین و اگر ترازو
سنج قاضی باشد و در جایی که در آن کوی باشد صفت این که بزرگ قاضی شنود و سنگهای ترازو عدل او بود که قاضی کند و اگر بیند که
ترازو درست ایستاده بود دلیل کند که قاضی عدل کند کرمانی گوید اگر بیند که ترازو شکسته دلیل کند که قاضی بمیرد و اگر بیند که در
سنگهای ترازو زیاده و نقصان بود دلیل کند که در عدل و انصاف قاضی زیاده و نقصان بود جابر مغربی گوید نیکو کردن ترازو در خواب
راستی قاضی باشد از عذاب … امام جعفر صادق ع فرماید دیدن ترازو در خواب بر شش وجه بود یکی قاضی دوم پادشاه سیم فقیه
چهارم بیابان کردن پنجم علم ششم حکم کردن و اگر بیند که در ترازو کردار نیکی او بیش از بدی است دلیل است که ببهشت رود و …
یابد و از عقوبت رسته گردد و قولی دیگر … و اگر بخلاف این بیند دلیل کند که بسوی عقوبت گردد
و نعمت … **ترب** کرمانی گوید ترب در خواب دیدن غم و اندیشه بود خاصه که بخورد و اگر بیند که کسی بوی داد
دلیل کند که از آن کس غم و اندوه بوی رسد و اگر بیند که ترب بکسی داد یا از خانه بیرون افکند و هیچ نخورد دلیل کند که از غم و اندوه رسته گردد

انگلبین

رتیل ابن سیرین گوید اگر رتیل بیند که ترسا شده دلیل کند که او بر راه بدعت و گمراهی و اعتقاد در دین سست شده و جابر مغربی
گوید اگر کسی بیند که ترسا شده و خداوند خواب با کسی خصومت و دشمنی دارد دلیل کند که بر وی ظفر یابد زیرا که ترسا منصور بود و او مشتق
از نصر است و اگر ترسا بیند که مسلمان شده دلیل کند که مسلمان شود یا بمیرد امام جعفر صادق ع فرماید اگر کسی بیند که با ترسایان هم صحبت شد
دلیل کند که دوست دارد هوا خواه او باشد و اعتقاد وی در دین اسلام ضعیف باشد **ترسیدن** ابن سیرین گوید ترسیدن در خواب ایمنی باشد
و هر که در خواب بیند که می ترسید از کسی و یا خانه که ترس او از کیست دلیل کند که از گروهی که ازو ترسان شده ایمن گردد امام جعفر صادق فرماید
ترسیدن در خواب مضرت باشد و اگر بیند که از دزدی یا جانوری گزنده ترسید دلیل کند که از کسی که بایشان منسوب باشد او را مضرت
و رنج رسد **ترشیها** ابن سیرین گوید ترشیها در خواب خوردن اندیشه و غم و اندوه بود خاصه که میوهای ترش بیند و اگر بیند که
کسی چیزی ترش بوی داد دلیل کند که بسبب آن غم و اندوه بوی رسد و اسماعیل ع فرماید ترنج اگرچه نیکو بود زرد رنگ است اما بوی خوش
دارد و طعم نیکو … و گویند از میوهای بهشت است و دیدن وی بخواب نیک است و اسماعیل ع فرماید اگر کسی ترنج یا بوی داد
یا سه در خواب بیند دلیل فرزند باشد و اگر بسیار بیند مال و نعمت حلال بود و ترنج سبز بخواب دیدن بهتر از ترنج زرد باشد
کرمانی گوید ترنج در خواب مردی توانگر با جمال بود و … نزد ملک چنانکه همه کس او را دوست دارند و اگر بیند که ترنجی از درخت
با کسی بداد دلیل کند که با چنین مردی او را صحبت افتد و اگر ترنجی در کنار خود بیند دلیل کند که او را فرزندی خوبروی آید و اگر بیند که
ترنج را بخورد دلیل کند که او را از مال خود یا از مال کسی نیک بهره رسد و اگر بیند که ترنج را پنهان کرد دلیل کند که فرزندش هلاک
شود و اگر بیند که در خانه ترنج بسیار داشت و بکسی بخشید دلیل کند که در حق کسی نیکوئی کند و اگر بیند که ترنج در آستین نهاد دلیل کند
که او را فرزندی از کنیزک آید و اگر بیند که ترنج از آستین وی بیفتاد دلیل کند که او را فرزندی ناتمام حاصل آید امام جعفر صادق ع فرماید
خوردن ترنج در خواب بر چهار وجه بود یکی زن نیکو روی دوم کنیزک پاک دین سیم دوست توانگر چهارم فرزند شریف صالح
ترنجبین ابن سیرین گوید ترنجبین در خواب مال حلال بود بی منت کسی و انزلنا علیکم المن و السلوی کلوا من طیبات ما رزقناکم
و اگر بیند که ترنجبین بسیار داشت یا کسی بوی داد دلیل کند که روزی بسیار حلال یابد یا از جائی که امید ندارد بوی رسد و کارهای او بنظام
شود امام جعفر صادق ع فرماید خوردن ترنجبین در خواب بر سه وجه بود یکی مال دوم روزی حلال سیم منت کسی …
کار و کام و دل یافتن **تریاک** ابن سیرین گوید که تریاک اگر کسی بیند از بهر بیماری بخورد دلیل کند که از رنج و بیماری برهد و کارها
بر وی گشاده گردد و اگر بخلاف این بیند دلیل بر غم و اندیشه و نقصان باشد **تزویج** زن خواستن بود و بیا رسم زنان …
شوی کردن ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که زن خواست دلیل کند که شرف بزرگ یابد و اگر عرب بود … و اگر

چند که زن را طلاق داد دلیل کند که شرف بزرگ از او زایل شود و اگر بیند که آن مرده کرد و با وی جمع شد دلیل کند که از ملک و مال از زن
چیزی وی را حاصل شود و اگر با آن زن جمع نشد دلیل کند که از مال از زن نقصان بیند یا مال بر وی تنگ شود و اگر بیند که زن خواست
و زن او را ندید و نامش را ندانست دلیل کند که اجلش نزدیک آمده باشد کرمانی گوید اگر زنی که شوهری دارد و در خواب بیند که شوهری
دیگر داشت دلیل کند که شرف و عزت یابد و مال وی زیاده شود و اگر بیند که زن مجهول داشت دلیل کند که چیزی بسیار بدست آرد و اگر بیند
که زن وی شوهری داشت یا کسی از بهر وی چند که زن او شوهری کرد و او شوهر او را بخانه برد دلیل کند که مال بسیار از این مرد بشوهر
وی رسد و اگر بیند که زن نابکار خواست و با وی جمع شد دلیل کند که کار دشوار بر وی آسان شود و اگر با وی جمع نشد آنچه گفتیم
کمتر باشد جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که دختری دوشیزه را بزنی کرد و دوشیزگی از وی بسته دلیل کند که اندران سال او را زنی یا
کنیزکی حاصل شود و از پادشاه چیز و نیلی چند امام جعفر صادق ع زن خواستن در خواب بر چهار وجه بود یکی بزرگی دوم زیادتی
مال سیم رنج و اکام چهارم خرمی و شادی **تسبیح کردن** ابن سیرین گوید تسبیح کردن در خواب مطیع بودن باشد اگر بیند که تسبیح
میکرد دلیل کند که مطیع بود فرمان الهی را و از غم و اندوه رسته گردد و اگر بیند که تسبیح داشت و غم و اندوهی بوی رسد لیکن او را
اجر و ثواب و عزت باشد و اگر بیند که با تسبیح شکر حق تعالی میکرد دلیل کند که در دین قوی باشد و مال یابد و این خواب اگر زن بیند دلیل
دلیل کند که وی را اولاد و ولایت حاصل شود قوله تعالی لئن شکرتم لازیدنکم **تشنگی** ابن سیرین گوید تشنگی در خواب بر ترازو
سیر بود و اگر بیند که بخانه تشنه بود و آب یافت دلیل کند که بر تنگی درخت بود و رستد از بهر دنیا یا از بهر دین و اگر تشنه بود و آب را
یافت دلیل کند که از رنج و محنت خلاصی یابد جابر مغربی گوید تشنگی در خواب فساد بود در دین و اگر بیند که درآن تشنگی آب
دلیل کند که از عذاب الهی رسته گردد و توبه کند **تکبیه** ابن سیرین گوید که اگر کسی در خواب بیند که تکبیه کرد دلیل کند که از شر
دشمنان ایمن شود و در خیرات بر وی گشاده گردد امام جعفر صادق ع فرماید که تکبیر گفتن در خواب بر چهار وجه بود یکی ایمنی
از دشمن دوم رستگاری از بلا و فتنه سیم خیر و برکت چهارم گشایش کارهای بسته **تگرگ** ابن سیرین گوید تگرگ در خواب دیدن
عذاب باشد مگر اندک و اگر بوقت خود باشد دلیل کند که اهل آن موضع را فراخی نعمت بود و اگر نه بوقت خود بیند بخلاف این باشد
امام جعفر صادق ع فرماید دیدن تگرگ در خواب بر پنج وجه باشد یکی بلا دوم حضومت سیم لشکر چهارم قحط پنجم بیماری **تنگی معیشت**
ابن سیرین گوید که اگر بیند که از تنگی بفراخی شد دلیل کند که کارهای او بنظام شود و از رنج و محنت برآید و اگر بخلاف این بیند
باشد جابر مغربی گوید که اگر کسی بیند که در جایگاه تنگ گرفتار آمد دلیل کند که در کاری گرفتار شود و اگر بیند که در جای طعام تنگ بود دلیل
کند که عیش و روزی بر وی تنگ گردد **تنور** ابن سیرین گوید تنور در خواب عمده و کدخدای خانه بود و بعضی از معبران گویند که زنی

خانه بود و اگر بیند که دست در تنور داشت دلیل کند بر تندرستی و نظام کارها و اگر بیند که تنور بگشاد و خراب شد دلیل کند
بر رنج و بیماری کدخدای خانه یا بیحالی وی و اگر بیند که در تنور نان می پخت دلیل کند که بقدر آن نان روزی حلال یابد و کار بر وی
نیکو شود کرمانی گوید اگر بیند که در تنور پاره از آتش است و بر بالای تنور شعاع آتش میتافت و دود نداشت دلیل کند که بسوی بیت المقدس
شود و حج کند قوله تعالی نودی من شاطی الواد الایمن فی البقعة المبارکة یعنی بیت المقدس بعضی گفته اند که تنور در خواب بر دو وجه بود یکی
منفعت باشد خاصه که نو باشد دوم خرابی و بیت پر شور و شیفت **توبه کردن** ابن سیرین گوید توبه اگر کسی بخواب بیند که توبه کرد
دلیل کند که از همه گناه و معصیت پشیمان گردد و کردار نیکو کند و کاری کند که در آن خشنودی حق باشد و دوست را نه بیازارد و طلب آخرت
کند امام جعفر صادق ع فرماید توبه کردن در خواب بر چهار وجه بود یکی پشیمانی از گناه دوم رضای حق تعالی سیم راه آخرت
چهارم سعادت **توتیا** کرمانی گوید توتیا در خواب مال بود و اگر بیند که توتیا در چشم میکشید مقصود از توتیا کشیدن چشم بود دلیل
کند که صلاح دین جوید و اگر مقصود وی بخلاف این باشد دلیل کند که خود را بنفاق دین دار بر مردم ظاهر کند تا او را ستایش کنند
جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که توتیا بوی داد دلیل کند که بقدر آن وی را مال حلال حاصل شود و اگر بیند که توتیا را بخورد دلیل کند که کاری
کرد از آن نوع مدح و ثنای او را گویند **توت شیرین** خوردن در خواب روزی بود و خوردن سوای توت شیرین غم و اندیشه
باشد ابن سیرین گوید توت شیرین خوردن بهنگام خود دلیل کند که بقدر آن از کسب خویش روزی یابد و اگر بیند که خوشه توت میخورد
دلیل کند که مال بی رنج دست شود امام جعفر صادق ع فرماید که توت در خواب بر دو وجه بود یکی منفعت اندک بی رنج دوم مال از جهت
از بهر زن **توریه خواندن** ابن سیرین گوید که اگر کسی بخواب بیند که توریه میخواند دلیل کند که توفیق یابد از مردمان محتشم
و اگر بیند که توریه از برای کسی خواند دلیل کند که با کسی خصومت کند و بر وی ظفر یابد و مرادش حاصل شود و اگر بیند که کسی را تعلیم
توریه میکرد دلیل کند که از آن کس چیزی منفعت بوی رسد **تیر** دانیال ع فرماید تیر در خواب دیدن شخصی راست بود که از کسی
بر مردم رسد و تعقول بعضی از معبران غیبت بود و اگر بیند که کسی تیری بوی انداخت دلیل کند که از سپاهی بوی رسد خاصه که تیر بر تن
اندر جسته باشد و اگر بیند که تیری بغرض انداخت دلیل کند که نامه بدان کس فرستد والله اعلم **در تعبیر چیزهایی که اول آن جیم باشد از حروف تهجی**
چادر ابن سیرین گوید چادر در خواب دیدن ستر و پوشش زن باشد و اگر بیند که چون زنان چادر پوشیده بود دلیل کند که از کار
خیر و شر بود ولیکن آن کار را از دی بکرده و از بهر و اگر زن بیند که چادر برابر دریده یا بسوخت دلیل کند که ستر وی دریده شود
کرمانی گوید چادر شب بخواب دیدن زن بود و اگر بیند که چادر ریشمی فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل کند که زن نو خواهد و اگر بیند که چادر
او بخرید دلیل کند که کنیزک [illegible] ورا او فرزند آید و اگر این خواب زن بیند دلیل کند که او را شوهری پیدا شود و اگر زن بیند که چادر او

دی سوخت دلیل کند که شوهرش بمیرد یا اورا طلاق دهد امام جعفر صادق ع فرماید دیدن جادو در خواب بر سه وجه بود
یکم مکر دوم جادو سیم مردن زن وزن را شوهر سیم که [illegible] سرای **جادوئی** ابن سیرین گوید جادوئی کردن در خواب کار باطل بود
واگر بخواب بیند که جادوئی میکرد دلیل کند که از بهر کاری کارکنند بیهوده و باطل و بقول معبران جادوئی فتنه بود و هر کس را که از بهر وی
جادوئی کنند جابر مغربی گوید جادوئی کردن از بهر کسی تعهد باشد به دروغ که مردمان را بدو فریبند و جادوئی در خواب شش وجه
بود امام جعفر صادق ع فرماید جادوئی دیدن بر شش وجه بود یکی فتنه دوم فریب سیم نکته چهارم سکالش پنجم باطل ششم دروغ
کاری که او را اصلی نباشد **چارپا** ابن سیرین گوید که اگر کسی بیند که چارپائی فرا گرفت و آن چارپا مطیع و فرمان بردار وی
دلیل کند که بقدر و قیمت آن از مردی بیابانی پر منفعت رسد واگر بیند که رمه از چارپایان دشتی پیش وی حاضر بودند مطیع وی
شدند دلیل کند که بقدر آن مال و بزرگی یابد کرمانی گوید که اگر کسی بیند که چارپایان دشتی را می پرستید دلیل کند که خدمت مردم نادان
کند جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که چارپای شده دلیل کند که عقل از او زایل شود واگر بیند که چارپا با وی سخن میگفت دلیل کند که
بزرگی یابد واگر بیند که گوشت چارپای میخورد دلیل کند که بقدر آن مال یابد **جاروب** ابن سیرین گوید جاروب در خواب خادم بود
جاروب بخواب خدمتکاری بود که تقاضا بچیزهای حقیر کند واگر بیند که خانه را بجاروب میرفت دلیل کند که مالش ضایع شود واگر کسی بیند
که خانه کسی میرفت دلیل کند که مال آن کس بوی رسد خاصه اگر بیند که خاک رفته را بخانه خود می آورد امام جعفر صادق ع فرماید که دیدن
جاروب در خواب بر سه وجه بود اول خادم دوم منفعت سیم سقائی که با مردمان بود و رسد **جام آب** کرمانی گوید که جام پر آب
یا جلاب میخورد یا کسی بدو داد دلیل کند که زن خواهد یا کنیزک بخرد و او را فرزندی پارسا آید از او راحت بیند واگر بیند که آب
جام بریخت دلیل کند که فرزندش بمیرد واگر بیند که آب بریخت و جام بشکست دلیل کند که هلاک زن و پسر زنده باشد جابر مغربی گوید
اگر کسی بیند که در خانه وی جامها [illegible] نهاده بود دلیل کند که بعدد آن جامها زنان و کنیزکان حاصل کند واگر جام سفید [illegible]
بیند دلیل کند که [illegible] مصلح پارسا باشد واگر جامهای سرخ بیند دلیل کند که او را زنان مفسده باشد واگر جامهای زرد بیند دلیل
کند که زنان وی بیمار باشند واگر جامهای سیاه بیند دلیل کند که زنان اندوهگین و مصیبت زده باشند **جامه** دانیال ع فرماید جامه در
خواب کسب و کار مرد باشد واگر جامه خود را نیکو بیند دلیل کند که کسب و کار او نیکو باشد واگر جامه بد بیند بخلاف این باشد واگر پاک باشد
در خواب جامه خود را سپید بیند دلیل بر نیکوئی حال او باشد و جامه سبز و خرم توفیق حق تعالی بود و جامه ابریشم جامه سندس و استبرق دیبا و
سپید باشد ساختگی کار مردم باشد و جامه رنگین دلیل بر حضرت باشد و جامه سوخته دلیل بر زیان باشد از سبب پادشاه و جامه دریده [illegible]
شدن راز بود و جامه پشمین و نمدی و پلاسی [illegible] این جمله دلیل بر زیانی باشد که حاصل کند و جامه مرقع دلیل بر درویشی تنگدستی

بود و جامه چرکین از هر نوع که باشد دلیل بر غم و اندوه کند و جامه کاغذی دلیل بر طاعت و شناعت بود و جامه که از پوست
چارپایان بود دلیل کند بر چیز و منفعت کند و جامه که به شکل کهن باشد دلیل کند که شغلهای وی در دین تمام شود ولیکن عمرش آخر
آید واگر بیند که جامه از خز و قز پوشیده بود دلیل کند که عز و جاه یابد ابن سیرین گوید اگر بیند که جامه سقلاطی پوشیده بود دلیل کند
که کارش بلند گردد واگر بیند که جامه زرین پوشیده بود دلیل کند که مال یابد اما از خلق ملامتش رسد واگر بیند که جامه حاجی
پوشیده است دلیل کند که از غمهای محروم ماند جابر مغربی گوید دیدن جامه در خواب بر دو گونه است یک گونه به دین تعلق دارد
دیگر به دنیا جامه سپید دین است و جامه نو ار دنیا اگر کسی بیند که جامه سپید از باریک داشت هم دنیا را نیک بود و هم دین را واگر جامه
سبز تنگ بیند هم دنیا به بود واگر جامه چرکین دریده بیند هم فساد دین بود و هم فساد دنیا و جامه سرخ زنان را نیک بود و دنیا
و مردان را هم نیک بود و پیراهن و دستار و طیلسان و قبا این جمله مردان را غم و اندوه باشد یا جنگ و خصومت و جامه زرد مرد را
بیماری بود و بقول بعضی از معبران اگر زن بیند که جامه زرد پوشیده است دلیل کند که او را شوهری آید واگر ندارد بیمار شود و جامه
سبز در خواب زنان و مردان را دین باشد واگر بر زنده بیند صلاح و دین باشد واگر بر مرده بیند دلیل بر رستگاری آخرت باشد
واگر جامه سیاه پوشیده و نیکو بود و اما اگر پوشیده سپید پوشیده باشد نیکو نباشد در دین و دنیا و جامه سیاه بقول بعضی از معبران
خلعت [illegible] پادشاه را نیکو بود اما رعیت را غم و اندوه باشد و جامه کبود مصیبت و غم باشد واگر کسی بخواب بیند که جامه [illegible]
داشت دلیل کند که از پادشاه یا [illegible] سخن شنود اسمعیل اشعث گوید اگر کسی بیند که جامه خود داشت که روی او رنگی بود و پشت دیگر
دلیل کند که با اهل دین و دنیا بنفاق زندگانی کند واگر بیند که جامه خویش بسوزد دلیل کند که از مال خویش نفقه بسیار کند
واگر بیند که جامه تر پوشیده است دلیل کند که در سفر در بماند یا از بهر کاری ویرا زندان کنند واگر بیند که جامه وی ضایع شد
و یا از وی بستدند و او برهنه بماند دلیل کند که قدر و جاهش کم شود و در میان خلق حقیر و زار گردد واگر بیند که جامه خویش را بدرد
یا بدرید دلیل کند که بسبب وی اندوهگین شود و با زن خویش خصومت کند واگر بیند که کسی جامه وی را بدرید دلیل کند که از آن کس
اندوهگین شود واگر بیند که جامه خویش را به جامه اهل خویش بدل کرد دلیل کند که با خویش دوست و خصومت کند واگر بیند
که جامه او را کسی ببرد دلیل کند که از حرمت و منزلت و بزرگی چیزی [illegible] واگر بیند که جامه اقامت کرد دلیل کند که از غم بارها ند خالد
اصفهانی گوید بهترین جامها در خواب جامه ای است که از پنبه باشد واگر بیند که جامه رنگین داشت واگر زن بیند نیکو باشد واگر بیند که
جامه بازگونه داشت دلیل کند که او را نیکوئی چه آید امام جعفر صادق ع فرماید دیدن جامه نو در خواب بر چهار وجه بود
یکم زن دوم پادشاهی سیم مال و منفعت چهارم چیز و منفعت واگر بیند که جامه خود را بمقراض برید دلیل کند که چیزی بعد بیند واگر بیند که

وزن دون جامه او را بیرون کنند دلیل کند که فسادی در میان زنان وی افتد **جامه خواب** ابن سیرین گوید جامه خواب دیدن
تاویل زن باشد و اگر بیند که جامه خواب سپید نیکو بود دلیل کند که عیالش پارسا باشند و اگر بیند که جامه خوابش سبز بود دلیل کند که عیالش دین
دار باشند و اگر بیند که جامه خوابش سیاه بود دلیل کند که از عیالش اندوه و رنج بیند و بعضی از معبران گویند جامه خواب سپید پاکیزه شده را
نیکو باشد و در غیبت بد باشد و اگر جامه خواب را کبود بیند دلیل کند که او را سبب عیال غم و مصیبت رسد و اگر جامه خواب را پرکین دریده بیند دلیل
کند که زنش پلید و ناسازگار بود و اگر بیند که جامه خوابش ضایع شد یا بدزدیدند دلیل کند که زن را طلاق دهد یا از وی مفارقت جوید
و اگر بیند که جامه خوابش می‌سوخت دلیل کند که عیالش بمیرد امام جعفر صادق ع فرماید جامه خواب به خواب بر سه وجه بود یکی زن نیک
دوم راحت سوم رنج و اندوه و مصیبت **جان** ابن سیرین گوید که جان به خواب دیدن فرزند بود یا عیال موافق و اگر بیند که جان از
تن وی بیرون شد دلیل کند که فرزند یا عیالش بمیرد یا مالش تلف شود یا خود هلاک گردد و اگر جان خود را به صورت نیکو بیند دلیل کند
که وی را فرزندی نیکو باید و حالش نیکو گردد و اگر جان خود را به صورت مردی زشت بیند تاویل آن بخلاف این باشد در خبر آمده است که مردی
پیش رسول ص آمد و گفت یا رسول الله در خواب چنان دیدم که جان از تن من بیرون آمد و مرا در کنار گرفت و بعد از آن به آسمان
رفت رسول ص فرمود که وصیت کن که جان تو بکمال رسید پس در همان روز آن مرد از دنیا رحلت کرد کرمانی گوید اگر کسی جان خود را
دیدگفت خود دید دلیل کند که بکاری مخاطره مشغول شود که در آن کار وی را بیم جان بود و اگر بیند که جان از کف وی بستان رفت و کلی
کند و بمیرد و اگر بیند که رنگش زرد بود دلیل بد باشد و اگر بیند که سپید بود عاقبت کارش محمود باشد و از غم رستگاری یابد و اگر کبود
سیاه بود دلیل کند که مستوجب عقوبت خدای تعالی باشد جابر مغربی گوید اگر کسی مرده را جان بکند و خویشان وی نوحه و زاری بکنند
دلیل کند که اهل بیت مرده را اندوهی رسد و اگر بیند که خویشان وی آهسته گریه میکنند دلیل کند که شادی رسد امام جعفر صادق
فرماید هر که در خواب بیند که جان میکند دلیل باشد که جانش در عذاب و عقوبت باشد **چاه** ابن سیرین گوید اصل چاه در تاویل زن
باشد اگر بیند که در جایگاهی چاه میکند دلیل کند که زن خواهد و اگر بیند که کسی مر او را چاه بکند دلیل کند که میان او و زنش نفاق
باشد و خواهد که بمکر و حیله آن زن را بزنی دهد زیرا که کندن چاه مکر و حیلت باشد و در مثل است که هر که چاه میکند از برای
دیگری بود و آب چاه در خواب مال زن باشد و اگر بیند از چاهی آب خورد دلیل کند که مال زن بخورد و اگر بیند از چاهی آب خورد
که از خشت پخته برآورده بود هم دلیل مال زن کند و اگر کسی بیند که چاهی کند آب برنیامد رنج و درویشی برند کند گرانی کند
اگر بیند که آب چاه خورد و طعم خوش نبود دلیل کند که مال زن بکراهیت بستاند و اگر بیند که آب چاه گرم بود دلیل کند که
زن جفا بیند و بعضی از معبران گویند که بیمار گردد و اگر بیند که آب چاه بسیار بود دلیل کند که زن جوانمرد و سخی بود و اگر آب

زن دون و مغلو بود و اگر بیند که چاه بکند و آب بر نیامد دلیل بود که زن بیمار گردد و مال خود در بیماری بخورد و اگر بیند که
آب از چاه سیاه برآمد دلیل کند که غم و اندوه بوی رسد و اگر بیند که از چاه آب سپید خوش برآمد دلیل کند که میراث یابد و اگر
بیند که آب چاه بعضی فرو رفت دلیل کند که زن وی هلاک شود و مالش تلف گردد و اگر بیند که چاه در زیر زمین فرو رفت دلیل بیم
هلاک بود کرمانی گوید اگر کسی بیند که در لوله چاه کرد تا آب دولا آورد و دلو در چاه افتاد و ریسمان گسسته شد دلیل کند که او را فرزند
آید ناتمام در خبر است که مردی از عبدالله عباس پرسید که بخواب دیدم که دلو در چاه کردم تا آب بر آورم رسن پاره شد عبدالله گفت
تو از عیال خود غایب بودی و ترا فرزندی آمد شش ماهه و برا دفن کردند آن مرد گفت مرا این سخن عجب آمد و مثال گوید اگر کسی بیند که
در جایگاهی معروف چاه میکند دلیل کند که با کسان خود مکر و حیلت کند و بقول بعضی از معبران کندن چاه و برآمدن آب حکم
نکاح دارد و اگر بیند که چاه از بهر کسی دیگر میکند دلیل کند که او مستوجب باشد کسی را بنکاح در آورد جابر مغربی گوید که آب از چاه
دلیل کند که بمکر و حیلت مال جمع کند خاصه که خود چاه کنده باشد و اگر بیند که به دلو آب میکشید و آب در چاه یا در سبو میریخت دلیل کند
که مال خود را نیکو نگاه دارد و اگر بیند که ابر از آن مبرکت دلیل کند که مال خود را نفقه کند بعجز و اگر بیند که در چاه افتاد دلیل کند میکشید بر زمین ج
در مکر و حیلت افتد و اگر بیند که باغ را آب میداد دلیل کند از مالی که حاصل کرده است زن خواهد و کنیزک خرد و اگر بیند که درختان باغ
میوه بود دلیل کند که او را فرزندی آید و بعضی گویند که اگر بیند که بزراعت آب میداد دلیل کند که با زن خویش مجامعت کند و اگر بیند
که آب بر سر چاه آمد دلیل کند که زن توانگری بزنی خواهد و از آن زن وی را مال و نعمت حاصل آید امام جعفر صادق ع فرماید دیدن
چاه در خواب بر شش وجه باشد یکی زن دوم ترویج سیم حاکم چهارم توانگری پنجم و ششم توانگری کرد و حیله مرد چاه کن در خواب
کرد و حیله بود **جبه** ابن سیرین گوید جبه در خواب زن بود و اگر بیند که جبه نو داشت دلیل کند که زن او نیک و نیکو
سیرت باشد و اگر بخلاف این بیند تاویلش بخلاف این باشد و اگر بیند که جبه او بدریدند یا بسوخت دلیل کند که میان ایشان جدائی
افتد امام جعفر صادق ع فرماید دیدن جبه در خواب بوقت که در زمستان و دشت نیکوتر بود و آن چهار وجه دارد یکی زن دوم
سیم شادی چهارم شفقت و جبه کهن و چرکن غم و اندوه بود جابر مغربی گوید اگر بیند که جبه نو داشت یا کسی وی را داد و برنگ سبز بود
دلیل کند که زن مستور و پاکدین بخواهد و اگر سپید بود زن پارسا و با امانت بود و اگر زرد بیند دلیل کند که زن اندوهگین و بیمار
گونه باشد و اگر کبود باشد زن تنگ و عاق بود و اگر زن معاشر و سازگاری کم کند **چتر** اگر کسی بیند که بالای سر او چتر میزدند دلیل کند
که اگر از اهل آن بود پادشاهی یابد و اگر از اهل آن نبود بزرگی یابد و اگر بیند که چتر پادشاه بدست گرفته دلیل کند که مقرب پادشاه
شود و امام جعفر صادق ع فرماید که دیدن چتر در خواب بر هفت وجه بود یکی سلطنت دوم عزت سیم رتبت چهارم ریاست

پنجم رفعت ششم دولت هفتم صحبت با بزرگان **چراغ** کرمانی گوید چراغ در خواب خادم بود و معبران گویند که بانوی خانه باشد اگر
بیند که در خانه وی چراغ روشن شد دلیل کند که بانوی خانه زن با صلاح و دولت باشد و اگر بیند که چراغ باریک میسوخت دلیل کند بر رنج
بیماری خادم و اگر بیند که چراغ فرومرد دلیل کند که خادم خانه بمیرد یا بر وی چیزی رسد و اگر بیند که از آتش زن چراغ افروخت دلیل کند
که اگر زن دارد فرزندش آید و اگر عزب بود زن کند یا کنیزک خرد و اگر در سفر غایب بود به سلامت باز آید و اگر بیند که در شهر چراغ
بسیار است دلیل کند که پادشاه ولایت عادل بود و قاضی منصف و مردم شهر را عشرت و نشاط بسیار بود و اسمعیل اشعث گوید اگر کسی
بیند که چراغ روشن در دست داشت دلیل کند که او را فرزندی آید که عزت و دولت یابد و اگر بیننده خواب فاسق بود دلیل کند که از گناه
باز گردد و توبه کند و اگر مشرک بود هدایت یابد و اگر مسلمان بود توفیق طاعت یابد و اگر بیند که چراغ ببرد دلیل کند که فرزندش هلاک
شود و یا عزت و دولتش نقصان پذیرد و اگر بیند که در هر دو دست وی چراغ بود مراد دنیا و دین وی ساخته شود خاصه که روشن بیند
و اگر در دست بی چراغ بیند و در روی وی دو سوراخ دود نشسته افروخته بیند دلیل کند که او را دو فرزند از کنیزک شکم آید امام جعفر صادق ع
فرماید دیدن چراغ در خواب بر چهارده وجه بود یکی پادشاه دوم قاضی سیم فرزند چهارم عروس پنجم ولایت ششم مهر هفتم سرای
هشتم شادی نهم علم دهم توانگری یازدهم عیش خوش دوازدهم کنیزک سیزدهم منفعت چهاردهم آنچه بیند همچنان باشد
چراغ پای ابن سیرین گوید چراغ پای در خواب خدمتکار خانه باشد و اگر بیند که چراغ پای داشت یا کسی به وی داد دلیل کند که
او را خدمتکاری حاصل شود کرمانی گوید چراغ پای در خواب زن خادمه باشد و اگر آهنین بود یا برنجین یا از مس باشد دلیل کند که خادمه
خوش طبع و مهربان باشد و اگر چراغ پای رنگ کرده بود دلیل کند که زن خادمه متکبر و خویشتن بین باشد و در خویش فریفته گردد
و اگر بیند که چراغ پای از چوب بود دلیل کند که زن خادمه سفله و دون باشد **چراغدان** ابن سیرین گوید چراغدان در خواب زن
باشد و معبران گویند خدمتکار خانه باشد و نشستنگه چراغدان کارفرمای بود کرمانی گوید اگر کسی بیند که چراغدان آهنین داشت
دلیل کند که اصل آن خدمتکار کبر بود با شیم و اگر سفالین بیند آن خدمتکار مسلمان باشد و اگر بیند که چراغدان از دست وی بیفتاد
و بشکست دلیل کند که زن خدمتکار بمیرد **چرغ** ابن سیرین گوید چرغ در خواب پادشاه باشد و چرغ وحشی دلیل کند بر فرزندی
باشد که بمرتبه بلوغ و مردی رسد و اگر بیند که چرغ را بگرفت دلیل کند که پادشاه بر وی ستم کند و اگر بیند که پادشاه چرغ بوی داد
دلیل کند که از پادشاه قوت و عزت یابد و بر دیگران ستم کند و اگر بیند که با چرغ شکار میکرد و چرغ او شکار میکرد دلیل کند
که او را فرزندی آید نافرمان و اگر بیند که از گوشت آن چرغ چیزی میخورد دلیل کند که از فرزند رنج بیند و اگر بیند که چرغ بجز آب
دیدن دلیل بر وی بزرگ بود که علم و قوت و سیاست دارد و اگر بیند که چرغ در خانه وی فرزند میکرد دلیل کند که او را فرزند آید

بیند که چرغ سه مرتبه فریاد کرد دلیل کند که هیچ زیانش نرسد و بعضی از معبران گویند که چرغ مردی دزد بود که کارها بشب کند
جستن ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که از جایی بجایی بجست دلیل کند که از حالی بحالی دیگر گردد و اگر جستن وی از ... بود
دلیل کند که سفری دور کند و اگر بیند که چوبی بدست گرفته و از جایی بجایی همی جست دلیل کند که بر مردی قوی اعتماد کند و اگر بیند
که از دیواری فرو جست دلیل کند که زن را بگذارد و طلب زن دیگر کند و اگر بیند که از بام فرو جست و بر وی آسیب رسید دلیل کند که
هلاک شود و اگر بیند که از بام فرو جست و خانه در زیر پای وی فرو شد و بمرد دلیل کند که زن از وی جدا شود و باز به پیش وی آید
و اگر بیند که از زمین بهوا بر جست و در هوا بایستاد آنگاه بعد از آن خود را در حرم کعبه دید این جمله دلیل بر حج کردن باشد و اگر بیند
که از سرای مجهول بسرای مجهول بر جست دلیل کند که هلاک شود و اگر بیند که بر کوه همی جست و معلق همی زد دلیل کند که کار وی
بگردد و عیش بر وی تباه گردد و اگر بیند که بهوا جست و مرغی بگرفت دلیل کند که زن خود را بگذارد و زنی دیگر خواهد و اگر بیند
که چوبی یا عصایی یا چیزی دیگر از جایی بجایی بجست دلیل کند که از رنج وا رهد و بر همه کارش مقام شود **چشم** ابن سیرین گوید
چشم بخواب دیدن حمایت بچشم بر راست و چشم ازرق بدعت باشد و چشم شهلا فرزند باشد و هر دو چشم دو فرزند باشند
و اگر بیند که نابینا شده است دلیل کند که از راه هدی گم شده باشد یا فرزند وی بمیرد و اگر بیند که یک چشم او کور شد دلیل کند که بزه دینی
وی رفته باشد یا گناهی بزرگ کرده باشد یا یک دست یا یک پای یا یک اندام تن وی مصیبتی رسد کرمانی گوید اگر بیند که در چشم سرمه
کشید دلیل کند که صلاح دین جوید و اگر بیند که مقصودش از سرمه زینت و آرایش است دلیل کند که خویشتن را با امانت و دیانت
داری بمردم نماید تا عزیز شود و اگر بیند که کسی سرمه بوی داد تا در چشم کشد دلیل کند که او را از آن کس ... و اگر بیند که در وی بسیار بود
چشم وی منفعت بود بظاهر و باطن دلیل کند که منافع بود و اگر بیند که در تن وی چشمهای بسیار است و همه چیز را بکمال میدید دلیل بود
که صلاح دین وی زیاده بود و اگر کسی بیند که کسی چشم وی را برکند دلیل کند که آنچه چشم وی بدان روشن بود از وی غایب شود
چنانکه دیگر او را باز نبیند جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که چشم وی از آهن است دلیل کند که پرده وی دریده شود و اگر
بیند که هر دو چشم وی آماسیده بود دلیل کند که او را با مردی خلاف و محبت افتد و اگر نور چشم را ضعیف بیند دلیل کند که در کارهای دین
او را تقصیر افتد و اگر هر دو چشم خویش پاکیزه بیند دلیل کند که از دین و شریعت بهره گرفته و اگر بیند که در میان روی او
یک چشم است دلیل کند که بر زبان وی سخن ناسزا رود در باب دین و اگر بیند که چشمهای وی روشن است و مردمان بینند
کور وی کور است یا شب کور دلیل کند که باطن وی در دین بهتر از ظاهر او بود و اگر بیند که چشم کسی سیاه بود و ازرق شد دلیل
و برگشتن حال وی باشد و بخشم ... و اگر بیند که هر دو چشم وی سپید شد و دیگری سیاه شد دلیل کند که بیمار شود

یا باکسی حضرت خیانت کند و اگر بیند که یک چشم او را آفت رسید دلیل کند که فرزندان او را زیانی رسد و اگر بیند که هر دو چشم
وی نابینا شد چنانکه هیچ سپیدی نداشت دلیل کند که متکبر شود و اگر بیند که کسی دست فراز کرد و چشم وی برکند دلیل کند که کسی فرزند
او را از راه ببرد و اگر بیند که کسی چشم او را به دست بگرفت دلیل کند که فرزند او را زیان رسد یا مالش برود یا گناهی کند که او را
مضرت رسد و اگر بیند که خون از دیده وی بیرون رفت دلیل کند که بچه فرزند او را غمی رسد یا نقصان مال او شود و اسمعیل اشعث گوید اگر
کسی بیند که چشم او گوش گشت و گوش او چشم شد دلیل کند که زنی خواهد که او را دختری باشد و با هر دو مجامعت کند و اگر بیند که
برکف دست خویش بود دلیل کند که مال یابد و اگر بیند که در چشمهای سپیدی بود دلیل کند که او را غم و اندوه رسد و قوله تعالی
و ابیضت عیناه من الحزن چنین گوید که شخصی پیش دانیال علیه السلام آمد و گفت در خواب دیدم که چشم راستم بوسه بر چشم چپ بزد
دانیال گفت ای مرد از خدا بترس و بپرهیز از این با زن همسایه خیانت مکن تا از عقوبت حق تعالی ایمن گردی آن مرد گفت که توبه کردم
و بپرهیزم امام جعفر صادق علیه السلام فرماید دیدن چشم در خواب بر هشت وجه باشد یکی روشنائی دوم دین سیم [illegible] چهارم فرزند
پنجم مال ششم علم هفتم زیادتی در علم و مال **چشمه** ابن سیرین گوید چشمه آب در خواب مهتری بود و جوانمرد و بخشنده چون آب
وی خوش طعم و خوشبوی بود و اگر آبش تیره و ناخوش و گنده بود دلیل کند که در انجام غم و مصیبت و اندوه بود و اگر بیند که از آن چشمه
مسح میکرد دلیل کند که از غمها فرج یابد و اگر بیند که آب آن چشمه زیاده شده دلیل کند که جاه و بزرگی یابد و در راه یار جوانمردی [illegible]
شود و اگر بیند که آب چشمه نقصان کرد تاویلش بخلاف این باشد و اگر بیند که آب چشمه خشک شد دلیل کند که مهتری جوانمرد از آن
دیار رحلت کند کرمانی گوید اگر کسی بیند که در دکان یا در خانه وی چشمه آب پدید آمد دلیل کند که او را غم و اندوه و گریستن بود به
قوت و قدر آب چشمه و اگر آب چشمه را تیره و ناخوش دید آنچه گفتیم صعب‌تر باشد و اگر بیند که در آن چشمه دست و روی بشست
دلیل کند که اگر بنده بود آزاد گردد و اگر غمگین بود از غم فرج یابد و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر وام دار بود وامش گزارده شود
و اگر گناهکار بود توبه کند جابر مغربی گوید آب چشمه در خواب دلیل بر عمر صاحب خواب است بدان قدر که در چشمه آب بیند خاصه که دست
بدان آب بزند و آب ایستاده و بی دلیل ضعیف‌تر باشد از آب روان و بعضی از معبران گویند که چون آب چشمه ایستاده بود دلیل
بر پرهیز و صلاح و علم کند و چون روان باشد دلیل بر غم و اندوه باشد امام جعفر صادق فرماید دیدن چشمه آب در خواب بر پنج وجه
باشد یکی مهتری جوانمرد دوم علم سیم معیشت چهارم پادشاهی پنجم عمر و زندگانی **جنازه** ابن سیرین گوید جنازه در خواب سخن باطل
بود و اگر بیند که جنازه میبرد دلیل کند که سخن دروغ و باطل گوید یا او را غم و اندوه رسد و اگر بیند که پادشاه جنازه بوی داد دلیل کند
که از پادشاه جاه و بزرگی یابد و اگر اهل آن نبود از غم فرج یابد و اگر بیند که جنازه را بشکست یا بیفکند دلیل کند که از دروغ

و باطل توبه کند و اگر بیند که جنازه را بر سر نیزه و چنازه [illegible] اگر صاحب خواب عالم باشد دلیل کند که مردمان را تعلیم علوم کند و از آن علم
فایده بمردمان رسد و باشد که از سه گونه علم گوید علم تعبیر و علم تفسیر و علم حدیث شنیده و اگر این کس جاهل باشد شغلی کند که او را از آن شغل
رنج رسد و اگر بیند که با جنازه جنگ میکرد [illegible] دلیل بر غم و اندوه و مصیبت کند **جغد** مردی باشد نابکار و حرام خوار
و مصیبت کننده و اگر بیند که جغد میگرفت دلیل کند که او را با چنین مردی خصومت افتد و بعضی گویند جغد مبارک باشد کرمانی گوید اگر
کسی بیند که بانگ جغد میکرد یا می‌شنود دلیل کند که در آنجا بانگ نوحه و شیون خیزد و اگر بچه جغد را بیند دلیل پسر خرد شوم
و ناخلف باشد و اگر بیند که گوشت جغد میخورد دلیل کند که از مال مردی نابکار بقدر آن گوشت چیزی وی را حاصل گردد **چغندر**
ابن سیرین گوید چغندر در خواب دلیل بر غم و اندوه باشد و اگر کسی بیند که چغندر میخورد دلیل کند که بقدر آن غم و اندوه خورد
و اگر بیند که چغندر از خانه بیرون افکند دلیل کند که از غم فرج یابد کرمانی گوید چغندر در خواب منفعت اندک باشد از جهت زنان و چغندر
پخته هم منفعت از زنان باشد **جعل** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که جعل مهره بوی داد یا مهره گرده یافت دلیل کند که
مال و منفعت یابد و اگر بیند کسی بر وی جعل حمله یا [illegible] دلیل بود که جهت کند جابر مغربی گوید اگر بیند جعلی مهره گرده
بر دوش او [illegible] مهره از وی برگرفت دلیل است که بر مال او [illegible] و اگر بیند که جعل از وی خارج شد یا بسوخت دلیل کند که مال وی
ضایع شود **چکاوک** بپارسی قبره خوانند تاویلش به خواب فرزند غلام باشد اگر در خواب بیند که چکاوک نر گرفت یا کسی
داد دلیل کند که غلام وی را پسر آید و اگر ماده دختر آید کرمانی گوید چکاوک در خواب مردی بود شیرین عزیز کم آزار و چرب زبان
اگر کسی بیند که چکاوک وی را عطا داد یا گرفت دلیل کند که با چنین مردی او را صحبت و دوستی افتد امام جعفر صادق فرماید چکاوک
در خواب بر سه وجه بود یکی غلام کوچک دوم پسر زند سیم عزیز شیرین گوی کم آزار و آمیزنده با مردمان **جگر**
ابن سیرین گوید مال پنهان کرده بود و اگر بیند که جگر مردم میخورد دلیل کند که مال مردم پنهان کرده یابد و اگر بیند که بسیار جگر
پخته یا بریان کرده او را حاصل شد و یا جگر خام دین بود که گنج یابد و جگر گاو و گوسفند همین دلیل کند بر مال و بعضی
معبران گویند جگر در خواب دلیل بر فرزندان کند رسول علیه السلام فرموده اولادنا اکبادنا کرمانی گوید بیرون آمدن جگر و پیدا شدن آن
مال پنهان باشد که پیدا شود و جگر بسیار اگر پخته و اگر خام بود دلیل کند بر یافتن گنج و بر علم امام جعفر صادق فرماید دیدن
جگر در خواب بر سه وجه باشد یکی مال دوم فرزند سیم دوستی که بجای فرزند باشد سیم علم و اگر بیند که در خانه او جگر بیرون میکرد یا آتش
جگرها را میسوخت دلیل کند که پادشاه مال و گنج او بستاند و اگر اینخواب عالمی بیند دلیل کند که علم را جمله فراموش کند **جماع**
دانیال علیه السلام فرماید جماع کردن در خواب روا شدن حاجت باشد خاصه چون بیند که منی از وی جدا شد و اگر بیند که با کسی جماع کرد

کند که از آن کس نیکی یابد و حاجت او روا شود و اگر بیند که کسی با وی جماع کرد دلیل کند که خاندان او […] شوند و اگر بیند که با زن خود
جماع کرد چنانکه زن از بالا بود و مرد از زیر دلیل کند که زن دیگر خواهد و از وی چیز و منفعت بیند ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که با زن خود
یا با زنان دیگر از راه دیگر مجامعت میکرد دلیل کند که مردی مبتدع باشد […] و در انکار راه راست مبتلا شده سنت رسول را
نگاه ندارد و اگر بیند که با مادر خود یا خواهر یا کسی که حرام است مجامعت کند با او دلیل کند که شفقت خویش بروی برسد اگر زنده باشد و اگر مرده
دلیل بر غم و اندوه کند بعضی از معبران گویند اگر زنده باشد از ایشان چیز و نیکی بیند و باشد که حج اسلام کند و اگر کسی بیند که با زن خود که مرده
مجامعت کند دلیل بر غم و سستی کار باشد و اگر بیند که با زن مرده بیگانه بود جماع کرد دلیل کند که کاری کند که از او نومید شده بود تمامی
بیابد مرده که بیگانه بود و اگر بیند که با جوان مجهول مجامعت میکرد و در میان ایشان حرمت بود دلیل کند که خصومت صحبت […]
دارد او چیز و نیکی بیند و اگر مرد جوان معروف بود بر وی ظفر یابد و اگر بیند که جماع با روی پیر میکرد دلیل کند که چیز و نیکی از بخت خویش
بیند […] گوید اگر کسی بیند که دختر برادر و […] دلیل کند که در آن سال […] خواهر یا کنیزک بخرد و اگر بیند که با قوم پادشاه شده صحبت
کرد دلیل کند که از آنجا چیز و نیکی بیند و اگر بیند که با چهار پای مجهول مجامعت کرد دلیل کند که بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که با […]
مجامعت کرد دلیل کند که بر کسیکه منسوب […] ظفر یابد و اگر بیند که با پادشاه مجامعت دلیل کند که محرم و عزیز […] شود و اگر
بیند که با زن پادشاه جماع کرد دلیل کند که کارش به شود و با خویشان او پیوند و صحبت کند و اگر آن زن زنده بود از […]
او مفارقت کند و بعضی از معبران گویند با زن حائض جماع کردن دلیل بر […] کارها بود […] گوید اگر کسی بیند که با کنیزکی
جماع کرد دلیل کند که از پادشاه چیز و منفعت بدو رسد و اگر بیند که با مردی معروف جوان مجامعت کرد دلیل است که از او […]
بوی رسد و اگر بیند که با مردی مجهول جوان مجامعت کرد دلیل که از پادشاه حاجت وی روا کرده و اگر بیند که با مردی پیر […]
جماع میکرد دلیل کند که از برای او […] چیز آید حاصل کند و اگر زن بیند که با زن دیگر جماع کرد دلیل کند که از او نیکی یابد و حاجتش
روا کرده امام جعفر صادق گفته جماع کردن در خواب که غسل واجب گردد […] نباشد **جلاب** ابن سیرین گوید جلاب
خواب از حلال باشد و دین پاک و اگر بیند که کسی جلاب بوی داده بخورد دلیل کند که وی را […] مال حاصل شود و […]
درشت […] و اگر بیند که او بکسی جلاب داد دلیل کند که از آن کس چیز و منفعت یابد و اگر بیند که جلاب […]
این باشد **جنازه** ابن سیرین گوید اگر بیند که جنازه میبردند دلیل کند که […] برچندان مردمان که از پس جنازه او […]
و بزرگی یابد لیکن در دین وی خللی بود و با آن قوم که از پس او بر فتند […] و اگر بیند که جنازه […] دلیل
کند که بحرمت پادشاه برسد و […] چیز و نیکی یابد و اگر بیند که قومی از پی جنازه او […] دلیل کند که […]

[illegible]

بزرگ از آن شهر در سفر میرد و اگر خویشتن را بر جنازه بیند که […] بر زمین برفت دلیل کند که بسفر شود کرمانی گوید اگر بیند که مرده را
بر جنازه میبردند و از پس جنازه وی کسی نبود دلیل کند بر نقصان عزت و کار وی و اگر بیند که در پس جنازه وی مردمان بسیار میرفتند […]
این باشد و اگر بیند که بر جنازه گران بود دلیل کند که بر مردمان ستم کند و اگر بر جنازه سبک بیند بخلاف این باشد و اگر بیند که از جنازه
بیفتاد یا کسی که او را میبردند […] دلیل کند که از عزت و جاه بیفتد امام جعفر صادق گفته دیدن جنازه در خواب بر […]
وجه بود یکی مال و بزرگی دوم ولایت سیم عز و جاه […] حرمت **جنب** اگر کسی بخواب بیند که جنب بود دلیل کند که در حرام […]
و گرفتار شده باشد و بعضی از معبران گویند که سفر کند و مراد نیابد و کارش تباه شود و اگر بیند که خود را از جنابت بشست جامه پاک […]
دلیل کند که سرانجام از آن کار رسته گردد و […] و کار بسته وی گشاده گردد و اگر بیند که خود را تمام بشست […]
کرمانی گوید اگر کسی در خواب خود را جنب بیند و برهنه دلیل کند که در کار خود متحیر و عاجز […] و اگر بیند که خود را بشست جامه […]
پوشید دلیل کند که […] باز گردد و توبه کند **چنگال داشتن** ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب خود را همچون مرغان چنگال بیند دلیل
کند که او را قوت باشد در کسب معیشت و دشمنان را قهر کند و اگر بیند که چنگال مرغان در دست داشت دلیل کند که […]
مرغ چیز و منفعت بیند امام جعفر صادق گفته چنگال در خواب دیدن بر سه وجه است یکی قوت دوم […] در کارها سیم معیشت
کسب کردن **چنگ زدن** ابن سیرین گوید چنگ زدن در خواب سخن باطل بود و اگر بیند که چنگ میزد دلیل کند که سخن باطل
و دروغ گوید و او را غم و اندوه رسد و اگر بیند که پادشاه او را چنگ داد […] از پادشاه جاه و بزرگی یابد و اگر از اهل آن نبود
از غم و رنج یابد و اگر بیند که چنگ را بشکست یا بیفکند دلیل کند که از دروغ و باطل توبه کند و اگر بیند که کسی چنگ میزد […]
دلیل کند که شنونده دروغ و باطل باشد و بعضی از معبران گویند چنگ زدن در خواب […] کرمانی گوید اگر کسی بیند که با چنگ
و چغانه و نای و رقص بود این جمله دلیل بر غم و مصیبت کند […] گوید اگر کسی بیند که چنگ […] میزد دلیل بر وفات او باشد
جنگ کردن ابن سیرین گوید جنگ کردن در خواب هر طرف که غالب آید بر دشمن ظفر یابد **جهود شدن** ابن سیرین گوید
اگر کسی در خواب بیند که جهود شده دلیل کند که بر راه بدعت بود و […]
اگر کسی در خواب بیند که جهود یا ترسا یا بت پرست یا مشرک شده دلیل کند بر ضلالت و گمراهی و بر خدای تعالی بهتان و دروغ
گفتن و اگر بیند که از آن کیش برگشت و مسلمان شده دلیل […] گناهی بزرگ […] توبه […]
کرده و اگر بخواب بیند که نداند که در کدام کیش است و از کدام قبیله […] دلیل کند که در راه دین سرگشته […] امام جعفر صادق
فرماید اگر کسی بیند که جهود شده دلیل است که صاحب خواب بکارهای […] و از حرمت غافل […] اگر جهودی بیند که

که مسلمان شده دلیل کند که زود و دیر دیا مسلمان شود **جو** اگر کسی بیند که جو تر یا خشک یا پخته همی خورد دلیل کند که چیزی اندک بدو آید
و اگر بیند که جو داشت یا کسی بدو بخشید دلیل کند که بقدر آن چیز نیکی بدو رسد و دلیل بر تندرستی بود و اگر بیند که جو در زمین بکشت دلیل
کند که در اعمال جمع شود و کاری کند که خدای تعالی از او خشنود گردد و امام جعفر صادق ع فرماید دیدن جو در خواب مال بود که آسان
بدست آید و جو فروختن در خواب دیدن مردی بود که دنیا را بدین اختیار کند **جوال** ابن سیرین گوید جوال دوز در خواب دیدن مردی
بود که کارهای مردم بهم پیوندد و خاصه کارهای کوچک راه و اگر بیند که جوالدوز فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل کند که او را صحبت
با مردی افتد بدین صفت که گفتیم و اگر جوالدوز بشکست یا ضایع شد دلیل کند که هلاک شود **جوان شدن** ابن سیرین گوید اگر کسی
بیند که محاسن سپید او سیاه شد دلیل کند که او را فرزندی شود و اگر جوان مجهول را بیند دلیل کند که او دشمن خواری بیند و اگر آنکه
بر بنیاد جابر مغربی گوید اگر جوانی در خواب بیند که پیر گشته بود دلیل کند که علم و ادب آموزد و شرح آن در حرف پیم بیان کنیم
چوب کرمانی گوید چوب در خواب نفاق بود و بعضی از معبران گویند چوب در خواب مردی بود که در نفاق بود و اگر بیند که
چوب با وی نفاق کند و چوب گز در خواب دیدن دنبال گوید منافق و دروغ زن و درست او و رست باشد **جوراب** ابن
سیرین گوید جوراب در خواب خادمی باشد از شمار زنان و اگر بیند که جوراب نو از ابریشم داشت دلیل کند که او را خادمی باشد
و رزان او برخوردار شود و اگر جوراب پشمین با نقش بیند دلیل کند که کنیزک خواهد خوبروی بیارند با جمال و اگر جوراب زرد بیند
دلیل کند که او را خادمی بیمار گونه حاصل شود و اگر جوراب سرخ بیند دلیل کند که او را خادمی شوخ بی شرم باشد و اگر جوراب سپید بیند
اگر مصنوع باشد کنیزک خوب باشد و اگر مصنوع نباشد کنیزک باشد و اگر بیند که جوراب بپرکین بود خادمه اش بر بیخاوی متهم گردد و اگر
بیند که جوراب او ضایع شد یا بسوخت دلیل کند که خادم او بمیرد و بعضی از معبران گویند جوراب در خواب مال خواسته بود
و اگر جوراب او خوشبوی بیند دلیل کند که زکوة مال بدهد و اگر بوی ناخوش بیند تاویلش بخلاف این باشد کرمانی گوید اگر بیند که
جوراب وی از پوست بود و اگر از پوست شتر بیند دلیل کند که خادم وی بزرگ همت باشد و اگر از پوست سگ بیند دلیل کند که خادم
از مردم اصلاح باشد و اگر از پوست [illegible] بیند دلیل کند که خادمه اش از اصل عجمان و سپاهیان بود و اگر بیند که از پوست [illegible] بود دلیل
کند که خادم وی از مردم [illegible] بود جابر مغربی گوید اگر بیند که در پای جوراب داشت دلیل کند که مالی بدهد و اگر جوراب [illegible] بیند
که در پای داشت دلیل است که زکوة مال بدهد امام جعفر صادق ع فرماید جوراب در خواب [illegible] مال باشد و نگاه داشتن [illegible]
و اگر بیند که از جوراب بوی خوش می آید دلیل کند که مدح زنند که وی بعد از مرگ او را ثنا گویند و اگر بوی ناخوش بیند او را [illegible] نفرین
گویند و اگر بیند که جوراب وی ضایع شد دلیل کند که زکوة مال ندهد و مالش ضایع شود **جوشن** ابن سیرین گوید پوشیدن

جوشن در خواب پشت بود و بقدر روشنی و پاکیزگی وی و اگر بیند که جوشن داشت دلیل کند که او و اهل بیت او ایمن شوند از دشمنان
و اگر بیند که جوشن پوشیده داشت دلیل است که از شر دشمنان ایمن باشد کرمانی گوید اگر بیند که با جوشن سلاح دیگر داشت دلیل کند که
از مکر منافق و کشتن حاسد ایمن باشد و بعضی از معبران گویند جوشن در خواب دیدن تندرستی بود و نگاه داشتن او را از مصیبت هر که در خواب
بیند که جوشن پوشیده است دلیل کند که در حفظ خدای عز و جل باشد امام جعفر صادق ع فرماید جوشن در خواب دیدن بر شش وجه باشد یکی
بزرگی دوم پناه سیم قوت چهارم ایمنی پنجم [illegible] ششم زیادتی در دین **چوگان** ابن سیرین گوید چوگان اگر
کسی در خواب بیند که چوگان در دست داشت دلیل کند که [illegible] رونقش زیاده شود و در دین و طاعت سست باشد
کرمانی گوید چوگان در دست پادشاه بخواب دیدن که گوی زند دلیل کند که بر دشمنان ظفر یابد و چوگان چون در دست مردم عامه باشد
دلیل که با مردم جنگ و خصومت کند و سخن زشت شنود [illegible] و معبران گوی را به دل تشبیه کرده اند و چوگان را بزبان **جولاه**
ابن سیرین گوید جولاه در خواب مرد سفری یا پیک بود که در همه عالم همی گردد و اگر بیند که جولاه کرباس میبافت با کسی خصومت
افتد زیرا که کرباس بافتن بتاویل جنگ و جدال باشد کرمانی گوید بافتن جامه در خواب سفر بود و در حرف با در بافتن بیان کردیم
اگر بیند که جامه را تمام بیافت دلیل بود که [illegible] گردد و اگر نا تمام ماند دلیل [illegible] بود **جواهر** بپارسی گوهر بود ابن سیرین گوید
اگر بیند که گوهر و مروارید بسیار داشت که هر آنچه از او بود دلیل بر آن که خداوند علم و دین شود و با هر کس نیکی و احسان کند و اگر خداوند
دین نبود دلیل کند که خداوند مال و نعمت و مال شود بقدر گوهر **جوی آب** ابن سیرین گوید جوی آب در خواب دیدن آب
خوش زندگانی خوش باشد و اگر بیند که از جوی مجهول آب صاف بخورد و این کس در سفر یا جای بیگانه باشد دلیل کند که بکار مجهول
مشغول گردد و هر چه خورده در آن گذارد و بقدر آب که از جوی خورده منفعت یابد و اگر آب جوی شور و تلخ و ناخوش بود دلیل
بر تنگی معیشت و زندگانی وی ابن سیرین گوید جوی آب در خواب دیدن دلیل کند که مقرب شود و اگر آب جوی را روان
و صاف بیند دلیل کند که کار وی روان گردد و اگر آب جوی را تیره بیند دلیل کند که کارش تباه و بی نظام شود و بهر حال که
آن جوی را بیند بوی باز گردد و اگر بیند که بر تختی نشسته بود و در زیر آن تخت آب روان بود دلیل کند که اقبال و دولت او زیادت شود
لقوله تعالی تجری من تحتها الانهار لهم فیها ما یشاءون و اگر بیند که خود در جوی آب نشست دلیل بود که از غم فرج یابد و اگر بیمار بود
شفا یابد و اگر وام دار بود وامش گزارده شود و اگر در سفر باشد زود باز آید خاصه که آب صاف در وی بود جابر مغربی گوید
جوی آب در تاویل مردی باشد محتشم با منفعت اگر بیند که از جوی آب بر داشت دلیل کند که از مردی محتشم مالی بدو رسد **و تعبیر**
چیزهائی که در اول آنها حا از حروف تهجی است **حبر** در خواب طلب کردن معیشت و یافتن مراد باشد و اگر بیند که حبر

مرکب

بمسافت با کسی بوی داده دلیل کند که بر قدر آن مسافت بروی فراخ گردد و اگر بیند که جو بر بخت یا مناره‌ها شد تاویلش بخلاف
این باشد کرمانی گوید اگر بیند که جو بر جاه او ریخت دلیل کند که او را رنج با ندرسد و اگر دیر بود او را رنجها رسد و اگر بیند که جو چیزی
اگر کام حاصل بود دلیل بر چیز و صلاح کند و اگر چیزی دیگر بریخت تاویلش بخلاف این باشد **حجامت کردن** اگر بیند که حجامی بکرد
در جا بجای یگانه وی را حجامت کرد دلیل کند که بر دشمن کتابی نویسد و امانتی در گردن خود گیرد و اگر بیند که او را کسی حجامت
کرد و آنکس دوست وی بود امانتی باو سپارد و اگر دشمن وی بود از شر او ایمن گردد و اگر آنکس جوان بود همین تاویل دارد
و اگر پیر بود حرمت و بزرگی یابد کرمانی گوید اگر بیند که پیر برا حجامت کرد کارش نیکو شود و اگر بیند که پادشاه برا حجامت کرد دلیل
کند که مقرب پادشاه شود و اگر بیند که حجامت کرد و خون از وی بیامد دلیل کند که از چاره‌ی حجامت یابد و اگر بیند که شیشه حجامت بشکست دلیل
کند که زنش بمیرد یا وی را طلاق دهد جابر مغربی گوید حجام پیر بخت بیننده بخواب بود و حجام جوان دشمن وی بود و اگر بیند که حجامی
کرد و شیشه نهاد و خون برگرفت اگر خداوند علم است دلیل کند که مستوفی گردد یا وزیر پادشاه شود و اگر خداوند علم نبود دلیل کند که او
را جاه و بزرگی [illegible] امام جعفر صادق فرماید حجامت در خواب بر هفت وجه بود یکی امانت کردن
دوم شرط خواندن سیم ولایت یافتن چهارم شادمانی پنجم یاد کردن ششم صحبت ششم سنت پیغمبران هفتم
اگر عالم بود از علم معزول شدن خاصه چون بیند که حجام جوان بود و اگر حجام پیر بود از علم رسته و بعضی معبران گویند اگر حجام را
بیند و اگر پیر دلیل کند که بدروغ بروی گواهی دهند و او را بهم هلاک بود و حجام بقول بعضی کاتب جراح بود و بعضی از معبران گویند که
کار او به دست وی گشاده گردد **حج کردن** ابن سیرین گوید حج کردن اگر کسی بخواب بیند که بحج برفت دلیل کند که خدای تعالی
او را حج کرامت کند و اگر بیمار بود عاقبت شفا یابد و هر مرادی که دارد برآید و اگر بیند که حج از وی فوت شد دلیل کند که فرض
گرده و کارش بنظام شود کرمانی گوید اگر کسی بیند که در حرم لبیک میزد دلیل کند که او را ترس و بیم بود و اگر بیند که در کعبه نماز
میکرد دلیل کند که از مهتران و بزرگان کارش نیکو شود و اگر بیند که حج بروی واجب شد و لیکن قصد حج میکرد دلیل کند که در کار
خیانت کند و اگر بیند که روزه است دلیل کند که با کسی صلح کند امام جعفر صادق فرماید حج کردن در خواب بر هفت وجه
باشد یکی تزویج کردن دوم [illegible] سیم پادشاه را داد کردن چهارم بسکونت با مردم پنجم سعی نمودن در کار خیر
ششم مزد و ثواب بردن هفتم بصحبت اهل علم رسیدن **حجر الاسود** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که دست بحجر الاسود نهاد
و رفتار میکرد با امام دلیل کند که از اهل علم و پرهیز منفعت رسد و اگر بیند که حجر الاسود بر الکند بود دلیل است که بحج رود
یا عقار بود و اگر بیند که از آب زمزم بخورد دلیل کند که چیزی گم شده را باز یابد کرمانی گوید کسی بیند که حجر الاسود را بوسید

وردی

و در وی بدین میا لید دلیل کند که او را چیز و صلاح دینی زیادت شود و دلیل بحرات اهل صلاح و یا علما بود **حد زدن** ابن سیرین
گوید حد زدن در خواب دلیل بر فراهم آوردن کار زنان کند و اگر بیند که او را حد میزدند دلیل کند که بمقدار آن کارهای زنان را فراهم
آورد و اگر بیند که کسی را حد میزد تاویلش بخلاف این باشد جابر مغربی گوید اگر کسی را چند از بهر گناهی حد میزدند و بیننده خواب مصلح باشد دلیل
کند که بشغل دنیا مشغول شود و اگر صاحب خواب مفسد بود دلیل بر رنج و اندوه بود **حمام** بتازی بزه گویند اگر بیند که بزه تنها
داشت دلیل است که او را فرزندان آید و اگر زن ندارد چیزی بوی رسد و اگر بیند که با حربه سلاح تمام داشت و بپوشیده بود
دلیل کند که جاه و بزرگی یابد و اگر بیند که پادشاه حربه بوی داد دلیل کند که از پادشاه بر آنکس خیری رسد و اگر بیند که حربه در دست
وی بشکست دلیل کند که از دشمن یا حضرت رسد خاصه که بوقت کارزار بیند امام جعفر صادق فرماید دیدن حربه در خواب بر شش وجه
باشد یکی عیب دوم ولایت سیم عز و نام چهارم ظفر پنجم ریاست ششم منفعت **حریر** بپارسی پرنیان بود و تاویل حریر دیبا گفته‌ایم
بود در حرف دال بیان کرده خواهد شد **حساب** ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که حساب میکرد دلیل کند که در محنت
و عذاب افتد چنانکه بیش و بنده الحساب عند الحسیب معنی شمار زنده یک سخن کار است کرمانی گوید اگر کسی بیند که در قیامت حق تعالی
با وی حساب میکرد و حساب بر وی آسان بود دلیل است بر رستگاری وی و اگر بخلاف این بیند بد باشد امام جعفر صادق
فرماید حساب قیامت بخواب دیدن بر شش وجه بود یکی از پادشاه که عذاب بوی رسد دوم فرزند سیم سختی و رنج چهارم بد حالی
پنجم اندوه و غم ششم عمر کوتاه **حصار** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که بحصاری اندر شد دلیل است که از شر دشمن ایمن شود و اگر
بیند که از حصاری بیرون آمد یا کسی وی را از حصار بیرون کند دلیل کند که دشمن بر وی ظفر یابد کرمانی گوید اگر کسی بیند که در حصاری بود
محکم و آن حصار ملک وی بود دلیل کند که از شر دشمنان ایمن بود و اگر بیند از حصاری بیرون آمد بخلاف این باشد جابر
مغربی گوید اگر کسی بیند که در میان حصار است نعمت و روزی بر وی فراخ بود و دلیل بر چیز و صلاح دین کند و اگر بر خلاف این بیند
دلیل باشد که حال وی تباه و دلبسته شود **حصیر** ابن سیرین گوید اگر بیند که حصیری داشت یا کسی بوی داد دلیل کند که بمقدار حصیر خیر و منفعت
بدو رسد و اگر بیند حصیر سیاه داشت دلیل بود که عاشق و مبتلا شود و اگر بیند که حصیر سپید داشت کم بها بود دلیل کند که زن درویش و اصیل
و اگر بیند که حصیر پاکیزه و قیمتی بود دلیل کند که زن محتشم و اصیل بود جابر مغربی گوید اگر بیند که حصیر سیاه داشت و حصیر درخت دلیل کند که
غم و اندوه بوی رسد امام جعفر صادق فرماید که حصیر در خواب بر سه وجه است یکی زن دوم منفعت بمقدار قیمت آن سیم خواری
که از آن وی را ملامت رسد و بدنامی حاصل شود **حقنه کردن** ابن سیرین گوید حقنه کردن در خواب خشم باشد که بکار برد و بعضی از
معبران گویند حقنه کردن در خواب تنگ عیشی شدن است و روزی او جابر مغربی گوید حقنه دلیل بر باز گشتن کاری کند بخلاف او

که صلاح دین بود امام جعفر صادق ع فرماید اگر کسی بیند که او را حقنه کردند و او را از آن حقنه رنج و آزار رسید دلیل کند که احوال او تباه شود
و اگر بخلاف این بیند دلیل بر عزت و نفع بسیار کند **حقه** ابن سیرین گوید حقه در خواب زن بود یا کنیزک اگر بیند که حقه از کرفت یا
خرید یا کسی بوی داد دلیل کند که زن خواهد یا کنیزک بخرد و اگر بیند که حقه وی بشکست یا ضایع شد دلیل بر جدایی زن بود یا بمرگ زن
جابر مغربی گوید اگر بیند که حقه بزرگ و پاکیزه و منقش کرده دلیل بود که زنی توانگر کند و از او منفعت یابد و اگر بخلاف این
بیند زن زشت و درویش یا کنیزک بدین صفت بخرد. **حکمت و علم** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که حکمت و علم بخواند دلیل کند
که قرآن خواندن او را کرامت کرده و اگر بیند که کتابی از حکمت و علم بخرید دلیل کند که مصحفی بخرد و اگر بیند که کتاب حکمت در خشت
دلیل بر تباهی دین وی بود کرمانی گوید اگر بیند که اوراق کتاب حکمت بخرد دلیل کند که علم و حکمت بسیار خواند و اگر بیند اوراق
حکمت ... دلیل کند که ترک نماز کند و اگر بیند که کتاب حکمت میخواند و او را می شنیدند دلیل کند که هوس علم و حکمت کند و شیفته باشد
حلاج ابن سیرین گوید که حلاج در خواب مردی قوی بود که کارهای مردان بر دست وی گشاده گردد و اگر بیند که حلاجی میکرد دلیل
کند که وی را با مردی بدین صفت که گفتیم صحبت افتد امام جعفر صادق ع فرماید حلاجی در خواب دو وجه دارد یکی منفعت دوم گشادگی
کارهای بسته باشد **حلوا** در خواب دلیل بر غم و اندوه بود و خوردن وی دلیل بر بیماری بود ابن سیرین گوید حلوا در خواب
مال بود که بدست آید از حرام و حلوای خشک در خواب دلیل بر مال کند و اندوه و از جهت زردی زعفران که در او است امام
جعفر صادق گوید حلوا مال بسیار بود و دین خالص ... حلوا ... که از خویشان بستاند و حلوا که در او مغز بادام بود یا جوز
دلیل بود که بدو رسد از مردی بخیل بقدر آنکه خورده باشد جابر مغربی گوید حلوا کردن در خواب دلیل است که بقدر آن زن حلال
حاصل شود چون در وی زعفران نباشد و اگر سفید باشد نکوتر بود و حلوا فروختن در خواب مردی لطیف زبان خوش طبع
بود **حمال کردن** ابن سیرین گوید حمال در خواب ... و خطرتر باشد و اگر بیند که بر کتف یا بر پشت بار برداشت دلیل کند که بقدر
آن وی را گزندی رسد و گناه و معاصی کند قوله تعالی لیحملوا اوزارهم کاملة یوم القیمة جابر مغربی گوید اگر بیند که از برای دیگران حمالی کند
به اجرت و کرایه دلیل کند که با مردمان ... کند و آن چیز ... خواب باز کرده و اگر بیند که حمالی کرد و مزد بستد ...
... خاصه که بار وی گران باشد **حنا** کرمانی گوید اگر بیند که حنا بر دست و پای نهد دلیل کند که خویشان را ... خوش دل
بیاراید و مزین گرداند لیکن در دین او کراهت باشد و بعضی گویند که مال اهل بیت و خویشان پوشیده گرداند و اگر در خواب کسی بیند
که او را حنا بستن نشاید دلیل کند که او را غم و اندوه رسد امام جعفر صادق ع فرماید حنا بستن در خواب بر سه وجه باشد آراستن
دوم ستر مال اهل بیت پوشیدن سیم غم و اندوه باشد **حنوط** بوی خوش باشد که بر مرده پراگنند ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که حنوط

بر روی پراکند اگر ... دلیل کند که توبه کند و بعمل نیکو باز گردد و اگر ... مصلح بیند دلیل کند که از غم فرج یابد و از
ترس ایمن شود و کارهای وی براو برآید کرمانی گوید حنوط در خواب ستایش مردم بود و از بهر آنکه بعضی از معبران گویند نیکنامی بود و بعضی گویند ثنا
اهل بیت بر او ... و بوی حنوط **حوض** ابن سیرین گوید اساس حوض در خواب علم و دانش بود و اگر بیند که خود را به آب حوض می شست
دلیل کند که توفیق طاعت یابد و از گناه و عصیان باز ایستد و اگر بیند که همه آب حوض را فرو خورد دلیل کند که عمرش را بسلامت
عاقبت کند را نده و مالش زیاده شود و اگر از اهل علم بود علمش زیاده گردد کرمانی گوید اگر بیند که تن و جامه خود را به آب حوض بشست دلیل
کند که اهل بیت وی توبه کنند و راه دین گزینند و اگر بیند که جامه خویش با آب حوض می شست و پلیدی از جامه وی نرفت یا آب ظاهر نشد
دلیل باشد که بعلم کار نکند و بعلم بد در میان خلق اشتهار شود و اگر بیند که بر کنار حوض سبزی رسته بود دلیل کند که از علم خویش منفعت
خاصه که بیند که حوض ملک او است و اگر بیند که حوض ملک او نبود و در آن مسلمانان بود و اگر بیند که آب حوض زیاده شد یا اگر
از جای در حوض آید دلیل کند که مال آن بقدر آب زیاده شود و اگر بیند که آب حوض تیره و تلخ بود دلیل بر غم و اندوه کند جابر مغربی گوید
اگر بیند که آب حوض بخورد دلیل کند که مال یابد از مردی توانگر و عاقبت کار وی محمود باشد امام جعفر صادق ع فرماید دیدن حوض در
خواب بر چهار وجه باشد یکی مردم با منفعت دوم توانگر سیم با جمع کرده چهارم عالمی که از علم وی مردم را نفع رسد **حشر**
ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند که قیامت بر پا شده و خلق را زنده کرده و حوض کوثر طلب میکرد دلیل کند که پادشاهی پیدا شود که
در میان خلق عدل و داد کند و اگر بیند که از حوض کوثر یک جام آب بخورد دلیل کند که مرگ او بر دست مسلمانان بود و اگر بیند که بر
حوض کوثر بگشت و آب بطلبید و کسی آب بدو نداد دلیل کند که دشمن اهل بیت پیغمبر شود و اگر بیند که رسول ع او را آب داد دلیل
که از شفاعت او بهره یابد کرمانی گوید اگر کسی بیند که در حوض کوثر نشسته بود و جامی بستد و از آن آب بخورد دلیل کند که او را با عالمی
بزرگ صحبت افتد و از آن عالم او منفعت ... جابر مغربی گوید اگر بیند که از حوض کوثر آب بخورد لیکن آب وی تیره و ناخوش بود
دلیل کند که بیننده خواب فسق دارد و از قرآن و اخبار پیغمبر نصیب نباشد و اعتقادش بد بود و دین اسلام در وی حقیر و خوار بود
و اگر بیند که حوض کوثر بدان صفت بود که در اخبار آمده است و از آن آب حوض بخورد دلیل کند که آن کس را بزرگ خدای تعالی فضل و توفیق
باشد و از بزرگان دین باشد **حیض** ابن سیرین گوید حیض زنان را نیک باشد در معصیت در زنان ... شده و اگر
مردی بیند که حایض شده دلیل کند که ... و حرام گرداند و بعضی از معبران گویند دلیل بر اندوه و سختی کند و اگر زنی بیند که حایض شد
دلیل کند که او را بقدر آن خون مال حرام حاصل شود و اگر بیند که زنش حایض شد دلیل کند که کارهای بر وی بسته شود و اگر
صاحب خواب مردی مستور باشد دلیل کند که در دین خویش متحیر گردد و اگر بیند که زنش از حیض پاک شد غسل کرد و جامه نو پوشید

دلیل کند که کار دین و دنیا بر وی گشاده گردد و اگر بیند که با زنان حایض جمع شد دلیل کند که کارهای دنیا بر وی آسان گردد
و بعضی از معبران گویند بر خلاف این باشد **در تعبیر چیزهایی که اول اسماء خا از حروف تهجی است** **خار** در خواب دام بود و اگر بیند
که خار بر اندام وی شد یا کسی بر وی زد دلیل کند که از کسی دام استاند و بعد از رنج خار سخن سخت شنود و اگر بیند که او خار بر
اندام کسی زد دلیل است که دام بکسی دهد و سخن سخت بکسی گوید کرمانی گوید اگر کسی بیند که خار بسیار داشت و از آن خار هیچ
باندام وی نرسید دلیل کند که دام بسیار دارد و بهره گذارده شود و هیچ رنج بوی نرسد امام جعفر صادق ع فرماید دیدن
خار در خواب بر سه وجه باشد یکی دام دوم غم سوم سختی کارها و دشواری آن **خارپشت** ابن سیرین گوید خارپشت در خواب
دشمنی بود زشت دیدار بدخوی و اگر بیند که خارپشت را بگرفت دلیل کند که دشمنی را قهر کند و اگر بیند که از گوشت خارپشت بخورد
دلیل کند که بقدر آن از مال دشمن بخورد و اگر بیند که خارپشت وی را بگزید دلیل کند که از دشمن وی را مضرت رسد خاصه که بیند از
زخم خون آمد بیرون **خارش** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که او را خارش تن پدید آمد دلیل کند که طلب خویشان کند و از
ایشان غم و اندوه بیند کرمانی گوید خارش تن دلیل است بر احوال خویشان اما چون رنج و غم کشید از ایشان
جعفر صادق ع فرماید اگر کسی بیند که وی را بجهت خارش تن رنج و گزند رسید دلیل کند که او را از خویشان مضرت رسد و اگر
از خارش مضرت نیافت از ایشان مضرت بوی نرسد **خاشاک** ابن سیرین گوید که خاشاک در خواب مال بود
بود و اگر بیند که در خانه وی خاشاک بسیار بود یا او در میان خاشاک مقیم شد دلیل کند که بقدر آن مال حرام بوی حاصل شود
و اگر بیند که خاشاک همی سوخت دلیل کند که مال خویش ضایع کند کرمانی گوید اگر بیند که از صحرا خاشاک می آورد و بخانه می برد دلیل کند
که بقدر آن از سفر او را مال حاصل شود و اگر بیند که در شهری یا در کوچه باد و خاشاک می آورد دلیل کند که مردم آن موضع را بقدر
آن از پادشاه چیز و منفعت رسد **خاک** ابن سیرین گوید خاک دیدن بخواب اندک بسیار آن درم بود و اگر بیند که از خاک
او خاک بود دلیل کند که برنج مال او را حاصل شود و اگر بیند که بر خاک میرفت دلیل کند که مال و درم وی را حاصل شود
کرمانی گوید اگر کسی بیند که خاک از خانه بیرون میبرد و پراکنده میکرد دلیل کند که هزینه کند مال خود را و اگر بیند که خاک از دست خود
می افشاند دلیل کند که بقدر آن مال وی ضایع شود و معبران گویند از مال تهی دست باشد و اگر بیند که بر اندام وی گرد نشسته
دلیل کند که بقدر آن وی را درم و مال جمع شود و منفعت یابد امام جعفر صادق ع فرماید دیدن خاک بر پنج وجه باشد یکی مال دوم
منفعت سیم شغل و بنا چهارم خانه پنجم قبر **خاکستر** ابن سیرین گوید خاکستر مال باطل بود
که بر کسی ... خاند و اگر بیند که خاکستر وی را باطل شد و خاکستر جمع کرد دلیل کند که مال باطل از حاکم جمع کند و بعضی معبران گویند

که بیند علمی حاصل کند که از وی هیچ خیر و منفعت نباشد امام ع فرماید دیدن خاکستر در خواب بر نه وجه باشد یکی علم ناپذیرفته دوم
مال حرام سیم کلام باطل چهارم خصومت پنجم نسل ششم کرم هفتم حسرت هشتم پشیمانی نهم کاری که در آن خیری نبود چنانکه حق تعالی
فرموده مثل الذین کفروا بربهم اعمالهم کرماد اشتدت به الریح فی یوم عاصف **خامه** بپارسی قلم خوانند ابن سیرین گوید اگر کسی
بیند که قلمی فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل کند که علم حاصل کند و کارش راست و مرادش برآورده شود و اگر بیند که بقلم می نوشت
دلیل سخن چیز و صلاح بود و اگر بیند که آن سخن شریف بود دلیل ... و شکر کند اگر بیند بقلم می نوشت اگر غایبی دارد دلیل بود
او کند کرمانی گوید اگر کسی دوست خود نوشتن بیند دلیل کند که خدای تعالی او را علم ارزانی دارد و اگر اهل علم نبود دلیل کند که با علما صحبت
دارد و اگر بیند که از قلم چیزی می نوشت تمام را بخواند دلیل بود بر کسی که وی قول تعالی اقرا کتابک کفی بنفسک الیوم علیک حسیبا و اگر آنچه
می نوشت موافق کتاب و سنت بود دلیل کند که جاه یابد و اگر بیند که قلم در دست وی بشکست دلیل کند که جاه یابد و اگر بیند
که قلم در دست وی بشکست دلیل کند اگر در کار عالم بود حرمتش بکاهد و کارش بی رونق گردد و اگر بیند که بقلم سیاهی نوشت اگر کسی
می نوشت از شمار و حساب این بود یا از شمار پرندگان تاویل آن بصورت و طبع و قوت ایشان بود امام جعفر صادق ع فرماید نوشتن در
خواب بر هفت وجه باشد یکی حکمت دوم فرمان سیم علم چهارم فرهنگ پنجم رسته شدن چیزها ششم کام و مراد یافتن **خانه** ابن سیرین
گوید خانه معروف در خواب زن باشد و اگر بیند که خانه را با ستونها از جای برداشت دلیل کند که زن خواهد با مروت و اگر
زنش آبستن شود و اگر بیند که در خانه تازه داخل شد دلیل کند که زن خواهد و توانگر شود و اگر بیند که خانه معروف بکمی اندر بود
و نداند که آن خانه از کیست دلیل کند که از خانه دنیا رحلت کند و اگر بیند که در خانه گر بچه بود و در خانه را قفل کرده بود
خانه بکانهای دیگر پیوسته بود دلیل کند که از غم و اندوه رسته گردد و اگر بیمار بود عاقبت شفا یابد و اگر بیند که در خانه خود را
بشکست دلیل کند که از کسی او را مال رسد کرمانی گوید اگر بیند که خانه بر وی فراخ شد دلیل کند که مال بسیار بدو رسد و اگر بیند که
خانه وی فراخ تر و بزرگتر از آن گشته بود که بود دلیل کند که مال دنیا بر او فراخ شده بود و اگر بیند که در خانه ...
دلیل است که توانگر شود و اگر بیند که در خانه سیمین بود او را توبه باید کردن از گناه و معصیت اگر توانگر بود نعمتش
زیاده تر گردد و اگر بیند که پیرامن خانه وی هیچ خانه نبود دلیل کند که حالش تباه شود **خایه مرغ** دانیال ع فرماید خایه
مرغ در خواب کنیزک بود که او هیچ کس نداند و اگر بیند که ماکیان در پیش وی خایه کرد دلیل کند که او را زن و دوشیزه
فرزند آید و اگر مجهول بیند یعنی نداند که خایه وی چه چیز است دلیل کند که زن خواهد بر قدر ... که آن و اگر بیند که خایه
مرغ را پخته میخورد دلیل کند که مال برنج و تعب بدست آورد و اگر بیند که خایه خام پخته بخورد دلیل کند که زن خواهد ...

با او بماند و اگر بیند که خایه خام میخورد دلیل کند که مال حرام خورد و رنج و سختی بوی رسد و اگر بیند که خایه با پوست میخورد دلیل کند
که مال کسان بخورد و اگر بیند که پوست خایه میخورد دلیل کند که مال مردمان خورد و یا کفن مردگان بستاند کرمانی گوید اگر بیند که خایه میکرد
دلیل کند که زن بسیار کند و بر جماع حریص شود و اگر بیند که بر خایه نشست چنانکه مرغ می نشست دلیل کند که مخالطت وی با زنان خوش
بود و اگر بیند که از خایه بچه بیرون آورد دلیل کند که از فرزندان آن وی را فایده رسد و اگر زن بیند که بجای فرزند خایه آورد
کند که فرزند که آورد کافر بود و اگر بیند که خایه در زیر مرغ نهاد و بچه از خایه بیرون آورد دلیل کند که کار مرده بود تا زنده
کرده و بعضی گویند او را فرزندی آید و اگر این خواب عالمی بیند دلیل کند که سعی کند و کودکان را قرآن آموزد و اگر کسی بیند که
خایه را بشکست دلیل کند که دختر بکارت دوشیزه ببرد و اگر نتوانست شکست دلیل کند که دوشیزه کارا نتواند ستاند و اگر بیند که
خایه بسیار داشت دلیل کند که او را برآن قدر فرزند حاصل آید و خایه زن زنی بیچاره و درویش و خایه گنجشک بخواب دیدن
دلیل بر چیز و خرمی کند و تاویل خایه های مرغان در دیگر مواضع بیان کرده خواهد شد **خایه آدمی** ابن سیرین گوید خایه
مرد در خواب قوت وی باشد و اگر بیند که مرد و خایه وی بزرگ بود دلیل کند که قوت حالش زیاده شود و اگر بیند که مرد و خایه
وی بریده شد دلیل کند که دشمن بروی ظفر یابد و اگر بیند که خایه چپ را بیرون کشید و بیفکند دلیل کند که فرزندش هلاک شود
و اگر بیند که خایه خویش بکسی داد دلیل بود که او را فرزندی بود حرام زاده که نسب او از کسی دیگر باشد و اگر بیند که خایه وی […]
بود دلیل کند که مال بسیار یابد لیکن او را هم پشیمان بود و اگر بیند که خایه وی دراز گشته بود چنانکه بر زمین میکشید دلیل کند که
مال بسیار یابد و او را جمع شود و اگر بیند که خایه خویش را بکسی بخشید و آن کس نیز خایه خود را بوی داد دلیل کند که با زنان کسی دیگر
فساد کنند و اگر بیند که پوست خایه خود را باز میکرد دلیل کند که کسی بر فرزند وی ستم کند و اگر بیند که کسی خایه وی بگرفت و از خویش
برفت دلیل کند که جز بزرگ فرزند کشته شود و اگر او را فرزند نبود دلیل کند که جاه و حرمتش کم شود و اگر که خایه وی بریسمان یا بچیزی
دیگر بسته بود دلیل کند که کارهای وی نابرده بسته گردد و اگر خایه مرده […] خواب بیند دلیل کند که شر دشمنان از خود باز دارد
و اگر بیند که در خایه او خلل یا نقصانی پدید آمد دلیل کند که دشمن بروی ظفر یابد امام جعفر صادق فرماید دیدن خایه در خواب بر هشت
وجه بود اول فرزند دوم مال سیم […] چهارم عزت پنجم بزرگی ششم […] و هم آنحضرت فرماید که خایه مرغان […]
در خواب دیدن بر چهار وجه بود اول مراد یافتن دوم زن سیم کنیزک چهارم فرزند **ختنه** ابن سیرین گوید ختنه
کردن در خواب سنت بجای آوردن است و نقصان کردن و ختنه زیادتی مال باشد و اگر کسی بیند که ختنه کرد دلیل کند که سنتی
بجای آورد که آن سنت و برا از گناه پاک گرداند و اگر بیند که هنگام ختنه خون از وی بیرون آمد دلیل کند که میان […]

چند که خایه را […]

بود و از گناه توبه کند و اگر بیند که نظر بر ختنه گاه داشت دلیل کند که غم و اندوه بیند کرمانی گوید اگر مردی ختنه کرده در خواب بیند که او را
ختنه کردند دلیل کند که از گناهان پاک گردد امام جعفر صادق فرماید ختنه کردن در خواب بر پنج وجه باشد اول سنت […]
دویم فرزند سیم نیکوی چهارم از آتش رستن پنجم جدا شدن از زنان **خربزه** ابن سیرین گوید خربزه شیرین بهتر از زرد باشد و خربزه بزرگ دیدن
بهتر از کوچک باشد و خوردنش در خواب زیان ندارد کرمانی گوید خربزه شیرین در وقت خود خوردن دلیل بر زوال غم و اندوه
باشد و بدان قدر که باقی ماند غم و اندوه وی بماند و اگر بیند که خربزه بسیار پیش وی نهاده بود دلیل کند که باندوه و غم گرفتار شود و او را
علاج نماند جابر مغربی گوید چون خربزه بوقت خویش بیند رنج با منفعت بود و تاویل خربزه سپید چون تاویل خربزه سبز خام باشد امام جعفر
صادق فرماید دیدن خربزه در خواب بر پنج وجه است اول بیماری دویم […] سیم غم چهارم منفعت پنجم عیش خوش خاصه که شیرین باشد
خرچنگ ابن سیرین گوید خرچنگ در خواب مردی بجوی دون همت و کینه دار بود و اگر بیند که خرچنگی گرفت دلیل کند که او را چنین
مردی مصاحبت افتد و از وی اندک مایه منفعت حاصل کند و اگر بیند که خرچنگ را بکشت یا از خود دور انداخت دلیل کند که از
صحبت چنین کس جدا گردد و اگر بیند که گوشت خرچنگ میخورد دلیل کند که بقدر آن از جای دور او را مال حاصل شود و بسبب شغلی کرمانی
گوید اگر کسی بیند که خرچنگی داشت دلیل کند که دوستی بدو خوش طبع که از کار وی او را نیکی باید و اگر بیند که گوشت خرچنگ بخورد
دلیل کند که بقدر آن از دوستی مال حاصل شود **خر** دانیال گوید دیدن خر در خواب بخت و بزرگی بود و نیکی […]
بیند و خواب باز کرده و اگر بیند که خری […] دلیل کند که در خیرات بروی گشاده گردد و اندوه از دل […]
رستگار گردد و اگر خران بسیار بیند دلیل بخت و دولت و مال زیادت بود و ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که بر خری […] نشسته دلیل
مهتری و بزرگی کند و اگر بیند که بر خری سپید نشسته بود دلیل بود که عز و جاه و بزرگی یابد و اگر بیند که بر خری سبز رنگ نشسته
دلیل کند بر زهد و دین […] باشد و اگر بیند که بر خری نشسته و خر در زیر آن برد دلیل کند که زود وی بمیرد و اگر بیند که خری
برد دلیل کند که مال و معیشت بروی تباه شود و اگر بیند که از خر بیفتاد دلیل کند که درویشی و تنگدستی شود و اگر بیند که از خر فرود آمد
شد دلیل کند که مال خویش بخیرات نفقه کند و اگر بیند که بهر کاری از خر بر آمد دلیل کند که کاری و حاجتی طلب کند کرمانی گوید
اگر کسی بیند که خری خرید و بها نداد دلیل کند که چیزی بیند بی حقی که بگوید از بزرگان و اگر بیند که خر وی گم شد […] منفعت
بود دلیل کند که […] کار وی […] اگر خر وی […] چشم […] دلیل بود که مال وی ضایع شود و […]
و اگر بیند که […] دلیل […] بسیار بود و اگر بیند که خر وی […] دلیل کند که […]
و اگر بیند که خر […] دلیل کند […] دلیل بود که اصل

شبهه بنشیند واگر بیند که دست و پای خر او دراز بود دلیل رنج بسیار بود واگر بیند که خری بسته شد دلیل کند که مال
و معیشت وی از سفر باشد واگر بیند که خری از آن بشد دلیل کند که معیشت وی از سلطان لیکن بظلم و بیداد واگر بیند که خری
گرسنه شد دلیل کند که مال وی از جای حلال بود واگر بیند که خری او [illegible] شد دلیل بود که مال و معیشت او از جای بود که
[illegible] مرغ باشد واگر بیند که با خری مجامعت بکرد دلیل کند که مراد خود بیابد واگر بیند که خر او را بر پشت گرفت و بر
بالا برد یا از آب بگذرانید دلیل کند بر قوت حال و بخت و اقبال وی و [illegible] خر زنا بود و [illegible] کنیزکی و بانگ خر در خواب
دیدن نیکو نباشد قوله تعالی ان انکر الاصوات لصوت الحمیر جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که بر خری نشسته است و آن خر در زیر او تنگ
بکرد دلیل کند که عیالش بد خو کرده واگر بیند که خر بر فراز وی بنشست دلیل کند که [illegible] امام جعفر صادق گوید دیدن خر در
خواب بر ده وجه بود یکی بخت دویم دولت سیم فرمان روا چهارم ریاست پنجم مال ششم زن یا کنیزک هفتم شادی
هشتم اقبال نهم بزرگواری دهم مرتبت و هر چه را بخواب بیند [illegible] ولایت [illegible] کننده کارها **خر گور** ابن سیرین گوید
اگر کسی بیند که گور خری بوی فرا رسید دلیل کند که غنیمتی بوی رسد واگر بیند که بر گور خری نشسته است [illegible] بود دلیل کند
که مردی گناهکار بود و مفارقت جوید از اهل اسلام واگر بیند که خر گور را [illegible] در جنگ [illegible] دلیل کند [illegible]
که [illegible] واگر بیند که گور خری شکار گرفت دلیل کند که چیزی و نعمت بوی رسد واگر بیند که دو گور با یکدیگر خصومت کردند دلیل کند
که از بهر وی دو مرد فاسق با یکدیگر خصومت کنند واگر بیند که گور خر را بخانه آورد دلیل کند که مرد فاسق را بخانه آورد [illegible]
دیدن گور خر در خواب مردی جاهل احمق [illegible] چنانکه او را خرد و علم و فرهنگ نباشد [illegible] واگر
بیند که گوشت گور خر میخورد دلیل کند که مال بسیار بیابد واگر بیند که بر گور خری نشسته بود دلیل کند که [illegible] اندازه [illegible]
واگر بیند که آهو گور خری شد دلیل کند که روزی بروی فراخ شود [illegible] جابر مغربی گوید گوشت [illegible]
مال و غنیمت [illegible] و بعضی معبران گویند عز و جاه [illegible] واگر بیند که سر خر گور یافت دلیل کند که هزار درم بیابد و با مهتری بزرگ صحبت
افتد و از او بهره و منفعت بیند واگر بیند که سر گور خر میخورد دلیل کند که عبادت بسیار کند واگر بیند که خر گور را از پیش [illegible] بگریخت
دلیل بود که از مسلمانان مفارقت جوید و براه فساد گراید **خروس** ابن سیرین گوید خروس در خواب شخص [illegible] بود
واگر بیند که خروسی را بکشت دلیل بود که بر دشمن ظفر یابد واگر بیند که [illegible] نشسته بود دلیل کند که از پادشاه [illegible] یابد واگر بیند
که از گوشت او میخورد و پوستش را با خود داشت دلیل کند بر ترس و بیم که بوی رسد [illegible] خروس در خواب مردی [illegible]
واگر خروس [illegible] زنان [illegible] باشد واگر بیند که ماده خروس را بگرفت دلیل کند که زنی بدین صفت بخواهد واگر [illegible]

مرغ

صفت بخانه وی در آید واگر بیند که خروس را بکشت یا بروی نشست دلیل کند که بر دشمن ظفر یابد **خرگاه** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که در خرگاه
نشسته بود دلیل کند که در طلب دنیا و معیشت بجد کرده واگر [illegible] خرگاه را بشناسد و خرگاه را سبز و سپید بیند دلیل کند بر خیر و نیکی
[illegible] گوید اگر بیند که در خرگاه مجهول نشسته بود دلیل کند که شهید گردد واگر بیند که در خرگاه معروف بود و دانست که ملک اوست
دلیل کند که زن دین دار و پارسا بخواهد واگر خرگاه را بگونه سپید بیند دلیل بر مال و منفعت کند واگر خرگاه را بگونه سرخ بیند دلیل کند
که بلهو و لعب دنیا مشغول گردد واگر خرگاه را بگونه کبود بیند دلیل بر اندوه و مصیبت است واگر بیند که خرگاه کبود [illegible] بود دلیل کند
که خیر و منفعت یابد **خرگوش** ابن سیرین گوید خرگوش در خواب دیدن بد باشد واگر بیند که خرگوشی گرفت یا کسی بوی داد
دلیل کند که زنی خواهد یا کنیزک بخرد واگر بیند که پوست خرگوش بر کشید یا از گوشت وی بخورد دلیل کند که [illegible] بوی رسد
واگر بیند که بچه خرگوش داشت دلیل کند که او را حاجتی آید که در آن چیزی نبود جز رنج و بعضی از معبران گویند که [illegible]
از فرزندان بود جابر مغربی گوید خرگوش در خواب زنان پارسای خاموش بود و پوست و استخوان وی [illegible] در خواب [illegible] منافع
باشد لیکن اندک واگر بیند که خرگوش وی بمرد یا او را بکشت دلیل است که او را بسبب عیال مصیبتی رسد واگر بیند که خرگوش را [illegible]
بشکست دلیل کند که با زن خود صحبت دارد **خرما** ابن سیرین گوید خرما در خواب [illegible] بود واگر بیند که خرما میخورد [illegible]
علامت [illegible] شود واگر با زرگان باشد مالش زیاده شود واگر بیند که خرما میخورد [illegible] دلیل کند
که آنچه از احکام شریعت [illegible] بجای آورد و آنچه برخلاف این [illegible] بگذارد واگر با زرگان [illegible] از خیانت [illegible] و بعضی از معبران
گویند اگر بیند که خرما میخورد دلیل کند که میراث یابد واگر بیند که از خرمای نارسیده میخورد دلیل کند که میراث فرزند یابد واگر بیند
که در سرای وی خرمای خشک بود و خرمای بسیار داشت دلیل کند که با کسی که اصل بد باشد پیوستگی کند بنکاح و از وی منفعت یابد
واگر بیند که خرمابن خشک شد دلیل کند که در میان ایشان جدایی افتد واگر بیند که در سرای او خرمابن خشک بود و سبز گشت اگر
بیمار بود شفا یابد واگر بیند که خرمابن را ببرید دلیل کند که کسی از اهل بیت [illegible] واگر کسی بیند که خرمای تر [illegible] دلیل کند
که بقدر خرما نعمت و مال [illegible] حاصل کند و بعضی از معبران گویند خرما در خواب [illegible] منفعت [illegible] بود [illegible]
بیند که در خانه خرمای بسیار داشت دلیل کند که بقدر خرما از [illegible] خویش مال [illegible] حاصل کند واگر بیند که خرمای خشک [illegible]
میخورد دلیل کند که حلاوت ایمان بیابد و کارش بنظام شود واگر بیند که خرمای [illegible] دلیل کند که [illegible]
و بنظام شود و جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که خرما بدست فرا گرفت دلیل کند که [illegible] واگر بیند که
از خرمابن انگور سیاه چید دلیل کند که او را از کنیزک [illegible] فرزندی آید واگر بیند که از خرمابن خشک خرمای تر [illegible]

دلیل کند که سخن لطیف از مردی منافق بشنود و بعضی گویند از مردی جاهل سخنی نیکو بشنود و اگر صاحب خواب غمگین و پشیمان
گردد قوله تعالی بجذع النخلة تساقط علیک رطبا جنیا امام جعفر صادق ع فرماید دیدن خرما در خواب مال حلال بود و از جانب
کریم یا شخصی پاکدین عزیز و خرما در خواب لیس بر دین پاک مال حلال کند و دیدن خرمای تازه فرزند نیک و دشمنان خرم شد
و بعضی معبران چنین گویند که مردی نزد ابن سیرین آمد و گفت بخواب دیدم که بر در سرای سلطان چهل خرما یافتم گفت فردا ترا
بر در سرای سلطان چهل چوب بزنند روز دیگر وی را چهل چوب بزدند سال دیگر از نو بنزد ابن سیرین آمد و گفت این خواب باز دیده
امسال دیده ام ابن سیرین گفت چهل درم از در سرای سلطان بیابی آن مرد گفت پارسال چرا این خواب را گونه دیگر تعبیر کردی
بخلاف آن تأویل بیکی ابن سیرین گفت پارسال درختان خشک بودند و خرما بر درخت نبود دلیل بکرد که چوب خوری و امسال
درختان سبز شده و خرما بر درخت پخته دلیل کند که سیم و زر یابی پس آن مرد بعد از یک هفته او چهل سیم را بیافت **خرمن** ابن
سیرین گوید خرمن غله در خواب مردی باشد که برنج و تعب مال جمع کند و آن مال بگزاف نزینه کند با زن خود و اگر بیند که خرمن
غله بخرید یا کسی بوی داد دلیل کند که زن خواهد و بعضی گویند با مردی وی را صحبت افتد که آمد و را مال برنج و تعب حاصل آمده باشد
خروات ابن سیرین گوید خروات در خواب مالی باشد که برنج و تعب جمع آورده باشد و اگر بیند که خروات بیرون دید دلیل
کند دلیل کند که مال خویش برنج حاصل کند و اگر بیند که خروات از درخت جمع بکرد دلیل کند که از مردی بخیل منت بر آن دیر ...
کسب خود حاصل کند **خروس** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که خروسی داشت و دانست که ملک او است دلیل کند که مرد عجمی بنده او را
که بنده او بود قهر کند و اگر بیند که خروس را بکشت دلیل کند که بر بنده ظفر یابد و اگر بیند که با خروس جنگ میکرد دلیل کند که با مرد
عجمی خصومت کند و اگر بیند که بانگ خروس می شنید دلیل است که راه خیرات بیکی گزیند و معبران گفته اند که بیشتر تاویل خروس
بر بنده و بنده زاده افتد و اگر بیند که خروسی بر سر وی می پرید دلیل کند که وی را از کسی غم و اندوه رسد و خطا بود خروس
خواب غلام بود و اگر بیند که کسی خروسی بوی داد دلیل کند که کسی غلامی بخشید جابر مغربی گوید اگر کسی بخواب بیند که خروسی داشت
دلیل کند که او را پسری آید یا با مؤذنی وی را صحبت افتد چنانکه حضرت رسول ص فرماید که الدیک صدیقی و هو عدو الله و امام
جعفر صادق ع فرماید اگر کسی بیند که خروسی یافت دلیل کند که بر مهتر زاده از اصل خود دست یابد و بر وی غلبه کند و اگر بیند که
خروسی بیافت و خروس را بکشت دلیل کند که بر مهتری دست یابد و او را قهر کند **خریدن و فروختن** ابن
سیرین گوید خریدن و فروخت کردن در خواب بد باشد زیرا که خرید و فروخت کردن در خواب بد باشد زیرا که خرید و فروخت
کالا بر زر و سیم کنند در خواب نیک باشد و اگر بیند که کسی را بخرید دلیل کند که ممنون منت او شود و اگر بیند که کسی او را

فروخت

بفروخت دلیل کند که کارش شوریده شود کرمانی گوید خرید و فروخت کردن در خواب بکالا نیک بود و بعضی چیزی باید
خز دیدن خز در خواب جبه و کلاه و قبا و دستار و آنچه بدین ماند جمله مردان را پسندیده بود و در ملک سبز جامه دیدن خز باشد
امام جعفر صادق ع فرماید جامهای خز در خواب دیدن کسی که سزاوار جامه خز بود و بر خود خوب باشد که مال و دیم چیز و برکت سیم خز جامه چهارم
مرتبت پنجم ولایت بزرگی کرمانی گوید پوشیدن جامه خز در خواب مال حرام باشد و اگر مال بیابد بیم و ترس باشد و زنان را نیک بود
و مرد خز فروش در خواب کسی بود که دین را به دنیا اختیار کند **خشت** ابن سیرین گوید خشت در خواب مال مجمع باشد چنانکه در تاویل
هر خشتی را هزار درم نهاده باشد و اگر بیند که خشتی در دست داشت از کسی بوی داد دلیل کند که هزار درم سیم یابد و اگر کسی بیند که
او را خشت بسیار جمع شده بود دلیل کند که او را مال و نعمت بسیار حاصل شود کرمانی گوید اگر بیند که خشت بزد او را میراث رسد دلیل کند
که از خداوند دیوار را ببرد و اگر بیند که خشت را پاره پاره شود و پراکنده ساخت دلیل کند که مال خود را ضایع کند جابر مغربی گوید
خشت پخته در خواب دیدن بد باشد زیرا که آتش بوی رسیده است و بنا دیدن که از خشت پخته و گچ باشد بد بود **خشم
گرفتن** ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که بر کسی خشم گرفت از بهر خدای تعالی دلیل بر عز و نیکوئی کند و اگر از بهر دنیا خشم گرفت
دلیل کند که کار دین وی تباه و خوار گردد و به دنیا مغرور گردد کرمانی گوید اگر کسی بخواب بیند که بر وی خشم گرفتند
دلیل کند که از جایگاهی بلند بیفتد **خصومت** به الف خصومت کردن در خواب بر چند وجه باشد ابن سیرین گوید اگر بیند که با
کسی خصومت کرد و بر وی غالب شد دلیل کند که سرانجام کار او نیکو گردد و بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که آن کس بر وی غالب شد تاویلش
بخلاف این باشد کرمانی گوید اگر بیند که با والی و امیر خصومت کرد و بر وی غالب شد دلیل کند که از والی و امیر با آن کس چیزی و منفعتی رسد
و اگر بخلاف این بیند دلیل کند که از والی بدان کس رنج و مضرت رسد و اگر بیند که با پادشاه خصومت کرد دلیل کند که حاجتش روا
شود جابر مغربی گوید اگر بیند که با مردم بی سببی خصومت کرد دلیل کند که مردمان از وی بجور در اندوه و غمگین شوند **خصی کردن**
ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که خویشتن را خصیه کرد دلیل کند که بهنگام بمیرد و بر دشمنان خوار و زبون شود و لیکن بطاعت ...
راغب گردد و در رحمت بسته و بعضی از معبران گویند فرزندش بمیرد و او را هیچ فرزند دیگر نباشد لیکن توانگر شود و اگر کسی چهار پا را خصی
کرده بیند دلیل کند که کارها و سخنهای او پسندیده و صالح باشد و سخنهای او موافق علم و حکمت باشد زیرا که آن خصی فرشته باشد
از فرشتگان که او را به راه خیر و صلاح خواند چرا که فرشتگان را شهوت بر وی نیست و اگر بیند که در بخشش علم و حکمت نیست
آن کس فرشته نباشد و اگر آن خصی که دید معروف بود و از چیزهای نیک به چند او بیش بر وی باشد کرمانی گوید اگر کسی بیند که خانه خصی
شده یا سپید دلیل کند که دشمن بر وی ظفر یابد و بعضی از معبران گویند بر دین خاید در خواب دلیل کند که وی را دختر بباشد و اگر

و اگر بیند که خایگان خویش را در آورد و بکسی بخشید دلیل کند که فرزندان او را بکسی دیگر نسبت دهند جابر مغربی گوید اگر کسی بیند
که بی سببی خصی شده دلیل کند که خصی شده او را خواری در زبان رسد و اگر بیند که قضیب وی از بن بریده شده دلیل کند که نامش در میان
مردمان بریده گردد امام جعفر صادق ع فرماید خصی کردن در خواب بر سه وجه باشد یکی مردم را هدم دویم دین سیم عبادت
کردن **خضاب کردن** دانیال ع فرماید که خضاب ریش پوشش کارها باشد و اگر بیند که سر و ریش را خضاب بکرد در ننگی
گرفت دلیل کند که ظاهر حال خود بر مردمان نماید و اگر بیند که خضابش رنگ گرفت دلیل کند که حالش نیکو گردد ابن سیرین گوید اگر بیند که خضاب
بحنا بکرد دلیل کند که خود را بچیزهای محال و کارهای ناپسندیده مشغول گرداند و اگر بیند که خضابش رنگ نیکو گرفت دلیل کند
که حالش نیکو شود و اگر بیند که دست و پای خویش را بحنا خضاب کند دلیل کند که مال از دست رفته او باز آید و اگر بیند
که هر دو دست و پای خود را بحنا خضاب کند دلیل کند که فرزندان یا برادران خود را بیازارد یا با ریش کم خاطر فشرح دین
بود کرمانی گوید اگر بیند که کف دست خود را بحنا خضاب کند دلیل کند که در [illegible] معیشت رنجور گردد و اگر بیند که هر دو دست
بحنا خضاب و نگار بکرد دلیل کند که خداوند مکر و حیلت باشد در کسب عمل جابر مغربی گوید اگر بیند که نقش نگار در دست وی هم رسیده است
دلیل کند که [illegible] عزیزی بمیرد یا خود هلاک شود و اگر بیند که دست و پا را همچون زنان خضاب بکرد دلیل کند که در ترس و غم
افتد و اگر انجوا پراکنده بیند او را شادی و خرمی رسد زیرا که خضاب کردن ایشان را رسم بود و اگر بیند که هر دو دست وی
منقش بود دلیل کند که در کسب کار خود حیلت کند اسمعیل اشعث گوید اگر مردی بیند که دست و پای خود را خضاب کرده دلیل کند
که کاری کند که مردمان بروی افسوس کنند و بخندند و اگر بیند که سر انگشتان را خضاب کند دلیل کند که تسبیح گوید و اگر بیند که
دستها را بنقش خضاب بکرد دلیل کند که با دوستان مکر و حیلت کند امام جعفر صادق ع فرماید که خضاب کردن در
خواب بر چهار وجه بود یکی کار ناشایسته دویم آرایش حال سیم طلب جاه چهارم معروف بدروغ گفتن **خطبه خواندن** ابن سیرین
گوید اگر بیند که بر سر منبر خطبه میخواند دلیل کند که عزت بزرگی یابد و اگر اهل بود و هم بود که در میان مردم خوار گردد و در زبان
خلق بدی افتد و اگر بیند که بر پیری خطبه میخواند دلیل کند که بدحال شود یا بمیرد کرمانی گوید اگر بیند که با پادشاه خطبه میخواند اگر
آن پادشاه مصلح باشد دلیل کند که عدل و داد کند و اگر مفسد باشد دلیل کند که تایب شود و اگر بیند که زن بر سر منبر خطبه میخواند
و مردم را پند میداد دلیل کند که شوهر زن فضیحت و رسوا شود جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که در میان مردم خطبه تزویج میخواند
دلیل کند که [illegible] خیر و صلاح پدید آید و با هر کس احسان کند و کارهای بصحبت کند **خلعی** ابن سیرین گوید خلعی بوقت دلیل
بر منفعت اندک کند و بیوقت دلیل بر غم و اندوه و خوردن وی دلیل بر عزت و نقصان کند و شستن او دلیل بر زیان

و پاکی

و پاکدینی بود **خفتن** ابن سیرین گوید خفتن در خواب مرده را و کسی که ترسنده باشد راحت بود و بیماری و اگر بیند که
کسی بر تختی خفته است یا بر بستری دلیل کند که بزرگی یابد او را در راه دین و پرهیزکاری یاری بود زیرا که خفتن غفلت باشد
در راه دین و اگر بیند که در جایگاه دون بر بستری چرکن خفته بود دلیل بر حقارت و خواری ای کند کرمانی گوید خفتن در خواب
ترسنده را ایمنی باشد و مرده را آمرزش و بیمار را شفا و زندانی را فرج باشد از زندان جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که او در
میان مردگان خفته بود دلیل کند که بکاری شهره شود **خلال کردن** ابن سیرین گوید خلال کردن در خواب نیکو نباشد زیرا که
دندانها در خواب اهل بیت بود و خلال کننده جاروب بود که اهل بیت را بیرون دهد هر که در خواب بیند که خلال بکرد دلیل کند
که بقدر آن که بخلال بیرون آورد از مال اهل بیت وی نقصان رسد جابر مغربی گوید اگر بیند که آنچه بخلال از دندان بیرون
آورد و بکسی داد دلیل کند که از اهل بیت خویش چیزی بناحق بستاند و بکسی دهد **خلعت** ابن سیرین گوید خلعت بخواب دیدن
چون پاکیزه و نیکو بود دلیل کند که عزت و مرتبت یابد و کنیزک خرد کرمانی گوید اگر کسی بیند که پادشاه بوی خلعت داد دلیل کند
که از پادشاه بقدر آن منفعت بیند و اگر بیند که عالمی او را خلعت داد دلیل کند که از آن عالم وی را علم حاصل شود امام جعفر
صادق ع فرماید اگر کسی بیند که خلعت وی جامه کرباسی بود و بکرنه سپید یا سبز [illegible] دلیل کند که او را جاه و دنیا و عیش باشد و اگر
سیاه یا پشمینه بود دلیل بر نعمت و دولت دنیا باشد **خلیفه** در خواب دیدن خیرات دنیا بود و اگر بیند که خلیفه او را امری از
کارهای خاص فرمود دلیل عزت و بزرگی و حرمت باشد و اگر بیند که خلیفه وی را امیر کرد و بر ولایتی از مسلمانان دلیل کند
که شرف و بزرگی یابد و خداوند جاه و قدر گردد و اگر بیند که در سرای خلیفه شد دلیل کند که از خاصان و مقربان گردد و اگر بیند
که در سرای خلیفه شد دلیل کند که از خاصان و مقربان گردد و اگر بیند که خلیفه چیزی از متاع دنیا بدو بخشید دلیل کند که مرتبت
یابد و در میان بزرگان نامدار شود کرمانی گوید اگر بیند که خلیفه با وی خصومت میکرد و از بهر کاری که بشرع متعلق داشت دلیل
کند که حاجتش برآید و در میان مردم سرفراز گردد و اگر بیند که در بستر خوابگاه خلیفه خفته بود و بستر هموار خلیفه بود
دلیل کند که با کنیزک یا زن با مال [illegible] و اگر معروف بود دلیل کند که او را ولایت دهند و ولایت خویش بقدر آن بستر و اگر بیند
که بر پس اسب خلیفه نشسته بود دلیل کند شراکت در خلافت با وی بود و اگر بیند که در پهلو یا پیش سر رفت دلیل کند که
مقدم شغلهای او باشد و اگر بیند که خلیفه با وی ترش روی و با خشم بود دلیل کند که در دین وی خلل و فساد باشد جابر مغربی
گوید اگر کسی بیند که خلیفه شده است و از اهل آن نباشد دلیل کند که او را مصیبتی رسد یا کاری حادث افتد که دشمنان بر وی
افسوس کنند و اگر بیند که خلیفه او را شمشیری داد یا خلعت پوشانید دلیل کند که بزرگی و پادشاهی یابد و اگر بیند که

خلیفه او را بکاری فرستاد دلیل کند که از وی خیر و کرامت یابد امام جعفر صادق ع فرماید اگر کسی خلیفه مرده زنده بیند که خرم و شادمان
بود و با وی سخن میگفت دلیل کند که مراد ها از او حاصل شود و عزت و دولت یابد و اگر خلیفه را اندوهگین بیند بخلاف این باشد

خمره ابن سیرین گوید خم در خواب دیدن زنی بود که از قبل آن فایده بخانه رسد بر قدر و بزرگی وی نیکو اند خم کرمانی گوید خم سنگین
در خواب یافتن گنج بود و خم آب توانگری باشد و اگر بیند که در خانه وی خمی پر آب بود کلاه آن آب بخورند دلیل کند که مال
بسیار بیابند و در راه خیر نفقه کنند و خم سرکه دلیل بر مردی پرهیزکار کند و خم سرکه و روغن دلیل بر زنی و توانگری بود و خم انگبین
دلیل کند بر مال حلال و خم آبکامه دلیل بر بیماری کند و خم نفط دلیل بود بر مردی فرومایه و خم در خواب دیدن دلیل کند بر سلطان بزرگ
ریاست و اصحاب سلطان **خمیر** ابن سیرین گوید خمیر کردن و سرشتن آرد بتاویل درستی دین باشد و سرشتن آرد گندم
دلیل نیکو بود از تجارت با سود بسیار و سرشتن آرد کاورس نفع اندک باشد کرمانی گوید اگر کسی بیند که خمیری فراگرفت
با بخورد اگر خمیرش خوب باشد دلیل کند که بر قدر آن از تجارت برا ما مال حاصل شود امام جعفر صادق ع فرماید خمیر در خواب
سه وجه باشد یکی زیادتی در دین دوم مال دوم منفعت اندک سیم روزی حلال **خنجر** و بپارسی دشنه خوانند اما در عجم خنجر
معروف است ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که خنجر در دست داشت دلیل کند که او را با کسی جنگ و عداوت افتد و اگر بیند که خنجر
وی شکست یا ضایع شد دلیل کند که جنگ و عداوت از میان برخیزد و صلح افتاد جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که خنجر بدست وی سلاح
دیگر در دست داشت دلیل کند که او را از کسی قوتی بود در آن کار که خواهد کرد و اگر بیند که با خنجر سلاح بسیار داشت دلیل کند که بر دشمن
ظفر یابد و کارش نظام شود **خنده** ابن سیرین گوید خنده در خواب غم و اندوه باشد و اگر بیند که بقهقهه میخندید اندوهش بیشتر
گردد و چند کرمانی گوید خندیدن آهسته در خواب بشارت و مراد باشد امام جعفر صادق ع فرماید خندیدن آهسته در خواب دلیل
بر ارزندگی بخت باشد و خنده قهقهه دلیل بر غم و مصیبت باشد و شکفت آمدن از کاری زودی فرج بود احمد بیشتر میگویند **خوان**
بتازی مائده خوانند و دیدن وی در خواب غنیمت حاضر بود ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که خوان وی بشد و بر وی نهاد
و از آن بخورد دلیل کند که بقدر آن غنیمت یابد کرمانی گوید برداشتن خوان از پیش چون طعام نخورده باشد دلیل بر بیماری کند جابر مغربی
گوید خوان آراسته در خواب نیکو بود و قوت دین باشد و چون طعام نخورده باشد خوان برداشتند دلیل بر غم و اندوه کند و بسیار خوردن
طعام در خوان دلیل بر درازی عمر کند و اگر بیند که در خوان سه کاسه طعام بود دلیل بر روزی او باشد که بوی از فرزندان او یا دیگری رسد
انزال من السماء مائده امام جعفر صادق ع فرماید دیدن خوان آراسته در خواب بر پنج وجه بود یکی غنیمت حاضر دوم مردی شریف سیم
قوت دین چهارم نظام کار پنجم عزت و خرمی **خود** ابن سیرین گوید خود چیزی باشد که خود را از آن چیز نگاه دارد و اگر کسی بیند

که خودی از فولاد بر سر داشت دلیل کند که جاه و قوت وی زیاده شود بر قدر درستی و روشنی خود و اگر بیند که خود از سر برداشت
دلیل کند که جاه و قوت وی کم شود کرمانی گوید اگر کسی بیند که خود بر سر داشت دلیل کند که او را فرزندی آید زیرا که خود در تاویل
چون تاج است و هر زیاده و نقصان که در تاج بیند دلیل بر فرزند کند جابر مغربی گوید اگر کسی خود فولاد روشن بیند که بر سر
داشت دلیل کند که از مهتری قوت و حشمت یابد و اگر بیند که کسی خود را از سر برداشت دلیل کند که حالش ضعیف گردد امام
جعفر صادق ع فرماید دیدن خود در خواب بر پنج وجه باشد یکی قوت دوم مال سیم فرزند چهارم جاه و نیکوئی پنجم چیزی که او از آن
خود را نگاه دارد **خوشه** ابن سیرین گوید خوشه در خواب دیدن چون سبز و تازه بود دلیل بر فرزند و زیادتی مال و نعمت
باشد و چون خوشه را خشک بیند دلیل بر فرزندی باشد که عمرش دراز نباشد اما دلیل فراخی و تنگی باشد در سال خوشه خرما و خوشه
انگور تازه بهتر بود خاصه که بوقت خود بیند کرمانی گوید اگر کسی بیند که خوشه سبز میخورد دلیل کند که او را در آن سال فراخی
عیش بود و اگر بیند که خوشه سبز و خشک بود بخلاف این باشد **خوک** ابن سیرین گوید خوک در خواب مردی باشد توانگر
ولیکن دون همت بی‌حمیت باشد و خوک خانگی مردی باشد فراخ مال لیکن پلید و بدفعل بود و بدین دلیل دیدنش اگر بیند
که خوکان را در جایگاهی نگاه داشت در امانی که پراکنده شوند دلیل کند که مال بسیار از حرام جمع کند کرمانی گوید که خلعت
با خوک کردن دینار را نیک باشد و دین را بد و دیدن بچه خوک در خواب غم و اندوه بود و خوردن شیر وی تیز دلیل بر غم
و مصیبت کند از جهت مال بقدر آنکه خورده باشد و اگر بیند که گوشت خوک خورد دلیل کند که مال حرام در یابد و اگر بیند که خوکان را
از جای بجای میبرد دلیل کند که احوال دنیا او نیکو گردد و اگر بیند که در میان خوکان میگردید دلیل کند که خرم شود و بجبت مالی که او را
از ظلم حاصل شود و اگر بیند که در میان خوکان نشسته بود دلیل کند که بر دشمن غالب گردد و اگر بیند که خوک از پس وی میشتافت مال حرام
دلیل کند که مراد وی چیزی زشت او را حاصل شود و اگر بیند که پوست خوک یافت یا کسی بوی داد مال حرام یابد و اگر بیند که بر پشت خوک
میگردید دلیل بود که بر گروهی بر حق و پاک دیانت مهتر شود جابر مغربی گوید اگر بیند که او خوک صحرائی کرده دلیل کند که با مردمان سنگدل
او در خصومت افتد و اگر بیند که موی خوک یا پوست خوک یا استخوان آن داشت دلیل کند که بقدر آن مال حلال یابد **خون** ابن
سیرین گوید اگر بیند که بجراحت خون از تن وی بیرون می‌آمد دلیل کند که اگر رشوه ستاننده بود در رشوت ستاندن و اگر ستم
او را زیان رسد و اگر بیند که بر تن او جراحتی بود و خون از آن می‌آمد دلیل بود که او را غم و اندوه رسد و اگر بیند که کسی او را
شمشیر زد و خون روان شد دلیل بود که زبان خلق بر وی دراز شود و او را از آن ثواب رسد و اگر بیند که از جایگاه
زخم خون بیرون می‌آمد دلیل کند که مال حرام حاصل کند کرمانی گوید اگر بیند که خون میخورد دلیل کند که مال حرام خورد یا خون ناحق کند

و اگر بیند که بر تن وی سوراخی بود که از آن سوراخ خون با ریم روان شد و بر جامه آلوده کرد دلیل کند که او را بهمان قدر مالی حلال یا حرام حاصل
شود و اگر بیند که خون از زخم جراحت بیامد و از زخم تازه بود در مال او نقصان آید و او را از آن ثواب بود زیرا که خون بزه و گناه بود که
از تن بیرون شود و اگر بیند که از قضیب او خون بیرون می آمد دلیل کند که او را فرزندی از نسل او پدید آید و اگر بیند که از مقعدش خون
بیرون می آمد چنانکه تنش آلوده گشت دلیل کند که بقدر آن مال حرام حاصل کند و اگر بیند که از بن دندانش خون بیرون می آمد دلیل است از
خویشان غم و اندوه بیند جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که در چاهی خون افتاد دلیل است که بخون ناحق مبتلا گردد و اگر بیند که در شهری یا
در کوچه خون همی رفت دلیل کند که در آن موضع خون بسیار ریخته گردد و اگر بیند که از دهانش خون برفت همین دلالت کند دانیال
گوید اگر بیند خون بسیار از بینی او بیرون آمد و ضعیف نشد دلیل کند بر یافتن مال حرام خاصه که جامه وی آلوده کرده و اگر بیند که خون از بینی
آمد و قوت از وی ضعیف شد و جامه آلوده نشد دلیل کند که درویش شود دلیل کند که درویش شود و در مالش نقصان افتد **خیار**
ابن سیرین گوید خیار در وقت خویش دلیل کند که سخن نیکو شنود یا زنی نیکو بود که بدو رغبت کند و اگر بیند که از آن خیار میخورد
دلیل کند که مرادش نبود و حاصل شود امام جعفر صادق ع فرماید دیدن خیار در خواب بر سه وجه بود یکی پشیمانی از کاری دوم بیم شاه و
سیم منفعت اندکی از دوستان و خویشان خاصه که سبز باشد **خنک** ابن سیرین گوید خنک [illegible] دین مردی
باشد که [illegible] مال حلال [illegible] چیزی چون [illegible] و مسجد و خنک [illegible] باشد که مردم را [illegible] راست خواهد
و اگر بیند که خنکی در دست یا کسی بود دلیل کند که او را با چنین مردی بدین صفت که گفتیم صحبت افتد و از او منفعت بیند و اگر
بیند که خنک را بدرید یا ضایع شد دلیل کند که وی را از صحبت چنین مردی مفارقت افتد **خیمه** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که خیمه از
بهر خویشتن بزد یا بزده دید دلیل کند که اگر سپاهی بود مال یابد [illegible] بزرگ [illegible] و اگر بازرگان بود بسفر
شود و از آن سفر منفعت یابد و اگر خیمه سیاه بزرگ بود دلیل کند که غم و اندوه بوی رسد کرمانی گوید اگر کسی بیند که از خیمه بیرون
رفت دلیل کند که از شرف و بزرگی افتد و اگر بیند که پادشاه در خیمه خویش نشسته بود دلیل کند که کارش نیکو شود و بر دشمن
ظفر یابد و کارش بنظام شود و خیمه در خواب دیدن مردی بود که از کار بزرگان هم بود **در تعبیر چیزهائی که اول آنها**
دال از حروف تهجی است **داروخوردن** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که از بهر بیماری دارو خورد و او را موافق بود دلیل کند که کار صلاح
دین جوید و اگر بیند که دارو [illegible] موافق نبود دلیل کند که [illegible] و اگر بیند که دارو که از بهر تن [illegible] دلیل کند که [illegible]
موافقت دارو صلاح و بنا طلب کند و اگر بیند که از بهر دهان دارو [illegible] دلیل کند که با خلق [illegible] نیکو کند و اگر بیند که
داروی [illegible] دلیل کند که از غم و اندوه باز رهد کرمانی گوید اگر بیند که دارو خورد و او را مضرت رسید دلیل کند که

منفعت یابد و اگر بیند که دارو خورد [illegible] دلیل کند که از غم و اندوه فرج یابد امام جعفر صادق ع فرماید
که دارو که بگونه زرد بود دلیل کند بر بیماری و رنج و هر دارو که [illegible] آسان بود دلیل بر شفا و راحت کند و آنچه بخورد و [illegible]
بود دلیل بر بیماری کند و اگر بیند که دارو بخورد و اثر در وی بکرد دلیل کند که دین او بصلاح آید و اگر بخلاف این باشد بد بود **دارچینی**
ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که دارچینی بسیار داشت دلیل کند که نیکو و متمکن شود و اگر بیند که دارچینی بخورد غم و اندوهش [illegible] گردد کرمانی
گوید اگر بیند که دارچینی از بهر صحت بخورد و او را سود داشت دلیل بر مزد و صلاح کند **داغ** ابن سیرین گوید داغ کردن در خواب
گنج یافتن و مال بود و اگر بیند که بر تن او داغ بود دلیل کند که بقدر آن گنج و مال یابد [illegible]
شود و اگر درویش بود [illegible] و در عذاب گرفتار شود کرمانی گوید اگر بیند که از نشان داغ خون می آید دلیل بود که [illegible] درهزت
مقیم شود و اگر خون می آید از پادشاه بهره یابد دانیال گوید اگر بیند که داغ بر کسی نهاد یا کسی بر او نهاد [illegible] سخن زشت بود یا
بروی تهمتی نهند و اگر بیند که از جهت حقی بر پشت وی داغ نهادند دلیل بر صلاح دین و دنیای او باشد امام جعفر صادق ع فرماید
داغ آتش در خواب [illegible] باشد از لشکر پادشاه **داس** اگر کسی بیند که داس در دست داشت دلیل کند که آلتی بیارد که [illegible]
او را مال حاصل شود و اگر بیند که به داس کشت میدرود دلیل کند که او را مال و قوت بر رنج حاصل شود و اگر بیند که داس او بشکست یا ضایع
شد دلیل کند که نقصان بمال و حشمت او رسد جابر مغربی گوید اگر بیند که داس سیمین یا زرین داشت دلیل کند که از مال حرام چیزی
حاصل کند **دام** ابن سیرین گوید دام در خواب حیله و مکر باشد اگر بیند که پای او در دام گرفتار شد دلیل کند که در مکر و حیلت گرفتار
شود و اگر بیند که پایش از دام گشاده شد [illegible] و اگر بیند که جانوری بدام گرفت آن کس که منسوب بآن جانور باشد بمکر و
حیلت بدست آورد و فرمان بردار کند **دانه** ابن سیرین گوید اگر دانه ها چیزی بر زمین ریخته بود آنچیز [illegible] فاسد گردد
و هر چیز از دانه ها که در خانه یا جوال یا چوال بیند گران شود جابر مغربی گوید اگر بیند که پشه در دانه افتاد دلیل کند که حال غله او
نیک شود و اگر بیند که دانه ها از روی زمین برچید دلیل کند که نرخ آن گران شود و اگر بیند که آتش در بازار چوب فروشان افتاد
دلیل کند که نرخ دانه ها گران شود و اگر بیند که مرغان دانه ها بر دهان میدادند دلیل کند که آن دانه ها ارزان شود **دباغی** ابن
سیرین گوید دباغی کردن در خواب [illegible] شغل مردمان باشد و اگر کسی بیند که دباغی میکرد دلیل کند که شغل مردمان بصلاح آرد
و اگر بیند که مرده زنده میکرد دلیل کند که [illegible] کرمانی گوید [illegible] در تاویل [illegible] باشد که مردمان [illegible] بوی سپارند
و میراث میان وارثان قسمت کند [illegible] میراث باشد و اگر [illegible] بیند که مرده زنده گردد دلیل کند که [illegible]
بی نیاز شده جابر مغربی گوید [illegible] در خواب [illegible] که صلاح کار بدو باشد **[illegible]** ابن سیرین گوید [illegible]

در خواب مردی امین باشد که مال کسان نگاه دارد و چیزی خرج نکند و اگر بیند که دربان درخت یا کسی بوی داد دلیل کند که با مردی امین او را صحبت
افتد و از او چیز و منفعت یابد به قدر بزرگی دربان و اگر دربان را پیر و کهنه بیند دلیل کند که از آن مرد کشته و مضرت بیند و اگر بیند که دربان وی
ضایع شد از آن مرد جدا شود و ترک صحبت وی کند امام جعفر صادق ع فرماید دیدن دربان در خواب بر نه وجه بود اول مردی امین
دوم زن سیم خادم چهارم قوام دین پنجم سلاح تن ششم عمر و ماده هفتم مال و نعمت هشتم چیز و برکت نهم میراث از جهت زنان
دبیر در خواب دانیال ع فرماید دبیر کردن اگر کسی در خواب بیند که دبیری میکرد دلیل کند که مال مردمان به حیلت ستاند و انکاری
کردن کند و اگر بیند که دبیر پادشاه میکرد دلیل کند که از مردمان منفعت بسیار بیند و اگر بیند که دبیری مردم عام میکرد دلیل کند
که مالهای مردمان به حیلت بر خویشتن کرم کند ابن سیرین گوید اگر بیند که نویسنده شد و دبیری میکرد دلیل کند که ملک و حیلت
از مردمان بر ستاند و اگر بیند که دبیری میکرد و دبیر دانا بود دلیل کند که خیر و منفعت یابد و لیکن اگر عملی دارد دلیل کند
که خیر و منفعت یابد و لیکن اگر عملی دارد دلیل کند که معزول گردد کرمانی گوید اگر بیند که جامع قرآن و خطبه و توحید و دعوات می نوشت
دلیل کند که بشغل و عیش کردن دنیا فریفته شود و اگر بیند که نامه ی نوشت دلیل کند که قباله املاک نویسد و اگر بیند که چیزها می نوشت
که خلاف دین و راه شریعت است دلیلش بد باشد و اگر بیند که دبیر بود خیر و منفعت بیند **دجال** ابن سیرین گوید دجال را در خواب
دیدن دلیل مرد بد باشد چنانکه مردمان را از راه ببرد و بزبان و دل موافق نباشد کرمانی گوید دجال را بخواب معروف کذاب دیدن
دلیل که در آنجا فتنه افتد و دروغ زنان با مردمان در آنجا جمع شوند و خیر و برکت نباشد **دختر** ابن سیرین گوید دختر در خواب
دیدن فرح و شادی بود و اگر بیند که دختر او را آمد یا کسی دختری بوی بخشید دلیل خرمی و برکت و نعمت بود و اگر بیند که دختر وی
بمرد تاویلش بخلاف این باشد کرمانی گوید اگر بیند دختر کسی داد دلیل کند که از او بآنکس چیزی رسد و اگر بیند دختری از وی جدا کردند و قهر کرد
دلیل بر غم و نقصان او بود و اگر بیند دختری برگرفت و ببرد دلیل کند که خیر و نعمت و برکت یابد و اگر بیند که دختری اسیر شده بود
دلیل غم و اندوه کند **دراج** ابن سیرین گوید دراج در خواب زنی خوب باشد لیکن بی مهر و با شوهر ناسازگار بود و اگر بیند که کسی دراجی
بوی داد یا خود یافت دلیل کند که زنی بدین صفت کند و اگر بیند که گوشت دراج میخورد دلیل کند که مال زن یابد بقدر آنچه ستانده بود
کند جابر مغربی گوید اگر دراج از دست وی بپرید و ضایع شد زن را طلاق دهد و اگر بیند که دراج بسیار داشت که مالک بود دلیل کند
که بعدد آن زن و کنیزک حاصل شود **دراعه** ابن سیرین گوید دراعه نو و فراخ بود و بلون سبز یا سپید پوشیده است دلیل کند که دین
بلند و قیمت او جاه و قوت و شرف بود و در دین و دنیا از غم فرج یابد و اگر بیند که دراعه وی کهن و تنگ و دریده بود تاویلش
بخلاف این باشد کرمانی گوید اگر بیند که دراعه سپید و پاکیزه داشت دلیل کند که مال و نعمت و بزرگی یابد و دین و اگر بیند که کسی

بخی

دلیل بود که بلهو و لعب دنیا مشغول گردد و اگر کوته زرد بود دلیل بر بیماری کند و اگر کوته کبود بیند دلیل بر مصیبت و اندوه بود و اگر
کوته سیاه بیند دلیل بر غم و اندیشه کند و لیکن کسی که جامه سیاه پوشد مثل قاضی و خطیب زیان ندارد و اگر بیند که دراعه از تن
وی بیرون کرد دلیل کند که از زن جدا شود امام جعفر صادق ع فرماید دیدن دراعه در خواب بر هشت وجه بود یکی فرج از غم
دوم قوت سیم حجت چهارم شریعت پنجم جاه ششم بزرگی و ولایت هفتم نظام کارها هشتم زن **در** ابن سیرین گوید در بخواب
دیدن زن بود و اگر بیند که درهای بسته از جای معروف یا مجهول در برابر وی گشاده شد دلیل کند که درهای نعمت و مال بر وی
گشاده گردد و اگر بیند که آن درها که گشاده بود برجانب راه بود دلیل کند که مال و نعمت که دارد در خزینه کند بر خاص و عام و اگر بیند که
در سرای او برابر کس گشاده شد دلیل کند که بدو رسد از جانب پادشاه و بر عیال خود نفقه کند و اگر بیند که در سرای وی شکسته
یا بسوخت و یا بسوخت دلیل بر مصیبت و رنج عظیم کند که بدو رسد ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که در سرای کسی بکند دلیل کند که خداوند
خانه در محنت و مصیبت افتد و اگر بیند که در سرای ایشان از جایگاه خویش زایل شد دلیل کند که حالش از نیکی به بدی بدل شود و اسباب وی
و اگر بیند که در سرای وی ابناشته بود دلیل کند که اهل آن سرای را مصیبتی افتد و اگر بیند که در میان سرای او دری کوچک باز دلیل کند
که آفتی بوی رسد و اگر بیند که در سرای او بزرگ شد و قوی دلیل کند بر نیکی احوال وی و اگر بیند که در سرای ایشان فراخی بود و کم
در سرای بهیچ کس نبود دلیل کند که قومی بی اختیار روی در سرای وی در آیند به هنگام مصیبت و حضرت و اگر بیند که کسی در سرای
او بجنبانید اگر جوابش داد دلیل کند که دعایش مستجاب شود و باشد که گنجی بیابد و اگر بیند که چون حلقه بجنبانید در سرای او
گشاده دلیل کند که البته حق تعالی دعای او را مستجاب کند و بر دشمن ظفر یابد و اگر جواب نداد و در را گشاده ندید بخلاف این باشد
کرمانی گوید اگر بیند که در سرای را محکم ببست و قفل برو نهاد دلیل کند که کنیزکی دوشیزه بخرد جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که در آسمان گشاده
شد دلیل کند که بر مردم امطار در بگشاده گردد امام جعفر صادق ع فرماید دیدن در در خواب بر سه وجه بود یکی خداوند سرای
دوم سیم خداوند هر که در دروازه شهر در خواب بیند دلیل کند بر دربان پادشاه و دربان بخواب دیدن مردی بزرگ و خطیر بود
دربانی کردن ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که دربانی میکرد دلیل کند که حاجت کرد او روا شود و از مردی بزرگ ستوده جاه
و اگر بیند که دربانی میکرد و در نبود دلیل کند که سبب کسی حاجت او روا شود لیکن عزت و کام نیابد جابر مغربی گوید اگر کسی بیند
که در بانی پادشاه میکرد دلیل کند که مقرب خاص پادشاه شود و اگر بیند که پادشاه او را از دربانی معزول کرد تاویلش بخلاف
این باشد **در برگرفتن** هر که بیند که کسی را در بر گرفت شرح آن را در باب الف بیان کرده ایم در اینجا مطالعه کند **درخت** دانیال
گوید هر درختی بکسی از مردمان عزیز بود و دیدن او مردی شریف بزرگوار بود و هر درختی که میوه دار بود دلیل بر مردی توانگر

کند و درخت بی بر دلیل بر مرد درویش کند و درختی که در دیار عرب بود دلیل بر مرد عرب باشد و هر درخت که در دیار عجم بود دلیل
بر مرد عجمی کند و هر درختی که معروف نباشد در سرحدی یا در غارها دلیل بر قوت دین کند و درختی که در باغ بیند دلیل باشد بر خداوند
باغ را و اگر بیند که درختی از بن بر کند دلیل کند که مردی بزرگوار را از جاه و حرمت بیفکند درخت خرما بخواب دیدن دلیل
مردی شریف عالم کند و اگر بیند که خرمای بزرگ در خانه داشت دلیل کند که با مردی بزرگوار دوستی و آشنایی کرد و خرمابن در خواب
تاویلش بخواهد [illegible] خواب باز گردد دلیل کند بر مردی که در کار خویش سخت فرو مانده باشد و بعضی گویند زن باشد
پاکیزه درخت انگور در خواب دیدن مردی بود طبیب که منفعتش به هر کس رسد و درخت آلوی زرد دلیل بر بیماری کند
در خواب دیدن دلیل بر مرد خوش طبع سازگار کند دلیل بر مرد توانگر و خداوند نعمت باشد
بخواب دیدن دلیل کند که مال و نعمت بسیار دارد و بعضی گویند زن توانگر شایسته دلیل بر زن
کریمه نیکو صورت نیکوکار کند دلیل بر زن نابکار بود درخت بید دلیل کند بر مردی توانگر حلیم نرم و آهسته
درخت ترنج دلیل کند بر مرد مخالف خود رای و بعضی گویند دلیل کند بر جاه و حشمت درخت حلق دلیل کند بر مردی توانگر
صادق با منفعت درخت صنوبر دلیل کند بر مرد درویش بی دین که او را زینهار نباشد درخت خار
دلیل کند بر مردی بدگردار که شر او بر مردمان رسد و بعضی گویند دلیل کند بر مردی بیمارگر که هیچکس را از او منفعت نباشد
درخت زردآلو دلیل کند بر مردی مبارک که از وی منفعت بخویشان و دوستان رسد درخت زیتون دلیل کند بر
مردی که خداوند اصل و نسب باشد لیکن او را مال و نیکویی اندک باشد درخت چنار دلیل کند بر مرد عجمی بزرگ طبع درخت
سرو همین تاویل دارد درخت سنجد دلیل کند بر مردی سبکسار و محتشم لطیف سخن مردم نواز درخت سیب
دلیل کند بر مردی بیمارگونه درخت شفتالو دلیل کند بر مردی بزرگوار لیکن خداوند شرم باشد درخت طوری دلیل کند بر
مردی نیکو روی لطیف طبع خوش زبان و اگر درخت فندق دلیل کند بر مردی غریب سخت مال با طمع و لهو و آب
خوش و شسته باشد و خیرش کمتر باشد درخت کدو دلیل کند بر مردی عالم با فرهنگ درخت بلوط دلیل کند بر مردی [illegible]
با مال خویش درخت گل دلیل کند بر مردی شاه و کام سخن روا درخت کلنار دلیل کند بر مردی شریف [illegible] و بعضی
گویند که دلیل بر مال و فرزند کند درخت جوز دلیل کند بر مرد عجمی که مردمان را بخیلی کند لیکن با اهل و عیال خویش سخی باشد
و اگر بیند که بر درخت جوز بود دلیل کند که با چنین مردی پیوندد درخت جوز هندی دلیل کند بر مردی جادو یا بخیل و دروغ
گوی درخت نیز دلیل کند بر مردی فاضل و اگر درخت نارنج دلیل کند بر مردی که [illegible] بیمارگونه [illegible] درخت

ی دلیل کند بر مردی بدگوهر سخن چین و هر درخت که میوه دار بود دلیل کند بر نعمت [illegible] بر قیاس میوه اندر درخت و بعضی از
معبران گویند دیدن درخت در خواب نیک باشد و چون درخت در خانه پادشاه بیند خدمتکاری یا آشنا یا کنیزک و اگر درختی
بیند که ساق ندارد [illegible] درخت [illegible] تاویلش [illegible] بود و هر درختی که خار دارد [illegible]
بود و هر درختی که در صومعه بود دلیل بر مردی دین دار کند [illegible] برگ و شاخ درختان در خواب دیدن دلیل بود بر رضای خداوندش
در دین و اگر بیند که رگهای درخت قوی بود دلیل کند که دولت و مال تمام بدهد و اگر ضعیف بیند بخلاف این باشد و پوست درخت بر
روزه داشتن خداوند خواب [illegible] اگر بیند که پوست درختش قوی بود دلیل کند که خداوندش روزه دار بود و اگر ضعیف بیند
تاویلش بخلاف این باشد و شاخ درخت در خواب دلیل بر برادران و خویشان و فرزندان و اگر بیند که شاخهای
درختان بسیار بود دلیل کند بر خوش طبعی برادرش و اگر برگ درختان را بسیار بیند دلیل کند که خداوندش خوش طبع [illegible]
بود و اگر اندک بیند بخلاف این باشد و میوه درخت دلیل بر هنر کردن خداوندش بود در دین و اگر بیند که درختی بریده دلیل کند
بر هلاک خداوندش یا حالش تغیر شود جابر مغربی گوید هر درختی که بوی خوش دارد و میوه آن خوش طعم دلیل کند بر مردی
مصلح و پاک دین با دیانت و درختی که [illegible] منفعتش دلیل کند بر مردی [illegible] آمده باشد و اگر بیند
که در سرای یا در کوچه درختان گوناگون بود دلیل کند که در سرای مصیبت افتد که خورد و بزرگ مردمان در آنجا اندوه
کنند و اگر بیند که در سرای خویش درختی می نشاند دلیل کند که از خوردن میوه آن درخت با وی آورد و اگر بیند که درختان
خود را تخم کشت دلیل کند که بقدر تخم چیزی بوی رسد و اگر بیند که در زمینی تخم [illegible] یا درخت می نشاند دلیل کند که با
مردمان بزرگ او را صحبت افتد و عزت یابد و اگر بیند که بر بالای درختی شد دلیل کند که کار وی بلند گردد و اگر بیند که از
درخت بیفتاد و پای او بشکست دلیل کند که در بلای عظیم افتد [illegible] و اگر بیند که برگ درختان جمع میکرد دلیل
بر مال و نسل و پیوند کند و اگر بیند که بر درختی بالا شد دلیل کند که با مردی بزرگوار پیوندد و از آنجه [illegible] اگر
بیند که بر درختی بلند شد و میوه آن خورد دلیل کند که بقدر آن مایه ور سد یا بخشی [illegible] که از او شاد شود و اگر
درختی که تاویل او کرده بود چون خربزه و زردآلو و مانند آن و اگر درختان میوه دار بسیار بیند و اندکی [illegible]
دلیل کند که [illegible] و دراز بود و [illegible] بزرگ یابد و اگر بیند که درخت را میبرید دلیل کند که سخت بیمار شود و یا کسی از اهل وی
بمیرد و اگر بیند که در وقت خزان در باغی نشسته بود و میدید که برگ درختان می افتاد دلیل کند که در غم و اندوه گرفتار شود
و اگر بیند که درختها وی [illegible] شکفت و موافق حال وی بود دلیل کند که کاری کند که مردمان را شگفت آید و اگر بیند که از درخت

برکند دلیل کند که بیمار شود و یا از آن موضع که درخت را برکنده باشد کسی بمیرد و جابر مغربی گوید درختان خشک بریده در خواب
مردمان بد دین باشند و درخت بی بار دلیل بر زن کند و درخت معروف دین باشد و ساق درخت ایمان و آب وی نماز بود
و شاخ او برادر و پوست او روزی و برگ آن خوبی و زینت و میوه آن پرهیز باشد و هر درخت را که نیکوتر بیند دلیل بود که دین
وی نیکوتر باشد و هر چه از درخت خشکی و نقصان بیند دلیل بر نقصان دین وی باشد و اگر بیند که در زیر سایه درختی نشسته
بود یا خفته دلیل کند که در پناه مردی بود که بدان درخت منسوب است امام جعفر صادق فرماید درختان در خواب دیدن بر
نه وجه است یکی پادشاه دوم زن سیم بازرگان چهارم مرد مبارز پنجم مرد عالم ششم مرد مؤمن هفتم کافر هشتم اعوان نهم
خصومت و جنگ هم مرد منافق و هم او فرماید درخت انگور بر پنج وجه است یکی منفعت دوم زنان سیم مرد پرکار و حیله چهارم
جنگ و خصومت پنجم مال و نعمت **درم** ابن سیرین گوید طبعهای مردمان مختلف بود در درم و درم بخواب دیدن حاصل
شدن درم باشد و گویند اگر کسی درم در خواب بیند در بیداری سخن خوش شنود یا توحید حق تعالی گوید خاصه که درم سفید بیند
و اگر درم سیاه بیند دلیل بر جنگ و خصومت کند و درم شکسته دلیل بر سخن دروغ کند و اگر بیند که او را کسی در کیسه یا در صره
یا در انبان درم انگشت هی سخن بشورت گوید او را زشت نگاه و بعضی معبران گویند اگر کسی بیند که درم کوچک یافت دلیل کند
که فرزندش کوچک طفل باشد و اگر بیند که درم وی بیابان شد یا از وی بدزدیدند دلیل کند که از بهر فرزندی طفل برنجاند بی رنج
رسد و اگر کسی بیند که درم در ترازو بود دلیل بود که او را معبران آن جماعت که شنیده گیرانی گوید درم اندر دست داشتن سخن
نیکو و درم شکسته سخن پراکنده و درم بسیار رنج باشد و اگر بیند که با عیال خویش درم قسمت میکرد دلیل کند که در میان ایشان
قسمت و داوری افتد و اگر درم هارا شکسته بیند دلیل کند که در میان ایشان سخنهای بی حکم رود و اگر بیند که در خانه بخرد
درم وی است و یا بخوار و را آورد دلیل کند که بقدر آن مال یابد و اگر بیند که درم بسیار جمع کرد دلیل کند که مردمان از قوم
وارد الذی جمع مالا و عدده و اگر یک درم سفید در کف خویش بیند دلیل کند که او را فرزندی آید و اگر بیند که اندر صندوق شد
دلیل کند که فرزندش بمیرد و اگر بیند که جبرهای درم و دینار بیافت دلیل کند که مال حلال و نعمت جمع آورد و جابر مغربی گوید اگر
کسی در خواب درم سفید بیند دلیل کند که درم سیاه بیند و اگر درم سپید بیند و درم سیاه یا بد و بسیار مردمان باشند که بیداری
همان بینند که بخواب دیده باشند و اگر بیند که پادشاه درم سفید بوی داد دلیل کند که ویرا از آن غم و اندوه رسد خاصه که
درم شکسته باشد امام جعفر صادق فرماید درم درست بخواب دیدن بر نه وجه است یکی سخنهای درست دوم گذاردن حاجت
سیم ولایت چهارم مال مجموع پنجم دوست ششم فرزند هفتم رفیق هشتم روزی فراخ نهم ایمنی و درم کوچک و رنج و نعمت

اگر خداوند

اگر خداوند خواب مستور باشد و اگر مستور نباشد دلیل بر غم و اندوه باشد **درمنه** ابن سیرین گوید درمنه در خواب دیدن دلیل بر غم
و اندوه باشد و خوردن وی دلیل بر نقصان مال کند **دروغ** ابن سیرین گوید دروغ گفتن در خواب دلیل بر فساد و تباهی دین کند
و اگر بیند که گواهی دروغ میداد دلیل بود که دین وی تباه و یا فعل بخیل رود و جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که در پیش پادشاه دروغ گفت
دلیل کند که مردم نکوهش وی کنند و حرمت و آبروی وی ببرد **درودگر** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که درودگری میکرد
دلیل کند که مردمان را نیکو خواه و صالح بود و لیکن صحبت وی با مردمان منافق بود و برادر ایشان رود و بعضی را نصیحت کند و طریق
معاد خود را بایشان نماید زیرا که اصل چوب بخواب منافق بود کانهم خشب مسنده امام جعفر صادق فرماید تراشیدن
و بریدن و درست کردن چوب تعلیم نیکو باشد بصلاح بازآید لیکن حق نفاق با وی بود کرمانی گوید درودگر در خواب مردی بود
که مردمان را ادب و هر علم و ادب آموزد و صلح کارهای مردمان باشد و در راه دین فساد و نفاق از ایشان زایل شود و چوب
در خواب مرد منافق باشد که نفاق در ایشان باشد **درویشی** ابن سیرین گوید درویشی در خواب بهتر از توانگری بود خاصه در راه
دین و صلاح و عافیت اگر بیند که درویش شده بود دلیل کند بر صلاح و عافیت و اگر توانگری بیند بخلاف این بود کرمانی گوید اگر بیند
با درویشی جرات کرد دلیل کند که از رنج و غم رسته گردد و از سر چم ایمن گردد و اگر درویش کافر بود دلیل کند که دشمن
در کار وی یاری کند و اگر بیند که از درویشان بخواست چیزی و منفعت بوی رسد **دریا** در خواب پادشاهی یا عالمی بود و اگر بیند
آب دریا صاف و روشن بود دلیل بر عدل پادشاه کند و اگر آب دریا تیره و بدبوی بود دلیل بر ظلم و فساد کند و اگر بیند که جمله آب
دریا را بخورد دلیل کند که پادشاه عالم و فاضل بود و اگر بیند که از آب دریا قدری بخورد دلیل کند که بقدر آنکه خورده از پادشاه قدر
و بزرگی یابد یا از عالمی بهره و اگر بیند که آب دریا را در سبو یا جای دیگر میکرد دلیل کند که از پادشاه او را منفعت رسد یا عالمی یابد
بدان مقدار که آب بر گرفته ابن سیرین گوید اگر بیند که بقعر دریا فرو شد چنانکه هیچ او را کس ندید دلیل بر غم و اندوه از جانب شاه بود و
اگر بیند که خود را از کنار بیک انداخت دلیل کند که از غم زایل شود و اگر بیند که آشنا میکرد دلیل کند که پادشاه او را محبوس کند و رنج و غم
و سختی بیند و اگر بیند که در میان دریا آشنا میکرد و چنانکه هیچ کرانه و زمین نمی دید دلیل کند که در خدمت پادشاه جز رنج و سختی نبیند
و از آن خلاصی نیابد و اگر بیند که آشنا بیرون آمد دلیل کند که از زندان و سختی شاه بسلامت بیرون آید و اگر بیند که در دریا غرق
شد و برد و بعد از آن آب وی را بالا افکند دلیل کند که در دنیا بحرص و آز غرقه شود و متاع دنیا بدست آورد و اگر بیند که غرق
شد و باز بیرون آمد دلیل کند که از کار دنیا خلاصی یابد و اگر بیند که از دور بدریا میگریست و نزدیک وی نرفت دلیل کند که
ایمن دارد و برشد و اگر بیند که بر روی دریا میشد چنانکه پای او تر نشد دلیل کند که از آتش و دوزخ ایمن گردد و کارهای دنیا بر وی

باکسان شود کرمانی گوید اگر کسی بیند که در میان دریا شد و متحیر ماند دلیل کند که کار وی پرخطر باشد و اگر بیند که از دریا بیرون آمد
دلیل کند که خطر از او زایل شود و اگر بیند که از آب دریا بخورد و بغایت سیر بود و اگر بیند و عالم باشد از علم بهره تمام یابد قوله تعالی
قل لو کان البحر مدادا لکلمات ربی الآیة و اگر بیند خواب از مردم پادشاه بود و این کرده یا علم آموزد و اگر بیند که آب دریا بخورد
و بغایت گرم بود تاویلش بخلاف این باشد و بعد از آن شد و اگر بیند که آب دریا بخورد و کنده دید و ناخوش بود دلیل کند که او در خصمی برنج
پیش آید و او را از آن خصم بیم سخت باشد قوله تعالی حتی ... سینه جا بر مرتبه گوید اگر کسی بیند که در آب دریا برفت دلیل کند که او
حق تعالی یابد و اگر بیند که آب دریا زیاد شد دلیل کند که لشکر پادشاه زیاد شود و اگر بیند که آب دریا کم شد تاویلش بخلاف این
باشد و اگر بیند که آب دریا خشک شد دلیل کند که پادشاه و لشکرش هلاک شود و اگر بیند که از دریا موجها برخواست و جهان
از ابر تاریک شد دلیل کند بر کشته و هلاک مردم آن نواحی و اگر بیند که از دریا موج برخواست و ستارها بگرد دلیل کند که مدبر
آن روز زی حال یابد و عیش بر وی فراخ گردد و قوله تعالی الله الذی سخر لکم البحر ... و اگر بیند که آب دریا شور بود دلیل
کند که کسب حلال بکند و کسب حرام کند و اگر بیند که آب دریا شور و تیره بود و از دریا شکار بگرفت دلیل بر هلاک کار
باشد قوله تعالی هذا عذب فرات ... و هذا ملح اجاج و اگر بیند که از دریا مرجان و یاقوت برآورد دلیل کند که کار دین و علم
برنج برود علم حاصل کند و اگر بیند که صدف بیاورد دلیل کند که در نعمت و روزی بر وی گشاده گردد و اگر بیند از اهل علم باشد
دلیل کند که علم و حکمتش زیاده شود و اگر بیند که از دریا نهنگی برآورد و بکشت دلیل کند که دشمن پادشاه بر دست وی هلاک
شود امام جعفر صادق رضی الله فرماید دیدن دریا در خواب بر شش وجه بود یکی پادشاه دوم رئیس سیم امام چهارم رنج پنجم دولت ششم
مال ششم کاری بزرگ **دزدی کردن** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که از مال کسی چیزی بدزدید و عزیمه کنکره دلیل کند که کسی
او را بکشد و اگر بیند که میخواست چیزی بدزدد دلیل کند که کرهی کسی رسد و بعضی گفته اند که بیمار شود و بعد از آن شفا
یابد و اگر بیند که دزد در خانه وی درآمد و چیزی بدزدید دلیل کند که رنج و آفتی بوی رسد کرمانی گوید اگر بیند که بر دست دزد
اسیر شد دلیل کند که مال وی به شود و ... گرفتار شود و اگر بیند که دزدان بر وی ... دلیل کند که بیمار شود و اگر
که دزد ... دلیل کند که ... اگر کسی بیند که در ... کرد و کالای ... دلیل کند
که عیش بر خداوند کالا تباه گردد ... و اگر بیند که کالا ... دلیل کند که بیمار شود
و عاقبت شفا یابد امام جعفر صادق رضی الله فرماید دزد بخواب دیدن بر چهار وجه بود ...
کند ... و اگر ... در خواب ...

بود و اقبال گوید دزد دیدن بخواب ... خیانت بود و اگر مردمان را فریفته کند و عشوه و دروغ دهد **دستارچه** ابن سیرین
گوید اگر کسی بیند که دستارچه از پنبه و کتان در دست داشت دلیل کند که او را از کسی یار رسد ... منفعت رسد و اگر بیند
که دستارچه از وی ضایع شد یا بسوخت دلیل کند که او را زیانی رسد امام جعفر صادق رضی الله فرماید دیدن دستارچه در خواب
بر سه وجه بود یکی منفعت دوم کنیزک سیم عطای اندک **دستار** ابن سیرین گوید دستار سر در خواب دین باشد و اگر دستار
سپید یا سبز از کتان یا پنبه بر ... دین باشد و دنیا و اگر بیند که دستار سپید یا زرد بر سر داشت دلیل کند که دین او با صلاح
و دیانت بود و اگر بیند که دستار وی از ابریشم داشت دلیل کند که دین او تباه شود و بعضی از معبران گویند که دستار
ابریشم دلیل بر نیکویی این جهان کند و اگر بیند که دستار بر سر وی چون علم با نیزه بود دلیل کند که بسفر شود و در آن سفر بزرگی
و ناموری یابد و اگر بیند که با دستار خود دستاری دیگر داشت دلیل بر عزت و بزرگی بیشتر کند و اگر بیند که دستار از
وی ضایع شد دلیل بر نقصان دولت و حرمتی وی باشد کرمانی گوید اگر کسی بیند که دستار وی دریده بود دلیل کند بر نقصان قدر و جاه
او و اگر بیند که دستار بر سر پیچیده دلیل کند که با اصحاب دین و دنیا ساز کاری کند و اگر بیند که دستار طراز داشت دلیل کند که
دور شود و ... در میان مردم مشهور گردد و اگر بیند که دستار و جامه وی سبز بود دلیل کند که از دنیا بشهادت بیرون شود
و عاقبتش محمود باشد جابر مغربی گوید دستار در خواب عز و جاه باشد و هر چند نیکوتر باشد بهتر باشد و اگر دستار را کهنه و چرکین
بیند دلیل بر نقصان وی باشد و اگر بر سر دستاری سرخ بیند دلیل کند که بر کسی ستم کند و اگر زرد بیند بیمار شود و اگر کبود بیند دلیل
بر مصیبت باشد و اگر دستار سیاه بیند زیان و مضرت رسد ... خطیب و کسی که اهل آن باشد و اگر بر سر دستار پشمین بیند
دلیل کند که منفعت رسد و اگر ... و مردمان وی را عزیز دارند و اگر بیند که دستار را بر سر می پیچید دلیل کند که بسفر شود و اگر
بیند که دستار را تمام بر پیچید در سفر دیر بماند و اگر دستار را ابریشمین بیند دلیل بر فساد دین وی کند و اگر بیند که دستار
دریده بود دلیل کند که کارش مختل افتد امام جعفر صادق رضی الله فرماید دیدن دستار در خواب بر هفت وجه بود یکی دین دوم ریاست
سیم صلاحیت چهارم ولایت پنجم مرتبت ششم توانایی هفتم سفر **دست** دانیال علیه السلام فرماید دست راست بتاویل
برادر بود یا انباز و دست چپ خواهر بود و اگر بیند که دست راست وی دراز شد دلیل کند که کار برادرش یا انبازش نیکو
نیکو گردد و اگر بیند که دست چپ وی دراز شد دلیل کند که کار خواهرش نیکو گردد و اگر بیند که کوتاه شد تاویلش بخلاف این
باشد و اگر بیند که هر دو دستش بریده شد یا شل شد دلیل کند که برادر و خواهرش از وی جدا شوند و بعضی از معبران
گفته اند اگر کسی بیند که هر دو دست وی کوتاه شد دلیل کند که منفعت از برادر و خواهرش باز ماند و اگر بیند که هر دو دستش

بر سینه نهاده بود دلیل کند که از جهت دوستان وی را غم و اندوه رسد و اگر بیند که در میان کف دستش موی رسته دلیل کند که وام بر وی
کند و اگر بیند که دستها بهم میزد و شادی میکرد دلیل بر غم و اندوه کند ابن سیرین گوید اگر بیند که قاضی یا سلطان دست او را
برید دلیل کند که سوگند دروغ خورده و اگر بیند که دست چپ وی بریدند دلیل کند که خواهر یا برادر وی بمیرد و اگر هر دو دست خویش را
بریده بیند دلیل کند که از کسان و اهل خویش جدا ماند و اگر بیند که یک دست دیگر را باز میکرد دلیل کند که بدان خود ظلم
کند و اگر بیند که دست خویش با بیکاره در میبرید دلیل کند که او را دل بهوای دیگر مشغول شود و گرفته و مغلوب باید بود و اگر بیند که
کفهای دست بهم میزد دلیل کند که خویش پیوسته با کسی صلح آورد و اگر بیند که در شهری کسی را آورده که دست وی ببرند و یکی
دیگر را آورده و بردار کردند دلیل کند که امیر آن شهر معزول کردند و دیگری بجای ایشان بنشیند و اگر بیند که دستهای وی شل
شده بود دلیل کند که برادر یا انباز دست از وی بدارند و در شغلهای وی خلل افتد و اگر بیند که چون حیوان بچهار دست و پای
میرفت و باز گونه روی با آسمان داشت دلیل کند که حاجتی محال جوید و بدشواری برآید و اگر بیند که هر دو دست وی سیاه گردید
دلیل کند که از کسب [illegible] بماند و اگر بیند که دستهای خشک و دراز بود دلیل کند که از صدقه دادن و کار خیر فرو ماند کرمانی
گوید اگر کسی بیند که چپ دست بود و هر کاری بدست چپ میکرد دلیل کند که کارهای پوشیده کند و حاجتش روا گردد و اگر بیند که
کارها بدست چپ کند و بعضی از معبران گویند دست بریدن در خواب دلیل کند بر عمر دراز و عیش خوش و اگر کسی بیند که دست
وی بریدند دلیل کند که در روغ گوی وی آشکار شود [illegible] اگر کسی بیند که دست خود چون چیزی برابر کرده بود دلیل
کند که گرد در نیک و فساد و طاعت [illegible] و اگر بیند که دستش دراز یا کوتاه شده دلیل کند که صفت وی بر فساد باشد
و پیشه [illegible] کند و اگر بیند که پادشاه دست [illegible] دلیل کند که سوگند [illegible] سوگند دروغ خورد و اگر بیند که دستش از تن وی
تحویل شد [illegible] دلیل کند [illegible] دست [illegible] و اگر بیند که دستش
تحویل شد [illegible] پادشاه [illegible] دلیل کند بر [illegible] و اگر آن پادشاه مفسد بود دلیل کند
که شر و فساد او [illegible] و اگر بیند که [illegible] دست [illegible] دلیل کند که [illegible] و معبران گویند اگر خویشان دیگر
بیند که دست [illegible] دلیل کند که [illegible] و اگر بیند که [illegible] دلیل کند که حیله فراخ
بحفظ بخواند [illegible] گوید اگر بیند که دستش چون دست سلطان شده بود دلیل کند که بزرگی و سلطنت یابد و اگر بیند که
دست [illegible] دلیل کند که [illegible] و اگر بیند که دست کسی را [illegible] گرفته [illegible] کردن
کسی [illegible] دلیل کند [illegible] و اگر بیند که بر دست [illegible] دلیل کند

الرفا(?)

گردد کی بر دست او سلطان شود و امام جعفر صادق ع فرماید دیدن دست در خواب بر دوازده وجه بود اول برادر دوم خواهر
سیم انباز چهارم دوست پنجم فرزند ششم رفیق هفتم قوت هشتم توانایی نهم ولایت دهم مال یازدهم حجت دوازدهم پیشه و
صناعت **دست و روی شستن** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که دست و روی تمام بآب صافی بشست چنانچه شرط است کاری که
مقصود او حاصل کرده کرمانی گوید اگر دست و روی بآب گرمی شست دلیل کند که مقصودش حاصل شود و اگر بیند که دشمن قرار
صاف دست و روی میشست دلیل کند که اگر غمگین بود از غم فرج یابد و اگر ترسنده باشد از ترس ایمن باشد و اگر بیمار بود شفا
یابد و اگر وام دار بود وامش گذارده شود و اگر بیند که دست و روی ناشسته نماز کرد دلیل بر صنعت [illegible] کند و مالی که
دارد از دستش برود و جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که باد و دستهای خود میشست دلیل کند که از دوستان و خویشان خود
طلب یاری کند و شغل از بهر جاه و حرمت خود طلب کند امام جعفر صادق ع فرماید اگر کسی بیند که دست و روی خود را می شست
و بتأمل نگاه میکرد دلیل کند که بر دست آنکس توبه کند **دشمن دیدن** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که با دشمن خود در جنگ بود
دلیل کند که توبه کند و صدقه دهد امام جعفر صادق ع دیدن دشمن در خواب بر سه وجه بود یکی آنکه کار او دوم غم و اندوه سیم خسران مال
دشنام ابن سیرین گوید اگر بیند که کسی را دشنام میداد دلیل کند که آنکس بوی چیزی دهد و او کامکار **دعا کردن** ابن سیرین گوید دعا
کردن در خواب دلیل کند که حاجتش روا گردد و اگر بیند که خود را دعا میکرد و امر خویش میخواست دلیل کند که خلق کارش بد بود
و حاجتش روا گردد و اگر بیند که کسی مصلح را دعا میکرد دلیل کند که بظلم و فساد گرایید و امر معروف بجای نیاورد و اگر بیند که مظلومی
یا درمانده را دعا میکرد دلیل کند که چیزی از گفتار او بکسی رسد و اگر درمانده باشد او را از آن ثواب رسد و اگر بیند که همه خلق را
دعا میکرد دلیل کند که همه خلق را نیکخواه بود و اگر بیند که دعای قنوت میخواند دلیل کند که او را فرزندی آید قوله تعالی اذ نادی ربه نداء
خفیا کرمانی گوید اگر کسی بیند که در تاریکی دعا میکرد از غم فرج یابد و اگر بیند که بتضرع و زاری دعا میکرد و اگر مصلح بود او را حق تعالی پایمرد
و اگر مفسد بود حق تعالی او را عفو کند و او را توبه دهد و اگر کافر بود دین اسلام او را کرامت کند **دف زدن** ابن سیرین گوید
دف زدن در خواب امر معروف کردن بود بر آنکس که دف زند کرمانی گوید اگر کسی بیند که دف میزد دلیل کند که [illegible]
و کروان(?) امام جعفر صادق ع فرماید آواز دف شنیدن در خواب شادی بود چون از زن [illegible] شود و اگر
مرد پیر شود دلیل بر حکمت و دولت و پیروزی باشد و از مرد جوان دلیل بر ظاهر شدن حال کند **دلالی کردن** ابن سیرین گوید اگر
کسی در خواب بیند که دلالی میکرد دلیل کند که مصلح و در [illegible] خیر بود و نیک کردار امام جعفر صادق ع فرماید دلالی کردن در خواب
بر چهار وجه بود یکی مصالحه کردن میان مردم دوم راه راست نمودن سیم کردار نیک چهارم امر معروف بجای آوردن و بدان

و بدانکه دل در خواب دلیل بود بر رهنمای مردمان بخیر و شر **دل** بدانکه دل پادشاه تن است و تن قایم بفرمان اوست و دل خزانهٔ
عقل و تمیز است در نهان و آشکارا ابن سیرین گوید دل بخواب دیدن دال جمع کرده باشد که بوی رسد و اگر بیند که دل او بیرون شد
دلیل کند بر صلاح و نیکوئی دین او قوله تعالی وانزع من قلوبهم و اگر بیند که دل او بی شک است دلیل کند که کارها بر وی تنگ شود
و دشوار گردد و اگر بیند که دل او [illegible] بخلاف این بیند و اگر دل او فروبسته بیند از گناه توبه باید کردن لقوله
تعالی افلا یتدبرون القرآن ام علی قلوب اقفالها و اگر دل را بر دست [illegible] بیند دلیل کند که سخت بیمار شود و اگر بیند که دل را
بدر دوست گرفته بود دلیل کند که کارها بر وی برآید کرمانی گوید اگر کسی بیند که دلش درد میکرد دلیل کند که [illegible] زیاده گردد
و اگر بیند که چشمهای دل او گشاده شده بود دلیل کند که بکارهای مردم جهان رغبت کرده و اگر بیند که از دل او خون می آمد
دلیل کند که از کارهای بد توبه کند و [illegible] یاد کرده و اگر بیند که از دل وی صفرا بیرون می آمد دلیل کند که بیمار شود و اگر بیند
که بر دل او خستگی رسید دلیل کند که بی غم گردد و اگر بیند که از دل او گوهر بیرون می آمد و گوهرها از دهن بیرون افکند دلیل کند
که کافر شود و اگر بیند که آن گوهرها از زمین برداشت و فرو خورد دلیل کند که باز مسلمان شود و اگر بیند که گوهری از دل برآورد
دلیل کند که طاعت و خیرات کند جابر مغربی گوید اگر بیند که دل او پاره پاره شد دلیل کند که دل را بهوس محال و شغلهای ناکردنی
مشغول سازد و اگر بیند که دل او روشن و منور گردیده بود دلیل بر صلاح دین وی کند و اگر دل را تیره و تاریک بیند تاویلش
بخلاف این باشد امام جعفر صادق ع فرماید دل بخواب دیدن بر ده وجه باشد یکی مال دوم ریاست سیم فرزند چهارم سخاوت
پنجم جوانمردی ششم حرمت هفتم دین هشتم قوت نهم شوکت دهم نهان داشتن احوال خویشتن **دنبال داشتن** ابن سیرین گوید
اگر کسی بیند که چون اسب یا خر یا گاو دنبال داشت دلیل کند که مال و منفعت وی زیاده شود و زندگانی بخوشدلی گذراند و دین او
سستی کند و بعضی معبران گویند اگر کسی بیند که دنبال داشت دلیل کند که مردمان او را تبع شوند و اگر بیند که دنبال چون دنبال
سگ و گرگ و شغال بود دلیل کند که مال حرام یابد و مردمان او را ملامت کنند کرمانی گوید اگر کسی بیند که در دست دم خری یا
دم گاوی داشت دلیل کند که بقدر آن مال یابد و اگر کسی دست در دنبال حیوانی بیند که حرام گوشت بود مال حرام یابد امام جعفر صادق
فرماید دنبال حیوان در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی فرج دوم اعوان سیم مال چهارم عیش **دنبل داشتن** ابن سیرین گوید اگر
کسی بیند که دنبل داشت دلیل کند که مالش زیاده شود بقدر آن دنبل و اگر بیند که دنبل وی بشکافت و خون از وی آمد دلیل کند که
بر حق از مال او نفقت شود جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که دنبل را بشکافت و خون و ریم از آنجا بچکید دلیل کند که بقدر آن مال حرام وی را
حاصل شود و اگر بیند که دارو بر دنبل نهاد و خون و ریم از جای برفت دلیل کند که از حرام توبه کند **دنبه** ابن سیرین گوید

دنبه در خواب دلیل بر زن و مال بود که مرد نگاه میدارد و مال زن او می شود و بقدر بزرگی و کوچکی دنبه و اگر بیند که دنبه خام میخورد
دلیل کند که ماتم کند و [illegible] و اگر بیند که دنبه پخته میخورد [illegible] کرمانی گوید اگر کسی بیند که چون گوسفند دنبه داشت دلیل کند
که او را فرزندی آید صاحب دولت و اقبال امام جعفر صادق ع گوید دیدن دنبه در خواب یک درم ورم باشد **دندان** دانیال ع فرماید
دندان در خواب اهل بیت صاحب خواب بود و دندانهای بالا دلیل بر مردینه کند و دندانهای زیرین دلیل بر زنینه کند و دندان پیشین
دلیل بر فرزندان و برادران و خواهران و مادر و پدر بود و دندانها که بر چپ آن باشد دلیل بر مهتر و بزرگ خانه باشد و دندانهای دیگر
دلیل بر خالان و دختران او کنند و دندانهای پسین دلیل بر خویشان دور کنند و بعضی از معبران گویند که دندانهای پیشین آنچه از طرف
راست باشد دلیل بر پدر و خویشان او کند و آنچه از طرف چپ بود از جانب مادر و خویشان او بود و اگر بیند که دندان پیش او
می جنبید دلیل کند که از ایشان [illegible] یکی بیمار شود ابن سیرین گوید اگر بیند که دندان پیشین بر کف دست افتاد یا در کنار
یا بر زمین افتاد و بخاک آلوده گشت یا ضایع شد دلیل کند که او را فرزندی یا خواهری یا برادری آید و اگر بیند که بعضی از دندان وی
بشکست یا ضایع شد دلیل کند که یکی از خویشان او را [illegible] رسد و اگر بیند که جمله دندانهایش بر کف دست یا کنارش افتاد دلیل کند
که اهل خانه اش همه هلاک شوند و تاویل جابر دندانهای پیشین بر عکس [illegible] دارد و اگر بیند که همه دندانهای وی از [illegible]
بود اگر بیند در خواب [illegible] بود دلیل بر [illegible] کند و اگر [illegible] بود دلیل کند بر عمر دراز و اگر بیند که دندانهای وی از سیم بود یا
[illegible] دلیل کند که [illegible] و اگر بیند که دندانهای [illegible]
دلیل کند که رنج و هلاک شود و بعضی از معبران گویند افتادن دندان گذاردن وام باشد و بعضی گویند دلیل بر حاجت و خصومت
کند کرمانی گوید دندانهای بالا مقابل چشم است دلیل بر نرینه کند و دندان زیرین مقابل پیشانی است دلیل بر مادینه کند و اگر بیند که
دندانهایش جمله برکنار افتاد و در کف گرفت دلیل کند که خویشان خود را جمع کند و اگر از وی جدا شوند و اگر بیند که از
دندانهای وی بوی خوش می آید دلیل کند که خویشان بر وی ثنا گویند و اگر بر خلاف این بیند دلیل کند که خویشان وی را غیبت
کنند و اگر بیند که دندانش درد میکرد دلیل بر غم [illegible] که بوی رسد و اگر بیند که آن دندان که درد میکرد برکند دلیل کند
که مال یابد و اگر بیند که دندان وی سیاه شد [illegible] و اگر بیند که دندانهایش [illegible] دلیل
کند که [illegible] جابر مغربی گوید اگر بیند که دندانش درد میکرد و در دست گرفت اگر به
دست راست گرفت دلیل کند که منفعت یابد و آن منفعت کم از سی درم و زیاده از صد درم و اگر بدست چپ گرفت آن منفعت
کم از سیصد درم و زیاده از ده هزار درم نباشد و اگر بهر دو دست گرفت دلیل کند که مال فراوان یابد و اگر بیند که از میان

کار میان وی دندانها و دندانی چون آکو و بیرون آید منفعت آن کس را بود که آن دندان را بر گیرد ولیکن او را مصیبت رسد و اگر بیند که
بعضی از دندانهایش ایمه بگشت دلیل کند که چند آن از خویشان وی بعزت رسند و بسلامت باز آیند آنکسان که بدندان
دندانها تعلق دارد و اگر بیند که دندانهای وی در میان زبان وی جمع شد [illegible] بیاید خورد نشست دلیل کند که خویشان
وی شکایت کنند از وی امام جعفر صادق ع فرماید دیدن دندانها در خواب بر شش وجه بود یکی اهل بیت دویم مال سیم منفعت چهارم
عمر و اندوه پنجم مفارقت ششم مضرت از خویشان **دهان** و ابن سیرین فرماید دهان در خواب دیدن کلید کار و خاتمت وی
باشد و هر چه از دهان بیرون آید دلیل و تاویلش بر جوهر کلام بود و هر چه از در روده در دهان وی شود صلاح دین باشد و آنچه از غذا
در دهان شود تاویلش بعذاب باز گردد و اگر بیند که چیزی بکراهت در دهان شد چنانکه خوردن آن دشواری توانست دلیل کند
بر رنج و سختی در معیشت و آنچه بطعم خوش بود تاویلش بخلاف این باشد ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که دهان وی سخت بسته بود دلیل کند
که هلاک شود یا بیمار گردد و اگر بیند که چیزی در دهان وی نمی گنجید دلیل کند بر تغیر حال وی که کار وی در دنیا یا اجلش نزدیک آمده
باشد و اگر بیند که دهان وی فراخ شده بود چنانکه طعام بسیار در او می گنجید دلیل کند که بقدر آن وی را روزی و نعمت رسد کرمانی
گوید اگر کسی دهان خود را نیکو بیند دلیل کند که سخنهای نیکو گوید و اگر بد بوی بیند دلیل بر حرف زشت بود و اگر بیند که گوشت
دهان وی بخشید دلیل کند که او را زیان رسد و اگر بیند که از دهانش خون بیرون می آمد و جامه او بدان آلوده گشت دلیل کند که
با کسی جنگ کند و اگر بیند که شلوار وی آلوده شده و اوری او از جهت زنان باشد اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که از دهن وی کرم
یا جانوری بیرون آمد دلیل کند که از عیال او یکی جدا شود و برگ یا پرنده که آمد و اگر بیند که از دهان وی چیزی بیرون آمد دلیل کند که
هر چه بجای مردم کرده باشد بسبب منت نهادن وی باطل شود و اگر بیند که بوی خوش آمد مردمان برا وثنا گویند و اگر بوی ناخوش
آمد تاویلش بخلاف این بود و اگر از دهن وی مروارید بیرون آمد دلیل کند که مردمان از علم و دانش او بهره مند گردند و اگر بیند که
لنز دهن افتاد دلیل کند که بجور مردمان گوید و اگر بیند که کسی بر دهان وی مهر نهاد و نشست دلیل کند که در میان خلق رسوا شود
جاحظ گوید اگر کسی بیند که چیزی خوب از دهن وی بیرون آمد دلیل کند که سخن نیکو گوید و اگر بخلاف این بیند دلیل سخن زشت باشد
و اگر بیند که چیز نیکو در دهان نهاد دلیل کند که روزی حلال خورد امام جعفر صادق ع فرماید که دیدن دهان در خواب بهشت وجه است
اول منزل او خانه دویم خزانه و علم سیم گشایش کارها چهارم مال پنجم حاجت ششم [illegible] هفتم [illegible] **دهل زدن** ابن سیرین گوید دهل
زدن در خواب کلام باطل بود و اگر بیند که شادی دهل میزد تاویلش سخن باطل شد یا کاری کند که روشن و بید امام جعفر صادق ع
فرماید دهل زدن در خواب سه جزای مختلف که بیان هیچ فریب نباشد **دهلیز** کرمانی گوید دیدن دهلیز خانه در خواب خادم خانه بود اگر بیند که

دهلیز خانه نیکو و آبادان بود دلیل کند بر تندرستی و نظام خادم خانه و اگر بیند که دهلیز خراب شد دلیل بر بیماری و رنج خادم کند
جابر مغربی گوید اگر بیند که دهلیز خانه از [illegible] زشت بود دلیل کند که خادم خانه بدین وصف باشد **دوختن** ابن سیرین گوید اگر کسی در
خواب بیند که جامه خویش می دوخت [illegible] و حالش اصلاح باز آید و اگر بیند که جامه عیال خود می دوخت همین تاویل دارد
و اگر بیند که جامه زن بیگانه می دوخت دلیل کند که هم و زیان بوی رسد و اگر از مرد باشد نیکو بود و اگر بیند که سوزن در دست داشت
و جامه تمام بر دوخت دلیل کند که هر شغل که پیش گیرد تمام کند و اگر بیند که جامهای درشت بسیار دوخت دلیل کند که عیش بر وی فراخ
شود و مال از میراث بیابد جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که از بهر خود پیراهن دوخت دلیل کند که با عیال خود سازگاری باشد و اگر
بیند شلوار دوخت دلیل کند که بخدمت کسی مشغول گردد و اگر بیند که از بهر عیال جامه ابریشمی می دوخت دلیل کند که از جهت غمگین
شود که بسبب گناهی که از او صادر شود و امام جعفر صادق ع فرماید دوختن چیزها در خواب کسی بود که کار دنیا بر دست وی
بصلاح آید خاصه آنکس را که از بهر خود دوزد **دود** ابن سیرین گوید دود در خواب پادشاه ستمگر بود و اگر بیند که از جانب مشرق
یا از مغرب دودی عظیم بود دلیل کند که مردم از آن دیار از پادشاه جور و ستم رسد و در محنت او گرفتار شوند و اگر بیند که دود از غلام
بر خواسته و آتش نبود دلیل کند که فتنه و بلا در آن عالم پدید آید جابر مغربی گوید اگر بیند که در شهر یا ولایتی بی آنکه آتشی بود دودی
عظیم بر خواست دلیل کند که اهل آن ولایت را از جانب خدا بیم باشد و اگر توبه کنند خلاصی یابند اگر بیند که دود از هوا می آمد همین
دلیل کند و اگر بیند که از خانه یا از دکان دود بر می آمد دلیل کند که پادشاه ظالم وی را مصادره کند و مالش بگیرد **دوزخ** ابن سیرین
گوید اگر کسی بیند که در دوزخ شد و بیرون نیامد دلیل کند که عاصی و بدکار شود و باید توبه کند و بخدا استغاثه کند زیرا که اجل وی
نزدیک آمده باشد و اگر توبه نکند کافر میرد و اگر بیند که دوزخ را دید و گرمی و بوی او رسید دلیل کند که در رنج و غم دنیا گرفتار شود
و باخر سلامتی یابد و اگر بیند که در دوزخ گرفتار [illegible] شده دلیل کند که پیوسته در دنیا محزون و اشک ریزان
بود و اگر بیند که از طعام و شراب دوزخ بخورد و در آتش می سوخت دلیل کند که در دنیا کردار بد میکند و در آخرت بلای وی باشد
و اگر بیند که فرشته موی پیشانی وی گرفت و در دوزخ انداخت دلیل کند که [illegible] بد بختی باشد کرمانی گوید اگر بیند که
خود در دوزخ رفت دلیل کند که بر گناه و کردن و صابر بود و اگر بیند که از خوردن [illegible] دوزخ چیزی [illegible] زقوم و حمیم دلیل کند که
بعلم باطل مشغول گردد که آن علم بر وی بلا شد و اگر بیند که آتش دوزخ بوی بخورد دلیل کند که مال یتیمان خورد و اگر بیند که
آتش دوزخ نزدیک می افروخت دلیل کند که او را کاری صعب پیش آید از جهت پادشاهی جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که او را کشان کشان
به دوزخ میبردند دلیل کند که عاقبت وی بکفر کشد و اگر بیند که بانگ آتش دوزخ می شنید دلیل کند که سیاست پادشاه

به ورسد و اگر بیند که بر ذیلک دوزخ قرار گرفت دلیل کند که عیش جهان بر وی تنگ و دشوار گردد امام جعفر صادق ع فرماید دیدن دوزخ
در خواب بر شش وجه بود یکی خشم گرفتن دوم مبتلا بگناه شدن سیم جور سلطان ستمگر بر مردم چهارم رنج و مصیبت پنجم [illegible]
مال یتیمان ششم ربا خوردن **دوشاب** ابن سیرین گوید دوشاب بخواب مال منفعت بود و اگر بیند که اندک دوشاب
درود آن بهاد دلیل کند که از کسی سخن خوب شنود و جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که دوشاب پاکیزه بخورد دلیل کند که ویرا فرزندی
حاصل شود و اگر بیند که از شیره دوشاب می پخت دلیل کند بر کاری که از آن منفعت یابد **دوشیزه بودن** ابن سیرین گوید اگر
بیند که مردی بنکاح دوشیزگی از وی بستد دلیل کند که مال حلال یابد اگر بی نکاح دوشیزگی از وی بستد دلیل کند که مال حرام یابد و در [illegible]
علی افتد کرمانی گوید اگر مردی بیند که دوشیزگی از دختری بستد بحلال [illegible] زن خواهد یا کنیزک بخرد و اگر بحرام بستد دلیل کند که
بحرام گراید و دینش نقصان پذیرد **دوغ** ابن سیرین گوید خوردن دوغ در خواب غم و اندوه است و خوردن [illegible] طعام [illegible]
بود و بعضی معبران گویند خوردن دوغ مال حرام است زیرا که مسکه از وی بیرون شده است و اگر بیند که نان با دوغ میخورد دلیل
کند که او را رنج و غم باشد و اگر بیند که دوغ بکسی داد او کس [illegible] کرده **دکان** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که دکانی بنا
کرد دلیل کند که زن خواهد و اگر دکان را خراب کرد زن را طلاق دهد و اگر بیند که دکان خود خراب شد زنش بمیرد امام جعفر صادق ع
فرماید دیدن دکان در خواب بر شش وجه بود یکی زن دوم معیشت سیم عزت و جاه و نیکویی چهارم بلندی پنجم دشمن ششم مرتبت
چون دکان نو بود **دوک** ابن سیرین گوید دوک در خواب دیدن دختر باشد اگر زن بیند که دوک فرا گرفت یا کسی بوی داد
اگر آبستن بود دختری آورد و اگر کسی از خویشان وی آبستن بود او نیز دختری آورد و اگر زن بیند که در دوک وی مهره دوک شد
دلیل کند که دختر یا خواهر خود را بشوهر دهد و اگر بیند که دوک وی بشکست دلیل کند که خواهر یا دخترش بمیرد و اگر دوک در خواب
مردی بود [illegible] و اگر زن بیند که دوکی فرا گرفت دلیل کند که مردی [illegible] جابر مغربی گوید اگر مردی بیند که دوک [illegible]
[illegible] شود و اگر زن بیند چند دوک گرد کرد **دولاب** ابن سیرین گوید دولاب در خواب دیدن خزانه داری بود جابر مغربی گوید اگر کسی
بیند که دولابی ساخت دلیل کند که خانه بسازد و اگر بیند که پادشاهی یا بزرگی دولابی بوی داد [illegible]
کند که پادشاه یا مرد بزرگ خانه خویش بوی سپارد و اگر بیند که از آب دولاب میخورد دلیل کند که از آن خزانه [illegible]
منفعت رسد **دوات** ابن سیرین گوید که اگر کسی بیند که دوات داشت یا کسی بوی داد دلیل کند که با کسی از خویشان و نزدیکان
جنگ و خصومت کند و اگر بیند که با دوات [illegible] دلیل کند که [illegible] و اگر بیند که دوات وی بشکست یا ضایع [illegible]
دلیل کند که [illegible] و اگر بیند که قلم در دوات سیاهی [illegible] دلیل کند که [illegible] جابر مغربی گوید اگر

کسی بیند که دوات زرین داشت دلیل کند که متفکر و حیران گردد و اگر سیمین بود زن خواهد یا کنیزک بخرد و اگر برنجین بیند منفعت
یابد و اگر آهنین بیند دلیل کند که در کارها قوت یابد و اگر از مس بیند منفعت اندک بیند و اگر از چوب بیند با کسی خصومت و جنگ
کند **دویدن** ابن سیرین گوید دویدن بپای و دویدن ستور در خواب [illegible] بود در دنیا بمقدار آنکه دویده باشد و [illegible] در خواب
سفر کردن باشد و هرچند بلندتر بود سفرش دورتر باشد و اگر بیند که بر اسب یا [illegible] سوار بود و میدوید دلیل کند که با عیال خود بسفر
رود و در آن سفر ویرا مال و منفعت حاصل شود جابر مغربی گوید اگر بیند که در دویدن مانده شد دلیل کند که از حرص دنیا آرام گیرد و فارغ
شود بداده خدای تعالی **دیبا** ابن سیرین گوید دیبا و پرنیان در خواب خیر و صلاح [illegible] زنان را و اگر مردی بیند که قبای خود را
از دیبا و پرنیان پوشیده بود دلیل کند که [illegible] یابد و اگر بیند که با قبا و سلاح پوشیده بود که غزا کند اگر چنین بود
[illegible] دین و [illegible] دنیا [illegible] پوشیدن دیبا و پرنیان اصحاب سلطان را عز و رحمت [illegible] باشد و پوشیدن آن
زنان را [illegible] نیکو بود از هر رنگی که باشد مگر زرد و کبود جابر مغربی گوید اگر زن بیند که اطلس سپید پوشیده بود دلیل کند
[illegible] و اگر اطلس زرد پوشیده بود دلیل بر بیماری کند و اگر کبود بیند غم و مصیبت باشد و اگر اطلس سیاه بیند
دلیل کند که اندوهناک و متفکر باشد **دیگ** ابن سیرین گوید دیگ در خواب زن باشد و بعضی از معبران گویند که خداوند خانه
باشد و اگر بیند که دیگ نو فرا گرفت یا کسی بوی داد و بر آتش نهاد و [illegible] می پخت دلیل کند که از پادشاهی بوی خیر و منفعت
رسد بقدر دیگ خاصه که دیگ را سیمین یا زرین بیند و اگر از سفال بیند کاری کند که بسبب آن کار [illegible]
و اگر دیگ را بر سر آتش بیند و در وی هیچ طعام نباشد دلیل کند که مردی [illegible] بکار [illegible] که در آن کار [illegible] باشد [illegible]
گوید دیگ بخواب دیدن کدخدای خانه یا کدبانو باشد و هر خوبی و نقصی که در دیگ بیند [illegible] بکدخدای خانه باشد [illegible] و اگر
در دیگ گوشت [illegible] بیند دلیل بر روزی بی رنج و زحمت باشد امام جعفر صادق ع فرماید دیدن دیگ در خواب بر پنج
وجه باشد یکی زن دوم کدبانوی خانه سیم رئیس چهارم خادم پنجم [illegible] دیگپایه و دیگدان کدبانوی خانه باشد و
دیگپایه کدخدای خانه و هر نقص و عیبی که در ایشان بیند تاویلش بکدخدای [illegible] و بعضی معبران گویند دیگپایه در خواب [illegible]
قوی حال [illegible] **دینار** دانیال ع گوید اگر بیند که در دست دینار داشت [illegible] چهار دینار بود
دلیل کند که او را از کاری کراهیت رسد یا سخنی شنود که او را از آن [illegible] آید و معبران گویند دینار بخواب
امانت بود که گذارده و اگر در کف خویش [illegible] بیند دلیل کند که پنج نماز فریضه بجای آورد و اگر بیند که دینار بسیار یافت
دلیل کند که امانت مسلمانان نگاه دارد و اگر بیند که یک دینار یافت دلیل کند که [illegible] امانت [illegible]

و بسیار بود و کرد در خواب بیند چشم در بیداری همان دیدار باشد اسمعیل اشعث گوید دیدار در خواب این بود در دست خاصه کرد
صورت کرده شود امام جعفر صادق گوید دیدن دیدار در خواب چون پنج وجه است [illegible] و اگر بیند
دین پاک و علم با منفعت بود و چه خطا کرد دیدار بخواب دیدن زن و فرزند یا کنیزک باشد و دیدار بسیار مال [illegible]
بدست آورد **دیو** ابن سیرین گوید دیو در خواب دشمنی بزرگ مکار بود و اگر کسی در خواب بیند که دیو او را [illegible] کرد
توبه کند از کارهای ناصواب و دشمنان قصد وی کنند و بر وی ظفر نیابند قوله تعالی ان الذین اتقوا اذا مسهم طائف من الشیطان و اگر بیند که
که با دیو در جنگ و خصومت بود دلیل کند که اگر بر وی غلبه کرد دین وی قوی و درست بود و اگر دیو او را غلبه کرد بر خلاف این
باشد کرمانی گوید اگر کسی دیو را حرمت [illegible] دلیل کند که [illegible] و اگر [illegible] بیند دلیل کند که [illegible] مشغول
شود و اگر بیند که دیو جامه از تن وی بکشید اگر حاکم باشد از عمل معزول گردد و اگر دهقان بود [illegible]
گوید اگر بیند که دیو از پهلوی وی [illegible] دلیل کند که [illegible] و اگر بیند که دیو او را اسیر برد دلیل کند که [illegible] مشهور گردد
و اگر بیند که با دیو صحبت میداشت دلیل کند که گناهی بزرگ از وی صادر شود و اگر بیند که با دیوان سخن گفت دلیل کند که با دشمن اهل
صلاح یکی شود و [illegible] قوله تعالی انما النجوی من الشیطان لیحزن الذین آمنوا ولیس بضارهم شیئا الا باذن الله
اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که با دیو طعام میخورد دلیل کند که بر راه فسق و فساد گراید و متابعت دیو کند بخلاف این اگر بیند
که بر راه خیر و صلاح گراید و تابع راه دین گردد و اگر بیند که دیو او را بگرفت یا دیو بر شکم وی شد دلیل کند که [illegible] مشغول شود
امام جعفر صادق گوید دیدن دیو در خواب بر شش وجه بود یکی دیدار دشمن دوم [illegible] سیم شهوت و هوای نفس چهارم از
اطاعت و پنجم از اهل صلاح دوری ششم گرد آن چیزهای حرام مایل بودن **دیوانگی** ابن سیرین گوید دیوانگی در خواب مال حرام
بود و از مردمان طاعت [illegible] هرکه بیند که او دیوانه شده بود دلیل کند که [illegible] خورد قوله تعالی الذین یاکلون
الربوا لا یقومون الا کما یقوم الذی یتخبطه الشیطان من المس جابر مغربی گوید اگر بیند که با دیوانه هم صحبت بود دلیل کند که او را با چنین
صحبت افتد و از صحبت وی ملامت برد **در تعبیر چیزهایی که در اول ذال است از حروف تهجی** **ذکر** [illegible] ذکر [illegible] قضیب
بود و اسمعیل گوید قضیب تاویل فرزند و بزرگی و ناموری باشد و اگر بیند که او را دو قضیب بود دلیل کند که او را هم فرزند
باشد و هم بزرگی و ناموری و اگر بیند که قضیب وی بریده شد دلیل کند که فرزند [illegible] و اگر بیند که قضیب وی سست [illegible]
دلیل کند که فرزندش بیمار گردد و ابن سیرین گوید [illegible] قضیب در خواب دلیل بر [illegible] فرزند کند و بزرگی و ناموری وی
دلالت بر [illegible] و اگر بیند که از قضیب وی [illegible] بیرون آمد دلیل کند که [illegible]

مشرق بود و باشد و اگر بیند که ریم بیرون آمد او را فرزندی معلول باشد و اگر بیند که آب صاف بیرون آمد دلیل کند که او را فرزندی
صالح و پارسا بود و اگر بیند که آب تیره بیرون آمد بر خلاف آن باشد و اگر بیند که منی بیرون آمد بقدر آن مال و خواسته حاصل شود
و اگر بیند که آتش بیرون آمد یک نیمه بمغرب و یک نیمه بمشرق شد دلیل کند که او را فرزندی آید که پادشاهی مغرب و مشرق بیابد و اگر
بیند که سرگین بیرون آمد دلیل کند که عیش خوش باشد کرمانی گوید اگر کسی بیند که قضیب او دراز بود دلیل بر بسیاری فرزندان کند
و اگر بیند که قضیب او بر خواسته سخت است دلیل کند که بخت و اقبال او قوی باشد و اگر بیند که قضیب او دراز بود دلیل بر بسیاری
فرزندان کند و اگر بیند که قضیب او آماس کرده بود دلیل کند که مالش زیاده شود و اگر بیند که کرمی برآورده دلیل کند که عیش بروی
تباه شود و اگر بیند که قضیبش بریسمانهای بسته بود دلیل آن باشد که گواهی دهد امام جعفر صادق گوید دیدن قضیب در
خواب بر هفت وجه بود یکی فرزند دوم مال سیم علم چهارم عزت پنجم بزرگی ششم طلب هفتم کردن فتنه **در تعبیر**
چیزهایی که در اول آنها راست از حروف تهجی **راز نهادن** ابن سیرین گوید راز نهادن در خواب اگر با وقت خود بود بوقت بیند غم و اندوه
بود و خوردنش مضرت بود و اگر بیند که در زمینی که ملک او بود راز نهاد بسیار روشت و رنج و اندوه گرفتار شود **راسو** ابن
سیرین گوید دیدن راسو در خواب دزد بود یا دزد خانه یا دکان خواهد کرفتن و کشتن و اگر بیند که گوشت راسو خورد یا از آنها
او در دست داشت دلیل کند که مال دزدیده از دزد بستاند کرمانی گوید اگر بیند که راسو را بگرفت دلیل کند که دزد را بجای
آورد باشد و عاقبت یابد و اگر بیند که با راسو جنگ میکرد و بر وی غالب آمد دلیل کند که بر دزد غالب آید امام جعفر صادق گوید
که دیدن راسو در خواب بر سه وجه است دزد دوم دشمن سیم بیماری **راه** ابن سیرین گوید راه در خواب دین و استقامت و راستی
جستن او بود در دین و دنیا و اگر بیند که بر شاهراه میرفت دلیل کند که بر راه دین بود و اگر بیند که گروهی را براه راست رهبری
میکرد دلیل کند که قومی را بر راه دین و سنت راه نمایی کند و اگر بیند که در راه سرگشته و متحیر گشت دلیل کند که در راه یا کار دنیا متحیر
شود کرمانی گوید اگر در راهی میرفت و باز ماند دلیل کند که حق تعالی حاجت او از کسی بستاند و اگر بیند که در چنین راه ماند دلیل
کند که بر شمار [illegible] حق خود بستاند و اگر بیند که کسی او را از راه راست بجای کج برد دلیل کند که او را بفریبد و در رنج مشغول کند
و اگر بیند که بر پشته یک [illegible] میرفت و راه بر وی مشکل شد دلیل کند که استقامت در راه راست یابد و اگر راهها بسیار بیند و ندانست
که از کدام راه باید رفت دلیل کند که در دین خویش متحیر شود و بحجت ابرار هدایت یابد و اگر بیند که راه برای مشکل او گم شد
که کجا میرود و بقول رسول علیه السلام راه راست میکرد و میرفت چون شب او را راه گم کرد دلیل کند که راه حق بر وی گم
شود و اگر بیند که حقیقه از راه راست بیکسو میرفت دلیل کند که بر دشمن مکر و حیله کند و اگر بیند که بر راه میرفت [illegible]

آنکه از راه یکسو شد دلیل کند که دین او را زیان کند و خلل در دین وی در آید و بدانکه پیاده رفتن و سواری شدن هم
خواب تاویلش یکسان او باشد جابر مغربی گوید اگر بیند که در راه وی سبزه و بناهای نیکو بود دلیل کند بر پاکی و نیکوئی دین وی
تواند بود ان هذا صراطی مستقیما فاتبعوه و اگر کسی بیند که او را کسی از راه بیرون برد دلیل بر رفتن دین وی کند قوله تعالی و قد ضلوا
اسمعیل اشعث گوید راه راست در خواب سلامت و استقامت دین بود و راه کج بخلاف این بود و امام جعفر صادق ع فرماید دیدن
راه در خواب بر پنج وجه باشد یکی پیاده دوم رامش سیم کار چهارم حیرت و برکت پنجم راستی و رحمت مردم **راه زن** ابن سیرین گوید
راه زن در خواب مردی بود که با مردم بد کند اگر کسی بیند که از راه زن مال بستد دلیل کند که با چنین مردی او را صحبت افتد و بقدر
آن مال که از وی بستد چیز و منفعت یابد و اگر کسی بیند که راه زنان بر وی جمع شدند لیکن از او چیزی نتوانستند ستد دلیل کند
که بیمار شود و باشد که هلاک شود کرمانی گوید اگر کسی بیند که راه زن چیزی از وی بربود دلیل کند که از آن راه زن در وقت شود
و اگر بیند که برای بردن مال راه زنان هلاک کرد دلیل کند که مصیبتی بوی رسد جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که راه زنی کرد و مال کسی
ببرد دلیل کند که آنکس برای خصم شود و عیش بر وی تباه کند و اگر خویشتن را راه زن بیند دلیل کند که بیمار شود و عاقبت شفا یابد
امام جعفر صادق ع فرماید راه زن در خواب بر سه وجه بود یکی جنگ و خصومت دوم دروغ گفتن سیم تباهی عیش و بیماری
رباب ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که رباب چنگ نای بود این جمله دلیل بر غم و مصیبت کند و اگر بیند که رباب را بشکست
بیفکند دلیل کند که از ملاهی به توبه کند و اگر بیند که رباب بیزد و بمیرد یا بیمار شود **رخساره** ابن سیرین گوید رخساره
در خواب دلیل بر حشمت و شرف مردم باشد اگر کسی بیند که رخساره وی سرخ و پاکیزه بود دلیل کند که در میان مردمان مشهور شود
و بزرگی یابد و اگر رخساره زرد و ناپسند بیند تاویلش بخلاف این باشد کرمانی گوید رخساره در خواب آرایش مردم و الله اعلم
وی باشد و اگر در رخساره عیبی بیند تاویلش آن بود که خدای تعالی در آرایش او بازگردد جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که بر رخساره وی گوشت
بود دلیل کند که قرض و فرح بر شود و امام جعفر صادق ع فرماید رخساره مردم در خواب دلیل بر نیکوئی حال و شادی مردم کند و زشتی
رخساره دلیل بر غم و بیماری کند **رستخیز** بدانکه رستخیز قیامت دلیل بر جاه و حشمت باشد ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که
قیامت پدید آمد دلیل کند که حق تعالی در آن دیار که او بود اگر اهل آن دیار ظالم باشند جای انتقام بر ایشان کند و اگر مظلوم باشند
حق تعالی ایشان را بر ظالمان نصرت دهد و اگر بیند که قیامت برپا خواست دلیل کند که اگر ظالم باشد در غم و مصیبت گرفتار شود و اگر
صالح باشد بر دشمن ظفر یابد و عاقبت او محمود باشد و اگر کسی بیند که علامتی از قیامت پدید شد چنانکه آفتاب از مغرب بر آید یا دجال
خروج کرد و یا یاجوج و ماجوج پدید آمد باید که توبه کند و بحق تعالی باز گردد و اگر بیند که در حساب طلب شد یا او را بر ... نشاندند

فزع

عقوبت باشد و از شاه از ترس ابناس حساب و هم بر نفقه معروف و اگر بیند که با وی حساب بکردند دلیل کند که او را زیانی رسد و اگر
بیند که ترازو و پیمانه بدست راست داشت دلیل کند که بر راه راست شود و اگر بیند که نامه اعمال وی بوی دادند اگر اهل صلاح بود
کارش نیکو گردد و اگر از اهل فساد باشد دلیل کند که کارش بد شود از قرآن کفی بنفسک الیوم علیک حسیبا و اگر خود را بر صراط بیند
اگر بتوانست گذشت دلیل کند که بر راه راست باشد و اگر نتوانست گذشت تاویلش بخلاف این باشد و توبه باید کردن
رسن ابن سیرین گوید رسن در خواب عهد و پیمان باشد و اگر بیند که دست وی با رسن بسته بود و در هوا معلق آویخته بود
دلیل کند که به قدر بلندی آن رسن قدر و منزلت یابد و اگر بیند که رسن را ببرید و اندکی رسن در دست وی بماند دلیل کند که از
قدر و منزلت بیفتد کرمانی گوید اگر کسی بیند که رسنی از آسمان آویخته بود و او دست بدان رسن زده بود دلیل کند که بر ایمان
او وحق تعالی بود جابر مغربی گوید اگر بیند که دست در رسن زده بود دلیل کند که دست بحبل متین حق تعالی زده باشد و اعتصموا
بحبل الله جمیعا و بعضی معبران گویند که رسن پیمان بود که گرفته باشند هم با خدای تعالی و هم با خلق و اگر در گردن خود رسن بیند
دلیل کند که پیمانها در گردن او گرفته کرده گذارد و آن را اظهار کند و اگر بیند که از بام بلندی خود را برسن فرو گذاشت دلیل کند که
حاجت مقصود وی گردد از رسن ... امام جعفر صادق ع فرماید دیدن رسن در خواب بر چهار وجه باشد یکی عهد
و پیمان دوم دین سیم امانت چهارم قضای حاجت **رضوان** بدانکه رضوان دربان بهشت بود ابن سیرین گوید اگر
کسی رضوان را بخواب بیند دلیل کند که از عذاب ایمن گردد و اگر رضوان را بر در بهشت بیند دلیل کند که از دنیا برود
و بعضی از معبران گویند رضوان در خواب سلطان باشد زیرا که رضوان خازن بهشت است و اگر بیند که رضوان او را در
بهشت برد دلیل کند که زود از دنیا برود و خاتمتش سعادت باشد و اگر بیند که رضوان وی را از میوهای بهشت داد یا جامه
سبز بوی بخشید دلیل کند که وفات او نزدیک رسیده باشد کرمانی گوید اگر کسی بیند که رضوان او را یاقوت یا مروارید یا از گوهرهای
بهشت داده دلیل کند که او را فرزندی عالم دانا چنانکه نام او در جهان منتشر گردد **رفو کردن** ابن سیرین گوید رفو کردن جامه
با چیزهای دیگر در خواب دلیل کند که جنگ و خصومت کند و ... را رفو میکرد کرمانی گوید اگر کسی بیند که جامه خویش رفو
میکرد و نتوانست دلیل کند که از جهت عیال خود غم و اندوه خورد و رفو گر در خواب مردی باشد که خداوند جنگ و خصومت باشد
و با همه کس گفتگوی دراند و جهد کند تا کار خویش را اصلاح آورد و از خصومت باز ... **رقص کردن** ابن سیرین گوید رقص کردن
در خواب غم و اندوه و مصیبت باشد و بعضی از معبران گویند بیماری باشد و گروهی دیگر گویند مرد را رقص کردن در خواب ... زنان
خاصه که بند بر پای داشته باشد کرمانی گوید رقص کردن در خواب زنان را رسوائی باشد و مردان را دلیل کند بر خصومت ...

در خواب مردی بود که پیوسته در مصیبت خویشتن یا مصیبت دیگران باشد امام جعفر صادق ع فرماید رقاص در خواب دلیل بر مصیبت
و غم و اندوه باشد **رگ زدن** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که پری برابر رگ گشاد دلیل کند که از دشمن سخنی یا طعنه شنود یا
مالش متلف شود و اگر بیند که رگ زد و خون از او آمد دلیل کند که از دشمن سخن طعنه شنود و یا مالش تلف گردد و اگر بیند که
رگ زد و خون از او آمد دلیل کند که از جهت سلطان غمی بوی رسد و بمقدار آن خون زیان کند کرمانی گوید اگر کسی بیند که
عاملی او را رگ گشاد و خون بسیار آمد در طشتی یا طبقی دلیل کند که بیمار شود و مال خویش در بیماری هزینه کند اسمعیل اشعث
گوید رگ گشادن از دست راست دلیل بر زنا و ناخواسته بود و از دست چپ دلیل بر زنا و کار دوستان بود و اگر حجامت
کرد زن خود را رگ بود اگر زن آبستن باشد دختر زاید و اگر نباشد آبستن شود جابر مغربی گوید که رگ زدن و خون از
وی بیرون آمدن دلیل کند که او را سخن حق گویند و اگر بیند که او را کسی رگ بگشاد و خون از تن وی بسیار آمد چنانچه خون در تن
او نماند دلیل کند که زود بمیرد و اگر علتی بر مخاطره بود که از آن برهد امام جعفر صادق ع فرماید رگ زدن در خواب بر چهار وجه
بود یکی گشایش کارها دوم سفر سیم صحبت چهارم ارجمندی اگر بیند که رگ زد و خون نیامد دلیل کند که حرمت
و اگر خون بیرون آمد دلیل بر یافتن مال کند یا بر خسران مال و اگر بیند که تن وی بجراحتی خون آلود گشت دلیل کند که چیزی بدو رسد
و معبران گویند رگ زدن در خواب چون چند ستور بود و شادی و خرمی بود و اگر ستور نباشد مضرت و زیان باشد او را
بمقدار خون **رگهای تن** ابن سیرین گوید رگهای تن دلیل بر اهل بیت و خویشان وی کند و هر رگی را قیاس بکسی است
در رگهای سر و پشت دلیل بر مهتران کند و رگهای دست و بازو دلیل بر برادران و فرزندان کند و خویشان و مادر و رگهای
پشت دلیل بر خویشان پدر کند و رگهای پرون و ران دلیل بر اهل و دوستان کند و رگهای ساق دلیل بر اهل و دشت
مردم کند و اگر بیند که رگ بگشاد دلیل کند که یکی از خویشان او رحلت کند و بعضی از معبران گویند غم و اندوه بخویشان وی
رسد و یا شد که در غربت افتد و از خویشان خود جدا ماند و اگر بیند که کسی در او را رگ گشاد دلیل کند که از خویشان سخنی
درشت شنود و بعضی گویند بمقدار آن خون که از وی برود یکی از خویشان وی که متعلق با رگ دارد مالش تلف شود و خیال
گوید اگر کسی بیند که رگ قیفال گشاد دلیل کند که کار بر وی بسته گردد و اگر بیند که رگ باسلیق گشاد همین تاویل رگ اکحل
نیز چنین باشد و چون ساتی گوید از رگ وی خون آمد هر رگی که باشد دلیل کند که تا بیاید و چون گوید خون از رگ وی بریخت
دلیل کند که بمقدار آن خون زیان بیند و اگر بیند که تن وی کبود گشته بود دلیل بر زیان مال باشد و باشد که اندوهی بوی رسد
رنگ ابن سیرین گوید که رنگ سپید بخواب دیدن دلیل بر صلاح و پاکی دین او کند و رنگ سرخ مرد را نزد او بود

زنان را نیک بود و رنگ سبز و غیر آن هم مرد و هم زن را در دین و دنیا و آخرت خیر و صلاح باشد و رنگ زرد بجمله ایام را خوب نباشد
دلیل بر بیماری کند و رنگ سیاه بر جامه مردان و زنان غم و مصیبت امام جعفر صادق ع فرماید رنگ سپید و سبز بخواب دیدن دلیل
بر خیر و برکت و ظفر یافتن بود و رنگ سیاه سلطان و اصحاب و قاضی و خطیب و محتسب و آنها که از اهل آن کنند و رنگ سرخ بر خاص و خصومت
بود **روباه** ابن سیرین گوید روباه در خواب مردی مکار غدار فریبنده باشد یا زنان یا کنیزک دروغ زن از خویشان و اگر بیند که با روباه
جنگ و ستیز میکرد دلیل کند که خویشان وی با او خصومت کنند و اگر بیند که با روباه بازی میکرد دلیل کند که او را زنی دوست دارد
لیکن دوستی وی ضعیف بود کرمانی گوید اگر کسی بیند که روباه را شیر میکرد دلیل کند که با کسی حیلت سازد و اگر بیند که
روباهی در خانه او در آمد و قرار گرفت دلیل کند که زنی خواهد و از آن زن دوستدار وی بود و اگر بیند که روباه از وی بگریخت دلیل کند
وام دار از وی بگریزد **رود خانه** ابن سیرین گوید رود خانه بزرگ در خواب مردی بزرگوار بود و اگر بیند که در رود بزرگ صافی شنا
دلیل کند که با مردی بزرگ بدولت پیوندد و اگر بیند که در رود وی بزرگ شد و آبش تیره بود دلیل کند که با مردی ستمگر پیوندد و اگر بیند
که در رود غرق شد دلیل کند که تا وقت مرگ از غم و اندوه رهائی نیابد و هر چند رود بزرگ صاف بود با مردی بزرگتر پیوندد و اگر
رود را تیره و تاریک بیند مردی ستمگر فاسق باشد دانیال ع فرماید رود بزرگ صاف بود با مردی بزرگتر پیوندد و اگر رود را
تیره و تاریک بیند مرد ستمگر فاسق بود دانیال ع فرماید رود بزرگ وزیر پادشاه بود و اگر بیند که رود بزرگ خشک شد دلیل
که وزیر را معزول گردانند و اگر آب رود را زیاده بیند دلیل کند که حال وزیر زیاده شود و اگر بیند که آب رود بخورد دلیل کند که از وزیر
عطیه یابد و اگر بیند که آب رود تیره بود دلیل کند که مال مردم بیابد و اگر آب رود را تلخ بیند دلیل کند که رشوت ستاند و اگر بیند که آب رود
گنده بود دلیل کند که بیمار شود و اگر بیند که آب رود سرد و خوش بود دلیل کند که وزیر او را بنوازد و اگر آب رود را خون بیند که
برفت دلیل کند که در آن دیار خون ریختن عظیم باشد در میان پادشاهان و اگر بیند که از آن آب خون آلود بخورد دلیل کند که از
بهر طمع جاه او در فتنه پادشاه و اگر بیند که آب رود سپید بود و پاک دلیل کند که مردم عادل ثنای وزیر را گویند و اگر بیند که آب رود
و اگر بیند که آب او بزمین فرو شد و دیگر هیچ نماند دلیل کند که عقوبت حق تعالی شامل حال او شود قال الله تعالی ان اصبح ماؤکم غورا
و اگر بیند که در آب رود خود را بشست دلیل کند که کارش با پادشاه و وزیر امین باشد و اگر بیند که بزیر آب غوطه میخورد و باز آمد
دلیل کند که از راز وزیر آگاه گردد و اگر بیند که در رود در رفت جمله اعضای وی گل آلود گشت دلیل کند که از جهت پادشاه وی غمی باو
رسد کرمانی گوید رود دجله در خواب خلیفه بغداد بود و بعضی از معبران گویند که رود دجله پادشاه مصر بود امام جعفر صادق ع فرماید
دیدن رود در خواب بر هفت وجه باشد یکم حج دوم بزرگی سیم پادشاهی چهارم نعمت پنجم مال ششم تجارت هفتم ریاست

ظفر بر دشمن یافتن والسلام **روزه و توبه** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که روزه میداشت قرآن و تسبیح و تهلیل میخواند دلیل کند که از
حرام خوردن و گناه کردن توبه کرده باشد و اگر بیند که با روزه غیبت مردمان کند یا سخنان فحش گوید دلیل کند که طاعت و عبادت
و در راه دین صادق نباشد کرمانی گوید اگر بیند که در ماه روزه بود دلیل کند بر گرانی طعام و تنگی معیشت و بعضی معبران گویند که دلیل
کند بر تندرستی و فرج یافتن از غم و ایمن شدن از بیماری و گذاردن وام و رستن از رنج و سختی خاصه چون در ماه رمضان [بود]
امام جعفر صادق ع فرماید روزه داشتن در خواب بر ده وجه بود اول بزرگی دوم زیادت سیم تندرستی چهارم مرتبت پنجم توبه
کردن از گناه ششم ظفر یافتن هفتم زیادت نعمت هشتم حج گذاردن نهم غزا کردن و هم دلیل کند که عمر وی بسر آید اما روزه خوردن
در خواب بغیر عذر شرعی نیکو نبود و روزی حلال باشد و چون روزه گشاید در سفر یا بیند یا بیمار شود و اگر بیند که دو ماه روزه داشت
دلیل کند که از گناه توبه کند و اگر بیند تطوع داشت دلیل کند که از بیماری ایمن گردد و اگر بیند که کل سال پیوسته روزه داشت دلیل کند که
تایب گردد و حج کند و اگر بیند که روزه عاشورا داشت دلیل رستگاری از غم و اندوه بود **روستا** ابن سیرین گوید اگر کسی
بیند که در روستا و مدتی مجهول بود دلیل پرهیز کند و اگر جایگاه معروف بود دلیل غم و اگر بیند که از روستا بشهر شد دلیل کند که از
فتنه و بلا ایمن شود و کارش منتظم آید و اگر بیند که از شهر بروستا شد بد باشد جابر مغربی گوید که اگر بیند در روستا آبادان
کم شد دلیل نقصان دین و دنیا کند و اگر بیند که در روستای خراب کم شد دلیل بر شر و جنگ کند و اگر بیند که روستای ملک او شد
بود یا کسی او را بخشید دلیل کند که بر قدر آبادانی آن روستا چیز و نیکی بدو رسد و اگر آن روستا خراب بیند تاویلش بخلاف
این باشد **روشنائی** ابن سیرین گوید دیدن روشنائی در خواب دین و کار باشد اگر بیند که روشنائی فرا گرفت یا کسی بدو داد دلیل کند
که او از کسی علم دین آموزد و راه شریعت آید و تاریکی در خواب بیدینی بود قوله تعالی الله ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور
کرمانی گوید اگر کسی بیند که روشنائی بر سینه وی افتاد دلیل کند که پارسا و پاکدین شود قوله تعالی افمن شرح الله صدره للاسلام فهو علی نور من
ربه و اگر بیند که نور بر دست وی افتاد دلیل کند که عاقبت او بخیر باشد قوله تعالی یسعی نورهم بین ایدیهم و بایمانهم امام جعفر صادق ع
فرماید دیدن روشنائی در خواب بر چهار وجه بود یکی دین یاری دوم علم سیم ریاست چهارم اعتقاد پاک دانیال
گوید روغن در خواب مال و نعمت بود و بعضی معبران گویند روغن در خواب میراث باشد اگر بیند که روغن گاو داشت و کسی بخشید
و از آن بخورد دلیل کند که بقدر آن مال نعمت یابد و در میان مردم عزیز شود و اگر روغن گوسفند بیند که بخورد دلیل کند که هم مال یابد هم
میراث اما روغن گاو فراخ تر باشد و روغن کنجد و روغن زیتون اینها چون علم و دانش و حکمت بود و روغن بنفشه منفعت باشد
از مردی دهقان و اگر روغن خوشبوی بیند چون روغن گل یاسمین و بنفشه و آنچه بدین ماند دلیل کند بر زینت و آرایش و اگر

صح دانا گویند زیرا که جمله روغنهای خوشبوی در تاویل نیکو بود و اگر بیند که از روغن ناخوش و گنده بوی دلیل کند که مردمان او را
سخن زشت گویند کرمانی گوید روغن زیت مال بود و نعمت و اگر بیند که روغن بی اندازه بسر مالید چنانکه روغن از سر او بچکید دلیل
بر غم و اندوه و مصیبت بود و اگر بیند که موی بر سر خود روغن بنفشه مالید دلیل کند که از بهر وی کرد حیلت سازد جابر مغربی گوید روغن
خوردن در خواب یا مالیدن بر خود جمله آرایش بود لیکن چون بی اندازه باشد غم و اندوه و روغن زیت خوردن نان مال باشد
و اگر بیند تن خویش را بروغن زیت بمالید دلیل کند که سوگند دروغ خورد و قول خلاف کند و گناه و توبه [illegible] بیند خویشتن
و اگر بیند که جامه اش بروغن آلوده شد دلیل کند که از اندوه ایمن شود امام جعفر صادق ع فرماید روغن خوب بخواب دیدن دلیل بر شش
وجه کند یکی زن خوبروی دوم کنیزک با جمال سیم ثنای نیکو چهارم منفعت پنجم سخنهای نیک ششم طبعهای خوب اما روغن گنده دیدن دلیل
بر سه وجه کند یکی زن بد دوم مرد فاسق سیم سخنهای زشت بکار و بد اما که روغن بیاری دهنده کسی بود که با وی میامیزد **روی**
ابن سیرین گوید دیدن روی در خواب دلیل بر آرایش و بها کند و خوبروئی دلیل بر عزت و رنج و اندوه کند و اگر بیند که جامه
خود بر روی خویش پاک کرد دلیل کند که بعشرت و بیهوده مشغول شود و راه دین فرو گذارد **روی خود دیدن** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند روی خود را
با جمال تر از آن بیند که در بیداری بود دلیل کند که شرف و منزلت او بیشتر شود و اگر روی خود را ناخوش بیند کرمانی گوید اگر کسی
بیند که گونه روی وی سرخ و پاکیزه بود دلیل کند که حق شناس گردد و اگر گونه روی خود را سپید بیند دلیل کند بر نیکوئی و ثبات
وی قوله تعالی و اما الذین ابیضت وجوههم ففی رحمة الله هم فیها خالدون و اگر بیند که گونه رویش زرد گشته دلیل کند که بیمار شود
و اگر بیند که گونه رویش سیاه شده بود دلیل کند که در میان مردم رسوا گردد و اگر بیند که با جودت و سیاهی جامه سپید پوشیده
بود دلیل کند که او را دختری آید قوله تعالی و اذا بشر احدهم بالانثی ظل وجهه مسودا و هو کظیم و اگر بیند که با سیاهی روی او گرد
آلوده شده دلالت بر مرگ او کند و اگر رویش خون آلود دید یا زرد آب از رویش بیرون آمد اگر جراحت نیافته شد زیان مال بود و اگر
بیند که روی حقیقت برگشت دلیل کند که کسان او روی از وی برگردانند و بکارهای او مشغول شوند و اگر بیند روی او پوشیده دلیل
بر فساد و تباهی دین و دنیای کند و اگر بیند که بر روی خویش موی بسیار بود دلیل کند که قرض دار شود جابر مغربی گوید اگر کسی روی خویش را
نیکو بیند در آب یا در آینه دلیل کند که کارش نیکو شود و اگر زشت بیند بخلاف نیکو و اگر روی خود را سرخ بیند دلیل کند که با کسی
مناظره کند و از آن کس خشم فرو خورد و اگر روی خود را زرد بیند بیمار شود و اگر روی خود را روشن و صافی بیند دلیل کند که
طاعتها و توفیق یابد و اگر روی خویش را سیاه بیند دلیل کند که غم و اندوه بروی رسد قوله تعالی و اما الذین اسودت وجوههم اکفرتم
بعد ایمانکم و اگر روی خود را شکسته بیند دلیل کند بر قدر آن از زنان غم و اندوه رسد اسمعیل اشعث گوید اگر خود را دو روی بیند دلیل

دلیل کند که منافقی کند و اگر هر دو روی خود را خوب و پاکیزه بیند دلیل کند که متوسط باشد میان مردمان و اگر یکی روی را گریان و یکی را
خندان دلیل کند که او را دو زن باشد و سازگار با هم باشند امام جعفر صادق ع فرماید دیدن روی در خواب بر هشت وجه دارد
یکی شرف و بزرگی دوم خواری و حقارت سیم نظام کارها چهارم دین و دیانت پنجم اندوه و در سوم ششم دوام دولت هفتم کار نیکو
هشتم توفیق طاعت **ریباس** ابن سیرین گوید ریباس در خواب غم و اندوه بود و اگر کسی بیند که ریباس می خورد دلیل بر
آن غم چیند و اگر بیند که ریباس فروخت یا کسی داد از غم و اندوه رسته گردد جابر مغربی گوید اگر ریباس طعم شیرین داشت دلیل کند که منفعت
رسد از قبل دوستان و خویشان و اگر ریباس ترش باشد دلیل پشیمانی کارها **ریحان** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که ریحان
سبز و پاکیزه بود و خوشبوی دلیل کند که او را فرزندی آید و کندن ریحان اظهار از زمین دلیل گریستن و اندوه باشد کرمانی
گوید اگر کسی ریحان را در جایگاه خویش بیند دلیل کند که خداوندش کارهای نیکو کند و اگر بر خلاف این بیند دلیل بر غم و اندوه
کند و اسماعیل بن اشعث گوید اگر کسی بیند که ریاحین خوشبوی می فروخت دلیل کند که خداوندش بکارهای خیر توفیق یابد و قرآن خواندن
و علم گفتن و نصیحت این جمله در وی بود و مردمان از وی منفعت گیرند و ثنای او گویند امام جعفر صادق ع فرماید دیدن ریحان
در خواب بر هشت وجه است یکی زن خواستن دوم کنیزک سیم دوست چهارم فرزند پنجم سخن خوش ششم مجلس علم هفتم کردار
نیکو و اگر بیند که در سرای یا در باغ ریحان رست دلیل کند که آنچیزها که گفتیم او را حاصل شود و فارسی اگر ریاحین را بستان
کرد و ریاحین بیند صلاح ایشان را باز کرد و کرمانی گوید چون بوقت خود ریحان فروشد سخت نیکو بود و اگر بوقت
پلید باشد زیرا که ریحان چون بوقت باشد کسی بزرگ نیکو بود که ویرا با لطف صحبت و دوستی افتد و اگر بیند که ریحان را
از زمین برکند دلیل کند که از چنین کسان که وصف کردیم او را مفارقت افتد **ریسمان** ابن سیرین گوید ریسمان در خواب سفر
بود و بعضی معبران گویند مردی باشد که با زنان اختلاط دارد و اگر ابریشم ریسمان می رشت دلیل کند که بسفر رود و در آن سفر خیر
بخیر و بد و رسد و اگر بیند که از پنبه یا موی یا خز چنانکه رسند دلیل کند که کاری حلال کند لیکن انکار مرد او را نیک نباشد
و اگر بیند که ریسمان بسیار رشت دلیل کند که عمرش دراز شود و از درازی و بسیاری ریسمان در خواب بجا و را خیر
و منفعت رسد امام جعفر صادق ع فرماید ریسمان در خواب بر چهار وجه بود یکی سفر دوم کار مرد سیم ... چهارم منفعت پنجم
مال **ریش** ابن سیرین گوید ریش در خواب آرایش مردم بود که خدای فرموده باشد و فرشتگان فرموده که ذکر او این است
سبحان من زین الرجال باللحیة والنساء بالذوائب یعنی پاک خدائی را که آرایش داد مردان را بریش و زنان را بگیسو و اگر کسی ریش
خود را دراز بیند با غبار دلیل کند که کار که خدای تعالی او دوست شود اما چون درازی او از ناف گذشته باشد دلیل غم و اندوه

کند

کند و بوی و اگر بیند که ریش خود را بنا حق شانه میساخت دلیل کند که خداوند خویش را تیمار دارد و اگر بیند که ریش را خضاب
کرد و خضاب نگرفت دلیل کند که حال خود بر مردمان بپوشد و اگر بیند که ریش خویش بزمین همی کشید دلیل کند که اجلش نزدیک شد
و اگر بیند که همه ریش او بریده بود دلیل کند که هم زیان مال او بود و هم حرمت و اگر ریش خود را کوسه بیند حرمت و مالش کم شود
کرمانی گوید اگر بیند که ریش او سپید شده دلیل کند که بردباری او زیاد شود لیکن غمگین شود و اگر بیند که ریش را بانداخت
بیکرفت دلیل بود که اهل بیت او را زیان رسد و اگر بیند که ریش او از چهار سوی فرو ریخت دلیل کند که او را از مرگ نجات
بیم بود و اگر بیند که ریش را شانه میکرد و بخور و گلاب بر وی زد دلیل کند که کسی را شغل کند و مردم شکر او گویند جابر مغربی
گوید اگر کسی بیند که ریش او را از حنا نکرده و سنت یافتنی بود دلیل کند که درویش و وام دار شود و غم و اندوهی بوی رسد و بعضی
معبران گویند اگر کسی ریش خود را دراز بیند دلیل کند که مال بیابد و اگر کسی ریش خود را با غاره بیند چنانکه ریش ... دلیل
کند که از پدر میراث بیند و اگر ریش خود را آراسته بیند دلیل کند بر مال و خواسته و زینت وی اگر بیند که دست بر ریش فراز
کرد و پاره در دست وی بماند و او را بینداخت دلیل کند که مالش از دست برود و اسماعیل گوید اگر بیند که ریش وی کوتاه
و کوتاه بود دلیل کند که وام او گذارده شود و اگر غمگین بود غم برود و اگر بیند که ریش وی را تراشیده بود دلیل کند که حرمت
و مقدار او بجهت معیشت زایل شود و اگر بیند که ریش او بر زمین افتاده بود دلیل کند که زن و هلاک شود و اگر بیند که ریش
وی کنده شده بود دلیل کند که حرمتش یکبار برود و حقیر و خوار گردد و اگر بیند که ریش وی را بستردند دلیل کند که حرمت او برود
او برود و اگر بیند که موی سپید از ریش برکند دلیل کند که مخالف سنت پیغمبر کند اسمعیل اشعث گوید اگر کسی بیند که او را از محرم سر
و ریش تراشیده دلیل کند که اگر وام دار بود وام او گذارده شود و اگر غمگین بود شاد و ایمن گردد و اگر بیند که بی سببی اندک
ریش وی می افتاد چنانکه در روی ظاهر شد دلیل کند که از رنج و سختی فرج یابد و اگر بیند که ریش خود در روی تمام سپید شده بود دلیل
کند که در حرمت و جاه او نقصان شود و اگر بیند که ریش وی را چنان تراشیده که جایگاه او خسته و ریش بود دلیل کند که در حرمت
و مال وی نقصان شود و اگر زنی بیند که او را ریش بود دلیل کند که غمگین و ستمکش شود و باشد که کاری کند که از آن سبب رسوا شود
و اگر مردی بیند که زن او را ریش بود دلیل کند که از آن زن هرگز فرزند نیاورد و اگر او را فرزند باشد دلیل کند که محتشم قوم خویش
گردد و اگر کودکی نابالغ بیند که ریش رسته دلیل بر غم و اندوه وی کند و اگر کسی بیند که ریش او را کسی بگرفت دلیل کند که کس مال
او میراث ستاند امام جعفر صادق ع فرماید دیدن ریش در خواب بر ده وجه بود یکی تیغ و سلاح دوم عز و جاه سیم مروت چهارم
هیبت پنجم منزلت ششم مروت هفتم نیکو عهد هشتم ... نهم فرزند دهم گرامی شدن ابن عباس گوید ریش ستردن در خواب

حاجیان و ترسندگان و رندان را نیک بود و توانگران و خداوندان نعمت را بد **ریگ** ابن سیرین گوید ریگ
خواب دیدن دلیل بر نعمت و مال کند و اگر بیند که در میان ریگ شد دلیل کند که از بهر کسب شغلی مشغول گردد و امام جعفر صادق
فرماید ریگ در خواب دیدن بر چهار وجه بود اول شغلی دوم مال سیم نعمت چهارم قوت **ریم** ابن سیرین گوید
ریم اندر خواب بد بود بیننده را اگر بیند که از تن وی ریم بیرون آمد دلیل کند که بقدر آن از مال وی نقصان شود و ریم آهن و ریم
ارزیز این جمله غم بود و اندوه **ریوند** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که ریوند بسیار داشت دلیل کند که در غم و اندوه گرفتار شود و اگر
بیند که از بهر علتی ریوند همی خورد دلیل کند که بر تن درستی و خیر و صلاح که بوی رسد و اگر بخلاف این بیند دلیل بر رنج و اندوه کند

در تعبیر چیزها که اول آن از حروف تهجی ز است **زادن** ابن سیرین گوید اگر زن بیند که دختری آورد دلیل کند که خیر و نیکی بوی رسد و از پریشان
حال چیست خود خرم شود و اگر بیند که پسر آورد غمگین و اندوهناک شود و بعضی از معبران گویند اگر مردی بیند که زن او پسری آورد
دلیل کند که وی را پسری آورد و اگر زنش آبستن بود دلیل کند که برنج و مشقت چیزی بدست آورد بهر جهت که دختر از پسر بهتر
باشد کرمانی گوید اگر بخواب زن پادشاه بیند که دختری بزاد دلیل کند که شوهرش گنج یابد و اگر بیند که پسری بزاد
دلیل کند که غم و اندوه بوی رسد و اگر مردی بخواب بیند که دختری زاد دلیل کند که غمگین و مستمند و اگر بیند که پسری زاد دلیل
کند که کار بر او دشوار شود و اگر دختری دوشیزه بیند که فرزندی بزاد تأویل آن همچون زن شوهر است امام جعفر صادق فرماید اگر زن
بیند که پسری زاد دلیل کند که مرگ وی نزدیک باشد وقتی که با پدر سخن کرده باشد و اگر بیند که دختری زاد دلیل کند که از نسل وی
فرزندی آید که سر اهل قوم باشد **زاغ** ابن سیرین گوید زاغ در خواب مردی فاسق بی‌دین باشد و اگر بیند که زاغی را
گرفت با کسی … دلیل کند که با چنین مردی او را صحبت افتد و اگر بیند که زاغ او را بگرفت دلیل کند که مردی او را قهر کند و اگر بیند
که در جایگاهی زاغان جمع آمدندی دلیل کند که در آنجا دزدان و فاسقان جمع شوند و اگر بیند که زاغی را بشکار برگرفت دلیل
کند که از جایگاهی مال حرام بدست آید کرمانی گوید اگر کسی یک زاغ بیند دلیلش گریز که است و اگر زاغان بسیار بیند تأویلش
لشکر باشد و اگر زاغی را پرورش کند دلیل کند که با زنان خوب زنا کند و اگر بیند که زاغی را بکشت دلیل کند که از اول بیار
مصیبت رسد و اگر بیند که زاغ با وی سخن گفت دلیل کند که از اخبار جهان آگاه شود و اگر بیند که زاغان بسیار از هوا
آمدند دلیل کند که بقدر آن … لشکری پدید آید جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که زاغ … سوار وی بود
دلیل کند که فرزندش … و اگر بیند که زاغی … دلیل کند که … نصیحت کند و اگر
بیند که زاغ … از آنجا … دلیل کند که … شخص فاسق … و اگر بیند که زاغی از خانه وی چیزی بمقدار

لذت

گرفت و ببرد دلیل کند که از خانه وی چیزی بدزدند **ژاله** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که در شهر یا در کوچه یا در سرای
ژاله بارید دلیل کند که از پادشاه بمردم انتقام سختی و رنج رسد و اگر بیند که با ژاله باران و برق بود دلیل کند که در آنجا
قحط و تنگی پدید آید کرمانی گوید باران با ژاله دیدن در خواب دلیل بر نعمت و فراخی و ایمنی کند و اگر بیند که با ژاله برق
پدید و رعد شنید دلیل کند که اهل آن دیار را رنج و سختی رسد امام جعفر صادق فرماید دیدن ژاله در خواب بر پنج وجه است
یکی بلا دوم خصومت سیم لشکر چهارم قحط و بیماری پنجم غم و اندوه خاصه که با ژاله برق بیند **زانو** ابن سیرین گوید اصل
زانو در خواب معیشت بیننده باشد اگر زانوی خود را شکسته بیند دلیل کند که کار وی شکسته و تباه گردد و اگر زانو را
بزرگ و قوی بیند تأویلش بخلاف این است **زباد** بدانکه زباد جانوریست مانند گربه و بوی خوش دارد ابن سیرین
گوید اگر کسی بیند که زباد فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل کند که بیننده خواب با ادب و فرهنگ است و مردمان وی را مدح
و ثنا گویند و اگر بیند که زباد بوی ناخوش داشت تأویلش بخلاف این است و اگر بیند که از زباد بوی هیچ نیامد دلیل کند که
با کسان نیکویی کند که از او وفا ندارند و اگر بیند که گوشت زباد بخورد دلیل کند که عیالان وی با ادب و فرهنگ باشند
امام جعفر صادق فرماید زباد در خواب دیدن بر چهار وجه است یکی ادب دوم فرهنگ سیم ثنا و مدح چهارم نام نیکو و کار
پسندیده **زبان** بدانکه زبان ترجمان عقل و دانش بود و نیک کارهایی که در وی است از صلاح و فساد ابن سیرین گوید اگر
کسی در خواب بیند که زبانش بریده و ناقص شد اگر با کسی خصومت دارد دلیل کند که بهنگام حجت زبانش بسته گردد
و اگر بیند که زبانش از عرض زیاده شد دلیل کند که وقت حجت زبان آور گردد و بر خصم ظفر یابد و اگر بیند که زبان وی دراز
شده و در جنگ و در خصومت دلیل کند که زبان او بسخن زشت گفتن دراز شود کرمانی گوید اگر کسی بیند که او را دو زبان بود
دلیل کند که خدای تعالی او را علم و دانش ارزانی دارد و اگر بیند که بدست خویش زبان خود ببرید … سخن نگوید دلیل کند که
از بسیاری باطل گفتن توبه کند و خاموشی اختیار کند و اگر بیند که کسی زبان وی … دلیل کند که از … وی
توانگر وجهی رسد در حق وی و اگر بیند که زبان کسی را بمکید دلیل کند که از آن کس علم و دانش آموزد جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که زبانش
گنگ شده بود دلیل کند بر فساد دین وی و اگر بیند که زبانش … دلیل کند که مناظره کند و بر خصم غلبه کند
و اگر بیند که زبان وی بسته شد دلیل که چاره بیچاره گردد و اگر بیند که زبانش ریش بود دلیل کند که بر کسی بهتان زند یا از
برای کسی گواهی دروغ دهد و اگر بیند که بر زبان وی موی بود دلیل کند که از زبان خود در رنج و بلا افتد و اگر بیند که زبان وی
آماس کرده بود دلیل کند که بسبب گفتار او را ملال حاصل شود اسمعیل اشعث گوید اگر کسی بیند که زبان وی دراز شد دلیل کند

کو ویرا غم کسنه یا دشنام دهند و اگر کسی بیند که زبان وی او بکشاده و شاخ گشته بود دلیل کند که در میان مردم منافقی کند
و اگر بیند که از اصل زبان نداشت دلیل کند که از جهت شغلهای باز ماند و دشمن بر وی چیره گردد و اگر بیند که سر زبانش
بریده بود دلیل کند که شغل وی بیشتر از رشت و کیل ای برآید و اگر بیند که زبانش خشک شده بود دلیلش بسیار بد باشد امام جعفر
صادق ع فرماید دیدن زبان در خواب بر شش وجه باشد یکی حکمت دوم ریاست سیم ترجمان چهارم حاجت پنجم وکیل
ششم یاری و سخن گفتن را در حرف سین بیان کنیم **زبرجد** ابن سیرین گوید زبرجد در خواب دلیل بر منفعت باشد
و اگر بیند که زبرجد بسیار داشت دلیل کند که بقدر آن ویرا مال و نعمت حاصل شود و اگر بیند که زبرجد از وی ضایع شد
دلیل کند که مال و نعمت از وی زایل شود امام جعفر صادق ع فرماید دیدن زبرجد در خواب بر سه وجه باشد یکی خرمی دوم مال
سیم منفعت **زبور** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که کتاب زبور خواند دلیل کند که بجهد ایستاد باز گردد و از علمهای بد توبه کند
جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که زبور می نوشت دلیل کند که بکار [illegible] مشغول شود که از آن کار خیر و منفعت بیند **زجر** بدانکه
زجر ستاره [illegible] فال گرفتن باشد با کمان [illegible] و دیدنش [illegible] خود در دنیا باشد **زخم** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که بر تن
وی زخم بود و از آن خون نمی آمد دلیل کند بر زخم زننده ظفر یابد و خیر و منفعت یابد و اگر جایگاه زخم خون بیرون آمد
و از هم گشتن خون آلوده شد دلیل کند که مال حرام یابد و با که زننده را بگناهی متهم کنند کرمانی گوید اگر کسی بیند که بر تن وی
زخم رسید و خون از زخم وی روان شد دلیل کند که مال حرام یابد و باشد که زننده را بگناهی متهم کنند کرمانی گوید اگر کسی
بیند که بر تن وی زخم رسید و خون نیز از زخم وی روان شد دلیل کند که بقدر آن خون از مال وی نقصان شود امام جعفر صادق ع
فرماید دیدن زخم در خواب بر سه وجه بود یکی ظفر یافتن دوم ظفر و منفعت سیم نقصان مال خاصه که از جایگاه زخم خون
روان بیند جابر مغربی گوید زخم در خواب دلیل بر کار [illegible] کند که ظاهر شود و اگر بیند که از آن زخم خون بیرون رفت
دلیل کند که کسی بر وی دروغ گوید بعد از آن ظاهر شود که آن سخن دروغ بوده باشد و اگر بیند که بر جایگاه زخم [illegible] بود
دلیل کند که مال و معیشت خوش باشد لیکن از دوستان و خویشان مفارقت جوید **زردچوبه** ابن سیرین گوید زردچوبه در خواب
دلیل کند بر رنج و بیماری و اگر بیند که بخورد از زردچوبه داشت دلیل کند که مضرت رسد در مال و اگر بیند که جامه خود بزردچوبه رنگ
بکرد دلیل کند که بیمار شود خاصه اگر دیدن زردچوبه هیچ خیر و منفعت نباشد **زدن** ابن سیرین گوید اگر کسی بچوب کسی را
بیازارد یا چیز دیگر زند چنانچه اثر زخم بر تن وی بماند یا دست و پای او بشکست یا از موضع انتقام که میزند خون روان شد
این جمله در خواب بد باشد ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که او را بیازارید یا بزدندی اگر خون از وی روان شود یا نشود دست

و پای او بسته دلیل کند که مال حرام یابد و اگر بیند که از سبب خستگی زخم تن وی بمیرد آن دلیل کند که بقدر آن از کسی فایده بیند
کرمانی گوید اگر کسی بیند که تازیانه بر پشت وی میزدند و از جایگاه آن خون روان شد دلیل کند که مال حرام یابد بار زننده وی را متهم
بتباهی کنند و اگر زننده ندانست که کیست دلیل کند که شغل دین و دنیای وی نیکو شود و اگر بیند که تازیانه بر کسی بزد چنانکه
پاره پاره گشت دلیل کند که اهل خاندان وی پراکنده شوند و اگر بیند که کسی را بچوب بزد دلیل کند که غمگین و خسته شود بسبب
مردی منافق بد دین و اگر بیند که محتسب او را بزد دلیل کند که سلطان او را عملی و شغلی فرماید و کار وی نیکو گردد و اگر بیند که
کسی را بطلوع بزد دلیل کند که از آن کس منفعت یابد و اگر بیند که کسی وی را بلشت بزد دلیل کند که وی را بقدر آن رنج بوی رسد
و اگر بیند که کسی طپانچه بوی زد دلیل کند که از کسی سخنی سخت بشنود و آبروی وی برود جابر مغربی گوید اگر کسی او را بزد دلیل کند که
مال یابد بهتر آنکه زننده را بشناسد و بوقت زدن دست و پا بسته شود و اگر بیند که او را زخم چوب بسیار رسید ایمان
ایمن شود امام جعفر صادق ع فرماید زدن در خواب بر شش وجه بود یکی شناخت دوم مجادله سیم [illegible] شدن کار
شغل چهارم سفر پنجم شرف و بزرگی ششم مال حرام **زربفت** ابن سیرین گوید زربفت در خواب دیدن مردرا
غرامت و غم و اندوه بود و زنانرا نیک و پسندیده بود و اگر بیند که کسی بند زربفت یافت دلیل کند که بقدر آن مالش ضایع شود
یا کسی بر وی خشم گیرد و اگر زنان در پیرایه دیدند چنانچه گفتیم کم تر باشد و اگر پیرایه دان [illegible] از آن گیسه بیند ناپسندیده تر باشد
کرمانی گوید اگر کسی بیند که زر سیم سکه [illegible] دلیل کند که در زبان مردم افتد و اگر بیند که زر میخورد دلیل کند که بقدر آن [illegible]
یابد جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که زر و سیم یکجا جمع بود دلیل کند که عز و جاه یابد و اگر کان سیم بیند دلیل کند که ویرا دختری آید
لیکن اندوهگین شود و گویند زر کردن در خواب مردی دروغ گوی باشد **زردالو** ابن سیرین گوید زردالو در خواب چون
بوقت خود بیند والعلم شیرین باشد دلیل کند که بهر زردالو که بخورد دیناری یابد و اگر زردالو را ترش بیند دلیل بر مصیبت کند
و بعضی معبران گویند زردالو در خواب بیرنگ باشد با مال و نعمت کرمانی گوید اگر کسی بیند که استخوان زردالو بشکست و مغز
بود دلیل کند که اندوهی بوی رسد و اگر شیرین بود از مردی بی اصل منفعت یابد امام جعفر صادق ع فرماید زردالو بوقت بیماری
باشد و اگر نه بوقت بود دلیل بر ترس و بیم باشد **زرشک** ابن سیرین زرشک در خواب بیم باشد و اگر بیند که زرشک بخورد
دلیل کند که او را با مردی بخیل صحبت افتد **زرنیخ** ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که زرنیخ بخورد دلیل کند که بیمار شود
و اگر بیند که زرنیخ میسوخت دلیل کند که از بیماری و غم خلاص شود جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که کان زرنیخ یافت خود را از آن
بخانه برد دلیل کند که مال بسیار یابد و او را بیماری پرهیزد و اگر بیند که زرنیخ زرد در جای مجهول جمع میکرد دلیل کند که در سفر بیمار

شود **زره** اگر کسی در خواب بیند که زره پوشیده بود دلیل کند که از ترس ایمن شود و اگر بیند که زره از وی جدا شد
دلیل کند که دشمن بر وی چیره گردد و امام جعفر صادق ع فرماید دیدن زره در خواب بر شش وجه است یکی ایمنی از دشمن دوم حصین
دین سیم قوت چهارم مال پنجم زندگانی ششم نیکونامی و زره گر در خواب مردی باشد که مردم را از بلا نگاه دارد **زعفران** ابن سیرین
گوید اگر کسی بیند [illegible] زعفران داشت دلیل کند که بیمار شود و اگر بیند که رنگ زعفران بر تن یا جامه وی بود همین تاویل دارد
و اگر بیند که رنگ زعفران از تن یا جامه خود بشست از بیماری شفا یابد کرمانی گوید اگر بیند که زعفران ناکوفته کسی بوی داد
یا بخرید دلیل کند که زن بخواهد و اگر بیند که بخروار زعفران داشت دلیل کند که مال و نعمت او را حاصل شود و از مردمان
مدح و ثنا شنود و خوردن زعفران و رنگ وی بر جامه یا تن خود چند در تاویل بد باشد **زغن** بدانکه زغن در خواب
پادشاه الموضع کند و اگر بیند که زغن مطیع و فرمانبردار وی شد دلیل کند که از پادشاه مال و نعمت و بزرگی یابد و اگر بیند که دلیل بر
زغن مطیع و فرمانبردار وی شد دلیل کند که از پادشاه مال و نعمت و بزرگی یابد و اگر بیند که زغن مطیع وی بود و شکار
نیکرد دلیل کند که او را غلامی بود که بدرجه مهتری برسد و اگر از خواب بازماند دلیل کند که او را پسری آید که مهتری بزرگ
یابد کرمانی گوید اگر کسی بیند که زغن از دست وی بپرید اگر زن او آبستن بود دلیل کند که فرزند مرده آورد و امام جعفر صادق ع
فرماید دیدن زغن در خواب بر چهار وجه بود یکم پادشاه ستمکار دوم بزرگ سیم فرزند چهارم مال و نعمت **زکوة**
ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که زکوة مال میداد دلیل کند که مالش زیاده شود و اگر بیند که زکوة فطره میداد دلیل کند که طاعت
او تسبیح بسیار گوید و رستگاری یابد بر قوله تعالی قد افلح المؤمنون الذین هم فی صلوتهم خاشعون الخ و اگر وام دار بود وامش گزارده
و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر دشمن دارد بر وی ظفر یابد کرمانی گوید اگر کسی در خواب بیند که زکوة مال میداد مال وی در حصن آید و بلا
از وی دفع شود بقول رسول ص که فرموده حصنوا اموالکم بالزکوة یعنی در حصار ایمنی در آورید اموال خود را بدادن زکوة
جابر مغربی گوید اگر کسی در خواب بیند که زکوة مال میداد مالش افزون شود و ما اتیتم من زکوة تریدون وجه الله فاولئک
هم المضعفون امام جعفر صادق ع فرماید که زکوة و صدقه دادن در خواب بر هفت وجه بود یکی بشارت دوم خیر و برکت سیم ارتفاع
در روزی چهارم رستگار شدن کار شغل پنجم قضای حاجت ششم روشنایی هفتم از غم فرج یافتن هشتم زیادتی مال و ظفر یافتن
بر دشمن **زکام** ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که او را علت زکام بود دلیل کند که بر کسی خشم گیرد و زود صلح کند امام
جعفر صادق ع فرماید دیدن زکام در خواب بر سه وجه است یکی بیماری اندک دوم خشم گرفتن سیم منفعت یافتن **زلزله**
اگر کسی در خواب بیند که زلزله شد و زمین بجنبید دلیل کند که از پادشاه بر مردم اندیشه و مضرت رسد بعضی از معبران گویند که امام

از

آفت و بیماری رسد و اگر بیند که زمین برگردید و جانب زیر بالا شد دلیل کند که فتنه عظیم و بلا در آن دیار پیدا شود کرمانی گوید اگر بیند
که زمین آهسته بجنبید و بگهای آن [illegible] برجای خود بماند دلیل کند که پادشاه آن دیار را [illegible] و اهل آن دیار را عقاب دهد
و مال ایشان بتاراج برد و امام جعفر صادق ع گوید دیدن زلزله و خسف در خواب دیدن [illegible] جای عظیم بود و از قبل پادشاه
یا قحط و بیماری قوله تعالی فخسفنا به و بداره الارض و بهمه حال دیدن لرزه در خواب عقوبت و بلای عظیم و علامت بد بود و بر اهل آن دیار
زمرد ابن سیرین گوید زمرد در خواب دیدن فرزند بود در مال و منفعت شایسته و حلال بود و هر خوبی که در زمرد بیند تاویل
بفرزند و برادر برگردد کرمانی گوید زمرد در خواب دیدن دین و مذهب نیکو بود و هر زیادت و نقصان که در زمرد بیند تاویل
آن به دین و مذهب او بازگردد جابر مغربی گوید زمرد در خواب کنیزک و غلام [illegible] کنیزک شاه و بعضی معبران گویند زمرد
بخواب سخن نیکو باشد امام جعفر صادق ع فرماید دیدن زمرد در خواب بر پنج وجه بود یکم فرزند دوم برادر سیم مال حلال
چهارم کنیز پنجم سخن نیکو و هر چند زمرد نیکوتر و بهتر بود این دلیلها که گفتیم بهتر باشد **زمستان** ابن سیرین گوید زمستان
در خواب پادشاه بود و اگر در خواب بیند که زمستان بود چنانکه بترسید دلیل بود که مردم آن دیار را از پادشاه زیانی رسد
و اگر بیند که هوا سرد بود و هر جا سرما زیان نداشت دلیل بود که مردم آن دیار را از پادشاه خیر و منفعت رسد در زمستانها
در وقت خویش دیدن بهتر باشد کرمانی گوید زمستان را در وقت خود دیدن چنانکه [illegible] باشد دلیل یافتن مراد باشد و مردم آن دیار را
از پادشاه نصرت و ظفر باشد **زمین** دانیال ع فرماید زمین در خواب دیدن زن باشد اگر [illegible] فراخ و بزرگ بود
و جمله بسیار به بود و خاک آن زمین پاک بود دلیل کند که او را از زنان باشد بستر و صلاح چنانکه در میان ایشان فضل و شرف
و جاه باشد بقدر فراخی و بزرگی آن زمین و اگر بیند که زمین ولایت بزرگ بود چنانکه پایان [illegible] دلیل کند که اگر زن
کند و از زنان وی را مال و نعمت بسیار حاصل شود و اگر بیند که آن زمین نعمت سبزه بود دلیل کند که از مرد مسلمان و دین دار
بود بجهت آنکه سبزه در خواب دیدن دین اسلام بود و ابن سیرین اگر کسی بیند که در زمینی سبزه ملکیت دلیل کند که بقدر آن
مال یابد و اگر بیند که در زمینی فرو رفت دلیل کند که او را غم و مصیبت افتد یا از قبل زن مال وی تلف شود جابر مغربی گوید اگر
کسی بیند که زمین با وی سخن گفت و بچیزی نیکی خبر داد دلیل کند که در دین و دنیا خیرات بسیار کند چنانکه مردمان را از آن شگفت آید
و بعد از وفات او را بنیکی یاد کنند و اگر بیند که زمین با وی بد گفت دلیل کند که چیزی ناکرده [illegible] و اگر بیند که
زمین را می پیمود دلیل کند که بسفر شود اسمعیل اشعث گوید اگر کسی بیند که زمین را از هر گوشه شکافت دلیل کند که بشغل بزرگ
مشغول شود و از قبل آن منفعت بیند بهر حال نیکویی و بدی زمین تاویل بزن صاحب خواب بازگردد و امام جعفر صادق ع

فرماید دیدن زمین در خواب بر چهار وجه بود یکی زن دوم دنیا سیم مال چهارم فرمان روائی **زن** ابن سیرین گوید
زن جوان در خواب شادی و مقصود مرد بود و زن پیر دنیا بود و شغل ایشان و دیدن زن هرچند خوبروی و جوان بود بهتر باشد
و زن لاغر و پیر و رعنا دلیل بد باشد کرمانی گوید اگر زنی بیند که چون مرد او را قضیب بود دلیل کند که او را فرزندی آید یا آبستن شود
و اگر بیند که او را قضیب بود و مجامعت میکرد دلیل کند که از وی کار زشت آید و اگر زنی بیند که مرد شده بود و جامه مردان
پوشیده بود دلیل کند که خیر و صلاح روی بوی نهد و اگر زن جنب باشد دلیل کند که شر و فساد کند جابر مغربی گوید زن جنب
در خواب اهل بنا را زنا دهد که کو بنا بود و اهل صلاح را زنا دهد علم و زن غریب بهتر از زن آشنا باشد و اگر مردی بیند که زن
وی بر مرد بیگانه جنب در رفت دلیل کند که به وی خیر و منفعت رسد امام جعفر صادق ع فرماید دیدن زن در خواب بر شش وجه
باشد یکی شادی دوم مقصود سیم شغل ایشان چهارم فراخی نعمت پنجم قحط و تنگی ششم توانگری **زنار** ابن سیرین
گوید اگر کسی بیند که زنار بر میان داشت اگر بنده با امانت مستور باشد دلیل کند که از خصم انصاف یابد و اگر خداوند خواب با
امانت مستور نباشد بزودی باید توبه کند که علامت این بد باشد جابر مغربی گوید اگر کسی در خواب چند زنار در دست
داشت دلیل کند که در دین ضعیف بود و اگر بیند که زنار بر میان نه بسته بود و چند مستور هم باشد دلیل کند که کافر شود و اگر بیند
که زنار از میان باز کرد دلیل کند که از کار بد توبه کند و بجهد اعتقاد باز گردد و راه صلاح اختیار کند **زنبور** ابن سیرین گوید زنبور
در خواب مردی دون همت و سفله باشد و اگر بیند که زنبور وی را بگزید دلیل کند که از چنین مردی وی را گزند رسد و اگر بیند که
زنبور بسیار بر گرد وی جمع شده دلیل کند که در میان مردمان بخیل گرفتار شود کرمانی گوید اگر کسی بیند که زنبوری وی را بگزید
دلیل کند که از زنده وی را آزاری رسد و اگر بیند که زنبوران بر گرد وی جمع شدند دلیل کند که او را با زنان بد سخن مشغلی
افتد و اگر بیند که زنبور را بکشت دلیل کند که بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که زنبوران بسیار بی قیاس جمع آمده بودند دلیل کند که در
آنجا لشکری چند بیاید امام جعفر صادق ع فرماید دیدن زنبور در خواب بر شش وجه باشد یکی غوغا دوم مردم دون همت
سیم لشکر چهارم ملخ پنجم دشمن ششم فرزندان **زنبیل** ابن سیرین گوید زنبیل در خواب زن باشد یا کنیزک بعضی از معبران
گویند زنبیل در خواب مال و نعمت باشد امام جعفر صادق ع فرماید زنبیل در خواب دیدن بر نه وجه باشد یکی زن دوم خادم سیم
کنیزک چهارم قوام پنجم صلاح دین ششم عمر دراز هفتم مال هشتم منفعت نهم خیر و برکت [illegible] زنبیل
در خواب بی خداوند کار باشد **زنجبیل** ابن سیرین گوید زنجبیل در خواب دیدن مال حرام گرد کند و خوردن او دلیل بر منفعت
و زیان کند و بعضی از معبران گویند خوردن زنجبیل در خواب دلیل بر صحت و تندرستی بود هرحال که خوردن زنجبیل در خواب [illegible]

نباشد **زنجیر** ابن سیرین گوید زنجیر در خواب معصیت و گناه بود و اگر بیند که زنجیر در دست داشت دلیل کند که از گناه توبه کند
جابر مغربی گوید اگر کسی در خواب بیند که زنجیر در گردن داشت دلیل کند که در مال مردم دست درازی کند و از مال حرام خورده باشد
حیله اندیشد و اگر بیند که بر پای زنجیر داشت دلیل کند که در رفتن کسان بسته شود و زنجیر ساز در خواب مردی عاصی و گناهکار باشد
زنخ ابن سیرین گوید زنخ در خواب مهتر خاندان باشد و اگر بیند که زنخ وی بزرگ شده بود دلیل کند که از برای اهل بیت خیر
و کار کرده جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که با سیخ بر زنخ وی زد دلیل کند که مهتر خاندان او را سخنی زشت گوید که از آن رنجور حال
شود و اگر بیند که از زنخ خون روان شد دلیل کند که بر مهتران وی را از مهتر خاندان زیانی در رسد و بعضی معبران گویند در کسب
و کارش نقصان افتد **زندان** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که در زندان بود و از زندان راه بر گزیده بود دلیل کند بر هلاک وی
زیرا که زندان مجهول گور بود و اگر زندان را معروف بیند دلیل کند که در غم و اندوه افتد و اگر بیند که در زندان بند بر پای داشت
دلیل کند که در عملی که باشد دیر بماند لیکن با غم و فکر بود کرمانی گوید اگر خداوند خواب مستور باشد و خود را در زندان معروف بیند دلیل کند
که بزرگی و جاه یابد و اگر مستور نباشد دلیل کند که از جهت شغلهای دنیا وی را غم و اندوه رسد و اگر بیند که با مردی زندانی بهم رفت
دلیل کند که کار او بسته گردد و عاقبت فراخت یابد امام جعفر صادق ع فرماید زندان در خواب چون معروف بود علامت بخشش
بود و عاقبت نیکو باشد قوله تعالی قال رب السجن احب الی مما یدعوننی الیه و چون زندان مجهول بیند دلیل گور باشد و غم و اندوه و
چنانکه حضرت یوسف ع فرموده السجن قبر الاحیاء و منزل البلاء و تجربة الاصدقاء و شماتة الاعداء و بعضی زندان بخواب گور زندگان
و منزل بلا است و آزمایش کردن دوستان و خرم کردن دشمنان و اگر بیند که در زندان شد و زود بیرون آمد دلیل کند که
خود بجای پاید **زنگار** ابن سیرین گوید دیدن زنگار در خواب غم و اندوه باشد و خوردن وی دلیل بر هلاک کند و بعضی گویند دیدن
زنگار در خواب هیچ خیر و منفعت نباشد **زنگوله** ابن سیرین گوید زنگوله در خواب دلیل بر جنگ و خصومت کند جابر مغربی
گوید اگر کسی بیند که زنگوله زرین داشت دلیل کند که وی با شخصی بزرگ خصومت افتد و زنگوله سیمین همین تأویل دارد و اگر زنگوله
سیمین بر زنجیر بیند دلیل کند که وی را با مردی جاهل خصومت افتد **زهار** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که در زهار خود موی بسیار است
و چنان پنداشت که دراز موی است دلیل کند که کار روی بسته شود و اگر بیند که بر زهار وی موی بسیار رسته است
دلیل کند که [illegible] و اگر بیند که بر زهارش [illegible] آمد دلیل کند که [illegible] رنج رسد امام
جعفر ع فرماید دیدن زهار در خواب بر دو وجه باشد یکی زن دوم مال و هر زیاده و نقصان که در زهار خویش بیند تأویل آن بدان زن
و مال وی افتد **زهر** ابن سیرین گوید زهر خوردن در خواب مال حرام بود و حرب گران و کشتن بناحق و اگر بیند که زهر بخورد

با زهر بر تن وی آلوده است یا دید که زهر آماس کرده بود دلیل کند که مال حرام او را حاصل شود و یا خون ناحق کند و بعضی از معبران
گویند اگر بیند که زهر بر تن وی آلوده است دلیل کند که بکاری که بود سخت حریص شود و باشد که بر وی سخنی بندد و او را بدان سخن
الزام کنند و بعضی گویند زهر خوردن در خواب دلیل کند که خشم از کسی فرو خورد امام جعفر صادق علیه السلام فرماید زهر در خواب
بر پنج وجه باشد یکی مال حرام دویم فرزند سیم کار بسته و چهارم خشم فرو خوردن پنجم منفعتی که به رنج حاصل شود **زهره**
ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که زهره مردم داشت دلیل کند که خشم فرو خورد و اگر بیند که زهره چهارپای بخورد دلیل کند که بقدر آن مال
حرام یابد و اگر بیند که زهره او دران بسوخت دلیل کند که بد خوی و خشمناک شود و بسا زکالای نکند جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که
تن وی به زهره مردمان آلوده بود دلیل کند که او را از مردم چوبه و اگر بیند که تنش به زهره چهارپایان آلوده بود دلیل کند که لباس حرام
پوشد **زوبین** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که زوبین در دست داشت دلیل کند که وی را فرزندی آید و اگر بیند که با زوبین سلاح
دیگر داشت دلیل کند که او را از پادشاه خیر و منفعت یابد و بر دشمن ظفر یابد جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که بر کسی می انداخت دلیل کند
که آن کس را سخن بد گوید و اگر بیند که کسی او را بزوبین مجروح کرد دلیل کند که بهتان بر کسی نهد **زیتون** ابن سیرین گوید زیتون در خواب
غم و اندوه بود زیرا که طعم تلخ و ناخوش است و بلون سیاه جابر مغربی گوید اگر بیند که زیتون با نان بخورد و تلخ نبود دلیل کند که
اندک منفعت یابد **زیره** در خواب چون طعم ترش نباشد دلیل شیرینی دارد و دلیل کند که غم و اندوه یابد و چون در روی زعفران
بیند دلیل کند بر بیماری اما خوردن زیره باج در خواب دلیل بر غم و مصیبت کند **زیلو** ابن سیرین گوید زیلو بخواب دیدن
چون گسترده باشد دلیل بر درازی عمر کند و هر چند زیلو در خواب درازتر باشد عیشش بهتر باشد و چون زیلو در نوشته بیند دلیل
بر غم و نقصان عمر کند و درویشی و اگر بیند که بر زیلوی کوچک نشسته بود دلیل کند که عیش و روزی بر وی تنگ شود کرمانی
گوید اگر بیند که زیلوی فراخ گسترده بود دلیل کند که عیش و روزی بر وی فراخ شود و اگر بیند که زیلو بدست خود در نوشت بکنج
خانه نهاد دلیل کند که عز و دولت خویش را تباه کند و اگر بیند که زیلو را بر پشت نهاد و میبرد دلیل کند که گناه وی بسیار بود و اگر
بیند که زیلو بر گردن نهاد دلیل کند که امانت مردمان بر گردن وی جمع شود و اگر بیند که زیلو را در نوشت بکسی داد دلیل کند که
عمرش بآخر رسد و اگر بیند که زیلوی کوچک داشت دلیل کند که روزی بر وی تنگ شود اما عمرش دراز شود و اگر بیند که زیلوی
فراخ رنگ داشت روزی بر وی فراخ شود اما عمر وی کوتاه بود جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که زیلوی سبز پاکیزه داشت دلیل کند که
نعمت بر وی فراخ شود و اگر بیند که زیلوی وی کهن بود دلیل کند که عیش بر وی تنگ شود و هر تیغی کند زائل و اگر بیند که زیلو
مجهول افکنده بود دلیل کند که آنچه دارد از دست وی بشود و اگر بیند که زیلوی نو پوشیده بود یا در خانه گسترده بود دلیل کند که

دولت

دولت و اقبال یابد و عمرش دراز گردد زیرا که گستردن زیلو در خواب دلیل بر درازی عمر کند و در نوشتن دلیل بر کوتاهی
عمر کند امام جعفر صادق علیه السلام فرماید دیدن زیلو در خواب دلیل بر شش وجه کند یکی ساختن کار دویم درازی عمر سیم روشنی
چهارم عز و دولت پنجم دستواری عیش ششم گناه و امانت که بر گردن جمع کند چون زیلو را بر گردن بیند **زین** ابن سیرین گوید
زین در خواب چون بر پشت چهارپای نهاده بود دلیل نیک بود زیرا آن برای زین دلالت کند و اگر بیند که زینی بخرید یا کسی بدو داد
دلیل کند که کنیزک بخرد یا زن خواهد و خداوند مال و نعمت بسیار شود و باشد که مال میراث یابد و اگر بیند که زین وی بشکست یا ضایع
شد دلیل کند که زن وی بمیرد یا بیمار شود و اگر زین را با زر و سیم آراسته بیند دلیل کند که زن وی خویشتن چست و نیکو دارد
دین ضعیف باشد و اگر زین را سیاه و بی آرایش بیند تاویلش بخلاف این باشد و زین ساز در خواب دلیل بر قوام زن
کند **در تعبیر چیزها که اول ایشان سین است از حروف تهجی است سار** رحمه الله سار در خواب مردی باشد که آن را بتازی زرزور
خوانند و دیدن او دلیل بر مردی مکار که سفر بسیار کند و اگر بیند که ساری یافت یا کسی بدو داد دلیل کند که او را با چنین مردی
صحبت افتد اگر بیند که از گوشت سار بخورد دلیل کند که او را بقدر آن منفعت رسد جابر مغربی گوید دیدن سار در خواب دلیل
بر مردی کافر کند که سخن دروغ بسیار گوید و اگر بیند که سار بسیار بر وی جمع شد دلیل کند که در میان گروه کافران گرفتار
شود **ساطور** ابن سیرین گوید ساطور در خواب دیدن مردی شجاع و دلیر بود که فرق کند میان کارهای آسان و دشوار و اگر
بیند که ساطوری یافت یا کسی بدو داد دلیل کند که او را با چنین مردی که گفتیم مصاحبت افتد و ازوی خیر و منفعت بیند و اگر بیند که ساطور
بشکست یا ضایع شد دلیل کند که مردی بدین صفت از وی جدا شود جابر مغربی گوید ساطور در خواب دیدن مردی بود
که کارهای دشوار بسبب وی بر مردمان آسان برآید خاصه که ساطور بزرگ و قوی باشد **ساعد** ابن سیرین گوید که ساعد
دست در خواب دیدن دوستان و ابنای مردم معتمد باشد و اگر کسی بیند که ساعد وی بزرگ و قوی بود دلیل کند که او را از دوستان
و ابنا خیر و منفعت رسد و از ایشان عزت یابد و اگر بیند که ساعد وی بشکست یا ضایع شد دلیل کند که دوستان و ابنا
از وی جدا شود و غمگین و وام دار شود و اگر بیند که موی بسیار از ساعد خویش بسترد دلیل کند که وام از گردنش گزارده شود
و غم گرد **ساق** ابن سیرین گوید ساق در خواب دیدن مال مردم باشد و معیشتی که مردم را بدان اعتماد باشد و بعضی
گویند که ساق مردم عمر باشد اگر کسی بیند که ساقش درشت و قوی شد دلیل کند که کار و حالش نیکو باشد و اگر ساق خود را
ضعیف بیند تاویلش بخلاف این باشد کرمانی گوید اگر کسی بیند که ساقش آهنین بود یا رویین دلیل کند که عمرش دراز شود و مالش بر جای
ماند و اگر بیند که ساقش از آبگینه یا از چوب بود دلیل کند که اجلش فرا رسیده اگر بیند که ساقش بشکست بدانکه اعضای وی بیمار

دلیل بد باشد جابر مغربی گوید دیدن ساق در خواب زنان را شوی باشد و مردان را زن و اگر بیند که ساق بریده دیگری پیوند
دلیل هلاک وی باشد و اگر بیند که بر ساقهای وی موی بسیار بود دلیل کند که وام بسیار بر وی جمع و بسبب وام در زندان
بماند و اگر بیند که موی از ساقها بسترده دلیل کند که وامش گزارده شود امام جعفر صادق ع فرماید دیدن ساق در خواب بر چهار وجه
باشد یکی مال دوم معیشت سیم عمر دراز چهارم مرد را زن و زنان را شوی **سایه** ابن سیرین گوید سایه دیوار در خواب
دلیل بر بزرگی و عزت از مردی بزرگ باشد که معیشت در پناه وی کند و سایه درخت دلیل راحت باشد از پناه مردمان که
خدمت ایشان کنند و اما اگر در سایه درخت خار یا درخت بد بر بیند دلیل کند که مردی جهود و ناپاک پدید آید و او باشد
که اجلش نزدیک رسیده باشد قوله تعالی الم تر الی ربک کیف مد الظل و لو شاء لجعله ساکنا امام جعفر صادق ع فرماید نشستن در
سایه دلیل بر پنج وجه باشد یکی بزرگی دوم هیبت سیم پناه چهارم منفعت پنجم مرگ باشد **سایبان** ابن سیرین گوید سایبان
در خواب پادشاهی باشد فرومایه اگر کسی بیند که در زیر سایبان نشسته بود دلیل کند که در خدمت پادشاه شود و اگر بیند که
سایبان بر روی وی پیچیده دلیل کند که پادشاه بر وی خشم گیرد و اگر از سایبان گزندی بدو رسید از پادشاه نیز مضرت بیند
و اگر مضرت نمی‌یابد از پادشاه گزند یابد و رشد جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که سایبان وی پشمین بود یا کرباسی یا کبود یا سبز
یا سفید بود دلیل کند که خدمت پادشاه عادل کند و اگر برگونهای دیگر بیند دلیل کند که خدمت پادشاه ظالم کند **سیب** ابن سیرین
گوید دیدن سیب در خواب دلیل بر غم و اندیشه کند و خوردن وی دلیل مضرت و نقصان مال کند و کاری که او را از آن [illegible]
سپر اگر کسی در خواب بیند که سپر داشت با سلاح دیگر دلیل کند که وی را کسی پناه دهد و از آفتها نگاه دارد و اگر بیند
که سوای سپر سلاح دیگر نداشت دلیل کند که او را بهره‌ای باشد فرهنگ بود کرمانی گوید اگر کسی بیند که بر کران سپر داشت دلیل کند که او را
قوت و ایمنی باشد از دشمن و اگر بیند که سپر بر زمین نهاده بود دلیل کند که او را با مردی فاضل صحبت افتد و از او خیر و منفعت بیند
امام جعفر صادق ع فرماید دیدن سپر در خواب بر شش وجه باشد یکی برادر دوم ابنا سیم قوت چهارم ایمنی پنجم پشت ششم
بقدر بزرگی **سپرز** ابن سیرین گوید سپرز در خواب دیدن مال و شادی بود از بهر آنکه قوام تن بدوست و اگر بیند که
سپرز را سستی است دلیل کند که وی را از مردی بزرگوار مال حاصل شود و اگر بیند که سپرز نداشت دلیل کند که آن مال ازو
مال بدست آید و اگر بیند که سپرز گوسفند داشت دلیل کند که وی را از مردی غریب بزرگوار مال حاصل شود و اگر بیند که سپرز دو داشت
دلیل کند که بقدر آن وی را از زیر زمین مالی حاصل شود و خرم و شاد شود و سپرز هر جانوری که گوشت او حلال است دلیل بر مال
حلال کند و هر جانوری که گوشت او حرام است دلیل بر مال حرام کند که بدست آورد **[illegible]** ابن سیرین گوید [illegible] در خواب دیدن

بود خاصه که بوقت خود بیند و اگر بیند که زمینی داشت و در آن سبزی بسیار بود دلیل کند بر صلاح و بهتری دین وی و اگر بیند که
در آن زمین نباتهای مجهول بود که آنها را نمی‌شناخت و در آن به تعجب نگاه میکرد و دانست که از زمین ملک وی بود این جمله
دلیل کند بر نیکویی دین و دیانت و پرهیزکاری و اگر در آن زمین گیاههای معروف بیند دلیل بر فراخی نعمت و روزی حلال
کند و بعضی گویند در سبزه زار گیاه مجهول دیدن خوب باشد جابر مغربی گوید سبزه خوب [illegible] بخواب چون بوقت بیند دلیل
کند بر زهد و ورع و ترک دنیا و قناعت وی ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که در سبزه زاری مقیم شد دلیل کند که در راه
دین مقیم شود و اگر در میان سبزه زار مرده بیند دلیل کند بر نیکویی احوال عاقبت کار او و ثواب آخرت یابد و هر چند سبزه
زار را تازه‌تر و سبزتر بیند دلیل کند بر پاکی دین و ورع او که زیاده گردد خاصه که بیند ملک اوست و اگر سبزه خود را
زرد و پژمرده بیند تأویلش بخلاف این باشد و اگر بیند که سبزه زار ملک دیگران بود دلیل کند که او را صحبت با کسانی
بود که با ورع و پارسا باشند و اگر بخلاف این بیند دلیل کند که صحبت او با بد بود امام جعفر صادق ع فرماید دیدن سبزه زار
در خواب بر پنج وجه باشد یکی راه اسلام دوم دین سیم اعتقاد پاک چهارم ورع پنجم پرهیزکاری **سبل** ابن سیرین گوید
اگر بیند که بر چشمهاش سبل است چنانکه هیچ چیز را نمی‌یافت تغیرات دیده دلیل کند که بقدر تاریکی چشم در دین وی
نقصان افتد و اگر بیند که [illegible] سبل از چشم وی برگرفت و چشمهایش درست شد دلیل کند که بدست عالمی توبه کند و بعضی از
معبران گویند فرزندش از بیماری شفا یابد و اگر در غربت سلامت باز آید **سبو** ابن سیرین گوید دیدن سبو در
خواب مردی منافق بود که بدست وی مال ضایع شود کرمانی گوید سبو در خواب دیدن کنیزک باشد یا خادم اگر کسی
بیند که سبو داشت یا کسی بدو داد دلیل کند که کنیزک یا خادمی وی را حاصل شود و اگر بیند که سبوی وی بشکست یا ضایع شد
دلیل کند که کنیزک یا خادم وی بمیرد یا بگریزد و اگر بیند که سبوی وی سوراخ شده دلیل کند که خادم وی بیمار شود و اگر
بیند که سبوی وی پر از آب صاف بود دلیل کند که از آن کنیزک یا خادم وی را نفع رسد امام جعفر صادق ع فرماید
دیدن سبو در خواب بر هشت وجه بود یکی مرد و زن منافق دوم زن سیم خادم چهارم کنیزک پنجم صلاح دین ششم خیر و منفعت
هفتم منفعت و مال هشتم میراث که از جهت زنان بیابد **سبوس** ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند که مردمان سبوس
یا نان سبوس می‌خوردند دلیل کند که در آن دیار قحط و تنگی بسیار شود و مردمان از کسب و معیشت باز مانند و السلام و اگر بیند که سبوس
از خانه بیرون انداخت یا بکسی داد دلیل کند که از قحط و تنگی برهد امام جعفر صادق ع فرماید دیدن سبوس در خواب بر سه وجه
بود یکی نیازمندی دوم قحط و تنگی سیم سختی معیشت **سپیداب** کرمانی گوید سپیداب بخواب دیدن غم و اندیشه باشد و [illegible]

در خبر آن کوبنده دلیل بر گفتگوی شود و اگر بیند که سپیداب داشت دلیل کند که بسبب کاری با کسی گفتگوی کند جابر مغربی گوید اگر کسی بیند
که سپیداب داشت دلیل کند و خواست که روی خود را سپید کرد اندوهگین شود **سپیدروی** ابن سیرین گوید سپیدروی
در خواب جنس ترسایان باشد اگر کسی بیند که سپیدروی داشت و ملک وی بود دلیل کند که بقدر آن مال خواسته وی را حاصل
آید کرمانی گوید اگر اسباب سپید روی بیند چون افشا بود ابریق و جز آن جمله خدمتکار خانه باشد جابر مغربی گوید چراغ و ایوان
شوبان این جمله خداوند خانه باشد و تاویل نیکی بر آن که خدای خانه را باشد و روی کرد و در تاویل خداوند چیزها بود **سپید
مهره** ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند که بر روم سپید مهره میدهد دلیل کند که هر کس را از نهان کار خویش آگاهی دهند و دیدن
سپید مهره در خواب بر چهار وجه بود یکی خبر کرده دوم سخن دروغ سوم اندازه سپید مهر چهارم ظاهر شدن راز چهارم
مصیبت **ستارگان** دانیال ع گوید ستارگان در خواب دیدن دلیل کند که با بزرگان پیوندد و دیدن آفتاب و شاه پادشاه
بود و ماه دلیل کند بر وزرا و اگر کسی زحل را در خواب بیند دلیل کند که دیر یابد و دهقان مشغول افتد که ایشان زحل و نحوست بود
اما سعد و بخیل و مکار بود و اگر مشتری را بیند دلیل کند که وی را با مهتری پارسا و مصلح و نیکخواه کاری افتد و اگر دادگر منفعت
و با ورع باشد و اگر مریخ را بخواب بیند او را با شخصی خونخوار بدکردار کاری افتد و اگر زهره را بیند دلیل کند که او را
پیوستگی با خواتونان و خادمان و زنان محتشم بود و از ایشان چیز و منفعت یابد و اگر عطارد را بخواب بیند دلیل کند که
او را پیوستگی با مردی عالم دانای حلیم افتد و از او فایده بیند و اگر بیند که از ستارگان یکی یا دو یا بیشتر باوی سخن گفت
دلیل کند که قدر و بزرگی و منزلت یابد ابن سیرین گوید ستارگان مادر چون شعرا و سهیل و عیوق و اکلیل اگر ایشان نزد یکی
از ایشان نزد بخواب بیند دلیل کند که او را با اهل دولت و سرکاران صحبت افتد چونکه بعضی بر زمین که هر شش کاهش نزد پیر شد
و اگر بیند که ستارگان بر نشان بخود و فروبرد کرده و بجای بجای بازگشتن و اگر بیند که ستاره روشن از آسمان بر زمین
افتاد و روشنایی او کم شد دلیل کند که عالمی بزرگ از آن دیار هلاک شود چنین گویند که در بغداد مردی بوسعید گفت از
دید که ستارهٔ روشن از آسمان بر زمین افتاد و پیش معبران شد و این خواب را از سعید جبیر گفت دلیل کند که عالمی فاضل
یا قاضی بمیرد و پس سه روز امام اعظم ابو حنیفه رحمة الله علیه [illegible] ستارگان روشن جای دلیل [illegible] حکما
و علمای [illegible] و اگر بیند که ستارگان [illegible] دلیل کند که فتنه و آشوب میان پادشاهان و وزیران
افتد و اگر بیند که از آسمان ستاره بر سر وی افتاد دلیل کند که [illegible] حالت یابد بقدر روشنایی آن ستاره
و اگر بیند که ستاره بدست گرفت دلیل کند که وی را پسری آید و مرتبت پادشاه گردد و اگر در خانه خود ستاره چند دیدی

کند

کند که او را فرزندان بسیار گردد کرمانی گوید اگر کسی بیند که ستارگان در آسمان متفرق و شکسته شدند دلیل کند که پادشاهان متفرق شوند و کارشان
بد گردد و اگر بیند که ستارگان سعد بهم جمع شدند دلیل کند که حال پادشاهان و بزرگان نیک شود و اگر بیند که ستارگان نحوس
دلیل کند که از پادشاه منفعت و منفعت باو رسد و اگر بیند که ستارگان طلوع و غروب بر دو روی شدند دلیل کند که پادشاهی [illegible] و اگر
بیند که ستارگان از خانهٔ وی برآمدند دلیل کند که او را فرزندان باشد که مقرب پادشاه شوند و اگر بیند که با ستارگان سخن نیکو
میگفت دلیل کند که پادشاهان عادل و دادگر باشند و اگر بخلاف آن بیند دلیل کند که پادشاه ظالم و ستمکار باشد و اگر بیند
که ستارگان با هم جنگ و نبرد میکردند دلیل کند که در اطراف جنگ و کارزار افتد و اگر بیند که ستارگان از آسمان فرو گرفت
و در آستین خود نهاد دلیل کند که مال حاصل کند جابر مغربی گوید که اگر بیند که از جمله ستارگان یک ستاره در برابر وی آشفته و تیره
شده و یا در کنار وی افتاد دلیل کند که او را فرزندی گرامی و عزیز در وجود آید و اگر بیند که ستاره را هی پرستید دلیل کند که
بزرگان او را لشکر پادشاه را خدمت کند اسمعیل اشعث گوید دیدن ستارگان که مردمان بدو راه یابند دلیل بر چیز و منفعت کند و دیدن
ستارگان که مردمان او را هی پرستند دلیل بر شر و مضرت کند امام جعفر صادق ع فرماید دیدن ستارگان در خواب بر شش
وجه باشد یکی مهتران دوم عالمان سیم قاضیان چهارم علم پنجم وزرا ششم دبیران هفتم خزانه هشتم مردمان جنگجوی نهم شاگردان
و اگر بیند که بر ستاره دست یافت بر این کسان که گفتم دست یابد و بر چنین قوم او را جاه و قدر پیدا شود **ستون**
ابن سیرین گوید ستون در خواب دیدن خداوند دولت و اقبال باشد و اگر بیند که ستون نادرست و قوی داشت دلیل کند که از مردی
قوی مال داری او را قدر و منفعت حاصل شود و اگر بیند که ستونها بشکست یا بسوخت دلیل کند که از دنیا برود کرمانی گوید دیدن
ستون در خواب خداوند خانه و اسلام بود و اگر بیند که ستون خانه وی بشکست یا بیفتاد دلیل کند که خداوند خانه هلاک شود
و اگر ستون خانه را قوی بیند دلیل کند که خداوند خانه را قوت و اقبال بیفزاید امام جعفر صادق ع فرماید دیدن ستون در خواب
بر پنج وجه باشد یکی خداوند دولت دوم حکم در اسلام سیم مرد محتشم چهارم قوت در کار پنجم ولایت مردمان اگر بیند **سجاده**
ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که در مسجدی بر سجاده نشسته است دلیل کند که بر سفر حجاز شود و قوله تعالی واتخذوا من مقام ابراهیم مصلی خاصه
که در مسجد معتکف باشد جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که سجاده نشین با کرباسی داشت دلیل کند که بطاعت عبادت رغبت نماید
و اگر بیند که سجاده وی بسوخت دلیل کند که در عبادت کاهل گردد و اگر سجاده را بر [illegible] بیند دلیل کند که بر عبادت و طاعات و نماز
خلق را دعوت کند اما در راه دین ضعیف گردد **سجده کردن** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که خدای تعالی را سجده میکرد دلیل کند که
بر مردی بزرگ ظفر یابد و اگر بیند که جز خدای تعالی کسی دیگر را سجده میکرد دلیل کند که مراد او [illegible] برآید و اگر بیند که سجده کسی دیگر [illegible]

تاویلش بخلاف این بُود و اگر بیند که کلاه کسی برا سجده بکرد دلیل کند که مراد او بحاصل شود و امام جعفر صادق ع فرماید اگر کسی
بیند که مهتر برا سجده بکرد دلیل کند که وی برادر از سلطان برنج و محنت رسد و مردم او را اقتیدو ن الا بخلقکم و لا بخزکم الف الکر و لها
سخن گفتن ابن سیرین گوید سخن گفتن و شنیدن جواب تاویلش از زبانهای مختلف باشد اگر کسی بیند که بزبان
تازی چیزی بگفت یا بشنید دلیل کند که از مهتران عز و جاه یابد و از اخبارهای رسول سماع کند و اگر بزبان پارسی چیزی
بگفت یا شنید دلیل کند که با مهتران و برا صحبت افتد و از ایشان نیکوئی بیند و بزبان هندی بیند که گفت و شنود دیگر و
دلیل کند که با مردمان دون همت با اصل و برا کاری افتد و اگر بزبان عبری بگفت و شنید دلیل کند که میراث یابد و اگر
بزبان ترکی بیند دلیل کند که سختهای ناخوش شنود و بدست بد کرداری گرفتار شود و اگر بزبان قبطی بیند دلیل کند
و با ایشان صحبت افتد و اگر بزبان خوارزمی گفت و شنید بیکرد دلیل کند که چیزی کم او شود و با بشغلی شود و گرفتار شود و اگر
بیند که با اندامی از اندامهای خود گفت و شنید بیکرد دلیل کند که بر خویشتن گواه راست بدهد **سداب** ابن سیرین گوید اگر
کسی در خواب بیند که سداب داشت دلیل کند که با وی خصومت کند زیاده شود جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که سداب زرد شده
بخورد دلیل کند که بیمار شود و اگر بیند که سداب بکسی داد دلیل کند که از جنگ خصومت خلاص کرد و از بیماری شفا یابد
و علی الجمله دیدن سداب هیچ خوب نباشد **سر** دانیال ع فرماید سر در خواب دیدن مهتر گردد و اگر بیند که سر او
فراخ دلیل کند که مهتر برا او دستار و خواستار باشد و از او خیر و منفعت بیند و اگر بیند که بر خم سر از تن وی جدا شد
دلیل کند که از مهتری معزول کرد و یا از مادر و پدر خود جدا شود و اگر کسی بیند بر تیغ سر از تن وی جدا کرد و اگر درویش باشد توانگر
شود و اگر وام دار باشد وامش گذارده شود و از غم فرج یابد و اگر بنده باشد آزاد شود و اگر بیمار باشد شفا یابد و اگر در حق
پدر و مادر باشد زود بمیرد و اگر بزرگ سر بریده بیند دلیل کند که ولایت یابد و اگر حاجی در خواب بیند دلیل کند که زندگانی
بخواهد و اگر بیند که سر مرغی با جانوری دیگر بخورد دلیل کند که از مال پادشاه یا بزرگی بقدر آن بخورد و اگر بیند که سر او
با سرای دیگر پیش وی آورند دلیل کند که سروران اگر در پیش وی آیند و از ایشان چیز نیکو و خاص اگر دید که از
گوشت آن سرها بخورد و اگر سر زن در خواب بیند که دلیل کند که از زنان توانگر خیر و منفعت یابد و اگر بیند که سر گوسفند بخورد
دلیل کند که عمرش دراز شود و مال حلال یابد و اگر بیند که سر گاو بخورد دلیل کند که در آن سال مال و نعمت یابد
اگر کسی سر خویش را بزرگ بیند دلیل کند که از مهتری جاه و بزرگی یابد و اگر خورد او را بیند دلیل کند که کارش تنگ شود
و عمرش دراز شود و بعضی از معبران گویند کاری بزرگ در پیش گیرد و لیکن در انکار منفعت نبود و اگر سر خود را برهنه بیند دلیل

که

کند که از شغلی که دارد و با زماند و غمگین و مستمند شود و اگر در سر خویش جراحتی بیند دلیل کند که وی را با کسی داوری و خصومت
افتد و اگر از سر وی مغزی بیرون افتاده بیند دلیل کند که سرمایه از دست وی برود و اگر بیند که مغز را بجای خود گذاشت
دلیل کند که سرمایه از دست وی نرود و اگر سر خویش را چرب بیند دلیل کند که توفیق و خیر در کارها یابد و اگر بیند که سر بریده در دست
داشت دلیل کند که ده هزار درم سیم بیابد و اگر بیند که سر را بر زمین افکند دلیل کند که اقبال از وی منقطع شود و اگر دو
بریده در دست داشت دلیل کند که داد و انصاف دهد و اگر سخن زشت گوید دلیل کند که داد و انصاف ندهد و اگر سر خویش را
دو بیند چنانکه یکی بیمه در دست دیگر گرفته بود دلیل کند که او را رویه کرش بر بندد و اگر در دست بیند شفا یابد و اگر سر خویش را
در دست غیر خویش بیند دلیل کند که از مهتری خیر و منفعت یابد جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که سر وی چون سر اسب شده بود دلیل کند
از پادشاه مال و نعمت یابد و اگر بیند که مانند سر خرس شده بود دلیل کند که از بخت کامکاری جوید و اگر چون سر سگ و
دلیل کند که نزد مردمان خوار گردد و اگر چون سر شیر بیند فرمان روا بیابد و اگر چون سر خوک بیند دلیل کند که میل کفر دارد
و اگر بیند که سر وی از آبگینه بود دلیل کند که هلاک شود و اگر سر خود را از زرین یا سیمین بیند دلیل کند مال و نعمت یابد و اگر
که سر خود را از مس یا برنج بیند دلیل بر هلاک وی نظر کند و بر خطر باشد و اگر بیند که سر وی آهنین یا از سنگ بود دلیل کند
که عمرت مردی کند و اگر بیند که از سر وی آتش همی افروخت دلیل کند که کارش بالا گیرد اسمعیل اشعث گوید اگر کسی بیند که
سر وی چون سر چهارپایان شده بود دلیل کند که غم و اندوه یابد و اگر چون سر ددان بیند دلیل کند که دولتی پیدا کند
گیرد و دشمن را قهر کند و اگر چون سر مرغان بیند دلیل کند که سبز شود و اگر بیند که سر پخته بخورد دلیل کند که سرمایه خویش
خورد و اگر بیند که کسی سر وی را از تن جدا شود و بعد از آن بجای خود نهاد دلیل کند که مال بسیار یابد حلف اصفهانی
گوید سر بریدن در خواب پیش مهتری نیک و اگر بیند که سری بریان بخورد دلیل کند که از مهتری پا افزاید
و اگر بیند که سر خام میخورد غیبت مهتری کند و سر پخته بتاویل بهتر از خام بود جاحظ گوید سر مردم بخواب پدر بود یا
مهتر اگر سر خویش را بریده بیند دلیل کند که از پدر یا مادر جدا شود و اگر سر خود را برهنه بیند دلیل کند که با بزرگان
پیوندد و اگر سر پادشاهی بر دوش خود بیند دلیل کند که ده هزار درم بیابد برنج و محنت بسیار امام جعفر صادق ع فرماید
سر مردم بخواب دیدن بر ده وجه بود یکی بار است دوم مهتر سیم پدر چهارم مادر پنجم امام ششم ابریشم هفتم
عالم هشتم جمعیت و مال نهم پسر دهم غلام یازدهم کنیزک دوازدهم توانگری اگر کسی بیند که سر در تنور نهاد
دلیل کند که با مهتری تندی کند و لیکن مرادش بر نیاید **سراب** جاحظ گوید سراب بتازی کود آب باشد که تشنه گمان برد

تشنه آب نماید تاویلش باطل بود ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که در زمین سراب مقیم شد دلیل کند که بکلی در علم باطل مشغول
شود و او را از آن ملامت بود و اگر بیند که از زمین سراب جدا شد دلیل کند که ترک علم باطل کند و راه صواب گیرد و اگر بیند
که خاک زمین سراب بخورد دلیل کند که از علم باطل مال یابد و لیکن پایدار نبود **سراپرده** ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب
بیند که سراپرده داشت دلیل کند که ملک او دست یابد که بزرگ که پاید و اگر بیند که سراپرده از پادشاه بود دلیل کند که از
پادشاه حرمت و جاه یابد و اگر بیند که سراپرده پادشاه بیفتاد دلیل بر زوال ملک وی کند و اگر سراپرده پادشاه را در برکت
و بهار دید دلیل کند که پادشاه بزرگ بر آن ولایت آید و مملکت از وی بستاند امام جعفر صادق ع فرماید دیدن سراپرده در
خواب بر پنج وجه باشد اول سلطنت دوم ریاست سیم ولایت چهارم مهتری پنجم سرانجام کار **سرا** دانیال ع اگر کسی بیند که در
که در سرای بیگانه در شد و هیچکس را نشناخت در آن سرا مردمان دید دلیل کند که آن سرای آخرت باشد و دلیل بر هلاک
وی باشد و اگر بیند که در آنجا شد و بیرون آمد دلیل کند که بیمار شود و عاقبت شفا یابد امام جعفر صادق ع فرماید دیدن سرای
در خواب بر هشت وجه باشد اول مردان را زن دوم زنان را شوهر سیم ایمنی چهارم عیش پنجم مال ششم ولایت هفتم
عزت هشتم امانت **سرب** ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که سرب داشت یا کسی بوی داد دلیل کند که از متاع دنیا
چیزی او را حاصل شود و اگر بیند که سرب بگداخت دلیل کند که از آن متاع بر زبان مردم افتد و او را ملامت کنند **سرخی**
جامه ... سرخی در خواب مردان را کراهت و غم باشد و زنان را خیر و خرمی ... معبران گفته اند اگر مردی بیند که سراویل وی را
و جامه سرای سرخ بود دلیل کند که ... و فتنه و خون ریختن را ... دوست دارد و بر مردم ستم کند **سرفه** ابن
سیرین گوید سرفه کردن در خواب بر پنج وجه باشد اول سرفه تر دوم سرفه خشک سیم سرفه که بلغم بر آورد چهارم سرفه که خون
بر آورد پنجم سرفه که صفرا بر آورد و اگر بیند که سرفه میکرد و بلغم بر آورد دلیل کند که پیش کسی شکایت کند از جایی که ... رسد
یا بسبب مالی که از وی ضایع شده باشد کرمانی گوید اگر بیند که سرفه میکرد کسی شکایت از وی کند جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که
سرفه در گلوی وی بماند دلیل کند که هلاک شود امام جعفر صادق ع فرماید اگر کسی در خواب بیند که سرفه میکرد دلیل کند که او را
از ... رنج و آفت رسد **سرکه** ابن سیرین گوید سرکه در خواب میراث مال حلال بود و با برکت خوردن وی در خواب
نیک باشد و بعضی معبران گویند سرکه ترش در خواب غم و اندوه باشد و سرکه فروش در خواب مردی بود که خدمت طلبد و بعضی گویند
سرکه فروختن در خواب غم و اندوه باشد **سرگین** ابن سیرین گوید سرگین اسب و گاو در خواب مال و نعمت باشد و سرگین آدمی
مال حرام بود **سرما** ابن سیرین گوید سرما در خواب رنج و مشقت است و اگر بیند که سرما تن وی را رنجه کرد دلیل کند که

زود هلاک شود یا کسی از خویشان وی بمیرد **سرمه** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سرمه داشت یا کسی بوی داد دلیل کند
که بقدر آن مال یابد و اگر بیند که سرمه در چشم میکشید دلیل کند که صلاح دین بجوید کرمانی گوید سرمه کردن در خواب مال بود و در
ورزش و بعضی از معبران گویند سرمه کردن در چشم دلیل کند بر یافتن راه حق و صواب امام جعفر صادق ع فرماید سرمه فروش
در خواب مردی بود که در راه دین و سنت پیروی نماید و در میان مردمان صلح اندازد و بعضی گویند سرمه فروش در خواب مردی
بود که کاری کند که هم صلاح دین بود و هم دنیا **سرمه دان** ابن سیرین گوید سرمه دان در خواب زنی بود که پیوسته
خدای تعالی را یاد آورد و مردمان را بر صلاح دین خواند و اگر بیند که سرمه دان داشت دلیل کند که چنین زنی را بخواهد و اگر
بیند که سرمه دان وی بشکست یا ضایع شد دلیل کند که زن وی هلاک شود جابر مغربی گوید سرمه دان در خواب زنی بود دین
دار و با امانت و اگر بیند که سرمه دان داشت دلیل کند که با چنین زنی او را صحبت افتد و اگر بیند که ضایع شد از صحبت وی جدا
شود **سرنج** ابن سیرین گوید سرنج در خواب غم و اندوه باشد و اگر بیند که سرنج میخورد دلیل کند که بیمار شود و اگر بیند
که چیزی را بسرنج سرخ میکرد دلیل کند که بآرایش چیزی مشغول شود که از آن منفعت نیابد و اگر بیند که سرنج بوی داد
یا بکسی داد دلیل کند که از غم فرج یابد **سرود** ابن سیرین گوید سرود گفتن در خواب سخن باطل و مصیبت باشد
و اگر بیند که سرود با آواز نای کرمی زد دلیل مصیبت باشد و اگر بیند که کسی سرود میگفت و او میشنید دلیل کند که سخن دروغ
شنود ابراهیم کرمانی گوید دیدن سرود گفتن در خواب بزرگان را دلیل ریاست باشد و درویشان را دلیل بر غم
و اندوه بود امام جعفر صادق ع فرماید سرود گفتن در خواب بر شش وجه باشد اول کلام باطل دوم غم و اندوه سیم
مصیبت چهارم رسوایی پنجم سخن نیک ششم علم و حکمت آموختن **سرو** ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که
سروی بپای استاده دلیل کند که از بزرگی منفعت یابد و اگر بر سر خود بیند سرو رستنی دلیل قوت باشد و اگر بر سر خود
سروها بیند دلیل کند که عمر دراز یابد امام جعفر صادق ع فرماید دیدن سرو در خواب دلیل بر خیر و منفعت کند
سریشم ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که سریشم داشت دلیل کند که بقدر آن غم و عیال خورد و اگر بیند که
بسریشم چیزی چسبانید دلیل کند که کارهای محکم کند **سطل** ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که سطل داشت دلیل
کند که خدمتکاری حاصل کند و اگر بیند که سطل او بشکست دلیل کند که خدمتکار روی بپیچد جابر مغربی گوید اگر بیند که سطل نو
بخرید دلیل کند که کنیزکی صاحب جمال حاصل کند **سغر کردن** ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که سغر کرد دلیل کند که
حاجتش ... کرمانی گوید اگر کسی بیند که سغر کرده است که بجا ... دلیل کند که از زن جدا شود یا از سرای خود ...

دیگر نقش کند جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که سفر کرده و با برگ و ساز بود دلیل کند که کارش نیکو شود و اگر ساز و برگ نیست
تاو عیش بخلاف این باشد **سفره** ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند که سفره نو داشت دلیل کند که مال و نعمت یابد و کنیزک صاحب
جمال بخرد و اگر سفره چرکین بود دلیل کند که کنیزک زشت و ترش روی باشد و اگر بیند که سفره پر نان و نعمت است دلیل کند که از آن
کنیزک منفعت بیند کرمانی گوید دیدن سفره در خواب دلیل بر سفری باشد با منفعت و هر چند سفره را در خواب بزرگتر و نیکوتر
بیند دلیل کند که منفعت آن بیشتر باشد امام جعفر صادق ع فرماید دیدن سفره در خواب بر چهار وجه بود اول کنیزک دوم نعمت
سیم سفر چهارم کسب و معیشت **سقا** ابن سیرین گوید سقا در خواب دلیل بر مردی باشد که دین دار بود و اگر بیند که سقا
بیکرد با طمع دلیل کند که بکار آخرت پردازد و اگر بیند که مشک پر آب بیکرد دلیل کند که مال جمع کند و از آن بهره بیند
سقنقور ماهی است که در میان ریگ میباشد اگر کسی بیند که سقنقور یافت دلیل کند که کار دنیائی او درست شود و بکام دل
برسد اما دیدن وی ضعیف باشد و بعضی معبران گویند دیدن سقنقور در خواب دلیل بر راحت باشد **سقمونیا** ابن سیرین گوید سقمونیا
در خواب دلیل بر غم و اندوه باشد و نقصان مال اما اگر سقمونیا در خواب بیند که از بهر علت خورد و از آن علت شفا یافت
دلیل بر منفعت کند **سگ** ابن سیرین گوید سگ در خواب دیدن دشمن دون فرومایه بود اما معبران گویند سگ ماده
زن فرومایه باشد و سگ سیاه دشمنی باشد از عرب و سگ سپید دشمن عجم باشد و اگر بیند که سگ بروی بانگ کرد دلیل کند
که از دشمن سخن زشت شنود و اگر بیند که جامه وی از آب دهن سگ آلوده گشت دلیل کند که از سخن دشمن خواهد آزرده
گردد و اگر بیند که گوشت سگ بخورد دلیل کند که دشمن را به دشمنی مرفع کند و اگر بیند که سگی را نان میداد دلیل کند که روزی
بروی فراخ گردد و اگر بیند که سگ با وی نزدیکی کرد دلیل کند که دشمن بروی طمع کند و اگر بیند که بر سگ تکیه کرد
دلیل کند که بر دشمن فرومایه اعتماد کند و کار او را نصرت دهد و اگر بیند که شیر سگ بخورد دلیل کند که ترس و بیم سخت بوی رسد
و باشد که با دشمن در برابر خصومت افتد و اگر بیند که سگ از وی بگریخت دلیل کند که کار وی بر حذر باشد و کرمانی گوید اگر
کسی بیند که سگ جامه وی را بدندان گرفت دلیل کند که مکروهی بوی رسد اسمعیل بن اشعث گوید سگ شکاری در خواب دشمنی باشد
ظاهر و اگر بیند که با سگ شکاری شکار میکرد دلیل کند که از دشمن خیر و منفعت بیند و اگر بیند که گوشت سگ میخورد دلیل کند که
میراث یابد امام جعفر صادق ع فرماید دیدن سگ در خواب بر چهار وجه بود اول دشمن دوم پادشاه ظالم سیم [illegible]
چهارم عمارت **سکنجبین** ابن سیرین گوید سکنجبین در خواب چون شیرین بود دلیل کند بر مال و روزی حلال و اگر ترش باشد
دلیل کند که از آن غم و اندوه و بیماری رسد کرمانی گوید اگر بیماری در خواب بیند که سکنجبین بخورد دلیل کند شفا اگر شیرین باشد

دلیل

دلیل کند که صحت یابد و اگر ترش بیند دلیل کند که بیماری وی دراز شود **سلاح** بدانکه سلاح بتازی آلت جنگ باشد
و آن دلیل بر قوت و بزرگی و دولت کند ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سلاح پوشیده داشت و در میان مردم پیکار بود
دلیل کند که جمعی زبان اعتراض بروی دراز کنند لیکن بوی مکروهی نتوانند رسانید و اگر [illegible] دلیل کند
که از دشمنان مکروهی بیند کرمانی گوید اگر کسی بیند که با سلاح و تیر و کمان یا چیز دیگر داشت دلیل کند که خداوند جاه شود
و اگر بیند که با کسی جنگ میکرد دلیل کند که وی را از کسی مضرت رسد و اگر بیند که از زخم سلاح ریم می آمد دلیل کند
که بقدر آن مال حرام جمع کند و اگر بیند که سر شاه ببرید دلیل کند که سخن سخت شنود گوید مهتر و بزرگ آنکس را و اگر بیند که
پایش را ببرید دلیل کند که آنکس حال و نظام کارش قطع شود امام جعفر صادق ع فرماید دیدن سلاح در خواب بر شش
وجه بود اول قوت دوم بزرگی سیم دولت چهارم ولایت پنجم ریاست ششم حصن بهتر و محکمتر سلاح
در خواب پادشاهی باشد منفعت و بزرگی دارد **سلام کردن** ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند که دوستی
بروی سلام کرد دلیل کند که عزیزی با او دوستی کند و اگر بیند که کسی مجهول بروی سلام کرد بنزد معاین تاویل دارد و اگر بیند
که پیری که هرگز آن پیر را ندیده بود بروی سلام کرد دلیل کند که ایمن شود از عذاب خدای تعالی و اگر بیند که مردی
معروف بروی سلام کرد دلیل کند که زنی خوبروی بزنی بخواهد کرمانی گوید که اگر بیند که کسی بروی سلام کرد در میان ایشان
شرکت و تجارت بود باشد و جواب سلام آنکس را داد دلیل کند که در میان ایشان جدائی افتد و آن شرکت پایدار
نبود جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که زنی جوان بروی سلام کرد دلیل کند که از کسی شاد شود و اگر بیند که زنی مجهول
بروی سلام کرد دلیل کند که اقبال دنیا بیابد و اگر بیند که در نماز بود و سلام داد دلیل کند که کارهای وی بشوریده شود
امام جعفر صادق ع فرماید دادن سلام در خواب بر چهار وجه بود اول ایمنی دوم شادی سیم اقبال چهارم
منفعت مال **سلطان** ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که سلطان مگر بیامد یا در شهری بیرون شد دلیل
کند که رنجی و مصیبتی باهل آن موضع رسد قوله تعالی ان الملوک اذا دخلوا قریة افسدوها و اگر بیند که در جنگ و خصومت
سلطان غلبه کرد دلیل کند که حاجتی که دارد روا شود و بمقصود رسد و اگر سلطان را دید که جان میکند دلیل کند که یوم
شود و اگر بیند که سلطان از تخت یا کرسی بزیر افتاد دلیل کند بر زوال ملک وی و اگر کسی بخواب بیند که سلطان شد
و در سلطنت داد کرده بود دلیل کند که شرف و بزرگی یابد و اگر بیند که سلطان بساط بزرگ گسترده دلیل کند که ملک دنیا بر
وی فراخ گردد و عیش دراز گردد جابر مغربی گوید اگر سلطان کار خود و شهر را در خواب نیکو بیند دلیل کند که دولت

وجاه وحشمتش زیادت شود و اگر کسی سلطان مرده را کشته و روی او خرم بیند تاویلش بخلاف آن بود که در خواب باز کرد و اگر در شهر
خویش سلطان مجهول بیند دلیل کند که نعمت بروی چیره گردد سماق ابن سیرین گوید خوردن سماق در خواب دلیل کند که او را
با کسی گفتگوی افتد و با جمله خوردن سماق هیچ خیر و منفعت نباشد سما بتازی کلاه بود و اندر خواب نیکو بود که او را
هیچ خیر و منفعت نباشد و اگر کسی بیند که سما بخورد دلیل کند که مال از دست عیال خود بستاند سمور ابن سیرین گوید
در خواب مردی بود کافر ظالم راهزن اگر بیند که با سمور جنگ میکرد دلیل کند که با چنین مردی او را خصومت افتد و اگر بیند
که گوشت سمور بخورد دلیل کند که مال چنین مردی بخورد و کرمانی گوید سمور در خواب مردی غریب بود اگر موی و پوست سمور
مال وی خواسته باشد و اگر بیند که گوشت وی بر زمین افکند دلیل کند که مال مردی غریب را تلف کند سنان ابن سیرین
اگر کسی بیند که سنان بر تن خصم زد و او را بیفکند دلیل کند که خصم را بحجت مغلوب کند و اگر بیند که سنان وی بشکست یا ضایع شد
تاویلش بخلاف این باشد کرمانی گوید اگر بیند سنان پولاد در دست داشت دلیل کند که جاه و بزرگی یابد امام جعفر صادق ع
فرماید دیدن سنان در خواب بر شش وجه باشد یکی حجت دوم ولایت سیم عز و ناز چهارم ظفر یافتن پنجم ریاست ششم منفعت
و جاه بقدر آن سنان سنب ابن سیرین گوید سنب در خواب دلیل بر فرزند بود کرمانی گوید سنب پای دراز گوش مال بود
و بعضی معبران گویند که مال یابد و اگر بیند که سنبش ضایع شد دلیل کند که بقدر آن مال وی تلف شود سنبل ابن سیرین گوید اگر
کسی بیند که سنبل تر داشت دلیل کند که بقدر آن ویرا مال و نعمت حاصل شود و مردمان ویرا مدح و ثنا گویند و اگر سنبل خشک
بیند تاویلش بخلاف این بود جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که سنبل تر همی خورد دلیل کند که بقدر آن از مال حلال روزی شود
یا که او را فرزندی آید که نام وی در روی زمین منتشر شود و اگر بیند که سنبل بر آتش همی سوخت دلیل کند که پادشاه مال
بقدر آنکه سوخت ازو بستاند سنجاب ابن سیرین گوید سنجاب در خواب مردی غریب بود اگر بیند که از موی و پشم و پوست و استخوان
وی مال یافت و گوشت وی خورد مال مردی غریب یابد و اگر بیند که سنجاب را بکشت و پوست کند و گوشت وی بیفکند دلیل کند
مال مردی غریب بحیف بستاند و در بیند کنند کرمانی گوید اگر بیند که سنجاب را بچه گرفت و از گوشتش خورد دلیل کند
دختری غریب بستاند سنجد ابن سیرین گوید سنجد در خواب مال حلال باشد که برنج بدست آورد و بقدر آنکه دیده باشد جابر
مغربی گوید اگر بیند که سنجد از درخت جمع میکرد دلیل کند که از مردی بدخوی مال بدست آورد و اگر بیند که سنجد بخورد دلیل
کند که مال بر عیال خود نفقه کند امام جعفر صادق ع فرماید دیدن سنجد در خواب بر سه وجه بود یکی مال که حاصل کند دوم
مال بدست آوردن سیم منفعت اندک از مردم بدخوی ناسازگار سندان ابن سیرین گوید سندان در خواب ریاست

باشد و اگر بیند که سندان فرا گرفت یا کسی بدو داد دلیل کند که از رئیس خیر و منفعت بیند و با او دوست شود و یا
بحرمت پادشاه پیوندد و از او منفعت یابد کرمانی گوید سندان در خواب دلیل بر مهتری است که او را کند و اگر بیند
که سندان داشت دلیل کند که ویرا با مهتری بزرگ مصاحبت افتد و از او خیر و منفعت بیند و با او دوست شود
و اگر بیند که سندان وی ضایع شد دلیل کند که از صحبت چنین مردی جدا شود امام جعفر صادق ع فرماید دیدن سندان
در خواب بر پنج وجه باشد یکی مهتری دوم منفعت مال سیم قوت چهارم ولایت پنجم اقبال در کارها سنگ کرمانی
گوید سنگ در خواب بر دو وجه باشد یکی مال دوم مهتر و هر سنگ که نرمتر است منفعتش زیادتر باشد و هر چند
سنگ سخت تر باشد تاویلش بخلاف این باشد اگر بیند که سنگی سپید فرا داشت دلیل کند که با مهتری خوش طبع کریم
روی ویرا صحبت افتد و از وی نعمت بیند و اگر بیند که سنگی سیاه داشت دلیل کند که با مهتری کینه دار بدخوی ویرا
صحبت افتد و از او چیز بیند و اگر بیند که بر کوه شد و سنگهای بسیار دید و از آن سنگها چیزی بر گرفت و در دامن نهاد
دلیل کند که با مردی منافق ویرا صحبت افتد و بقدر آن از وی نفع یابد ابن سیرین گوید دیدن سنگها در خواب
دلیل سختی باشد در کارها اگر بیند که سنگها از زیر آب جمع میکرد دلیل کند که با چند مکر و حیلت رنج جمع کند
و اگر بیند که سنگ از کوه میتراشید دلیل کند که از مردی سخت دل بمکر و حیلت مال بستاند و اگر بیند که از میان
بیابان سنگ جمع میکرد دلیل کند که بکار او را مال حاصل شود از سفر و اگر بیند که بر کسی سنگ می انداخت دلیل کند که برنج
و کراهت از مال خود چیزی بکسی دهد و اگر بیند که سنگ ریزه بخانه میبرد دلیل کند که بقدر آن مال ویرا حاصل شود و
جابر مغربی گوید اگر بیند که سنگ بر کسی می انداخت دلیل کند که ویرا تهمت کنند بدریا یا بکینه امام جعفر صادق ع
فرماید دیدن سنگ در خواب بر چهار وجه بود یکی مال دوم مهتری سیم سختی در کارها چهارم کسب برنج سنگ
خوار مرغی است که سنگ ریزه میخورد ابن سیرین گوید اگر بیند که سنگ خوار را بگرفت دلیل کند که با مردی
ابله ویرا صحبت افتد جابر مغربی گوید اگر بیند که سنگ خوار داشت دلیل کند که در کاری سختی و دشوار افتد و از آن کاری
خیر و منفعت و اگر بیند که سنگ خوار از دست وی بپرید یا بمرد دلیل کند که از کار دشوار خلاص شود و اگر بیند
گوشت سنگخوار بخورد دلیل کند که کسب خویش دو سواری بدست آورد سواری ابن سیرین گوید اگر کسی بیند
در خواب که سواری میکرد دلیل کند که از پادشاه اسب و سلاح و مال و نعمت یابد و اگر بیند که با سواران بیکجا بودن
فرمان بر و مطیع وی بودند دلیل کند که گروهی فرمان بر و مطیع وی شوند کرمانی گوید اگر کسی بیند که در مقامی جمعی سواران

بوند و جامهای سبز در پوشند یا سپید و ایستاده بوند دلیل کند که در آنجا کسی بمیرد و ازو میراث اگر سوار بوند با
جامهای چرکین بیند دلیل کند که از دوست و آشنا منفعت در گذشته باشد سورهای قرآن در خواب دیدن
ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که سورة الفاتحه میخواند دلیل کند که عمرش دراز شود و خاتمت کارش با ایمان
بود سوره البقره ابن سیرین گوید اگر در خواب بیند که سوره البقره میخواند تا وقتش دراز شدن عمر دلیل بود و به علما
در بهشت جایز باشد کرمانی گوید سورة البقره خواندن در خواب نکوکاری بود و نجات یافتن از شر دشمنان
امام جعفر صادق فرماید که صادق القول و درست گوی باشد اگر بیند که آیة الکرسی میخواند دلیل کند که از اقربا ایمن
گردد و کارش بالا گیرد کرمانی گوید اگر درویش باشد توانگر گردد و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر غمگین بود شادمان
گردد و اگر بنده بود آزاد گردد و خداوند جاه و نعمت شود سوره ال عمران ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره آل
عمران میخواند دلیل کند که از همه بدیها پاک گردد کرمانی گوید عاقبتش نکو گردد و در عقبی نجات یابد امام جعفر صادق فرماید
دینش قوی گردد و در راه دین مناظره شود اگر کسی بیند که شهد الله میخواند دلیل کند که بقضای خدای تعالی راضی گردد کرمانی
گوید امانتی گذارد بگذارد و نزد مردمان عزیز و مکرم شود امام جعفر صادق فرماید مراد و حاجت یابد و در راه دین یگانه
شود ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که قل اللهم میخواند دلیل کند که پادشاهی عزت و جاه یابد کرمانی گوید هر امید که دارد
بیابد امام ع فرماید که حاجتهای او روا شود النساء ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که سورة النساء میخواند
دلیل کند که میراث یابد و خویشان او بسیار شود کرمانی گوید مال و نعمت یابد امام جعفر صادق فرماید حاجتهای او روا
گردد و پرهیزکار بود و از خویشان میراث یابد المائده ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره مائده میخواند دلیل
که بر اهل خانه شرف و منزلت یابد کرمانی گوید دین و صحت و قوت کار روشن کند انعام ابن سیرین گوید اگر
کسی بیند که سوره انعام میخواند سعادت دو جهانی یابد کرمانی گوید چهارپایان بسیار او را حاصل شود امام جعفر صادق
فرماید با احسان و سخاوت توفیق یابد الاعراف ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سورة اعراف میخواند دلیل کند که در
دین مؤمن و خالص گردد و عاقبت کارش محمود گردد کرمانی گوید از این جهان بیرون نرود تا زیارت کعبه نکند امام ع فرماید
که همه خلق از او خوشنود شوند و امانت خلق را نیکو نگاه دارد الانفال ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره انفال
میخواند دلیل کند که بر دشمنان ظفر یابد و غنیمت و مال بسیار حاصل کند کرمانی گوید قدر و جاه و بزرگی یابد و کارش بنظام
شود امام ع فرماید خداوند دولت و اقبال شود و روزی بروی فراخ گردد و پیوسته شاد کام باشد البراءة ابن سیرین

گوید

گوید اگر کسی در خواب بیند که سورة التوبه میخواند دلیل کند که توبه نصوح کند از هر گناه کرمانی گوید سر انجام کارش بخیر و خوبی
باشد امام جعفر صادق ع فرماید که در میان مردمان محبوب و مقبول شود و از هر چیز پرهیز کند یونس ابن سیرین گوید اگر
کسی بیند که سوره یونس میخواند دلیل کند که روزی بروی فراخ گردد و کارش میسر شود کرمانی گوید ضرر کافران و جادوان
از او دفع شود و بر دشمنان غالب گردد امام جعفر صادق ع فرماید که لفظ و عبارتش فصیح گردد سوره هود ابن
سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره هود میخواند دلیل کند که روزی او از زراعت و تجارت زیاده شود کرمانی گوید در راه
دین یگانه شود یوسف ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که سوره یوسف میخواند دلیل کند که سفر بسیار کند در
حوالی در محنت و مشقت بسیار گردد و لیکن سر انجام کار بکام دل بیابد کرمانی گوید از رنج برهد و عزت بیند
و کارش بالا گیرد امام جعفر صادق ع فرماید که راست قول و با امانت باشد سوره رعد ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره
رعد میخواند دلیل کند که پیوسته بعبادت و قرآن خواندن مشغول گردد و تسبیح و تهلیل گوید امام جعفر صادق فرماید
خدای تعالی عزیز و گرامی باشد کرمانی گوید فراغت یابد و عاقبتش محمود باشد سوره حجر ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره
حجر میخواند دلیل کند که نزد خدای تعالی عزیز و گرامی باشد کرمانی گوید هر مرادی که دارد بیابد امام ع فرماید قدر و جاهش زیاده گردد
پیش خلایق سوره ابراهیم ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره ابراهیم میخواند دلیل کند که مدام بکار خیر و طاعت و عبادت
مشغول باشد امام ع فرماید نزد خدای تعالی پسندیده و گرامی بود کرمانی گوید فراغت کند و عاقبتش محمود باشد سوره
النحل ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سورة النحل میخواند دلیل کند که روزی حلال یابد و [illegible] این باشد
کرمانی گوید از محنت و آفت ایمن گردد امام ع فرماید حق تعالی او را علم حاصل کند و اگر بیمار بود شفا یابد بنی اسرائیل
ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره بنی اسرائیل میخواند دلیل کند که نزد حق تعالی و خلق او را جاه و منزلت بیفزاید و مؤمن و
پرهیزکار باشد کرمانی گوید بر دشمن ظفر یابد و بکام دل برسد امام جعفر صادق ع فرماید دینش درست و اعتقادش
پاک باشد سورة الکهف ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند که سورة الکهف میخواند دلیل کند که از همه بلاها و فتنها
ایمن شود و در راه دین یگانه شود کرمانی گوید عمرش دراز باشد و سعادت ابدی یابد امام ع نیز چنین فرماید مریم
ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره مریم میخواند دلیل کند که در قیامت از عذاب در پناه حق تعالی باشد کرمانی گوید راه
حضرت برگزیند و سنت رسول ع بجای آورد امام جعفر صادق ع فرماید بهتان و دروغ بنسبت گویند و آخر کار راستی
کار روشن ظاهر گردد سوره طه ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که سوره طه میخواند دلیل کند که با دشمنان خصومت کند

و ایشان را قهر کند کرمانی گوید نامش در جهات منتشر گردد امام جعفر صادق ع فرماید عالم و دانا شود و در راه دین یگانه
و نامدار گردد **سوره انبیا** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره انبیا میخواند دلیل کند که حق تعالی او را علم و سیرت پیغمبران بخشد
کرمانی گوید اقبال او و جاه یابد امام جعفر صادق ع فرماید عالم و دانا شود بعد از آنکه رنج و مشقت بسیار کشد **سوره حج** ابن
سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند که سوره حج میخواند دلیل کند که مال در راه خدا تعالی نفقه کند کرمانی گوید که در راه خدا نیک و پسندیده
کند امام جعفر صادق ع فرماید در راه زهد و عبادت کند شود و در راه دین مجتهد گردد **مؤمنون** ابن سیرین گوید اگر
کسی در خواب بیند که سوره مؤمنون میخواند دلیل کند که با مؤمنان داخل بهشت شود کرمانی گوید فضل و درجات بسیار یابد امام
جعفر صادق ع فرماید از آتش دوزخ ایمن شود و بهشت پسندیده **سوره نور** اگر کسی بیند که سوره نور میخواند دلیل کند که عالم و عادل
شود و دلش از علم و حکمت منور گردد **فرقان** ابن سیرین گوید که سوره فرقان میخواند دلیل کند که راستی حق و باطل را از یک
جدا کند کرمانی گوید خلق او را گرامی دارند امام ع فرماید از جانب اجل طرف حق گراید **الشعرا** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره
الشعرا میخواند دلیل کند که در پناه حق تعالی باشد کرمانی گوید از گناه و دروغ پاک شود و در راه دین مجتهد گردد امام جعفر
صادق ع فرماید خدا تعالی او را از فواحش نگه دارد **قصص** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره قصص میخواند دلیل کند
که بزرگ باید کرمانی گوید دولت و بخت او را مساعد شود و امام ع فرماید مال و نعمت بیقیاس یابد **عنکبوت** ابن
سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره عنکبوت میخواند دلیل کند که تا بوقت مرگ در حرز حق تعالی باشد کرمانی گوید از رنج و بلا ایمن
شود امام جعفر صادق ع فرماید بر دشمن ظفر یابد **سوره روم** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره روم میخواند دلیل کند
که بر دست وی شهری از شهرهای روم گشاده گردد کرمانی گوید در غزا و جهاد مجتهد گردد و امام ع فرماید در غزا بر اعدا
مظفر و فیروز گردد **سوره لقمن** ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که سوره لقمن میخواند دلیل کند که حکیم و عالم و عادل شود
کرمانی گوید با اهل دین و علم و حکمت و دیانت بود و امام جعفر صادق فرماید خلق از دین و صلاح وی با نصیب شوند **سجده**
ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که سوره سجده میخواند دلیل کند که در … نماز برد و در سجده باشد کرمانی گوید و …
که در سجود حق تعالی باشد امام جعفر صادق عاقبت کارش محمود باشد **الاحزاب** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره الاحزاب
میخواند دلیل کند که مال بسیار یابد امام جعفر صادق ع فرماید توفیق حق یابد و حق اتباعت … **سبا** ابن سیرین
گوید اگر کسی بیند که سوره سبا میخواند دلیل کند که زاهد و عابد شود و دست از دنیا بدارد کرمانی گوید از طاعت و عبادت
… امام ع فرماید سیرت سلطان … **فاطر** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره فاطر میخواند دلیل کند که …

باشد و محمود شود کرمانی گوید پیوسته ملازم عبادت خود باشد امام ع فرماید روزی بر وی فراخ گردد **یس**
ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که سوره یس میخواند دلیل کند که عاقبتش بخیر باشد کرمانی گوید عمرش دراز باشد و از حق تعالی
رحمت یابد امام ع فرماید دوستی رسول ع در دلش مستقیم گردد **والصافات** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره والصافات
میخواند دلیل کند که از خدای تعالی … توفیق یابد کرمانی گوید امانت خلق نگه دارد و بکار صلاح رغبت نماید امام جعفر
صادق ع او را فرزندی آید و مالش زیاده گردد و در کار خود بزرگ بود **زمر** اگر کسی بیند که سوره زمر میخواند دلیل کند
که حق تعالی گناهانش را عفو کند کرمانی گوید خاتمت کارش بسعادت گردد و امام ع فرماید دین او قوی گردد **مؤمن**
ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره مؤمن میخواند دلیل کند که مؤمن و مخلص گردد کرمانی گوید سیرت راه دین نیک نگاه
دارد و امام ع فرماید از حق تعالی رحمت و غفران یابد **حم سجده** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره سجده میخواند دلیل کند
که از دوستان و مقربان حق تعالی باشد کرمانی گوید پیوسته در راه دین و خیر و صلاح باشد امام ع فرماید داعی باشد که حق
و خلق بسیار را اجابت می کنند **حم عسق** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره عسق میخواند دلیل کند که عمرش دراز
شود **زخرف** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره زخرف میخواند دلیل بود که از دعا عبادت بسیار کند و پیوسته روزه
دارد کرمانی گوید رستگار و پرهیزکار بود امام جعفر صادق فرماید … قول او … بود **دخان** ابن سیرین
گوید اگر کسی بیند که سوره دخان میخواند دلیل کند که در شب طاعت بسیار کند و درست قول باشد و حق او را … امام جعفر
صادق ع فرماید منعم و توانگر باشد **جاثیه** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره جاثیه میخواند دلیل کند که در توبه
کوشد و بخدای تعالی باز گردد کرمانی گوید دست از دنیا بدارد و از گناه باز گردد و پشیمان شود امام جعفر صادق ع
همین را فرماید **الاحقاف** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره الاحقاف میخواند دلیل کند که فرمان پدر و مادر بجای
آورد کرمانی همین را گوید امام ع فرماید عجایبهای بسیار بیند **محمد** ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که سوره
محمد ع میخواند دلیل کند که بر دشمنان ظفر یابد کرمانی گوید از آفات و بلیات ایزد تعالی او را نگاه دارد امام جعفر صادق ع
فرماید نیکو خصال و خوب سیرت باشد **الفتح** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره الفتح میخواند دلیل کند که حق تعالی
او را نصرت دهد و در غزوات بر وی گشاده گردد کرمانی گوید ایزد تعالی گناهان او را عفو کند امام ع فرماید حق تعالی وی را در جهان
توفیق دهد **حجرات** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره حجرات میخواند دلیل کند که مردمان را با لقاب بخواند و غیبت
نکند کرمانی گوید از کس نجوید و دل هیچ کس را بخود نگاه دارد و امام ع فرماید با مردمان پیوند و دوستی جوید

ق ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره ق میخواند دلیل کند که بطاعت عبادت مشغول گردد کرمانی گوید حق تعالی روزی بروی
فراخ گرداند الذاریات ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره والذاریات میخواند دلیل کند که حق تعالی ویرا بکاری خوب توفیق دهد
کرمانی گوید کارهای دشوار بروی آسان شود امام جعفر صادق ع فرماید از زرع بهره مند گردد الطور ابن سیرین گوید اگر کسی
بیند که سوره طور میخواند دلیل کند که حق تعالی ویرا بر دشمن ظفر دهد امام ع فرماید در مکه معظمه مجاور گردد والنجم ابن سیرین گوید اگر
کسی بیند که سوره والنجم میخواند دلیل کند که حق تعالی در رحمت بروی گشاده گرداند کرمانی گوید بر دشمن ظفر یابد امام ع فرماید حق تعالی
او را پسری صالح خوبروی عطا فرماید القمر ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره القمر میخواند دلیل کند که بر دشمنان ظفر یابد کرمانی
گوید کارهای دشوار بروی آسان گردد امام ع فرماید در این جهان مال و نعمت یابد و در آن جهان با رحمت باشد الرحمن ابن
سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره الرحمن میخواند دلیل کند که از سخنان دروغ اجتناب نماید کرمانی گوید بسیرت نیک عدل راه دین گزیند
امام ع فرماید نعمت و مال یابد و در آن جهان از رحمت حق با نصیب باشد الواقعه ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره الواقعه میخواند
دلیل کند که از گناهان توبه کند کرمانی گوید توفیق طاعت یابد امام جعفر صادق ع از طاعت حق با نصیب باشد الحدید ابن سیرین
گوید اگر کسی بیند که سوره حدید میخواند دلیل کند که روزی بی رنج حاصل آید کرمانی گوید توفیق طاعت یابد المجادله ابن سیرین گوید اگر
کسی بیند که سوره المجادله میخواند دلیل کند که او را با زنان خصومت بسیار افتد کرمانی گوید عدل راه دین با همه کس مجادله کند امام ع فرماید که
خصومت با اهل خانه بجهت [illegible] کند الحشر ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره حشر میخواند دلیل کند که حشر وی با نیکان و رستگاران باشد
کرمانی گوید صحبت وی با اهل صلاح و علمای دین دارد امام جعفر صادق ع فرماید در راه حج شهید گردد الممتحنه ابن سیرین گوید اگر
کسی بیند که سوره الممتحنه میخواند دلیل کند که از نمایش کار را بر آسی کند کرمانی گوید صحبت او با اهل صلاح باشد امام ع فرماید بمحنتی گرفتار شود
که هلاک گردد الصف ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره الصف میخواند دلیل کند که در راه خدا غزا کند کرمانی گوید پیوسته
رضای خدای تعالی جوید امام فرماید بر دشمنان ظفر یابد الجمعه ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره الجمعه میخواند دلیل کند که خدا
او را علم توریت آموزد کرمانی گوید حرمت و قدر و جاه یابد امام ع فرماید توفیق حج یابد المنافقون ابن سیرین گوید اگر کسی
بیند که سوره منافقون میخواند دلیل کند که پنهان با منافقان منافقی کند کرمانی همین را گوید امام ع فرماید از منافقی توبه کند التغابن
ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره تغابن میخواند دلیل کند که صدقات بسیار دهد کرمانی همین را گوید امام ع فرماید که معیشت حلال کرده
دوال است گوید التحریم ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره تحریم میخواند دلیل کند که در خانه خود کارهای بنفاق کند و بحال نگاه
ایشان بگوید امام ع فرماید از محارم دور باشد الطلاق ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره طلاق میخواند دلیل کند که ویرا با زنان

که

گفتگوی باشد کرمانی گوید بسیرت خود و حق تعالی را نگاه دارد امام ع فرماید با اهل خویش لجاج کند الملک ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که
سوره ملک میخواند دلیل کند که از عذاب گور ایمن گردد کرمانی گوید عاقبت کارش محمود شود امام ع فرماید با همه کس خیرات و احسان
کند سوره ن ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره ن والقلم میخواند دلیل کند که خیرات و صدقه کند کرمانی گوید با همه کس خیرات و احسان
امام ع فرماید حق تعالی او را علم و فصاحت روزی کند الحاقه ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره الحاقه میخواند دلیل کند که بر مرتبت
و مال که خدای تعالی او را روزی کند برسد کرمانی گوید بسیرت حق گزیند و ناصر حق باشد امام ع فرماید در طریق حق کوشد سوره
المعارج ابن سیرین گوید اگر در خواب بیند که سوره معارج میخواند دلیل کند که چیز و نیکی بسیار بیند کرمانی و امام ع همین را فرمایند سوره
نوح ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره نوح میخواند دلیل کند که از کارهای بد توبه کند و عاقبتش محمود باشد کرمانی همین را گوید امام ع
فرماید از ترس و بیم ایمن باشد سوره الجن ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره جن میخواند دلیل کند که در شغل پیغمبری رشد کرمانی
همین را گوید امام ع فرماید دیو و پری هیچ مضرت بوی نرسد سوره المزمل ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره مزمل میخواند
دلیل کند که رسول خدا را دوست دارد امام ع فرماید توفیق طاعت و عبادت یابد المدثر ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که
سوره مدثر میخواند دلیل کند که حق جل جلاله و بدی کسی در دل نگاه ندارد کرمانی گوید در کارهای راستی کند امام ع فرماید بسیرت
نیکو در امارت جوید القیمه ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره القیمه میخواند دلیل کند که بوقت مرگ شهادت گوید
با ایمان از دنیا برود کرمانی گوید از عذاب حق تعالی ترسان باشد امام ع فرماید از سوگند دروغ خوردن توبه کند سوره
الدهر ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره الدهر میخواند دلیل کند که درویشان را طعام دهد و در رضای حق تعالی جوید کرمانی
گوید با خلق خدا جود و احسان کند امام ع فرماید توفیق بر سخاوت و شکر نعمت یابد المرسلات ابن سیرین گوید اگر کسی بیند
که سوره والمرسلات میخواند دلیل کند که از دروغ گفتن توبه کند ترک باطل کند کرمانی گوید بسیرت راه حق تعالی جوید امام ع
فرماید روزی بروی فراخ گردد النبا ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره النبا میخواند دلیل کند که بر حق تعالی توکل کند
قدرت حق تعالی متوکل گردد کرمانی گوید کارش بزرگ شود و نامش بلند گردد امام ع نیز چنین فرماید النازعات
ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره والنازعات میخواند دلیل کند که بوقت جان کندن از مرگ هراسان نباشد کرمانی
گوید از عقوبت ایمن گردد امام ع فرماید دلش از مکر و خیانت پاک شود العبس ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره
عبس میخواند دلیل کند که روی بمردم ترش کند کرمانی گوید روزه بسیار دارد امام جعفر صادق ع گوید با اصناف خلق
خیرات کند التکویر ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره کورت میخواند دلیل کند که از درد چشم بترسد کرمانی گوید

از جانب مشرق سفر بسیار کند امام ع فرماید از آنچه میترسد ایمن گردد و خرمی بسیار بیند **الانفطار** ابن سیرین
گوید اگر کسی بیند که سوره انفطار میخواند دلیل کند که از عذاب الهی بترسد و توبه کند کرمانی گوید میل وی بمال حلال باشد
امام جعفر صادق ع فرماید نزد یک ملوک و سلاطین عزیز و مکرم گردد **المطففین** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره
مطففین میخواند دلیل کند که کیل و پیمانه درست پیماید و از ترس خدا طاعت میل کند کرمانی گوید راستی جوید امام ع
فرماید با همه کس منصف بود **الانشقاق** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره انشقاق میخواند دلیل کند که در قیامت نامه او را
بدست راست او دهند کرمانی گوید شمار حساب قیامت بروی آسان باشد امام ع فرماید نسل وی بسیار گردد **سورة**
البروج ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره البروج میخواند دلیل کند که در دنیا عمر دراز کند و لیکن عاقبت کار وی نیک
بود کرمانی گوید در آخرت رنج او برنج بوده و ثواب یابد امام ع فرماید از غم فرج یابد **الطارق** ابن سیرین گوید
اگر کسی بیند که سوره الطارق میخواند دلیل کند که او را فرزندی نیکو روی آید کرمانی و امام ع نیز چنین فرمایند **الاعلی**
ابن سیرین اگر کسی بیند که سوره الاعلی میخواند دلیل کند که تسبیح و تهلیل بسیار گوید و بر زبانش ذکر خدای تعالی جاری گردد امام ع
فرماید کارهای دشوار بر وی آسان گردد **الغاشیة** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره الغاشیة میخواند دلیل کند که
از هول قیامت برهد و ایمن شود و توبه کند کرمانی گوید تایب شود و رضای حق جوید امام ع فرماید قدر و محل وی
بزرگ شود و نام او بخیر و خوبی و نیکی در جهان منتشر گردد **الفجر** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره الفجر میخواند دلیل
کند که بکارهای نیکو مشغول شود کرمانی گوید حج اسلام بگذارد امام ع فرماید هیبت و شوکت وی بیشتر شود **البلد** ابن سیرین
اگر کسی بیند که سوره البلد میخواند دلیل کند که صدقه دادن را دوست دارد کرمانی گوید با همه کس خیر و احسان کند امام ع
فرماید حق تعالی او را توفیق دهد بجهت طعام دادن و گرامی داشتن مشفق **والشمس** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که
سوره والشمس میخواند دلیل کند که بر دستش کارها بر آید کرمانی گوید [illegible] امام ع فرماید
از آفات و بلیات ایمن گردد **واللیل** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره واللیل میخواند دلیل کند که [illegible]
و زکوة مال بدهد کرمانی گوید حق تعالی او را توفیق دهد بقیام نمودن شب **والضحی** ابن سیرین اگر کسی بیند که سوره والضحی
میخواند دلیل کند که بخواهندگان چیزی بدهد کرمانی گوید پیوسته با مردم احسان کند امام ع فرماید که یتیمان و غریبان را عزیز
و محترم دارد **الم نشرح** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره الم نشرح میخواند دلیل کند که دشواری بروی آسان گردد امام
فرماید از سختی فرج یابد کرمانی نیز چنین گوید **والتین** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره والتین میخواند دلیل کند که [illegible]

سیرت و خوب کردار باشد کرمانی گوید مال حلال یابد امام ع فرماید مرادهای دو جهان یابد **العلق** ابن سیرین گوید اگر کسی
بیند که سوره العلق میخواند دلیل کند که خط نیکو بر روی هم قرآن روزی کند امام ع فرماید متواضع و نیکو سیرت بود **القدر** ابن سیرین
گوید اگر کسی بیند که سوره القدر میخواند دلیل کند که از دنیا بیرون نرود تا ثواب شب قدر نیابد کرمانی گوید عمرش دراز شود امام ع
فرماید جاه و قدرش عالی گردد **البینة** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره بینة میخواند دلیل کند که با توبه از دنیا برود کرمانی
گوید مردمان را براه راست خواند امام ع نیز چنین فرماید **الزلزلة** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره زلزله میخواند دلیل کند که او را
با کسی کاری افتد که با وی انصاف کند کرمانی گوید مظالم مردمان از گردن بیندازد امام ع فرماید گروهی از اهل کفر و نفاق را
هلاک گرداند **العادیات** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره والعادیات میخواند دلیل کند که [illegible] را دوست دارد
امام ع فرماید غزا کند و بر دشمنان ظفر یابد **القارعة** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره القارعة میخواند دلیل کند که
تا زنده باشد حال وی از کردار نیک گران گردد کرمانی گوید در کار خویش متحیر شود و عاقبت بصلاح باز آید امام ع فرماید نزد
مردمان گرامی باشد **التکاثر** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره تکاثر میخواند دلیل کند که زیارت [illegible]
کند کرمانی گوید او را با قومی دروغگوی کاری افتد سخن وی نشنوند و آخر کار روی ظاهر شود که او حق است و ایشان بر باطل
امام ع فرماید زاهد شود و دوستی مال دنیا بگذارد **والعصر** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره والعصر میخواند دلیل
کند که در کارها صابر بود کرمانی گوید امانتی که در گردن دارد بگذارد امام ع فرماید او را از تجارت خیر و نیکی رسد **سورة**
الهمزة ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره الهمزة میخواند دلیل کند که سخن بسیار گوید و در پیش مردم [illegible] شود کرمانی
گوید در جمع کردن مال حریص بود و از عاقبت نیندیشد امام ع فرماید [illegible] و دشمن را مقهور
گرداند **القریش** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره قریش میخواند دلیل کند که از ترس و بیم ایمن گردد کرمانی گوید با کسی صحبت
دارد [illegible] امام ع فرماید با خلق خدا احسان کند و مردمان او را دوست دارند **الماعون**
ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که سوره ماعون میخواند دلیل کند که نماز تمام کند و بوقت خود بگذارد کرمانی گوید او را
با کسی صحبت افتد که در دین [illegible] باشد و از او باید حذر کند امام ع فرماید بر دشمنان ظفر یابد [illegible]
نیکو از دست وی برآید **الکوثر** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره الکوثر میخواند دلیل کند که مال و نعمت یابد
لیکن فرزندش کم بود کرمانی گوید از بزرگی عطا یابد و دشمن او را [illegible] شود امام ع فرماید خیرات بسیار کند **سورة**
الکافرون ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که سوره الکافرون میخواند دلیل کند که [illegible]

کرنا گوید توفیق خیرات یابد و عزا کند **النصر** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سورة النصر میخواند دلیل کند که بر دشمنان
ظفر یابد کرنا گوید از غم فرج یابد و بمراد برسد امام علیه السلام فرماید اجل وی نزدیک رسیده باشد زیرا که چون این سوره نازل شد
اجل رسول علیه السلام بود **تبت** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره تبت میخواند دلیل کند که مکار و فریبنده بود و از خوف
حق بر خطر باشد کرنا گوید اجر از بلا نرسد و مردم آزار بود **الاخلاص** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره اخلاص
میخواند دلیل کند که در راه دین و توحید یگانه شود و توفیق طاعت یابد کرنا گوید پاک دین و پاک اعتقاد بود امام جعفر صادق
فرماید که مراد و حاجت یابد و عیش بروی خوش گردد **الفلق** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سورة الفلق میخواند دلیل کند
که بروی حاجت کنند لیکن کار کرباشد کرنا گوید از شر حاسدان ایمن گردد و او را مال بسیار حاصل شود امام علیه السلام فرماید
از رنج این جهان فارغ گردد **والناس** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سورة الناس میخواند دلیل کند که حق تعالی او را از چشم
بدان نگاه دارد و اگر بیند که تسبیح یا تکبیر یا تهلیل میخواند دلیل کند که روزی بروی فراخ گردد و عزت و قوت و نصرت و اعدا
کرامت گردد و خواندن و صلوات فرستادن نیز همین تاویل دارد و اگر بیند که لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم
میخواند دلیل کند که او را خواسته بسیار یابد و اگر بیند که قران میخواند یا از قران آیتی روایتی تاویل آن در حرف قاف
بیان خواهد شد والسلام **سوزن** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوزن در دست داشت و بآن چیزی میدوخت دلیل
کند که شغلهای پراکنده وی بهم آید و حاجتش روا گردد کرنا گوید اگر بیند که جامه جدید دوخت احوال وی نیکو گردد و بمراد رسد
و اگر بیند که سوزن گم شد احوال او بد شود و امید وی بر نیاید جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که سوزن بیبی بخشید دلیل کند
که آنکس متفق احوال وی شد و اگر بیند که سوزن بسیار داشت دلیل کند که خرم و شادمان شود و صلاح کار او **سوسمار**
ابن سیرین گوید سوسمار در خواب دلیل بود بر مردی ... خوردن گوشت سوسمار مال و منفعت باشد و اگر بیند
که سوسمار را بگرفت دلیل کند که بر دشمن ظفر رسد و اگر بیند که سوسمار را بکشت دلیل بود که دشمن را مقهور
گرداند و اگر بیند که سوسمار در خانه او آورد دلیل کند که در خانه او مصیبت پیدا شود **سوسن** ابن سیرین گوید
اگر کسی سوسن را بوقت خویش بر درخت بیند که دلیل کند که خبری بوی رسد یا او را فرزندی آید و اگر سوسن را از درخت جدا
چیند دلیل بر غم و اندوه کند که بوی رسد و اگر زنی بیند که سوسن از درخت بکند و بغلام داد دلیل کند که فاحشه گری ...
گوید اگر کسی بیند که کسی دسته سوسن بوی داد دلیل کند که در میان ایشان گفتگوی و خصومت افتد و درخت سوسن
دلیل بر کنیزک ... بود **سوگند** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که براستی سوگند میخورد دلیل کند که از

وی کارهای نیک رود و با امانت باشد و گواهی راست دهد و از انچه بترسد ایمن گردد و اگر بیند که سوگند بدروغ خورد
دلیل کند که خدای تعالی بروی خشم گیرد و از رحمت و جنت بهره نیابد مگر آنکه توبه کند و بخدای تعالی باز گردد کرنا گوید اگر بیند که
سوگند راست خورد او را توبه باید کرد تا از گناه رستگار شود و اگر بیند که سوگند دروغ خورد دلیل کند که دین وی تباه
شود و اگر بیند که سوگند دروغ خورد دلیل کند که دین وی تباه شود جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که سوگند راست خورد او را
از آن هیچ مضرتی نبود دلیل بر منفعت کند و اگر سوگند دروغ خورد تاویلش بد باشد **سوراخ** ابن سیرین گوید اگر کسی
بیند که در کوه سوراخی بود و در آن سوراخ درون شد دلیل کند که از راز پادشاه ایمن گردد و اگر بیند که از سوراخ چیزی
بیرون آورد دلیل کند که از پادشاه بحیله عطا یابد بقدر آنچه بیرون آورده باشد و اگر بیند که در اندام وی سوراخی بود
و از آن خون میرفت دلیل کند که بقدر آن خون وی را زیان رسد و اگر از آن خون نمیرفت زیانش نشود جابر مغربی گوید
اگر کسی بیند که در شکم وی سوراخ بسیار بود دلیل کند که از عیال خود ایمن گردد و اگر بیند که در سنگی سوراخ میکرد دلیل کند
که در سنگ پایدار بود و اگر بیند که درختی را سوراخ میکرد تاویلش بخلاف این بود و معبران گویند اگر آن سوراخ در بالش
نقصان افتد در خبر است که مردی پیش حضرت امیر المؤمنین علیه السلام آمد و گفت بخواب دیدم که از سوراخی کوچک گاوی بزرگ
بیرون آمد هر چند گاو خواست که بجای خود رود نتوانست آنحضرت فرمود چنانکه سوراخ دهن است آن گاو سخن و چون سخن
گفته شود و از دهان نتواند شد **سوهان** چنانکه سوهان در حرف سین بیان خواهد شد **سیب** ابن سیرین گوید سیب
در خواب دیدن چون گونه سبز باشد فرزند بود و چون سرخ باشد منفعت بود از جانب پادشاه و چون سپید بود منفعت
باشد از بازرگان و چون زرد بود و طعم ترش باشد رنج و بیماری بود و اگر بیند که سیب سپید را بدو نیم کرد دلیل
کند که با کسی شرکت دارد و جدا شود و اگر بیند که سیب سرخ را از درخت بچید و بخورد دلیل کند که او را فرزندی
حاصل شود کرنا گوید سیب در خواب چیز بود از خاصیتی که دارد و اگر سیب ترش بیند چیز ناخوش شنود و اسماعیل گوید
سیب در خواب همت بیننده باشد در علم و شغل و اگر پادشاه سیب در خواب بیند تاویلش مملکت باشد و اگر بازرگان بیند تاویلش تجارت
وی باشد و اگر بیند که سیب میخورد دلیل کند که او را بقدر آنکه خورد همت باشد در آن شغل که هست امام علیه السلام فرماید دیدن سیب
در خواب بر هفت وجه بود یکم فرزند دوم منفعت سیم بیماری چهارم کنیزک پنجم مال ششم فرا زدن هفتم همت
بیننده و چیز از غایب **سیر** ابن سیرین گوید سیر در خواب مال حرام باشد کرنا گوید سخن زشت و ناخوش بود که شنود
و اگر بیند که سیر پخته میخورد دلیل کند که از سخن زشت توبه کند جابر مغربی گوید سیر در خواب رنج و گریستن بود امام علیه السلام فرماید

دیدن سیر در خواب بر پنج وجه باشد یکی مال حرام دویم سخن زشت سیم غم و اندوه چهارم گریستن پنجم سختی دیدن

سیری ابن سیرین گوید سیری از آب در خواب بهتر از تشنگی باشد و سیری از نان بهتر از گرسنگی اگر کسی خود را در خواب سیر بیند دلیل کند که بی نیاز شود و لیکن دین وی سست و ضعیف باشد و اگر خویشتن را گرسنه و ضعیف بیند دلیل کند که معصیت کناه کند کرمانی گوید بهتر آنست که خود را بهمه اعتدال بیند

سیل بدانکه سیل بتازی آب روانست ابن سیرین گوید سیل در تاویل دشمن بود بزرگ یا پادشاهی ظالم و اگر بیند که بسیل در کوشش بود دلیل کند که با دشمن در کوشش بود و اگر بیند که سیل را از خود دفع کرد دلیل کند که بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که سیل بکوی یا بخانه کسی بگذشت دلیل کند بر هلاک اهل آن خانه و خراب شدن آن جا بر معبران گویند اگر کسی جای را پر از سیل بیند دلیل کند که خدای تعالی در آنجا یا بر آن قوم ... علیهم الطوفان و الجراد و القمل و بعضی از معبران گویند که چون بیند که سیل در موضعی خراب کرد دلیل کند که مردم آنجا را بلا و رنج از پادشاه رسد ... و ... امام جعفر صادق فرماید دیدن سیل در خواب چهار وجه بود یکی دشمن بزرگ دویم پادشاه ستمگر سیم لشکر غالب چهارم بلا و فتنه و سختی

سیماب ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که از جای که معدن سیماب است در وی شد و سیماب بیرون آورد دلیل کند که او را رنج و زیان رسد و اگر سیماب را بخورد حقیقت بر بحث ... کسی را دلیل کند که از مکر و حیلت ایمن شود جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که در جوی سیماب در وی ... دلیل کند که زنان با مکر و حیلت ... کنند

سیم ابن سیرین گوید بسیار مردم باشند که در خواب سیم بینند و در بیداری همان بینند و بسیار باشد که در خواب سیم بینند و در بیداری غم و اندوه با ایشان رسد زیرا که تعبیر سیم بر گردد و کرمانی گوید سیم درست در خواب چیز درست باشد و سیم شکسته چیز دروغ و اگر بیند که کسی او را سیم ... دلیل کند که کسی ... حضرت فرماید اگر کسی بیند که کاسه از سیم ... دلیل کند ... اگر درست بود و اگر شکسته ... جمع کردن باشد و اگر بیند که از زنان متاع چیزی بکسی بخشید دلیل کند که بقدر آن از مال ... کند و اگر بیند که ... سیم که ... از معدن ... فرا گرفت دلیل کند که ...

سیمرغ ابن سیرین گوید سیمرغ در خواب مردی بزرگوار ... بود و سیمرغ ماده ... کنیزک بود با جمال اگر کسی بیند که سیمرغ او را برد دلیل کند که وزیر پادشاه شود و اگر بیند که سیمرغ با وی سخن گفت دلیل کند که کار وی بالا گیرد و اگر بیند که با سیمرغ جنگ ... دلیل کند که با مردی بزرگ جنگ و خصومت کند و اگر بیند که گوشت سیمرغ میخورد دلیل کند که بقدر آن مال از مردی بزرگ ... اگر کسی بیند که سیمرغ ماده را گرفت دلیل کند که دوشیزه دختری ... و اگر بیند که سیمرغ از دست او بپرید دلیل کند که زن را طلاق دهد

و اگر بیند که بچه سیمرغ فرا گرفت دلیل کند که او را فرزندی آید با شکوه جابر مغربی گوید سیمرغ در خواب پادشاه بود و اگر بیند که سیمرغ فرا گرفت دلیل کند که در پناه پادشاهی بزرگ شود و هر نقش عجیبی که در سیمرغ بیند در تاویل آن پادشاه بود امام جعفر صادق فرماید دیدن سیمرغ در خواب بر چهار وجه بود یکی مردی بزرگ دویم پادشاه سیم ولایت چهارم زن با جمال اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که سیمرغ وی را بگرفت دلیل کند که پادشاه یا مردی بزرگ وی را مضرت رساند و اگر بیند که سیمرغ را برداشت از زن پادشاه و یا از مرد بزرگ منفعت رسد و اگر بیند که بچه سیمرغ فرا گرفت دلیل مال خواسته بود از پادشاه یا از مردی بزرگ

سینه ابن سیرین گوید اصل سینه در قرآن شریعت بود و افق بر ... آن شرح صدره للاسلام اگر کسی بیند که سینه وی فراخ شد دلیل کند که کارهای وی گشاده شود و اگر بیند که سینه وی تنگ شد دلیل کند که در دین وی خلل افتد و اگر بیند که بر سینه وی خطی سبز کشیده یا نوشته بود دلیل کند که حق تعالی چیزی وی را کرامت بخشیده اگر بیند که خطی کبود نوشته بود یا سیاه دلیل کند که در دین وی خلل افتد و ... شهادت ببرد و اگر بیند که از سینه وی موی سترده بود دلیل کند که وامش گزارده شود کرمانی گوید اگر کسی بیند که سینه وی گرفته بود چنانکه دم برنیامد دلیل کند که کارهای جهان بر وی تنگ شود و عمل صالح کند و اگر بیند که سینه وی گشاده بود دلیل کند که کار دین وی گشاده گردد و اگر سینه را گرم بیند دیگر اندامهای را سرد دلیل کند که با خویشان و متعلقان خود مهربان باشد جابر مغربی گوید سینه در خواب بردباری علم و حکمت بود و اگر چنانچه سینه را فراخ و گشاده بیند تاویلش نیک باشد و اگر سینه را تنگ بیند بد باشد و بعضی گفته اند اگر کافری در خواب سینه خود را فراخ بیند دلیل کند که مسلمان شود امام جعفر صادق فرماید دیدن سینه در خواب بر هفت وجه است یکی علم و حکمت دویم سخاوت سیم ایمان چهارم کفر پنجم امان از فتنه ششم رنگ هفتم بخل

در تعبیر چیزهایی که اول آنها شین است شاخها ابن سیرین گوید دیدن شاخهای درخت در خواب دلیل بر برادران و فرزندان بود و اگر شاخهای درخت خود را انبوه و بسیار بیند دلیل کند که خویشان و اهل بیت وی بسیار شود و اگر بیند که شاخی از درخت خود ببرید دلیل کند که یکی از اهل بیت خود را اندوه گین کند و اگر بیند که شاخ درخت وی خشک بود یکی از خویشان وی هلاک شود و اگر شاخ درخت دیگران بیند تاویلش بخداوند درخت باز گردد و اگر بیند که کسی شاخ درخت خرما بوی او داد دلیل کند که او را فرزندی آید و اگر بیند که از آن شاخ درخت چیزی بخورد دلیل کند که بقدر مال فرزند چیزی بخورد و شرح هر درختی در حرف خود بیان شد

شادروان ابن سیرین گوید که شادروان در خواب زن مرد بود و اگر بیند که شادروانی فراخ از بهر وی گسترده اند دلیل کند که بقدر بزرگی آن عیش و عمر او زیادت شود و اگر بیند که شادروان از بهر در جایگاهی بیگانه گسترده اند که جایگاه خودش در وان کم است دلیل کند که احوال بر وی تغیر گردد و در غربت بمیرد و اگر

شادروان کوچک بیند اندک روزی بود و عمر غمناک شدن باشد و اگر جوزا و شادروان شکسته بیند تاویلش نقصان معیشت
بود و اگر بیند که بر شادروان صورت مردی نگاشته بود و افزون است خاصه العضو ریاست کرمانی گفت دلیل بر منزلگاهی کند و افزون
بر روغ ستایش کند و اگر بیند که شادروان لیسی او تاویلش بر خطر باشد و اینال فرماید اگر شادروان گسترده بیند دلیل بر درازی
عمر و ساختگی کار دنیا کند و هر چند شادروان بزرگتر بیند تاویلش بهتر باشد و اگر بیند که شادروان بر پشت نهاده میبرد دلیل
کند که بسیار بر او جمع شود و اگر بیند که شادروان بر گردن نهاد دلیل کند که مردمان بر وی جمع شوند جابر مغربی گوید اگر بیند که
شادروان [illegible] کند و دریده بود دلیل کند که رنج بر وی رسد و اگر شادروان از ابریشم بیند دلیل کند که از پیش بشغل
مشغول گردد و اگر سیاه و کبود بیند دلیل بر غم و اندوه کند و اگر گونه زرد بیند دلیل بر بیماری و رنج کند و اگر گونه سپید بیند دلیل
بر صحت و روزی [illegible] گوید اگر بیند که بجای مجهول افکنده بود دلیل کند که آنچه دارد از دست وی برود و اگر بیند که شادروان
بزرگ پیش وی افکنده بود دلیل بر دولت و نعمت کند و اگر بیند که در خانه مجهول شادروان گسترده بود دلیل کند که بسفر رود و نعمت
بسیار حاصل کند امام فرماید دیدن شادروان در خواب چون گسترده بیند بر چهار وجه باشد یکی روزی حلال دوم عز و رازی
سیم نعمت چهارم معیشت و اگر شادروان را نوشته بیند تاویلش بخلاف این باشد **شادی** ابن سیرین گوید شادی در خواب غم
و اندوه باشد و اگر بیند که از کسی شاد و خرم شد دلیل کند که از آن کس غم و اندوه بوی رسد و اگر کسی مرده را بخواب شادمان بیند دلیل
کند که حالش نیکو بود امام فرماید اگر کسی بعیبی خود را شادمان بیند دلیل کند که اجل وی نزدیک آمده باشد **شانه** ابن سیرین گوید
شانه در خواب مردی بود که او را حسب و نسب بود و در دین او نفاق باشد و اگر بیند که سر و ریش را شانه میکرد دلیل کند که از
غمها فرج یابد و اگر وام دارد وامش گزارده شود و بمراد رسد کرمانی گوید اگر کسی بیند که ریش را شانه میکرد و موی چون می کند
دلیل کند که زکوة مال بدهد جابر مغربی گوید شانه در خواب یار موافق باشد در کار خیر و سنت و شریعت اما موی شانه کردن دلیل
باشد و قوت و شانه تراشیدن دلیل بر کسی کند که غم و اندوه از دل ببرد و بعضی گفته اند مردم خوبروی بیند که از دیدار او چشم روشن شود
شاهین ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که شاهین بگرفت دلیل کند که او را فرزندی آید و اگر شاهین مطیع بود و اگر شود
[illegible] که شاهین را در خواب [illegible] بسیار داشت و اگر کسی بیند که شاهین فرا گرفت دلیل کند که او را
[illegible] امام جعفر صادق گوید دیدن شاهین در خواب بر چهار وجه باشد یکی قدرت دوم منزلت
سیم مال و نعمت چهارم فرزند باشد **شب** ابن سیرین گوید اگر کسی شب را تیره و تاریک بیند دلیل بر غم و اندوه کند و اگر شب را روشن
بیند دلیل بر شادی و خرمی کند کرمانی گوید اگر بیند که شب بشد و راه بر وی مشکل شد و جهت راه [illegible] دلیل [illegible] کند

شبان ابن سیرین گوید شبانی کردن در خواب تاویلش بر جنس حیوان بر گردد مثلا اگر بیند که شبانی اسب میکرد دلیل
بر بزرگان ولایت کند و شبانی خر دلیل بر [illegible] کند و شبانی گوسفند دلیل بر [illegible] کند کرمانی گوید اگر کسی بیند که شبانی میکرد
و اگر گوسفندی از گله وی ببرد دلیل کند که پادشاه [illegible] را خراب کند و احوال رعیت را تباه کند و اینال فرماید شبانی
کردن در خواب دلیل کند که بر قدر آن گوسفندان که شبانی میکرد بر قومی فرمان روا باشد و اگر بیند که شبانی چیزی ابی بداد
دلیل کند بر قدر آن بر بزرگی وی چیز آید و اگر بیند که شبانی [illegible] دلیل کند که بر قومی امیر شود حضرت امام فرماید شبان
در خواب مردی بود شایسته و [illegible] و حافظ مالهای مردم چنانکه صواب کارهای هر کس باز ماند **شب باز** جابر مغربی گوید شب باز در خواب خیالی
باشد و [illegible] ابن سیرین گوید شب بازی کردن در خواب لهو و لعب بود و سخن دروغ و محال اگر بیند که شب بازی میکرد دلیل
کند که بباطل و دروغ فریفته شود و اگر بیند که شب بازی پیش وی شب بازی میکرد دلیل کند که بباطل و دروغ دنیا [illegible] و اگر
بیند که شب بازی [illegible] و جنگ [illegible] دلیل بر غم و اندوه و مصیبت کند **شب پره** ابن سیرین گوید شب پره در خواب
دلیل کند بر مردم گمراه و محروم و اگر بیند که شب پره داشت با کسی [illegible] دلیل کند که با کسی گمراه و محروم وی را صحبت افتد و اگر
بیند که گوشت شب پره بخورد دلیل کند که از آن کس هیچ منفعت بوی نرسد جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که شب پره از دست
وی بپرید دلیل کند که از صحبت چنین مردی جدا شود و صلاح او در آن باشد و علی الجمله دیدن شب پره هیچ خیر و منفعت
نبود **شپش** ابن سیرین گوید شپش در خواب عیال بود که زر و سیم وی خورند و اگر بیند که بر تن وی شپش بود دلیل کند
که وی را مال و حشم بسیار باشد جابر مغربی گوید که شپش که بیگانه بود دشمن ضعیف باشد و اگر بیند که شپش بیگانه وی را گزید دلیل کند
که از دشمن ضعیف رنجی بوی رسد که او را خوش نیاید و اگر بیند که شپش را بکشت دلیل کند که دشمن را قهر کند و اگر بیند که
شپش بسیار بر تن وی جمع شد و او را میگزید دلیل کند که در زبان مردم عام افتد یا او را از جهت مال مضرت رسد
زیرا که شپش خون کند و خون مال باشد **شپشه** جابر مغربی گوید شپشه جانوری بود که در تابستان در پوستین و جامه پشمین افتد
و او را تباه کند ابن سیرین گوید دیدن وی در خواب همسایه دزد باشد که چیزی اندک دزدد و اگر بیند که شپشه جامه وی را بخورد
دلیل کند که دزد از مال وی چیزی ببرد و اگر بیند که شپشه را بگرفت دلیل کند که دزد را بگیرد و اگر کسی بیند که شپشه [illegible] دلیل کند
که [illegible] و علی الجمله دیدن شپشه هیچ منفعتی نباشد خاصه که گونه سیاه و کبود بیند و بعضی از
معبران گویند شپشه سبز یا سپید اگر بیند دلیل بر شادی و خرمی کند **شتافتن** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که بکاری می شتافت
دلیل کند که در آن کار [illegible] پشیمان شود و اگر بیند که از آن کار پشیمان شد در آن کار شتاب کند جابر مغربی گوید

شتاب کردن و بخواب دیدن اسپ داری در تک کردن نیکو بود و در تک کردن در کارها شتافتن باشد **شراب** ابن سیرین گوید
شرابی که بطعم شیرین بود و بوی خوش چون شراب سیب و انار این جمله رزق حلال بود و باشد یکی زن پاک دوم منفعت سیم علم
سنه چهارم عمر دراز پنجم عیش ششم ذکر حق تعالی اما شرابها که بطعم ترش باشد و بوی معتدل چون شراب لیمو و غیر آن خوش بود
و بنفشه و شراب گل اینها در خواب دیدن دلیل بر ذکر خیر و نام نیکو و ستایش کند بر قدر خوردن آن جابر مغربی گوید اگر بیند
که در خواب از بهر دارو خورد تا در عیش خیر و معرفت جنبی بود و آنچه نه از بهر دارو خورد دلیل بر منفعت دنیا کند و شرابهای
ترش و ناخوش دلیل بر غم و اندوه کند **شرم** ابن سیرین گوید شرم از ایمان بود که رسول ع فرمود الحیاء من الایمان جابر
مغربی گوید شرم داشتن از چیزی که در آن خیر و صلاح بود دلیل بر زیادتی مال و ایمان باشد و شرم داشتن از کاری
که در آن فساد بود دلیل بر نقصان ایمان کند **شستن** ابن سیرین گوید شستن سر در آب جوی و حوض و دریا جمله
دلیل بود بر نجات از غم و خلاص از اندوه اما اگر بخواب مجوسی بیند دلیل کند که از حبس رهایی یابد و اگر بیند که تن را از
جنابت شست دلیل کند که کارش تمام نشود کرمانی گوید اگر کسی بیند که مرده خود را می شست دلیل کند که او و خویشان او از غم رسته
شوند و اگر بیند که خود را با آب شوری می شست دلیل کند که رنج و الم بوی رسد و اگر بیند که جامه خواب می شست همین دلیل کند
و اگر بیند که جامه پاک را با آب چرکن می شست دلیل کند بر تباهی و فساد دین وی و اگر بیند که مرده جامه او را بسر دشمن شست
دلیل بر چهار وجه کند یکی توبه دوم عافیت از بیماری سیم خلاص از زندان چهارم ایمنی از ترس و هم شستن با آب گرم
دلیل بر غم و بیماری کند و دست و پای شستن در خواب بر هفت وجه بود یکی حصول مراد دوم شفا از بیماری سیم ایمنی از ...
چهارم حج پنجم فرج از غم ششم ایمنی از ترس هفتم دین پاک و حاجت روا شدن **شطرنج** در خواب بهتان و سخن
دروغ باشد و اگر بیند که شطرنج می باخت دلیل کند که بباطل کسی را غلبه کند و اگر بیند که خصم وی را غلبه کرد دلیل کند که بباطل
کسی وی را غلبه کند و اگر بیند و کسی تماشا میکند دلیل کند در چیزی که در آن خیر نباشد در خبر است از رسول ع که فرمود من لعب بالنرد
والشطرنج فقد عصی الله و رسوله کرمانی گوید اگر بیند که شطرنج نهاده بود و کسی با وی بازی میکرد دلیل کند که با کسی جنگ و جدل کند
و علی الجمله در دیدن شطرنج هیچ خیر و منفعت نباشد **شعر گفتن** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که مدح و ثنا یا هجای کسی گفت
دلیل بر سخن باطل و دروغ کند و اگر چنانچه از توحید یا نعت یا قصیده مدح حضرت امیر ع خواند پسندیده و نیک باشد اگر بیند
که بیت شاعری که در مدح و غزل گوید دلیل آن نه خوب باشد و شعری که توحید و تحقیق آیات خواند تاویلش دروغ زن
باشد **شغال** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که با شغال جنگ و نبرد میکرد دلیل کند که با خویشان و نزدیکان خود در جنگ

افتد و اگر بیند که در طلب شغال متحیر گشت و او را نتوانست گرفت دلیل بر بیماری کند و اگر بیند که شغال خود را بروی میانداخت
دلیل کند که وی را از بوی آدمی ترسی هم افتد و اگر بیند که شغال با وی بازی میکرد دلیل کند که زنی وی را دوست دارد و عاشق
وی شود و اگر بیند که شغال از وی بگریخت دلیل کند که وام دار از وی بگریزد و اگر بیند که شیر شغال میخورد دلیل کند که بیمار
شود و زود صحت یابد و اگر غمگین و وامدار بود و درویش گردد ... شود و اگر بیند که گوشت شغال میخورد دلیل کند که از دشمن
مال حرام بوی رسد و موی و پوست و استخوان وی همه در خواب مال باشد **شفتالو** ابن سیرین گوید شفتالو در خواب
بیماری بود و چون بوقت بیند آسان تر است کرمانی گوید اگر کسی بیند که شفتالو بوقت میخورد دلیل کند که وی را چیز و روزی
رسد و اگر بیند که شفتالو از درخت جمع میکرد دلیل کند که از مردی بزرگ وی را چیز و منفعت رسد جابر مغربی گوید
شفتالو در خواب بر پنج وجه بود یکی کنیزک دوم پسر سیم علت چهارم مال پنجم منفعت از قبل مردم غایب و اگر بیند که خشک شفتالو
بشکست و بخورد و تلخ بود دلیل بر غم و اندوه کند و اگر خشک و شیرین بود دلیل کند که از مردی با اصل بقدر آن منفعت یابد
شکار کردن ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که گوسفند کوهی یا گاو کوهی یا خر گور و مانند آن شکار میکرد و گوشت وی میخورد
یا کسی را گوشت این جانوران بوی داد دلیل کند که او را به قدر آن غنیمتی حاصل شود و اگر بیند که از پوست آن شکار چیزی بوی داد دلیل نیکو
بود کرمانی گوید که شکار کردن که شکار بدام گیرد دلیل کند که او را عطایی باشد و چیزی حاصل کند بحیله و مکر جابر مغربی گوید شکار
گیر در خواب جوینده معاش بود که بمکر و حیله چیزی از مردمان بگیرد و اسب نر بستن نیکو بود و علی الجمله در دیدن شکار
خیر چندان نباشد **شکر** ابن سیرین گوید پاره شکر در خواب سخن لطیف نیکو باشد یا بوسه کسی بود و چون فرزند و برادر
و دوست و اگر شکر بسیار در خواب بیند مال از روزی حلال باشد جابر مغربی گوید شکر بسیار فروختن و خریدن در
خواب کردن نیکو بود امام جعفر صادق ع فرماید که دیدن شکر بر پنج وجه باشد یکی سخن لطیف دوم بوسه دادن سیم منفعت چهارم
فرزندان پنجم مال بود **شکر خدا** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که شکر باری تعالی میکرد دلیل بر راستی و پاکی دین وی بود و افزونی
جاه و مال و اگر خداوند خواب پادشاه باشد دلیل بر زیادتی مملکت کند و اگر عالم بود دلیل بر زیادتی فضل و علم وی کند
و اگر بنده بیند دلیل بر آزادی وی کند و اگر بیمار بود دلیل بر شفا یافتن وی کند و اگر محبوس باشد دلیل بر خلاص شدن
وی کند و بر این قیاس باید کرد و اگر بیند که شکر مخلوق میکرد تاویلش بخلاف این بود و همچنین معبران دیگر چنین گفته‌اند
شکستن ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که چیزی بشکست دلیل کند که زیانی بوی رسد و اگر آن چیز که شکست از آن
کسی دیگر بود تاویلش بخداوند خواب باز گردد و اگر بیند که اندامی از او بشکست دلیل بر غم و مصیبت کند بجهت خویشان وی کم

شفتالوی شیرین چون زرد نباشد و بوقت خورد
بیند دلیل بر کنیزک باشد یا مالی که بوی رسد انشاء الله تعالی
ح

متعلق بدان اندام دارد و اگر بیند که چیزی از آلات ملاهی چون چنگ و رباب و طنبور و نای بشکست تاویلش نیکو باشد
و هر چیزی که در آن معصیت ایزد و دنیائی باشد نیکو بود **شکم** بدانکه شکم را در تاویل بر سه قول است و ابن
فرماید شکم از ظاهر و باطن مال بود و ابن سیرین گوید فرزند بود کرمانی گوید شکم در خواب خویش و مند بود و اگر بیند که شکم وی
کوچک شده بود و از پوست وی چیزی نقصان شده دلیل بر مال نقصان و فرزندان کند و اگر بیند که هر چه در شکم وی بود
بیرون آورده و باز آنرا در شکم نهاده و حال وی نیکو شده دلیل کند که حاجتهای محمود باشد و هر مقصود که دارد بیابد و اگر
مردی بیند که فرزندی از شکم وی بیرون آمد دلیل کند که از نسل وی کسی بیرون آید که حشمت و جاه بر اهل او بیفزاید
اگر آن فرزند دختر باشد و اگر خنثی آن فرزند پسر باشد این تاویل که گفتیم مردان خاصه را باشد جابر مغربی گوید اگر کسی شکم خود را آماسیده
بیند دلیل کند که او را مال بسیار حاصل شود و اگر شکم خود را شکافته بیند دلیل کند که او را غم و مصیبتی رسد و اگر بیند که بر شکم وی
موی رسته بود دلیل کند که او را وام بسیار از جهت عیال حاصل آید و اگر موی شکم را بسترده بیند از غم فرج یابد و وام وی گزارده
شود و اگر در شکم موی اندک بیند دلیل کند که در کار دنیا حریص شود اسمعیل اشعث گوید اگر کسی بیند که در شکم وی سوراخی بود دلیل
که از عیال خود ناایمن بود و اگر بیند که کرمان آن شکم وی میخوردند دلیل کند که عیالان او مال وی خورند حضرت امام فرماید
دیدن شکم در خواب بر چهار وجه باشد یکی جای علم دوم خزینه سیم عیش چهارم فرزند و ابجد در شکم بود از سعده و هر آنچ ... باشد
شکنبه ابن سیرین گوید شکنبه هر جانوری که گوشت او حلال بود چون شسته و پاکیزه بود دلیل بر مال حلال کند و اگر نشسته را
پر از سرگین بیند دلیل بر مال حلال حرام کند و اگر بیند که شکنبه پخته میخورد خیر و نیکی و منفعت بیند **شکنجه** ابن سیرین گوید شکنجه
کردن در خواب خواری و بیچارگی باشد اگر کسی بیند که یکی را چشم دوم شکنجه میکرد دلیل کند که او را در پیش مردمان ذلیل و خوار کند
و اگر بیند که الم و درد بدو رسید دلیل کند که در بیداری او را رنج و الم رسد و اگر بیند که او را از آن شکنجه درد و الم نرسید تاویلش
بخلاف این باشد جابر مغربی گوید اگر کسی بیند پادشاه وی را شکنجه میکرد دلیل کند که او را از پادشاه رنج و گزند رسد
و فی الجمله در دیدن شکنجه هیچ خیر و منفعت نباشد **شکوفه** بدانکه شکوفه در خواب بوقت خود بهتر باشد و شکوفه بر درختان
سبز نیکوتر باشد و سپید بهتر از زرد باشد و دیدن شکوفه گلنار در خواب عروسی بود یا کنیزکی خوبروی و شکوفه درخت زرد آلو
و امرود و به و مانند آن اگر شکوفه در خواب سخن لطیف باشد بقدر کوتاهی آن شکوفه و بلندی و کوتاهی اندر حق ... گوید
اگر کسی بیند که شکوفه بوقت خود میخورد دلیل کند که از مردمان که با درخت نسبت دارند سخنی لطیف بشنود و ...
خیر و منفعت بیند و اگر بیند که شکوفه را میبوسید دلیل کند که مردمان وی را مدح و ثنا گویند **شل شدن** اگر کسی بیند که اعضای

از اندامهای

از اندامهای وی شل شده و خود را در گنج خانه افکنده و نتوانست برخاست دلیل کند که از کارهای بد توبه کند و کشف خود از
مردمان باز دارد و اگر بیند که مردمان او را معاینه و بد مرد خوانند تاویلش بخلاف این باشد جابر مغربی گوید اگر بیند که
اندامی از اندامهای وی شل شده بود دلیل کند که از خویشان وی کسی را که بدان اندام تعلق دارد رنج و آفت رسد
شلغم ابن سیرین گوید شلغم در خواب غم و اندوه باشد و شلغم پخته بهتر از خام بود و اگر بیند که شلغم را بیرون ... با کسی
داد یا از خانه بیرون افکند دلیل کند که از غم و اندوه رسته گردد **شلوار** ابن سیرین گوید شلوار در خواب کنیزکی عجمی
یا زن دوم باشد اگر بیند که شلواری نو خرید یا کسی بوی داد دلیل کند که او را کنیزکی عجمی یا زنی دوم حاصل شود و اگر زنی
بیند که شلوار تنگ پوشیده بود و مانند شلوار کشتی گیران یا بجای آن میان بند داشت دلیل کند که اگر شوهر ندارد شوهر
شوهر کند و اگر در شلوار وی مار یا کژدم بود دشمن بود که با اهل وی فساد کند کرمانی گوید شلوار در خواب خادم بود
و هر نیک و بد که در شلوار بیند تاویل آن خادم وی را باشد و اگر بیند که شلوار سیاه یا چرکین در پای داشت یا سوخته و قطران
آلوده بود و از وی بوی ناخوش آید دلیل کند که بعقوبت حق تعالی گرفتار شود و قوله تعالی سرابیلهم من قطران وتغشی وجوههم النار
و اگر بیند که شلوار سرخ در پای داشت دلیل بر حرمتی باشد و اگر شلوار زرد بیند دلیل بر بیماری کند و اگر سبز باشد
مردمان وی را اطاعت کنند و شلوار رنگین زنانرا ~~نیکو باشد جابر مغربی گوید~~ شلوار زنان سبز و سپید بهتر باشد و اگر بیند که
شلوار او بسوخت خادم یا کنیزک او وفات یابد و اگر بیند که شلوار گم کرد یا بدزدیدند خادم یا کنیزک وی بگریزد و اگر
مردی بیند که شلوار زن در پای داشت دلیل کند که او را از زنی خواری رسد امام جعفر صادق ع فرماید دیدن شلوار
در خواب بر سه وجه باشد یکی زن دوم کنیزک سیم خادم خانه **شمشیر** دانیال ع گوید شمشیر در خواب که در نیام بود
بتاویل زن باشد و نیام ... آراسته و اگر بیند که شمشیر در نیام بشکست فرزندش در شکم مادر تباه شود و مادرش
بسلامت بماند و اگر بیند که شمشیر برهنه در دست داشت و بالا برد تا بر کسی زند دلیل بر سخنی اندیشناک باشد
که بکسی بگوید و اگر بیند که کسی شمشیر بزد و شمشیر را رها کرد دلیل کند که زبان مردم در حق آنکس گشاده شود بکاری
و اگر بیند که شمشیر بکسی بزد و کارگر نشد دلیل کند که آن سخن کارگر نباشد و اگر بیند که شمشیر بر اندام کسی زد و از یکدیگر
جدا نشد دلیل کند که آنکس که زخم خورد نسلش منقطع شود و اگر بیند که شمشیر حمایل در گردن داشت دلیل کند که ولایتی
... ولایت بوی سپارند و اگر بیند که شمشیر بر زمین بکشید دلیل کند که ضعیف شود و از احتمال آن ولایت که در گردن
وی سپارند و اگر بیند که حمایل شمشیر کوتاه بود دلیل کند که از آن ولایت که بوی سپارند نقل کند و اگر بیند که کسی برا

شمشیرهای بسیار دارد دلیل کند که توانگر شود و اگر بیند که کسی را شمشیر زد و از بدن وی خون روان گشت و جامه زننده
خون آلود گشت دلیل کند که آنکه زخم خورده شب با یکناه غم و اگر جامه زننده خون آلود نشد دلیل کند که مال حرام یابد و بعضی
معبران گویند که جامه آنکس که زخم خورد خون آلود گشت دلیل کند که او را تهمت کنند بمال حرام و اگر بیند که شمشیر او را کسی بستد
دلیل کند که عملی که دارد از او باز ستانند و اگر بیند که شمشیر زرین داشت دلیل کند که از آن منفعت بسیار یابد و اگر شمشیر
سیمین داشت او را از مهتری منفعت رسد و اگر شمشیر را آهنین بیند دلیل کند که کار او قوی گردد و اگر شمشیر را از
مس یا برنج بیند تا و بیش بد باشد و اگر شمشیر را از سرب یا ارزیز بیند دلیل کند که از کسی بی اصل منفعت یابد و اگر بیند که
بلور بود و از زنان بزرگ چیز و منفعت یابد و اگر از مروارید بیند دلیل کند که از عمل و اهل [illegible] قوت یابد و اگر بیند که
شمشیرش شکسته بود دلیل کند که کلی از اهل بیت وی بمیرد و اگر بیند که شمشیر بر میان بسته بود دلیل کند که بخدمت کسی
مشغول گردد و همین اشعث گوید اگر بیند که دو شمشیر در دست داشت دلیل کند که دو جانب عمل گیرد و اگر بیند که شمشیر او را
دو روی بود دلیل کند که حاجت وی روا گردد و اگر بیند که شمشیر تا چوبی داشت دلیل کند که شغل وی با نفاذ بود و اگر بیند
که پادشاه شمشیر بدستهای داد دلیل کند که از پادشاه او را قوت حضرت [illegible] و بعضی از معبران گویند او را فرزندی آید
و اگر بیند که شمشیر وی چون آینه سپید درخشید دلیل کند که از مهتری حرمت او افزایش یابد امام جعفر صادق ع فرماید دیدن شمشیر در
خواب بر پنج وجه باشد یکی فرزند دوم ولایت سیم حجت چهارم منفعت پنجم ظفر یافتن و شمشیر کردن در خواب برای او نافع و
زبان **شمع** ابن سیرین گوید شمع در خواب دولت و عزت و فراخی نعمت بود و اگر بیند که شمع افروخته بخانه خود نهاد و نور او
همه خانه را ازو روشن بود دلیل کند که در آن سال وزنی و نعمت بلای فراخ گردد و بعضی از معبران گویند وی را عیال موافق و با جمال
باشد و اگر بیند که شمع با شمعدان بوی دادند دلیل کند که از قبیله بزرگ زن خواهد و اگر شمعدان سیمین بیند دلیل کند که زن از
اصل نیکو باشد و اگر بیند که زرین بود زن از خانه نزدیکان پادشاه خواهد و اگر شمعدان را از سرب یا ارزیز بیند دلیل کند که زن وی
از مردم عامه باشد کرمانی گوید اگر کسی بیند که شمع افروخته در دست داشت دلیل کند که حالش به شود و اگر زن دارد زنش پسر زاید و اگر بیند
کسی شمع از دست او بکشت دلیل کند که کسی بروی حسد برد و اگر بیند که شمعی که در دست داشت کشته شد در عزت او
نقصان شود دانیال ع فرماید اگر کسی بیند که شمع افروخته در دست داشت یا در خانه او افروخته بود دلیل کند که اگر زن دارد او را پسر آید
و اگر زن ندارد کنیزکی بخرد و اگر غایب دارد بسلامت باز آید و اگر در جاهای خود شمع افروخته بسیار بیند دلیل کند که پادشاه داد
گر باشد و قاضی منصف نشیند زاهد شود و شادی و خرمی در شهر بسیار بود و اگر در مسجد یا مدرسه شمعها بیند دلیل کند که مردمان

افزون شد بطاعت و تعلیم علم مشغول باشند امام ع فرماید دیدن شمع در خواب بر چهارده وجه باشد یکی پادشاه دویم حاکم سیم
فرزند چهارم عروس پنجم فرمان روا ششم مهتری هفتم سرای هشتم شادی نهم علم دهم توانگری یازدهم عیش خوش دوازدهم
کنیزک سیزدهم زن چهاردهم دلیل باشد بر آنکه بیند **شناه** ابن سیرین گوید شناه کردن در آب صاف ملک بخت
باشد و تدبیر از برای خویش اگر بیند که در آب صافی بوقت شنا کردن غرق شد دلیل کند که در دولت دنیا غرق شود کرمانی
گوید اگر بیند که در دریا شنا میکرد و بکنار نتوانست آمد دلیل کند که بازداشته شود و اگر بیند که شنا کردن بروی آسان
بود کار بر وی آسان شود و اگر دشوار بود کار بروی دشوار گردد و اگر آب را کناره بیند و در آنجا دیر بماند زود خلاص
یابد و اگر بیند که آب خشک گردد و در آن میان بمرد دلیل کند که در شغل دنیا غرقه شود و اگر بیند که از غرقه شدن خلاص شد
از شغلهای دنیا خلاصی یابد و بکار آخرت گراید و اگر بیند که آب او را بر زمین فرو برد دلیل کند که او را غمی سخت پیش آید
و اگر بیند که از زیر آب بر آمد دلیل کند که از غم فرج یابد جابر مغربی گوید اگر بیند که از دریا بیرون آمد و جامه پوشید
دلیل کند که از شغل پادشاه خود خلاص شود و اگر بخلاف این بیند دلیل کند که خلاص نشود و اگر بیند که از رود بزرگ
بکنار رسید دلیل کند که از شغل بزرگ خود رسته گردد و اگر بخلاف این بیند در آن شغل بماند **شنگرف** ابن سیرین گوید
شنگرف در خواب [illegible] رنج و غم و اندیشه بود و اگر بیند که شنگرف داشت یا کسی بوی داد دلیل کند که غم و اندوه
یابد و اگر بیند که شنگرف میخورد دلیل کند که بیمار شود و اگر بیند که شنگرف میسوخت دلیل کند که از غم و اندوه رسته
گردد و اگر بیند که بشنگرف صورتی نگاشت دلیل کند که به لهو و لعب باطل دنیا مشغول شود و اگر بیند که بشنگرف
چیزی مینوشت از قرآن یا دعا یا توحید دلیلش بر چیز نیکی بود و اگر بخلاف این چیزی مینوشت دلیلش بد باشد **شهادت**
ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که شهادت حق آورد از غمها فرج یابد و حاجتش روا شود جابر مغربی گوید اگر بیند
شهادت حق آورد و آنکس مصلح بود دلیل کند که وقتی که بر شهادت میرود حق تعالی او را یاری دهد و اگر بیند که شهید شد
دلیل کند که توبه کند و از گناه پشیمان شود و اگر خداوند خواب مشرک باشد و بیند که شهید شد که مسلمان شود و عاقبتش بخیر باشد
انگبین بدانکه شهد انگبین با موم بود ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که شهد داشت یا کسی بوی داد دلیل کند که بقدر آن
میراث یابد یا در او مال حلال حاصل شود کرمانی گوید اگر کسی بیند که شهد بسیار داشت یا از جائی فرا گرفت دلیل کند که
مردمان از علم او منفعت یابند و بعضی از معبران گویند شهد قرآن است و دلیل بر قرآن کند امام ع فرماید دیدن شهد
در خواب دلیل بر پنج وجه باشد یکی میراث حلال دوم غنیمت سیم [illegible] چهارم قرآن پنجم روزی فراخ **شهرستان** ابن سیرین گوید

گوید اگر کسی بیند که شهرستانی آبادان شد دلیل کند که دین تازه محکم شده باشد و عاقبت او محمود باشد و اگر بیند که از شهرستان بیرون
شد تاویلش بخلاف این باشد کرمانی گوید اگر بیند که در شهرستان شد دلیل کند که دین او قوی گردد و از ترس ایمن شود و بخیر
پادشاه و یا مردی بزرگ پیوندد و از او خیر و منفعت یابد امام صادق فرماید دیدن شهرستان در خواب بر پنج وجه باشد اول پادشاهی
دوم ریاست سیم ولایت چهارم قوت دین و ایمن بودن پنجم ظفر یافتن بر دشمنان و استواری کارها … گوید اگر کسی
خود را در شهرستان مکه بیند عزت آن حضرت بیند و اگر خود را در مدینه رسول صلعم بیند او را با تجار صحبت افتد و از ایشان خیر و منفعت
یابد و اگر خود را بطایف بیند سفر بسیار کند و اگر خود را در بصره بیند از علما بهره مند گردد و اگر بواسط بیند دین و دار دنیا
شود و اگر بکوفه بیند از اهل علم نیکو شد بیند و اگر به بغداد بیند از توانگران و تجار نفع یابد و اگر باصفهان بیند با بزرگان
او را صحبت افتد و اگر بکرمان بیند بسبب عیال او را مال و نقصان افتد و اگر بموصل بیند بمراد رسد و اگر بدمشق بیند روزی
وی فراخ شود و اگر بحلب بیند از مردی بزرگوار او را منفعت رسد و اگر بانطاکیه بیند از صحبت بزرگ فایده بیند و اگر
به بیت المقدس بیند پارسا و با امانت باشد و حج بگذارد و اگر بکعبه بیند از سفر بهره یابد و اگر بطرطوس بیند جزیره بیند در کار
و در کار دنیا سرگشته باشد و اگر بعموریه بیند با دانا گردن را دوست دارد و اگر بقسطنطنیه بیند در دین ضعیف باشد و مال
حرام بدست آورد و اگر به تبریز بیند از پادشاه منفعت یابد و اگر بگنجه بیند معیشتش زیاده شود و اگر بقزوین بیند او را با
مهتران صحبت افتد و اگر بگرگان بیند با کسی داوری و خصومت کند و اگر بطبرستان بیند اندوهگین و متفکر شود و اگر بابل
بیند خیر و خرمی یابد و اگر بمرو بیند شغلی که بسته باشد بگشاید و اگر بنیشابور بیند با مردی بزرگ او را صحبت افتد و اگر
بطوس بیند خیر و منفعت بیند و اگر بسرخس بیند غم و اندوه بوی رسد و کارش بسته گردد و اگر به بلخ بیند بر دشمن ظفر یابد
و اگر بسمرقند بیند در میان مردمان خوار شود و اگر بغزنین بیند از بزرگان خیر و منفعت یابد و اگر … بیند خیر و … یابد
و اگر بکاشغر بیند اندوهگین شود و اگر … بیند کاری پیش گیرد و پشیمان شود و اگر … بیند کارش فرو بندد
امام صادق فرماید دیدن شهر در خواب بر چهار وجه بود یکی دین دوم ریاست سیم کار … چهارم زنی که
وی باشد **شوربا** ابن سیرین گوید شوربا در خواب گوشت که سفید و الوان های لطیف پخته شود دلیل … خرمی و … دلیل کند
بر خیر و منفعت و اگر بخلاف بیند دلیل بر غم و اندوه باشد … **شونیز** ابن سیرین
گوید شونیز در خواب دلیل غم و اندوه باشد و خوردن وی دلیل بر … و اگر بیند که شونیز بکسی داد او را با کسی
خصومت کند **شیر** دانیال گوید شیر در خواب … تازه و شیرین باشد بهتر بود و چون چنین بود دلیل …

ایلی

دوید و چون ترش و ناخوش بیند تاویلش بخلاف این باشد و اگر زنی بیند که شیر در پستان وی جمع شد او را فرزندی آید
و اگر مردی بیند که شیر میدوشید و بجای شیر خون بیرون می آمد دلیل کند که از نزد پادشاه خلاف کند و اگر بیند که مال شیر از
پستان می آمد دلیل کند که بر مردم اندیار جور رود و اگر بیند که از پستان خود شیر میخورد در کسب و معیشت خود حاجت
کند و اگر زنی بیند که کودک را شیر باز گرفته را شیر میداد دلیل کند که او را بزندان کنند و اگر مردی بیند که کودک شده بود و شیر
میخورد دلیل کند که از مراد باز ماند و اگر کسی بیند که رودی از شیر روان بود دلیل کند که او را فتنه افتد کرمانی گوید که شیر
چهارپایان وحشی در خواب دلیل کند که مال اندک یابد و اگر بیند که شیر خر میخورد دلیل کند که توبه کند و صالح شود و اگر بیند که
بچه کان شیر خوار را بوسه میداد دلیل کند که از پادشاه منفعت یابد ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که شیر شتر میخورد کار بر وی
دشوار شود و اگر بیند که شیر گاو را میخورد دلیل کند که منفعت یابد و اگر بیند که شیر آهو میخورد روزی بر وی فراخ شود و اگر بیند
که شیر بز میخورد دلیل کند که از زن مال و منفعت یابد و اگر بیند که شیر پیل میخورد دلیل کند که مال یابد از مردی بزرگوار لیکن
حرام بود و اگر بیند که شیر گاومیش میخورد مال یابد و اگر بیند که شیر خر میخورد دلیل کند که بیمار گردد و عاقبت شفا یابد و اگر
بیند که شیر خوک میخورد زیان و مضرت بیند و اگر بیند که شیر سگ میخورد ایمن و کم جرات باشد و مال حرام خورد و باشد که او را مضرت
و مصیبت رسد و اگر بیند که شیر روباه میخورد با کسی مکر و حیلت سازد یا بیمار شود و اگر بیند که شیر گرگ میخورد دلیل
کند عیالش با وی خیانت کند و اگر بیند که شیر گوسفند میخورد مال حلال یابد و معیشتش زیادت شود و اگر بیند که شیر مرغ میخورد
مراد و مال یابد و اگر بیند که شیر کفتار میخورد تاویلش هم خیانت زنان باشد و اگر بیند که شیر یوز میخورد دلیل کند که مال حرام یابد
جابر مغربی گوید دوشیدن شیر هر حیوانی که گوشت او حلال باشد یافتن مال حلال باشد و هر حیوانی که گوشتش حرام باشد
مال حرام باشد و یافتن غم و اندوه باشد امام جعفر صادق فرماید دیدن شیر در خواب بر سه وجه باشد یکی از هر حیوانی که گوشت وی حلال
بود مال حلال و هر حیوانی که گوشت وی حرام بود یافتن مال حرام دوم مال و فرزند سیم غم و اندوه باشد **شیره**
ابن سیرین گوید شیره انگور بخواب دیدن خیر و منفعت یابد باشد فیه نجات الناس و فیه یعصرون و اگر بیند که شیره
انگور میفشرد دلیل کند که با پادشاه نزدیک شود و اگر بیند که شیره انگور تازه میخورد دلیل کند که بقدر آن روزی حلال یابد
و اگر بیند که شیره بطعم ترش بود دلیل کند که مال برنج حاصل کند کرمانی گوید اگر کسی بیند که شیره خرید با کسی بدی او چیزی
بیند و اگر بیند که انگور میافشرد و شیره میشد او را بمزد که بدید آید و از حضرت پادشاه [illegible] منفعت یابد و شیره را هر چند تازه تر
و شیرین تر بیند خیر و منفعت آن بیشتر بود و بخواب بیشتر رسد امام صادق فرماید دیدن شیره در خواب بر چهار وجه بود یکی مال حلال

دوم منفعت بسیار سیم عیش چهارم منفعت پنجم خاصه چون بجنابت شیرین باشد **شیرینی** ابن سیرین گوید شیرینی دیدن در خواب دلیل بر
مراد آن بر طرف کند و شادی و خرمی باشد و روزی حلال کرامت گوید شیرینی در خواب کنیزک خوبروی باشد و اگر شیرینی گوید سرخ باشد
دلیل کند که کنیزک معاشر و طرب دوست باشد و اگر گوید سفید باشد کنیزک این دار و پارسا باشد و اگر شیرینی گوید زرد باشد کنیزک
بیمارگون باشد امام فرماید شیرینی در خواب که بسیار بر شش وجه باشد یکی منفعت دوم مال حلال سیم علم و حکمت چهارم خرمی
و ادب پنجم ثنای نیکو از جانب پادشاه ششم کنیزک خوبروی و بعضی از معبران گویند شیرینی اندک در خواب سخن لطیف شیرین
باشد **شیر** ابن سیرین گوید شیر در خواب دشمن قوی بزرگ باشد و اگر بیند که با شیر جنگ میکرد دلیل کند که با دشمنی کارزار
سلطان باشد و بر او صورت افتد در هر کدام که در خواب غالب آمد و در بیداری نیز چنان باشد و اگر بیند که از شیر میگریخت و شیر و را طلب
میکرد دلیل کند که از آنچه می ترسد ایمن شود و اگر بیند که گوشت شیر میخورد دلیل کند که از پادشاه چیز و منفعت یابد و بر دشمن ظفر
یابد و اگر بیند که با شیر مجامعت میکرد دلیل کند که از سختیهای بزرگ رسته گردد و کارش نیکو گردد و اگر بیند که شیر را در بر گرفت دلیل کند
با دشمن قوی آشتی کند و نزد پادشاه مقرب گردد و اگر بیند که شیر ماده با وی مجامعت میکرد از پادشاه خواری و ذلت بیند و اگر
بیند که شیر از پیش روی وی در آمد و از پیش روی وی برون شد دلیل کند که از پادشاه و را رنج و مضرت رسد و اینان فرماید اگر
کسی بیند که شیر بیافت دلیل کند که پادشاهی یابد و اگر بیند که پادشاه بوی شیر داد دلیل کند که پادشاهی خود بدو دهد یا در وی
او را حاکم کند و اگر بیند که بر پشت شیر نشسته بود و او را مطیع وی بود دلیل کند که او را مرتبه شاهی کرامت کرده و پادشاهان او را مطیع
شوند و اگر او را اهلیت پادشاهی نبود دعا بر پادشاه کرده جابر مغربی گوید شیر نر پادشاه بود و شیر ماده زن پادشاه و هر تمثیل
و عیبی که در شیر بیند تاویل آن با پادشاه و را بود و اگر چنانچه شیر مطیع و فرمانبردار وی باشد در تاویل نیک باشد و اگر بخلاف این باشد
بد بود و اگر بیند که گوشت شیر میخورد مال دشمن بیابد و اگر بیند که استخوان شیر میخورد دلیل کند که مال دشمن یابد بی رنج
امام جعفر صادق ع گوید دیدن شیر در خواب بر سه وجه بود یکی پادشاه دوم مرد دلیر بزرگوار سیم دشمن قوی **شیرخشت**
ابن سیرین گوید شیرخشت در خواب دیدن روزی حلال باشد و اگر بیند که در سبوئی شیرخشت جمع میکرد دلیل کند که در سفر مال بسیار
جمع کند و اگر بیند که شیرخشت میخورد مال خود بر عیال نفقه کند و خوش آن باز یابد امید دارد و امام جعفر صادق ع
فرماید دیدن شیرخشت در خواب خوردن بر سه وجه باشد یکی مال حلال دوم فراخی عیش سیم کام دل یافتن **شیشه** ابن سیرین
گوید دیدن شیشه در خواب زن باشد و بعضی از معبران گویند خادم باشد که خدمت زنان کند لیکن شیشه تهی باشد و اگر بیند که
کسی شیشه بدو داد دلیل کند که زن بخواهد که آن زن درویش بود و از مال و از دین خالی که شیشه تهی باشد و اگر بیند که از شیشه روغن

١٦٠

بود شن روغن بنفشه و گل نیلوفر و مانند آن دلیل کند که زن دین دار بخواهد و اگر بیند که از آن روغن بر سر میمالید دلیل کند که بقدر
آن روغن از مال زن چیزی بوی رسد و اگر بیند که شرابی از جمله شرابها بخورد چون شراب سیب و انار و مانند آن دلیل کند
که بقدر آن از مال زن بخورد و اگر بیند که از آن شیشه شراب بکسی داد دلیل کند که از برای کسی زن خواهد جابر مغربی گوید اگر
بیند که شیشه او را آبگینه سفید و پاکیزه بود دلیل کند که زنی پارسای خوبروی بوی بخواهد و شیشه سبز همین تاویل دارد و شیشه
دلیل کند که زن معاشر و طرب دوست باشد و شیشه زرد دلیل کند که زن بیمارگون بود و شیشه سیاه کبود دلیل کند که زن
اندوهگین و مصیبت زده باشد و اگر بیند که شیشه بشکست دلیل کند که زن وی هلاک شود و اگر بیند که شیشه را در زمین دفن دلیل کند
که زن را طلاق دهد اسمعیل اشعث گوید اگر در شیشه اندر شیر بیند و چیزهای خوشبوی باشد دلیل کند که زن خوبروی و دین دار بود با امانت
باشد و اگر چیزهای ترش ناخوش بیند تاویلش بخلاف این باشد امام فرماید دیدن شیشه در خواب بر سه وجه دلیل کند یکی زن
با جمال دوم کنیزک خوبروی سیم خادم و اگر شیشه را چرکن بیند دلیل کند که زن و خادم و کنیزک زشت و کج باشد **در تعبیر چیزهایی**
که اول آنها صاد است از حروف تهجی صابون ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که جامه خود را بصابون می شست دلیل کند که از کارهای
بد توبه کند و راه آخرت پیش گیرد و اگر بیند که جامه دیگری را می شست دلیل کند که آنکس را از کار بد منع نماید و اگر بیند که صابون میخورد
دلیل کند که چیزی حرام خورد و اگر بیند که صابون بسیار داشت و جامه خود را نشست یا بکسی چیز نداد دلیل کند که او را خیر بسیار
حاصل شود لیکن او را منفعت نبود و بهتر آنست که صابون ستد در خواب بیند و خریدن صابون در خواب بهتر از فروختن
صرافی در خواب دیدن باشد عالم ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که صرافی میکرد دلیل کند که مستور و دین دار بود
و آنچه موافق دین او باشد اختیار کند از کار خیر و طاعت و اگر بیند که در خواب پادشاه باشد دلیل کند که آنچه در ملک اختیار کند
بر او قادر بود و اگر بازرگان باشد بهترین شغل اختیار کند و در آن شغل مراد تمام یابد و اگر سایل باشد که او در هیچ پیشه
نباشد دلیل کند که متحیر باشد در کار خود و مشغول بخرافات شود که هیچ کس را از آن منفعت نباشد کرمانی گوید اگر کسی بیند که صرافی
میکرد دلیل کند که بسبب خیانت کردن مشغول گردد و اگر بیند که صیرفی دینار میکرد و بطمع دلیل کند که از خیانت توبه کند
و بعضی از معبران گویند صرافی در خواب سار وی باشد خرافت گوئی او اندر کارهای دنیا که دین وی از آن زیان دارد **صاعقه** بدانکه
صاعقه آتشی بود که از ابر سفید بجهد ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که از ابری صاعقه بجست دلیل کند که بعد از آن صاعقه عذاب خدای
بانتقام رسد کرمانی گوید اگر کسی بیند که آتش از هوا یا از آسمان بجنس باران میبارید دلیل کند که بر بادیه نشینان و خوف خلق اندر قحط
و راندو شد جابر مغربی گوید اگر بیند که صاعقه از آسمان بجست و دیوار بسوخت دلیل کند که از عقوبت پادشاه هلاک شود

وافق بدان رسد که از آن هلاک گردد **صبح** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که صبح صادق بدمید و تمامی جهان روشن شد
دلیل کند که اهل آن دیار را ایمنی و راحت پدید آید و اگر بیند که نور از صبح تاریکی پدید آمد تاویلش بخلاف این است جابر مغربی گوید
اگر کسی بیند که صبح بدمید و رنگ سرخ بود چنانکه زمین از عکس او سرخ میشود دلیل بود که در آن شهر قتل و خون ریختن بسیار بود
و اگر بیند که صبح کبود و زرد بود و در آن دیار بیماری پدید آید امام جعفر صادق گوید صبح در خواب دیدن دلیل بر قوت دین و صلاح مردم بود
صبر در خواب عالمی باشد که غرضش از علم جذب منفعت دنیا بود و اگر بیند که صبر میخورد دلیل کند که علم چنین عالمی را قبول کند
جابر مغربی گوید صبر خوردن در خواب دلیل کند که غم و اندوه بوی رسد **صحبت** بدانکه صحبت ساختن همراهی کردن باشد
اگر کسی بیند که با مردی مصلح و پارسا صحبت میداشت دلیل بر ستر و صلاح دو یابد کار دین باشد و اگر با مرد مصلح و پارسا
نباشد تاویلش بخلاف این است جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که با پادشاه صحبت میداشت دلیل کند که از وی خیر و منفعت بیند
و اگر بیند که با پیره زن مجهول صحبت میداشت دلیل کند که دل در دنیا بسته دارد **صحرا** بدانکه دیدن صحرا در خواب دلیل
بر نیکوئی و خرمی حال بیننده باشد یا از جهت پادشاه بهتر یا کنیزک صحرا و اگر بیند که در صحرا آمد با اندازه پر خار و خس بود دلیل کند که
با پادشاهی ظالم و ستمگر صحبت دارد و مقرب او شود **صحف** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که صحف ابراهیم میخواند دلیل کند که او
کسی را صواب نماید و از خطا منع نماید خاصه چون بیند که صحف از کتاب میخواند و اگر بیند که صحف از خط عبری میخواند دلیل کند که صحبت
با مردمان منافق دارد و جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که مصحف قرآن را بالکل و صحف ابراهیم و موسی میخواند اعتقادش درست شود
مسلمانان ضعیف شود و سلیش کیشی ایشان پیشتر گردد ابن سیرین گوید اگر بیند که بر صحیفه چیزی مینوشت دلیل کند که میراث
یابد و اگر بیند که بر صحیفه کسی او را از بهر خود نوشتن میداد دلیل کند که میراث آن کس را رسد و با آن کس از میراث چیزی میدهد
جابر مغربی گوید اگر بیند که بر صحیفه بخط سبز چیزی مینوشت دلیل کند که از مردی دین دار با امانت میراث یابد و اگر بیند که بر صحیفه
خط زرد مینوشت دلیل کند که از مردی بیمار رنجور میراث یابد و اگر بیند که بر صحیفه خطی سیاه مینوشت دلیل بود که از کسی میراث نه
میراث یابد و اگر بیند که بر آن صحیفه هیچ نوشته را هیچ میراث نرسد **صدف** کرمانی گوید صدف در خواب دیدن خادم
باشد و اگر بیند که صدف در دست یا کسی بود او را دلیل کند که او را خادمی حاصل شود و اگر بیند که صدف ضایع شد دلیل کند که از خادم
او بگریزد جابر مغربی گوید صدف در خواب زنی باشد که حرمت نگاه کند بعضی از معبران گویند کنیزک باشد **صدقه** بدانکه در
صدقه دادن معبران را خلاف است ابن سیرین گوید اگر عالمی بیند که صدقه میداد دلیل کند که از علم او مردمان را نفع رسد و اگر پادشاهی را
بیند که صدقه میداد دلیل کند که بر رعیت نفع بسیار رسد و اگر پیشه کاری بیند که صدقه میداد دلیل کند که شاگردان از پیشه او سود

از

کرمانی گوید صدقه دادن در خواب ایمنی بود از ترس و بیم و آفت و خلاص شدن از رنج و سختی جابر مغربی گوید اگر بنده بیند که
صدقه میداد دلیل کند که آزاد شود و اگر بیمار بیند شفا یابد و اگر زندانی بیند خلاص شود و اگر مفسد باشد مصلح شود و بر این قیاس باید
کرد و علی الجمله صدقه دادن در خواب نیکو باشد **صراط** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که بر صراط ایستاده است دلیل کند که بر دست وی
کارهای نیکو راست شود زیرا که صراط راه راست است و اگر بیند که از صراط بگذشت این جا این کرد کرمانی گوید اگر بیند که از صراط
بگذشت دلیل کند که به خیرات گراید و رضای خدا جوید و اگر بیند که از صراط به دوزخ افتاد دلیل کند که از پادشاه ظالم کینه و دست
و دست ظلم بسیار رسد امام جعفر فرماید دیدن صراط در خواب بر شش وجه باشد یکی راه راست دوم کار دشوار سیم ترس
و بیم چهارم ستم پنجم گناه ششم نفاق با مردمان **صفه** ابن سیرین گوید صفه سرای بخواب دیدن دلیل بر مادر و پدر کند
و اگر صفه سرای نو و پاکیزه بیند این پدر و مادر درازی عمر و سلامتی پدر و مادر کند و اگر بیند که صفه سرایش خراب شد دلیل کند که مادر
و پدر وی هلاک شوند جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که صفه سرایش از جانب راست خراب شد یا خلل در وی افتاد پدرش
بیمار گردد و اگر چپ بود مادر بیمار گردد و دلیل بر غم و اندوه کند **صلوات** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که صلوات بر رسول علیه السلام فرستاد
دلیل کند که حاجتهای وی روا شود و روزی بر وی فراخ گردد و عاقبت کارش به سعادت انجامد جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که
صلوات بسیار میفرستاد دلیل کند که حق تعالی او را حج اسلام روزی گرداند و بعضی از معبران گویند پیغمبر را بخواب چنین بیند
و سنتهای او را بجای آورد **صمغ** ابن سیرین گوید صمغ هر درختی فضله اموال مردمان باشد یا استخوان جانوران اگر بیند که صمغ
داشت یا کسی بوی داد دلیل کند که مقداری از فضله مال کسی بر نیه کند و اگر بیند که صمغ بکسی داد دلیل کند که از فضله مال خود چیزی
بکسی دهد جابر مغربی گوید صمغ در خواب مال اندک بود که بوی رسد از مردی که به اندر خت منسوب است چنانکه اگر صمغ
میخورد از مردی بخیل نفع یابد و اگر بیند که صمغ زرد آلو میخورد از مرد بیماری نفع یابد و اگر صمغ حرید از درخت خار
مغیلان بیند دلیل کند که نفع از مرد بیابانی بدو رسد **صنج زدن** ابن سیرین گوید که صنج زدن در خواب خبر کرده و کلام
باطل و سخن دروغ باشد و اگر بیند که صنج میزد دلیل کند که سخن باطل و محال گوید و اگر بیند که در پیش وی صنج میزدند دلیل کند
که سخن باطل و دروغ رضا دهد و اگر بیند که آواز صنج می شنید چیزی ناکرده شنود و اگر بیند که صنج زدن چنگ و چغانه بود و این جمله
دلیل بر غم و مصیبت باشد که باطل و خرمی برسد و اگر بیند که صنج را شکست از سخنان دروغ توبه کند کرمانی گوید صنج بنا دلیل متاع
دنیا باشد امام جعفر صادق گوید صنج زدن در خواب دلیل بر چهار وجه کند یکی خبر کرده دوم کلام باطل سیم متاع دنیا چهارم
غم و اندیشه بر جمع مال و متاع دنیا **صندل** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که صندل داشت یا کسی بوی داد دلیل کند که از مرد

بزرگی از وی عطا یابد و هر چند بوی صندل بیشتر بود نفع وی بیشتر بود امام جعفر فرماید دیدن صندل در خواب بر سه وجه بود یکی ثنا و
آفرین دوم خیر و منفعت سیم جاه و حرمت و صندل سپید در خواب بهتر از صندل سرخ باشد **صندوق** کرمانی گوید صندوق در خواب
دیدن خانه باشد و بعضی گویند عز و جاه باشد و اگر صندوق نو و پاکیزه باشد دلیل کند که زن کند یا عز و جاه یابد و اگر صندوق شکسته بیند
تاویلش بخلاف این باشد و هر نقش و عیبی که در صندوق بیند تاویلش در زن باشد امام جعفر صادق ع فرماید دیدن صندوق
در خواب بر سه وجه باشد یکی عز و جاه دوم بلندی قدر و مرتبه سیم زن خوب روی **صورت** کرمانی گوید اگر کسی صورت خود را
با صورت دیگر بیند دلیل کند که احوالش بگردد و اگر صورت خود را نیکو دید احوالش نیز خوب شود و اگر صورت خود را زشت بیند
احوالش زشت شود و اگر صورت خود را بازگونه دید دلیل کند که همه کس روی از وی بگردانند و دراحبا گوید جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که
صورت آدمی صورت جانوری شده دلیل کند که در منصب دروغ زن باشد یا در صفات خلافی چیزی نامربوط گوید و اگر صورت
خود را عجیب بیند که از جنس هیچ حیوانی نباشد دلیل کند که خداوند خواب کاری کند که در وی تحیر باشد و صورتگر در خواب دلیل
کبر بر خدای تعالی و دروغ بندد **صوف** ابن سیرین گوید که جامه صوف در خواب خیر و منفعت باشد خاصه که از نو و صحیح باشد و جامه پشمین نو
در خواب اهل صوف دلیل کند که در راه دین عبادت نیک پسندیده باشد و اگر بیند که سرخ بود دلیل کند که میلش به دنیا بیشتر باشد
و جامه سفید نیز مثل سبز باشد و زرد دلیل بر بیماری کند و جامه کبود سیاه دلیل کند که غمگین و خسته شود و جامه سیاه اهل آن را
مثل عالم نیک باشد و اگر اهل آن نباشد بد بود امام جعفر فرماید دیدن صوف در خواب بر سه وجه باشد یکی منفعت دوم راه خیر
گزیدن سیم بعبادت مشغول شدن **صوفی** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که صوفی شده و در جایگاه صوفیان نشست دلیل
کند که راه آخرت گزیند و دست از شغل دنیا باز دارد و اگر بیند که از میان صوفیان بیرون آمد و ایشان را بیرون کرد
تاویلش بخلاف این باشد کرمانی گوید اگر کسی بیند که صوفی شده و در قوم صوفیان نشست و در میان ایشان مقام کرد دلیل کند که
[illegible] را ببیند و اگر بیند که صوفیان او را از خویش دور کردند تاویلش بخلاف این باشد و اگر بیند که صوفیان او را
واز درون ایشان کردند یا [illegible] دلیل کند که [illegible] ایشان نفع دین بود و اگر او را [illegible] دلیل کند که او را
برای آن سخنان زشت گوید و [illegible] جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که صوفی شده و در میان صوفیان نشست دلیل کند
که طاعت و عبادت [illegible] کند و اعتقاد او بر اهل تصوف نیک باشد امام جعفر صادق ع فرماید صوفی شدن در خواب بر سه وجه
بود یکی راستی دنیا [illegible] دوم [illegible] سیم پیوسته بعبادت و طاعت مشغول شدن **صیقل** [illegible] صیقل
[illegible] آینه [illegible] ابن سیرین گوید دلیل بر پادشاهی بزرگی کند و بعضی گویند وزیر پادشاه بود و اگر بیند که چیزی را صیقل

بها

بیند او اگر اهل آن بود پادشاه شود و اگر نباشد وزیر پادشاه یا بمنزلت پادشاه مشغول شود امام جعفر فرماید صیقل مردی باشد
که باطل را قهر کند و حق را نصرت دهد **در تعبیر چیزها که اول آنها ضاد است ضراب** ابن سیرین گوید ضراب در خواب مردی باشد
که سخنان خوش گوید جابر مغربی گوید اگر بیند که ضراب بکرد دلیل کند که سخنان خوش گوید و خود را سخنان خوش بیارایند و بعضی گویند
و سخنان لطیف و شیرین گوید **ضعیف** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سر وی ضعیف شده بود دلیل کند که قدر و جاهش نقصان
پذیرد و اگر چشم خود را ضعیف بیند دلیل کند که در دین ضعیف گردد و اگر بیند که گوشت وی ضعیف شده بود دلیل کند که
زن یا دختر ش بیماری پیدا شود و اگر بینی وی ضعیف شده جاه و منزلتش کم گردد و اگر بیند که دهن او ضعیف شده بود
روزی وی تنگ شود و اگر بیند که زبان وی ضعیف شده بود ترک سخنان باطل گوید و اگر بیند که زن وی ضعیف شده بود
امانت کم گذارد و اگر بیند که پهلوی او ضعیف شده بود در کسب معیشت او نقصان افتد و اگر ساق خود را ضعیف بیند مال وی
نقصان پذیرد و اگر بیند که همه تن وی ضعیف شده بود دلیل کند که غمگین و خسته شود **ضیاع** دانیال گوید ضیاع بتازی رنجها
ملک بود ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که در زمین خود تخم میکشت یا درخت می نشاند دلیل کند که احوال وی نیکو و پسندیده
شود و روزی بر وی فراخ گردد و اگر بیند که در ضیاع خود بوقت سبزی رسته بود دلیل کند که در راه دین نیکو شود و اگر بیند
که در ضیاع وی خاک و خاشاک بود او را از دشمنان زیان و مضرت رسد جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که همه ضیاع خود را خراب
دلیل کند که در رنج و غم افتد و اگر بخلاف این بیند احوال وی نیکو و اگر بیند که ضیاع خود را آباد میکرد دلیل کند که بقدر انعمارت
وی را مال دنیا حاصل شود و اگر بخلاف این بیند بد باشد و اگر بیند که عظیم در ضیاع وی آمده و خراب کرده دلیل کند که او را از ان
مضرت رسد **در تعبیر چیزها که در اول آنها طا است از حرف طا طاس** ابن سیرین گوید که طاس در خواب زن خادم یا کنیزک باشد که
خدمت کند و هر نقص و عیبی که در طاس بیند کنیزک یا خادم او را باشد و آب طاس فرزندی بود که در شکم خادم باشد و دیگر
مثل طاس باشد امام جعفر صادق ع فرماید دیدن طاس در خواب بر چهار وجه بود یکی زن خادم دوم کنیزک سیم فرزند کنیزک چهارم
منفعت از زنان **طاعون** ابن سیرین گوید علت طاعون در خواب فتنه و بلا باشد اگر بیند که بر تن وی علت طاعون بود دلیل کند که در
فتنه و بلا افتد جابر مغربی گوید که طاعون در خواب جنگ و کارزار بود و اگر بر تن خود علت طاعون بیند عقوبت بزرگان و جنگ
و خصومت افتد **طاووس** ابن سیرین گوید طاووس در خواب پادشاه عجمی باشد و خداوند جمال و مال و حشم و خدم بود و اگر بیند که طاووس
داشت دلیل بود که نزد پادشاه عجم منزلت و بزرگی یابد و از او مال حاصل کند کرمانی گوید اگر کسی بیند که طاووس را با کبوتر جفت کرد
دلیل کند که مردان را با زنان جفت کند و بعضی گویند طاووس ماده زن بود و اگر بیند که گوشت طاووس ماده می خورد دلیل

کند که مال زن بعضی خورد و اگر بیند که طاوس نر با وی سخن گفت دلیل کند که دولت یابد و مردمان بر وی حسد برند و اگر از خانه
خود طاوس ببرد مرد را با هم چنین دلیل کند که بیگانه در عیال وی فساد کند جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که طاوس ماده از خانه وی بیرون شد
دلیل کند که زن را طلاق دهد یا بمیرد و اگر بیند که طاوس با گشت و شیر که دختر بستاند و بر دشمن ظفر یابد اسمعیل اشعث گوید
طاوس در خواب زن توانگر باشد و آشیانه او دختر باشد اگر بیند که پر طاوس در دست داشت یا گوشت طاوس بخورد دلیل کند که
مال و نعمت یابد و اگر بیند که بچه طاوس داشت یا کسی به وی داد دلیل کند که او را فرزندی آید و اگر بیند که طاوس نر از دست وی بپرید دلیل
کند که از خدمت پادشاه جدا شود امام جعفر صادق فرماید دیدن طاوس در خواب بر دو وجه است اول پادشاه عجمی دوم خزینه و مال و
طاوس ماده زن توانگر با جمال باشد **طمع** بپارسی خورش پختن بود و طباخ در خواب مردی حریص باشد ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که طباخی
میکرد دلیل کند که خیر و نیکی بر وی رسد بمقدار آن طبخ که می پخت و اگر بجای آن چیزی بیند دلیل بر مضرت کند و خوردن وی دلیل بر منفعت کند
که از پادشاه بوی رسد **طبق** ابن سیرین گوید طبق در خواب خادمی باشد که کار مجلس سازد بوقت شادی و هر که وی را بیند
که او و هر که بیند که طبق فرا گرفت دلیل کند که چنین خادمی او را حاصل شود و اگر بیند که طبق از دست وی بیفتاد و ضایع شد دلیل کند
که چنین خادمی بمیرد یا از او جدا شود کرمانی گوید طبق در خواب کنیزک باشد و نیکی و طبق برو باز کرد امام جعفر صادق فرماید
دیدن طبق در خواب بر چهار وجه بود یکی خادم دوم کنیزک سیم فایده از قبل زنان چهارم هدیه بر قدر و قیمت طبق
طبل ابن سیرین گوید دیدن طبل در خواب سخن باطل و خبر کرده دروغ باشد و اگر بیند که طبل زدن رقص و بازی بود دلیل
بر غم و مصیبت باشد و اگر بیند که طبل مغز و میزد دلیل کند که سخن باطل گوید بچیزی باشد مشهور و معروف که بدو رسد و بعضی گفته اند
طبل در خواب دلیل آوازی خوش باشد کرمانی گوید اگر کسی بیند که طبل میزد دلیل کند که کاری باطل با شناعت کند که از آن هیچ اصلی نبود و با
هر وعده که کند دروغ باشد امام جعفر فرماید که طبال در خواب مردی باشد که دروغ زن است گوید و ظاهر و باطن او یکسان نباشد
و سخن زشت گوید **طبیب** مراد از طبیب در خواب مردی فقیه عالم دانا باشد و اگر بیند که طبابت میکرد دلیل کند که یکی از راه فسق و
[illegible]
می مردمان را با فرح می آرد دلیل کند که مردمان را پند دهد و وعظ گوید و پند وی پذیرند و بعلم وی کار کنند و اگر دارو به وی فرج نیاید دلیل
بخلاف این باشد جابر مغربی گوید طبیبی کردن در خواب مردم صالح را اصلاح دین و راه راست باشد و مردم مفسد را گشتن
دنیا **طعام** ابن سیرین گوید هر طعام که شیرین باشد در خواب که دانش رسیده باشد نیکو باشد که از آن گوهر آن قوی و سخت باشد
چون عزیز شده دیابوده و آنچه دیدن اند و هر طعام که در خوردن دشوار و بیمزه باشد دلیل آن نماند و هرگز استوار نباشد

و هر طعام که ترش باشد دلیل بر بیماری کند و بعضی گویند طعام ترش دلیل بر سخن زشت باشد و طعام شیرین دلیل بر عیش خوش کند و
یا خلق مراد کرمانی گوید اگر بیند که طعام او را پای از دهان بسته دلیل کند که بمقدار آن در مال وی زیان افتد و اگر بیند که طعامی که
در خانه داشت جمله را بخورد چنانچه هیچ نماند دلیل کند که عمرش بسر آمده باشد و اگر بیند که چندان طعام خورد که دیگر طاقت نداشت
همین دلیل کند و اگر بیند که مرده طعام میخورد دلیل کند که طعام گران شود امام جعفر فرماید اگر بیند که درویشی را طعام میداد دلیل کند
که از رنج و غم رسته گردد و از ترس ایمن شود و اگر بیند که کافری را طعام میداد دلیل کند که دشمن خود را یاری کند **طعن** بدانکه
طعن بتازی نیزه زدن باشد و اگر بیند که کسی را به نیزه زد و نیزه در تن وی شد دلیل کند که آنکس بقدر نیزه دشمنی بر وی را اوارد جابر
مغربی گوید طعنه زدن در خواب بزشتی گفتن بود در حق کسی و اگر جایگاه زخم درد کرد او را از آن سخن غم و رنج رسد و زایل شود
طلاق ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که زن را طلاق داد و در ایکزن باشد دلیل کند که در شرف بزرگ او نقصان افتد
اما اگر او را زن دیگر یا کنیزک دیگر باشد بعضی از بزرگی و شرف او نقصان پذیرد و اگر صاحب جاه بر این بیند دلیل کند که
هلاک شود امام جعفر صادق فرماید اگر کسی بیند که زن را طلاق داد دلیل کند که از جایی که دارد معزول شود یا زن را طلاق دهد
و روزی بر وی تنگ شود و بعضی از معبران گویند اگر کسی بیند که زن را طلاق داد دلیل کند که کاری کند که از آن کار پشیمان شود
طلق ابن سیرین گوید طلق در خواب دیدن اندک سختی باشد در کارها زیرا که جوهر وی سخت است و اگر بیند که از جایی
اندک طلق جمع کرد او را بکار و حیله از شغلها حاصل شود و اگر بیند که طلق بار از کوه جمع میکرد دلیل کند که از مردی بزرگوار او را
مالی حاصل شود جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که طلق میخورد مالی که دارد در مزینه کند و اگر بیند که طلقی که داشت از او ضایع شد دلیل
کند که مالش تلف شود و مکین شود **طنبور** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که طنبور در خانه خود میزد دلیل کند که در انجام وی مصیبت
روی دهد و اگر بیند که طنبور را بشکست دلیل کند که توبه کند و غم از او زایل شود و اگر بیمار بیند که طنبور میزد دلیل کند که مرگ او را
دریابد کرمانی گوید اگر کسی بیند که طنبور خود را بکسی داد دلیل کند که از او بدان کس غمی رسد و اگر بیند که آواز طنبور می شنید دلیل کند
که سخن باطل بشنود و بعضی گویند بمردی متواضع خوشخوی شود امام جعفر فرماید دیدن طنبور در خواب غم و مصیبت باشد
طوطی ابن سیرین گوید طوطی در خواب فرزند باشد و اگر بیند که طوطی از دست وی بپرید دلیل کند که فرزندش یا شاگرد وی
بسفر رود و اگر بیند که طوطی با وی سخن گفت دلیل کند که سخن گوید یا کاری کند که مردمان از او عجب آید جابر مغربی گوید طوطی
در خواب دختری دوشیزه باشد و طوطی نر مردی [illegible] یا غلامی پارسا باشد و اگر بیند که طوطی داشت دلیل کند که او
دختر را بستاند و اگر بیند که طوطی از دهان یا مقعد وی بیرون آمد دلیل کند که وی را فرزندی آید و در وی مردمان سخن خوش

گویند و بعضی از معبران گویند طوطی در خواب مردی بود عابد و مجتهد بر راه راست امام ع فرماید طوطی در خواب دیدن بر چهار وجه
بود یکی فرزند دوم زن سیم شکر دوست چهارم مرد عابد مجتهد و اگر بیند که گوشت طوطی میخورد دلیل کند که از این که
گفتیم مال و منفعت یابد **طوق** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که طوق در گردن اوست از زر یا سیم یا جوهر دلیل کند که بقدر قیمت
آن طوق ولایت یابد و در ولایت انصاف و امانت نگاه دارد و اگر بیند که طوق از آهن است دلیل کند که امانت دار باشد
کرمانی گوید اگر کسی بیند که طوق در گردن داشت دلیل کند که به دروغ دعوی کند که من از فلان قوم ام و از آن قوم نباشد جابر مغربی
گوید اگر کسی از آهن یا مس طوق در گردن خود بیند با کسی خصومت کند امام ع فرماید دیدن طوق در خواب بر شش وجه
باشد یکی حج دوم ولایت سیم امانت چهارم خصومت پنجم غلام ششم کنیزک و اگر طوق در گردن اسب خود بیند دلیل کند
که از پادشاه بزرگ ولایت یابد بقدر طوق **طیلسان** ابن سیرین گوید طیلسان در خواب جاه و بزرگی و شرف است و اگر
بیند که طیلسان نو و پاکیزه داشت او را مروت و سخاوت است و اگر طیلسان چرکن بیند دلیل بر عدم مروت کند کرمانی گوید اگر
کسی بیند که طیلسان او بسبب اتفاق ضایع شد دلیل کند که برادر یا فرزند یا عزیزی از او دنیا برود یا از وی جدا شود و اسمعیل اشعث
گوید طیلسان در خواب قضات و دیانت و امانت بود و اگر طیلسان نو داشت چرکن بیند دلیل کند که در اینها که گفتیم خلل کند
و اگر طیلسان را سوخته بیند بسبب دوستی وی را اندوه و مصیبت رسد و اگر بیند که طیلسان او دزد برد دلیل کند که زنی افتد
و آبروی وی برود و درویش گردد جابر مغربی گوید طیلسان در خواب فرزند باشد و اگر بیند که او را طیلسان سبز بود دلیل کند
که او را فرزندی عالم آید و اگر طیلسان از سرخ بیند دلیل کند که فرزند او معاشر و طرب دوست باشد و اگر طیلسان از زرد بیند دلیل
کند که فرزندش بیمار گردد و زرد روی باشد و اگر طیلسان از سیاه بیند دلیل کند که فرزند او عالم شود امام ع فرماید دیدن
طیلسان در خواب بر ده وجه است یکی عزت دوم جاه سیم ولایت چهارم فرزند پنجم دولت ششم بزرگی هفتم مال
هشتم علم نهم دین دهم همت باب **در تعبیر چیزها که اول آنها ظا است** **ظلم** بدانکه ظلم [illegible] پیدا اگر [illegible] باشد [illegible]
گوید اگر کسی بیند که بروی ظلم کردند دلیل کند که بر آنکس که در خواب بروی ظلم کرد ظفر و نصرت یابد و اگر بیند که خود بر کسی ظلم
کرد دلیل کند که آنکس بروی ظفر یابد و اگر بیند که پادشاه بروی ظلم کرد دلیل کند که پادشاه بروی محتاج گردد و بچیزی که
که پادشاه را لایق بود و اگر بیند که او بر پادشاه غدر کرد دلیل کند که از پادشاه رحمت یابد اسمعیل اشعث گوید که اگر کسی بیند
که پادشاه مردی بزرگ بر درویش ظلم کرد دلیل کند که درویش [illegible] دعا گوید و اگر بنده بیند که بر خواجه خود ظلم کرد
دلیل کند که از خواجه رنج و مضرت بیند **ظلمات** ابن سیرین گوید ظلمات در خواب دیدن ظلمت ضلالت و گمراهی بود و از

دین و اگر بیند که در ظلمات بود و ظلمات بروشنی مبدل شد دلیل کند که راه دین بروی گشاده شود کرمانی گوید اگر کسی بیند
که در ظلمات بود و بروشنائی آمد و باز در ظلمات شد دلیل کند که منافق باشد جابر مغربی گوید خوردن ظلمات دیدن دلیل بر ظلم [illegible]
کند امام جعفر صادق ع فرماید دیدن ظلمات در خواب بر پنج وجه باشد یکی کفر دوم تحیر سیم فرو بستن کارها چهارم بدعت پنجم
ضلالت و اگر کسی بیند که از تاریکی بروشنی آمد دلیل کند که از درویشی بتوانگری آید تاویلش بخلاف این باشد **در تعبیر چیزها**
که اول آنها عین است از حروف **عاج** ابن سیرین گوید عاج در خواب مال باشد که از پادشاه بیابد و اگر بیند که عاج وی
شد مال که دارد ضایع شود جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که صندوق از عاج داشت دلیل کند که از خویشان یا مقربان پادشاه زن
خواهد و اگر بیند که از عاج دو تا داشت دلیل کند که پادشاه او را کنیزی دهد و بعضی از معبران گویند از پادشاه عز و جاه یابد
و هر چند عاج را پاکیزه تر بیند مال و منفعت او بیشتر باشد **عاریت** ابن سیرین گوید عاریت کسی دادن دلیل کند که چیزی که او را در دنیا
ثابت باشد **عاشق** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که عاشق بود دلیل است که آرزومند و حریص گردد یا بر نیکی و صلاح یا بر بدی و فساد
و دلیل این هر دو به بیننده خواب است یعنی اگر عاشق چیزی شد که آن چیز در شریعت حلال است دلیل بر نیکی کند و اگر عاشق چیزی شد که
در شریعت حرام است دلیل بر بدی و فساد کند جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که بر کسی خبر وی عاشق شد اگر عشق وی بر نیت اسلام بود
باشد و اگر نه بد بود اسمعیل اشعث گوید اگر عاشق بیند که از معشوق کام یافت دلیل کند که از وی خیر و منفعت یابد **عالم** اگر
کسی جاهل در خواب بیند که عالم شده است دلیل کند که مردمان سخنان او را قبول کنند و در زبان مردم بدی افتد و اگر بیند عالم
باشد دلیل کند که علم و جاه و شرف او زیاده شود و اگر بیند که قاضی یا حکیم شد و در علم او جاهل بود دلیل بد باشد و اگر عالمی یا فقیهی بیند
که فقیه شد دلیل کند که مردم اندر او را بترسند و بیم ایمن شوند و پادشاه ایشان عادل باشد کرمانی گوید که مردمان را از حکمت
و سخن وی نزدیک ایشان قبول بود و اگر بیننده اهل آن نبود دلیل کند که اندر او را بحیله و علم بیکرد ولیکن پایدار نباشد و اگر
بیننده عالم و دانا باشد دلیل کند که عزت و جاه و بزرگی وی زیادت شود و سخن او روا گردد و اگر بیند که بعلم گفتن و مجالسه [illegible]
که گفتیم [illegible] امام ع فرماید عالم شدن در خواب کسی را که عالم باشد بر چهار وجه است یکی بزرگی دوم عز و جاه سیم قبول مردمان
چهارم ولایت و کار نیک ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که عبادت میکرد [illegible] جابر مغربی گوید اگر بیند که در [illegible]
یا مسجد نماز و عبادت میکرد دلیل کند که عبادت او اینجا کرده و نیکو باشد زیرا که دلیل بر نفاق باشد **عجوزه** بدانکه عجوزه
در خواب [illegible] دلیل آن در حرف کاف گفته شد **عدس** ابن سیرین گوید عدس در خواب [illegible]
زیرا که حضرت ابراهیم ع او را دوست میداشت و پیوسته خوان او از عدس خالی نبود کرمانی گوید عدس در خواب بد است زیرا که [illegible]

قوم موسی از من و سلوی خوردن ملول شدند عدس و سیر و پیاز خواستند و بدان سبب از خدای تعالی ایشان را عذاب آمد جابر مغربی گفت
گوید خوردن عدس در خواب دلیل اندوه است که از زنان بدو رسد خاصه که عدس پخته باشد و بعضی گویند عدس خام در خواب نیکو باشد
و دلیل بر مضرت و اندوه کند **عراده** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که در شهری در دیار کافران سنگ عراده می انداخت دلیل کند
که کافران را سختی و رنج دارد و دشمن ایشان را نهیبی رسد و اگر بیند که در شهری یا حصاری مسلمانان سنگ عراده می انداختند دلیل کند
که در دین مسلمانان سختی ظاهر گردد و بعضی گویند که مسلمانان را عاقبت نیک بود جابر مغربی گوید اگر بیند که سنگ عراده به جای
می انداخت دلیل کند که اهل آن شهر را غیبت کنند و دشنام دهند **عرش** ابن سیرین گوید عرش در خواب امیری بزرگوار باشد
و اگر عرش آراسته بود دلیل کند که او را با امیری بزرگوار صحبت افتد و کارش بلند شود و شرف و بزرگی
یابد و اگر عرش را حقیر و خوار بیند دلیل کند که او را خواری شود و پیش مردمان خوار شود جابر مغربی گوید اگر خویشتن را بر عرش
نشسته بیند دلیل کند که بر مردی بزرگوار پیوندد و از او مرتبت و جاه بزرگ یابد و اگر بیند که از عرش به زیر آمد دلیل
بخلاف این است امام جعفر صادق فرماید دیدن عرش در خواب بر پنج وجه باشد یکی صاحبی بزرگ دوم رفعت سیم مرتبت
چهارم عزت پنجم بزرگواری و اگر بیند که بر فراز عرش نشسته بود دلیل کند که ولایت بزرگ یابد و مملکت گیرد و پادشاه شود
و بر دشمنان ظفر یابد و مراد دل بیابد **عرعر** بدانکه عرعر بتازی درخت سرو کوهی است ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که درخت
عرعر داشت دلیل کند که با مردی که خداوند اصل و نسب است او را صحبت و پیوند افتد خاصه که خود را بر فراز درخت بیند و
و از او اندک خیر و منفعت یابد **عرق** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که عرق از تن وی بسیار می آمد دلیل کند که به قدر آن او را زیانی رسد
خاصه که بیند که عرق از وی بر زمین بچکید و اگر بیند که جامه او از عرق تر شده بود دلیل کند که به قدر آن از مال خود بر عیال خرج
کند و اگر بیند که عرق خویش را بخورد دلیل کند که مال خویش بخورد و اگر بیند که عرق وی سپید بود و بوی خوش داشت دلیل کند
که مالش حلال باشد و اگر بیند که عرق او سیاه بود و بوی ناخوش داشت دلیل کند که مالش حرام باشد کرمانی گوید عرق کردن در خواب
دلیل کند که حاجت وی روا شود و اگر بیمار بود از بیماری شفا یابد **عروسی** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که عروسی می خواست لیکن
او را ندید و نشناخت و نامش ندانست دلیل کند که وفات یابد یا بر دست کسی کشته شود و اگر بیند که عروس را به خانه آورد و
با وی صحبت داشت دلیل کند که بزرگی یابد و چیزی که طلب کند بیابد … کرمانی گوید عروس را به خواب دیدن چون در آن
چنگ و چغانه و نای باشد دلیل بر غم و مصیبت باشد جابر مغربی گوید اگر زنی بیند که عروس شده بود و او را نزد شوهر میبردند
دلیل کند که … و اگر بیند که شوهر او را بسته و با او نزدیکی کرد خیر و منفعت یابد …

عزل بدانکه عزل کردن بتازی جدا کردن باشد از کاری و اگر بیند که پیری مجهول او را از کاری عزل کرد دلیل کند که بی حرمت و خوار گردد
و اگر پیری معروف را دید که او را از کارش معزول کرد دلیل کند بر نقصان منزلت وی و اگر جوانی معروف را دید دلیل کند که دولت و منزلت
کرمانی گوید اگر کسی بیند که مهتری بزرگ وی را از شغل خویش معزول کرد دلیل کند که دولت وی قایم باشد و اگر بیند که وی را از کار
عزل کردند دلیل کند که از کارهای بد دست باز دارد و توبه را اصلاح گزیند **عس** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که … عس گشت
دلیل کند که او را خیر و منفعت رسد و اگر بخلاف این بیند دلیل کند که بد و شر و مضرت رسد و اگر بیند که عس او را بگرفت و جامه
وی برکند و وی را به زندان فرستاد دلیل کند که وی را از مردم پادشاه رنج و مضرت رسد و اگر بیند که با مردم عس وی را جنگ بود دلیل
کند که با مردم پادشاه او را جنگ و خصومت افتد و هر که در خواب غالب آید در بیداری نیز چنان باشد و اگر بیند که از عس بگریخت و او را
نتوانستند گرفت دلیل کند که از رنج نجات یابد **عصار** بدانکه عصار بتازی روغن گر باشد و او مردی بود که بر وی ثنا گویند ابن سیرین گوید
اگر کسی بیند که عصاری میکرد دلیل کند که بکاری مشغول شود که بدان کار مردم وی را مدح و ثنا گویند و نام وی در اندیار منتشر گردد
عصا ابن سیرین گوید عصا در خواب مردی بود بزرگوار و خداوند قدر اگر بیند که عصا در دست داشت یا کسی بوی داد دلیل کند که
از مردی بزرگوار جاه و قوت و نیکویی بیند و اگر بیند که عصا از وی ضایع شد یا بدزدیدند دلیل کند که قوتش ناقص و زایل شود و اگر بیند
که تکیه بر عصا میکرد دلیل کند که هر چه بجوید بیابد و پشت وی به مردی بزرگوار قوی گردد کرمانی گوید اگر کسی بیند که عصا در دست وی …
شد مراد وی … و اگر بیند که عصا در دست وی پاره شد دلیل کند که مردی بزرگوار دشمن وی شود و اگر بیند که عصای
خود به عصای دیگری بدل کرد … و اگر بیند که عصا با وی سخن گفت دلیل کند که او را فرزندی آید و از او خیر و نفع بیند
امام فرماید دیدن عصا در خواب بر سه وجه باشد یکی مرد بزرگوار دوم پادشاه سیم قوت **عطر** بدانکه عطر بوی خوش باشد
ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که با جوال بوی خوش داشت و او عالم بود دلیل کند که مردمان را از علم وی منفعت رسد و اگر توانگر باشد
مردمان از مال او خیر و منفعت بینند کرمانی گوید اگر کسی بیند که عطر بر خویشتن داشت دلیل کند که مردم او را ثنا و آفرین گویند و خوش
… امام فرماید دیدن عطر در خواب بر نه وجه باشد یکی ثنا دوم آفرین سیم سخنهای خوش …
چهارم طبع نیکو پنجم مرد کریم ششم سخن مردم هفتم … هشتم … و اگر کسی بیند که عطاری میکرد دلیل کند که مردم
او را ثنا و شکر گویند و اگر بیند که بر مردمان بوی خوش میفروخت دلیل کند که مردمان را علم و ادب …
اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که با مردی عطار … دلیل کند که مردمان مدح و ثنای وی گویند
عطسه ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که عطسه زد دلیل کند که اگر بیمار است او را احتیاج به طبیب افتد و اگر تندرست باشد

دلیل کند که کسی حاجتش روا کند و بروی منت نهد و اگر کسی بیند که سر او عطسه زد و آب چون باستین گرفت کند کار او را فرزندی آید و اگر
بیند که چون عطسه زد آب بینی او روان شد دلیل کند که کسی در روی سخن زشت گوید و اگر بیند که چون عطسه زد و مرغی چند از بینی وی
بیرون آمد از خواهر اگر مرغ یا ماکیان است او را بچه آید که مانند مرغ ماند کرمانی گوید عطسه زدن در خواب مال بود که خداوند آن غنی گردد و اگر
به دشواری زند مال به رنج حاصل کند و اگر عطسه را باز نگاه دارد مال آسان بدست آورد **عقل** اگر کسی در خواب که عقل وی بصورت
آدمی نزد وی آمد و گفت من عقل توام و دانست که عقل وی است دلیل کند که اگر بیند خواب از آن تا است و او را با پادشاه صحبت افتد
و از وی خیر و منفعت یابد و پادشاه او را دوست دارد و کرمانی گوید اگر کسی عقل خود را بدین صورت بیند دلیل کند که بخت و سعادت روی
بوی نهد و پادشاه او را دوست دارد و وقتی اگر صاحب صورت باشد و اینال گوید عقل در خواب بر حالت است … و بعضی از معبران
گویند بخت باشد و اگر عقل و جان خویش را بصورت آدمی دید چنانکه وی را گوید که من عقل و جان توام و دانست که عقل و جان وی اند
و داور باشند خواه زنده و باشند خواه غایب دلیل کند که دیدار ایشان از ابلاهت باز بیند و اگر مرده باشند و عادت …
با ایشان رسد و او را بالی از خداوند جاه و حجت افتد و در خبر است که شخصی نزد رسول آمد و عرض کرد که …
… از من جدا گشت و مرد و بصورت آدمی بود … و هر سه شراب خوردن مشغول شدیم …
فرمود که عقل و جان حسنت بجا نیست کارهای تو برابر شود و برکت … و اگر بیند که با عقل ستیزه و لجاج میکرد دلیل کند که با
سلطان ولایت منازعت کند امام … فرماید دیدن عقل و جان در خواب بر چهار وجه باشد اول بخت دوم دولت سیم …
پادشاه و فرزند پادشاه چهارم مال و فرزند باشد **عقیق** ابن سیرین گوید عقیق در خواب مردی بود …
اگر بیند که عقیق داشت با کسی … دلیل کند که او را با چنین مردی کریم صحبت افتد و مصاحبت … و اگر
بیند که عقیق از وی ضایع شد دلیل کند که از صحبت چنین مردی جدا شود جابر مغربی گوید اگر بیند که ظرف از عقیق داشت
چنانکه شراب یا چیز دیگر از وی میخورد دلیل کند که او را فرزندی آید و شرف جاه و بزرگی یابد **علامت** ابن سیرین گوید علامت
دیدن در خواب دلیل بر یافتن مراد کند و ولایت و ظاهر شدن کار مشکل و قهر کردن دشمنان چون علامت ابلق بیند و اگر
علامت سیاه بیند … بخلاف این باشد جابر مغربی گوید چون علامت را ابلق بیند تعلق بدین دارد و دلیل سعادت و اقبال
اینجا … کند و علامت سیاه بخلاف این باشد **علم** علم در خواب مردی بود عالم و دانا و زاهد یا دلیر بود و تا از کسی حق جوانمرد که مردمان
بوی اقتدا کنند و اگر بیند که علم داشت دلیل کند که از این مردان که گفتیم دست در آشنایی با ایشان شود و از او خیر و نیکی بیند و اگر
بیند که علم از دست وی بیفتاد دلیل کند که عز و جاه از وی زایل شود کرمانی گوید علم بخواب دیدن دلیل بر عز و جاه کند و اگر بیند که

دعوت جاه و دولت پادشاه

که پادشاه … را داد یا لشکر بروی جمع کرد دلیل کند که جاه و بزرگی یابد خاصه که علم سپید باشد جابر مغربی گوید اگر کسی بیند
که علم بزرگ سپید داشت بروی … او را مصاحبت افتد و از او خیر و منفعت بیند و اگر بیند که علم سبز در دست داشت دلیل کند
که آنکس حج کند یا … و اگر بیند که علم سیاه در دست داشت دلیل کند که خطیب یا قاضی یا عالم بود امام … فرماید دیدن علم
در خواب بر چهار وجه باشد یکی مهتری دوم بزرگی سیم جاه و حرمت چهارم نیکی احوال **عمارت** ابن سیرین گوید اگر کسی
خواب بیند که در جایهای عمارت میکرد چون مسجد و مدرسه و خانقاه دلیل کند بر صلاح دین و دنیا و ثواب آنجهان و اگر بیند که زمینی
خراب شده از بهر خود عمارت میکرد چون سرای و خانه و دکان و مانند آن دلیل کند که خیر و فایده بیند و اگر بیند که جایگاه معمور
خراب شد دلیل کند که در جاه و مصیبت افتد جابر مغربی گوید اگر کسی خود را در جایگاه معمور بیند دلیل کند که خیر و صلاح بیند بقدر
آنکه معمور بود و اگر در جایی که معمور نباشد خود را بیند تاویلش بخلاف این باشد امام … فرماید دیدن عمارت در خواب
بر چهار وجه … صلاح کارها دوم خیر و منفعت سیم کار نو چهارم گشایش کارهای بسته **عماری** ابن سیرین گوید اگر کسی
… بسته بود و عماری وی … دلیل کند که خیر و برکت بیند و اگر بیند که از عماری پادشاه
بیرون آمد یا کسی او را بیرون آورد تاویلش بخلاف این باشد جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که او را در عماری نشانید دلیل کند
که با مهتری بزرگ پیوندد و کارش بالا گیرد و قدر و جاه وی زیادت شود امام جعفر صادق … فرماید دیدن عماری در خواب
بر هفت وجه باشد یکی بزرگی دوم عز و جاه سیم رتبت چهارم رفعت پنجم ریاست ششم ولایت هفتم مهتری **عمامه** بدانکه عمامه
بتازی دستار بود و شرح آن در حرف دال یاد شد **عمود** ابن سیرین گوید عمود در خواب مردی بود … و بعضی از معبران
گویند سخنهای سخت باشد اگر بیند که عمود بر کسی زد دلیل کند که سخن سخت بر کسی گوید و اگر بیند که عمود آهنین داشت دلیل کند که وی را
از پادشاه قوت … رسد و اگر بیند که عمود از دست وی بستدند تاویلش بخلاف این باشد امام … فرماید که دیدن عمود در خواب
بر سه وجه باشد یکی مرد … دوم سخن سخت سیم مهتری و بزرگی **عناب** بدانکه عناب در خواب مال بود اگر بیند که
عناب میخورد دلیل کند که بقدر آن … نعمت حاصل شود و اگر بیند که عناب بکسی داد دلیل کند که از او بدان کس مال و نعمت
رسد **عنبر** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که عنبر بکسی داد دلیل کند که بقدر آن از آنکس منفعت یابد و اگر بیند که عنبر بسیار داشت
دلیل کند که بقدر وی … ولایت و کام … یابد و اگر بیند که عنبر بکسی داد دلیل کند که از او بدو … رسد و اگر بیند که عنبر
از وی ضایع شد یا کسی بدزدید دلیل کند که مال او نقصان پذیرد و اگر بیند که بر جامه کسی عنبر مالید دلیل کند که کارهای نیکو
کند لیکن ضایع شود امام … فرماید دیدن عنبر در خواب بر چهار وجه باشد یکی منفعت دوم ولایت سیم کام … چهارم ثنای نیکو

عنقا بدانکه عنقا نوعی از نورها باشد چون چنگ و چغانه و نغمهٔ آن و دیدن آن در خواب دلیل بر سخن لهو و باطل و بناء محال
و دروغ باشد و اگر بیند که با عنقا چنگ و چغانه و نای میزد این جمله دلیل بر غم و مصیبت کند که با اهل آن نوع برسد و اگر بیند که عنقا را بشکست
دلیل کند که از باطل و دروغ توبه کند جابر مغربی گوید اگر بیند که عنقا میزد دلیل کند که بمیرد عنکبوت ابن سیرین گوید عنکبوت در خواب
مردی ضعیف باشد و اگر بیند که عنکبوت را بگرفت دلیل کند که بر مردی بدین صفت ظفر یابد و اگر بیند که عنکبوت در منزل خویش بر کشت
دلیل کند که مردی بدین سان در خانه خود قهر کند کرمانی گوید عنکبوت در خواب مردی جولاه باشد و اگر بیند که عنکبوت از وی تنشی
بگریخت دلیل کند که از مردی چنین شود عود ابن سیرین گوید عود در خواب مردی باشد خوبروی و لطیف خوش طبع و اگر بیند که
عود در زیر خود دود میکرد دلیل کند که مردمان او را ثنا گویند و اگر بیند که در زیر دامن کسی عود میسوخت دلیل کند که از او
چیزی بدو رسد و آن کس را دوست دارد و مدح و ثنای او گوید کرمانی گوید اگر بیند که عود خام داشت یا کسی بدو داد دلیل کند که
از پادشاه عطا یابد هر چند بوی او خوشتر باشد عطای او بیشتر بود و اگر بیند که عود میخورد دلیل کند که مال حاصل کند و افعال او را
بر عیال خود نفقه کند امام جعفر فرماید دیدن عود در خواب بر چهار وجه باشد اول مرد خوبروی لطیف دوم پادشاه عادل سیم ثنا و آفرین
چهارم مال و منفعت عودسوز ابن سیرین گوید عودسوز در خواب کنیزک یا فرهنگ یا غلام زیرک دانا بود که بر صاحب خویش مهربان
باشد و اگر عودسوز سفید بیند دلیل کند که غلام یا کنیزک از اصل ترک باشد و اگر از مس بیند از نسل روم باشد و اگر آهنین بود
از نسل گبر باشد و اگر بیند که عودسوز را بشکست دلیل کند که غلام یا کنیزک او هلاک شود یا بگریزد عورت بدانکه از زیر ناف تا بزانوی
مردم را عورت خوانند ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که عورتش تمامی برهنه بود چنانکه مردمان عورت او را میدیدند دلیل کند که در میان
مردم سر او ظاهر شود و بعضی گویند اگر کسی پیش عورت خویش را برهنه بیند و بپوشید و هیچ کس ندید و اگر بیند که عورتش برهنه بود
و شرم زده بشد دلیل کند که از حال بحال بگشت شود و اگر بیند که بقصد عورت خویش را برهنه کرد دلیل کند که کاری کند که از آن تشنیع
عقوبت کند یا آفتی بوی رسد که مستوجب عبرت خلق گردد عیدین ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که عید قربان بود دلیل کند
که او را با مردی عاقل کار افتد و اگر عید روزه بیند دلیل کند که او را با مردی زاهد عابد صحبت افتد و منفعت دنیا حاصل کند کرمانی گوید
اگر کسی بیند که عید بود و مردمان آراسته از شهر بیرون آمدند دلیل کند که از اندوه ایشان خلاص یابد و اگر از اهل عز و شرف باشد با عز و شرف
زیاده شود و از گناهان توبه کند و اگر در وقت عید باشد دلیل کند که او را با مردی عاقل نیکو معامله افتد و اگر نه بوقت عید باشد دلیل کند
که او را با مردی مزاحی درشت طبع معامله افتد و مرادش بسختی برآید و اگر در سال چند دیدن دلیل کند که سال و ماه و روز و ساعت برو مبارک
باشد در تعبیر چیزها که اول اینها غاین است غار ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که در غاری رفت و در آنجا مقیم شد دلیل

کند که از دنیا رغبت کند و اگر بیند که در غار شد و از وی بیرون آمد دلیل کند که در کاری صعب افتد اما زود نجات یابد جابر مغربی
گوید اگر کسی بیند که در غار شد و آن غار روشن بود دلیل کند که او را بزندان کنند و بعضی از معبران گویند در کاری سخت درماند و
با آنکه غار روشن دلیل بر محبوسی کند و غار تاریک دلیل بر هلاکت کند و اگر بیند که در غار تاریک شد و بیرون آمد دلیل کند که بیمار
شود و عاقبت شفا یابد غارت ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که مال و نعمت وی را غارت کردند دلیل بر غم و اندوه و زیان باشد
جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که لشکر اسلام دیار کفار را غارت کردند دلیل کند که اهل کفر را غم و مصیبت رسد و اگر بیند که
اهل کفر دیار اسلام را غارت کردند تاویلش بخلاف این باشد امام جعفر فرماید غارت کردن در خواب بر چهار وجه باشد اول جنگ
و خصومت دوم زیان سیم غم و اندوه چهارم نرخ ارزان غالیه ابن سیرین گوید غالیه در خواب فرهنگ و ثنا و نام
آوری باشد و اگر بیند که غالیه بر کسی مالید دلیل کند که آن کس از وی ادب و فرهنگ آموزد کرمانی گوید غالیه در خواب نشان حج باشد
و بعضی از معبران گویند غالیه در خواب مال باشد که از مهتری بدو رسد اگر بیند که غالیه بیافت دلیل کند که از زن بزرگ یا مردی
بزرگ آن چیز و منفعت بیند و اگر بیند که کسی بر چشم کسی غالیه کشید دلیل کند که بجای وی حق گذاری کند و مردمان وی را دعا گویند
و اگر بیند که کسی بر بناگوش وی غالیه مالید دلیل کند که وی را بتهمت بدروغ گنه کند امام جعفر فرماید غالیه در خواب دیدن بر پنج وجه باشد اول ادب
و فرهنگ دوم ثنا و آفرین سیم حج اسلام چهارم مال و خواسته پنجم چیز و منفعت غایب ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که غایبی از سفر
آمد دلیل کند که نامه یا چیزی از غایب برسد و اگر کسی بیند که از خانه خود غایب شد دلیل کند که نامه و خبر از پیش خویشان و آشنایان
بوی رسد جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که از خانه غایبش از غربت باز آمد دلیل کند که کار بسته وی گشاده شود و اگر بیند که غایبش ترش
روی و مفلس بود تاویلش بخلاف این باشد و اگر بیند که غایب از سفر سواره آمد دلیل کند که غایب با مال و نعمت آید و اگر پیاده و برهنه
بیند دلیل کند که غایب مفلس باز آید غبار ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که غبار بر چیزی که مال او بود برافشاند دلیل کند که بقدر آن
مال وی را حاصل شود و اگر بیند که غبار بر زمین نشست دلیل کند که مردم آنجا را از آن کار رنج رسد که چگونه بیرون آید جابر مغربی
گوید اگر کسی بیند که غبار بر روی وی نشسته بود دلیل کند که وی را رنج و عقوبتی رسد قوله تعالی و وجوه یومئذ علیها غبرة ترهقها قترة
و اگر بیند که غبار بر ملک او نشست دلیل کند که بقدر آن غبار وی را مال حاصل شود غربال ابن سیرین گوید غربال در خواب
خادمی بود تمیز و مرتب و اگر بیند که غربال نو داشت یا کسی بدو داد دلیل کند که او را خادمی بدین صفت حاصل شود و اگر بیند که غربال
وی ضایع شد دلیل کند که خادم وی بمیرد یا بگریزد کرمانی گوید اگر بیند که غله و جز آن بغربال پاک میکرد دلیل کند که کاری کند که
مردمان را از او منفعت رسد امام جعفر فرماید دیدن غربال در خواب بر سه وجه باشد اول خادم دوم یار مهربان سیم شاگرد بزرگ

غرق ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که در دریا غرق شد دلیل کند که پادشاه ویرا هلاک کند و اگر بیند که آب ویرا فرو برد و باز
بالا افکند و بمرد دلیل کند که از کار دنیا دست بدارد و صلاح دین و راه آخرت جوید جابر مغربی گوید اگر بیند که چهارپایی یا ستوری او
در آب غرق شد دلیل کند که در کاری صعب درماند و سرانجام رهایی یابد امام [illegible] گوید غرق شدن در آب بر چهار وجه باشد اول
دوم اقبال در کارها سیم صحبت با مردم غایب مذهب چهارم منفعت غزا کردن ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که در راه خدا غزا میکرد
دلیل کند که عیال او و خویشان او نیکو گردد و بی نیاز شود و اگر بیند که از غزا کردن روی بگردانید دلیل کند که بر خویشان او شفقت
کنند کرمانی گوید اگر کسی بیند که بغزا رفت دلیل کند که فضل بزرگ یابد بفضل الله تعالی فضل الله المجاهدین علی القاعدین اجرا و اگر بیند که با مردمان
دیاری بغزا بیرون شد دلیل کند که از مردم عز و جاه یابد و بر دشمنان ظفر یابد جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که با کافران شمشیر جنگ
میکرد دلیل کند که بر دشمنان ظفر یابد و روزی حلال بوی رسد و اگر بیند که کافران بر وی چیره شدند دلیل کند که در طلب روزی رنج
و مشقت کشد و اگر بیند که کافران ویرا بکشتند دلیل کند که شادی و خرمی یابد و روزی حلال بود و عمرش دراز شود امام [illegible] گوید
غزا کردن در خواب بر شش وجه باشد اول چیز و برکت دوم سنت رسول صلی الله علیه و سلم بجای آوردن سیم بر دشمنان ظفر یافتن چهارم شفا
یافتن از بیماری پنجم طاعت داشتن پادشاه عادل ششم غنیمت یافتن غسل ابن سیرین گوید غسل کردن در خواب دلیل
بر رستگاری بود و اگر بیند که غسل در آب سرد میکرد دلیل کند که غم و اندوه از وی زایل گردد و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر
وام دارد وامش گزارده شود و اگر در زندان باشد خلاص یابد و اگر بیند که بآب گرم غسل میکرد و جامه از آن دست نکرد
دلیل کند که اگر دوستی دارد و در میان ایشان جدایی افتد دیگر با صلاح آید و اگر بیند که خود را از غسل جنابت تمام کرد دلیل
کند که شغلش تمام شود جابر مغربی گوید غسل کردن از جنابت دلیل کند که از دروغ گفتن توبه کند و هر زیاده و نقصان که در غسل
پسندیده بیرون آورد و اگر کند غل ابن سیرین گوید غل در خواب دلیل کفر باشد و دلیل او بناحق و اگر بیند که غل در گردن و دست داشت دلیل کند
که کافر شود و اگر بیند که غل بگردن سبک بود دلیل کند که او منافق باشد و اگر بیند که غل در گردن و بند در پای داشت دلیل که کافر بود
و دعوی مسلمانی بدروغ کند کرمانی گوید اگر کسی بیند که غل بدست او نهادند دلیل بر بخیلی وی کند و بعضی از معبران گویند چون مرد
صالح غل در گردن بیند دلیل کند که دست از کارهای بد بدارد غلاف ابن سیرین گوید غلاف در خواب زن باشد اگر بیند که شمشیر از
غلاف بیرون کشید دلیل کند که زن وی پسری آورد و اگر بیند که غلاف شمشیر بشکست و شمشیر بسلامت بود دلیل کند که فرزند او
بسلامت از شکم مادر بیرون آید و مادرش هلاک شود و غلاف کارد همین تاویل دارد غلام ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که غلام شده
بود دلیل کند که بکاری سخت درافتد و در انتظار بسی بماند و اگر بیند که غلامی گرفت یا بخرید یا کسی بوی داد دلیل کند که غمگین و مستمند شود

اگر بیند

و اگر بیند که کنیزی فرا گرفت دلیل بر نیکویی کند کرمانی گوید دیدن غلام در خواب شادی و بشارت باشد امام [illegible] گوید دیدن غلام و کنیز
در خواب بد باشد و فروختن دلیل بر نیکویی و منفعت کند و بعضی دیگر از معبران گفته اند غلام و کنیز فروختن در خواب اگر قیمت
بر باشد و اگر قیمت گرفت دلیل بر نیکویی کند زیرا که زر و سیم دلیل بر غم و اندوه باشد و اگر غلام و کنیز را از احتیاج بچیزی دیگر
فروخت نیکو باشد غلبه ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که بر خصم غلبه کرد و بروی چیره شد دلیل کند که او را بر خصم ظفر بود و اگر
خصم او را غلبه کرد و بروی چیره شد تاویلش در بیداری نیز چنین باشد غم ابن سیرین گوید غم در خواب خرمی و فرح باشد و اگر بیند
که غمگین شده بود دلیل کند که از غم فرج یابد و بمراد دل برسد جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که سخت غمگین شده بود دلیل کند
که گنجی از گنجهای ملک بقدر آن غم بیابد و اگر بیند که از آن غم رسته شد دلیل کند که از پادشاه زیانی بوی رسد غنیمت ابن
سیرین گوید غنیمت یافتن در خواب چون از مال کافر بود دلیل بر ارزانی نرخها کند و اگر نه از مال کافر بود دلیل بر گرانی
نرخها کند و اگر بیند که لشکر کفار از دیار مسلمانان غنیمت آوردند دلیل کند که نعمت و نرخ نقصان پذیرد و اگر برخلاف این بیند
دلیل فراخی نعمت و ارزانی نرخ کند و اگر بیند که خود از دیار کافران غنیمت آورد دلیل بر منفعت و روزی حلال باشد غواص
بدانکه غواص مردی باشد که بقعر دریا رود برای جواهر ابن سیرین گوید اگر بیند که غواصی میکرد و چیزی از دریا بیرون آورد دلیل
کند که بقدر آن علم و دانش او را حاصل شود و یا مال از سلطان بدو رسد جابر مغربی گوید اگر بیند که بقعر دریا فرو شد و هیچ بر نیاورد
دلیل کند که بعلم آموختن مشغول شود و لیکن هیچ منفعت از آن بوی نرسد و اگر بیند که گوهری گرانمایه از دریا بیرون آورد
دلیل کند که عالم و دانا و فاضل گردد و بعضی از معبران گویند که غواص مقرب پادشاه شود و از پادشاه نعمت حاصل کند غوره
بدانکه دیدن غوره در خواب بوقت بهتر باشد و اگر بیند که غوره بوقت میخورد دلیل کند که بقدر آن چیزی برنج و مشقت بدست آورد
و یا بیمار شود کرمانی گوید اگر کسی بیند که غوره میخورد دلیل کند که اندوهناک شود هر چند غوره ترش تر باشد اندوهش بیشتر
بود ولیکن چون با گوشت پخته شود بهتر بود در تعبیر چیزها که اول اسما فاست از حروف فاخته ابن سیرین گوید فاخته در خواب
زنی بود ناصح و بی عقل بی مهر که با کسی سازگاری نکند و اگر بیند که فاخته فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل کند که زنی بدین صفت بخواهد
و اگر بیند که بچه فاخته گرفت یا کسی بوی داد دلیل کند که ویرا فرزندی آید و اگر بیند که از گوشت فاخته میخورد دلیل کند که بقدر
آن مال از زنان بستاند کرمانی گوید فاخته در خواب فرزند دروغ زن باشد اگر بیند که کسی فاخته بوی داد همین دلیل کند و اگر بیند
که فاخته بر بام وی بانگ کرد دلیل خبر خوش باشد جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که فاخته با وی سخن گفت دلیل کند که کسی با وی عهد
کند و آن عهد را خلاف کند و اگر بیند که فاخته و زاغ هر دو بخانه وی درآمدند دلیل کند که دزد از خانه وی کالا برد امام فرماید

دیدن فاخته در خواب بر سه وجه باشد یکی زن دوم فرزند سیم خادم **فال** ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که فال نیکو گرفت
و فال نیکو آمد دلیل کند که بر دشمن ظفر یابد و اگر فالش میانه بود دلیل کند که او بر دشمن مظفر شود و اگر فالش بد آمد دشمن بر وی ظفر یابد
کرمانی گوید اگر کسی بیند که فال گیری بکرد دلیل کند که این کس چون زاهدی بسیار خورد و بعد از آن دعوای فال گیری کند امام جعفر صادق
فال گرفتن در خواب دلیل بر سه وجه باشد یکی ظفر یافتن دوم مراد رسیدن سیم حاجت روا شدن و اگر بیند که فال نیکو آمد تاویلش
خوب باشد و اگر فال بد آمد تاویلش نیز خوب نباشد **فالوده** [illegible] گفت که هر [illegible] زعفران نباشد که زردی او طعام بیماری باشد
و دیدن فالوده در خواب مال بود که بر رنج بدست آورد و ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که لقمه فالوده در دهان نهاد دلیل کند که از
سخن نیکو شنود و اگر بیند که فالوده بسیار داشت یا بسیار بخورد دلیل کند که بقدر آن مال بر رنج وی را حاصل شود و اگر بیند که لقمه
فالوده بکسی داد دلیل کند که با آن کس سخن لطیف خوش گوید یا از بهر وی کاری بسازد [illegible] امام [illegible] دیدن فالوده در خواب
بر چهار وجه باشد یکی سخن خوش دوم مال که بر رنج حاصل کند سیم منفعت با مشقت چهارم کاری دشوار **فتنه** ابن سیرین گوید اگر
کسی بیند که در جایی فتنه پدید آمد دلیل کند که در آنجا [illegible] پدید آید [illegible] کرمانی گوید ده
چیز است که اگر کسی یکی از آنها را در خواب بیند دلیل کند که فتنه و آشوب پیدا شود یکی تاریکی دوم آتش و دود سیم باد سرد چهارم
باد گرم پنجم سیاهی آفتاب و ماه ششم [illegible] بسیار هفتم باران بی هنگام هشتم بر کردن درختها نهم [illegible] دهم پوشیدن
جامهای سرخ و زرد **فراخ** ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند که از جای تنگ بجای فراخ آمد دلیل کند که کار بسته بروی گشاده
گردد و اگر بیند که از جای فراخ بجای تنگ آمد تاویلش برخلاف این باشد و اگر بیند که از کار سخت بفراخی رسید دلیل کند که از غم
و رنج فرج یابد و حاجت او روا گردد جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که خانه یا دکان تنگ بروی فراخ شد دلیل کند که روزی و معیشت
بروی تنگ شود و اگر بیند که راه بروی تنگ شد دلیل کند که [illegible] کار [illegible] فراخ شدن چیزها [illegible] دلیل
بر گشایش کارها و فراخی روزی و برکت باشد **فراش** ابن سیرین گوید فراش در خواب کسی باشد که از بهر کسی [illegible] که فراش
بستر گستر و بستر باشد و دلیل زن [illegible] در حرف با گفته شد و اگر بیند که از بهر خود فراشی بکرد دلیل کند که از بهر خود زن خواهد و اگر بیند
از بهر کسی فراشی بکرد دلیل کند که از بهر کسی دلالی کند **فرج** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که او را فرج بود چون فرج زنان دلیل کند
ذلیل و خوار گردد و اگر بیند که کسی با او مجامعت کرد دلیل کند که حاجتش از وی روا شود و اگر [illegible] را بیند [illegible]
دلیل کند که وی را دو کار پیش آید که از آن دو یکی حاصل شود کرمانی گوید اگر زن بیند که [illegible] دلیل کند که پسری
آورد و اگر زن بیند که فرج وی از آهن یا مس بود دلیل کند که از زادن فرزند نا امید [illegible] و اگر فرج خود را بریده بیند دلیل کند

کرد

که دشمن بر وی ظفر یابد جابر مغربی گوید اگر زن بیند که ماهی روشن از فرج وی بیرون آمد دلیل کند که وی را دختری آید و اگر بیند که از
فرجش گوهر یا مروارید بیرون آمد دلیل کند که او را فرزندی عالم پارسا آید جاحظ گوید دیدن فرج بخواب دلیل بر چیزهای ناساز کاری
کند **فرزند** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که وی را فرزند دختری آمد دلیل کند که خیر و سلامت یابد و از اهل بیت خود شادمان شود
و نامش در جهان منتشر شود و اگر بیند که وی را پسری آمد و زنش آبستن بود دلیل کند که او را دختری آید و اگر بیند که
دختری آمد دلیل کند که او را پسری آید جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که فرزندی طفل در جایگاهی بیافت یا کسی بوی داد دلیل کند
که از جایی چیزی بوی رسد و چون دختر باشد دلیل کند که از کسی اندوهگین شود **فرعون** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که یکی از فرعونیان
یا از پادشاهان ستمگر در شهری در آمد دلیل کند که سیرت فرعون در آنجا ظاهر شود و اگر بیند که فرعون عصا بوی داد
یا چیزی بوی بخشید دلیل کند که او را بقدر آن از پادشاهی ظالم مال حاصل شود یا از مردی بزرگ ستمگر چیزی حرام **فروختن**
ابن سیرین گوید هر چه در شرع روا و دین عزیز بود فروختن آن در خواب بد باشد و هر چه در شرع محظور بود فروختن آن در
خواب نیک باشد اگر بیند که قرآن بفروخت دلیل کند که دین بدنیا بفروخت و بی چیز باشد و اگر بیند که بنده خویش را بفروخت
دلیل کند که دولت بزرگ از وی زایل شود و اگر بیند که چیزی بفروخت دلیل کند که آن چیز خوار شود **فرود آمدن** ابن سیرین
گوید اگر کسی بیند که از کوه یا از جای بلند فرود آمد دلیل کند که در کاری که بود آن کار را تمام کند و اگر [illegible] کرمانی گوید اگر کسی بیند
که از جای بلند فرود آمد دلیل کند که در شرف و بزرگی و مالش نقصان پدید آید و اگر بیند که از پایه نردبان بزیر آمد دلیل کند که در مال
و خویش نقصان شود خاصه که نردبان از گل ساخته باشند و اگر از گچ و سنگ بیند دلیل کند در مال و نعمت وی نقصان پذیرد جابر
مغربی گوید اگر بیند از کوه فرود آمد دلیل کند که اگر در خدمت پادشاه بود از او جدا شود و در حرمت و جاه وی نقصان افتد و اگر
در خدمت پادشاه نبود از صحبت مردی بزرگ جدا شود و اگر بیند که از تل خاک بزیر آمد دلیل کند که از خویشان و اقربای خود
جدا شود و اگر بیند که از درخت بزیر آمد دلیل کند که در مال و نعمت وی نقصان افتد و اگر بیند که از نردبان چوبین فرود آمد و در
دین نفاق کند و تاویل دیدن فرشتگان را در فصل شانزدهم یاد کردیم **فستق** ابن سیرین گوید فستق در خواب مال و نعمت بود
کرمانی گوید اگر بیند که فستق بیافت دلیل کند که از مردی بخیل چیزی چند و اگر بیند که از مغز فستق روغن بیرون آورد دلیل کند که
وی را از مردی بخیل مال و منفعت رسد و اگر بیند که مغز فستق تلخ و ناخوش بود دلیل کند که از آن کس مال حرام یابد **فصد** [illegible]
فصد کردن بتازی رگ زدن باشد و تاویلش در حرف الف یاد کرده شد **فقاع** ابن سیرین گوید فقاع خوردن بخواب منفعت باشد
از برای آدمی که خدمتکار بود و اگر بیند که فقاع بخورد دلیل کند که او را از خادمی منفعت رسد و اگر بیند که فقاع بکسی داد او را

منفعت به کسی رسد و اگر بیند که کوزه فقاع بخورد و بریخت دلیل کند که [illegible] رسد کرمانی گوید فقاع خوردن در خواب دلیل کند بر بوسه دادن و اگر بیند که فقاع بخورد دلیل کند که کسی بوسه دهد جابر مغربی گوید فقاع خوردن در خواب دلیل کند که همنشینی مردم سفله کند و بعضی از معبران گویند فقاع چون شیرین و خوش باشد دلیل بر خیر و منفعت کند و چون بطعم ترش و ناخوش بود دلیل بر زیان کند امام جعفر صادق فرماید فقاع خوردن در خواب دلیل بر سه وجه کند یکی منفعت دوم بوسه دادن سیم حرکت کردن با مردم سفله

فقیه ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که فقیه و فاضل شده بود و سخن می زند در میان مردمان مقبول بود دلیل [illegible] و بلا گرفتار شود و اگر مردم او را در حق چیزی [illegible] دلیل کند که شرف و بزرگی یابد و نامش در [illegible] منتشر گردد جابر مغربی گوید اگر مردی [illegible] خود را فقیه بیند دلیل کند که مردی عالم شود و اگر زنی بیند که فقیه و عالم شده بود دلیل کند که [illegible] شود

فلاخن بدانکه فلاخن بپارسی [illegible] سنگ ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که فلاخن بر کسی سنگ انداخت دلیل کند که بد آن کس نفرین کند و اگر بیند که کسی فلاخن بوی انداخت دلیل کند که آن کس بروی نفرین کند کرمانی گوید اگر بیند که فلاخن بوی رسید و از آن خسته شد دلیل کند که از آن کس بوی [illegible] رسد جابر مغربی گوید فلاخن در خواب سخن ناخوش است و اگر بیند که سنگ فلاخن بر کسی می انداخت دلیل کند که وی را سخنی زشت گوید و بر او [illegible] غم و اندوه رسد

فلوس بتازی [illegible] سیاه بود ابن سیرین گوید دیدن فلوس در خواب خصومت بود و اگر بیند که فلوس یافت یا کسی بوی داد دلیل کند که او را با آن کس خصومت افتد و اگر بیند که فلوس چند از خانه بیرون ریخت یا بکسی داد دلیل کند که از غم و اندوه رسته گردد جابر مغربی گوید فلوس در خواب دیدن دلیل بر سختی و درویشی کند

فندق ابن سیرین گوید مغز فندق در خواب مال و نعمت بود و اگر بیند که فندق داشت یا کسی بوی داد دلیل کند که از مردی بخیل مال و نعمت یابد و اگر بیند که فندق بخورد [illegible] دلیل کند که او را با کسی داوری افتد کرمانی گوید اگر کسی بیند که مغز فندق داشت تلخ و ناخوش بود دلیل کند که از مردی بخیل [illegible] سخن زشت شنود و اگر بیند که از مغز فندق روغن بیرون می آورد دلیل کند که از مردی بخیل بعد از [illegible] منفعت بیند جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که مغز فندق بخورد و بطعم شیرین و خوش بود دلیل کند که بعد از رنج و عنا مال حلال یابد

فوطه ابن سیرین گوید فوطه در خواب شادی [illegible] باشد و اگر بیند که جامه فوطه از پنبه بود که پوشیده داشت دلیل کند که راحت و آسانی بیابد خاصه که نو و فراخ باشد و اگر بیند که چرکن و کهنه و دریده بود تاویلش بخلاف این باشد جابر مغربی گوید اگر بیند که جامه فوطه پوشیده بود و مستور بود دلیل بر زیادتی ستر و صلاح و خیرات کند و اگر بیند که فوطه داشت [illegible] بود دلیل کند که توبه کند و راه صلاح و صواب جوید جابر گوید اگر پادشاه بیند که فوطه داشت دلیل کند که عدل و داد و نیکوئی بجای آورد و اگر قاضی بیند که فوطه داشت دلیل کند که قضا براستی کند و اگر مشرک بود دلیل کند که مسلمان شود و سایر اشخاص را برین قیاس باید کرد

در تعبیر چیزهائیکه اول اسما قاف است

قم

قاضی ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که قاضی شده بود و در میان مردمان داوری میکرد و از اهل قضا نبود دلیل کند که در رنج و بلا افتد و مال از دست او برود و اگر بیند در خواب عالم باشد دلیل کند که قاضی شود و یا مهتری یابد و کارش با نظام گردد کرمانی گوید اگر کسی قاضی معروف را بخواب بیند دلیل کند که بمنزلت علما و بزرگان دین برسد و اگر قاضی را مجهول بیند تاویلش بخلاف آن است جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که قاضی بروی حکم کرد دلیل [illegible] بود که در خواب دید و اگر بیند که قاضی ترازو در دست داشت دلیل کند که حکم در میان مردمان براستی کند و اگر بیند که قاضی بمهر و شفقت در روی نگاه کرد و با وی سخن بلطف و مدارا گفت دلیل کند که او را بنزدیک اهل علم جاه و منزلت و قرب باشد و اگر بخلاف این بیند تاویلش بخلاف باشد

قافله ابن سیرین گوید قافله در خواب [illegible] بود و اگر اهل قافله مردمان صالح دلیل بر خیر و صلاح و کارهای نیکو کند و اگر مردمان قافله مفسد بود تاویلش بخلاف این باشد و اگر بیند که در قافله سوار بود دلیل کند که او را مال و نعمت حاصل شود و شرف و بزرگی یابد و اگر در قافله پیاده و تنها بود تاویلش بخلاف این باشد کرمانی گوید اگر بیند که با قافله بسوی خانه خویش می آمد دلیل کند که کارهای بسته بروی گشاده گردد

قالب بدانکه قالب بتازی کالبد هر چیزی بود ابن سیرین گوید قالب کفش و موزه در خواب خادم زنان باشد و اگر بیند که قالبی داشت یا کسی بوی داد دلیل کند که خادمی او را حاصل شود که آن خادم زنان وی را خدمت کند و کارشان [illegible] و اگر بیند که آن قالب بشکست یا بسوخت دلیل کند که آن خادم هلاک شود یا از او جدا گردد جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که قالب بسیار داشت دلیل کند که او را از خادمان خیر و منفعت رسد و اگر بیند در خواب کفش دوز یا موزه دوز باشد بهتر باشد

قالی ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که از بهر وی قالی بزرگ فراخ گسترده بودند و داند که ملک وی است دلیل کند بر درازی عمر و فراخی روزی وی و اگر بیند که در خانه یا در جایگاه خود بر روی قالی فراخ بزرگ نشسته همین دلیل کند و اگر بیند که در خانه بیگانه قالی از بهر وی گسترده بودند و ندانست که آنجا جایگاه کیست دلیل کند که احوال برای تغیر شود و در غربت بمیرد کرمانی گوید اگر بیند که بر قالی کوچک نشسته بود دلیل کند که عمرش کوتاه بود و روزی بر وی تنگ شود و اگر بیند که قالی تنگ و کهن بود همین دلیل کند جابر مغربی گوید اگر بیند که قالی در نشسته بود و بر دوش برداشت دلیل کند که از جای خویش بجای دیگر رود و عمرش اندک بود و اگر بیند که بر قالی [illegible] نشسته بود دلیل کند بر کمی عمر و نقصان معیشت اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که بر قالی فراخ گسترده نشست و او را بدست خویش در نشست [illegible] خوان نهاد دلیل کند که دولت و اقبال یابد و از عز و دولت خود [illegible] و اگر بیند که قالی بر پشت نهاده و می برد دلیل کند که تیره و کج کار شود و اگر بیند که آن را بر گردن نهاد دلیل کند که [illegible] بروی جمع گردد و [illegible] فرماید اگر بیند که قالی سبز و پاکیزه داشت دلیل کند که نعمت بجای فراخ گردد و اگر بیند که در خانه [illegible] قالی [illegible] بود دلیل

که خداوند خانه را دولت و اقبال رسد و اگر بیند که قبا در تشت بکشید و میرود و مرده در پیش وی آمد و با او سخن گفت دلیل کند
که بسفر رود و ویرا مال و نعمت حاصل شود **قبا** ابن سیرین گوید قبای کرباسی پناه و قوت سفر باشد و اگر بیند که قبای فراخ
سفید پوشیده بود دلیل کند که از غمها فرج یابد و اگر بیند که قبای حریر پوشیده بود دلیل کند که از پادشاه یا مردی بزرگوار
شرف و منزلت یابد اما در دین تباه گردد زیرا که مردان را در شرع قبای ابریشمین نیکو نباشد مگر بوقت رزم در پوشند
کرمانی گوید اگر بیند که قبای ابریشمین داشت و بحرب دشمن میرفت دلیل کند که اگر سپاهی بود از پادشاه بزرگی یابد و اگر سپاهی
نبود کارش نیک شود و اگر بیند که قبا برنگ سبز یا سپید بود دلیل کند که دینش زیاده شود و اگر برنگ زرد بود دلیل
که بیمار شود و اگر برنگ سرخ بیند منفعت یابد و اگر کبود بیند مصیبت باشد و اگر سیاه بیند دلیل بر غم و اندوه کند و اگر کو
بیند کار بر تن غم و اگر بیند که قبای کهنه و دریده بود دلیل کند که نقصان در مال وی پدید آید و اگر بیند که قبا از تن وی بیرون
کردند دلیل کند که زن را طلاق دهد یا از او جدا شود جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که قبای اطلس داشت یا خام اگر از اهل قبا بود
دلیل کند که اقبال دنیا یابد و عز و جاه وی زیاده شود و اگر نه از اهل قبا بود دلیل بر غم و اندوه باشد و اگر بیند که قبای پوستین سفید
یا سیاه پوشیده بود دلیل کند که زن خواهد یا کنیز بخواهد و از او خیر و منفعت بیند و اگر بیند که قبا از پوست روباه بود دلیل کند که زنی
بدکار بخواهد و اگر از پوست سمور بیند دلیل کند که زنی بخواهد که بکار حریص باشد امام ع فرماید دیدن قبا در خواب بر شش وجه باشد
یکم پناه دوم قوت سیم حجت چهارم منفعت پنجم حکمت ششم ریاست از پادشاه **قباله** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که خط و قباله
داشت دلیل بر درستی قباله و حجت بود و حکمت او را نیز حاصل شود و اگر بیند که قباله ویرا کسی بدزدید دلیل کند که خصم حجت وی را باطل
کند و اگر بیند که پادشاه قباله بوی داد دلیل کند که ویرا بر ولایتی رئیس کند و اگر بیند که قباله قاضی بوی داد دلیل کند که ویرا علم و حجت
شرعی حاصل شود امام ع فرماید دیدن قباله در خواب بر شش وجه بود یکی ولایت دوم قوت سیم حجت چهارم منفعت پنجم
حکمت ششم ریاست بر مردمان جاهل **قپان** بدانکه قپان بپارسی کپان گویند ابن سیرین گوید دیدن قپان در خواب مردی خوکواره
بود و بعضی گویند قپان در خواب ... بود که میان عدل و ظلم ... جابر مغربی گوید قپان در خواب دلیل بر قاضی
بود و اگر بیند که قپان داشت دلیل کند که او را با وکیل قاضی مصاحبت افتد و اگر بیند که بقپان چیزی میسنجید دلیل کند که او را با
قاضی گفتگو بود و ترک وی بگوید **قبله** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که بجانب قبله نماز میکرد دلیل کند که براه دین و سنت رسول ع
صادق باشد و اگر بیند که بجانب مشرق یا مغرب نماز میکرد دلیل کند که براه روشن رسول ص نگذشته باشد و اگر بیند که پشت بقبله
نماز میکرد دلیل کند که در دین او خلل افتد و اگر بیند که قبله را نمی‌شناخت دلیل کند که براه دین متحیر و سرگشته باشد **جبه** بدانکه جبه

بپارسی

بتازی کنبه بود و تاویل آن در حرف کاف بیان شود **قدح** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که قدح پر آب یا جلاب داشت یا کسی
بوی داد و از آن بخورد دلیل کند که زن خواهد یا کنیزک که فرزند صالح و پارسا و پادار آورد و از وی خیر و منفعت یابد زیرا که این
گوهر زنان است و آب در وی فرزند باشد و اگر بیند که آب بریخت و قدح در دست وی بماند دلیل کند که فرزند او بمیرد و زن
بماند و اگر بیند که قدح تهی بود دلیل کند که ویرا فرزند نیاید امام ع فرماید دیدن قدح در خواب بر سه وجه باشد یکی زن دوم
کنیزک سیم خادمی که مشرف حوائج خانه باشد **قدید** بپارسی گوشت خشک بود ابن سیرین گوید خوردن قدید در خواب
غیبت مردمان باشد جابر مغربی گوید اگر بیند که قدید از گوشت گوسفند بود دلیل کند که غیبت مردمان مصلح و پارسا کند و اگر
بیند که قدید از گوشت گاو بخورد دلیل کند که غیبت پادشاه و مردمان بزرگ کند و اگر از گوشت شتر بیند دلیل کند که غیبت
مردمان بزرگوار کند و اگر از گوشت ... بیند که میخورد دلیل کند که مردم دهاقین را غیبت کند و اگر بیند که قدید از گوشت چهارپایان
وحشی میخورد دلیل کند که غیبت از مردم بیابان کند کرمانی گوید بهترین قدید آنست که از گوشت فربه باشد و از او بوی ناخوش نیاید دلیل
در خوردن گوشت قدید هیچ خیر نباشد **قرآن** بدانکه قرآن خواندن در خواب حق گفتن باشد ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که آیه
رحمت میخواند دلیل کند بر رحمت و بشارت که او را از ایزد تعالی برسد پس در جهت که خیرات کند و شکران کند و اگر
بیند که آیه عذاب میخواند دلیل بر خشم و غضب باشد از حق تعالی و جهت توبه کردن و اگر بیند که آیه از قصص میخواند دلیل کند
معصیت کند کرمانی گوید اگر بیند که بعضی از قرآن بخواند دلیل کند که بعضی از عمرش گذشته باشد و اگر بیند که حافظ قرآن شده بود و او
حافظ نبود دلیل کند که حافظ قرآن شود و امانت علم نگاه دارد و اگر بیند که آواز قرآن میشنید دلیل کند که کارش در راه دین
نیکو بود و اگر بیند که قرآن بر وی میخواندند و او هیچ فهم نمیکرد دلیل کند که غم و اندوه بوی رسد جابر مغربی گوید اگر بیند که جمله قرآن را
ختم کرد دلیل کند که مرادها یابد و بعضی از معبران گویند که عمرش باخر آمده باشد و اگر بیمار بود آخر عمر وی بود و اگر تندرست باشد
مال و نعمت بیقیاس یابد و اگر بیند که بآواز بلند قرآن میخواند دلیل کند که کار وی بلند شود و در میان مردمان با امر و شکر بود
اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که چهار ریک قرآن میخواند دلیل کند که کار وی نیکو گردد و مسلمانان بروی مبارک باشد و اگر کسی بیند
که قرآن میخواند و قرآن خوان نبود دلیل کند که اجلش نزدیک بود و اگر بیند که برهنه بود و قرآن میخواند دلیل کند که ...
دار بود و اگر بیند که نه بجایگاه پاکیزه قرآن میخواند دلیل است که در اعتقادش خللی باشد امام ع فرماید قرآن خواندن در
خواب بر چهار وجه باشد یکی سعادت یافتن دوم توانگری بماند در درویشی سیم مراد و کام یافتن چهارم بیماری و پرهیز فرمودن
کسی را که سوره بشنید و اگر کسی در خواب بیند که سورها تمام از قرآن بخواند بسیار خوبست و تاویل سورها در حرف سین بیان شود

قربان ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که گاو یا شتر یا گوسفند قربان میکرد دلیل کند که اگر بنده بود آزاد گردد و اگر در رنج
و بلا گرفتار بود رحمت و راحت یابد و اگر در بند بود خلاص شود و اگر درویش بود توانگر گردد و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر ترسان
بود ایمن گردد و اگر وام دار بود وامش گذارده شود و اگر حج نکرده باشد حج بگذارد و خاصه که این خواب بهنگام قربان کردن بیند
کرمانی گوید اگر بیند که گوشت قربانی بر مردمان قسمت میکرد دلیل کند که مردی محتشم در آن دیار بمیرد و مال وی قسمت کنند و اگر بیند که
گوشت قربان همی خورد دلیل کند که بر خدا دروغ گوید جابر مغربی گوید قربان کردن در خواب بشارت بود و اگر زن او در خواب بیند
بود و آبستن دلیل کند که ورا پسری مصلح و پارسا آید امام ع فرماید قربان کردن در خواب بر هفت وجه باشد یکی ایمنی دوم زایل
شدن غم و اندوه سیم رستن از ابتلا چهارم ظفر یافتن بر دشمن پنجم روا شدن مراد و حاجت ششم خیر و برکت هفتم زوال
فقر و تنگی **قرابه** ابن سیرین گوید قرابه در خواب کنیزک پری بود که مال خواسته بوی بسیار بود و اگر قرابه را پر آب یا جلاب یا چیزی
دیگر که خوردن آن حلال باشد بیند دلیل کند که کنیزک پر حلال خوار باشد و اگر در قرابه چیزی بیند که مستی آورد و آن پر و زن حرام خواره
باشد و بی فضل و بی امانت بود جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که قرابه داشت یا کسی بوی داد دلیل کند که او را با کنیزکی صحبت افتد و اگر
بیند که از آن قرابه آب یا جلاب میخورد دلیل کند که او را از آن کنیزک خیر و منفعت رسد از حلال و اگر بیند که از آن قرابه چیزی ترش
یا ناخوش خورد دلیل کند که از آن کنیزک غم و اندوه و مضرت بیند و اگر بیند که از آن چیزی حرام خورد دلیل کند که از آن کنیزک مال
حرام یابد و اگر بیند که قرابه بشکست دلیل کند که آن کنیزک بمیرد یا بگریزد که از وی جدا شود **قرنفل** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که
قرنفل بسیار داشت و از آن بهر کسی عطا داد دلیل کند که اهل دیار وی را مدح و ثنا گویند و [illegible] کرد و اگر بیند که
قرنفل میسوزد دلیل بر غم و مصیبت کند **قسمت** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که در میان مردمان چیزی بخیر و صلاح قسمت میکرد
دلیل کند که در میان مردمان انصاف نگاه دارد و اگر بیند که بخلاف شرع چیزی قسمت میکرد دلیل کند که انصاف نگاه ندارد
و اگر بیند که مال خود را بخیر و صلاح قسمت میکرد دلیل کند که فرزندان خود را زن دهد و مال خود بایشان قسمت کند و اگر بیند که مال خود
بشر و فساد قسمت کرد دلیل کند که حال و کارش پراکنده شود و بجمله اگر بصلاح چیزی قسمت میکرد دلیل بر صلاح و دیانت وی
کند و اگر بخلاف شرع چیزی را قسمت میکرد دلیل بر شر و فساد کند **قصاب** ابن سیرین گوید دیدن قصاب در خواب چون مجهول بود
ملک الموت است و اگر بیند که قصاب مجهول در سرای یا در کوچه درآمد دلیل کند که در آنجا کسی بمیرد و اگر بیند که خود قصاب است و قصاب
نبود دلیل کند که بقصد کسی را بکشد یا جراحت رساند و اگر بیند که با قصاب همراهی میکرد دلیل کند که او را با ظالمی صحبت افتد کرمانی
گوید اگر کسی بیند که قصابی میکرد و قصاب نبود دلیل کند که غم و اندوه بیند **قصه** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که قصه میگفت دلیل کند

که از ترس

که از ترس و بیم ظالمان ایمن گردد جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که قصه میگفت و در آن خیر و صلاح بود دلیل بر خیر و نیکویی کند
و اگر بخلاف این بیند دلیل بد بود و قصه گو در خواب مردی نیکو مخبر باشد **قضیب** بدانکه قضیب بتازی شاخ درخت را گویند اگر
کسی بیند که او را شاخ تازه داده و آن کس معروف بود دلیل کند که بقدر آن از آن کس چیزی یابد و اگر آن کس مجهول بود از شخصی بیگانه
چیزی بوی رسد جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که چوب و شاخ باریک از درخت او را بدو دادند و آن درخت ترش بود دلیل کند که از آن کس غم
و اندوه بوی رسد و اگر آن درخت شیرین بود تاویلش خیر و منفعت باشد و تاویل قضیب بمعنی [illegible] اهل زبان [illegible]
قطایف ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که قطایف میخورد با شکر و بادام کسی بوی داد و یا در پیش وی نهاده بود و بخورد
دلیل کند که بقدر آن وی را مال و منفعت آسان بدست آید و اگر بیند که قطایف بلوز جوز میخورد همین دلیل کند اما کمتر باشد و بهتر
از قطایف با شکر و عسل باشد که دلیل بر مال حلال کند امام ع فرماید دیدن قطایف در خواب بر چهار وجه باشد یکی سخن خوش و لطیف
دوم مال حلال سیم نعمت چهارم منفعت بی رنج و حلال **قفس** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که قفس داشت دلیل کند که در میان
جنگی گرفتار شود و باشد که او را در زندان کنند و اگر بیند که قفس را بشکست دلیل کند که از زندان خلاص شود امام ع فرماید
دیدن قفس در خواب بر سه وجه باشد یکی زندان دوم جای که تنگ باشد سیم سرای خاص چهارم لباس خوب و اگر بیند که مرغی در قفس بود
دلیل کند که آن کس [illegible] و حالش به شود **قفل** ابن سیرین گوید قفل در خواب دیدن دلیل بر ساختن کارهای دینی و
شدن آن بود و اگر [illegible] هیچ رنجی نخورد دلیل کند که کارهای دین و دنیا بروی گشاده گردد و
اسلام نصیب وی شود و اگر بیند که قفل را نتوانست گشاد دلیل کند که کارهای بسته بروی گشوده شود و اگر بیند که قفل بدشواری گشاد دلیل
کند که کار روی بدشواری برآید جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که قفل محکم بر جایگاهی نهاد که کالای وی را بنزد و کالای وی در آنجا بود دلیل کند که
مال خود را بکسی مصلح و پارسا سپارد و بروی اعتماد کند و اگر بیند که قفل سست و ضعیف بود تاویلش بخلاف این بود امام ع فرماید
دیدن قفل در خواب بر شش وجه باشد یکی ساختن کارها دوم قوت سیم حجت چهارم منفعت پنجم زن خوب ششم اعتماد داشتن
برکسی و قفل کرد در خواب مردی و مال باشد **قلم** بدانکه معبران در تاویل دیدن قلم در خواب خلاف بسیار است ابن سیرین
گوید قلم امر حق است جابر مغربی گوید که قلم فرشته ایست که بفرمان او کار میکند و اگر کسی قلم را بضرورت در دست بیند
دلیل کند که با پادشاهی عاقل او را فرزندی عالم و فاضل آید خاصه که بیند بدان چیزی مینوشت امام ع فرماید دیدن قلم در
خواب بر پنج وجه باشد یکی امر حق دوم فرشته سیم توانگری چهارم حقیقت کردار پنجم قلم است **قلیه** ابن سیرین گوید قلیه گوشت
در خواب اگر با [illegible] باشد بهتر بود و اما اگر از گوشت گوسفند بود دلیل کند که مال برنج و سختی حاصل کند و اگر قلیه از گوشت گاو خورد

دلیل کند که در آن سال از ترس و بیم ایمن باشد و اگر قلیه از گوشت بز یا بزغاله خورد دلیل کند که او را مالی اندک حاصل شود و حاجت برآید
گوید اگر بیند که قلیه از گوشت سبز خورد دلیل کند که برنج و سختی او را از پادشاه مالی بدست آید و اگر بیند که قلیه از گوشت شتر میخورد
دلیل کند که مال از مردی بزرگوار بدست آورد و اگر بیند که قلیه از گوشت چهارپایان وحشی میخورد دلیل کند که از مرد بیابانی مال
برنج و سختی بدست آورد و اگر از گوشت مرغان بیند دلیل کند که او را از جانب زنان او را بمکر و حیله مال حاصل شود و اگر قلیه از گوشت
ماهی بیند که میخورد دلیل کند که با مهتری انباز شود و از او منفعت بیند و اگر خداوند خواب مستور بود و اگر مفسد باشد دلیل کند بر غم
و اندوه و اگر قلیه از گوشت چهارپایان حرام خورد دلیل بر مال حرام کند **قمار** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که قمار باخت و بر
خصم غالب شد دلیل کند که بر دشمن ظفر یابد و اگر خصم بر وی غالب شد تاویلش بخلاف این باشد کرمانی گوید اگر کسی بیند که بقمار چیزی
ببرد دلیل کند که بر دشمن ظفر یابد و مرادش حاصل شود و اگر بخلاف این بیند مرادش بر نیاید و از مردمان ملامت یابد امام
فرماید قمار باختن در خواب بر چهار وجه باشد اول مشغول شدن بشغل باطل دوم معصیت سیم ملامت مردمان سیم مشقت چهارم خصم
و زخم **قند** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که قند میخورد دلیل کند که کاری بتعجیل کند و از آن کار پشیمان شود و اگر قند بکوبد زرد
دلیل کند که بیمار شود و اگر بیند که کسی پاره قند در دهان وی نهاد دلیل کند که آن کس را بوسه دهد یا سخن نیکو گوید جابر مغربی
گوید اگر کسی بیند که قند بخورد از دست دلیل کند که بعد از آن وی را مال و نعمت حاصل شود و دزدیدن قند در خواب دلیل بر مضرت و زیان
کند و خریدن نیکو باشد **قندیل** ابن سیرین گوید قندیل افروخته در خواب دلیل بر توفیق عبادت کند خاصه که آبگینه و چراغ و قندیل
روشن بیند و اگر ناافروخته بیند بتاویل بد باشد و اگر کسی بیند که در خانه وی قندیل افروخته بود دلیل کند که زن صالح و پارسا بخواهد
حذیفه از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام پرسید مرا در خانه خویش قندیل افروخته دیدم و میگفتم این قندیل را از کجا آوردم
فرمودند که ای حذیفه زن داری گفت نه فرمود زن خواهی کرد با جمال و مال بسیار پس در همان سال زنی بدین صفت خواست اگر بیند قندیل
خاموش شد دلیل کند که توفیق یابد امام فرماید دیدن قندیل در خواب بر چهار وجه باشد اول زن خواستن دوم توفیق طاعت سیم
عز و دولت دنیا چهارم گشایش کارهای بسته **قنوت** ابن سیرین گوید قنوت در خواب دلیل کند که مردمان او را مدح و ثنا گویند و
حاجتش روا گردد و بر دشمن ظفر یابد جابر مغربی گوید قنوت در خواب دلیل کند که مردم مصلح و پارسا را روا شدن حاجت بود
و اهل مردمان گشایش کارهای دینی و آخرتی بود **قوس قزح** بدانکه قوس قزح بپارسی در خواب کمانه آسمان باشد
و در حرف کاف بیان کنیم و دیدن آن دولت و اقبال باشد **قیامت** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که قیامت برپا بود دلیل کند که در میان
در دنیا عدل گسترد و اگر اهل آن دیار ظالم باشند دلیل آفت و بلا باشد که بدان اهل دیار رسد و اگر اهل آن دیار مظلوم باشند

ایشان

ایشان را بر ظالمان نصرت بود کرمانی گوید اگر کسی بیند که قیامت برپا است دلیل کند که اگر مظلوم باشد بر ظالمان دست یابد و اگر در
محنت و غم باشد از غم فرج یابد و اگر بیند که علامتی از نشان قیامت شد چنانکه آفتاب از مغرب برآمد یا دجال و یاجوج و ماجوج پدید
آمد باید از گناه توبه کند و بخدا باز گردد و اگر بیند که گورها بشکافت و مردمان بیرون آمدند دلیل کند که بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند
که وی را برانگیختند باید از گناه توبه کند و رضای خدا جوید و اگر خود در شمار بود تاویل آن نعمت باشد و اگر بیند که با وی شمار بکردند
دلیل کند که او را زیان و غم رسد و اگر بیند که کردار وی بسنجیدند و نیکی وی بیشتر بود دلیل کند که سرانجام کار وی نیکو گردد و از سختی رستگاری
یابد و اگر بدی وی زیادت آمد تاویلش بخلاف آن باشد و همچنین نامه بدست راست و چپ دادن و اگر بیند که از گذشتن صراط
وی بدست او اگر از اهل صلاح است کارش نیکو گردد و اگر مفسد باشد کارش در خطر بود و اگر بیند که بر صراط است دلیل کند
که براه راست رود و اگر بیند که بر صراط نتوانست گذشت دلیل کند که براه خطا رود و باید توبه کند تا خدا از وی خشنود شود
امام فرماید قیامت اهل صلاح را بر چهار وجه بود یکی رستگاری دوم فرج از غم سیم بر دشمنان ظفر یافتن چهارم اقبال
و عاقبت با سعادت و اهل فساد را بخلاف این باشد **قبر** ابن سیرین گوید قبر در خواب زندان بود و اگر کسی بیند که قبر
با کسی بود او یا بخانه وی آورده شد یا بخانه میبرد این جمله دلیل کند که بقدر آن وی را مال و غنیمت حاصل شود و اگر بیند که قبر را
از خانه بیرون افکند یا بفروخت تاویلش بخلاف این باشد و اگر بیند که آتش در قبر افتاد و بسوخت دلیل کند که پادشاه وی را مصادره
کند و مالش بستاند و اگر بیند که قبر میخورد دلیل کند که چیزی حرام خورد و بعضی گویند از غم و اندوه رسد **قی** ابن سیرین گوید
اگر کسی بیند که قی بکرد دلیل کند که توبه کند و اگر بیند که قی کرد و میخورد دلیل کند که از بخل چیزی بر عیال خود نفقه کند که مانده
اگر کسی بیند که قی بکرد و آنچه بر آورد طعم ترش بود دلیل کند که بعد از توبه باز بسر گناه رود و دیگر است از گناه باز گردد و اگر بیند
که بهنگام قی چیزی از شکم وی بر نیامد دلیل کند که بسیار ضعیف شود و اگر بیند که بلغم بر آورد از بیماری شفا یابد و اگر بیند که خون
بسیار بر آورد دلیل کند که بمیرد و اگر اندک بر آورد او را زیان مال بود و اگر بیند آنچه در شکم بود بر آورد دلیل کند که هلاک
شود امام فرماید قی کردن در خواب بر شش وجه بود یکی توبه دوم پشیمانی سیم مضرت چهارم از غم رستن پنجم امانت باز دادن
ششم گشادن کارهای بسته و هم او فرماید اگر بیند که قی کرد و بخورد دلیل کند که چیزی از کسی بگیرد و باز پس دهد **در تعبیر چیزها
که اول آنها کاف است از حروف تهجی** **کاچی** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که کاچی با روغن بپخت و شکر میخورد دلیل
کند که وی را با شخصی نیکو صحبت افتد و از او خیر و منفعت بیند و اگر بیند که کاچی بی روغن و انگبین بخورد دلیل کند که بقدر آن
و خیر بیند و اگر بیند که کاچی به نمک میخورد دلیل کند که او را از کسی رنج و سختی آید و منفعت رسد و اگر بیند که کاچی با شکر بپخت

بخورد دلیل کند که ویرا مال و منفعت بدست آید و اگر بیند که کاچی یا چیزی ترش بخورد ویرا غم و اندوه رسد و اگر بیند که از کاچی
هیچ نخورد بسیار خوب باشد **کارد** ابن سیرین گوید کارد بتاویل فرزند باشد و نیام کارد زن باشد و اگر بیند که کارد وی در دست داشت
دوست که ملک وی است و بجز اصلاح دیگر نداشت دلیل کند که او را فرزندی آید و اگر بیند که با کارد و سلاح دیگر داشت دلیل کند که
قوت دهنده که باید کرمانی گوید اگر کسی بیند که سلاح پوشیده داشت و کارد در دست داشت دلیل کند که ویرا از کسی قوت و پناه بود
و بعضی از معبران گویند دلیل بر غلامی بزرگ کند که پیشه رود جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که کارد از نیام بیرون کشید دلیل
کند که پسری آورد و اگر بیند که کارد در نیام بشکست دلیل کند که فرزند در شکم مادر بمیرد و اگر بیند که دسته کارد بشکست دلیل کند
که پدر یا کسی از خویشان بمیرد یا هلاک شود و اگر بیند که اندام خویش بکارد بخست دلیل کند که او را ابتدا رنج اندام زیاد رسد و اگر
بیند که بکارد چیزی می تراشید دلیل کند که از کسی ویرا خیر و منفعت رسد یا کاری کند که از آن کار ویرا خیر و منفعت رسد و اگر بیند
که در کارد وی رخنه افتاد یا زنگ گرفته یا عیبی در او بود دلیل کند بر نقصان مال وی یا رفعت فرزندش بود بجهل و کم خردی امام
فرماید دیدن کارد در خواب بر هفت وجه باشد یکی حجت دوم فرزند سیم ظفر یافتن چهارم پناه پنجم برادر ششم توانا هفتم ولایت
کارزار ابن سیرین گوید کارزار کردن در خواب علت طاعون بود و اگر بیند که کارزار میکرد دلیل کند که او را از علت طاعون
بیم بود و اگر بیند که در کارزار دشمن او را قهر کرد دلیل کند که در علت طاعون گرفتار شود کرمانی گوید اگر کسی بیند که با شمشیر یا نیزه یا تیر
کارزار میکرد دلیل کند که در میان ایشان جنگ و خصومت افتد **کازر** ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که کازری میکرد
و کازر بود دلیل کند که از گناه توبه کند و توفیق خیر یابد کرمانی گوید اگر بیند که جامه وی را کازری همی شست دلیل کند که توبه را بشکند و اگر
بیند که جامه [illegible] دلیل کند که از [illegible] توبه کند و اگر بیند که جامه وی شستن سفید شد دلیل کند که توبه وی خالص بود و اگر بیند که سفید
نشد [illegible] اگر بیند [illegible] شست و در بیوک سفید نشد دلیل کند که [illegible] بر گناه باشد جابر مغربی گوید کازر
در خواب مردی بود [illegible] جاری شود و اگر کازر این خوابها بیند تاویلش کمتر باشد از آنکه گفتیم امام
فرماید کازر در خواب مردی بود که غم از دل بزداید و بعضی از معبران گویند چون بیند که جامه شست و سفید دلیل کند که از غم فرج یابد
کار ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که کار دنیا میکرد دلیل بر رفع و نقصان دین کند و اگر بیند که کار نیکو میکرد دلیل بر صلاح احوال
این جهان بود و اگر بیند که بکاری مشغول شد که نه خود و نه غیر را از آن منفعت بود دلیل کند که بکار باطل مشغول شود **کاریز** ابن
سیرین گوید اگر کسی بیند که در جایگاهی معروف کاریز میکند دلیل کند که با کسان خود مکر و حیله سازد و اگر بیند که در جایگاهی مجهول
کاریز میکند دلیل کند که با مردم بیگانه مکر و حیله سازد و این تاویل که گفتیم در وقتی است که از کاریز آب بیاید و چون بیند که آب

آمد و روان گشت تاویلش بخلاف این باشد جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که باغ را از کاریز آب میداد دلیل کند که با زن خود
مجامعت کند و کاریز کن در خواب مردی بود که کارها بمکر و حیله سازد **کاسه** ابن سیرین گوید کاسه در خواب چون در
وی چیزی نبیند که بخورد دلیل کند بقدر آن در سفر روزی حلال حاصل کند و کاسه سفالین روزی بود که در وطن حاصل شود
و کاسه تهی در خواب فرومایگی و بیکاری از کسب و عمل خویش بود کرمانی گوید کاسه طعام در خواب خادمی بود که بدست او
و مال حاصل کند و کاسه زرین و سیمین که در او خورند بود و مال حرام باشد و کاسه سفید روی و قلع دلیل بر حلال و روزی اندک بود
و کاسه آبگینه دلیل بر زن کند جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که در کاسه خوردنی خوش طعم و شیرین بود دلیل بر منفعت و مال کند و اگر
در کاسه چیزی ترش و ناخوش بیند دلیل بر غم و اندوه کند و کاسه تهی بر مفلسی و مضرت دلیل کند **کاغذ** ابن سیرین گوید کاغذ در خواب
دلیل بر مال و زر باشد اگر کاغذ سفید بیند دلیل کند که بقدر آن مال و زر یابد و اگر بیند که در آب افتاد و یا در آتش بسوخت
دلیل کند که در زر که مال او نقصان شود کرمانی گوید کاغذ در خواب علم و دانش بود چون خداوند خواب مصلح و پارسا باشد
و اگر بیند که کاغذ بسیار داشت دلیل کند که در علم و فضل شهرت یابد و اگر بیننده مفسد باشد تاویلش بخلاف این باشد امام
فرماید دیدن کاغذ در خواب بر چهار وجه بود یکی مال دوم زر سیم دانش چهارم مکر و حیله و اگر کاغذ پاکیزه بخواب بیند
و او مصلح بود مال و دانش و زر یابد و اگر بیننده خواب مفسد بود کار را بمکر و حیله پردازد و در راه دین [illegible]
بود **کافر** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که کافر شده بود دلیل کند که او را علت کفر میل بود و اگر بیند که گبر شده بود و آتش پرستید دلیل
کند که بر خدا عاصی شود و بحرمت پادشاه ظالم پیوندد و اگر بیند که آن آتش شعاع نداشت دلیل بود که مال حرام بدو [illegible]
بمال حرام فروشد امام [illegible] فرماید کافر شدن در خواب بر سه وجه باشد یکی [illegible]
[illegible]
بود سیم خذلان خدای تعالی او را **کافور** ابن سیرین گوید کافور در خواب [illegible]
بوی [illegible] از او بوی کافور همی آمد دلیل کند که نیکو نام باشد [illegible] کافور بر خویش
مالید دلیل کند که احسان و نیکوئی بسیار کند و اگر بیند که اندکی کافور یافت دلیل کند که بشارت و شادی یابد و اگر بسیار یافت
و بیش از منفعت بسیار بود امام فرماید دیدن کافور در خواب بر هفت وجه بود یکی مرد عالم دوم زن سیم دوست چهارم
کنیزک خوبروی پنجم مال ششم ثنا و آفرین هفتم [illegible] **کاه** ابن سیرین گوید دیدن کاه در خواب مال حلال و منفعت بود
که بدست آید اگر کاه جو بود آنچه گفتیم کمتر باشد کرمانی گوید اگر کسی بیند که آتش در کاهدان وی افتاد و بسوخت دلیل کند که پادشاه او را
کند و مال او بستاند و اگر بیند که چهارپا کاه وی بخورد دلیل کند که بجهل و نادانی مال خود را بر طرف کند امام [illegible] فرماید دیدن کاه

خواب بر سه وجه باشد یکی مال حلال دوم کسب و معیشت نیکو سیم کام روا یافتن و رشد و نما **کاهو** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که کاهوی
شیرین بوقت میخورد دلیل کند که بقدر آن ویرا خیر و منفعت رسد و اگر بیند که کاهو نه بوقت میخورد دلیل بر غم و اندیشه کند و اگر
بیند که کاهوی تلخ میخورد دلیل کند که او را مضرت و زیان رسد و بعضی از معبران گویند او را مضرت با کسی گفتگو بود **کاورس**
ابن سیرین گوید کاورس در خواب مال خواسته بود که برنج بدست آید بقدر آنکه دیده باشد و اگر بیند که کاورس میخورد دلیل کند
که او را مضرت رسد و خوردن کاورس [illegible] دلیل [illegible] باشد کرمانی گوید کاورس در خواب مال اندک بود و خیر و نفع او اندک بود چون کم باشد
گاو دانیال فرماید اگر کسی بیند که بر گاوی نشسته بود و دانست که ملک اوست دلیل کند که از پادشاه عمل گیرد و از آن عمل
ویرا مال بسیار حاصل شود خاصه که گاو سیاه باشد و اگر بیند که گاو زرد بود دلیل کند که بیمار شود و اگر بیند که گاوی در منزل
خانه وی در آمد [illegible] دلیل کند که امسال از عمل خویش [illegible] حاصل کند و اگر بیند که آن گاو بارور بود و در منزل او
در آمد دلیل کند که خیر و روزی بر وی گشاده گردد و حالش نیکو شود [illegible] و اگر بیند که او را گاوان بسیار
بود دلیل کند که [illegible] بسیار [illegible] باشد کرمانی گوید که گوشت گاو [illegible] مال بود و پوست او میراث [illegible] گاوان [illegible]
بیند دلیل کند که مهتران بزرگ حاکم شود و در [illegible] برکت پدید آید و اگر بیند که گاوی بکشت دلیل کند که در آن محله
مردی محتشم بمیرد و اگر گاوان بسیار در رنگهای مختلف بیند که در آن موضع [illegible] شده دلیل کند که [illegible] شود و روزی
فراخ گردد و اگر بیند که با گاوان زمین را [illegible] دلیل کند که مال و نعمت بی اندازه [illegible] اسمعیل اشعث گوید اگر کسی بیند که
او را با گاو [illegible] جنگ بود دلیل کند که او را [illegible] حکم و خصومت افتد و هر کدام که در خواب غلبه کرده [illegible]
باشد ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که ماده گاوی فربه داشت دلیل کند که ویرا در آن سال فراخی بهره رسد و اگر ماده گاو را [illegible]
تاویلش بخلاف این باشد و گوشت ماده گاو مال و فراخی نعمت بود و اگر بیند که ماده گاو را [illegible] شیر وی میخورد دلیل کند که
مالش افزون شود و خیر و برکت بیند و اگر این خواب را بنده بیند دلیل کند که آزاد گردد و یا [illegible] خواجه [illegible] کند و اگر بیند
[illegible] او چند مال و نعمت بسیار حاصل کند و اگر [illegible] بیند [illegible] و اگر ماده گاو را آبستن بیند در آن سال [illegible]
زیادت شود جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که گوشت ماده گاو فربه میخورد دلیل کند که در آن سال [illegible]
[illegible] و از آن شیر نخورد دلیل کند که مال بسیار جمع کند و از آن خرج نکند و اگر بیند که ماده گاو با وی سخن گفت دلیل کند که روزی
بر وی فراخ شود و اگر بیند که ماده گاو در پیش وی در آمد دلیل کند که در آن سال [illegible] بود و بر وی مبارک باشد و اگر بیند که
[illegible] سال [illegible] باشد امام جعفر صادق فرماید دیدن گاو در خواب بر شش وجه باشد یکی فرمان دوم مال و منفعت سیم [illegible]

چهارم ریاست پنجم نیکوئی ششم سال نیک و گاو وحشی در خواب مال و منفعت بسیار بود و گوشت و پوست وی همین تاویل
گاومیش ابن سیرین گوید گاومیش در خواب مردی بود با قوت و قدرت تمام و گاومیش چون گاو نر بود و ماده گاومیش زن
[illegible] جابر مغربی گوید گاومیش نر در خواب مردی بود که از او بر وی منفعت رسد خاصه چون بیند که گاومیش مطیع
و فرمانبردار وی بود و گاومیش ماده بمنزله ماده گاو باشد **گاوزبان** بدانکه گاوزبان از انواع نباتات است ابن سیرین گوید اگر کسی
بیند که گاوزبان میخورد دلیل کند که غمگین و دلتنگ شود جابر مغربی گوید گاوزبان خوردن در خواب خصومت و گفتگو بود و دیدن
و خوردنش هیچ چیز نباشد **گوشت** ابن سیرین گوید گوشت پخته در خواب بهتر از خام باشد اگر بیند که کباب از گوشت گوسفند
میخورد دلیل کند که بقدر آن مال بمشقت و سختی حاصل کند و اگر بیند که کباب بر خانه میخورد دلیل کند که از کسی مال اندک او را حاصل شود
جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که کباب از گوشت [illegible] میخورد دلیل کند که مال بدست آورد و اگر از گوشت شتر میخورد خیر و نفع از [illegible]
بیند **گبر** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که گبر بخورد و یا جمع میکرد دلیل کند که اندوهگین شود خاصه که [illegible] که خوردنی
[illegible] هیچ [illegible] نباشد **گبر شدن** ابن سیرین گوید اگر در خواب بیند که گبر شد دلیل کند که [illegible]
دنیا باشد جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که گبر شد دلیل کند که محبت اهل دنیا [illegible] سلطان [illegible]
و اگر بیند که گبر بود و مسلمان شد دلیل کند که از [illegible] توبه کند و بکار خیر مشغول شود **کبک** ابن سیرین گوید کبک در خواب [illegible] بود
با کنیزک با جمال اگر بیند که کبک گرفت دلیل کند که [illegible] بخواهد و اگر بیند که کبک بخرید دلیل کند که کنیزکی با جمال بخرد و اگر بیند
که کبکی [illegible] بگرفت همین تاویل دارد و اگر بیند که گوشت کبک میخورد او را [illegible] حاصل شود کرمانی گوید اگر کسی بیند که کبکی
[illegible] دلیل کند که دوشیزه [illegible] دختری با جمال بستاند و اگر بیند که کبک نر بگرفت او را پسری خوبروی آید [illegible]
جابر مغربی گوید کبک نر در خواب پسر [illegible] و ماده دختر و کنیزک باشد و اگر بیند که کبک [illegible] دلیل کند که
[illegible] کنیزک [illegible] امام جعفر صادق فرماید کبک در خواب بر چهار وجه است یکی پسر دوم دوست خوبروی سیم [illegible] چهارم
کام و مراد یافتن **کبوتر** ابن سیرین گوید کبوتر در خواب زنان بود و یا کنیزک اگر بیند که گوشت کبوتران میخورد دلیل کند که او را
از مال زنان چیزی بدست آید و اگر بیند که کبوتری بکشت و بیفکند دلیل کند که [illegible] بسبب [illegible] و اگر بیند که کبوتر [illegible]
دلیل کند که [illegible] شفقت بیند و بعضی از معبران گویند کبوتر بچه در خواب [illegible] کرمانی گوید اگر کسی بیند که
کبوتری [illegible] دلیل کند که [illegible] و اگر بیند که کبوتر از خانه وی بپرید دلیل کند که زن را طلاق دهد و اگر بیند که کبوتر [illegible]
[illegible] دلیل کند که [illegible] جابر مغربی گوید کبوتر بچه در خواب دلیل [illegible] و اگر بیند که کبوتر [illegible]

بگرفت دلیل کند که زن کسی را بحیله بفریبد و اگر بیند که کبوتری از هوا در پیش وی آمد و مطیع او شد دلیل کند که از جائی که خبر ندارد
چیزی فایده بیند و اگر بیند که کبوتر را طعام میداد و نمیخورد رنجی بتعین کند اسمعیل اشعث گوید اگر کسی بیند که کبوتران بسیار برای جمع
شدند و دانست که آنها ملک اوست دلیل کند که ریاست و سروری کند و چیز بسیار بدو رسد و بهترین کبوتر در خواب آنست
که برنگ سفید یا سبز فام باشد و اگر بیننده زن بود دلیل کند که او را شوهری آید یا دختری آورد و کبوتر بازی در خواب کار
ناحق و باطل باشد و کبوتر خانه جای زنان و آزادان باشد امام جعفر ع فرماید دیدن کبوتر در خواب بر پنج وجه است یکی زن دوم ایزار سیم
مال چهارم نامه پنجم ریاست و بعضی از معبران گویند هر کبوتری در خواب صد درم بود که بیابد **کتاب** ابن سیرین گوید اگر کسی
در خواب بیند که کتاب نوشته میخواند دلیل کند که در راه زهد و ورع و دین گراید و کارهای بسته بروی گشاده شود و اگر بیند که
کتاب اخبار میخواند دلیل کند که بکاری مشغول شود که دیگران را از آن منفعتی بود و رنج و خصومت حاصل شود و اگر بیند که کتاب تفسیر
میخواند دلیل کند که بکاری مشغول شود که در آن صلاح دینی بود و اگر بیند که کتاب قصص میخواند دلیل کند که بر انبیاء و اولیا گرویده
باشد و اگر بیند که کلام الله میخواند دلیل کند که در سخنان غریب زیرک شود و اگر بیند که کتاب طب میخواند دلیل کند که بصلاح دیگران و
ابدان خود مشغول شود ولیکن او را زیادت نفعی نباشد و اگر بیند که کتاب شعر میخواند دلیل کند که مردمان او را ملامت کنند و اگر بیند
که کتاب سیر میخواند دلیل کند که بر مهتری دست نهد و او را از آن چیز و منفعت رسد و اگر بیند که کتاب هندسه میخواند دلیل کند
که بعلمی مشغول شود که مردمان او را دانا خوانند لیکن دین او را سود ندارد و پیوسته در دنیا متفکر شود و اگر بیند که کتاب حساب میخواند
دلیل کند که اندوهگین شود و همواره از بهر کار دنیا و اگر بیند که کتاب نجوم میخواند دلیل کند که غیبت مردمان کند و در میان خلق بدنام
رسوا شود **کتان** ابن سیرین گوید کتان در خواب مال حلال بود ولیکن آن کمتر از پنبه باشد و جامه کتان در خواب مبارک است
چنانکه در حرف جیم گفتیم کرمانی گوید دیدن تخم کتان در خواب دلیل بود بر مال و اگر بیند که تخم کتان میخورد دلیل کند که او را مال
از بزرگان حاصل شود و اگر خود را با کتان و تخم کتان در دشت دلیل کند که او را بقدر آن مال حاصل شود ولیکن برنجی …
و اگر بیند که آتش در کتان وی افتاد و بسوخت دلیل کند که پادشاه او را مصادره کند و اگر … دلیل کند که …
امام جعفر فرماید دیدن کتان در خواب بر سه وجه بود یکی مال حلال دوم منفعت سیم ستر **کتف** در خواب دیدن … بود
ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که کتف وی با قوت بود و … دلیل بر … و زیادتی جمال بود و اگر کتف را
ضعیف بیند تاویلش بخلاف این باشد کرمانی گوید اگر کسی بیند که کتف وی قوی بود دلیل کند که امانتی که در گردن دارد بگذارد
و اگر کتف خود را ضعیف بیند دلیل کند که … و اگر بر کتفهای بسیار بیند دلیل کند که امانت بگذارد

بعضی

و بعضی از معبران گویند اگر کسی بیند که بر کتف سوی … دلیل کند که از جائی که خبر ندارد مالی یابد **کج** ابن سیرین گوید دیدن کج
در خواب جنگ و خصومت بود و اگر بیند که کج فرا گرفت یا کسی بدو داد دلیل بر جنگ و خصومت کند و اگر بیند که کج بفروخت یا بکسی داد
دلیل کند که جنگ و خصومت از وی برطرف شود کرمانی گوید دیدن کج در خواب سختی بود در کارها و هر چند که آن کج درشت‌تر بود
خوابش بد باشد … و اگر بیند که کج میخورد دلیل کند که هلاک شود یا در رنج و بلا گرفتار شود **کحال**
کحال باشد که چشم مردمان را بصر گشاینده هر که او را بخواب بیند دلیل کند که کار وی بصلاح آید و از مشکلات براه راست گراید و اگر بیند که کحالی
میکرد و دارو در چشم مردمان میکرد دلیل کند که خلق را براه راست خواند و گمراهان را راه نماید و مردمان از او منفعت دینی حاصل
شود و اگر دارو … بود تاویلش بخلاف این باشد **گدا** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که گدائی میکرد و چیزی میخواست دلیل
کند که … خاصه که از در بار چیزی یابد کرمانی گوید اگر کسی بیند که از در بار چیزی خواست و کسی چیزی بدو نداد دلیل
که کار بر وی بسته گردد امام جعفر فرماید گدائی کردن در خواب بر چهار وجه باشد یکی … دوم منفعت سیم معیشت چهارم عز و جاه و اگر
مردمان چیزی بوی بدهند از آنچه گفتیم … **کدو** ابن سیرین گوید اگر کسی درخت کدو بیند که کدو بخانه او بود دلیل کند که جاه
و عزت و مالش افزون شود و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر بنده بود آزاد گردد و اگر کافر بود مسلمان شود و اگر مسافر بود بسلامت باز
آید و اگر فاسق بود توبه کند کرمانی گوید اگر کسی بیند که کدو یافت یا کسی بدو داد دلیل کند که از زن یا … یا پادشاه چیز و منفعت بیند
و اگر بیند که کدوی پخته میخورد دلیل کند که حاجتش روا گردد و توفیق طاعت یابد جابر مغربی گوید دیدن کدو در خواب بر سه وجه بود
یکی عز و جاه دوم منفعت و مال سیم نظام کارها **گربه** ابن سیرین گوید گربه در خواب مردی دزد بود و اگر بیند که گربه در خانه
وی درآمد دلیل کند که دزدی معروف در خانه وی درآید و اگر بیند که گربه چیزی از خانه او در ربود دلیل کند که آن دزد بیگانه بود و اگر بیند
که گربه را بکشت دلیل کند که دزد را قهر کند کرمانی گوید اگر بیند که از گوشت یا پوست گربه چیزی بخورد دلیل کند که از مال دزد چیزی
وی را حاصل شود و اگر بیند که با گربه جنگ میکرد دلیل کند که بیمار شود و اگر بیند که گربه را قهر کرد زود شفا یابد و اگر …
بیند این تاویلها صحیح‌تر باشد جابر مغربی گوید اگر بیند که گربه را از بهر پوست بکشت بیمار شود و بعضی از معبران گویند گربه در خواب
خادم خانه باشد … که گربه را در خواب بیند … بیمار شود و بهتر گردد و اگر بیند که گربه
بدو رسید … دلیل کند که او را با کسی جنگ و خصومت افتد امام جعفر فرماید دیدن گربه در خواب بر … وجه بود یکی دزد
دوم خائن سیم خادم چهارم … **گرد** ابن سیرین گوید
اگر کسی بیند که گرد بر چیزی … نشست دلیل کند که … و اگر بیند که گرد میان زمین و آسمان گرد …

همچون خضاب جمع شده دلیل کند که کاری پوشیده در آن موضع بوده باشد که از آن کار هیچگونه برآید ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که ولی او
پر لشکر شده بود دلیل کند که او را رنج و عقوبت رسد و اگر گرد او در زمین بیند که ملک او است دلیل کند که بقدر آن مال و خواسته
یابد امام جعفر صادق فرماید دیدن گردن در خواب بر سه وجه بود یکی دلیل دویم جاه و نعمت سیم عقوبت الله تعالی **گردن** دانیال گوید گردن در خواب
جایگاه امانت و دین بود اگر بیند که گردنش سطبر شده بود دلیل کند که او را در دین قوت بود و در امانت گذاردن نیکو باشد و اگر گردن
کوتاه و باریک بیند دلیل کند که در دین و امانت گذاردن ضعیف و عاجز بود و اگر بیند کسی او را بر گردن خویش گرفت دلیل کند که
آن کس قوی از او بود و در گذاردن حاجت سعی کند و اگر باری بر گردن خود بیند دلیل کند که زکوة مال نداده ابن سیرین گوید اگر کسی بر گردن
خویش گرانی بیند یا آنکه چیزی بر گردن داشت دلیل کند که بیمار شود اگر ماند گوید اگر کسی گردن خود را سطبر بیند دلیل کند که امانتی
گذارده و کار وی قوی گردد و اگر گردن خود را دراز بیند دلیل کند که امانت از گردن وی برخاسته بود هم از مال و هم از گواهی دادن
و اگر گردن خود را دراز بیند دلیل کند که امانت نزد او از گردن وی کوتاه شود و اگر گردن خود را سیاه بیند در امانت خیانت کند
و اگر بر گردن خود موی بیند دلیل کند که از جهت امانت گذاری وی بر او وام افتد و اگر موی از گردن خود سترده بیند دلیل کند که وام
گذارده شود و اگر گوشت از گردن خود بریده بیند دلیل کند که مال کسی که نزد وی بود ضایع شود و اگر گردن خود را کوفته بیند دلیل
کند که امانتی که نزد وی بود در وی خیانت کند جابر مغربی گوید اگر بیند که گوشت گردن کسی بخورد دلیل کند که بر آن کس دروغ گوید
امام جعفر صادق فرماید دیدن گردن در خواب بر پنج وجه بود یکی امانت دویم توانائی سیم خیانت چهارم وام پنجم بیماری **گردن بند** ابن سیرین
گوید اگر کسی بیند که گردن بند از مروارید سپید در گردن داشت دلیل کند که حق تعالی کلام خویش او را کرامت فرماید هر چند که جوهر گردن
بند بیشتر بود علم و دانش او بیشتر شود کرمانی گوید اگر بیند که بر گردن گردن بند زرین یا سیم و مرصع بجوهرهای گران داشت دلیل کند که بقدر آن بزرگی و شرف
و بزرگی یابد و باشد که امانتی در گردن گیرد و اگر بیند که بجواهر مرصع در گردن داشت دلیل کند که جاه و ولایت یابد و اگر آن گردن
بند بزرگ و دراز بود جاه و بزرگی یابد و اگر کوتاه بود تاویلش بخلاف این باشد و اگر بیند که گردن بندهای بسیار داشت دلیل کند که
در علوم بسیار کامل شود امام جعفر صادق فرماید دیدن گردن بند در خواب بر شش وجه باشد یکی حج اسلام دویم ولایت سیم حضرت چهارم
امانت پنجم سعادت ششم کنیزک هم او فرماید که چون گردن بند زرین باشد حج گردن باشد و ولایت و چون سیمین بیند کنیزک باشد
گردن زدن ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که وی را گردن زدند و سر از تن جدا شد دلیل کند که اگر بنده بود آزاد گردد و اگر بیمار بود شفا
یابد و اگر وام دارد وامش گزارده شود و اگر حج نکرده باشد حج کند و اگر غمگین بود شادمان شود و اگر ترس و بیم دارد ایمن
گردد و اگر کافر بود مسلمان شود و اگر بیند که بوقت گردن زدن سرش از تن جدا نشد این تاویل که گفتیم بخلاف این باشد و اگر این کس

بیند که شخصی او را گردن میزد معروف بود از اینها که گفته شد به وی رسد و اگر بیند که گردن زننده کودک نابالغ بود اگر بیمار بود از دنیا
رحلت کند کرمانی گوید اگر این کس که دید او را گردن میزدند توانگر و تندرست آزاد بود دلیل کند که از جای نیکو بجای بد افتد و مال و نعمت
او زوال یابد و درویش گردد یا هلاک شود و علی الجمله گردن زدن در خواب خداوند محنت و درویش را نیک بود و توانگر
را بد بود **گرده** دانیال گوید گرده در خواب مال نهان کرده باشد که پادشاه دفینه کند و اگر بیند که گرده بچه بریان کرده بسیار
داشت دلیل کند که بقدر آن مال نهان کرده بیابد جابر مغربی گوید خوردن گرده در خواب چون از جانوری بود که گوشت او
حلال بود دلیل بر یافتن مال حلال کند و اگر از جانور حرام گوشت بود دلیل کند بر مال حرام و بعضی از معبران گویند گرده در خواب فرزند
باشد که سبب منی با فرزند باشد و اگر از گرده منی حاصل میشود اسمعیل اشعث گوید اگر کسی بیند که گرده میخورد دلیل کند
که بقدر آن از مال پادشاه چیزی حاصل کند گرده گاو و گوسفند دلیل بر مال و منفعت کند و خوردن گرده دلیل کند که از مال
دشمن چیزی وی را حاصل شود و اگر بیند که گرده خام میخورد دلیل بر مال حرام کند **گردون** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که بر گردون
نشسته بود و اگر گردون می رفت دلیل کند که شرف و بزرگی یابد و اگر بیند که گردون بکار روان ایستاده بود و او بر گردون
نشسته بود دلیل کند که رنج و بیماری و بلا کشد و اگر بیند که پادشاه گردون بوی داد دلیل کند که از پادشاه بزرگی و منزلت یابد
امام جعفر صادق فرماید اگر کسی بیند که پادشاه گردونی بوی داد دلیل بر هفت وجه کند یکی ولایت دویم عز و جاه سیم مرتبت چهارم بزرگی
پنجم ثروت ششم حرمت هفتم رفعت **گرسنگی** ابن سیرین گوید گرسنگی در خواب بهتر از سیری باشد و سیری از آب بهتر از تشنگی
باشد و اگر بیند که گرسنه بود و چیزی نداشت که بخورد دلیل کند که حرص و آز بر وی غالب شود جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که گرسنه
شده بود دلیل کند که بقدر آن گرسنگی معصیت و گناه کند اگر چنانچه سبب گرسنگی از روزه داشتن نبود و اگر بیند که گرسنه
شده بود و چیزی خورد و سیر شد دلیل کند که از معصیت توبه کند و اگر بیند که آنچه خورد طعم آن شیرین و خوش بود دلیل کند که در توبه
ثابت قدم باشد و اگر بیند که آنچه خورد طعم ترش و ناخوش بود دلیل کند که توبه را بشکند امام جعفر فرماید گرسنگی در خواب بر چهار وجه بود
یکی نصرت دویم حرص از مال دنیا سیم معصیت و گناه چهارم طمع داشتن بر دیگران **کرسی** ابن سیرین گوید کرسی در خواب علم است
خداوند فرموده وسع کرسیه السموات والارض ابن عباس فرماید وسع یعنی علم کرسی گوید کرسی طاعت و قدرت خداوند است
و بعضی معبران گویند کرسی را تاویل آن بود که کامل و عاقل باشد جابر مغربی گوید تاویل کرسی در خواب اهل طبع بود و پادشاه و داری
که قوتی و کمال دارد و یا پادشاهی که کامل و عاقل باشد ~~جابر مغربی گوید تاویل کرسی~~ ... اگر کسی از زر دید ... بیند
در خانه او است دلیل کند که از دین و علما را نیک بود و چنانکه خواب را از سلطان عالم یا مرد عالم چیزی نیکی رسد و اگر

این چنین دلیل کند که کار او دین و علا به شود امام ع فرماید دیدن کرسی در خواب بر شش وجه بود یکی عدل دوم انصاف سیم
عز و شرف چهارم مرتبت پنجم ولایت ششم قدر و جاه و اگر بیند که بر کرسی آسمان نشسته بود دلیل کند که کار او بالا گیرد و قیمت
و قدر و جاه یابد و براد خود رسد و انصاف و عدل در میان مردم کند و این کرسی که در دو کرد بجای خیاره زن باشد و اگر بیند که
کرسی نو داکر نو رفت یا کسی بوی داد و بر وی نشست دلیل کند که زن خواهد و سبب زن وی را مال و بزرگی حاصل شود و اگر بیند که
کرسی از زیر وی بشکست دلیل کند که زن وی بمیرد یا او را طلاق دهد و اگر بیند که کرسی وی چلبه کهن بود دلیل کند که آن زن در پیشیه
و اگر بیند که کرسی داشت و بر وی نشست دلیل کند که زنی از بهر خدمت بخانه آورد **کرکی** بدانکه کرکی همچون کبوتر مرغی بود او را
تأویل بزن و کنیزک کنند ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که کرکی بگرفت یا کسی بوی داد دلیل کند که اگر عزب بود زن خواهد یا کنیزک
خرد و اگر بیند که کرکی از دست وی بپرید دلیل کند که زن را طلاق دهد یا کنیز بگریزد و اگر بیند که کرکی را بکشت و گوشت وی بخورد
دلیل کند که چندان آن مال زن میراث یابد و مرثیه کند امام ع فرماید دیدن کرکی در خواب بر شش وجه باشد یکی زن دوم کنیزک سیم خادم
کرچهارم خانه پنجم دست او ششم **کرکس** ابن سیرین گوید کرکس مهتر مرغان باشد و او از جمله مرغان قوی تر و تیز بین تر و دراز عمرتر باشد
و اگر بیند که کرکس را فرا گرفت دلیل کند که از مردی بزرگ و یا از پادشاه شرف و بزرگی یابد و جاه و حرمت حاصل کند کرمانی گوید اگر بیند که کسی
فرا گرفت و اندر هوا شد و بنزدیک آسمان رفت دلیل کند که سفری دور کند و در آن سفر شرف و بزرگی و مال و حرمت حاصل کند
و این امور حاصل شود بحد آنکه فرود بال کرکس با آسمان رفت و اگر بیند که کرکس وی را از هوا بر زمین افکند یا خود از چنگال کرکس بزیر
افتاد دلیل کند که از شرف و بزرگی بیفتد و کار وی تمام شود و اگر بیند که کرکس وی را با آسمان برد و در آنجا مقام کرفت دلیل کند
که در آن سفر بیمار شود و اگر از آنجا مقام نخست و باز بر زمین آمد دلیل کند که در آن سفر از پادشاه بزرگی یابد جعفر صادق گوید اگر کسی
بیند چنگال او میان دو کرکس شده بود زیرا که درشتی حلقه المرشح بصورت کرکس بود و اگر بیند که کرکسی وی را با کسی دیگر شکار همی کرد دلیل کند
که بیننده با بزرگان کند و اگر بیند که با کرکس نبرد میکرد دلیل کند که وی را با مردی بزرگوار جنگ و خصومت افتد و هر که او کرکس در خواب
غالب شد و در بیماری نیز چنان باشد و اگر بیند که بچه کرکس فرا گرفت دلیل کند که اگر زن دارد او را پسری آید و اگر زن ندارد
دختری و دوشیزه بزن بخواهد و اگر کرکس بر سر وی نشسته بیند دلیل کند که وی را بر دار کنند و اینان ع گوید اگر بیند که کرکس بکج شد و پیاده
فرود آمد دلیل کند که پادشاه بجان کوچه درآید و اگر بیند که مردم کوچه کرکس را کشته دلیل کند که آن پادشاه از مملکت و از ملک خود
شود یا هلاک شود و اگر بیند که کرکس چیزی بینداخت دهان خود بوی داد دلیل کند که از پادشاه عطا یابد امام ع فرماید دیدن کرکس در
خواب بر شش وجه باشد یکی بزرگی دوم فرمان روائی سیم ریاست چهارم ثنا و ستایش پنجم نیکوئی ششم عمر و ملک امام

ابن

کرمابه ابن سیرین گوید عمارت کردن گرمابه در خواب جهود و خراب کردن نیک و دیدن گرمابه در خواب غم و
اندوه باشد و خود شستن شادی و خرمی بود و آب نیم گرم نیک باشد و آب بسیار گرم غم باشد و اگر بیند که در گرمابه شد و خود را
پاک بشست دلیل کند که بعقد رنج و گرمی گرمابه رنج و اندوه یابد و اینها سبب زنان باشد که بدو رسد کرمانی گوید اگر بیند که
در گرمابه آهک و دیگر چیز بمالید و خود را پاکیزه کرد دلیل کند که از ترس ایمن شود و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر وام دار بود وامش گزارده
شود و اگر آهک بر خویش مالید و خود را پاک نشست دلیل کند که کار روی تمام نشود و اگر بیند که در گرمابه آب گرم خورد دلیل
کند که او را تب سخت گیرد یا علت برسام گیرد جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که در گرمابه شد و در وقت وی بشست و سر و تن را
نیز بشست دلیل کند که از غم و اندوه رسته گردد و اگر بیند که گرمابه شد بی آنکه بنشیند یا بشستن محتاج بود دلیل کند که غمگین
و وام دار شود و اگر بیند که در گرمابه جامه وی را از وی ببردند و برهنه ماند دلیل کند که بسبب کاری غمگین و رسوا شود امام ع فرماید
که دیدن گرمابه در خواب بر شش وجه باشد یکی زن دوم غم و اندوه و از جهت زنان سیم دین چهارم نابکاری پنجم دشمنی ششم
وام کرمانی گوید اگر بیند که گرمابه آبادان میکرد اگر مرد بود زن محتشم بخواهد و بشغل وی مشغول گردد و در رنج ای باز ماند و هم بشست
وی باشد و اگر زن بیند که در گرمابه بود دلیل کند که شوهر بخواهد **کرمان** کرمانی گوید اگر کسی بیند که کرمان در شکم او جمع شدند و علفها را
همی خوردند در شکم او دلیل کند که عیالان او از مال وی بخورند و اگر بیند که در خانه گوشت داشت و کرمان در وی افتاده بود و بیند و از آن
گوشت میخوردند دلیل کند که عیالان و دیگری از مال وی بخورند و اگر بیند که کرمان در تنش افتادند دلیل کند که مال و حشمت و عیال
بسیار او را حاصل شود و اگر بیند که کرمان از تن وی جدا شدند دلیل کند که از عیالان وی را رنج و گزند رسد و اگر بیند که از
سوراخ بینی او یا از گوش یا از مقعده وی کرمان بیرون می آمدند دلیل کند که در مال و عیالش نقصان افتد امام ع فرماید
دیدن کرم بر تن خویش بر سه وجه باشد یکی عیال دوم خدم و حشم سیم مال و خواسته **کره زدن** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که بر ریسمان
گره افکند دلیل کند که بر کاری که ازو در ربود احتیاط کند اگر بیند که گره از ریسمان بگشود دلیل کند که بر آن کار اعتماد نکند
و اگر بیند که چیزی را گره محکم بست دلیل کند که روزی وی بدان شغل بسته باشد چنانکه گشادن آن دشوار بود کرمانی گوید
گره در خواب دلیل بر بستگی کار و گشادن وی دلیل بر گشادن کار کند و هر چند گره سخت تر بود بستگی کارها نیز سخت تر و دشوارتر
تر بود و اگر بیند که گره را گشادن نتوانست دلیل کند که کارهای بسته بر وی بماند **کرد** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که در بغل گرد داشت
یا تن خود را بگرد و خاک دیده است دلیل کند که بر تن خود از گناه و معصیت برسد و اگر بیند که عیال خویش یا فرزند خود را بگرد و خاک داده است
دلیل کند که بر وی ستم و بیداد کنند و اگر بیند که کسی خود را در پیش کسی بگرد کرد دلیل کند که آنکس مظلوم بود و با شیم که کسی بر وی ظلم کند

گرمانا گوید اگر کسی بیند که خویش را او کوکرد دوین برف و تخته و اگر بیند که چیزی از متاع دنیا در پیش کسی بکرد دلیل کند که از بهر متاع
دنیا ویرا با کسی گفت‌وگوی باشد و باشد که از آن کس ویرا مضرت رسد **گریختن** ابن سیرین گوید گریختن در خواب رستگاری بود و اگر بیند
که از جانوری یا دشمنی بگریخت دلیل کند که از شر دشمن ایمن شود و بر دشمن ظفر یابد زیرا که موسی در خواب دید که از پیش
فرعون میگریخت پس از شر او رستگار شد جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که مردان از کودکان میگریختند دلیل کند که ویرا از بزرگی
گروهی رسد و اگر بیند که مردان از زنان میگریختند اگر از زنان مصلح و پارسا بودند تاویلش بد باشد و اگر از زنان نیک نباشند
بسیار خوب باشد امام [illegible] فرماید گریختن از دشمن در خواب نیک باشد و آنچه بخلاف این بود بد باشد **گریستن** ابن سیرین گوید گریستن
در خواب شادی و خرمی باشد چون با نوحه و فریاد نه نشسته باشد و زاری نکنند و اگر کنند مصیبت باشد و اگر بیند که از گریستن زنان
بمرده ای است دلیل کند که بر کار خیر او طعنه کنند گرمانا گوید گریستن در خواب شادمانه بود و هم ارزش چنان و در خواب بگناه
گریستن با قرآن خواندن یا در نماز نیک بود و اگر بیند که میگریست و اشک از چشم او می آمد دلیل کند که زیانش رسد و اگر بیند
که بجای اشک خون میگریست دلیل کند که از کردن کاری گذشته ندامت و حسرت خورد و اگر بیند که از بهر معصیتی میگریست با نوحه
و زاری کند دلیل کند که ویرا شادی و خرمی رسد امام [illegible] فرماید اگر کسی بیند که بگریست بجهازان بخندید دلیل کند که اجل وی
نزدیک شده باشد **گری** جامعه گری در خواب بد و زشتی بود و به خلاف هیچ کارها ابن سیرین گوید گری در خواب بجای این
و غم و اندوه و بسیج کارها باشد امام [illegible] فرماید گری در خواب بر چهار وجه باشد یکی درویشی دوم تباهی دین سیم غم و اندوه چهارم
بسیج کارها و نامرادی **گز** ابن سیرین گوید گز در خواب مردم بی چیز و منافق باشد و اگر بیند که برگ گز میخورد دلیل کند که
او را با مردی بی چیز منافق خصومت افتد و بعضی از معبران گویند دیدن گز در خواب دلیل بر فتنه و مصیبت کند **گزانگبین**
ابن سیرین گوید دیدن گزانگبین در خواب روزی حلال بهشت بود که بدو رسد و از آن علیهم المن و السلوی و اگر بیند که گزانگبین
در دشت بکسی میداد و از آن نمیخورد دلیل بر روزی حلال کند لیکن از آن چیزی نه بیند و اگر بخلاف این بیند از آن مال چیزی و راحت
بیند **کژدم** ابن سیرین گوید کژدم در خواب دشمن ضعیف بود که دین ندارد و بزبان مردم را بر نجاند و دوست و دشمن او نزد وی
یکسان باشد و اگر بیند که کژدم ویرا بگزید دلیل کند که دشمن ویرا سخن بد گوید و از او رنجور دل شود و اگر بیند که کژدم را بکشت
دلیل کند که بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که بر دستار کژدمی بود دلیل کند که مردی نزاد گوید و مردم را بکری اندازد و اگر بیند که
کژدم در دهان نهاد و بخورد دلیل کند که دشمن در خانه وی باشد و با وی مخالطت و مجالست کند [illegible] و اگر بیند که از کژدم
بترسید و کژدم ویرا نگزید دلیل کند که از دشمن ویرا گزند نرسد و بعضی گویند که با زنان مجامعت کند [illegible] کژدم

پیراهن وی بود دلیل کند که از دشمن ویرا مضرت رسد و اگر کژدم در سوراخ [illegible] چند دلیل کند که کسی با عیال او فساد
کند یا با کنیزک وی امام [illegible] فرماید دیدن کژدم در خواب بر سه وجه بود یکی دشمن دوم [illegible] سیم [illegible] سخن چین **کژدم جراره**
چه آنکه کژدم جراره جانوریست که در زمین خوزستان باشد و بر روی زمین می آید و چون کسی را زخم او رسد [illegible]
هلاک میشود و دیدن آن در خواب دشمنی باشد بر خود و اگر بیند که کژدم جراره ویرا بگزید دلیل کند که از چنین دشمنی
جان بجهد و اگر بیند که او را بکشت دشمن او هلاک شود **گزر** ابن سیرین گوید گزر در خواب خوردن و داشتن او
در خواب غم و اندوه باشد جابر مغربی گوید اگر گزر بطبع تلخ و ناخوش بیند غم و اندوه وی بیشتر بود و گزر در گوشت پخته
منفعت باشد و بعضی از معبران گویند گزر در خواب بیماری بود و اگر بریان کرده بیند هم نیک نباشد زیرا که آتش
بوی رسیده باشد و آنچه با گوشت پخته باشند بهتر بود **گزیدن** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که یکی ورا بمهر و دوستی بگزید دلیل کند
که ویرا مهر و هوای او زیاده شود و اگر بخشم و کینه بگزید دلیل بر خطر دین آنکس کند و بدانکه گزیدن جانوران در خواب
دلیل بر دشمن کند امام [illegible] فرماید گزیدن در خواب بر چهار وجه باشد یکی مضرت دوم دشمنی سیم خصومت چهارم نقصان مال
کشتی ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که با کسی کشتی میگرفت و آنکس را بیفکند دلیل کند که حال آنکس نیکو شود و بر آنکس غالب شود
و اگر خود بیفتاد دلیل آنکس را باشد که ویرا انداخته است و بعضی از معبران گویند حال هر دو نیکو شود و احوال او بهتر شود
که غالب شود و اگر هر دو قایم بودند احوال هر دو میانه باشد اگرچه در دل ایشان جنگ و خصومت بود **کاشنی** ابن سیرین گوید
خوردن کاشنی در خواب غم و اندوه باشد و بعضی گویند خوردن و داشتن کاشنی هیچ خیر نباشد زیرا که بطبع تلخ و ناخوش است
کشت آوری ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که کشت آوری میکرد دلیل بر کاری کند که رنجش آید اگر کسی بیند که زمین را بشکافت
برای تخم و تخم می‌افشاند و بارش جمع میکرد دلیل کند که مال و نعمت یابد و اگر بیند که از آنچه کشت چیزی حاصل نشد
و نه آنکه بارش یابد دلیل بر غم و اندوه کند و اگر بیند که گندم میکشت دلیل کند که او را از مال یا درشت چیزی
حاصل شود و اگر بیند که جو میکشت دلیل کند که زنده بخواهد [illegible] ساخته شود و باز [illegible] و اگر دید که زمین کشته
خود را ناکشته بیند دلیل کند که بر شغل ناکرده او را زیان رسد یا با کسی خصومت کند و اگر بیند که بجای محصول زمین را بشکافت
و تخم [illegible] خیرات کند و اگر در ملک خود بیند دلیل کند که بر شغل ناکرده او را زیان رسد یا با کسی خصومت کند و اگر
بیند [illegible] بشکافت و تخم میکشت دلیل کند که خیرات کند و اگر در ملک خود بیند دلیل کند که ویرا نعمت فراخ شود
[illegible] گندم در زمین خود میکشت دلیل بر تزویج کند امام [illegible] فرماید کشت‌ورزی در خواب بر چه وجه باشد

یکی روزی حلال دوم چیز و منفعت سیم یاری چهارم عز و جاه پنجم معیشت حلال **کشت** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که کسی را کشت یا گلو
گلوی وی را ببرید دلیل کند که از وی مراد خیر و منفعت رسد و بعضی گویند که کشنده بر کشته ظلم کند و اگر بیند که ویرا بکشتند دلیل کند
که عمرش دراز شود کرمانی گوید اگر کسی بیند که کسی را بظلم کشت دلیل کند که عاصی و ظالم باشد و حق کسی را بروی بر کار دارد و ویرا بر بیگانه
جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که فرزند خود را بکشت دلیل کند که روزی حلال یابد و اگر بیند که کسی را بکشت و خون از تن وی بریخت بقدر آن
بیابد و اگر خون روان نشد بر عکس این باشد و اگر بیند که از تن وی خون سفید روان شد دلیل کند که دین کشنده ببرد و امام [illegible] فرماید اگر بیند
که ستور یا چیزی از حشرات بکشت دلیل کند که بر خصم خود ظفر یابد و کشتن کلان خونخوار در خواب مردم غدار باشند **کشتی**
دانیال [illegible] فرماید دیدن کشتی در خواب غم و اندوه باشد یا زندان یا کاری که از آن رنج و بلا بدو رسد خاصه که از کشتی بیرون نیاید
یا کشتی در میان آب فرو ماند ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که در میان کشتی بود و بسلامت بیرون آمد دلیل کند که از رنج و غم برهد
و اگر بیند که در زمین خشک کشتی او بماند دلیل کند که بر رنج و بلا افتد و اگر بیند که در میان کشتی در دریا غرق شد دلیل کند که بدست
مردمان هلاک شود و اگر بیند که در کشتی نشسته بود غرق شد و دیگر باره بالا آمد و از متاع خویش در کشتی برخی بیافت دلیل کند
که برخی از مالش تلف شود و اگر بیند که بر بالای [illegible] در کشتی نشسته بود و کشتی در میان دریا میرفت دلیل کند که او را از پادشاه منفعت
و بزرگان بلندی مرتبه حاصل شود و اگر بیند که در میان دریا میرفت دلیل کند که بسفر شود و اگر بیند که کشتی ایستاده بود در [illegible]
بماند و اگر بیند که کشتی روانه بود و باد خوش می آمد دلیل بود که از غم و اندوه فرج یابد و اگر بیند که کشتی ایستاده بود و موج می آمد
دلیل کند که او را غمی سخت پیش آید که از بیم آن غم هلاک شود و اگر بیند که کشتی از پیش میرفت و او نتوانست بدو رسید دلیل کند که
در کاری دشوار افتد و سرانجام از او خلاص شود و اگر بیند که در پهلوی کشتی نشسته بود و در دریا میرفت دلیل کند که بسفر رود
و در آن سفر منفعت بسیار بیند و اگر بیند که در میان دریا کشتیها میرفتند و تهی بود دلیل کند که پادشاه در سود [illegible]
جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که کشتی وی بدریا غرق شد دلیل کند که ویرا بیم هلاک بود و اگر بیند که کشتی ملاحی نبود دلیل کند که در
کسب و کار رغبت کرده و اگر بیند که در میان کشتی نشسته بود و اندر دریا میرسید دلیل کند که در پیش پادشاه بزرگ مقرب شود
و اگر بیند که کشتی بقعر دریا فرو شد دلیل کند که ویرا از پادشاه فتنه عظیم بود و اگر بیند که در کشتی خود نشسته بود و روان
در آب ایستاده بود دلیل کند که او را غم و اندوه زیادت شود و اگر بیند که کشتی او در خشک میرفت دلیل کند که سفری بی حاصل
پیش آید که مردمان را شگفت آید امام [illegible] فرماید دیدن کشتی در خواب بر چهار وجه بود یکی پدر و فرزند دوم زن سیم فرج
و ایمنی چهارم عیش و توانگری **کشف** بدانکه کشف جانوری سنگ پشت بود و کشف آید در خواب دلیل بر مردم زاهد کند [illegible]

چند کشتی بخانه آورد دلیل کند که او را با مردی زاهد صحبت افتد و از او منفعت یابد و اگر بیند که کشتی در مسجد یا صومعه یا در جایی
خراب بود بیم هلاک بود او را چون [illegible] بیند او را از بیماری شفا یابد **کنجد** ابن سیرین گوید کنجد در خواب مال بود که بهر روز
زیاده شود کرمانی گوید اگر بیند که کنجد [illegible] میخورد و طعم ناخوش بود دلیل کند که او را مال حرام حاصل شود **گندم** ابن سیرین گوید
گندم در خواب مال حلال بود که برنج بر مردم رسد و اگر بیند که گندم بخورد دلیل کند که صلاح و دین دارد کرمانی گوید اگر کسی بیند که
خوشهای گندم میخورد دلیل کند که عمرش بآخر رسیده باشد و در آن دیار قحط پدید آید امام [illegible] فرماید دیدن گندم در خواب بر سه وجه
بود یکی [illegible] دوم [illegible] سیم [illegible] بدانکه گندم فروش در خواب مردی بود که دنیا را اختیار کند و دین را بفروشد خاصه که
بهای گندم درم و دینار بستاند و سرانجام وبر از آن رنج و مضرت رسد **گندنا** دانیال [illegible] گوید گندنا در خواب مردی بود که
ویرا بزشتی یاد کنند ابن سیرین گوید گندنا مال حرام بود و گفتار ناخوش و اگر بیند [illegible] دلیل کند که بجهت بسیار خوردن از خوردن
حرام توبه کند و اگر بیند [illegible] نبود مال حرام جمع کند و پیوسته در عقب او سخن زشت گویند خاصه که گندنا خام بود و اگر پخته
[illegible] **کنشت** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند
که در کنشت شد و از سوی قبله نماز کرد دلیل کند که سرانجام توبه کند [illegible] و از جهت آنکه کنشت جای عبادت بود و اگر نماز
بسوی قبله جهودان میکرد دلیل کند که هوای جهودان دارد و امام [illegible] فرماید دیدن کنشت در خواب مرد مصلح را جای عبادت بود و مرد
مفسد را جای توبه بود **کنگ** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که گنگ شد دلیل کند که در دین [illegible] کرمانی گوید اگر کسی
خود را گنگ بیند دلیل بر تباهی و نقصان [illegible] کند امام [illegible] فرماید گنگ شدن در خواب [illegible]
سیم غم و اندوه چهارم نقصان عیش پنجم معصیت [illegible] ششم نقصان مال و دین هفتم تباهی حال و اگر گنگی در خواب
بیند که گویا شد دلیل کند که کارهای بسته بروی گشاده گردد و مرادی که دارد بیابد **کنگر** ابن سیرین گوید خوردن کنگر بوقت
خود دلیل بر غم و اندوه کند [illegible] خوردن کنگر هیچ خیر و منفعت نباشد **کنه** ابن سیرین گوید کنه در خواب عیال بود و اگر
بیند که بر تن چهارپای او کنه بود دلیل کند که مردم از چهارپایان او فایده بینند امام [illegible] فرماید دیدن کنه در خواب بر سه وجه بود
یکی عیال دوم خدم و حشم سیم مال و خواسته و کشتن کنه نقصان مال و حیوانات بود **کیزک** ابن سیرین گوید کیزک در خواب [illegible]
اگر بیند که کیزک [illegible] دلیل کند که چیزی پنهان بدو رسد کرمانی گوید اگر کسی بیند که کیزک بفروخت [illegible] دلیل کند که
او را غم و مصیبت رسید و اگر بیند که کیزک [illegible] بسته در خانه وی [illegible] دلیل کند که شادی و منفعت یابد **کهربا** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند
که کهربا برداشت دلیل کند که بیمار شود و زود شفا یابد و بعضی از معبران گویند بیماری او دراز شود **کوارش** ابن سیرین گوید کوارش

گواهی خوش دارد و دلیل بر خیر و منفعت بشد و شادیها و گوارش تلخ دلیل بر غم و اندوه کند کرمانی گوید گوارش داروها دلیل بر خیر
کند و گوارش جوز و جعفری دلیل بر ستایش و آفرین کند **گور** دانیال گوید اگر کسی بیند که ویرا در گور کردند احوال معیشت بر وی دشوار
شود و معنی گو بیند دلیل بر سفر کند و اگر بیند که او را در گور کردند و خاک بر وی افکندند دلیل کند که دین وی تباه شود و در کش
بد توبه بود و ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که خود را در گور نهاد دلیل کند که او را در زندان کنند و اگر بیند که در گور بمرد دلیل کند که در
زندان بمیرد و اگر بیند که بر گور ایستاده بود دلیل کند که بر گناه مقیم بود و اگر بیند که او را زنده در گور کردند دلیل کند که او را در زندان
کنند کرمانی گوید اگر کسی بیند که مرده بود و در گور منکر و نکیر از وی سؤال کردند دلیل کند که از پادشاه اندیشه و سؤال او شد و اگر
بیند که منکر و نکیر را جواب داد دلیل راحت و رستگاری بود و اگر بیند که ویرا از گور بیرون آوردند و بردار کردند و یکبار دیگر در
گور نهادند دلیل کند که پادشاه او را بنوازد و خلعت دهد و بار دیگر زندان کند و این حال کسی را بود که مردم پادشاه بود و بعضی
که بقیاس این چیزها را نیک باید **گورستان** کرمانی گوید گورستان را زیارت کردن دلیل کند که اهل خدا را زیارت کند و اگر
بیند که در گورستان باران میبارید دلیل کند که اهل گورستان را رحمت بود از خدا جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که در گورستان
میرفت و بر گورها سلام میکرد دلیل کند که درویش گردد چنانکه [illegible] زیرا که گورستان جای مفلسان است و اگر بیند که در گورها
نگاه میکرد دلیل کند که در ولایت بلا و محنت و تنگی پدید آید امام جعفر صادق فرماید که دیدن گورستان در خواب بر سه وجه بود یکی زندان
دوم غم و اندوه سیم محنت و بلا **گوز** ابن سیرین گوید گوز در خواب بیطلی بود که بسختی حاصل شود و اگر بیند که با گوز بازی میکرد دلیل
کند که با کسی در خصومت افتد کرمانی گوید که هر گوزی که مغز دارد بود و مغز نیست بود دلیل کند که مال حرام یابد و اگر مغز او بیند دلیل
بر مال حلال کند جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که گوز یافت یا کسی بوی داد دلیل کند که از بخیلی با او چیزی رسد و گوز دهنده [illegible]
سخن مخالف است و اندوه و انچه ایشان گویند قبول کنند و گوز بویا در خواب علم و دانش بود و اگر بیند که گوز بویا میخورد دلیل کند که از
دین اختیار کند کرمانی گوید گوز بویا دلیل کند که در علم یگانه باشد و فضایل تمام بهر رساند و از علم او مردمان را منفعت رسد **کوزه**
ابن سیرین گوید کوزه سفید در خواب خادم بود و اگر کوزه در [illegible] بیند [illegible] و اگر از آن کوزه آب [illegible] دلیل کند
که کنیزک را جفت خود کند و اگر بیند که کوزه بشکست دلیل کند که کنیزک بمیرد جابر مغربی گوید کوزه در خواب [illegible] و اگر بیند که کوزه
زرین یا سیمین داشت دلیل کند که ویرا مال حاصل شود و کوزه [illegible] یا طبقی همین دلیل کند امام جعفر صادق فرماید دیدن کوزه در خواب بر نه وجه
باشد یکی زن دوم خادم سیم کنیزک چهارم قوام و دین پنجم صلاح تن ششم عمر دراز هفتم نعمت هشتم برکت نهم [illegible] از جانب زنان
گوساله ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که گوساله فراگرفت دلیل کند که ویرا پسری آید و اگر گوساله ماده بود دختر [illegible] و اگر بیند که

گوساله را بکشت و [illegible] دلیل کند که اندوه و غم [illegible] شود کرمانی گوید اگر کسی بیند که گوساله در خانه وی آمد و شد
میکرد دلیل کند که غم و اندوه یابد و اگر بیند که بر پشت گوساله نشست دلیل کند که با پادشاه عجم پیوندد و اگر بیند که گوساله از وی ببرد دلیل
کند که فرزندش بمیرد و اگر بیند که از گوشت گوساله میخورد دلیل کند که میراث فرزند یابد و اگر بیند که گوساله فربه بود
دلیل کند که فرزندش فربه بود و اگر گوساله را ضعیف بیند تاویلش بخلاف باشد **گوسفند** ابن سیرین گوید گوسفند در خواب غنیمت
بود اگر بیند که گوسفند میچرانید دلیل کند که بر گروهی مهتر و بزرگ گردد و اگر بیند که برخی از گوسفندان او سفید بود و برخی
سیاه دلیل کند که از گروهی که بر ایشان مهتر است برخی عرب باشند و برخی عجم و اگر بیند که گوسفندان بسیار را حاصل شد
و دانست که ملک اوست دلیل کند که او را مال و نعمت بسیار حاصل شود و اگر بیند که گوشت پخته از گوسفند میخورد او را غنیمت
بود و اگر بیند که گوشت بریان کرده میخورد دلیل کند که در سرانجام غم و اندوه بیند و اگر بیند که گوسفندی از بهر کشتن گرفت
دلیل کند که مال مردی بخورد جابر مغربی گوید ماده میش در خواب زنی بود و بزرگوار و اگر بیند که ماده میش فراگرفت دلیل کند
که ویرا از زنی بدین صفت حاصل شود و اگر بیند که ماده میش را بکشت و از گوشت وی بخورد دلیل کند که مراد وی از آن زن حاصل
شود و اگر بیند که از خانه او بیرون شد یا ضایع شد دلیل کند که زن از او جدا شود و اگر بیند که گلوی ماده میش را ببرید دلیل کند
که بر زن مستوره بهتان نهد و اگر بیند که گوسفند با وی سخن گفت روزی بر وی فراخ شود و امام جعفر صادق فرماید دیدن گوسفند در
خواب بر پنج وجه بود یکی مهتری دوم زن بزرگوار سیم مال چهارم [illegible] پنجم جاه و منفعت [illegible] فرماید گوشت در خواب
پخته بود مال و نعمت باشد که آسان بدست آید و خرمی و فرحت گوشت در خواب هرچه پخته بود مال و نعمت باشد که آسان
بدست آید و خرمی و فرحت گوشت در خواب دلیل غم و اندوه باشد ابن سیرین گوید گوشت پخته در خواب بهتر از گوشت خام
کرده باشد و گوشت بریان کرده بهتر از گوشت خام بود و اگر کسی بیند که گوشت تن خود را میخورد دلیل کند که غیبت مردمان
کند و اگر بیند که گوشت مرده را که بردار کرده بود [illegible] میخورد دلیل کند که مال حرام بخورد جابر مغربی گوید گوشت پخته [illegible] بهتر
از [illegible] باشد و اگر بیند که گوشت خام میخورد دلیل کند که غیبت مردمان کند و اگر بیند که گوشت بریان میخورد بقدر آن روزی
و اگر بیند که از گوشت اسب میخورد دلیل کند که در میان مردمان نیک نام شود و از پادشاه چیزی بوی رسد و اگر بیند که گوشت
اشتر میخورد دلیل کند که مال دشمن بدست آورد و اگر بیند که گوشت اشتر مرغ میخورد از مال [illegible] چیزی حاصل کند و اگر
بیند که گوشت پلنگ میخورد دلیل کند که از جنگ [illegible] شرف یابد و اگر بیند که از گوشت خوک میخورد دلیل کند که مال حرام خورد و اگر
گوشت گوسفند کوهی میخورد دلیل کند که او را مال و نعمت حاصل شود و اگر بیند که گوشت ماکیان میخورد دلیل کند که از [illegible] خادم

حاصل شود و اگر بیند که گوشت آدمی میخورد دلیل کند که مال زن خویش خورد و اگر بیند که گوشت آدمی میخورد دلیل کند که غیبت
مردمان کند امام جعفر صادق ع فرماید خوردن گوشت [illegible] در خواب بر چهار وجه بود یکی مال دوم میراث سیم فراخی
چهارم غم و اندوه **گوش** دانیال ع گوید گوش در خواب زن مرد باشد و اگر بیند که گوش وی بریدند دلیل کند که زن را طلاق دهد یا زن وی
بمیرد و اگر بیند که گوش او کر شد دلیل کند که دین وی فاسد شود امام ع فرماید دیدن گوش در خواب بر هفت وجه باشد یکی
زن دوم دختر سیم دولت چهارم رفیق پنجم پسر ششم غلام هفتم مال هشتم [illegible] **گوشوار** اگر کسی در خواب بیند که در گوش
گوشوار داشت دلیل کند که با مردمان صاحب جمال نزدیک شود و اگر بخلاف این بیند از ایشان جدا [illegible] شود و اگر بیند که
بر گوش مروارید گرانمایه داشت دلیل کند که علم او افزون شود و اگر بیند که هر دو گوش گوشوار داشت دلیل کند که [illegible]
[illegible] امام ع فرماید دیدن گوشوار در خواب بر چهار وجه بود یکی افزونی جمال دوم آموختن علم سیم بزرگی چهارم غم و اندوه **گوشک**
اگر کسی بیند که در گوشک شد دلیل کند که ویرا مال جمع شود و اگر گوشک [illegible] بیند دلیل بر غم و اندوه کند و اگر بیند که [illegible]
گوشک خراب بکرد مال او تلف شود امام ع فرماید دیدن گوشک در خواب بر [illegible] وجه باشد یکی نعمت دوم مال سیم [illegible]
ریاست پنجم [illegible] ششم پادشاهی [illegible] هفتم شادی هشتم خرمی **گوگرد** ابن سیرین گوید دیدن گوگرد در خواب غم و اندوه باشد
و با جمله در دیدن گوگرد هیچ منفعت نباشد **کودک** دانیال ع گوید اگر کسی در خواب بیند که کودک شده بود و در مکتب چیزی
میخواند دلیل کند که در غم و اندوه افتد زیرا که کودک را عقل نباشد که صلاح از فساد بداند و بعضی گویند اگر کسی بیند که کودک
شده بود یا خود کودک شده دلیل کند که کار وی ضعیف شود و اگر بیند که کودک شیرخواره شده بود دلیل کند که از مقصود باز ماند و اگر
مردی بیند که کودکی را شیر میداد دلیل کند که او در زندان رود **کوه** دانیال ع گوید اگر کسی خود را در کوه بلند پایه بیند دلیل کند
مردی بزرگوار [illegible] پناه خود گیرد و اگر بیند که کوهی را از جای خود بر کند دلیل کند که مردی بزرگوار را قهر کند و اگر بیند که در کوه مقام
ساخت دلیل کند که از مردی بزرگ عزت و جاه یابد و اگر بیند که بر کوه بر شد [illegible] و اگر بیند که [illegible]
دلیل کند که در عزت و جاه او نقصان افتد و اگر بیند که بر سر کوه [illegible] دلیل کند که کار او نیکو شود [illegible]
[illegible] دلیل بر یافتن مقصود کند و [illegible] باشد و اگر بیند که
[illegible] دلیل کند که کاری کند [illegible] و اگر بیند که [illegible]
میکند دلیل کند که با مردی بزرگ صلح کند و اگر [illegible] یابد و اگر بیند که بر کوه [illegible] نشسته بود [illegible]
[illegible] و اگر بیند که بر طور سینا بود دلیل کند که [illegible] پادشاه او را بسیار بود و امام ع فرماید اگر بیند که [illegible] وفات بود دلیل کند

کمر بند [illegible] اگر کسی بیند که بر کوهی خراب شده بود [illegible] دلیل کند که [illegible]
[illegible] و اگر تیر [illegible] می انداخت سخن صواب گوید و اگر خطا انداخت سخن خطا گوید [illegible] اگر کسی بیند که
بر سر کوه بلند ایستاده بود دلیل کند که خاص و مقرب پادشاه گردد امام ع فرماید دیدن کوه در خواب بر پنج وجه [illegible] یکی پادشاهی
دوم دلیری سیم ظفر بر دشمن چهارم بلندی پنجم رئیس [illegible] **گوهر** ابن سیرین گوید گوهر بخواب دیدن زن با جمال بود و اگر بیند
که گوهر داشت و اگر گوهر بسیار دید دلیل کند که مال [illegible] حاصل شود و اگر بیند که گوهر [illegible] دلیل کند که [illegible]
[illegible] کند و اگر گوهر سوراخ داشت [illegible] دختران دوشیزه کند امام ع فرماید دیدن گوهر در خواب بر [illegible] وجه بود یکی [illegible]
دوم علم سیم فرزند چهارم چیزی گرانبها پنجم زن با جمال ششم سخن [illegible] هفتم [illegible] هشتم کار نیکو [illegible]
دین و علم و حکمت بود **کوچه** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که در کوچه آبادان خوش بود دلیل کند که [illegible] و اگر [illegible]
چند [illegible] گوید اگر بیند که در کوچه فراخ [illegible] دلیل کند که کار او [illegible] و روزی بروی فراخ شود
و اگر بخلاف این بیند کارها بروی بسته گردد **گو** ابن سیرین گوید اگر پادشاهی بیند که گوی میزد دلیل کند که بر دشمنان ظفر
یابد و ایشان را قهر کند و اگر بیند که با جماعتی گوی بازی میکرد و در میان ایشان جنگ و خصومت افتد [illegible] ناخوش شود
گیاه ابن سیرین گوید گیاه زار در خواب [illegible] بود و روزی فراخ و اگر بیند که در میان گیاه زاری مقیم شد دلیل کند که [illegible]
[illegible] مقیم شود و اگر بیند که بر تن او گیاهی رسته است [illegible] دلیل کند که [illegible] و اگر بر تن او [illegible]
بود که چشم وی [illegible] شده بود دلیل کند که [illegible] شود و اگر مرده را در گیاه زاری تازه بیند [illegible] نیکو شود
[illegible] گوید اگر کسی بیند که گیاه را از خانه بدر ریخت دلیل کند که مال خود را تلف کند و اگر بیند که گیاه میخورد دلیل کند که بیمار شود
امام ع فرماید دیدن گیاه در خواب بر شش وجه باشد یکی دین دوم مال سیم فرزند چهارم ولایت پنجم منفعت ششم نیکوئی
دانیال ع گوید اگر کسی بیند که در کیسه چیزی داشت [illegible] دلیل کند که ویرا معیشت بسیار شود و اگر کیسه را تهی بیند دلیل کند
بر نقصان مال [illegible] و بعضی گویند که کیسه [illegible] که [illegible] و [illegible] ابن سیرین گوید اگر کسی
که کیسه [illegible] در پیش کسی امانت نهاد دلیل کند که امانت خود را [illegible] و [illegible]
و کیسه [illegible] که شخصی [illegible] گفت [illegible] در خواب دیدم که کیسه خود را [illegible]
[illegible] گفت کیسه تن مردم بود [illegible] چون در کیسه هیچ نیافتی [illegible] دنیا بریده کرد [illegible]
[illegible] و اگر کیسه خود را [illegible] دلیل کند که راز وی آشکار گردد و اگر بیند که بر کیسه مهر [illegible]

دلیل کند که راز او پوشیده بماند و اگر کسی بارکش دید چنانچه دید که در جامه ریخته بود دلیل کند که از خصومت ایمن شود
و فارغ گردد امام ع فرماید که دیدن کیسه تهی در خواب بر سه وجه بود یکی تن مردم دوم راز پنهان کردن سیم درویشی چهارم **کیسو**
ابن سیرین گوید که گیسو در خواب دلیل بر عز و جاه کند کسی را که اهل باشد یعنی علویان و شریفان و زنان و توانگران دلیل بر مال کند
و پادشاهان را دلیل بر عزت کند و در عیب او دلیل بر فرزند کند خاصه که از اهل علم و مستور بود و علما اهل صوفیه گرفتن بدانست
کبک ابن سیرین گوید که کبک در خواب دشمن ضعیف بود و اگر بیند که کبک او را بگزید دلیل کند که از دشمن ضعیف او را گزند رسد
و سخن ناخوش شنود و اگر بیند که کبک را بکشت دلیل کند که دشمن را قهر کند و اگر بیند که کبکان بسیار بر وی جمع شده و ویرا بگزیدند
دلیل کند که در زبان مردم عام افتد و بغم که وی را از آن مضرت رسد زیرا که کبک خون مردم کند و خون تباه دلیل بود و جو بگوید
اگر کسی بیند که کبک بر گوشت و پی او شد دلیل کند که از دشمن وی را رنج و مضرت رسد **در تعبیر چیزها که اول انها لام است**
از حروف تهجی لباس ابن سیرین گوید اگر مردی بیند که لباس زنان پوشیده بود دلیل کند که مالش زیاده شود و اگر زنی بیند
که لباس مردان پوشیده بود و خیر و منفعت بدو رسد کرمانی گوید اگر کسی لباس خود را بهتر از آن بیند که در بیداری پوشیده بود دلیل
کند که کارش به شود و اگر بیند که لباس بهتر از آن پوشیده بود دلیل کند که کار او قوی گردد و جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که لباس
پادشاه پوشیده بود دلیل کند که از پادشاه منفعت یابد و اگر بیند که لباس علما پوشیده بود دلیل کند که از علم بهره یابد
و اگر بیند که لباس صوفیان پوشیده بود و از دنیا دست بدارد و راه آخرت گزیند و اگر بیند که لباس ترکان پوشیده بود دلیل
کند که بجمع کردن مال حریص شود و اگر بیند که لباس جهودان یا ترسایان پوشیده بود دلیل کند که در دینش ... امام ع
فرماید دیدن لباس نیکو در خواب بر هفت وجه بود یکی دین پاک دوم توانگری سیم عز و جاه چهارم منفعت پنجم عیش خوش ششم
علم نیکو هفتم عدل **لبها** ابن سیرین گوید دیدن لبها در خواب دلیل بر برادران حاجت ... بهتر از آن ببیند باشد امام ع
فرماید دیدن لب زیرین دلیل بر دختران کند و لب بالا دلیل بر پسران کند و هر زیاده و نقصان که در لبها بیند دلیل ... در
دختران و پسران باشد **لثه** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که لثه وی سیاه شد دلیل کند که در امانت داری ... و اگر بیند که لثهای
... دلیل کند که زینت ... ندارد و اگر بیند که دندانهای او ... دلیل کند که تنگی معیشت ... رسد و در کسب و کار او خلل
افتد و اگر بیند که سینه او ... دلیل کند که بسبب سختی ... و اگر بیند که ...
و ... اگر ... دلیل کند که بسبب ... چند دانیال ع گوید لرزیدن
اندامها دلیل بر ترس و بیم کند ... امام ع فرماید که لرزیدن اندامها در خواب بر چهار وجه بود یکی تغیر احوال مردم

دوم ترس و بیم سیم غم و اندوه چهارم مضرت و بیماری و لرزیدن آسمان در خواب دلیل کند که در آن دیار فتنه و آشوب پیدا شود و در میان
پادشاهان جنگ و خصومت افتد و اگر بیند که زمین بلرزید دلیل کند که آفت و مضرت بمردم رسد و اگر بیند که کوه بلرزید دلیل کند که پادشاه
آن دیار را رنج رسد بقدر لرزیدن کوه جابر مغربی گوید اگر بیند که عرش بلرزید دلیل بر فساد و بدعت علما و اگر بیند که لوح یا قلم
بلرزید دلیل کند بر بدعت و فساد و بیرون بودن خداوند عالم و اگر بیند که تخت آسمان بلرزید دلیل کند بر عذاب و خشم خدای بر اهل
آن دیار بسبب فساد و معصیت و اگر بیند که کوشک یا سرای پادشاه بلرزید دلیل کند که پادشاه در محنت گرفتار شود و اگر بیند که مسجد جامع
بلرزید دلیل کند که محنت و آفت بوی و اهل خانه وی رسد و دلیل کند بر فساد و معصیت علما و اگر بیند که خانه او بلرزید دلیل کند بر معصیت
و فساد دین و علی الجمله هر چیز از موجودات را که بیند بلرزید یقین که در آن هیچ خیری نباشد جز مشقت و رنج **لشکر** ابن سیرین گوید
اگر کسی بیند که لشکر در جایی بود یا در موضعی لشکر فرا رسید و اهل آن موضع را رنج و گزند رسانیدند دلیل کند که اهل آن موضع را رنج گزند
رسد کرمانی گوید هر که در خواب لشکر آراسته بیند با سلاح تمام دلیل کند که قوت و نصرت آن پادشاه از آن دیار باشد و اگر لشکر بی سلاح
بیند دلیل بر عجز و ضعیفی لشکر و آن پادشاه کند امام ع فرماید که دیدن لشکر در خواب بر چهار وجه است یکی فتح دوم اسپ سیم باران بخت
چهارم جنگ و خصومت پنجم بلا و محنت اما اگر لشکر منافق بود چنانکه گفتیم که رحمت باشد و اگر لشکر کافر و مبتدع باشد **لعل** ابن سیرین گوید
لعل در خواب زنان بزرگوار با جمال باشد و اگر بیند که لعل آتشین فرا گرفت یا بخرید دلیل کند که زنی بدین صفت بخواهد یا کنیزک بدین صفت
بخرد و اگر زنش آبستن بود دختری آورد خوبروی با جمال و اگر بیند که لعل بسیار داشت دلیل کند که بقدر آن ویرا مال حاصل شود
اما دیدن لعل شکسته یا جا بر مغربی گوید اگر کسی بیند که کسی پاره لعل بوی داد دلیل کند که زنی خوبروی توانگر بخواهد و خوش سخن
و اگر بیند که لعل بوی داد و بیگانه بود زنی مجهول بدین صفت بخواهد و اگر بیند که زنی جوان لعل بوی داد دلیل کند که دختری بخواهد و اگر
کهن پیری لعل بوی داد دلیل بقدر آن منفعت مال دنیا حاصل کند امام ع فرماید دیدن لعل در خواب بر چهار وجه بود یکی زن دوم کنیزک
سیم دختر چهارم مال و منفعت دنیا **لعوق** بدانکه لعوق بتازی لیسیدن باشد ابن سیرین گوید لعوق که طعم شیرین باشد دلیل خوشی
دارد و دلیل بر کاری کند که در آن منفعت باشد و چون لعوق ترش یا تلخ و ناخوش بود دلیل بر غم و مضرت کند جابر مغربی گوید اگر بیند
که لعوق اندک شیرین میخورد دلیل کند که بقدر آن از زن یا چیزی نفع یابد و اگر لعوق بادام بود دلیل کند که از زن یا کنیزکی بهره یا برنج حاصل
کند و اگر لعوق ترش یا تلخ میخورد از مردی که فرومایه باشد غم و اندوه رسد و خوردن لعوق داروی دیگر بر غم و اندوه دلیل باشد
لفاح بدانکه لفاح بپارسی سیبتوی بود ابن سیرین گوید که خوردن لفاح در خواب دلیل بر بیماری باشد و اگر بیند که لفاح کسی داد
آن شخص بیمار شود جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که لفاح میبوید و بوی نیکو دلیل کند که سخنهای خوش شنود و اگر بیند که لفاح بسیار داشت

سیبتوی

دلیل کند که مال و منفعت یابد خاصه که سبز باشد امام فرماید که دیدن [illegible] در خواب بر شش وجه بود یکی سخنهای خوش دوم مال سیم فرزند چهارم
دولت پنجم رفیق ششم غلام بود **لقلق** ابن سیرین گوید لقلق در خواب مردی بود با حرب و [illegible] بی آزار و عاقبت اندیش و اگر بیند که
لقلق را بگرفت دلیل کند که او را با مردی بدین صفت صحبت افتد و اگر بیند که لقلق را بکشت دلیل کند که دشمن بزرگ بکشت و یا هلاک شود و اگر
بیند که لقلق با وی سخن گفت دلیل کند که کاری کند که مردم را از آن شگفت آید و از مهتری بزرگ او را چیز و منفعت رسد و اگر بیند که لقلق
بر بام وی نشست دلیل کند که مهتری بخانه وی درآید و اگر بیند که لقلق از دوستان او بپرید دلیل کند که از بخت مردی جدا شود و اگر بیند که گوشت
لقلق میخورد دلیل کند که بقدر آن از مال دهقانی یابد و امام فرماید که دیدن لقلق در خواب بر چهار وجه بود یکی مردم دهقان دوم پادشاه
ضعیف سیم پاسبان چهارم غریبی بیچاره و درویش **لقمه** اگر کسی بیند که شخصی لقمه طعام شیرین در دهان وی نهاد دلیل کند که از کسی
سخن خوش شنود و گوید یا از فرزند و خویشان و دوستان وی کسی چیزی بدو دهد و اگر لقمه طعام غلیظ و ترش و ناخوش بود خلاف این باشد
جابر مغربی گوید اگر آن کس که لقمه طعام بوی داد مصلح و مستور بود دلیل کند که اگر آن کس مستور نبود و مفسد بود [illegible] امام فرماید
لقمه در دهان نهادن در خواب بر سه وجه بود یکی بوسه دادن دوم سخن لطیف گفتن سیم مال حلال بود بقدر لقمه **لقوه** ابن سیرین گوید
اگر بیند که روی وی از علت لقوه کج شده بود دلیل کند که نزد مردمان حقیر و خوار گردد و امام فرماید دیدن لقوه در خواب چنان بیند که از
علت لقوه کج شده بود دلیل بر آشکار شدن بدعت و نقصان دین او بود و بعضی از معبران گویند که لقوه در خواب منافق بود **لگام**
ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که لگام اسب بشکست یا ضایع شد دلیل کند که در شرف و بزرگی وی نقصان افتد و اگر بیند که چون اسب
لگام بر سر داشت دلیل کند که روزه دار بود و از گناه توبه کند و سخن نابکار نگوید چنانکه امیر مؤمنان فرماید هر کس پرهیزکار بود لگام
در دهانش بود جابر مغربی گوید لگام در خواب نیک بود و پیوسته معبران [illegible] و بعضی از معبران گفته اند که لگام بیننده ادب
و فرهنگ باشد و فرزند مرد را مانند ادب آموزد و امام فرماید دیدن لگام در خواب بر سه وجه است یکی شرف و بزرگی دوم روزه داشتن
سیم ادب و فرهنگ در کارها و خاموش بودن و لگام فروختن در خواب بی ولایت و ترک کننده کارها باشد **لگد** ابن سیرین گوید
اگر کسی بیند که بر کسی لگد میزد دلیل کند که آن کس را رنج برساند و اگر بیند که کسی معروف وی را لگد زد در شرف و بزرگی وی نقصان افتد
جابر مغربی گوید اگر بیند که مردی وی را لگد زد دلیل کند که او را از آن کس زیان رسد و اگر بیند که زنی وی را لگد زد دلیل کند که بسبب زنی متفکر
و اندوهگین شود و اگر بیند که اسب وی را لگد زد دلیل کند که از پادشاه [illegible] مضرت رسد و اگر بیند که اشتر وی را لگد زد دلیل کند که از مردی
محتشم وی را رنج رسد و اگر بیند که خر وی را لگد زد دلیل کند که در کارش خلل افتد و اگر بیند که استر وی را لگد زد دلیل کند که در سفر وی را رنج
و مضرت رسد و اگر بیند که گاو وی را لگد زد دلیل کند که در آن سال وی را رنج و گزند رسد امام فرماید که لگد زدن در خواب بر چهار وجه

بود یکی نقصان شرف دوم مضرت سیم خوار شدن چهارم رنج و عیال دیدن لگد در خواب دلیل کند که از کسی خود مایه منفعت
بدو رسد و اگر بیند که [illegible] در آتش و دیگ [illegible] دلیل کند که [illegible] **لوبیا** ابن سیرین گوید که خوردن لوبیا در خواب
بوقت خود خواه پخته خواه خام [illegible] غم و اندوه کند [illegible] و اگر خورد
تاویلش کمتر باشد **لوزینه** جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که لوزینه میخورد دلیل کند که بقدر آن مال و منفعت و روزی حلال خورد و اگر بیند
که لوزینه بخورد و کسی را داد دلیل کند که از روی بدان کس مال و منفعت رسد یا او را سخن خوش گوید یا از بهر وی کاری نیکو کند و اگر بیند که
لوزینه با شکر و بادام میخورد دلیل کند که از کسی سخن خوش و لطیف شنود و اگر بیند که لوزینه او ضایع شد بقدر آن وی را مضرت
و نقصان مال بود **لنگ** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که لنگ شده بود دلیل کند که از کارها [illegible] ضعیف بود
ی و بعضی گفته اند که اگر کسی خود را لنگ بیند دلیل کند که شکسته دل شود و در دین و دنیا [illegible] و اگر لنگ [illegible]
چیز [illegible] و اگر بیند که خود را [illegible] لنگ ساخت دلیل کند که از کسی [illegible] خواهد [illegible] معیشت خویش و اگر بیند که لنگ [illegible]
[illegible] از کسی [illegible] حاصل شود و اگر بیند که [illegible] خود را لنگ ساخت [illegible] در حقیقت [illegible]
دلیل کند که بر کسی اعتماد کند و اعتمادش حقیقی نبود جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که [illegible] لنگ بود [illegible]
کند که [illegible] و درویشی و عاجز [illegible] و اعتماد که خدای تعالی [illegible] و اگر بیند که [illegible]
[illegible] دلیل کند که [illegible]
که بر دشمن [illegible]
که کارهای بسته بر وی گشاده گردد [illegible] امام فرماید لنگ در خواب بر پنج وجه است یکی ضعیفی
دوم کارهای ناشوا سیم درویشی چهارم غم و اندوه پنجم نقصان عیش [illegible] **لیمو**
ابن سیرین گوید لیمو در خواب [illegible] اگر بیند که [illegible] سبز بود دلیل بر غم و اندوه کند و [illegible] زرد بود دلیل بر رنج و بیماری
کند **لوح محفوظ** ابن سیرین گوید لوح محفوظ در خواب بتاویل مردی عالم و با امانت بود و بعضی گویند که مردی مصلح بود که مال خویش
در راه حق [illegible] کند [illegible] گوید که لوح محفوظ در خواب بتاویل علم قرآن بود چنانکه خداوند فرماید بل هو قرآن مجید فی لوح
محفوظ جابر مغربی گوید اگر کسی لوح محفوظ [illegible] دلیل کند که [illegible] و اگر بیند که لوح محفوظ [illegible]
افتد و بزرگی یابد [illegible] امام فرماید که دیدن لوح محفوظ در خواب بر شش وجه است یکی
دوم [illegible] سیم علم چهارم [illegible] پنجم فرمان روائی ششم [illegible] **تمام شد در تعبیر چیزها که در اول او لام است** [illegible]

ابن سیرین گوید مار در خواب دشمن بود خاصه پنهان و اگر بیند که مار در خانهٔ او بود دلیل بود که دشمن خانگی بود و اگر در صحرا بیند دشمن
بیگانه بود و اگر بیند که با مار جنگ و نبرد میکرد دلیل کند که با دشمن جنگ و خصومت کند و اگر بیند که بر مار چیره شد دلیل کند که دشمن را قهر کند
و بروی ظفر یابد و بعضی گفته‌اند که دشمن را معاینه کند و اگر بیند که مار او را بگزید دلیل کند که از دشمن وی را رنج و گزند رسد و اگر بیند که مار را بکشت
دلیل کند که دشمن را قهر کند و اگر بیند که مار را به دو نیم کرد دلیل کند که داد خود را از دشمن بگیرد و اگر بیند که [illegible] دلیل کند
که مال دشمن غارت کرد و بروی ظفر یابد و اگر بیند که مار مرده بود دلیل کند که خدای تعالی آفت او را از وی باز دارد بی آنکه رنجی بوی رسد و اگر بیند که مار
مطیع وی بود دلیل کند که جاه و بزرگی یابد و اگر بیند که مار زرین یا سیمین بود دلیل کند که [illegible] و اگر کسی بیند که مار
بگونه سپید بود و او را بگرفت دلیل کند که ظفر و جاه و بزرگی یابد و اگر بیند که مار از روی کار بجست و او را نتوانست گرفت دلیل کند که دشمن وی
ضعیف شود و اگر بیند که مار بگونه سیاه بود و پایها داشت [illegible] دلیل [illegible] و اگر بیند که مار بگونه سبز بود دلیل کند که دشمن وی
در دین [illegible] بود و اگر بیند که زرد گون بود دشمن زرد گون و بیمار باشد و اگر گونه سرخ بود دشمن [illegible] و طرب دوست باشد و اگر
پر نقش بیند دلیل کند که گنجی یابد [illegible] و بعضی گویند که مار بدین صفت [illegible] خواب باشد
و اقبال و اگر بیند که مار پایها داشت دلیل کند که دشمن وی قوی [illegible] و اگر بیند که ماران بسیار بر وی جمع شدند [illegible]
دلیل کند که از خویشان و نزدیکان دشمن بسیار دارد و لیکن [illegible] و اگر بیند که مار [illegible] دلیل
کند که دشمن او کینه نداشته باشد و اگر بیند که [illegible] و اگر بیند که [illegible] دشمن [illegible]
معاینه بیند و اگر از مار بگریخت دلیل [illegible] و اگر کسی بیند که از سوراخ دهان یا بینی یا پستان یا قضیب او
بیرون آمد دلیل کند که فرزندش دشمن وی باشد و اگر بیند که [illegible] مقعد او بیرون آمد همین دلیل کند و اگر [illegible] بیرون آید دلیل
سخن گوید و بال او باشد [illegible] و اگر در خانه خویش بیند دشمن وی زنان باشند [illegible] ضعیف باشد
و مار سیاه دلیل بر لشکر [illegible] و مار نرم [illegible] و اگر بیند که مار از آستین او
بیرون آمد دلیل کند که فرزند دشمن وی باشد و اگر [illegible] و اگر بیند که مار از گریبان یا [illegible] بیرون آمد و بر زمین فرو شد
دلیل کند که هلاک شود امام [illegible] فرماید که دیدن مار در خواب بر ده وجه باشد یکی دشمن [illegible] چهارم پادشاهی پنجم
دولت ششم زن هفتم مرگ هشتم [illegible] نهم [illegible] دهم سیلاب بود **مارچوبه** اگر کسی بیند که مارچوبه بوقت خود از زمین جمع میکرد
دلیل کند که بقدر آن چیزی بوی رسد و اگر بیند که مارچوبه خام میخورد دلیل کند که رنج و مضرت بیند **مازو** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند
که مازو از درخت جمع میکرد دلیل کند که بقدر آن برنج و سختی مالی [illegible] حاصل کند و اگر بیند که [illegible]

و اگر بیند که مازو بخورد دلیل کند که چیزی خورد [illegible] که اندوهگین شود و اگر مازو [illegible] دلیل کند که [illegible]
سبز و سیاه دلیل بر غم و اندوه کند امام [illegible] فرماید دیدن مازو در خواب بر چهار وجه بود یکی مال [illegible]
در رنج و سختی چهارم در کار [illegible] مشغول شدن **ماست** ابن سیرین گوید خوردن ماست شیرین در خواب دلیل منفعت کند
و ماست ترش دلیل بر غم و اندوه کند [illegible] گوید که ماست [illegible] که در سفر حاصل شود خاصه که شیرین بود و اگر ترش بود [illegible]
بدست آورد و اگر بیند که ماست بسیار داشت دلیل کند که بقدر آن مال حلال بدست آورد و اگر بیند که ماست ترش [illegible]
دلیل که اندوهگین شود [illegible] **ماش** ابن سیرین گوید ماش در خواب اگر پخته بود دلیل کند که اندکی چیزی بوی رسد
و اگر بیند که ماش خام میخورد دلیل کند که اندوه بوی رسد و اگر بیند که ماش بکسی بخشید دلیل کند که [illegible] اندوه شود [illegible] گوید دیدن ماش در
خواب دلیل بر غم و اندیشه کند و اگر بخورد غم و اندوه [illegible] **ماکیان** [illegible] ماکیان مرغ خانگی بود ابن سیرین گوید ماکیان در
خواب دلیل بر غلام و کنیزک و خادم بود و بچه او دلیل بر فرزندان ایشان و اگر بیند که مرغ خانگی یا بچه وی فرا گرفت دلیل کند که [illegible]
[illegible] و اگر بیند که ماکیان بسیار داشت [illegible] ریاست [illegible] و اگر بیند که گوشت ماکیان خورد [illegible] دلیل کند که [illegible]
از خادمان مراد حاصل شود و اگر بیند که ماکیان [illegible] و اگر بیند که بچه ماکیان را [illegible] دلیل کند که فرزندی
یا غلامی یا کنیزکی [illegible] گرفتار شود [illegible] و اگر بیند که خایه ماکیان [illegible] دلیل کند که وی را دختری آید یا مال [illegible]
ماه دانیال [illegible] فرماید ماه در خواب وزیر پادشاه بود یا وزیر خلیفه اگر بیند که ماه از آسمان فرا گرفت [illegible] دلیل
کند دلیل کند که وزیر پادشاه یا خاص و مقرب او شود و اگر بیند که با ماه جنگ و نبرد میکرد وزیر پادشاه بروی خصومت کند
و اگر بیند که [illegible] دلیل کند که وزیر پادشاه گردد و اگر بیند که [illegible] دلیل کند که [illegible] وزیر پادشاه
بوی رسد و اگر بیند که ماه را فرا گرفت ولیکن شعاع نداشت دلیل کند که [illegible] و اگر بیند که ماه تیره و تاریک بود [illegible]
[illegible] دلیل کند که وزیر پادشاه بوی محتاج شود ابن سیرین گوید دیدن ماه در خواب پادشاه بود خاصه که [illegible]
ماه را بدو نیمه بیند دلیل کند که پادشاه و وزیر پادشاه هلاک شود و اگر [illegible] حکم خواهند [illegible]
و بعضی گویند [illegible] و اگر بیند که [illegible] و اگر بیند که دو ماه با یکدیگر جنگ میکردند
دلیل کند که دو پادشاه با یکدیگر خصومت کنند و هر کدام که در خواب غالب شد [illegible] و اگر بیند که ماه [illegible]
[illegible] دلیل کند که زن خواهد و اگر بیند که [illegible]
روشن دلیل کند [illegible] و اگر ماه را منخسف بیند دلیل کند که [illegible] پادشاه [illegible]

ماه را منخسف بیند و اگر ماه را بر فرش خویش هر دو منور بیند دلیل کند که اهل و عیال و خانه از وزیر و پادشاه منفعت بیند اسمعیل اشعث
گوید اگر کسی بیند که ماه را بدست فرا گرفت یا در کنار وی آمد دلیل کند که وی را فرزندی آید که خاص و مقرب پادشاه شود و اگر بیند
که ماه و آفتاب و جمله ستارگان را فرا گرفت و همه تیره و بی‌سنا بودند دلیل کند که بیننده خواب هلاک شود خاصه که ظالم و ستمگر باشد
و اگر بیننده صلح بود و در غم داند گرفتار شود یا بیمار گردد اما سرانجام شفا یابد امام جعفر صادق فرماید دیدن ماه در خواب بر هفت وجه است
یکم پادشاه دوم وزیر سیم ندیم چهارم رئیس پنجم زن ششم وحشت هفتم کنیزک هشتم غلام نهم کار با جاه دهم مال یازدهم عالم
دوازدهم مهتر بزرگ سیزدهم پدر چهاردهم مادر پانزدهم زن شانزدهم فرزند هفدهم بزرگواری ماهی دانیال گوید ماهی
در خواب اگر بسیار بود غنیمت بود و در دریا بسیار بر خلاف این بود و اگر ماهی تازه و بزرگ بسیار بیند دلیل کند که غنیمت و مال
یابد و اگر بیند و بین بر عدد داند و کند و اگر در شکم ماهی ماهی دیگر بیند دلیل کند که زن خواهد و اگر در شکم ماهی دو ماهی بیند دلیل کند
دو زن خواهد و اگر در شکم ماهی مروارید یافت دلیل کند که وی را پسری آید و اگر دو مروارید یافت او را دو پسر آید و اگر از شکم ماهی
بیرون آورد دلیل کند که بقدر آن وی را منفعت و مال از زن حاصل شود ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که ماهی خشک بکسی داد دلیل کند که
از بزرگی وی را غم و اندوه رسد و اگر ماهی شور خورد بیند دلیل کند که از غلام رنج و اندوه بوی رسد و بعضی گفته‌اند که ماهی شور بریان
کرده بتاویل سفر باشد اندر طلب علم یا در صحبت مهتری بود و خوردن ماهی خورد و هم نیک باشد از بهر آنکه استخوان وی از گوشت بیشتر
باشد و بدین سبب دلیل کند که بود دشمنی و خصومت خویشان و اهل بیت او و اگر بیند که ماهی در دریا یا ماهی بزرگ فرا گرفت بقدر آن
ماهی بزرگتر بود دلیل کند که از اهل پادشاه زن خواهد که مال بسیار دارد و کرمانی گوید که گوشت ماهی بزرگ خوردن در خواب تعبیر
و دو ماهی وزن بود و یا دو کنیزک و اگر بیند که چیزی از اندام ماهی بیافت دلیل کند که بقدر آن مال یابد یا غلامی بخرد و از آن غنیمت
جابر مغربی گوید ماهی تازه بریان کرده دلیل بر مال و غنیمت کند زیرا که ماهی طعام بهشت است و در آن خوان بود که از بهر
عیسی علیه السلام آوردند و اگر بیند که از دهان وی ماهی بیرون آمد دلیل کند که در کاری سخن محال گوید و دروغ و اگر بیند که از دریا
گرفت دلیل کند که از مردی که بزرگوار بود وی را مال و منفعت رسد و اگر بیند که ماهی گندیده خورد دلیل کند که وی را مال از جهت بسیار
حاصل شود اسمعیل اشعث گوید اگر کسی بیند که ماهی فروشی بکرد دلیل کند که وی را از کسان او را خیر و نفع رسد و اگر بیند که ماهی
در دریا بود سخن گفت دلیل کند که راز پادشاه آشکار شود و بعضی گفته‌اند که ماهی فروختن دلیل بزرگی و سروری باشد بقدر ماهی
که فروخته باشد و العبد گوید که اگر بیند که ماهی از دهان وی بیرون آمد دلیل کند که وی را دختری آید امام جعفر صادق فرماید که دیدن ماهی بر دو وجه
بر شش وجه باشد یکی وزیر پادشاه دوم لشکر سیم دختر دوشیزه چهارم غنیمت پنجم غم و اندوه ششم کنیزک هنروری و بعضی از مهتران گفته‌اند

که دیدن ماهی بزرگ در خواب بتاویل آن باشد که دیده ماهی ابن سیرین گوید ماهی خوردن تاویلش نیک باشد و اگر بیند که ماهی خام خورد
وی ظالم شد دلیل کند که زن را طلاق دهد و اگر بیند که گوشت ماهی بخورد دلیل کند که بقدر آن از مال مرد مهتری گیرد جابر مغربی گوید
که ماهی خوار بتاویل غم و اندوه باشد مبرد بدانکه مبرد بپارسی سوهان بود ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که مبرد داشت و در کاری آهنی
بر آورد دلیل کند که کار مشکل بر او گشاده و روشن گردد خاصه که بیند که آن آهن ملک او است و اگر آهن را روشن یافت بوی سود
دلیل کند که کاری کند که وی را منفعت و زیان رسد و بعضی گفته‌اند که مبرد درشت در خواب دلیل سخن درشت کند و اگر نرم
سخن لطیف بود و اگر بیند که مبرد وی بشکست یا ضایع شد دلیل کند که از کاری که وی در طلب آن باشد بر دوستی بصلاح بیند
جابر مغربی گوید اگر بیند که آلت سیم آهنی را بمبرد روشن بکرد دلیل کند که هر چیزی از آن کار او وی را رسد یا شغل خاص بس
وی بصلاح آید مطهره ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که مطهره نو و پاکیزه داشت دلیل کند که وی را در سفر خیر و منفعت رسد و اگر بیند که
مطهره کهنه و دریده بود دلیل کند که در سفر چیزی حاصل کند امام جعفر صادق فرماید که دیدن مطهره در خواب بر سه وجه بود یکی سفر دوم
مال سیم زن کدبانو و دانسته مته در خواب دلیل کند که چیزی بکرد و حیله حاصل کند مجلس علم ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که در مجلس
علم نشسته و عالم بر کرسی قرآن می‌خواند دلیل کند که وی را از منع کار زشت بکوشد یا کسی بیند در رستگاری قرآن و اگر بیند که عالم
شعر و غزل می‌خواند دلیل کند که کاری باطل و خلاف شریعت کند جابر مغربی گوید اگر بیند که در مجلس علم بگریست بکاری که آن
دینی بود دلیل کند که شاد و شادمان گردد و اگر بخلاف این بود دلیل کند که غمگین گردد مجلس شراب اگر کسی بیند که در مجلس شراب
با حریفان معاشرت بود و شراب می‌خورد دلیل کند که بهوای نفس و حرام خوردن گراید و اگر بیند که در مجلس شراب مطرب و چنگ و چغانه
بود دلیل کند که وی را غم و اندوه و مصیبت رسد یا کسی پیش او خصومت افتد مجره ابن سیرین گوید مجره در خواب نشان علم
بود و اگر بیند که مجره فرا گرفت یا بخورد دلیل کند که زنی بخواهد و از او خیر و منفعت بیند و اگر بیند که مجره بشکست یا ضایع شد دلیل
کند که زنش وفات کند و اگر زن نداره بود غلامش از خویشان وی بمیرد لیکن اگر خداوند وی پیر بود او را تبه روزگار
اگر کسی بیند که در مجره چیزی می‌نوشت از قرآن و نامهای خدا دلیل بر خیر و منفعت کند و اگر بخلاف این بیند دلیل بر شر و فتنه کند
محراب ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که در محراب نماز بکرد دلیل کند که وی را بشارت بود بفرزندی صالح کما قال الله تعالی فنادته الملائکة
و اگر بیند که در محراب نشسته بود دلیل کند که در عاقبت کار از اهل خیر و صلاح شود و اگر بیند که محراب را عمارت بکرد دلیل کند که در کار خیر و صلاح
دین باشد و اگر بیند که در محراب آب نشستن بنا کرد دلیل کند که وی را فرزند صالح حاصل شود و بعضی گویند که مال حلال بیند که او را
فرماید که دیدن محراب در خواب بر پنج وجه باشد یکی امام مسجد دوم پادشاه سیم قاضی چهارم امام پنجم مردان بزرگ و در محراب بیند

دلیل بر این کرده کند که گفته شد. **مخنث** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که مخنث شده بود و بزینت زنان خود را آراسته بود دلیل کند که او را
بعقد آن ترس و بیم و آفت و بلا رسد و اگر بیند که جامه زنان از تن بیرون کرد و جامه مردان پوشید دلیل کند که از ترس و بلا ایمن شود
جابر مغربی گوید اگر بیند که صحبت با مخنثان داشت دلیل کند که با جمعی [illegible] اختلاط کند و اگر در میان ایشان مقیم بود دلیل کند که از صحبت
ایشان عزت گیرد و از عزت ایشان خلاصی یابد. **مداد** ابن سیرین گوید مداد در خواب دلیل بر طلب کردن معیشت و یافتن مراد بود و اگر
مداد از کسی فرا گرفت یا بخرید دلیل کند که بقدر آن معیشت بروی فراخ شود و مرادش برآید و اگر بیند که مداد از وی ضایع شد یا بریخت
دلیل کند که مرادش بر نیاید. کرمانی گوید اگر بیند که مداد بر جامه وی بریخت دلیل کند که ویرا از زنان [illegible] رسد و دلیل [illegible] ظاهر شود. امام [illegible] فرماید
دیدن مداد در خواب بر چهار وجه بود یکی منفعت دوم [illegible] سیم معیشت چهارم شادی. **مذکر** [illegible]
و اگر بیند که مداد [illegible] دلیل کند که ویرا شادی رسد و اگر [illegible] دشمن دارد و او را قهر کند. **مرجان** ابن سیرین گوید مرجان
در خواب زن یا فرزند بود و اگر بیند که مرجان فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل کند که زنی خواهد یا او را فرزند بود و اگر بیند که مرجان از
وی ضایع شد دلیل کند که زن را طلاق دهد یا فرزندی بمیرد. کرمانی گوید مرجان در خواب فرزند بود و هر چند بهتر و پاکیزه‌تر بود فرزند نیکوتر
بود و اگر بخورد [illegible] دلیل کند که بقدر آن نعمت و مال حاصل کند. امام [illegible] فرماید مرجان در خواب بر چهار وجه بود یکی زن دوم فرزند
سیم منفعت چهارم مال [illegible]. **مردار سنگ** ابن سیرین گوید مردار سنگ در خواب بر چهار وجه بود اول رنج و مشقت
دوم رنج سیم [illegible] چهارم بیماری [illegible]. **مردن** دانیال گوید اگر کسی بیند که بمرد و مردمان بر وی بگریستند و زاری کردند
تا او را بشستند و در جامه نهاده بر گور بردند [illegible] دلیل کند [illegible] و اگر بیند که ویرا دفن کردند و خاک بر وی
ریختند دین وی بصلاح باز آید و اگر بیند که دیگر باره زنده شد دلیل کند که گناهی کند و از آن توبه کند و بعضی گویند [illegible]
[illegible] گوید که مرگ مفاجاة دلیل [illegible] و مرگی که مفاجاة بود [illegible] و هر چند جان کندن [illegible]
[illegible] سخت‌تر باشد و اگر بیند که بمرد و کسی او را [illegible] دلیل کند که [illegible] شود و اگر بیند که [illegible] جنازه [illegible] دلیل
کند که [illegible] و اگر بیند که زنده [illegible]
که [illegible] و اگر بیند که مرده [illegible] دلیل کند که مال حرام یابد و اگر بیند که مرده را
بر تخت نهادند و آن تخت را بر گردن نهاده میبردند دلیل کند که بعزت پادشاه شود و [illegible] نفع یابد و اگر [illegible]
چند دلیل کند که احوال وی خوب شود و عاقبتش بخیر باشد و اگر بیند که مادر و پدر را او بمرده دلیل کند که کارش [illegible] شود و امید [illegible]
و اگر [illegible] بیند که [illegible] مردمان بر وی [illegible] دلیل کند که او را پسری آید. اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که مرده را دیگر بار [illegible]

دلیل

دلیل کند که از آن [illegible] و کسی بوی خواهد رسید و [illegible] و اگر بیند که مرده زنده شد دلیل کند که حال او نیکو شود و خاصه که مرده را
شاد و خرم بیند و اگر زنده را مرده بیند دلیل کند که حال وی به شود خاصه که مرده را ترش روی بیند و اگر مرده را زنده بیند
خرم و شادمان دلیل کند که دولت و اقبال یابد و کار وی ساخته شود و اگر مادر و پدر را زنده بیند از غمها فرج یابد و اگر زن خویش را
زنده بیند درویش گردد و اگر بیند که مردی بیگانه زنده شد دلیل کند که احوال خویشان آن مرده نیکو گردد و اگر بیند که [illegible]
تاویلش بخلاف این باشد و اگر بیند که مرده زنده گرد کافری بر دست وی مسلمان شود. جابر مغربی گوید اگر کسی پدر و مادر خود را
ترش روی بیند و جامه چرکن دلیل کند که روزی وی [illegible] نقصان افتد و غمگین گردد زیرا که مرده در سرای حق است [illegible]
که [illegible] در خواب بیند و اگر [illegible] در خواب بیند با جامه پاکیزه دلیل کند که حال وی [illegible] و اگر [illegible] خویش را زنده
بیند با جامه پاکیزه دلیل بر خیر و خوشی کند و اگر بخلاف این بیند جز ناخوشی نبود و اگر پادشاه مرده را زنده بیند دلیل بر افزونی
عزت و دولت و مالش کند. ابن سیرین گوید اگر مرده را بیند گوید تو مرده بودی گوید مرده‌ام بلکه زنده‌ام دلیل کند که احوال او نیک
و در آن جهان رستگار باشد. امام [illegible] اگر کسی بیند که مرده در کنار خویش گرفت دلیل کند که تن درست شود و دولت یابد و اگر
مرده را ترش روی و جامه چرکن بیند تاویلش بخلاف این باشد و اگر مرده خویشاوندی بود دلیل کند که [illegible]
دارد و اگر بیند که مرده در مسجد بود دلیل کند که آن مرده از بیم خدا ایمن باشد. جابر مغربی گوید اگر بیند که مرده [illegible]
در گردن او [illegible] دلیل کند که [illegible] و اگر دست [illegible]
بر آن مرده [illegible] و اگر مرده را سیاه روی بیند دلیل کند که آن مرده کافر مرده باشد. اسمعیل اشعث گوید اگر
بیند که مرده نماز بود دلیل کند که آن مرده در زندگی استغفار بسیار کرده باشد و بعضی گویند که چون مرده در خواب نماز و طاعت
کاهل بود [illegible] دانیال گوید اگر بیند که مرده چیزی از مال دنیا بدو داد دلیل کند که خیر و منفعت بدو رسد از جائی که امید ندارد و اگر
چیزی از خوردنی [illegible] بوی داد و او [illegible] دلیل کند که [illegible] و اگر مرده از خود چیزی
داد و او در پوشید دلیل کند که ویرا سختی رسد در تن و مال و اگر نپوشید دلیل کند که از دنیا بزودی رحلت کند. ابن سیرین
گوید اگر بیند که مرده جامه نشسته بوی داد و آن جامه که پوشیده بود باز بیرون کرد و بمرده داد دلیل کند که کسی از اهل او بمیرد
مجامعت کردن امام [illegible] فرماید مجامعت کردن با مرده اصل این آنست که چون کسی با مرده مجامعت کند و از وی منی جدا
نشود دلیل این خواب صواب در آید و چون غسل واجب شد [illegible] و اگر بیند که با زن معروف مرده مجامعت کرد
دلیل کند که از جائی که امید ندارد مرادش برآید و اگر بیند که با زن خود مجامعت کرد دلیل کند که از مال مرده چیزی بدو رسد [illegible]

گوید اگر کسی بیند که مرده او را بانگ کرد و از پی مرده روان شد و وی را ندید یا آنکه مرده از میان گروهی بیرون آمد دلیل کند که از
دنیا برود و اگر بیند که از پی مرده بسرای مجهول در شد دلیل کند که وفات یابد اسمعیل اشعث گوید اگر کسی خود را در میان مردگان بیند
دلیل کند که در میان مردمان امر معروف کند لیکن از وی نشنوند و اگر بیند که با مرده دستی گرفت دلیل کند که بسفر رود و در سفر
شادی بیند و اگر بیند که با مردگان طعام بخوردند دلیل کند که در آن دیار طعام گران شود و اگر مرده را مست بیند چنانکه
و هم مرده را بیند با جامه چرک گوید اگر بیند که پاره از تن مرده بخورد دلیل کند که گنجی از زیر زمین یابد و اگر بیند که مردگان مجهول را زنده
کردن [illegible] دلیل کند که مردمان بر دست وی توبه کنند و از گناه بر خود باز گردند و بعضی گفته اند که با مردمان به مذهب [illegible]
بحث و دلیل غلبه کند امام [illegible] فرماید اگر مرده را لب آن [illegible] بیند دلیل کند که مرادش حاصل شود و اگر بیند که مرده را بر زمین
میکشید دلیل کند که کسب حرام کند و اگر بیند که با مرده در یک خانه خفته بود دلیل کند که عمرش دراز شود مرده جامه پوشیده اگر بیند که
مرده جامه سبز پوشیده بود دلیل کند که از دنیا بشهادت رفته بود و اگر بیند که جامه سفید پوشیده بود دلیل کند که جایگاه او در [illegible]
بغایت نیکو باشد و اگر بیند که جامه سیاه داشت دلیل کند که [illegible] زیرا که جامه سیاه لباس دوزخیان است و جامه سرخ همین دلیل
و اگر جامه مرده را کبود یا زرد بیند دلیل کند که بیننده را مصیبت رسد و اگر بیند که مرده جامه زنده پوشیده بود دلیل کند که در [illegible]
ایشان اندوه رسد [illegible] که مرده در حضرت بود و کفن مرده کرامت گوید اگر کسی بیند که کفن مرده معروف بر کند دلیل کند که از [illegible]
مرده جوید و اگر بیند که مرده کفن کرد دلیل کند که یکی از خویشان آن مرده را جامه پوشد امام [illegible] فرماید دیدن مرده در خواب بر [illegible] وجه
باشد یکی [illegible] ظاهر شدن کار [illegible] دین و اگر بیند که مرده بر روی [illegible] زاری کرد دلیل کند که عمرش دراز بود
لیکن در سرای [illegible] جابر مغربی گوید اگر بیند که مهتری یا عالمی زنده شده بود دلیل کند که مذهب و سیرت وی زنده کرده و اگر [illegible]
و اگر [illegible] باشد و اگر بیند که مرده از وی طعام خواست دلیل کند که مرده از وی صدقه چشم دارد مرزنگوش ابن سیرین گوید اگر
کسی بیند که مرزنگوش می بوید دلیل کند که وی را پسری مبارک آید و آن پسر خداوند علم و فرهنگ گردد و اگر بیند که مرزنگوش
از بهای خویش بکند دلیل کند که فرزندش بیمار گردد و اگر فرزند ندارد هم غم و اندوه بوی رسد و اگر بیند که در زمینی که ملک [illegible]
مرزنگوش بسیار رسته دلیل کند که وی را از مردمان صلح خیر و منفعت رسد کرمانی گوید درخت مرزنگوش بخواب کسی است [illegible] خانه
وی که راز دار وی بود و اگر بیند که در زمین وی مرزنگوش سبز و پاکیزه بود دلیل کند که کسی [illegible] وی شود و اگر
بیند که برگ مرده و زرد بود دلیل کند که آن کس [illegible] مرغ ابن سیرین گوید هرچند مرغ [illegible] که بیند [illegible]
طلب کند عظیمتر باشد و اگر بیند که مرغان بسیار در جایگاهی جمع [illegible] دلیل کند که اهل آن [illegible] غم و مصیبت [illegible]

چنانکه خایه مرغ داشت او را فرزندی آید که [illegible] گوید اگر بیند که مرغ با وی سخن گفت کار وی در پیش پادشاه بلند گردد و نیکو شود
و اگر بیند که مرغ در دست وی بمرد دلیل کند که اندوهگین گردد و اگر بیند که مرغ بر سر او نشسته بود دلیل کند که بر دشمن ظفر یابد و اگر
بیند که گوشت اندام خود ببرید و در پیش مرغان می انداخت دلیل کند که مال بسیار یابد جابر مغربی گوید که مرغ فروش در خواب مردی
بود که طعام و کنیزک فروشد اسمعیل اشعث گوید اگر کسی بیند که مرغان مختلف در شهری یا دهی جمع شدند دلیل کند که در آنجا لشکری جمع
در شود و اگر بیند که مرغی چشمهای او را برکند دلیل کند که بسبب شخصی در دین او تباهی رسد و مرغابی بهتر و نیکوتر از مرغان دیگر است
و اگر بیند که مرغابی چند فرا گرفت دلیل کند که مال و نعمت بسیار یابد و بکام دل برسد و اگر بیند که مرغابیان بر روی جمع شدند دلیل کند
که بقدر آن وی را مال حاصل شود و بر دشمن ظفر یابد جابر مغربی گوید اگر بیند که مرغ آبی بجایگاهی بانگ میکرد دلیل کند که او را فرزندی
آید امام [illegible] فرماید دیدن مرغابی در خواب بر چهار وجه بود یکی مال دوم منفعت سیم بزرگی و ریاست چهارم زنان نیکو و بدانکه
آشیان مرغ همین دلیل کند و همه نیک است مرغزار ابن سیرین گوید اگر کسی مرغزاری بیند که جوهر و نبات در او بود دلیل
دین وی بود و اگر بیند که مرغزار ملک وی است دلیل کند که دین وی پاک و اعتقادش درست بود و اگر بیند که در مرغزاری نیکو گشت دلیل
کند که عیش بر وی فراخ گردد و کار وی بنظام شود کرمانی گوید که مرغزار در خواب مردی بزرگوار بود بقدر بزرگی و نیکوئی مرغزار و اگر
مرغزاری سبز و پاکیزه بیند و دانند که ملک اوست دلیل کند که با چنین مردی پیوندد و از او چیز و منفعت یابد و اگر در وقت بهار مرغزاری
بیند سبز و خرم و در آن گل و ریاحین شکفته بیند و آب روان دلیل کند که مرگ وی بشهادت بود و عاقبت وی نیکو شود و اگر بیند که
در مرغزاری گوسفند بسیار بود و مال از آن وی بود مال و منفعت یابد و اگر گاوان و خران بیند لشکر پادشاهی جمع و وفا باشند
و بر ایشان اعتماد نبود و اگر بیند که در مرغزاری گل و ریاحین جمع میکرد و بخانه میبرد دلیل کند که مال و منفعت بوی رسد اسمعیل اشعث
گوید مرغزار در خواب بستان بود و اگر بیند که در مرغزار پاکیزه و سبز شد و در آنجا مقیم شد دلیل کند که زنان خوبروی بزنی خواهد و اگر
بیند که مرغزار سبز و خرم نبود تاویلش بخلاف این باشد امام [illegible] فرماید که دیدن مرغزار در خواب بر شش وجه بود یکی دین دوم اعتقاد
پاک سیم معیشت چهارم نظام کار پنجم پادشاهی ششم مردی بزرگ [illegible] و منفعت هفتم زن [illegible] هشتم [illegible] مرهم ابن
سیرین گوید اگر بیند که مرهم بر اندام خسته و ریش نهاد دلیل کند بر چیز و صلاح کار دین و اگر بیند که مرهم بخورد دلیل کند که چیزی حرام
خورده باشد [illegible] و مضرت بوی رسد و اگر بیند که مرهم کسی داد دلیل کند که از آن کس چیزی به [illegible] جابر مغربی گوید که اگر بیند که مرهم
گوشت اندام ریش را بخورد دلیل بر نقصان مال و منفعت صاحب خواب کند مروارید دانیال [illegible] گوید که مروارید در خواب غلام یا فرزند
یا کنیز بود ابن سیرین گوید مروارید در خواب کنیز بود یا زن با جمال اما اگر مروارید بسیار دید چنانکه در شمار نیاید دلیل کند که مال [illegible]

حاصل کند بعقد را اینچ دیده باشد و بعضی از معبران گویند چون مروارید را پراکنده بیند دلیل کند بر پسران و دختران و اگر بیند که از دهان
وی عقد مروارید بیرون آمد دلیل کند که از علم و حکمت بیرون آید و اگر بیند که مروارید بخورد دلیل کند که علم و توحید و سخن حکمت را بپوشاند
یا قرآن را فراموش کند و اگر بیند که در میان دهن وی عقد مروارید گشوده بود دلیل کند که وی را در علم و حکمت تصنیف بسیار بود و مردم را
از علم و حکمت او فایده رسد و اگر بیند که بجای هیزم مروارید میسوخت دلیل کند که علم و حکمت را بنااهل آموزد که سزاوار آن نباشد و قدر آن نداند
و اگر بیند که مروارید بسیار داشت دلیل کند که وی دارو یا رسید و اکثر گوید اگر خواب بیند که مروارید یافت یا کسی بوی داد دلیل کند که او را
فرزندی خوبروی حاصل شود و اگر مروارید بزرگ بیند چنانکه از حد گذشته باشد دلیل کند که وی را مال بسیار حاصل شود و اگر بیند که مروارید
بفروخت دلیل کند که حق تعالی وی را علم کرامت فرماید و اگر بیند که مروارید بجای مجهول انداخت دلالت کند در حق کسی که قدر آن نداند و اگر بیند که
عقد مروارید در دست بسته داشت دلیل کند که حق تعالی او را علم و حکمت کرامت فرماید و اگر بیند که عقد مروارید از دست وی بیفتاد دلیل
کند که بسیار بگرید و اشک از چشم او فرود آید اسمعیل اشعث گوید اگر مروارید را در سرگین دید یا چاه چیده پراکنده دید دلیل کند که علم
و حکمت پیش مردمان نادان گوید و اگر بیند که مروارید با آتش بسوخت یا بسنگ بشکست دلیل کند که کاری کند که خلاف شریعت
بود و اگر بیند که مروارید در زیر پای انداخت دلیل کند که فرزند خود را بنکاح ناجنسی درآورد و اگر بیند که مروارید در زیر پای شکست
دلیل کند که فرزندش هلاک شود یا در میان ایشان بدعتی افتد و اگر بیند که مروارید از قضیب وی بیرون آمد و آن مروارید سوراخ داشت
دلیل کند که وی را پسری آید و اگر سوراخ نداشت وی را دختری آید و اگر بیند که مروارید در گردن بست دلیل کند که از هر گونه علم
حاصل کند و اگر بیند که در گردن کسی بست الکن وی را علم آموزد و اگر بیند که مروارید در یک گوش چون گوشوار داشت دلیل کند که
نصف قرآن را حفظ کند و اگر بیند که مروارید میفروخت دلیل کند که پارسا و مصلح بود و از هر علم وی را بهره حاصل شود و امام ع
فرماید که دیدن مروارید در خواب بر شش وجه باشد یکی علم قرآن دوم علم و حکمت سیم مال حلال چهارم زن خوبروی پنجم کنیزک
با جمال ششم فرزند با ادب و فرهنگ **مزدوران** ابن سیرین گوید اگر بیند که مزدوران در خانه وی کار میکردند و خاک میکشیدند دلیل
کند که بقدر آن وی را مال و نعمت حاصل شود و اگر برخلاف این بود دلیل بر نقصان مال و نعمت کند **مژگان** ابن سیرین گوید که
مژگان چشم در خواب دلیل دین باشد و اگر بیند که مژگان چشم وی فرو ریخت دلیل کند که در دین وی عیبی افتاده بود و اگر بیند که مژگان
چشم را سپید دید دلیل کند که بیمار شود و اگر بیند که مژگان چشم وی دراز گشته دلیل کند که بقدر آن زینت وی بیفزاید و امام ع فرماید دیدن
مژگان در خواب بر چهار وجه باشد یکی نگاه داشتن دین دوم دوست موافق سیم مال چهارم روزی و تاویل مژگان از این
بیرون نباشد **مس** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که مس داشت یا مال او بود دلیل کند که بقدر آن وی را مال و متاع حاصل شود که دیدار او

مس چون ابریق و آفتابه و امثال اینها بیند خدمتکاران باشند که از مس بود و اگر بیند که دست و چراغ و پای ایشان از مس بود
که خدای تعالی بود و جابر مغربی گوید اگر بیند که مس بگداخت و از آن اصلاح میکرد دلیل کند که کار مشکل بر وی آسان گردد و بعضی از
معبران گویند که مال حلال بود که برنج حاصل کند **مستی** ابن سیرین گوید که مستی در خواب مال حرام بود و دلیل بر این باشد چنانکه در کلام
مجید فرموده است یا ایها الذین آمنوا لا تقربوا الصلوة و انتم سکاری کرمانی گوید که مستی در خواب چون از شراب بود در صحت حکم
بود و هر که مستی را جابر مغربی گوید که مستی به شراب دلیل بر نقصان مال و رفتن قوت و توانائی بود و چون مستی از شراب بود مال حرام
باشد امام ع فرماید مستی در خواب بر چهار وجه باشد یکی مال حرام دوم توانگری سیم ناتوانی و نقصان مال چهارم ترس و بیم بی‌جد
مستی **مسجد** ابن سیرین گوید که مسجد آبادان دیدن دلیل بر دین عالم بود که مردم بر وی جمع آیند و از بهر صلاح دین و اگر بیند که مسجد بنا
کرد دلیل کند که از بهر مسلمانان چیزی نیکو کند یا قومی را بر کار خیر جمع کند جابر مغربی گوید که بنای مسجد نهادن در خواب ستودن
بود و اگر بیند که مسجد بنا مینهاد و آن را تمام دلیل کند که زن حلال خواهد و آن زن دین دار و پارسا بود و او نیز بسبب آن زن ستوده
و پارسا گردد و اگر بیند که چراغ مسجد را بکشت دلیل کند که فرزندش بمیرد و اگر بیند که در مسجد جامع نشسته بود و در آن بسته
درسته بود دلیل کند که بر وی کارها بسته شده گرامی گوید اگر بیند که کسی وی را از مسجد باز میداشت دلیل کند که کسی بر وی
ستم کند و اگر بیند که در مسجد نماز میکرد لیکن روی بقبله کرده بود دلیل حج بود و اگر بیند که در مسجد وی دوستی نشسته دلیل کند
که مال جو دو دعا آن مسجد برینه کند مراد وی حاصل شود و اگر بیند که مسجد خراب شد دلیل کند که عالمی بمیرد اسمعیل اشعث گوید
اگر کسی که جایگاهی از ملک او مسجد شده بود دلیل کند که در دین شرف و بزرگی یابد و مردم را بحق دعوت کند و اگر بیند که
در مسجد میرفت دلیل کند که زن داده و دختر به زنا بخواهد و اگر بیند که در مسجد چراغی برافروخت دلیل کند که وی را فرزندی آید صالح
و پارسا و اگر بیند که در مسجد ... روشن شد دلیل کند که از همه ترس و بیم ایمن شود و امام ع فرماید دیدن مسجد در خواب بر دوازده
وجه بود یکی پادشاه دوم قاضی سیم عالم چهارم رئیس پنجم امام ششم خطیب هفتم مؤذن هشتم قیم مسجد نهم امیر دهم حج
برکت یازدهم زن طالع دوازدهم یکی ... شد خداوند خواب را و اگر بیند که مسجد جامع را بساخت دلیل کند که مردم عالم
از او چیزی برسد و اگر بیند که عمارت مسجد میکرد دلیل کند که کاری کند که در راستی ایمان و عمل او بود و نیکوئی کند با امام جماعت
و اگر بیند که از مسجد برگشت دلیل کند که ایمن شود و روزی بر وی فراخ شود **مسح** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که مسح موزه
میکرد دلیل کند که وی را فرزندی عالم فاضل آید و مردمان متابع او شوند جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که مسح موزه میکرد دلیل
کند که سفر شود و در سفر مال بدست آرد و کار وی با نظام شود **مسکه** ... مسکه در خواب ... بود و تاویل آن مال حلال

بود و ابن سیرین گوید اگر بیند که سکه فرا گرفت یا کسی بوی داد و از آن بخورد دلیل کند که بقدر آن مال یابد کرمانی گوید که سکه خوردن در
خواب گواهی براستی دادن باشد و سکه کوفتن همین تأویل دارد و سکه کار دلیل کند که سال بروی فرخنده و مبارک باشد و بقدر آن
درم مال یا چیزی و برکت رسد و سکه هر جانوری که گوشت وی حلال بود دلیل بر مال حلال کند و هر جانوری که گوشت وی حرام بود دلیل
بر مال حرام کند امام جعفر صادق فرماید که سکه در خواب بر چهار وجه بود اول مال حلال دوم گواهی دادن براستی سیم علم چهارم دانش جاه
مسلم شدن ابن سیرین گوید اگر مسلمان بیند که دیگر باره مسلمان شد دلیل کند که از گناه و فتنها ایمن شود و اگر کافری بیند که مسلمان شد
دلیل کند که حق تعالی وی را از گناهان پاک گرداند جابر مغربی گوید اگر مسلمان بیند که کافر شد دلیل کند که در بلا گرفتار شود و خاکسار و ... گم
بود و اگر کسی بیند که کافری بدست وی مسلمان شد دلیل کند که کسی را از راه فسق و فساد براه صلاح بیرون آورد یا کافری بدست وی مسلمان
شود چنانکه در خواب دیده باشد **مسمار** دانیال گوید مسمار میخ آهنین بود و دیدن آن در خواب دلیل بود که بکار و حاجتهای مردم کوشد
و بعضی گویند مسمار در خواب پادشاه بود یا امیری بزرگ و اگر بیند که مسمار بزرگ قوی داشت دلیل کند که وی را با بعضی کسی صحبت
افتد و اگر بیند که بمسمار چیزی بدوخت دلیل کند که بصحبت مردی بزرگوار کار خود را راست کند و برادران جمع شود و اگر بیند که مسمار
وی بشکست یا ضایع شد تأویلش بخلاف این بود کرمانی گوید دیدن مسمار کارهای نیکو بود که دران چیزی بسته شود و هر چند مسمار را چیزی
میخ و مضبوطتر بود کارها محکمتر باشد امام جعفر صادق فرماید دیدن مسمار در خواب بر چهار وجه بود اول مردی بزرگوار دوم مردی که کارها
بدو ساخته شود سیم مهتر سوم چهارم نصرت و ظفر در کارها **مسواک** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که مسواک میکرد دلیل کند که
مال خود را بخیرات صرف کند و در آن هیچ مزد و ثواب بود جابر مغربی گوید اگر بیند که دندانهای پیش را مسواک میکرد دلیل کند که با برادران
و خواهران خیرات و احسان کند **مشرف شدن** ابن سیرین گوید اگر بیند که جوانی را بر اشیا حاجت بر وی مشرف شده دلیل کند که از زنی
مکار بر وی که حیلت سازد و اگر بیند که بر آستانی مشرف بود دلیل کند که برفعت و مال کسی مشرف شود و اگر بیند که زنان بر وی
مشرف شدند دلیل کند که برآنکه مشرف شدند حسد برند و با وی دشمنی کنند جابر مغربی گوید که اگر کسی بیند که مشرف بر پادشاه بود دلیل کند که
و خاص پادشاه شود و اگر بیند که در مشرفه پادشاه وی را معزول کرد تأویلش بخلاف این باشد امام جعفر صادق فرماید اگر بیند که بر کاری مشرف شد و چیزی
نیک مشرف شد دلیل کند که چیز و صلاح یابد **مشرق** اگر بیند که مشرق بجای نیکو بست دلیل کند که کار وی نیکو شود و از پادشاه
حاجت وی روا شود و اگر بیند که مشرق ویران بود و هیچ درخت و عمارت در آنجا نبود دلیل کند که خدمت پادشاه بی منفعت کند
و غم وی افزون شود کرمانی گوید اگر کسی خویشتن را در جایگاهی که آفتاب بر می آید دید پدید گرفتار شود دلیل کند که وی را با پادشاه صحبت
افتد اگر جای خویش را نیکو بیند دلیل کند که مراد دلش بر آید و بهر حال جای آفتاب برآمدن در خواب بهتر از جایگاه فرو شدن باشد زیرا که

جای آفتاب برآمدن اقبال بزرگی بود و جای فرو شدن ادبار و فرو ماندگی باشد **مسلمان** ابن سیرین گوید اگر مشرکی بیند که مسلمان شد
و حال وی بر دین دیگر بود دلیل کند که در مسلمانی ازو بیداری حاصل کند و اگر سخن وی بخلاف این او دین وشرع بود دلیل کند که مسلمان نشود
و اگر مسلمان شود در دین ثابت نبود جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که مشرکی اندر بهشت شد دلیل کند که مسلمان شود و اگر مشرکی بیند که
قبله نماز میکرد یا شکر حق تعالی میکرد یا خود را در حصاری دید دلیل کند که مسلمان شود و نعمت بر وی زیاده گردد و اگر مشرکی بیند که نماز
مسلمانان کرد همین دلیل کند امام جعفر صادق فرماید اگر کسی مشرکی را در خواب بیند و خداوند خواب مستور باشد دلیل کند که طالب علم شود و بر دشمن ظفر
یابد و اگر خداوند خواب مستور نباشد با مردم بد مذهب بصحبت افتد و اگر مشرکی بیند که دل وی فراخ گشت دلیل کند که مسلمان شود
قوله تعالی فمن یرد الله ان یهدیه یشرح صدره للاسلام و اگر مشرکی در خواب مسلمانی گفت که من مسلمان شدم دلیل کند که کار بر وی آسان گردد
و باشد که مسلمان شود **مشعبد** ابن سیرین گوید مشعبد بخواب دیدن کار باطل بود و اگر بیند که مشعبد بود دلیل کند که بکار باطل
مشغول شود و اگر بیند که در مشعبد نظاره میکرد دلیل کند که در کاری بد افتد و اگر بیند که از مشعبده کردن دست باز داشت دلیل کند که از
کار باطل توبه کند **مشک** دانیال گوید اگر بیند که با خویشتن مشک داشت دلیل بر ادب و بشارت بود که بیابد و هم کس وی را ثنا
و آفرین گوید و اگر بیند که از وی بوی مشک فایح همی آمد دلیل کند که نفس وی صادق و پاکیزه بود و برادر حق ابن سیرین گوید اگر کسی بیند
که مشک را میسوزد دلیل کند که صالح و مستور بود و همه کس او را ثنا گوید و اگر بیند که مشک بدل میکرد دلیل کند که رفیق را ملامت
کند و اگر دید که مشک را بر خویشتن بمالید دلیل کند که احسان و نیکوکاری بسیار کند جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که نافه مشک را
بشکافت و از وی مشک بیرون آورد دلیل کند که زنی را بزنی بخواهد و اگر بیند که در میان نافه مشک بسیار یافت دلیل کند که
آن زن را هم مال بود و هم جمال و اگر خداوند خواب از اهل علم بود دلیل کند که او را علم بسیار حاصل شود و اگر پادشاه بود مال بسیار
حاصل کند و اگر بازرگان بود سود و منفعت حاصل کند و اگر بیند که نافه مشک را یافت و او بشکافت و از وی بوی خوش می آمد
این تأویلها که گفته شد جمله برخلاف این بود و اگر نافه مشک مشوش کرده یافت هم بد باشد و اگر بیند که مشک میفروخت و مال خود بر عیال
صرف کند و بعضی از معبران گفته اند که مال حرام بخورد و اگر بیند که بخروار مشک داشت و دانست که ملک وی است دلیل کند که بقدر آن علم
حاصل کند و نامش در اندیار منتشر گردد و امام جعفر صادق فرماید که دیدن مشک در خواب بر شش وجه بود اول زن توانگر دوم مرد دوست سوم غلام
چهارم کنیزک پنجم مال بسیار ششم سخن خوش و ثنای نیکو بود **مشک آب** ابن سیرین گوید که مشک آب در خواب سفر بود
اگر بیند که مشک آب داشت و نو بود دلیل کند که بسفر رود و در آن سفر سود و منفعت یابد و اگر مشک را کهنه بیند و آبها تیره و ناخوش تأویلش
برخلاف این باشد و اگر بیند که آن مشک سوراخ داشت یا بدرید دلیل کند که در آن سفر وی را رنج و زیان رسد کرمانی گوید اگر کسی بیند که

شکم پر آب داشت و مرده را مرده از آن آب میداد دلیل کند که مرده را از خیر و احسان کند و اگر مرده را در آب بیند دلیل بر چیز از وی بی بهره بگیرد
امام ع فرماید دیدن مشک آب در خواب بر سه وجه بود یکی سفر دوم مال سیم زندگانی در از و جماعتی گفته‌اند که در خواب قربت کننده
بهر شرعی بود یا کسی بود که چیزهای پاکیزه را باصلاح آورد **مصحف** ابن سیرین گوید مصحف دلیل علم و حکمت است اگر بیند که مصحف میخواند
یا در وی نگاه میکرد دلیل کند که علم و حکمت و دانش در میان خلق منتشر کرده و بعضی گفته‌اند که حق تعالی حکمت و صلاح دین وی را
زیاده کند و اگر بیند که مصحفی بخرید دلیل کند که طالب علم و دانش شود و اگر بیند که مصحف را باتش بسوخت دلیل بر تباهی دین کند و اگر بیند
که مصحف را بفروخت دلیل کند که علم و دانش حاصل کند و حال وی تباه شود کرمانی گوید اگر بیند که مصحف را کشاده در پیش نهاده بود دلیل
کند که وی مشهور شود و اگر بیند که در قبای مصحف مینگریست دلیل کند که عمر تمام کند از و اگر بیند که بزبان حروف کلام الله تعالی میسترد دلیل
کند که قرآن را حفظ کند تمام و اگر بیند که قرآن را تمام تفسیر میگفت دلیل کند که در کاری بود که وی را انکار نمی‌رود جابر مغربی گوید اگر بیند
که مصحف را بوسه میداد دلیل کند که کارهای خیر کند و اگر بیند که قرآن را میشست دلیل کند که مطهر شود و اگر برهنه قرآن بیند که میخواند
دلیل کند که خورش وی از قرآن بود و اگر بیند که قرآن را باتش کرده بود دلیل کند که علم قرآن بکار نکند و اگر بیند که کسی مصحف را از وی بستد
دلیل کند که علم و فواید فراموش کند و اگر بیند که قرآن را میخواند و فهم میکرد دلیل کند که علم و اندوه بوی رسد و اگر بیند که قرآن را برگردن
حمایل داشت دلیل کند که از همه ترسها ایمن شود اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که ورق مصحف را میدرید و از بیخ قرآن مینوشت دلیل کند که
قرآن را برای خویش تفسیر کند چنانکه خواهد و اگر بیند که در قبای مصحف را زر میکرد دلیل کند که جاه و بزرگی یابد و عدل کند و اگر بیند که مصحف
با وی سخن گفت اگر حق بیند گفت دلیل بر نیکی کند امام ع فرماید که دیدن مصحف در خواب بر پنج وجه است یکی علم و حکمت دوم نصرت سیم
امانت چهارم روزی حلال پنجم علم و دانش **مصطکی** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که مصطکی میخورد دلیل کند که وی از بهترین داروها
خورد و اگر بیند که مصطکی میخواست دلیل کند که کاری کند که برادران لکنگر بود کرمانی گوید اگر بیند که مصطکی داشت و از وی بخورد و اگر بیند
دلیل کند که از کسیکه عالم بود منفعت برنج حاصل کند و اگر بیند که مصطکی بیرون افکند دلیل کند که وی را از پادشاه مضرت رسد **مصور** جابر مغربی گوید
مصور بتازی صورتگر بود و اگر بیند ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که صورت جانوری میکشید دلیل کند که بر خدا دروغ گوید و چیزی که حلال
باشد حرام و حلال جابر مغربی گوید اگر بیند که صورت آدمی میکشید دلیل کند که بر غیب باشد و دروغ زن بود و صفات خدای چیزی گوید
و معنی دیگر در دیدن صورتگری هیچ خیر و منفعت نباشد **مطبخ** جابر مغربی گوید مطبخ جای پختن خوردنی بود و دیدن آن در خواب
زن خانه بود ابن سیرین گوید اگر بیند که مطبخ وی از کچ و سنگ بود دلیل کند که خانه وی بسیار بر خیر و نعمت بود و اگر دروی خیر نیکی
نبود و اگر مطبخ ملک وی بود و چیز فروشان صاحب مطبخ باز گردد **مطر** ابن سیرین گوید اگر بیند که مطر بدید دلیل بر دولت و زر بود

۴۵۹

دیگر نام میخورد دلیل کند که بچیزهای حرام گراید **معبر** جابر مغربی گوید معبر در خواب مرد شایسته قاضی بود و اعظم این قوم خداوند زاری
اگر بیند که شب و روز تعبیر خواب میکرد دلیل کند که دین وی بیفزاید و در این چیزها نگاه کند تا خطا نرود **معجون**
ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که از بهر درد و بیماری معجون میساخت دلیل کند که از کسب معیشت چیزی حاصل کند و اگر بیند که معجون
بمردم میداد دلیل کند که از آن مردم چیز و منفعت و احسان رسد و اگر بیند که از معجون منفعت بمردم نمیرسید دلیل کار او منفعت
بکسی نرسد جابر مغربی گوید اگر بیند که معجون میخورد و طعم تلخ و ناخوش بود دلیل کند که عقب آن وی را دشواری رسد و اگر بیند
معجون منفعت از بهر درد سر و چشم داشت دلیل کند که از مهتری بزرگ وی را چیزی و منفعت رسد و اگر منفعت معجون از بهر سینه و دل
بود از پادشاه چیزی و نیکی بیند **معده** ابن سیرین گوید اگر بیند که معده وی سخت و قوی بود و آفت نیست دلیل کند که زندگانی وی
در از باشد و اگر بر خلاف این بیند کوتاه بود و بعضی گویند که کسی را اشتهای ناخوش گوید جابر مغربی گوید که معده فرزند بود و هر خیر و شر
که معده را بیند فرزند وی را بود و امام ع فرماید که دیدن معده در خواب بر شش وجه بود یکی عمر دوم اهل بیت سیم سختی نا خوش
چهارم فرزند پنجم رنج کاشتن ششم کار کردن و منفعت برنج از کسب حاصل کردن **معزول** ابن سیرین گوید اگر بیند که از کار خویش
معزول شده یا کسی وی را معزول کرد دلیل کند که زن را طلاق دهد و دیگر بار صلح کند یا زن دیگر خواهد و از وی منفعت یابد یا تجارت
سود کند و کار وی بنظام آید **معصر** جابر مغربی گوید معصر بتازی چیزی بزرگ بود که از وی انگور چیزی پالایند و آن مانند خم
باشد و بخراسان آنرا افرخشت خوانند و از کثرت استعمال اطوال اگر خویش گوید ابن سیرین گوید اگر بیند که در معصر چوبین
انگور میفشرد دلیل کند که نصرت پادشاه بیداد گر کند و اگر بیند که معصر از سنگ و آجر و آهک بود دلیل کند که مر پادشاه عادل
کند و اگر بیند که خود در معصر انگور میفشرد دلیل کند که از نصرت پادشاه نعمت بوی رسد **معلم** ابن سیرین گوید معلم در خواب مهتر
نادان بود و اگر بیند که معلمی میکرد و مردمان را علم می‌آموخت دلیل کند که نزدیک مردمان شرف و بزرگی یابد امام ع فرماید
معلمی کردن در خواب بر چهار وجه بود یکی بهشت دوم بزرگی سیم نامور چهارم حق روشن و اگر بیند که از کسی چیزی
می‌ستد دلیل کند که از آن چیزها که گفتیم او را بهره رسد **مغز** دانیال ع فرماید مغز سر و استخوان مرده مال شده اگر کسی بیند که
مغز سر خویش میخورد دلیل کند که مال بی‌رنج و بی‌نهد و اگر بیند که مغز دیگری میخورد دلیل کند که مال کسی را ذخیره کند و آنرا فرزند
کند و اگر بیند که مغز سر کوسفند و استخوان او میخورد دلیل کند که بقدر آن مال حلال حاصل کند ابن سیرین گوید اگر بیند که مغز
وی بر زمین افتاده دلیل کند که سرمایه از دست وی برود و اگر بیند که جان مغز سر را از زمین بر گرفت و بر سر نهاد دلیل کند
که با زنان پیدا شد و اگر مغز سر خود را پاکیزه و خوشبوی دید دلیل کند که زن کوتاه دل بود و اگر بخلاف این بیند زن کوتاه دل بود و اگر مغز

سر خود را چون فرشته دید و بر زمین افتاد و چنانکه قومی آن مغز را می خورند دلیل کند که مایه او را آنقوم مزنبه کنند جابر مغربی گوید اگر بیند
که مغز مردار یا جانور حرام می خورد مال حرام خورد و اگر بیند که مغز مار و کژدم می خورد دلیل کند که از مال ایزد بخورد اسمعیل اشعث گوید مغز
در خواب مال دفینه بود و اگر بیند که مغز کم می خورد و ناخوش بود دلیل کند که آن مال حرام است باید زکوة نداده بود امام جعفر صادق
گوید دیدن مغز در خواب بر سه وجه بود یکی مال پنهان دوم عقل سیم سر **مبتلا شدن** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که مبتلا شده بود چنانکه بر
نمی توانست خیزد دلیل کند که در کارها سست و ضعیف بود کرمانی گوید اگر خود را مبتلای اعور زار بیند دلیل کند که از همه معصیت توبه
کند و اگر خود را مبتلا دید چنانکه برای برفت دلیل کند که عیش بروی دشوار شود و روزی بروی تنگ گردد و اگر بیند که کسی را مبتلا
کرد دلیل کند که عیش را بر آنکس تباه کند و مضرت بدو رساند **مفرح** بدانکه مفرح مینوا بود که شادی آورد و دل را قوی دارد
و غم و اندوه را ببرد و اگر بیند که مفرح شکسته بالو می خورد دلیل کند که بقدر آن از مردی بزرگ چیز و منفعت بیند و نامش نیکو
منتشر گردد کرمانی گوید اگر مفرح تلخ بود و ناخوش بود چیز و منفعت نیابد و اگر بیند که مفرح بکسی داد دلیل کند که بدانکس چیز و منفعت رسد
از وی بدانکه بیاری ناخن تراش بود و را با سوزن پنهان می شود **مقعد** بدانکه مقعد بیاری نشستن مردم بود ابن
سیرین گوید مقعد در خواب بشغل و کسب مردم بود و اگر کسی بیند که مقعدش بیرون آمد دلیل کند که کسب و کار وی تباه شود و اگر بیند که
از مقعد وی خون بیرون آمد دلیل کند که در مالش نقصان افتد و اگر بیند که مار و کژدم در مقعد وی رفت دلیل کند که از دشمن
در کسب و کار وی خلل افتد و اگر بیند که سوراخ مقعد وی ببسته دلیل کند که کسب و کار وی بسته شود امام جعفر صادق فرماید دیدن مقعد در خواب
بر سه وجه بود یکی کسب و کار دوم منفعت سیم معیشت **مقنعه** ابن سیرین گوید مقنعه در خواب زنان را شوهر و مردان را زن باشد و اگر بیند
که مقنعه از سر وی جدا شده بود اگر زن بود شوهر وی بمیرد و اگر مرد بود زن را طلاق دهد یا از هم جدا شوند امام جعفر صادق فرماید دیدن
مقنعه در خواب بر چهار وجه بود یکی زن دوم خادم سیم کنیزک چهارم منفعت از زنان و اگر بیند که مقنعه پشمین یا کرباسی داشت دلیل کند
که شوهر وی مصلح و پارسا بود **مگس** ابن سیرین گوید مگس در خواب مردم حسود بدکیش ضعیف باشد و اگر بیند که مگسان بر وی جمع شده
بودند یا در چشم و دهان او فرو رفتند دلیل کند که از سلطان مالی حاصل کند لیکن از آن رنج رسد و اگر بیند که مگس در گوش وی شد
دلیل کند که از کسی سخنی شنود که وی را ناخوش آید و اگر بیند که او از مگس شنید دلیل کند که از مردمان سخن بیهوده شنود کرمانی گوید مگس
در خواب مردم فرومایه حسود بود و اگر بیند که بر پیراهن وی مگسان جمع شدند دلیل کند که او را با مردمان حسود شغل افتد و اگر بیند که مگس
بسیار در خانه وی جمع شدند دلیل کند که سخن وی گویند و اگر بیند که مگسان تن وی گزیدند دلیل کند که مردمان دون بر اهل بیت وی
حسد برند جابر گوید اگر بیند که مگسان را کشت دلیل کند که [...] و اگر بیند که مگس را بخورد دلیل کند که مال دشمن را برابر اهل ستاند و

ایزد

و مزنبه کند و اگر بیند که مگسان در زمین وی جمع شدند دلیل کند که از مال حاسدان بخورد و وی را مضرت رسد **مگس انگبین** در خواب مردم
فراخ روزی بود و اگر بیند که مگس انگبین فرا گرفت دلیل کند که بقدر آن وی را غنیمت بر رنج حاصل شود و اگر بیند که مگس انگبین بگزید
دلیل کند که وی را مضرت و زیان رسد **مکه** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که در مکه است دلیل کند که بزیارت کعبه شود و اگر بیند که
در مکه است و مردمان وی را می پرستند دلیل کند که بکار بیهوده رود و اگر بیند که بمکه بتجارت رفته است نه از بهر حج دلیل کند که کسبش
بحرص و ریا بود و در راه دین ضعیف باشد جابر مغربی گوید که اگر بیند که در راه مکه است دلیل کند که براه حج روزی شود و اگر بیند که در مکه
بصلاح و عبادت مشغول بود دلیل کند بر منفعت دینی و اگر بیند که در مکه بتجارت و شغل بود و مکه را آبادان و پر نعمت دید دلیل کند
که مال و نعمت یابد و اگر بخلاف این دید تاویلش بخلاف این باشد **ملح** ابن سیرین گوید ملح زدن در خواب لشکر بود و ملح پخته
درم و دینار گرد کرده بود ملح لشکر سلطان لشکر بود اگر کسی بیند که ملح می خورد دلیل کند که بقدر آن مال و نعمت از لشکریان بدو رسد
و بعضی از معبران گویند اگر کسی بیند که ملح بسیار جمع میکرد و در ظرفها کرد دلیل کند که مال جمع کند و بزن دهد و اگر بیند که ملح بسیار در دیار
وی جمع شدند و جمله نبات و نعمت از زمین بخوردند دلیل کند که مال بهیات پس از انجا جمع شود و جمله از ان بسیار
خراب شده **منادی** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که در میان مردم منادی میکرد و سخنش موافق علم و حکمت بود و نفسش خوب
و پارسا بود دلیل بر خیر و بشارت بود جابر مغربی گوید اگر بیند که منادی میکرد و بر آن جز صلاح و دین نبود دلیل کند که کام
دو جهانی یابد و اگر منادی بلهو و لعب میکرد تاویلش بخلاف این باشد **مناره** ابن سیرین گوید که مناره در خواب مردی بود که مردمان را
براه راست و دین خواند و اگر بیند که مناره بنا کرد دلیل کند که کار خیر کند یا جماعتی از اهل اسلام را جمع گرداند و اگر بیند که مناره را خراب
کرد دلیل کند که بسبب وی جماعتی از اهل اسلام متفرق شوند و بعضی گویند مؤذن باشد کرمانی گوید که مناره در خواب
در خواب پادشاهی یا مردی بزرگوار بر مقدار مناره و اگر در کوچه مناره بیند دلیل کند که مهتری بدان کوچه رسد و اگر مناره را از خشت خام
بیند دلیل کند که آن مهتر از رعیت بود و دین دار باشد و اگر مناره را از گچ و خشت پخته بیند دلیل کند که مهتر از سلطان نباشد و اگر
از سنگ [...] بیند آن مهتر از پادشاه باشد امام جعفر صادق فرماید که دیدن مناره در خواب بر چهار وجه بود یکی پادشاه دوم مردی بزرگوار
سیم امامت چهارم مؤذن بود **منبر** ابن سیرین گوید منبر در خواب سلطان اسلام بود و هر چیز که بر منبر بیند تاویل آن بر وی
باشد و اگر بیند که بر منبر شد و در بالای آن خطبه علم و حکمت می خواند و او از اهل علم بود دلیل کند که از سلطان شرف بزرگ یابد و اگر
از اهل علم نبود از پدر و خویشان شرف و بزرگی یابد کرمانی گوید اگر بیند که بر منبر خطبه تمام نخواند و از منبر فرود آمد دلیل کند
که از خطابت معزول گردد و اگر بیند که زنی بر منبر خطبه می خواند و کلام و علم و حکمت میگفت دلیل کند که در میان مردم رسوا شود [...]

علم و حکمت خواندن روا نباشد و بتر مرد از خواندن و در میان زنان نیک نباشد و اگر چنانکه از منبر بیفتاد و هرکه باشد بیند دلیل کند که از حرمت
و درجه بیفتد و جاه برسد به گوید اگر کسی بیند که بر منبر شد و او عالم و دین دار بود دلیل کند که بزرگی و جاه و حرمت یابد و اگر چنانچه بیند و جاهل
دلیل کند که وی را بر دارد یک گیر بدارد پروا کند امام علیه السلام فرماید دیدن منبر در خواب بر پنج وجه باشد یکی پادشاه دوم قاضی سیم خلیفه چهارم
امانت پنجم مرتبت و نقصان کسی که از منبر بیفتد **منجم** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که منجم شد دلیل کند که نزد پادشاهان و بزرگان حرمت
یابد اما سخن محال و دروغ گوید خاصه که چند سخن از احکام و نجوم بگفت کرمانی گوید اگر چنانکه سخن در علم هیئت افلاک بگفت دلیل کند
که نزد یک پادشاه حرمت یابد امام علیه السلام فرماید منجم را بخواب دیدن مردی بود که دروغ بسیار گوید و شکر خدا گوید **منجنیق** ابن سیرین گوید
اگر کسی بیند که در شهری یا قلعه مسلمانان سنگ منجنیق می انداخت دلیل کند که پادشاه آن شهر را با دشمن [illegible] ان بدی گوید جابر مغربی
گوید اگر چنانکه دشمن بر آن شهر منجنیق نهاده بود و روی آن شهر را خراب میکرد دلیل کند که اهل آن شهر را از دشمنان بیم و خطر
باشد و اگر چنانکه آن منجنیق بیفتاد و بشکست یا بسوخت دلیل کند که پادشاه آن شهر بر دشمنان ظفر یابد و اهل آن شهر از ترس و بیم ایمن
شوند **مندیل** دانستن مندیل در خواب خادم بود هر زیاده و نقصان که در مندیل بیند بخادم بازگردد و اگر چنانکه مندیلی نو داشت کرمانی
داده یا بخرید دلیل کند که خادمی وی را حاصل شود و اگر چنانکه مندیل وی نیکو و سبز بود دلیل کند که خادم وی دین دار بود و اگر چنانکه نیکو سفید
بود دلیل کند که آن خادم با امانت باشد و اگر چنانکه نیکو سرخ بود و خادمش معاشر و طرب دوست باشد و ستیزه کیش امانت بود
و اگر کبود و زرد بیند خادمش بیمار و بدخوی باشد و اگر کبود بیند خادمش اندهگین و مصیبت زده باشد و اگر چنانکه مندیل وی خوشبوی بود
خادمش زاهد و عابد باشد جابر مغربی گوید اگر چنانکه مندیلش پشمین یا کرباسی بود خادمش با امانت بود و طلب روزی حلال کند و مندیل
کتان هم نیک باشد و اگر چنانکه مندیل وی چرکن و کهنه و دریده بود دلیل کند که از آن خادم بر خوردار نشود و اگر بیند
که مندیل وی بسوخت یا ضایع شد دلیل کند که خادم از او جدا شود یا بمیرد **منشور** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که مردی نامه منشور
منشوری بوی داد که چیزی در آن نوشته بود دلیل کند که سعادت بیند و آخرت یابد و اگر بخلاف این بیند دلیل بد باشد و اگر چنانکه [illegible]
منشوری بوی داد دلیل کند که شرف بزرگی یابد جابر مغربی گوید اگر چنانکه پادشاه منشور ولایت بدو داد [illegible]
و پارسا بود منشوری بوی داد دلیل کند که از پادشاه جاه و حرمت یابد و کار او بنظام شود و اگر چنانکه منشور [illegible]
بخلاف این باشد امام علیه السلام فرماید که اگر چنانچه فرشته یا پیغمبری منشوری که خط سبز نوشته بود بوی داد دلیل کند که خدای او را بیامرزد و از دوزخ
خلاص شود و اگر چنانکه خط سیاه نوشته بود دلیل بد باشد **مرغ** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که همچون مرغ منقار داشت دلیل
کند که بزرگ منقار وی را مال و نعمت حاصل شود و اگر بیند که مرغان بزرگ چون [illegible] و کرکس [illegible] منقار زدند و خون از تن وی [illegible]

روان

روان شد دلیل کند که از پادشاه وی را رنج و گزند رسد و مال او تلف شود جابر مغربی گوید اگر چنانکه منقار مرغی در دست داشت
و بدان منقار مردم را میزد دلیل کند که مردمان از او رنج و گزند رسد **منی** [illegible] منی آید بود و که از او فرزند بهم رسد ابن
سیرین گوید دیدن منی در خواب مال و دیدار بود که بدان شاد شود و اگر چنانکه یک سبو از آب منی داشت مال وی را حاصل شود
و اگر چنانکه از قضیب وی یک سبو آب منی بیرون آمد دلیل کند که از کسب خویش وی را مال حاصل شود جابر مغربی گوید اگر چنانکه آب
منی از وی جز و آمد دلیل کند که وی را فرزندی آید امام علیه السلام فرماید که دیدن منی در خواب بر سه وجه بود یکی فرزند دوم زیادتی مال
سیم نقصان مال و کسب و کار خویش **مهد** ابن سیرین گوید اگر چنانکه در مهد نشسته بود دلیل کند که راحت و آسایش یابد و عیش بر وی
خوش گردد و از ترس و بیم ایمن شود و اگر چنانکه مهد بیفتاد و بشکست و ویران شد دلیل بخلاف این باشد کرمانی گوید اگر کسی بیند که در مهد خفته
بود دلیل کند که زن مهربان بخواهد یا کنیزک ستاند و بعضی از معبران گفته اند که مهد در خواب آرامگاه و عز و مرتبت بود و کسی را که سزای آن
باشد و کسی را که از اهل آن نباشد جای تنگ و غم و اندوه باشد امام علیه السلام فرماید که دیدن مهد در خواب [illegible] وجه باشد یکی [illegible]
و آسایش دوم عیش سیم مرتبت و عزت چهارم آرامگاه و دولت پنجم مرتبت ششم ایمنی هفتم زن مهربان هشتم کنیزک نیکو و خدمت
بودن و دیدن مهد در [illegible] بر چهار وجه باشد یکی زندان دوم جای تنگ سیم غم و اندوه چهارم رنج و محنت **مهر** امام علیه السلام
فرماید مهر نهادن بر کیسه و [illegible] و چیزهای دیگر مطلق بر هفت وجه دلیل کند یکی بر [illegible] حال دوم قوت سیم ریاست چهارم بر [illegible]
اخبار و صلاح دین و دنیا پنجم مال و منفعت ششم دولت بزرگ هفتم کامرانی بر قدر مرتبت بیننده خواب **مهره** ابن سیرین
گوید اگر کسی بیند که مهره یافت دلیل کند که بر قدر و قیمت مهره مال یابد یا از شغل روزی یابد جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که مهره
یافت یا کسی بوی داد یا بخرید دلیل کند که وی را خدمتکاری حاصل شود و اگر مهره سفید یا کرده بود دلیل کند که خدمتکار صالح و پارسا بود
و اگر مهره سرخ بود خدمتکارش معاشر و طرب دوست باشد و اگر مهره زرد بود خدمتکارش بیمارگون باشد و اگر سیاه بود خدمتکارش
سخت دل و بدخوی باشد امام علیه السلام فرماید که دیدن مهره در خواب بر هفت وجه باشد یکی زن دوم خدمتکار سیم کنیزک چهارم مال پنجم [illegible]
و زینت ششم [illegible] هفتم غلام و هر زیاده و نقصان که در مهره بیند بر آن حساب باید گرفت **مهمانی** ابن سیرین گوید که مهمانی در خواب
اجتماع باشد در چیزی و اگر چنانکه قومی را بمهمانی خواند دلیل کند که کاری کند که آن کار دیگران را از هر شغلی باز دارد و اگر چنانکه دیگری او را به
مهمانی خواند که در آن باغ میوه های بسیار بود و جویهای آب روان دلیل کند که [illegible] جابر مغربی گوید مهمانی در خواب
دلیل [illegible] باشد کرمانی گوید مهمان در خواب [illegible] دلیل بر غم
و اندوه و مصیبت کند و اگر از انبیا باشند دلیل بر خیر و برکت کند امام علیه السلام فرماید اگر کسی [illegible] دلیل کند [illegible]

دانند و رسد و اگر از این چیزها که گفتیم نبود و بیند خیر و برکت باشد **مورچه** ابن سیرین گوید که مورچه در خواب انبوهی مردم بود و اگر بیند که
موران بسیار از سرای او بیرون آمدند دلیل کند که اهل آن سرای از جای بجای خود تحویل کنند و اگر بیند که موران از دهان او بیرون می‌آمدند
دلیل کند که رنجور و هلاک شود جابر مغربی گوید مورچه در خواب دشمن بسیار باشد لیکن ضعیف بود و اگر کسی در خانه خود مورچه بسیار بیند دلیل
کند که نسلش زیاد شود اسمعیل اشعث گوید موران سرخ کوچک در تعبیر مردان چند باشند سست و ضعیف و موران سیاه بزرگ [illegible]
و اهل حرب باشند و اگر بیند که از سرای او موران بیرون می‌آمدند و بهوا می‌رفتند دلیل کند که خویشان و اهل بیت او سفر روند و اگر
بیند که موران باز آمدند دلیل کند که از سفر باز آیند **مورد** ابن سیرین گوید که مورد در خواب مردم دراز عمر و خوش طبع و خوب روی
و تمام عقل باشد و اگر بیند که مورد بسیار داشت دلیل کند که با چنین مردی وی را صحبت افتد و از او منفعت یابد کرمانی گوید که مورد در خواب
مردم دراز عمر و با جمال و از اصل بزرگ نامدار باشند بدین صفت و اگر بیند که درخت مورد داشت دلیل کند که با چنین شخصی وی را [illegible]
افتد و از او منفعت یابد و اگر درخت مورد بشکست دلیل کند که از صحبت چنین کسی جدا شود جابر مغربی گوید که مورد در خواب دلیل چند و اگر
دولت بود [illegible] که مورد را سبز و تازه بیند امام [illegible] فرماید که دیدن مورد در خواب بر چهار وجه است یکی مرد عاقل خوش طبع
دوم [illegible] سیم [illegible] مال بسیار چهارم منفعت از زنان و اگر زنی بیند که دسته مورد [illegible] دلیل کند که [illegible]
[illegible] و اگر مردی بیند که دسته مورد [illegible] دلیل کند که دوستی ایشان بر قرار باشد امام [illegible] فرماید که دیدن مورد در خواب
[illegible] بود و صلح [illegible] و اگر بیند که مورد می‌خورد دلیل کند که بقدر آن خیر و منفعت دینی و دنیائی حاصل کند **موزه** دانیال گوید دیدن موزه در
خواب بوقت زمستان دلیل بر خیر و منفعت نیکو کند و بوقت تابستان غم و اندیشه باشد ابن سیرین گوید اگر بیند که موزه پوشیده
بود و سلاح در بر داشت دلیل کند که دشمن [illegible] قهر کند و اگر با موزه سلاح نداشت غم و اندوه بوی رسد خاصه که موزه در پای وی
تنگ بود و اگر بیند که موزه وی بسوخت دلیل بر غم و اندوه باشد کرمانی گوید اگر کسی بیند که موزه وی از پوست میش بود دلیل کند که
مال و نعمت بوی رسد و اگر بیند که موزه ساده بخرید دلیل کند که کنیزکی دوشیزه را بزنی بخواهد و اگر بیند که زیر موزه او دریده بود زن
او بمیرد و بعضی گویند دلیل بر یافتن مراد و نعمت کند و اگر بیند که موزه از پای بیرون کرد دلیل کند که [illegible] وی بمیرد و اگر در زمستان
بود خاصه که موزه تنگ باشد و اگر بیند که موزه وی بسوخت دلیل کند که زنش بمیرد و اگر بیند که موزه یک پای وی گم شد مالش
ضایع و تلف شود و بعضی گویند اگر بیند که موزه وی گم شد از غم رسته گردد و هر موزه همین تاویل کند جابر مغربی گوید اگر بیند که
موزه [illegible] در خانه افتاده بود دلیل کند که زن را طلاق دهد و اگر بیند که موزه خویش بکسی [illegible] دلیل کند که زن او بمیرد و اگر
کسی موزه وی ببرید [illegible] و اگر بیند که [illegible] موزه وی ببرید دلیل کند که جوانان قصد زن وی کنند امام [illegible] فرماید

دیدن

دیدن موزه در خواب بر هشت وجه باشد یکی زن دوم خادم سیم کنیزک چهارم قوت پنجم عیش ششم ظفر هفتم [illegible] هشتم منفعت باشد
موش ابن سیرین گوید که موش در خواب زنی بدحیله باشد که بظاهر مستوره و بباطن فاسقه باشد و اگر بیند که موش گرفت یا کسی بوی داد
دلیل کند که چنین زنی بخواهد و اگر زنی بیند که موشی بگرفت دلیل کند که زنی پرمکر و حیله باشد و اگر بیند که موشان بسیار در خانه وی
جمع شدند و بگونه مختلف بودند دلیل کند که آن اختلاف شب و روز باشد و از عمر وی [illegible] و محکم و اگر بیند که موشان بعضی
از اندام او بخوردند و دیوار و سقف خانه را سوراخ میکردند این جمله دلیل بر نقصان عمر وی باشد بقدر خرابی که موشان کرده بودند
[illegible] که شاخ عمر [illegible] کرمانی گوید اگر کسی بیند که از سوراخ [illegible]
بیرون آمد دلیل کند [illegible] جابر مغربی گوید اگر بیند که موشان وحشی بخانه وی در آمدند دلیل کند که [illegible] زنان [illegible]
سازند و موش خانگی و وحشی در تاویل یکسان باشند **موم** ابن سیرین گوید موم سپید در خواب مال و نعمت باشد و اگر بیند که موم
از وی ضایع شد یا بسوخت دلیل کند بر نقصان مال جابر مغربی گوید که موم بهر رنگ که باشد دلیل بر نعمت و مال کند لیکن موم سپید بهتر
از مومهای دیگر باشد و اگر بیند که موم باتش می‌سوخت دلیل کند که پادشاه بقدر آن موم که سوخت مال از وی [illegible] و اگر بیند که موم را
شمع میکرد و بجائی [illegible] میداد دلیل کند که مال خود در خیرات صرف کند **مومیائی** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که با خود مومیائی
داشت یا کسی بوی داد دلیل کند که غمگین و متفکر شود و اگر بیند که مومیائی می‌خورد [illegible]
مومیائی بکسی داد یا از خانه بیرون انداخت دلیل کند که از غم فرج یابد جابر مغربی گوید اگر بیند که [illegible] مومیائی خورد [illegible]
یافت دلیل کند که از آن غم و اندوه فرج یابد و عاقبت خیر و منفعت بیند و اگر بیند که مومیائی [illegible]
[illegible] بخلاف این باشد **موی** دانیال گوید موی بر مردان بخواب غم و اندوه باشد و موی زنان زینت ایشان و موی [illegible]
مال اندک باشد و اگر بیند که در تن او موی رسته بود و از آن [illegible] و اگر صوفی بیند که موی بر تن وی دراز شده بود دلیل کند
که زنان وی را اصلاح و زینت باشد اما اگر صوفی باشد دلیل بر غم باشد خاصه موی [illegible] کرمانی گوید اگر پادشاهی موی سر خود در خواب
بیند [illegible] لشکر بود و اگر رعیت بیند غم و اندوه باشد و زنان را زینت بود [illegible] سعادت [illegible] امام [illegible] فرماید که
بریدن و ستردن موی در خواب بر پنج وجه باشد یکی حج دوم [illegible] سیم عز و جاه چهارم ایمنی پنجم دولت و قوت **میخ** ابن
سیرین گوید میخ در خواب دیدن برادر بود و اگر کسی بیند که [illegible] میخی زد دلیل که برادرش [illegible]
و دیوار [illegible] بود باشد و اگر بیند که میخ بر کسی بزد دلیل کند که [illegible] و اگر کسی بیند که میخی از زر [illegible]
زد دلیل کند که [illegible] از کسب و صنعت خویش [illegible] شود امام [illegible] فرماید که میخ در تعبیر بر چهار وجه بود یکی برادر دوم فرزند

سیم فرزند چهارم زن خواستن **میش** ابن سیرین گوید میش در خواب زن پاکیزه یا دختری بزرگوار و شرح هر دو در باب [illegible]
بیان شد و درین موضع بوجهی دیگر بیان کرده شود تا کتاب با طراوت بود اگر بیند که بر پشت میش نشسته بود دلیل کند که مردی بزرگ
مطیع و فرمانبردار وی شود اگر بیند که از میش جانب و بر دو میگرد دلیل کند که بر خصم پیروز شود و او را طلب کند امام گوید دیدن میش
در خواب بر شش وجه بود یکی زن دوم خلیفه سیم امیر چهارم رئیس پنجم مال ششم فرزند **مویز** ابن سیرین گوید که مویز سیاه و سفید و سرخ
هر سه در تأویل مال و فرزند و منفعت باشد کرمانی گوید اگر بیند که از مویز سیاه آب میگرفت دلیل کند که مال [illegible] و اگر از انواع
شد علم او زیاده شود اگر بازرگان بود مالش زیاده شود جابر مغربی گوید اگر بیند که طبق مویز داشت از آن میخورد دلیل کند که مال
بخورد و اگر بیند که بازرگان با مویز میخورد دلیل کند که کالای مردی بخورد یا منفعتی بدو رسد و اگر بیند که بخورد او را مویز داشت اگر از اهل
علم بود علمش زیاده شود امام گوید دیدن مویز در خواب بر سه وجه بود یکی مال دوم منفعت سیم عیش خوش **میوه** جابر مغربی گوید هر میوه اصل
درخت باز گردد و میوه درین فصل و زمان باشد آنچه بزرگ و زرد باشد بیماری بود مگر ترنج و به و بهی که بوی خوش دارد و میوه های
ترش در خواب غم و اندوه باشد و بعضی گفته اند که میوه ترش و تر چون بوقت بود روزی حلال باشد اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که میوه درخت
اگر از آن میوه بچید که مردمان در دست نمانده غم و اندوه یابد امام گوید که چون میوه شیرین و خوش طعم زرد شده دلیل بر خیر و منفعت کند
و اگر میوه ترش و ناخوش بود دلیل برنج و مضرت کند والسلم **در تعبیر چیزها که اول او حرف نون است** **نابینا** ابن سیرین گوید اگر
کسی بیند که نابینا شده است دلیل کند که از دین مستقیم او باشد و اگر بیند که یک چشم او کور شد دلیل کند که وی را مصیبتی رسد یا نیمه دین او
برود یا گناهی بزرگ کند کرمانی گوید اگر بیند که دست نابینا را گرفته بود و میبرد دلیل کند که گمراه گردد جابر مغربی گوید اگر
که چشم چهارپا را کور گردانید دلیل کند که آنکس که بدان چهارپا منسوب بود بوی گزند و مضرت رساند امام گوید که نابینا در خواب
بر هشت وجه بود یکی بیچارگی دوم درویشی سیم غم و اندوه چهارم نقصان دین پنجم مصیبت از قبل خویش ششم نقصان مال هفتم تباهی هشتم نقصان
دین چنانکه ایزد تعالی فرموده صم بکم عمی فهم لا یرجعون و اگر نابینا در خواب بیند که بینا شد دلیل کند که کار بسته بر او گشاده گردد
و امیدی که دارد بیابد **ناخن** ابن سیرین گوید ناخن در خواب دلیل سخاوت و قوت و دوام کند و بعضی گویند [illegible] اگر بیند که ناخنهای او
[illegible] دلیل کند که دین وی قوی گردد کرمانی گوید که ناخنها در خواب نشانه قوت بود در حاصل کردن مال اگر کسی بیند که ناخنهاش شکسته
دلیل کند که مال وی تلف شود و اگر بیند که ناخن وی سپید و دیگر باره رست دلیل کند که مال بسیار بدست آورد و اگر بیند که ناخنش سیاه شده
یا کبود دلیل کند که وی را مصیبت رسد و اگر بیند که ناخنهای او چنان دراز شد که می شکست دلیل کند که [illegible] و اگر بیند که ناخنش از بن بر کنده
شده بود دلیل کند که کار وی بسته گردد و ناخن پای در تأویل هم چنین باشد و بعضی گفته اند که ناخن پای مال او در سفر اگر بیند که ناخن پای

بشکست دلیل کند که مال او در سفر ضایع شود امام گوید که دیدن ناخنها در خواب بر شش وجه بود یکی توانائی دوم قوت سیم [illegible]
و دو بنا سیم دلیری چهارم فرزندان خرد پنجم منفعت ششم علامات و بعضی گفته اند که برادر زادگان باشند ابن سیرین گوید که ناخن
تراشیدن در خواب مردی بود و فرمانبرداری شده و اگر بیند که موی با ناخن تراشیده این جمله نیکو بود **نارنج** در خواب دلیل بر دیدار پاکیزه بود و دیدن
آن در تأویل نیک باشد امام گوید دیدن نارنج در خواب بر چهار وجه بود یکی دولت دوم بشارت سیم فرزند چهارم منفعت
از مرد خوب **ناف** امام گوید دیدن ناف در خواب بر پنج وجه باشد یکی زن خوب روی دوم کنیز سیم مال چهارم روزی
پنجم مادر و پدر **ناقوس** ابن سیرین گوید ناقوس در خواب مردی بود منافق و دروغگوی که در آن هیچ خیر نباشد و اگر بیند که
ناقوس میزد دلیل کند که ویرا با چنین مردی صحبت افتد و اگر بیند که آواز ناقوس میشنید دلیل کند که سخنان باطل و خلق و دروغ بشنود
و اگر بیند که ناقوس را بشکست و بینداخت تأویلش بر خلاف این باشد امام گوید دیدن ناقوس در خواب بر سه وجه بود یکی
دروغ گفتن دوم منافقی سیم بیهوده های اهل کفر بر دل داشتن **نام** که با کنیت نیکو باشد چون ابوحمزه و ابوالبرکات و ابو
طالب و ابوتراب و مثل اینها در خواب دلیل بر نیکوئی کند **نامه** ابن سیرین گوید که نامه سر بسته پیچیده دلیل کند بر چیزی پوشیده
بشنود و اگر بیند که نامه گشاده داشت دلیل کند که چیزها آشکار شود کرمانی گوید اگر بیند که کسی نامه بدو داد و او بخواند دلیل کند که از کسی
چیزی بوی رسد امام گوید که اگر کسی بیند که در نامه چیزی امیدواری نوشته بود دلیل کند که امید وی بر آید و اگر سخنهای زشت بود
تأویلش بر خلاف این بود **نان** دانیال گوید که نانهای خوش و پاکیزه دلیل بر خیر و منفعت کند و زیادتی مال حلال و روزی فراخ ابن
سیرین گوید که یک [illegible] دو نان یافتن نیک باشد دلیل کند که از غم و اندوه برهد و شادی وی را حاصل آید و نان خشک بر خلاف این بود
[illegible] سپید بود [illegible] دلیل کند بر تنگی و شکی و نان گرم و پاکیزه خوردن دلیل بر عدل و انصاف پادشاه کند
و نان [illegible] دلیل بر سختی معیشت کند دانیال گوید هیچ چیز در خواب به از نان نیست [illegible] بهتر از زنان نبود و نان پختن کار کردن بود از بهر
معیشت امام گوید دیدن نان در خواب بر چهار وجه بود یکی عیش خوش دوم مال حلال سیم ولایت چهارم خیر و برکت [illegible]
کردن و در خواب طلب معیشت باشد اما از بهر دین جنگ خصومت بود **ناودان** ابن سیرین گوید اگر بیند که از ناودان آب
بلا [illegible] آید یا باران [illegible] دلیل کند که در آن شهر یا در آن محله جنگ و خصومت و خونریختن پدید آید جابر مغربی گوید اگر بیند که ناودان
بر بام خویش نهاد از مهتری وی را منفعتی برسد و اگر بیند که ناودان از بام افتاد و بشکست تأویلش بر خلاف این بود و اگر بیند که
ناودان مس یا آهن بود دلیل کند که نظام کارهای دنیا بر وی مستدام بود و اگر بیند که از ناودان کسی آب فرو ریخت دلیل کند که
بهتر از آن [illegible] خیر و منفعت یابد امام گوید که دیدن ناودان در خواب بر سه وجه بود یکی رئیس شهر دوم مهتری سیم [illegible]

سیم چیز و منفعت اندک **نای** ابن سیرین گوید که نای زدن در خواب غم و اندوه باشد و شنیدن همچنین و چنگ و نای با هم بلندتر باشد
کرمانی گوید که نای زدن در خواب مردی بود که خبر مرگ به دیگران دهد و بعضی معبران گویند که نای زدن شنیدن در خواب دلیل کند که خبر
و فتنه و خصومت شنود امام جعفر صادق فرماید که نای زدن و آواز شنیدن او در خواب بر سه وجه بود یکی مصیبت دوم غم و اندوه سیم جنگ
و خصومت کردن بود **نبات** ابن سیرین گوید هر نبات که بوقت خویش بیند و آن را ساق نباشد دلیل بر خیر و منفعت کند و هر نبات
که آن را ساق و شاخ باشد دلیل بر فرزند و جاه و مال کند و اگر کسی در زمین یا خانه که ملک او است نبات رسته بود دلیل کند که وی را عز و جاه
زیادت کرده کرمانی گوید که نبات زمین در خواب مال و نعمت بود امام جعفر صادق فرماید نبات بخواب دیدن بر چهار وجه است یکی مال و نعمت دوم
جاه و بزرگی سیم معیشت خوش چهارم زیادتی دین و نبات لطاف اگر کسی بیند که نبات گلگونه در دهان وی نهاد دلیل کند که از کسی سخن خوش
شنود امام جعفر صادق فرماید که دیدن نبات حلاوت بر پنج وجه است یکی سخن خوش دوم بوسه دادن سیم منفعت چهارم فرزندان پنجم روزی حلال
چهارم بخود دیدن پنجم **نباش** هر آنکه نباش تباه زی کسی بود که گفتن مرده میکند اگر کسی بیند که خود نباش بود اگر از اهل علم بود دلیل
که علم و دانش آموزد و اگر صالح نباشد طالب دنیا گردد و بعضی معبران گویند که مال حرام بسیار خورد **نوشتن** دانیال ع فرماید
اگر بیند که چیزی می‌نوشت و نویسنده بود دلیل کند که بمکر و حیله مال و جاه حاصل کند و کارهای نا کردنی و اگر بیند که برای یاری
چیزی می‌نوشت دلیل کند که از مردمان کار بر آید و منفعت بستاند و اگر از برای مردم عام می‌نوشت دلیل کند که دل مردمان را بمکر و حیله بخود
گرم کند امام جعفر فرماید که نوشتن در خواب بر چهار وجه است یکی مال و منفعت دوم خیر بسیار سیم بمکر چیزی حاصل کردن چهارم کسی کی علمی کند
سؤال کرده **نبیذ** ابن سیرین گوید که نبیذ در خواب مال حرام بود که بجنگ و خصومت بدست آید و اگر بیند که در میان نبیذ غرق شد دلیل
که در فتنه عظیم افتد و اگر بیند که نبیذ بسیار در خانه نهاده دلیل کند که از زن و فرزند منفعت بیند کرمانی گوید اگر کسی بیند که نبیذ خورده است
بتر مستی برابر کرده جاه و مال شود امام جعفر فرماید نبیذ خوردن بر سه وجه بود یکی تزویج پنهان دوم مال حرام سیم فتنه اگر بیند که
نبیذ بود دلیل کند که از سلطان یا رئیس نزدیک شود و از ایشان مال یابد و نبیذ فروش در خواب شخصی بود که جنگ و خصومت و پرخاش
جوید **نجاست** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که نجاست میکرد دلیل کند که سخنان محال گوید و قسم دروغ خورد امام فرماید نجاست کردن
در خواب بر سه وجه بود یکی سخن محال دوم سوگند دروغ سیم نقصان مال و تنگی عیش **نخجیر** ابن سیرین گوید اگر بیند که نخجیران صید کرد …
وی شد دلیل کند که از میان مردم جدا افتد و بعضی گفته اند که سالار دزدان شود و اگر گرفتن نخجیر بدام مردم بیابان بار رحمت بود و اگر بیند که
گوشت نخجیر می‌خورد دلیل کند که از مال مردم بیابانی بخورد و بهره بیند **نخود** ابن سیرین گوید نخود در خواب غم و اندوه است و اگر بیند که نخود
داد و بخشید دلیل کند که از غم فرج یابد و بسر انجام کارش نیکو گردد و اگر بیند که نخود با شوربا و گوشت پخته بود غم و اندوه کم شد

ابن

ابن سیرین گوید نرد باختن در خواب حرف باطل و فریب دنیا باشد و اگر بیند که نرد می‌باخت خصم را غلبه کرد دلیل کند که بسبب کاری با اهل
باطل غلبه کند و اگر خصم غالب شد تاویلش برخلاف این بود و اگر بیند که گرو چیزی برد دلیل کند که بحیلت از کسی چیزی خورد
جابر مغربی گوید نرد باختن دلیل بر مشغول شدن بحرام و سخن باطل و دروغ گفتن **نردبان** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که بر نردبان
میشد و آن نردبان از چوب درخت خام بود دلیل کند که خیر و صلاح او زیاده شود و اگر بیند که نردبان از گچ و آجر بود و در شرف
بود و اگر از آهن و سنگ بیند دلیل کند بر نفاق و ضعف دین کرمانی گوید اگر بیند که از نردبان بیافتاد دلیل کند که پادشاه شود و اگر
اهل آن نباشد خیر و منفعت یابد اگر بیند که از نردبان بزیر می‌آمد تاویلش بخلاف این باشد و نردبان چوب دلیل بر نفاق و ضعف دین
کند امام جعفر فرماید نردبان در خواب مردم صالح و پارسا با ظفر بود بر دشمنان و مردم فاسق و منافق بود در زندگانی **نرگس**
دانیال ع گوید نرگس در خواب این مردی بود ظریف خوبروی خوش زبان ابن سیرین گوید نرگس در خواب دیدن سخن شیرین باشد
و اگر بیند که نرگس بر سر داشت … دلیل کند که وی را فرزندی خوبروی آید و اگر بیند که نرگس از زمین بر کند دلیل کند که زن را
طلاق دهد یا فرزندی بمیرد و اگر بیند که نرگس اندر درخت کند … دلیل کند که … و اگر زن بیند که دسته نرگس
بشوهر او ویرا طلاق دهد امام فرماید دیدن نرگس در خواب بر سه وجه بود یکی مرد ظریف دوم فرزند سیم دوستی و اگر بیند که نرگس بر
… دلیل کند که بنیکوئی و خیر مشهور شود و اگر خواب بیند که در زمین وی نرگس بر آمده دلیل کند که مال او زیاده گردد
نسرین ابن سیرین گوید که نسرین در وقت خود دیدن دلیل کند که چیزی بدو رسد و بعضی گفته اند که ویرا فرزندی آید و چون نسرین از
درخت جدا چیند دلیل بر غم و اندوه کند کرمانی گوید اگر بیند که گل نسرین در دست داشت دلیل کند که فرزندی بمیرد و اگر فرزند ندارد
زن از وی جدا شود و اگر نسرین را بر درخت خود بیند دلیل کند که خرمی بدو رسد و یا چیزی اندک **نشاسته** ابن سیرین گوید
نشاسته کندم در خواب مال حلال برنج بود که از تجارت بود و اگر بیند که نشاسته میخورد دلیل کند که اندوهگین شود و بعضی
گویند که بیمار شود و اگر بیند که نشاسته را هوا ایکرد دلیل کند که کار روی صعب کرد و مال برنج حاصل کند **نشستن** ابن سیرین
گوید اگر کسی بیند که در زمین نشسته بود دلیل کند که در سفر بکار خود قرار گیرد و اگر بیند که بسیار خفته بود همین دلیل کند و اگر بیند
که نشستن وی مقیم بود تاویلش بخلاف این بود امام فرماید نشستن بر پای خود در خواب بر چهار وجه بود یکی بخت دوم
دولت سیم مرتبت چهارم فرمان روا … اگر بر سر اورا مهتری بود و اگر نباشد خیر و منفعت بیند و نشستن بر پا دلیل پادشاهی
بود چون پای برابر مطیع خود بیند و نشستن کرمانی گوید اگر بیند که با مردمان مصلح در راه نشست دلیل کند که هوا دار و مخالف دین باشد
و اگر بیند که با مردمان … و خلاف دین نشست تاویلش برخلاف این باشد اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که با گروه مصلحان …

نشسته بود دلیل کند که صلاح و مزد او زیاده شود و اگر بیند که با گروه فاسقان نشسته بود تاویلش بر خلاف این باشد **نعل**
ابن سیرین گوید که نعل در خواب مال بود از هر سببی که باشد و اگر بیند که نعل اسب بسیار داشت دلیل کند که خیر و منفعت از پادشاه یا از
مرد بزرگ بدو رسد و اگر نعل استر بیند از مهتران رنج رسد و اگر نعل خر بیند از بازرگانان مال یابد و اگر بیند که نعل گاو داشت دلیل
کند که از کشت و زرع چیزی بوی رسد و اگر بیند که وی را چهارپایان نعل میزدند دلیل کند که وی را اسباب مال مشکوک کنند
و اگر بیند که خود نعل بپای چهارپایان میزد دلیل کند که بسفر شود و بدانکه نعل بند در خواب کسی بود که در میان مردم دوستی جوید **نعلین**
ابن سیرین گوید اگر بیند که نعلین پوشیده بود و بمقصد رای [illegible] دلیل کند که بسفر شود و اگر بیند که دوال نعلین بگسست دلیل کند که
در سفر دیر بماند و اگر بیند که نعلین وی سوراخ بود دلیل کند که بسببی از سفر باز ماند کرمانی گوید اگر کسی نعلین خود را سیاه بیند دلیل کند
که سفرش از بهر دین بود و اگر بیند که نعلین سرخ در پای داشت دلیل کند که سفر او از بهر عشرت و تماشا بود و اگر نعلین [illegible]
زرد بیند در سفر بیمار گردد و اگر کبود و سبز بیند سفرش از بهر آخرت باشد امام ع فرماید که دیدن نعلین در خواب بر سه وجه باشد
یکی سفر دوم زن سیم کنیزک و بدانکه نعلین [illegible] بود که کارهای پراکنده جمع کند و پالاید **نفط** ابن سیرین گوید نفط در
خواب مال بکاری بود و اگر بیند که نفط بر خویشتن مالید دلیل کند که زن نابکار بعقد خود در آورد و اگر بیند که نفط میخورد [illegible]
شود و بعضی معبران گفته اند که مال حرام بود و اگر بیند که نفط بسیار جمع کرد مال بسیار گرد آرد جابر مغربی گوید که نفط در خواب هیچ
وجه نبود و اگر بیند که نفط [illegible] با کسی [illegible] صحبت دارد امام ع فرماید دیدن نفط در خواب بر سه وجه بود یکی زن نابکار دوم
مرد غماز سیم مال حرام **نفرین** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که ظالمی را نفرین میکرد دلیل کند که وی بر آن ظالم غالب شود و اگر
مظلوم بود بر خلاف این باشد کرمانی گوید اگر بیند که بناحق بر کسی نفرین کرد دلیل کند که بر آن کس ستم کند و بعضی گویند که نفرین کردن
بناحق بد باشد **نقره** بدانکه نقره بتازی سیم گویند اختر بود و دیدن آن در خواب دلیل بر زنان آزاد کند ابن سیرین گوید اگر کسی
بیند که نقره از جایی فرا گرفت دلیل کند که از موضعی زنی آزاد بزنی خواهد و اگر بیند که پارهای نقره فرا گرفت دلیل کند که بقدر آن مال
و منفعت یابد کرمانی گوید اگر بیند که نقره بسیار داشت دلیل کند که بقدر آن مال حاصل کند و اگر بیند که نقره سپید داشت دلیل کند که وی را فرزندی
آید امام ع فرماید که دیدن نقره در خواب بر چهار وجه است یکی زن دوم فرزند سیم گنج و مال چهارم معیشت خوش **نقصان** بدانکه نقصان
کم شدن بود ابن سیرین گوید اگر بیند که در تن او نقصان شده بود دلیل کند که [illegible] در مال وی نقصان افتد و اگر نقصان در زبان
بیند صلاح وی باشد **نگار** بدانکه نگار زدن در خواب مردی بود که دوستدار دنیا بود و مال و روزی بحیلت بدست آرد و نگار زدن [illegible]
و صورتگری مردی کاردان بود جابر مغربی گوید نگار زدن در خواب [illegible] باشد در راه شریعت اسمعیل اشعث گوید اگر کسی بیند که دست خود را

بجل

بسیاهی خضاب نگار میکرد دلیل کند که خداوند مکر و حیله شود و در کسب و کار دنیا امام جعفر صادق ع فرماید که نگار زدن در خواب
بر چهار وجه بود یکی آرایش و زینت دوم کار باطل سیم مکر و حیله چهارم دروغ و فریب **نگین** ابن سیرین گوید نگین انگشتری در خواب
بر شش وجه بود یکی شرف مرد بزرگ دوم فرزند سیم مال چهارم عیش کردن پنجم ولایت ششم بزرگی و فضل **نماز**
ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که نماز روبقبله میکرد دلیل کند که بحج رود و اگر پس حج بنا شد کارهای وی درست شود و اگر بجانب مشرق
نماز میکرد دلیلش کیش ترسایان بود و اگر بجانب مغرب نماز میکرد دلیلش کیش جهودان بود و اگر بیند که بجانب شمال نماز میکرد دلیل
کند که دین اسلام را بسوی پشت انداخته باشد و سوگند بدروغ خورد کرمانی گوید اگر بیند که قومی را امامت میکرد دلیل کند که بعد از آن
سروری و مهتری ایشان کند و اگر بیند که در بازار خطبه میخواند دلیل کند که در غم و اندوه گرفتار شود و اگر نماز وی بی وقت بود [illegible]
و اگر بیند که در باغ نماز میکرد دلیل کند که وام بگزارد و از گناه توبه کند و اگر بیند که در کعبه نماز میکرد و از خلیفه کار فرمان [illegible]
شود و اگر بیند که در نماز با خویشتن [illegible] دلیل کند که وی را فرزندی آید و اگر بیند که در تاریکی نماز میکرد دلیل کند که از غم فرج
یابد و اگر بیند که نماز شب میگزارد دلیل کند که از ترس ایمن گردد و فرمان روا باشد و اگر بیند که نماز جمعه میکرد دلیل کند که بسفر رود و روزی
حلال یابد و اگر بیند که در جهت [illegible] نماز میکرد میراث یابد و روزی بر وی فراخ گردد و اگر بیند که بر بام کعبه نماز میکرد دلیل کند که
روی براه کعبه برآورد جاحظ معبر گوید نماز کردن در خواب بر سه وجه بود یکی نماز فریضه دوم سنت سیم نفل و اگر بیند که نماز فریضه
میکرد [illegible] روزی کند و اگر بیند که نماز سنت میکرد دلیل کند بر پاکدینی و صبر در کارها و تمام
نیکو و شفقت بر خلق و اگر بیند که نماز تطوع میکرد دلیل کند که عیال خود را گرامی دارد و در رنج دوستان سعی کند و اگر بیند که او
بدکان نماز کند دلیل کند که خدا در کسب و کار وی برکت دهد [illegible] رکوع و سجود در خواب [illegible]
معبران گفته اند اگر بیند که در نماز رکوع کرد دلیل کند که زکوة مال بدهد و اگر بیند که سجود نماز کرد دلیل کند که از گناه توبه کند
عمرش کوتاه بود و اگر بیند که نماز را تمام بجای آورد و هیچ از وی فرو نگذاشت دلیل کند که حاجت وی بر آید
شود امام ع فرماید نماز کردن در خواب بر هفت وجه باشد یکی ایمنی دوم شادی سیم عز و جاه چهارم مرتبت پنجم رستگاری ششم
مراد یافتن هفتم [illegible] رکوع و سجود در خواب بر پنج وجه بود یکی مراد دوم دولت سیم عزت چهارم ظفر یافتن پنجم امر خدا
بجای آوردن و نماز کردن **نمد** اگر کسی بیند که نمد سپید نو داشت دلیل کند که
آن جاه و منزلت یابد و روزی حلال و اگر بیند که نمد سیاه و چرکن بود [illegible] هیچ منفعت نباشد و اگر بیند که نمد پاره داشت
دلیل کند که از کسب خود مال جمع کند و اگر بیند که نمد میسوخت مال خود [illegible] کند کرمانی گوید اگر بیند که جامه نمد سپید نو در بر داشت

ودلیل کند که از کسب خود مال حلال جمع کند و اگر چنانکه قندی بر سر شیر نهد توانگر شود یا کنیزکی دوشیزه خرد و از او منفعت یابد
و اگر قند را از چشم شتر چیند چیزی منفعت از پادشاه بوی رسد و اگر بیند که قند از روی سقف شد دلیل کند که در مال او نقصان شود
و قند مال در خواب مردی بود که بحلال گراید و از حرام پرهیز کند **نمک** ابن سیرین گوید نمک سپید در خواب مال اندک بود و رنج و کار
و نمک سیاه و چرکن دلیل بر خصومت و بیماری کند امام جعفر فرماید دیدن نمک در خواب بر پنج وجه باشد یکی درم دویم ... سیم آبروی
سیم نیکونامی چهارم مال بسیار پنجم خادم نیک و نمک خوش بخواب دیدن بر چهار وجه بود یکی درم دویم حزن ناخوش سیم غم
اندوه چهارم گرسنگی و نمک سود که از گوشت گوسفند چیند که بخورد روزی حلال بود جابر مغربی گوید اگر بیند که نمک
سود از گوشت ... بود از مردم پادشاه او را زیان رسد و اگر از گوشت شتر ... بود از مهتری او را زیان رسد
و گوشت ... منفعت آن کمتر باشد **نهنگ** ابن سیرین گوید اگر بیند که نهنگ ... دلیل کند که از دشمن آفت و محنت یابد
... نهنگ وی را با آب بزد و برد دلیل کند که ماهی وی را هلاک کند و اگر بیند که با نهنگ جنگ و نبرد میکرد و بر
نهنگ غالب آمد دلیل کند که بر دشمن چیره گردد و او را قهر کند و اگر بیند که نهنگ بر وی غالب آمد تاویلش بر خلاف این باشد
و اگر بیند که از گوشت نهنگ میخورد دلیل کند که از مال دشمن بخورد و اگر بیند که از گوشت یا استخوان او داشت دلیل کند که از دشمن
وی را منفعت رسد جابر مغربی گوید اگر بیند که نهنگ وی را در آب کشید دلیل کند که اجل وی ... دشمن نزدیک آمده باشد و از آنجا
شهید بیرون رود **نوحه** ابن سیرین گوید اگر بیند که در جایی نوحه میکرد و چیزهای نو پوشیده دلیل بر خیر ... الا کمتر
نوحه میکرد دلیل کند که آن موضع که در آنجا نوحه میکرد مبارک نباشد و یا اهل آنجا متفرق شوند **نوشادر** اگر کسی بیند که نوشادر داشت
یا کسی بوی داد دلیل کند که غمگین و متفکر شود و اگر بیند که نوشادر بخورد غم و اندوه وی بیشتر باشد و همه الحمد دیدن نوشادر
هیچ خیر و منفعت نباشد **نیام** بدانکه نیام بپارسی غلاف بود و در باب غین بیان شود **نیزه** ابن سیرین گوید نیزه
در خواب کسی را بود سلاحهای دیگر باشد دلیل بر بزرگی و کار و فرمان روا شود و اگر بیند که نیزه شکسته داشت
دلیل کند که ویرا فرزندی آید یا برادری یا امام جعفر فرماید دیدن نیزه در خواب بر شش وجه باشد یکی قوت دویم سفر سیم ...
چهارم زن پنجم فرزند ششم ایمنی هفتم ... هشتم راستی ... نیزه و نیزه که در خواب مردی بود که مردم را ...
کند و از وی هر کس قوت رسد **نیشکر** ابن سیرین گوید اگر بیند که نیشکر همی مکید یا کسی بوی داد دلیل کند که بکاری مشغول شود که در آن
کار وی را گفتگو و خصومت باشد و اگر بیند که او را نیشکر ... دلیل کند که از گفتگو ... و بعضی گفته اند اگر بیند که نیشکر داشت
... دلیل کند که ... آن ... **نیکی** در خواب قوت و بزرگی باشد در دین و ... آن ...

عذاب آخرت خاصه که مومن و پارسا باشد و اگر بیند که کسی با وی نیکی کرد و او نکو ... دلیل کند که او به کارها ...
بود و اگر بیند که نیکی با اهل کفر و شرک میکرد دلیل کند که مال خود در ... کند ... که از ایشان چیزی ... این جهان حاصل شود **نیل**
ابن سیرین گوید که نیل در خواب دیدن دلیل بر غم و اندوه کند و اگر بیند که نیل بکسی بخشید از غم و اندوه برهد و اگر بیند که جامه خویش را بنیل رنگ
میکرد دلیل کند که ویرا مصیبتی رسد از سبب کسی از خویشان و اگر بیند که نیل بخورد دلیل کند که بیمار گردد ... **نیلوفر**
ابن سیرین گوید اگر کسی بیند نیلوفر از درخت چیند دلیل کند که از زنی یا کنیزکی چیزی بوی رسد یا فرزندی او را حاصل شود و چون او را
از جای خود جدا چیند دلیل بر غم و اندوه کند ... اگر کسی بیند که نیلوفر ... جوی ... خود داد ... اگر بیند
که کسی دسته نیلوفر بوی داد دلیل کند که در میان ایشان ... افتد ... و دیدن درخت نیلوفر در خواب مرد بزرگ ... ناسازگار
باشد که از وی مضرت ... **در تعبیر چیزهایی که اول الفبا واو است** **واشق** بدانکه واشق ... باشد ابن
سیرین گوید که چون کسی بیند که واشق مطیع و فرمانبردار وی بود چنانکه اگر از دست برود و او ارزش کند باز آید دلیل کند که جاه
و منزلت یابد و اگر بیند که واشق ... و بر دستش نشسته دلیل کند که از مردی بزرگوار قدر و جاه یابد و اگر بیند که واشق از
دست او بپرید دلیل کند که در مال و جاه او نقصان شود و امام جعفر فرماید دیدن واشق در خواب بر چهار وجه بود یکی قدر ...
دویم فرمان روا سیم مال چهارم فرزند **وال** بدانکه وال ... کار دارد و فرمان روا ... اگر کار داری بیند که از تخت
... و یا تخت او بشکست یا کسی شمشیر ... بسته یا ... گرفتار شد یا ... دلیل
کند که از شرف و بزرگی ... و اگر بیند که ... بر پای او ... دلیل کند که بزرگی او زیادت شود و امام جعفر فرماید اگر والی در خواب
بیند که مصلح و پارسا بود چیزی ... و اگر ... بخلاف این ... دلیل بر ... کند **وحوش** بدانکه وحوش
... چهار ... ابن سیرین گوید هر چه نر بود دلیل بر مردان کند و هر چه ماده بود دلیل بر زنان کند ابن سیرین گوید اگر بیند که وحوش
صید میکرد یا کسی ... از وحوش ... دلیل کند بر مال و غنیمت ... **وزغ** امام جعفر فرماید
وزغ در خواب بر سه وجه بود یکی ... دویم ... سیم غم و اندوه ... ابن سیرین گوید که وزغ در خواب مردی ...
... و اگر بیند که وزغ ... دلیل کند که ... و اگر وزغان بسیار بر
... جمع شده بودند ... دلیل کند که در آن موضع عذاب ... جابر مغربی گوید اگر بیند که وزغ
کشت و گوشت او بخورد دلیل کند که مردمان زاهد را قهر کند و مال از ایشان بستاند **وزیر** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که وزیر
شده بود و در وزارت او ... دلیل کند که شرف و بزرگی یابد و اگر بیند که وزیر ... دلیل کند که جاه و مال

[illegible]

برای ... شود و عرض ... کرده کرمانی گوید اگر بیند که وزیر ماند و طعام میخورد دلیل کند که از وی شرف و بزرگی یابد و اگر بیند که خانه وزیر است و یا بود یا چارشد یا پادشاه وزیر را معزول کرد یا ... این جمله دلیل بر معزول شدن و نقصان وی کند و وزارت باشد امام ... فرماید که چهار چیز است که دیدن آن در خواب بر وزارت بیند و دلیل ... یکی آنکه چشم وی سیاه شده دوم آنکه چشم وی چپ ... گشته بود سیم آنکه بیند که پادشاه کمری بر میان او بست چهارم آنکه بیند از چهار ... بر سر وی نهاد **وسمه** ابن سیرین گوید دیدن وسمه دلیل بر غم و اندوه کند و اگر بیند که در محاسن وی وسمه بسته بود دلیل کند که در غم و اندوه گرفتار شود **وضو** بدانکه وضو در فارسی دست و روی شستن باشد ابن سیرین گوید اگر بیند که ... آب پاک ... دلیل کند که کاری که جوید تمام و کامل بیاید و مقصودش حاصل شود و امام ... فرماید اگر بیند که دست و پای ... دو کس ... دلیل کند که بر دست آن کس توبه کند **وکیل** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که وکیل پادشاه شد در شغل خود ... بود چیز و اقبال یابد و اگر بیند که وکیل قاضی شد همین دلیل کند و اگر بیند که در شغل وکالت ضعف بود دنیا و دینش بخلاف این بود جابر مغربی گوید اگر کسی خود را وکیل بیند یا بیند که کسی او را بنواخت یا وی سخن لطف گفت و ... چیزی بخشید دلیل کند که از آن وکیل جاه و نعمت یابد و اگر بخلاف این بیند وی را مضرت رسد **واری** بدانکه واری علت جذام بود و دیدنش در خواب ... و خاصه که چند تن او را ... رسیده بود ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که بر تنش واری بسیار بود دلیل کند که بقدر آن مال برنج حاصل کند و اگر بیند که بر تن وی اندک بود دلیل کند که در کار زشت افتد و از آن کار بزاری جوید و بعضی معبران گفته اند که بکار زشت وی را معروف کنند امام ... فرماید که دیدن واری بر تن خود و دیگری ... بود و مردم ... باید توبه کنند و اگر بیند که از واری انگشتان وی افتاده بود دلیل کند که کارهای نیکو کند و باشد که فرزند یا برادرش از دنیا رحلت کند **ویرانه** ابن سیرین گوید ویرانه خانه و دکان و آنچه بدین ماند جمله گمراهی بود در دین و اگر بیند که چیزی آباد را خراب کرد دلیل کند که در شغل دین گمراه شود و راه ... بگذارد امام ... فرماید اگر بیند که مسجد یا صومعه را خراب میکرد دلیل بر نقصان کار او کند و از آن وی را رنج و مضرت رسد **در تعبیر چیزها که اول اسماء است از حروف هاون** ابن سیرین گوید که هاون در خواب دلیل بر مردی بود که از ایشان راز ... و کار کنند فایده بجز او نرسد و اگر از ایشان یکی را بیند هیچ فایده ندهد و اگر بیند که هاون داشت یا کسی بوی داد دلیل کند که بزرگی و کوچکی آن هاون وی را از دوستی یک ساز و فایده رسد و اگر بیند که چیزی را در هاون میکوفت اگر از خورد ... بود تا وقتش بر سه وجه است اگر از داروهای سهل باشد دلیل بر نقصان مال کند و اگر از داروهای گرامی بود دلیل بر زیادتی مال کند **هما** بدانکه هما نوعی بازی گرد و ... اشاب بود ابن سیرین گوید هما بخواب سخن باطل بود و کارهای

پراکنده که در آن هیچ منفعت نبود و اگر بیند که هما بدید آمده بود و اگر آن هما گونه ... سرخ بود دلیل کند که در ... یار جنگ و فتنه و خونریختن باشد **هدهد** ابن سیرین گوید هدهد در خواب مردی بزرگ کاردان و از کارهای نهان مردم آگاه و نامرد باشد زیرا که هدهد بوی ناخوش دارد و اگر بیند که هدهد را از او گرفت یا کسی بوی داد دلیل کند که با چنین مردی وی را صحبت افتد و از ملک و هنر حاصل کند و اگر بیند که هدهد با وی سخن گفت دلیل کند که اهل علم را قهر کند امام ... فرماید دیدن هدهد در خواب بر چهار وجه بود یکی خبر خوش دوم مردی بزرگ سیم ظفر یافتن بر دشمنان چهارم اندر دن کار که با زیرکی و دانا بود و اگر بیند که هدهد را بکشت و از گوشت وی بخورد دلیل کند که بقدر آن از مال مردی با ... علمش حاصل کند و بخورد و کرمانی گوید که هدهد در خواب صاحب ... در سوال ... **هدیه** بدانکه هدیه بفارسی چیزی بود که برای کسی فرستند و اگر بیند که کسی چیزی داد و میان ایشان ... پیدا شود **هریسه** ابن سیرین گوید که هریسه در خواب خوردن مال منفعت بود که بیابد بقدر آن هریسه چنانکه حضرت رسول فرموده الهریسة من اطعمة الجنة جابر مغربی گوید که هریسه در خواب دلیل بر اندیشه و کراهیت کند امام ... فرماید دیدن هریسه پخته و لطیف دلیل کند بر چیز و منفعت و آنچه بطعم ناخوش بود دلیل بر اندوه و مضرت کند **هزار دستان** ابن سیرین گوید هزار دستان در خواب فرزند خوش آواز و خوب سخن باشد لیکن ضعیف حال بود و جابر مغربی گوید هزار دستان مردی بود و ... باشد و اگر بیند که وی را هزار دستان بخشیدند دلیل کند که وی را فرزندی ... کرمانی گوید هزار دستان در خواب زن خوش آواز باشد و اگر بیند که هزار دستان از دست وی بپرید دلیل کند که زن را طلاق دهد یا کنیزک او بگریزد و اگر بیند که هزار دستان بخرید دلیل کند که کنیزی خوش آواز بخرد جابر مغربی گوید هزار دستان در خواب بر چهار وجه باشد یکی زن خوش آواز دوم فرزند و غلام سیم ... چهارم حکیم منجم عالم متکلم **همای** ابن سیرین گوید همای در خواب دلیل بر بزرگی و دولت و عز کند کرمانی گوید همای در خواب پادشاه بود یا رئیس یا مرد بزرگوار اگر بیند که همای بگرفت یا کسی بوی داد دلیل کند که در پیش پادشاه خاص و محبوب شود یا مردی بزرگوار وی را دوستی افتد و از وی منفعت یابد و اگر بیند که همای را بکشت و از گوشت وی بخورد دلیل کند که مردی بزرگوار را قهر کند و از مال او بخورد و اگر بیند که همای در دست داشت دلیل کند که از این کسان که گفته شد چیز و منفعت یابد و اگر بیند که همای بپرید دلیل کند که از پس ... ان بزرگ سخن ... گوید و اگر بیند که هما وی را بزد و بخراشید دلیل کند که از این کسان که گفتیم مضرت بیند امام ... فرماید دیدن هما در خواب بر هفت وجه است یکی پادشاه دوم رئیس سیم مرد بزرگوار چهارم دولت پنجم بزرگی از پادشاه ششم فرمان روائی هفتم عز و جاه و اقبال **هوای روشن** دلیل بر تندرستی و معیشت ... و ایمنی و راحت کند و بعضی گویند ... حکمت ... تمام دولت و اقبال بود و اگر بیند که هوا تیره و تار یک بود دنیا و دینش بخلاف این بود و اگر بیند که هوا ...

دلیل کند که در آن دیار جنگ و فتنه بسیار پیدا شود و اگر بیند که هوا زرد بود دلیل بر بیماری کند و اگر هوا را پاکیزه و سپید بیند دلیل کند
که در آن دیار رحمت و فراخی بود امام ع فرماید که دیدن هوا در خواب بر پنج وجه باشد یکی بزرگی دوم شهادت سیم تندرستی چهارم
ایمنی پنجم معیشت نیکو و این چند وجه را کسی شد اگر هوا روشن و پاکیزه بیند چنین بود **هوام** جانوران و جنبندگان زهردار
باشند ابن سیرین گوید که تاویل هوام دشمنان باشند بقدر قوت و سلاحشان و هر چند ایشان زیادتر و بزرگتر بیند دشمنان قوی تر
باشند امام ع فرماید که هوام در خواب بعضی دیده باشند که بازگشت آن بدشمنان و حاسدان باشد **هیزم** ابن سیرین گوید هیزم
تر و خشک در خواب خصومت و سخن چینی بود و اگر بیند که هیزم بخانه خویش آورد دلیل کند که بقدر آن هیزم که در خانه آورد
در آن خانه خصومت و گفتگو باشد کرمانی گوید اگر بیند که در بیشه و صحرا از هر گونه هیزم جمع میکرد دلیل کند که با کسی جنگ کرده و جدل
و سخن چینی زند و گرفتار شود امام ع فرماید هیزم خشک در خواب دیدن منافق بود و سخن چینی و هیزم تر در خواب جنگ
و گفتگو باشد و بهمه حال دیدن آن بد باشد **در تعبیر حروف که اول آن یاست** **یاره** جابر المغربی گوید یاره جنسی از گوشوارست زینت بر [illegible]
ابن سیرین گوید اگر بیند که یاره در دست داشت دلیل کند که کردار وی بهتر شود و اگر یاره بر دست بیند ستم و زیادتی کند و کمتر باشد و جمله
پیرایه مردان و زنان را یک حکم باشد و از آن زنان مردان را نیکو نباشد که طوق و گوشوار مگر پادشاهان را که زینت ایشان
بود و زنان را شوهر **یاسمین** اگر بیند که دسته یاسمین بدو داد دلیل کند که در میان ایشان حضرت گفتگوی شود **یافتن**
چیزی ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که چیزی یافت از کرد مستور دلیل کند که چیزی یابد و اگر مستور نباشد دلیل بر غم و اندوه کند
مامون خلیفه در خواب دید که ملک الموت پنج انگشت بوی در ازا کرد معبر از او پرسید تعبیر آن ندانستند گروهی گفتند تا پنج روز
دیگر بمیرد و ابن سیرین گفت آنچه شما میگوئید دروغ است تعبیر آن این است که خداوند کلام مجید فرموده ان الله عنده علم الساعة و ینزل
الغیث و یعلم ما فی الارحام و ما تدری نفس ماذا تکسب مامون از شنیدن این شاد گشت او را بنواخت اگر بیند که چند چیز یافت که
از یک جنس بود دلیل کند که حج و عمره کند و اگر بیند که دو چیز یافت دلیل بر خیر و منفعت کند **یافتن معدن** ابن سیرین گوید اگر بیند
که کوهها را بکند و کان در او یافت دلیل کند که ولایت یابد و اگر بیند در خواب صحیح و پارسا بود دلیل کند که از کسب حلال
جمع کند و اگر بیند که کان سیم یافت دلیل کند که زنی از بزرگان بخواهد که با مال و جمال بود و اگر بیند که کان عقیق یافت از آن کان
و را خیر و منفعت رسد و در حکایت **یاقوت** دیدن یاقوت سبز و سرخ در خواب دلیل کند که زنی نیکو بخواهد و او را فرزندی
خوبروی آید کرمانی گوید اگر بیند که یاقوت سپید پیش وی بود دلیل کند که بقدر آن و را مال بمرده یتیم آید و اگر بیند که یاقوت
بفروخت دلیل کند که دعا کند و اگر بیند که یاقوت سبز پاکیزه داشت دلیل کند که زنی با اصل بخواهد اگر زن دارد [illegible]

بلوغاً

آید و او را امام ع فرماید دیدن یاقوت در خواب بر شش وجه بود یکی مال دوم کنیزک سیم علم چهارم پسر پنجم مرد نیک ششم
زن **یخ** دانیال ع گوید دیدن یخ در خواب غم و اندوه بود خاصه که بوقت نباشد و اگر بوقت باشد و اگر خود را در یخدان بیند دلیل کند
که روزی بر وی فراخ گردد کرمانی گوید اگر بیند که در تابستان یخ جمع میکرد دلیل کند که مال جمع کند امام ع فرماید دیدن
یخ در خواب بر شش وجه بود یکی روزی فراخ دوم رنج سیم مال چهارم نرخ ارزان پنجم غم و اندوه ششم قحط و تنگی
ابن سیرین گوید یشم در خواب نیکی اصل بود و اگر بیند که یشم بسیار داشت دلیل کند که بقدر آن از جهت زنان
خیر و منفعت بدو رسد و اگر بیند که انگشتری یشم داشت یا کسی بدو داد دلیل کند که زنی با اصل بخواهد **یل** بدانکه
یل را مبارز خوانند اگر پادشاه بیند که مبارز شده بود دلیل کند که شوکت و قوت یابد و اگر عالمی بیند که مبارز شده
بود دلیل کند که در علم خود یگانه شود و اگر سپاهی این خواب بیند بر دشمن ظفر یابد و اگر درویشی بیند احوال او نیکو شود
جابر مغربی گوید اگر بیند که با کسی مبارزت میکرد و اگر آن کس را قهر کرد دلیل کند که دشمن را قهر کند و اگر غالب نشد برخلاف این باشد
یوز ابن سیرین گوید که یوز در خواب دشمن بود که دشمنی خود ظاهر کند و اگر بیند که با یوز جنگ و نبرد میکرد دلیل کند که با
دشمن جنگ کند کرمانی گوید اگر بیند که یوز را بگرفت یا کسی بدو داد دلیل کند که با دشمن کینه ور دوستی و صحبت افتد امام ع
فرماید اگر بیند که با یوز طعام میخورد دلیل کند که از شر دشمن ایمن گردد و از وی خیر و منفعت یابد و اگر از یوز مضرت دید
دلیل کند که از دشمن وی را مضرت رسد والسلام علی من اتبع الهدی ۵ تمام شد کتاب کامل التعبیر بتاریخ

و یاری و نصرت پروردگاری خداوند یگانه بی‌شریک و نظیر در دست بنده حقیر فقیر بدست
فقیر و فاقه اسیر ملک محمد بن محمد حسن بروجنی چهار محالی در زمانی که بجهة
فوت سلطان عصر محمد شاه قاجار تمامی مردم در شدت خوف و خطر
بودند و اطراف و ولایات از اشرار و لصوص بسیاری هرزه گرفته
و اموال مردم و غارت تاراج نهب و غارت
میبردند بدین واسطه سد طریق
و سبیل شده بود خداوند
عالم وسیله ای سازد و چاره ای بفرماید که مردم از این ترس و اضطراب بیرون آیند این چند کلمه در شب شنبه پنجم ماه
ذی القعده الحرام سنه یکهزار و دویست و شصت و چهار هجری ۱۲۶۴ که بیست و هشت روز از فوت سلطان از رحلت شاه گذشت تحریر شد

[illegible]

دی [illegible] که [illegible] برادر که [illegible]

الحمد که در نعمت [illegible] جهان [illegible] که [illegible]

[illegible] که [illegible] که [illegible]